



مدیر شهری

نشریه علمی- پژوهشی مدیریت شهری و روستایی،
مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی
سال چهاردهم، پاییز ۱۳۹۴
شماره استاندارد بین المللی: ۲۲۲۷-۱۶۰۷

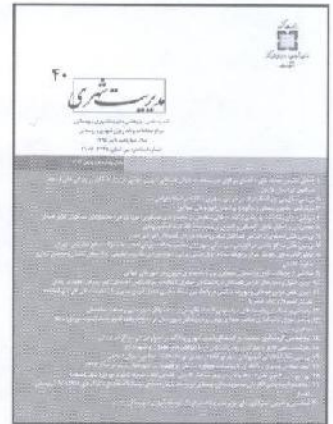
سال چهاردهم، پاییز ۱۳۹۴

۱. تحلیل تطبیقی تیمچه های با فضای مرکزی غیرمسقف به عنوان فضاهای شهری تجاری در بازار با تاکید بر ویژگی های تیمچه صرافیان در استان فارس
۲. بررسی و بازبینی جایگاه گرافیک در طراحی شهری با تاکید بر اسناد طراحی
۳. بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی
۴. ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان
۵. هنجاریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی پرسشنامه ارتقاء فرهنگ شهروندی
۶. بررسی نقش معماری در طراحی فضاهای شهری؛ نمونه موردی: فضاهای آموزشی مدرن
۷. بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش، تهران
۸. تحلیل انگاره های محیطی موثر بر مولفه معنا در بازار سنتی ایرانی؛ نمونه موردی: مقایسه تطبیقی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه کاشان
۹. خوانشی از جایگاه و نقش برندسازی معماری بر رقابت پذیری شهری در شهرهای جهانی
۱۰. تبیین اصول و معیارهای طراحی فضاهای بازداشتگاهی شهری با تاکید بر روانشناسی اجتماعی؛ مورد پژوهی: معماری زندان
۱۱. تبیین نقش هوش هیجانی و مهارت سیاسی در رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین مدیران با رضایت شغلی کارکنان (مطالعه موردی شهرداری بندرعباس)
۱۲. رهیافتی بر شناسایی بایسته های سیاستهای اقتصاد مقاومتی بر سیاستهای شهرسازی و صنعت ساختمان
۱۳. بررسی میزان تاثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت (نمونه موردی: محله ساغری سازان)
۱۴. تبارشناسی گردشگری سلامت بر گردشگری پذیر شهری با تاکید بر اصول طراحی مراکز آب درمانی
۱۵. معرفت شناسی فازی و سازگاری روش شناختی آن با پژوهش های معماری و شهرسازی
۱۶. بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد؛ در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی
۱۷. آینده شناسی مدیران و رابطه آن با پیشرفت عملکرد سازمان در شهرداری شهرستان دیلم در سال ۱۳۹۲
۱۸. بررسی تاثیر قانون تعاریف محدوده و حریم بر ساختار کالبدی- فضایی آینده شهرها (نمونه موردی: شهر مشهد)
۱۹. شناخت والویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال
۲۰. شناسایی و تدوین استراتژی های مؤثر مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر

- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد و مقاله‌های تحقیقی که به تأیید هیات تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.
- مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم می‌پذیرد. مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد.
- در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین در زیرنویس آورده شود.
- مقاله باید فقط بر یک روی صفحه کاغذ استاندارد (۳۰-۲۱ سانتیمتر) با دو فاصله ماشین تحریر و از هر طرف سه سانتیمتر حاشیه، در سه نسخه خوانا تهیه و ارسال شود.
- صفحه اول باید شامل نام و نشانی کامل و شماره تلفن نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.
- متن مقاله باید به ترتیب شامل عنوان (بدون نام نویسنده)، سه تا پنج کلمه کلیدی در مورد زمینه تحقیق، خلاصه، مقدمه، روش بررسی، نتایج بحث و نتیجه‌گیری، تشکر، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع باشد.
- خلاصه انگلیسی باید بر روی یک صفحه جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده (ها)، کلمات کلیدی، متن، نشانی کامل (به صورت زیرنویس) باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه فارسی و یک خلاصه انگلیسی باشند.
- جدولها به تعداد محدود با شماره و عنوان ماشین شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن تمیز و بدون خط خوردگی، هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- شکل‌ها و نمودارها فقط در موارد بسیار ضروری و به تعداد محدود با کیفیت خوب، بر روی کاغذ براق کشیده و یا چاپ شده با شماره عنوان، توضیح و منبع در زیر آن هر کدام بر روی یک صفحه جداگانه آورده شود.
- محل قرار دادن جدولها، نمودارها و شکل‌ها در متن باید با علامتی در حاشیه مقاله تعیین شود.
- تنها منابعی باید در پایان مقاله ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد و از ذکر منابع مشابه و کم اهمیت خودداری شود.
- منابع مورد استفاده باید بر روی صفحه (ها) جداگانه، با شماره ردیف، به ترتیب الفبایی حروف اول نام خانوادگی نویسنده (ها)، سال انتشار داخل دو نقطه، عنوان کامل مقاله، نام انحصاری مجله، شماره دوره و یا جلد، شماره صفحات (اول تا آخر مقاله) آورده شود و در متن مقاله فقط به نام نویسنده و سال انتشار (داخل پرانتز و شماره صفحه) اشاره شود.
- در صورت استفاده از منابع فارسی و خارجی، باید ابتدا کلیه منابع فارسی و سپس کلیه منابع خارجی به ترتیب یاد شده در بالا با شماره ردیف مسلسل آورده شود.
- در مورد کتاب، مشخصات کامل کتاب، ناشر و محل نشر ذکر شود.
- هیات تحریریه در رد و قبول مقالات رسیده مجاز است.
- نویسندگان مسئول محتوی و پاسخگوی نظریات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود می‌باشند.
- جهت تهیه مقالات به زبانهای خارجی، به راهنمای انگلیسی مندرج در صفحه داخل جلد طرف دیگر مجله مراجعه شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ





مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، بلسوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری و روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، تلفن: ۰۲۰۸۳۹۰۶۳۹، دورنگار: ۸۸۹۷۷۹۱۲، کد پستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

درگاه اینترنتی ارسال مقالات
<http://ijurm.imo.org.ir>

سامانه فروش الکترونیکی
<http://safta.imo.org.ir>

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
انتشارات

Site: www.imo.org.ir

E-mail: JModiriyatshahri@gmail.com

صاحب امتیاز: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور

مدیر مسئول: مهندس هوشنگ خندان دل

سر دبیر: محمدرضا بمانیان

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

- دکتر ایرج اعتصام، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)
- دکتر بهناز امین زاده، دانشیار دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران
- دکتر محمدرضا بمانیان، استاد تمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر مصطفی بهزادفر، استاد تمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
- دکتر محمدرضا پورجعفر، استاد تمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- دکتر داراب دیبا، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران (بازنشسته)
- دکتر محمود طاووسی، استاد تمام دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (بازنشسته)
- دکتر محمد مهدی عزیزی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- دکتر علی عسگری، استاد برنامه ریزی مخاطرات محیطی، دانشگاه یورک (تورنتو) کانادا
- دکتر علی غفاری، استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر علی اکبر فرهنگی، استا دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران
- دکتر محمود گلابچی، استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
- دکتر غلامرضا لطیفی، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
- دکتر ناصر میرسپاسی، استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی
- دکتر محمد نقی زاده، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی

دبیر تحریریه: دکتر هادی محمودی نژاد

امور اجرایی: مهدی شهریاری

کمیته اجرایی: ابوذر دلفارادی، نیما متین فر، فاطمه عباسی صفت

ویراستار انگلیسی: میثم حیدر اولاد و محمد زرقانی

ویراستار فارسی: امیر اشراقی و فتانه رحمانی

صفحه آرایی: حامد یعقوبی (پایش و پوشش) payeshpouyesh@gmail.com

چاپ: اسری

درجه علمی - پژوهشی نشریه «مدیریت شهری» طی شماره ۳/۱۱/۳۷۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۷ دبیرخانه «کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور» وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

این نشریه در پایگاه ها و درگاه های زیر نمایه می شود:

- «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)» (www.ISC.gov.ir)
- «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)» (www.SID.ir)
- «بانک اطلاعات نشریات کشور» (www.Magiran.com)
- «درگاه پژوهشکده مدیریت شهری و روستایی» (www.IMO.org.ir)
- «پایگاه مجلات تخصصی نور» (www.noormags.com)
- «سیستم شناساگر دیجیتالی نشریات علمی» (www.doi.org)
- «پایگاه اطلاعات علمی شهری و روستایی» (www.rur.ir)
- «پرتال جامع علوم انسانی» (www.ensani.ir)

مدیریت شهری

شماره ۴۰ پاییز ۱۳۹۴

No.40 Autumn 2015

۵-۶

فهرست مطالب

۱. تحلیل تطبیقی تیمچه های با فضای مرکزی غیرمسقف به عنوان فضاهای شهری تجاری در بازار با تاکید بر ویژگی های تیمچه صرافیان در استان فارس ■ ۷-۲۲
علی پورجعفر، امیر صدرایی
۲. بررسی و بازبینی جایگاه گرافیک در طراحی شهری با تاکید بر اسناد طراحی ■ ۲۳-۴۶
منیره نادری
۳. بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی ■ ۴۷-۶۰
احمد امین پور، رامین مدنی، حامد حیاتی، محمد علی دلداده
۴. ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان ■ ۶۱-۸۰
ابولقاسم طیبی مسرور، صادق رضایی موید
۵. هنجاریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی پرسشنامه ارتقاء فرهنگ شهروندی ■ ۸۱-۱۰۶
علی همتی، رضا ابراهیم زاده دستجردی
۶. بررسی نقش معماری در طراحی فضاهای شهری؛ نمونه موردی: فضاهای آموزشی مدرن ■ ۱۰۷-۱۴۰
نیما انتصاری، سیاوش تیموری، مریم قاسمی سیجانی
۷. بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش، تهران ■ ۱۴۱-۱۵۸
شهرام ستاری فرد
۸. تحلیل انگاره های محیطی موثر بر مولفه معنا در بازار سنتی ایرانی؛ نمونه موردی: مقایسه تطبیقی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه کاشان ■ ۱۵۹-۱۷۶
زهرا عباسی، فرح حبیب، مصطفی مختاباد امرئی
۹. خوانشی از جایگاه و نقش برندسازی معماری بر رقابت پذیری شهری در شهرهای جهانی ■ ۱۷۷-۲۰۶
قاسم مطلبی، شاهین حیدری، شهرام شیرمحمدی
۱۰. تبیین اصول و معیارهای طراحی فضاهای بازداشتگاهی شهری با تاکید بر روانشناسی اجتماعی؛ مورد پژوهی: معماری زندان ■ ۲۰۷-۲۲۶
زیبا معصومی، روزبه نقشینه

۱۱. تبیین نقش هوش هیجانی و مهارت سیاسی در رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین مدیران با رضایت شغلی کارکنان (مطالعه موردی شهرداری بندرعباس) ■ ۲۳۷-۲۴۸ ■

حمید تابلی، آما فرامرزی، مهدی مصلحی

۱۲. رهیافتی بر شناسایی بایسته های سیاستهای اقتصاد مقاومتی بر سیاستهای شهرسازی و صنعت ساختمان ■ ۲۴۹-۲۶۸ ■

محمد مهدی بلندیان، سارا ناصری

۱۳. بررسی میزان تاثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت (نمونه موردی: محله ساغری سازان) ■ ۲۶۹-۲۸۴ ■

حمیدرضا باحقیقت منگودهی، رضا پرویزی، امیررضا کریمی آذری، سپیده نمازی جوکندان

۱۴. تبارشناسی گردشگری سلامت بر گردشگری پذیر شهری با تاکید بر اصول طراحی مراکز آب درمانی ■ ۲۸۵-۳۱۲ ■

فرزانه جلالیان، محمد رحمانی قصبه، مهران دشتی تهرانی

۱۵. معرفت شناسی فازی و سازگاری روش شناختی آن با پژوهش های معماری و شهرسازی ■ ۳۱۳-۳۳۶ ■

منصور یگانه، محمدرضا بمانیان

۱۶. بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد؛ در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی جاسب نیکفر، سارا اکبری ■ ۳۳۷-۳۵۰ ■

۱۷. آینده شناسی مدیران و رابطه آن با پیشرفت عملکرد سازمان در شهرداری شهرستان دیلم در سال ۱۳۹۲ ■ ۳۵۱-۳۶۲ ■

هوشنگ کنارکوهی

۱۸. بررسی تأثیر قانون تعاریف محدوده و حریم بر ساختار کالبدی- فضایی آینده شهرها (نمونه موردی: شهر مشهد) ■ ۳۶۳-۳۸۰ ■

محمد رحیم رهنما، براتعلی خاکپور، غلامرضا عباس زاده

۱۹. شناخت والویت بندی الگوهای صحیح مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال ■ ۳۸۱-۳۹۶ ■

گیتی مرادی اسطخ زبیر

۲۰. شناسایی و تدوین استراتژی های مؤثر مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر ■ ۳۹۷-۴۱۶ ■

ابراهیم حلاجیان، علی امین شاد

تحلیل تطبیقی تیمچه های با فضای مرکزی غیرمسقف به عنوان فضاهای شهری تجاری در بازار با تاکید بر ویژگی های تیمچه صرافیان در استان فارس

علی پورجعفر* - کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
امیر صدراپی - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران.

Comparative Analyses of Various Types of Uncovered Timchehes with Emphasis on Timcheh Sarafian

Abstract

Timchehes have a semi-public Persian-Islamic traditional urban space. These urban spaces can be classified into uncovered and covered sections. They are also used for socio-cultural activities in particular situations like ritual ceremonies of "Moharram". Urban spaces and related activities of Timcheh reached to its magnificent highest level of design and performance in Qajar era and a little ago. Design and construction of these sophisticated structures are the result of strong co operation of merchants and people participation. Existing Timchehes in all over the vast land of Iran like Timcheh Sarrafian, Timcheh Nasar, Timcheh Wakil and Timcheh Sarbaz are good examples of such building complexes users of Timchehes help together for designing and building such grand urban spaces. In This paper uncovered Timcheh will be studied through descriptive & analytical method. In conclusion, the specific features of various types of uncovered Timchehes will be determined. It will be also mentioned and explained that not only design of the Timcheh, but also multifunctional property, is what makes Timcheh Sarrafian a unique uncovered Timcheh in Iran.

Keywords: Traditional urban spaces, Uncovered Timcheh, Function, Timcheh Sarrafian.

چکیده

تیمچه ها را می توان فضاهای شهری سنتی ایرانی- اسلامی قلمداد نمود. این فضاهای شهری را به طور کلی می توان به دو گونه دارای فضای مرکزی مسقف و غیرمسقف تفکیک کرد. کاربری اصلی اکثر این گونه فضاهای شهری سنتی، تجاری- تخصصی است. این فضاها در زمان های خاص به فعالیت های فرهنگی- مذهبی نیز پاسخگو می باشد؛ در حالی که توسعه فرهنگ این گونه فضاهای شهری در بین جامعه طراحان شهری، کسبه بازار و شهروندان از دیرباز استمرار داشت، عملکرد، فضا و کالبد تیمچه در دوره صفویه و به طور خاص، دوره قاجار در راستای کمال گرایی طراحی شهری به خوبی تجلی و تبلور فیزیکی یافت. بازاریان و تجار ایرانی برای استقبال از مشتریان داخل و خارج خود، تهیه و تدارک ایجاد فضایی عمومی و مجلل را وظیفه خود می دانستند و به راحتی برای طراحی و ساخت و ساز آن مشارکت، همکاری و هزینه می کردند. تیمچه های موجود در سراسر گستره پهناور ایران، همچون تیمچه صرافیان، تیمچه ناسار، تیمچه وکیل و سرباز دلیلی بر این مدعاست. فضای عمومی این تیمچه ها تا حدودی چند عملکردی می باشد، به طوریکه این فضاهای شهری تخصصی تجاری در دهه محرم به راحتی تغییر کاربری داده و برای برنامه های مذهبی- فرهنگی مورد استفاده عموم قرار می گرفته است. تغییر کاربری مربوط به ایام خاص با اراده مردم (به طور خاص تجار) و نه با خواست حکومت و دولت انجام می پذیرفته است. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی، ضمن اشاره به تیمچه های دارای فضای مرکزی غیرمسقف ناسار، وکیل، سرباز و صرافیان در کشور ایران و دسته بندی دو گونه تیمچه های مسقف و غیرمسقف، به ویژگی های تیمچه های گونه دوم، بویژه تیمچه صرافیان پرداخته می شود. ویژگی هایی همچون موقعیت این مجموعه، نحوه عملکرد آن، وسعت فضای باز مرکزی و شکل و فرم خاص بنا و نحوه ارتباط تیمچه با راسته اصلی بازار نسبت به دیگر تیمچه ها از یافته های این پژوهش محسوب می شوند. در پایان ضمن معرفی کامل تیمچه صرافیان از لحاظ عملکردی به عنوان نمونه تیمچه ای با فضای مرکزی غیرمسقف و منحصر بفرود، به تحلیل کالبدی این مجموعه با ارزش پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: فضاهای شهری سنتی، تیمچه غیرمسقف، عملکرد، تیمچه صرافیان.

مقدمه

متاخر انتظار مستمر این عنصر تجاری در معماری بازار، بالاخص از دوران صفویه به بعد طبیعی به نظر می‌رسد (امیرخانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۱). برای مثال مجموعه تاریخی بازار تبریز به عنوان یک بلوک شهری و یک سازمان اجتماعی تکامل یافته در میان بافت کهن تبریز است. بازار مذکور تیمچه‌های متعددی از انواع تیمچه‌ها را در خود جای داده است (Tehrani et al., ۲۰۱۲: ۵۳۸۲) این گونه فضاها را با در نظر گرفتن اینکه تحت کنترل گروهی خاص از تجار قرار داشته‌اند و امکان استفاده از آن‌ها در ایران اسلامی، در بیشتر اوقات شبانه‌روز برای عموم مردم فراهم بوده، می‌توان از جمله فضاهای شهری سنتی ایرانی اسلامی محسوب نمود. غالباً بازار دارای فضاهایی در انواع سرپوشیده و روباز (غیرمسقف) و مکت و حرکت است (نمودار شماره ۱).

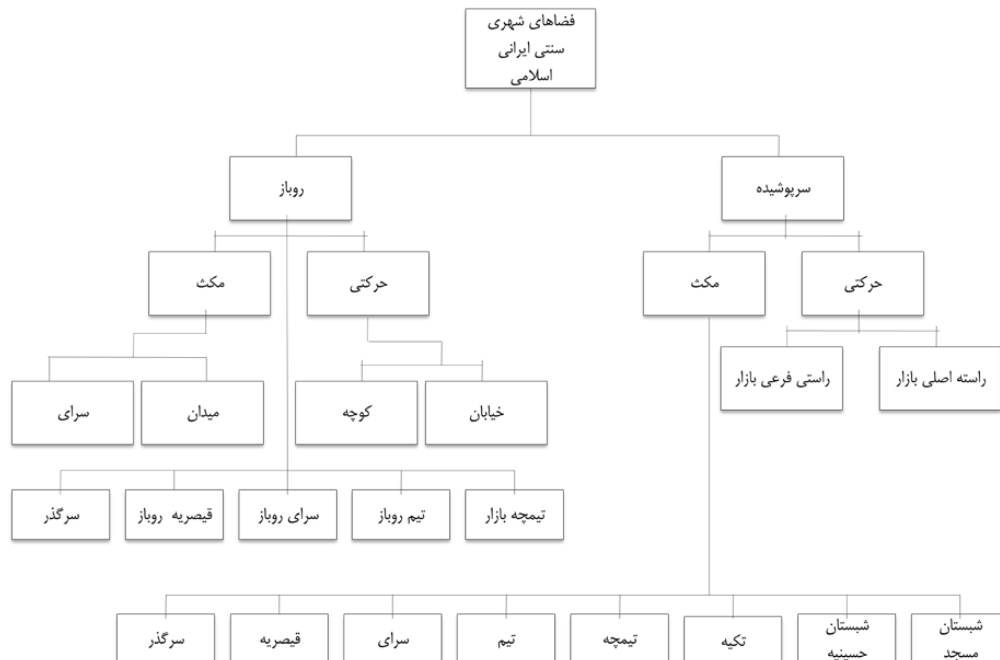
یکی از متاخرترین فضاهای شهری تجاری در ایران اسلامی، تیمچه‌های دوران قاجار است؛ فضاهایی که به عنوان کاروانسراهای کوچک به منظور تمرکز مشاغل خاص ساخته می‌شده‌اند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۰)، که نمونه‌های گوناگون آن‌ها در بازار

فضاهای شهری همچون سایر فضاهای بازار در شهرهایی که دارای فرهنگی غنی طراحی شهری در شهرسازی بوده‌اند، هر کدام متناسب با نوع و نیاز به آن شکل گرفته است. داد و ستد و تجارت از گذشته‌های دور و دوران کهن موجب استحکام روابط اجتماعی و توسعه روابط فرهنگی می‌شده که در توسعه اقتصادی نقش حائز اهمیتی داشته است (Edgu, Unlu, Şalgamcioglu, Mansouri, ۲۰۱۲: ۲). بازارهای سنتی ایران از جمله فضاهای شهری تجاری است که بستر داد و ستد و تجارت را فراهم می‌کرده‌اند و غالباً در گروه فضاهای حرکتی جای می‌گیرند. به علاوه بازارهای ایران مرکز کلیه فعالیت‌های اقتصادی بوده و از طریق داد و ستد موجب ارتباط بین مناطق مختلف می‌شده‌اند (Rotblat, ۱۹۷۵). داد و ستد و تجارت در تیمچه‌ها نیز به عنوان فضاهایی مهم از مجموعه فضاهای تشکیل دهنده بازار، وجود داشته است. با توجه به وابستگی غیرقابل انکار تیمچه به کالبد بازار و رونق کم و بیش بازارهای ایرانی بویژه در دوره‌های

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۸ ■



نمودار ۱. دسته بندی فضاهای شهری سنتی ایرانی - اسلامی؛ ماخذ: پورجعفر، ۱۳۹۱.

شهرهای شیراز، تهران، تبریز، کاشان، سمنان، یزد، قم و قزوین قرار دارد. در این مقاله ابتدا به بررسی واژه تیمچه و معنای لغوی و تخصصی آن پرداخته می شود و تعاریف گوناگونی که برای آن بیان شده است ارائه می گردد. در ادامه پس از معرفی ۴ نمونه از تیمچه های غیرمسقف به عنوان فضاهای شهری تجاری- تخصصی، به تحلیل و مقایسه آن ها پرداخته و در نهایت یافته های حاصل بیان می شود. در پایان نیز نتایج حاصل از مطالعات بعمل آمده در این پژوهش بیان می گردد.

۲. مبانی نظری

واژه «تیم» به معنای کاروانسرای بزرگ و تیمچه به معنای تیم کوچک، بازار و کاروانسرای کوچک (به نقل از دهخدا)، جوبه و پاساژ (فرانسوی) می باشد (رفیعی سرکشی، رفیع زاده، رنجبر کرمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷). ریشه واژه تیم از زبان چینی «تی. ان» برابر دکان است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴). این واژه همچنین به معنای بنایی است تجاری، معمولاً شامل حیاطی در میان حجره ها یا دکان های مختلف در یک یا چند طبقه در پیرامون آن (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲۲). در فرهنگ معین این واژه بعنوان سرایی، دارای چند دکان که تاجران در آن داد و ستد کنند معنی شده است (معین، شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۷۲۴۱). به طور کلی تیم واژه ای ایرانی است و در لغت شناسی، به هر چیز گرد و جمع و جور گفته می شود (سامانی به نقل از سلطان زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۷). به طور کلی با توجه به مطالعات بعمل آمده و مصاحبه با کسبه تیمچه ها و همچنین مشاهدات میدانی نگارندگان از نمونه تیمچه های غیرمسقف، تیمچه را می توان مکانی کوچک برای داد و ستد عده ای تاجر، بازرگان و مشتریان آن ها تعریف نمود که در موسم اعیاد و سوگواری به خصوص دهه محرم برای انجام مراسم سوگواری نیز مورد استفاده قرار می گرفته است. به بیان کریم قربانی (۱۳۸۲، ص ۶۹) تیمچه در واقع مرکز چند تجارت خانه بوده و به معنی مجموعه ای جمع و جور می باشد. تیمچه مکانی مهم برای

ملاقات بازرگانان است، یعنی جایی که بیشترین روابط شغلی برقرار می شود. اتاق های تیمچه عمدتاً بعنوان دفتر کار تجار بازار (حجره) مورد استفاده قرار می گیرد و به ندرت جنبه انباری یا فعالیتهای تولیدی را دارد. هر تیمچه از یک طرف با راسته اصلی بازار و از سمت دیگر با سرا یا کاروانسرای ارتباط داشت (بلاغی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۵). به عبارتی بیشتر تیمچه ها مفصل ارتباطی بین راسته بازار و سرا بوده است (محمد مرادی و دستمالچیان، ۱۳۸۴، ص ۲۵۳). در اکثر تیمچه ها بارانداز وجود داشته و سطح باراندازها پایین تر از سطح تیمچه ها بوده است (بلاغی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۵). تیمچه ها فضاهای تکین و منحصربفردی در فرهنگ طراحی شهری ایرانی- اسلامی محسوب می شوند. اکثر این فضاها اگرچه بیشتر برای فعالیت های تجاری، برنامه ریزی، طراحی و معماری شده اند. لیکن در مواقع خاص برای فعالیت های فرهنگی- مذهبی (در مدتی کوتاه) به راحتی تغییر کاربری داده و بصورت یک فضای عمومی برای برگزاری مراسم سوگواری، اعیاد و جشن و سرور نیز مورد استفاده قرار می گیرند (پورجعفر و دیگران، ۱۳۹۲). از دوره صفویه تا اواخر دوران قاجار انواع تیمچه ها در گستره وسیع جغرافیایی ایران زمین بصورت سرپوشیده کامل و نیمه سرپوشیده با فضای مرکزی روباز برنامه ریزی، طراحی و ساخته شدند. از نظر موقعیت تمامی تیمچه ها در جوار راسته اصلی بازار مکانیابی شده اند. در این مقاله سعی در شناخت بیشتر و درک ویژگی های تیمچه های غیر مسقفی است که در گستره جغرافیای کنونی ایران موجودند. در پژوهش های اندکی که به طور مستقیم به بررسی تیمچه ها پرداخته شده، برای نمونه در برخی مقالات علمی پژوهشی چاپ شده همچون مقاله ای تحت عنوان «بررسی دگرگونی تناسبات حاکم بر تیمچه های ایران در دوران قاجار» (امیرخانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۳۹-۴۸) به اشتباه کلیه تیمچه ها فضاهای سرپوشیده برشمرده شده است و در بررسی انواع تیمچه ها به تیمچه های

سرباز که دارای فضای میانی غیرمسقفند، همچون تیمچه صرافیان در آباءه، تیمچه سرباز در قزوین، تیمچه ناسار در سمنان و تیمچه وکیل در یزد اشاره نشده است.

در برخی موارد تیمچه مشابه «سرا» توصیف گردیده است. بسیاری سرپوشیدگی تیمچه در مقایسه سرا را تنها تفاوت این دو عنصر (عناصر مکمل بازار) بر شمرده‌اند. قبادیان نیز تیمچه را از جهت مسقف بودن متفاوت با سرا می‌داند (قبادیان، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰). اما با توجه به معنای لغوی تیم و تیمچه و طراحی آن، که آن را به کاروانسرا مربوط می‌کند و مصداق‌هایی همچون تیمچه صرافیان آباءه، و سرباز قزوین، می‌توان با اطمینان بیان کرد که این گونه بناها الزماً مسقف نیستند. تیمچه‌های بدون سقف از نظر معماری شکل تکامل یافته کاروانسراهای باقی مانده از دوره صفویه هستند که البته تعداد آنها بسیار اندک است (پیرنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵). روند معماری و هنر ایران تا زمان فتحعلی شاه و محمد شاه، همچون زنجیری به هم پیوسته بود (پیرنیا، ۱۳۸۲، ص ۳۴۸). با توجه به وابستگی غیر قابل انکار تیمچه به کالبد بازار و رونق کم و بیش بازارهای ایرانی بویژه در دوره‌های متاخر انتظار مستمر این عنصر تجاری در معماری بازار، به طور خاص از دوران صفویه به بعد طبیعی به نظر می‌رسد (امیرخانی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۴۱). اسناد و نوشتارهای سیاحان و مورخان دوره صفوی و قبل از آن در رابطه با تیمچه‌ها که شامل سفرنامه آفاناس یوئیچ (آفانایویچ، ۱۳۵۴: ۳۳۴-۳۳۹)،

همچنین اسناد به جای مانده از اصطخری و مقدسی (همای شیرازی اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۶۵) که اکثراً به وجود تیمچه‌ها در اطراف بازار به دوران پیش از قاجار اشاره نموده‌اند، خود دلیلی بر این مدعاست. مهم‌ترین ویژگی اقتصاد ایران در دوره قاجار افزایش واردات کالاهای خارجی به کشور بود که طبعاً به گسترش بیش از پیش سراها و تیمچه‌ها انجامید. بدین ترتیب در دوره قاجار طرح‌های متنوعی از تیمچه‌ها پدید آمد و نمونه‌های متعددی از چنین فضاهای شهری تخصصی تجاری که بستر رقابت بازرگانان معتبر و تجار عمده را فراهم می‌نمود، طراحی و ساخته شد.

هر دو گونه تیمچه با فضای مرکزی مسقف و بدون سقف، در ایران موجود است. در پژوهش حاضر به موضوع تیمچه‌های غیر مسقف و انواع آن پرداخته خواهد شد. برای دسته‌بندی انواع تیمچه‌های غیر مسقف موجود، علاوه بر اشاره به دسته‌بندی تیمچه‌های مسقف و غیرمسقف (نمودار شماره ۲) از نظر شکل و فرم، به مطالعه و شناخت تیمچه‌های متعددی همچون سرباز در قزوین، ناسار در سمنان و صرافیان در آباءه از طریق مطالعات میدانی و اسنادی پرداخته شده است.

۳. بحث و یافته‌ها

۳.۱. تیمچه صرافیان

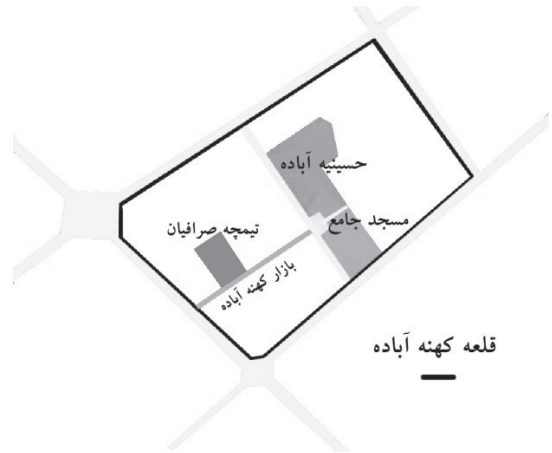
اثر تاریخی تیمچه صرافیان واقع در شهر آباءه و مرتبط با بافت شهری - بازار کهنه از بافت قدیم شهر آباءه محسوب می‌شود. - در تاریخ ۷/۲۳/۷۶



نمودار ۲. تیمچه‌های مسقف و غیر مسقف: ماخذ: پورجعفر، ۱۳۹۲.



تصویر ۲. نمای طبقات همکف و اول از درون حیاط تیمچه صرافیان؛ ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۱. موقعیت تیمچه صرافیان در بازار کهنه شهر آباده؛ ماخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. نمایی از داخل رواق پیرامونی حیاط تیمچه در طبقه همکف؛ ماخذ: نگارندگان

به شماره ۱۹۳۲ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (تصویر شماره ۱). شهر آباده در دشت سرد آباده در استان فارس قرار گرفته است که در میان رشته کوه های زاگرس و با منابع آب کافی و بارش برف و یخبندان در زمستان همراه است (اسلامی، ۱۳۵۳). تیمچه صرافیان در دوره قاجاریه بنا شده است؛ اما بر خلاف گفته اسلامی، با توجه به قرارگیری تیمچه مذکور در کهن ترین بخش آباده (قلعه کهنه) که مربوط به قبل از قاجار است و اشاره جمشید صداقت کیش در کتاب «شاه اسماعیل سوم و تاسیسات زندیه در آباده» مبنی بر رونق اقتصادی این شهر در زمان حضور شاهزاده صفوی برای گذران دوران تبعید- شاهزاده صفوی توسط کریم خان زند در سال ۱۱۸۰ ه.ق تبعید شده است- (صداقت کیش، ۱۳۹۰)؛ به نظر می رسد که تیمچه صرافیان پیش از شکل گیری دوره قاجار و در زمان شکل گیری زندیه احداث شده باشد؛ بنابراین احتمال اینکه تیمچه صرافیان مربوط به دوره قاجار باشد بسیار ضعیف به نظر می رسد.

تیمچه صرافیان در میانه بازار کهنه شهر آباده واقع است. این تیمچه را می توان یکی از بزرگترین تیمچه های شامل فضای مرکزی غیر مسقف دانست. طاق ورودی تیمچه صرافیان دارای گچ بری های

زیبایی است. طرح ساختمان آن با تیمچه مسعودی آباده که حدودا در مقابل آن در حاشیه بازار قرار گرفته است، تفاوت کلی دارد و دارای وسعت بیشتری است. بر روی بام دالان ورودی دو بادگیر زیبا بنا شده که هشت پنجره مشبک با گچ بری بر روی آن دیده می شود. حجره های داخل تیمچه دو طبقه است و کف آن به همان صورت اولیه سنگفرش به جای

است. تیمچه در گوشه جنوب شرقی تکیه ناسار مربوط به بافت تاریخی شهر و راسته بازار سمنان واقع شده است (تصویر شماره ۴). پلان تیمچه بر پایه مربع مستطیل و در ۲ اشکوب بنا شده که در هر طبقه دارای چندین اتاق و حجره می باشد. دور تا دور حیاط تیمچه را اتاق های سه دری نسبتا بزرگی احاطه کرده است (تصویر شماره ۴). ارتباط طبقه همکف و اول با پلکان برقرار می گردد. طبقه اول نیز دارای اتاقک های متعددی است. برخی از اتاق های طبقه اول مشرف به حیاط تکیه مجاور است. همچنین برخی اتاق ها دارای درهایی ست مرتبط با بالکن های پیرامون تکیه که در زمان مراسم سوگواری به منظور استقرار زنان استفاده می شود. در سمنان تکیه ناسار نیز یک فضای عمده شهری محسوب می شود (تصویر ۵) (کیانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

این تیمچه دارای قدمتی حدود ۱۵۰ سال است. در این تیمچه کار تجارت انواع و اقسام مایحتاج مردم از قبیل برنج، آرد، قند، چای و غیره صورت می گرفته است. مصالح اصلی به کار رفته در تیمچه خشت و گل است و در بعضی نماها آجر به کار رفته است. هم اکنون این بنا بعنوان انبار برخی از کسبه بازار مورد استفاده قرار می گیرد. این تیمچه در محدوده حریم راسته بازار سمنان قرار گرفته است (محمدخانی، ۱۳۸۰). تیمچه ناسار اگرچه دارای فضای مرکزی محدودی است اما در زمان مراسم های آئینی در کنار تکیه ناسار به عنوان فضای شهری در بازار سمنان ایفای نقش می کند.



تصویر ۴. نمایی از طبقات همکف و اول تیمچه ناسار؛ ماخذ: نگارندگان.

خود باقی است. در داخل و انتهای حیاط سه حوض سنگی در مجاور هم قرار دارند. پلان تیمچه مذکور چهار ضلعی است که در سه ضلع آن هجده ستون آجری وجود دارد. تزئینات تیمچه صرافیان شامل گچ بری، کاربندی و مقرنس کاری های زیبا در ایوان ورودی و دیگر ایوان ها و قسمت بالای ستون های آجری و ازاره های سنگی می باشد (تصاویر شماره ۲ و ۳). مصالح به-کار رفته در آن عبارتند از: سنگ، آجر و گچ. درهای قدیمی این تیمچه هنوز به جای خود باقی است. فضای مرکزی غیر مسقف تیمچه در ترازوی پایین تر از رواق پیرامونی آن و حجره ها قرار دارد.

۲،۲. تیمچه ناسار

تیمچه ناسار در دوره قاجار در شهر سمنان که در منطقه ای با آب و هوای گرم و خشک قرار گرفته، ساخته شده است. دراصل بنای تیمچه دخل و تصرفی دیده نمی شود. این بنا بشماره ۵۶۵۶ در تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۲۵ در فهرست آثار ملی ثبت گردیده



تصویر ۵. تکیه ناسار ماخذ: فرخنده، ۱۳۷۸.

۳.۳. تیمچه سرباز

تیمچه سرباز، از گونه‌هایی با فضای مرکزی بدون سقف، در بازار قزوین است. نام سرباز هم بیشتر به همین دلیل برای آن استفاده شده است. این تیمچه در خیابان امام خمینی و در مجموعه بازار در شمال قیصریه قرار گرفته است که از غرب به بزازها، از جنوب به قیصریه و به فاصله اندکی از تیمچه سرپوشیده محدود می‌شود. این بنا یکی از آثار ارزشمند دوره صفوی در مجموعه بازار است که به تنهایی نیز واجد ارزشهای فرهنگی، تاریخی و دارای معماری سنتی و خاصی می‌باشد. این بنا در تاریخ ۷۸/۶/۲ با شماره ثبتی ۲۴۰۸ در آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (فرخنده، ۱۳۷۸). بنای تیمچه سرباز به همراه سرای رضوی و تیمچه سرپوشیده که در طرفین قیصریه شیخ الاسلام قرار گرفته اند، به دستور یک نفر و به احتمال قوی به امر شاه طهماسب صفوی ساخته شده اند. با توجه به اینکه مسجد النبی نیز به بناهای فوق پیوسته اند، به نظر می‌آید که تمامی آن‌ها برای تامین هزینه مسجد و تعمیرات آن احداث شده باشند. اگرچه در ظاهر بانی ساخت مسجد، فتحعلیشاه قاجار بوده و این بناها جزء آثار دوران قاجار شمرده می‌شوند، ولی به احتمال قوی سابقه ساخت بناهای فوق به دوران صفویه باز می‌گردد. در سیاحتنامه شاردن نیز اشاره شده که مسجدشاه در زمان شاه اسماعیل صفوی بنا گردیده و در دوران قاجار اقدام به تعمیر آن شده است (محمد مرادی و دستمالچیان، ۱۳۸۴، ص ۲۵۴).

لچکی‌های طاق نمای حجره‌های تیمچه سرباز آن با کاشی‌های زرد و صورتی که نمایشگر صحنه‌های شکار، گل و بوته و پرندگان اند، تزئین گردیده‌اند. در ها نیز دارای ارسی‌های چوبی بسیار زیبایی می‌باشند (ایزدینیا و نجف‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). این تیمچه دارای حیاط مربع شکل است که پیش از این سنگفرش بوده و هم‌اکنون بیشتر آن با سیمان پوشش داده شده است. حجره‌ها در دو طبقه گرداگرد حیاط قرار گرفته است و حجره‌هایی که

در تقاطع اضلاع قرار دارند بصورت سه گوش ساخته شده‌اند. پایه بنای حجره‌ها تا ارتفاع ۱ متر از کف حیاط با پوشش سیمان و در بالا آجری است. برخی حجره‌ها دارای درهای ارسی (۳ دری) زیبا و در طاق نما دارای قاب هلالی شکل است که دارای تزئین‌گره چینی با چوب می‌باشد. حجره‌های ضلع جنوبی و شرقی در طبقه همکف بدون کاربری و بقیه بصورت انبار کالا دارای کاربری می‌باشد. این تیمچه دارای دو ورودی بوده که یکی در غرب بنا و دیگری در ضلع جنوبی آن قرار گرفته است. ورودی غربی که به مجموعه بازار متصل گشته است. در داخل با تزئینات رسمی بندی از ترکیب آجر و کاشی بوده و گنبدی مدور و عرق چینی شکل دارد. طاق نماهای طرفین این راهرو با قوس جناغی پوشش داده شده است. حجره‌ها که در تقاطع اضلاع و در داخل حیاط تیمچه قرار گرفته‌اند، به صورت ۳ حجره یا سه ورودی با ۳ در چوبی قوس دار و کم ارتفاع است که در عمق ۱ متری ساخته شده‌اند. پوشش سقف داخلی این حجره‌ها از ترکیب یک کاسه در مرکز و تزئینات رسمی بندی با استفاده از پاباریک‌ها و هماهنگی آجر و کاشی پذیرفته است. نمای خارجی دکان‌ها در بخش رخ بام و اتصال به طبقه دوم دارای آجر چینی ساده بصورت عمودی و با استفاده از یک ردیف کاشی فیروزه‌ای در بین آجرهاست. برای رسیدن به طبقه دوم این تیمچه ۶ راه پله وجود دارد که به عرض ۱ متر و ارتفاع تقریبی ۳ متر است. دارای دو قوس است که قوس بالایی بصورت قوس جناغی بسته با تزئین کاشیکاری است و قوس داخلی هلالی شکل می‌باشد. داخل این دو قوس با مقرنس کاری تزئینی گچی پر شده است. طبقه دوم دارای ایوان سرتاسری بصورت غلام گردش بوده و سقف ایوان بر ستون‌های چوبی باریک و ساده ای استوار گردیده که تعدادی از این ستون‌ها در ضلع شمالی باقیست. تعدادی از حجرات واقع در این تیمچه بصورت انبار کالا و جنس دارای کاربری بوده و برخی حجره‌ها در طبقه اول و مجموعه حجره‌ها در طبقه دوم فاقد



تصویر ۶. نمایی از حیاط مرکزی تیمچه و کیل یزد؛ ماخذ:

زارعی، ۱۳۸۱

مسقف آجر فرش است. درهای چوبی تعویض و درهایی از جنس آهن کار گذاشته اند. سطح دیوار های دورتادور با آجر نماسازی شده است (زارعی، ۱۳۸۱). فضای مرکزی این تیمچه با توجه به قرار گیری در کنار محور اصلی بازار محل مناسبی برای برگزاری مراسم آئینی جشن و عزاداری می باشد. علاوه بر این می تواند موثر بر ارتقاء میزان تعاملات اجتماعی شهروندان یزدی باشد.

۳.۵. مقایسه تطبیقی تیمچه های غیر مسقف

فضای مرکزی تیمچه های غیر مسقف از جمله فضاهای شهری تجاری است که با توجه به ویژگی ها و قابلیت ها نیازمند تحلیل و مقایسه است. در این قسمت موقعیت، زمان احداث، نسبت سطوح فضاهای غیرمسقف به مسقف و نحوه ارتباط کالبدی تیمچه ها با محور اصلی بازار و دیگر فضاهای مجموعه بازار در شهر مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرد. دولت صفویه که نقش بسزایی در توسعه فرهنگ طراحی شهری در تاریخ پر از فراز و نشیب ایران ایفا نموده است. در حالی که میراث های طراحی شهری و معماری ماندگاری را برایمان به ارث گذاشت، در سال ۱۱۳۵ ه.ق. سقوط کرد (صداقت کیش، ۱۳۹۰، ص ۳۳). زمان ساخت تیمچه ها یا مربوط به اواخر دوره صفویه بوده است و یا دوران قاجار (نمودار شماره ۳). بر اساس مستندات که در مبنای نظری پژوهش پیش رو می توان ادعا نمود که ساخت تیمچه ها به دلیل شرایط اقتصادی ایران در دوره قاجار موردتوجه



تصویر ۷. ورودی تیمچه و کیل یزد از بازار خان؛ ماخذ:

زارعی، ۱۳۸۱؛ تصویر ۸. حیاط تیمچه و کیل یزد ماخذ:

زارعی، ۱۳۸۱






کاربری فعال می باشند (فرخنده، ۱۳۷۸).

۳.۴. تیمچه و کیل

این بنا در اواخر سلطنت احمدشاه در شهر یزد (دارای هوای گرم و خشک) بنا شده و بشماره ۷۷۸۴ در تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۷ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. تعدادی ستون های سنگی شکسته و ناقص در حیاط تیمچه نشان از وجود حمای است که پیش از ساخت تیمچه وجود داشته است. ورودی تیمچه در بازار خان می باشد (تصویر شماره ۷). سطح حیاط تیمچه از تراز بازار پایین تر است (تصویر شماره ۶). دور تا دور حیاط تیمچه اتاق هایی در دو طبقه ایجاد شده است (تصویر شماره ۸).

در پشت اتاق های ضلع شمالی انبار می باشد که دسترسی به آن از طریق راهروهایی مرتبط با حیاط صورت می پذیرد. مصالح به کار رفته در بنا خشت، گل، آجر و گچ می باشد. کف فضای مرکزی غیر

جدول ۱. مشخصات تیمچه های مورد مطالعه؛ ابعاد به صورت تقریبی و بر اساس مقیاس نقشه ها ذکر گردیده است (به غیر از تیمچه صرافیان)

تصویر	ردیف	مساحت فضای مرکزی*	سال ساخت	موقعیت		نام تیمچه
				استان/شهر		
	۲	حدود ۲۵۰ مترمربع	دوره صفویه	قزوین/قزوین		تیمچه سرباز
	۲	حدود ۳۰ مترمربع	قاجار-حدود ۱۲۳۰ ش	سمنان/سمنان		تیمچه ناسار
	۲	حدود ۲۲۰ مترمربع	قاجار-حدود ۱۳۰۰ ش	یزد/یزد		تیمچه وکیل
	۲	حدود ۲۵۰ مترمربع	پیش از قاجار-حدود ۱۱۸۰ ق	آباده/فارس		تیمچه صرافیان

غیر مسقف

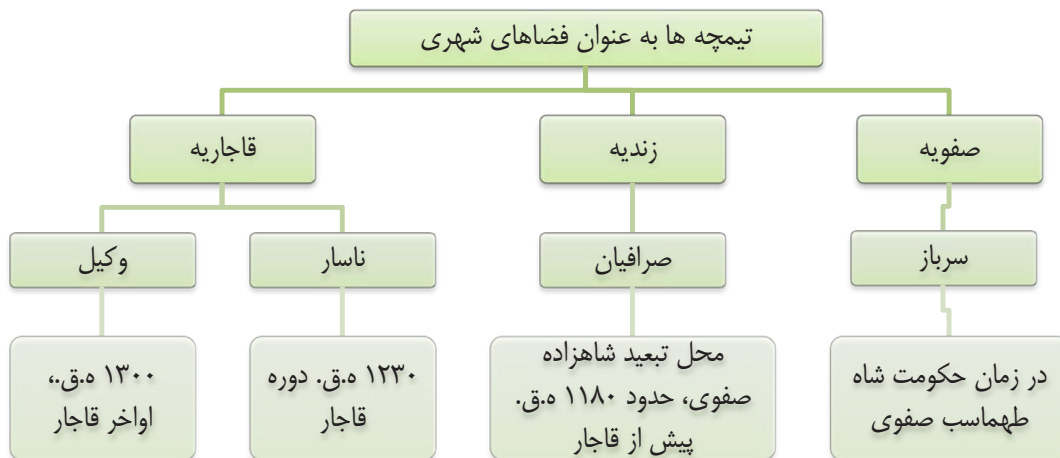
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۵

و عمود بودن محور تیمچه بر محور بازار، از ویژگی های مشترک و نحوه توزیع کاربری در طبقات، نحوه اتصال تیمچه به محور اصلی بازار، نوع تزئینات، مصالح بکار رفته در ساخت بنا، اقلیمی که تیمچه در آن قرار گرفته، نسبت سطوح سرپوشیده به سرباز و زیربنای هر یک از تیمچه ها از جمله تفاوت های آن هاست. به علاوه یکی از مهمترین نکات مشترک

ویژه قرار گرفت. به ترتیب تیمچه سرباز، تیمچه صرافیان، تیمچه ناسار و تیمچه وکیل در دوره های صفویه، زندیه و قاجار بنا شده اند. هر ۴ تیمچه غیر مسقف مذکور دارای ویژگی های مشترک و متفاوت از یکدیگر هستند. تعداد طبقات، وجود فضای مرکزی غیر مسقف، ارتباط حجره های تیمچه با محور اصلی بازار از طریق فضای مرکزی،



نمودار ۳. ترتیب زمانی ساخت تیمچه های غیرمسقف؛ ماخذ: نگارندگان.

(حجره ها و ورودی تیمچه)، نسبت به تیمچه های سرپوشیده دارای تنوع فضایی بیشتری هستند. یکی از بارزترین ویژگی های مشترک هر ۴ تیمچه عقب نشینی کالبدی در طبقه اول نسبت به همکف است که موجب کاهش محصوریت فضای حیاط مرکزی تیمچه ها شده است.





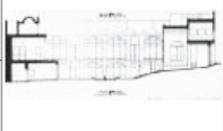

تیمچه صرافیان برخلاف ۳ تیمچه غیرمسقف دیگر، علاوه بر عملکرد تجاری در طبقه همکف و در طبقه اول دارای عملکرد اقامتی می باشد. قرارگیری تیمچه صرافیان در شهری که بر سر راه ارتباطی اصفهان و شیراز قرار دارد، می تواند یکی از علل موثر بر ایجاد عملکرد اقامتی در این تیمچه باشد.

* مساحت فضاهای مسقف و غیر مسقف در طبقه همکف تیمچه ها و در نتیجه، نسبتشان محاسبه گردیده است.

بنابراین مشاهده می شود که فضای مرکزی غیرمسقف تیمچه صرافیان نسبت به قسمت مسقف وسعت بیشتری را به خود اختصاص داده است. پس بزرگتر بودن نسبت مساحت فضای غیرمسقف مرکزی به فضاهای مسقف تیمچه صرافیان، در مقایسه با ۳ تیمچه دیگر نشان از اهمیت ویژه فضای مرکزی آن و پتانسیل مطلوب آن به عنوان یک فضای شهری تجاری- تخصصی و فرهنگی- مذهبی است.

که بنا بر بررسی های محلی بعمل آمده در هر ۴ تیمچه وجود داشته، استفاده از فضای حیاط مرکزی (غیرمسقف) تیمچه برای مراسم سوگواری و جشن می باشد. این قابلیت با اراده کسبه حجره های هر تیمچه عملی می شده است و جالب آنکه در هنگام برگزاری مراسم سوگ و شادی حجره ها تعطیل شده و کاربری تخصصی تجاری به فرهنگی- مذهبی تبدیل می گردیده است. اراده کسبه یک تیمچه برای تغییر کاربری موقت تیمچه در زمانی خاص، نشانگر مشارکت اجتماعی مطلوب و خودجوشی آنان است. این مهم یکی از امتیازات مثبت یک فضای شهری و به طور کلی بازار است. این نوع انعطاف در عملکرد به بنای تیمچه این امکان را می دهد که همواره پویا و سرزنده باشد و نه تنها صرفاً یک مکان تجاری تخصصی، بلکه مکانی فرهنگی- مذهبی باشد. عناصر کالبدی بازار همچون تیمچه ها بستری برای توسعه و شکل گیری سرمایه اجتماعی هستند. مراسمی که در این مکان به اجرا در می آید باعث تجمع مردم، همدردی و تعاملات اجتماعی می شود (پورجعفر، ۱۳۹۰، ص ۲۱۵). وجود سرمایه های اجتماعی در مکانی تجاری- تخصصی همچون تیمچه ضمانت کننده ماندگاری آن است. تیمچه های سرباز با توجه به وجود فضای غیرمسقف مرکزی، فضای نیمه باز (رواق پیرامون فضای مرکزی) و بسته

جدول ۲. مقایسه تطبیقی کاربری ها در طبقات، ماخذ: نگارندگان.

نام تیمچه	پلان/مقطع	کاربری در طبقات	تصویر	موقعیت
تیمچه صرافیان				
		در طبقه همکف کاربری تجاری و در طبقه اول اقامتی است.		
تیمچه ناسار				
		در طبقات همکف و اول کاربری تجاری است.		
تیمچه سرباز				
		در طبقات همکف و اول کاربری تجاری است.		
تیمچه وکیل				
		در طبقات همکف و اول کاربری تجاری است.		
راهنما				

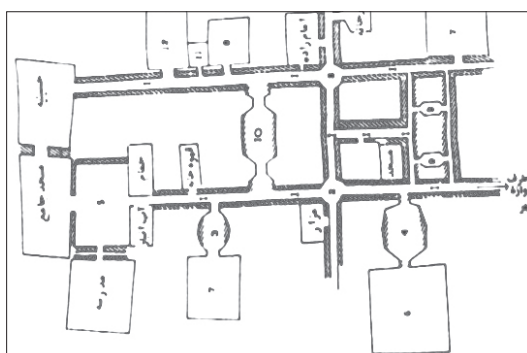
۳.۶. سلسله مراتب فضایی:

بازار در شهر ایرانی دارای عناصری است که همگی علی رغم تفاوت ها بر اساس سلسله مراتب فضایی مشخص حول محور اصلی بازار قرار گرفته اند (تصویر شماره ۹).

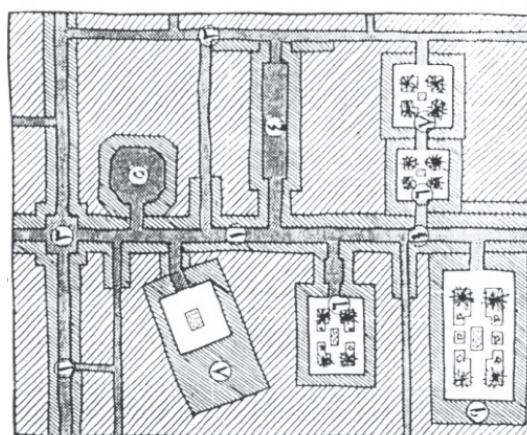
جدول ۳. مقایسه تطبیقی نسبت مساحت فضای مسقف و غیر مسقف در

تیمچه‌ها؛ ماخذ: نگارندگان.

نام تیمچه	پلان متشکل از فضای مسقف و غیر مسقف	نسبت فضای غیر مسقف مرکزی به مسقف*
ناسار		۰/۲۹
صرافیان		۰/۲۷
سرباز		۰/۱۴
وکیل		۰/۱۴



۱- راسته اصلی، ۲- راسته فرعی، ۳- چهارسوق، ۴- دالان، ۵- تیمچه، ۶- سرا (خان)، ۷- خانبار



تصویر ۹. سلسله مراتب فضایی بازار و موقعیت تیمچه در آن؛ ماخذ: سلطان زاده، ۱۳۷۲

به بازار متصل می‌گردد. همان گونه که بیان شد تیمچه‌ها از یک سو به محور بازار و از سوی دیگر به سرا یا بارانداز متصل می‌شوند. اما در برخی موارد با توجه به نوع کاربری تجاری تخصصی، تیمچه به سرا متصل نیست. برای نمونه، تیمچه صرافیان آباد به دلیل کاربری تخصصی خاص خود دارای یک درب ورود و خروج است. و به سرا یا بارانداز راه ندارد.

در این سلسله مراتب تیمچه‌ها معمولاً بعنوان فضای مکث حد فاصل محور اصلی بازار و سرای قرار دارند و یا اینکه خود تیمچه به تنهایی از محور اصلی بازار منشعب می‌شود و به سرای هم ختم نمی‌شود. برای نمونه تیمچه صرافیان از نمونه تیمچه‌هایی است که در کنار بازار بنا شده است و هیچ گونه سرایی پیرامون آن قرار ندارد. البته در نمونه‌هایی همچون تیمچه ناسار، تیمچه بواسطه تکیه ناسار

جدول ۴. مقایسه سلسله مراتب فضایی دسترسی به تیمچه؛
 ماخذ: نگارندگان.

نام تیمچه	سلسله مراتب فضایی
ناسار	
وکیل	
سرباز	
صرافیان	
	 محور خیابان محور بازار تیمچه تکیه

۴. نتیجه گیری و جمع بندی

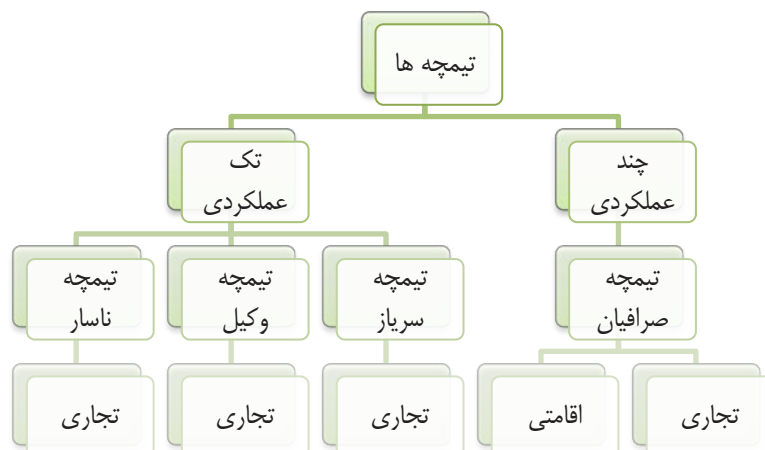
صرافیان در آباده (محل تبعید شاهزاده صفوی و اوایل دوره زندیه) بر می آید، به جرات میتوان اظهار کرد که: تاسیس، برنامه ریزی، طراحی و آغاز احداث تیمچه های غیر مسقف در دوره های صفویه و قاجار بوده است. با توجه به وجود تیمچه های غیر مسقف بررسی شده در این پژوهش، همچون: تیمچه های صرافیان در آباده، تیمچه سرباز در قزوین، تیمچه ناسار در سمنان و تیمچه وکیل در یزد، گفته برخی مقالات پیشین که کلیه تیمچه ها را فضاهای سرپوشیده بر شمرده اند، صحیح نمی باشد. همچنین، در ارتباط با

از مطالعات و تحلیل های صورت گرفته در این پژوهش نتایج زیر استنتاج می شود:

در ارتباط با دسته بندی کلی زمان احداث تیمچه ها بعنوان فضاهایی شهری: اگر چه در بسیاری از مطالب منتشر شده کلیه تیمچه ها را به دوران قاجاریه نسبت داده اند؛ لیکن چنانچه از اسناد مکتوب به جای مانده که در متن مقاله به آن اشاره گردید و محل استقرار تیمچه های غیرمسقف همچون تیمچه سرباز قزوین (استقرار اولیه در زمان حکومت صفوی) و تیمچه

منابع و مآخذ

- اظهارات ذکر شده در مقالات منتشر شده پیشین که تنها اقلیم را در مسقف بودن تیمچه‌ها موثر دانسته اند، نتایج حاصل در این پژوهش نشان می‌دهد که، در کنار ابعاد اقلیمی، ابعاد اقتصادی و اجتماعی (توان اقتصادی و برنامه‌های اجتماعی مذهبی) نیز در احداث تیمچه‌های غیر مسقف نقش موثری ایفا نموده اند. بدون شک قرارگیری همه تیمچه‌ها در کنار محور بازار و عمود بودن محور تقارن آن‌ها بر محور بازار وجه مشترک آن‌هاست. به جز مواردی اندک همچون تیمچه ناسار که بواسطه تکیه ناسار به بازار متصل می‌شود. شایان ذکر است که: در میان تیمچه‌های غیر مسقفی که در این مقاله بررسی شد، تیمچه صرافیان با توجه به کاربری تخصصی تجاری و پتانسیل برگزاری مراسم فرهنگی - مذهبی در سطح شهر، دارای کاربری اقامتی دائم نیز بوده است (نمودار شماره ۴). بنابراین تیمچه صرافیان با دارا بودن کاربری اقامتی در طبقه اول و کاربری تجاری در همکف از دیگر نمونه‌های مورد بررسی متمایز می‌باشد. تیمچه مذکور با توجه به نوع کاربری تجاری تخصصی که داراست، به سرا و یا باراندازی به طور مستقیم مرتبط نبوده و تنها یک درب ورود و خروج دارد. تیمچه صرافیان را می‌توان نمونه تیمچه‌ای منحصر بفرد و فضایی شهری و طراحی شده در سطح یک شهر کوچک دانست.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۴)، ریشه‌شناسی (اتیمولوژی)، تهران، ققنوس.
- اسلامی، الله قلی (۱۳۵۳)، گزارش ثبت تیمچه صرافیان در فهرست آثار ملی کشور (شماره ثبت: ۱۹۳۲)، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی استان فارس، آباده.
- امیرخانی، آرین و بقایی، پرهام و بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۸)، بررسی دگرگونی تناسبات حاکم بر تیمچه‌های ایران در دوران قاجار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، بهار ۸۸، صص ۴۸-۳۹، تهران.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ سخن، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران.
- ایزدنیا، میترا و نجف آبادی، سکینه، (۱۳۹۲)، بررسی بافت بازار و تاثیرات اجتماعی آن (نمونه موردی: بازار قزوین)، فصلنامه سازمان نظام مهندسی ساختمان قزوین، ش ۴۳، تابستان ۱۳۹۲، قزوین.
- بلاغی، عبدالحججه (۱۳۸۶)، گزیده تاریخ تهران، تهران.
- زارعی، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، گزارش ثبت تیمچه وکیل در فهرست آثار ملی کشور (شماره ثبت: ۷۷۸۴)، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی استان یزد، یزد.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی فضاهای



نمودار ۴. دسته بندی عملکردی تیمچه‌های غیر مسقف؛ مآخذ: نگارندگان.

- شهری، جزوه نظریه ها در طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۲)، تیمچه ها به عنوان فضاهای شهری تکین طراحی شهری ایرانی-اسلامی با تاکید بر تیمچه بزرگ قم، همایش ملی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی-ایرانی، قم.
- پورجعفر، محمدرضا و پورجعفر، علی (۱۳۹۰)، نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت اقتصادی بازارهای سنتی ایران، فصلنامه مدیریت شهری (ویژه نامه اقتصاد شهری)، بهار ۱۳۹۰، ش ۲۷، تهران.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۲)، سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ دوم، انتشارات پژوهنده، تهران.
- رفیعی سرکشی، بیژن و رفیع زاده، ندا و رنجبر کرمانی، علی محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ مهرازی (معماری) ایران، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- سامانی، قدسیه (۱۳۸۹)، بررسی معیارهای طراحی شهری بازارهای سنتی و به کارگیری آن ها در طراحی فضاهای شهری معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۷۲)، برخی از خصوصیات شهرسازی و معماری بازارهای ایران، مجموعه مقالات سمینار بازار در فرهنگ و تمدن جهان اسلام، دانشگاه تبریز.
- سلطانی، فرخنده (۱۳۷۸)، گزارش ثبت تیمچه سرباز در فهرست آثار ملی کشور (شماره ثبت: ۲۴۰۸)، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی قزوین، قزوین.
- صداقت کیش، جمشید (۱۳۹۰)، شاه اسماعیل سوم و تاسیسات زندیه در آباد، انتشارات آوند اندیشه، بنیاد فارس شناسی، شیراز.
- قبادیان، وحید (۱۳۸۴)، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- قربانی، کریم (۱۳۸۲)، احیاء و ساماندهی فضاهای تجاری/سنتی شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، معماری ایران دوره اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران.
- محمدخانی، احمد (۱۳۸۰)، گزارش ثبت تیمچه ناسار در فهرست آثار ملی کشور (شماره ثبت: ۵۶۵۶)، میراث فرهنگی استان سمنان، سمنان.
- محمدمرادی، اصغر و دستمالچیان، محمدجواد (۱۳۸۴)، پیشنهاد روشی برای آسیب شناسی تک دانه های بازار؛ نمونه موردی: تیمچه سرباز در بازار قزوین، مجله اثر، ش ۳۹ و ۳۸، تهران.
- معین، محمد و شهیدی، جعفر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- همای شیرازی اصفهانی، جلالالدین (۱۳۸۴)، کتاب تاریخ اصفهان، چاپ اول، موسسه نشر هما، تهران.
- وفایی، سمانه و فربود، فریناز (۱۳۹۰)، جایگاه عنصر تزئینی تیمچه بزرگ بازار قم در عصر قاجار، کتاب ماه هنر (۱۶۱)، تهران.
- Edgu, Erincik, Unlu, Alper, Şalgamcioglu, Mehmet Emin, Mansouri, Ashkan, (2012). Traditional Shopping: A Syntactic Comparison of Commercial Spaces in Iran and Turkey, Eighth International Space Syntax Symposium, Chile.
- Rotblat, H. J. (1975). "Social organization and development in an Iranian provincial bazaar" Economic Development and Cultural Change 23(2).
- Tehrani, F. and Aynечи, s. and HoseiniFoojerdi, F., (2012), Organizing plan of Amir Sara and Timcheh Complex, Journal of Basic and Applied Scientific Research.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۲۲ ■

بررسی و بازبینی جایگاه گرافیک در طراحی شهری با تاکید بر اسناد طراحی

منیره نادری* - گروه گرافیک، واحد فارسان، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.

Graphic position in urban design, case study: urban design documents

Abstract

Today, the field of urban design methodology for achieving socio-economic value derived from the optimal design of a variety of species, especially the construction of the buildings owned by the public sector in urban areas. The standards in directing and controlling urban design approaches for social, cultural, economic and environmental have impact on the quality of life in cities, and the "visual quality" and an important aesthetic issue. On the other hand, environmental graphic design and visual elements to improve the appearance of towns and cities rather than the possibility of improving urban life provided. In this paper, the issue of the status of graphic design and visual arts and its influence on the realization of the value of urban design, which is in the form of architecture and the built environment to guide the urban planning commission to determine the role of graphic design in this important deals. Finally, several cases related to the improvement of the status and potential role in improving the quality of urban graphic visual environment and promote urban landscape will be discussed.

Keywords: methodology, the value of urban design, urban graphics, the process of urban planning, urban design guidelines.

چکیده

امروزه حوزه طراحی شهری به دنبال حصول ارزش اقتصادی- اجتماعی منبعث از طراحی مطلوب در میان طیف متنوعی از گونه های ساختمانی به ویژه ساختمانهای متعلق به بخش عمومی در فضاهای شهری است. این معیارها در قالب ابزار هدایت و کنترل طراحی شهری و یا اسناد «ارزش محور طراحی» رویکردهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی در رابطه با ارتقاء کیفیت زندگی در شهرها داشته که موضوع «کیفیت بصری» و زیباشناختی شهرها از مهمترین این موضوعات می باشد. از سویی دیگر، طراحی گرافیک محیطی نیز به ساماندهی سیما و منظر شهرها و ابعاد و عناصر بصری شهر می پردازد تا امکان بهسازی زندگی شهری را فراهم آورد. در این مقاله به موضوع جایگاه طراحی گرافیک و هنرهای دیداری و میزان تاثیرگذاری آن بر تحقق پذیری ارزش طراحی شهری پرداخته می شود که در قالب «راهنمای ارزش طراحی شهری کمیسیون معماری و محیط مصنوع» به تعیین نقش طراحی گرافیک در این مهم می پردازد. نتایج و یافته های تحقیق نشان می دهد که علاوه بر کاربردهای معمول گرافیک در حوزه ارائه طرحها و کیفیت گرافیکی طرحهای ارائه شده شهری، می توان از گرافیک محیطی در نظام بصری شهری و ارزش های طراحی شهری بهره گرفت که بی شک ارتقاء کیفیت طراحی شهرها را نیز به همراه خواهد داشت. در پایان نیز به مواردی چند در رابطه با بهبود این جایگاه و یا نقش های احتمالی گرافیک شهری در بهبود کیفی محیط و ارتقا بصری منظر شهری پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: ارزش طراحی شهری، گرافیک شهری، فرآیند طراحی شهری، راهنماهای طراحی شهری.

تعریف طراحی شهری، بسته به اینکه این واژه در چه ارتباطی تعریف می شود، تفاوت‌هایی دارد. آیا منظور دانش طراحی شهری یا حرفه طراحی شهری و یا پروژه طراحی شهری است؟ چگونه می توان به صورت روشمند از دیگر هنرها در چرخه طراحی شهرها بهره گرفت؟ جایگاه برخی از رشته‌های خاص مانند گرافیک و هنرهای دیداری در این میان چگونه تعریف شده و یا بهتر است بگوییم چگونه تعریف می شود؟

در پاسخ باید گفت که نظر به ابعاد گوناگون طراحی شهری و به تبع آن پیچیدگی حوزه‌های دخیل در این امر، لزوم نگرش صحیح و علمی به بحث «روش‌شناسی طراحی شهری» می‌تواند در جهت پر کردن شکاف میان سه حوزه تأثیرگذار اشاره شده، مؤثر باشد. به طور کلی می‌توان سه روش «محتوایی، هنجاری و فرآیندی» را به عنوان نگرش‌های اساسی در برخورد با طراحی شهری بشمار آورد. با نگاهی اجمالی به این سه رویکرد و نتایج کسب شده می‌توان اذعان کرد، گرایش نظریه‌پردازان و متخصصین طراحی شهری در دهه‌های اخیر به نگرش فرآیندی، به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. فرآیند طراحی شهری به تحقق بخشی بسیاری اهداف همچون تعریف بهتر و کامل‌تر مسائل، در نظر گرفتن راه‌حل‌های متعدد و بهینه‌یابی، تسهیل فرآیند اجرا، کمک به تصمیم‌گیری و طراحی منطقی و... منجر می‌شود. اگر ارتقاء کیفیت محیطی در فضاها و مناطق شهری را به عنوان مهم‌ترین رسالت طراحان شهری پذیرفته شود، «راهنماهای طراحی شهری» در ارتباط با سایر هنرهای بصری و گرافیکی، ابزاری هستند که در جهت بروز و ظهور تمهیدات کیفیت بخش محیط استفاده می‌شوند و تحقق ایده‌های طراحانه را با بهره‌گیری از عوامل در ایجاد متون، تصاویر و نقشه‌های هدایت‌کننده در جریان طراحی شهری یا بصورت گرافیکی و گونه‌ای هنر دیداری، ممکن می‌سازند. در رابطه با طراحی شهری به مثابه دانش، حرفه و پروژه شهری می‌توان به

«سر استوارت لیپتون» در مقدمه کتاب متئو کارمونا با عنوان «ارزش طراحی شهری» در رابطه با مفهوم طراحی شهری در دوران جدید اشاره می‌کند که هدف طراحی شهری نوین تفکر درباره حصول ارزش اقتصادی- اجتماعی منبعت از طراحی مطلوب در میان طیف متنوعی از گونه‌های ساختمانی به ویژه ساختمانهای متعلق به بخش عمومی است (لیپتون، ۱۳۸۹؛ در مقدمه کتاب ارزش طراحی شهری). همچنین «هری استرنبرگ» در رابطه با تعامل «طراحی گرافیک» و «طراحی شهری» به این نکته اشاره می‌کند که «در معماری شهر، تیرآهن‌های ساختمان، از دیوارها، کفها، لوله کشی و ساختار محیطی محافظت می‌کند، درست همان کاری که نمای ساختمان انجام می‌دهد. در هر اثر گرافیکی ترکیب بندی و تلفیق عناصر، ساختار اصلی است که سایر عناصر درگیر را مورد حمایت قرار می‌دهد» (وایت، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

از سویی دیگر، «طراحی شهری» یک فرآیند خلاق است که با استفاده از قابلیت‌های رشته‌ها و تخصص‌های مختلف منجمله هنرهای بصری و گرافیکی برای خلق محیط‌های زیبا و دلنشین بکار گرفته می‌شود. بنابراین طراحان شهر باید کل‌نگر باشند و در راستای گردآوری متخصصان و کارشناسان در زمینه‌های مختلف هنری برای ایجاد یک طرح شهرسازی موفق عمل کنند. از آن جایی که ذات طراحی شهری و شهرسازی میان رشته‌ای است، ایجاب می‌کند که بسیاری اوقات شرکت‌های متخصص در طراحی شهری ترکیبی از تیم‌های معماران، معماران منظر و مهندسیین و برنامه‌ریزان شهری و طراحان هنری و «گرافیست‌های شهری» باشند.

از سویی دیگر، شناسایی و توضیح یک روش منحصر بفرد برای طراحی شهری و شناخت دقیق مفهوم «روش»، محوری برای نگرش به طراحی شهری به عنوان یک رشته است. نحوه نگرش و

بیان دیدگاه‌های زیر پرداخت:

دیداری و زیبایی‌شناختی را در عرصه‌های عمومی ارتقاء دهد.

در این مقاله به جایگاه گرافیک در طراحی شهری و معماری شهرها پرداخته شده و سعی گردیده است ضمن اشاراتی به عناصر و معیارهای مشترک بین آنها، امکان چگونگی تعیین این جایگاه در اسناد طراحی شهری تاحدودی تبیین و مورد بحث قرار گیرد.

ادبیات نظری تحقیق

روش‌شناسی طراحی شهری

«روش» یا method به معنای «در پیش گرفتن راه» است، چرا که meta یعنی «در طول»، و odos یعنی «راه». «روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دست‌یابی به شناخت یا

توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند. «در معنایی کلی‌تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه‌ای از روش‌ها که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود» (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴). «متد» در لغت به معنای «روش» است و «لوژی» پسوند فرانسوی و به معنی «شناخت» می‌باشد. پس متولوژی به معنای «روش‌شناسی» است که امروزه به عنوان شاخه‌ای از شناخت‌شناسی شناخته می‌شود و نیز به معنی «فلسفه علمی» در برخی کتابها آمده است.^۱ معنی واژه متد^۲ در لغت‌نامه انگلیسی «آکسفورد»^۳ به عنوان: «روندی به

۱. «طراحی شهری به مثابه دانش»، در تعامل انسان و محیط، به کیفیت‌های محیط زندگی شهروندان پرداخته و با توجه به نیازها و رفتارهای آنان در جهت تدوین و تبیین کیفیت‌های محیطی گام برمی‌دارد.

۲. «طراحی شهری به مثابه حرفه»، با توجه و تأکید ویژه خود بر کیفیت محیط زندگی، با سایر تخصص‌های امور محیطی، جهت ارتقای کیفیت محیطی با مردم همکاری و همفکری می‌کند.

۳. «طراحی شهری به مثابه پروژه طراحی شهری»، فعالیتی میان رشته‌ای است که در فرآیندی هماهنگ با سایر تخصص‌ها، به تثبیت یا ارتقای کیفیت زندگی در عرصه‌های عمومی می‌پردازد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۹).

در زمینه طراحی گرافیک در شهر نیز می‌توان به این تقسیم‌بندی تا حدود زیادی پایبند ماند؛ چراکه طراحی گرافیک در شهرها نیز موضع مشابهی داشته که به شرح زیر است:

۱. «طراحی گرافیک به عنوان دانش»: در این مورد طراحی گرافیک کیفیت بصری محیط زندگی شهروندان را شامل شده و سعی در ارتقاء کیفیت بصری شهر و ایجاد خوانایی و جذابیت برای شهروندان را دارد؛

۲. «طراحی گرافیک به عنوان حرفه»: تلاش دارد تا با تعامل با سایر حرفه‌ها و یا دخیل شده در آنها، به ایجاد محیط زندگی مطلوب در زمینه‌های بصری و زیبایی‌شناختی کمک کند؛

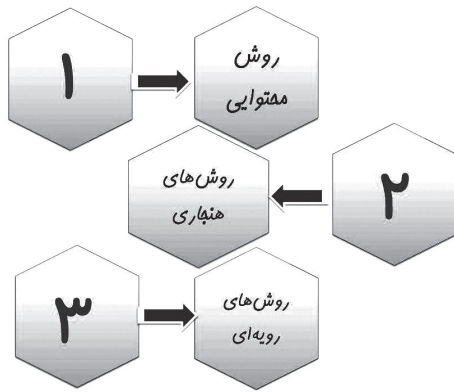
۳. «طراحی گرافیک به عنوان پروژه»: فعالیتی در تعامل با سایر هنرها و یا موضوعات حرفه‌های دیگر است که می‌تواند در آنها مداخله کند تا کیفیت

۱. واژه روش و مشتقات آن ممکن است در هفت معنا یا سطح به کار رود (حقیقت، ۱۸۳۱، صص ۳۳-۳۴):

۱- «روش معرفت»: اگر روش تاریخی و نقلی را جدا فرض کنیم، پنج روش معرفت خواهیم داشت: روش تاریخی، روش نقلی، روش فلسفی، روش شهودی و روش تجربی.

۲- «نوع استدلال»: گاهی روش به معنای نوع استدلال به کار می‌رود. از این حیث روش می‌تواند قیاسی یا استقرایی، لمّی یا اتّی یا غیر آن باشد.

۳- «روش‌ها یا فنون گردآوری اطلاعات»: برای جمع‌آوری اطلاعات از چهار روش عمده می‌توان بهره برد: روش مشاهده، روش پرسش‌نامه، روش مصاحبه و روش کتابخانه‌ای. به معنای دقیق کلمه، اینها فن تحقیق هستند، نه روش تحقیق. ←



نمودار ۱. انواع روشهای طراحی شهری در تعامل با طراحی گرافیک محیط؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس عباس زادگان، ۱۳۸۶.

۳. سوم حوزه «روش‌ها و نظریات رویه‌ای»^۴ (فرآیندی) است که اساس مفهومی آن مطلوب‌ترین و بهترین راه رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب می‌باشد. در فرآیند طراحی از روش‌های رویه‌ای، جهت محقق شدن طرح بهره می‌برند (عباس زادگان، ۱۳۸۶، ص ۳۸).

در این میان روش فرآیندی، فعالیتی عمدتاً نافع در کارهای کوچک تا بزرگ، و ساده تا پیچیده است. در این روش، یک پروژه طراحی شهری، هرچند پیچیده باشد، امکان تجزیه به اجزاء خردتر را داشته و قابلیت سفارش‌پذیری آن توسط تخصص‌های مربوطه موجود است. در روش فرآیندی قانونمندی و روش مندی قابل بیانی وجود دارد که سبب می‌شود

منظور دستیابی به یک هدف، فرمی خاص از فرآیند مطابق با هر رشته فعالیت ذهنی یا یک روش انجام کار به خصوص مطابق نقشه و قانونمند» معرفی شده و در فرهنگ لغت آمریکایی Heritage، متد ساده‌تر بیان می‌شود: «شاخص فرآیندها و تکنیک‌های یک رشته خاص یا شاخه علمی» (Cliff Moughtin, ۱۹۹۹، p.۱).

شناسایی و توضیح یک روش منحصر بفرد برای طراحی شهری و شناخت دقیق مفهوم روش، محوری برای توسعه موضوع به عنوان یک رشته است. طراحی شهری به عنوان دانش و حرفه‌ای میان‌رشته‌ای با سه روش به عنوان نگرش‌های اساسی برای ورود به حوزه‌های نظری روبروست. این روش‌ها عبارتند از:

۱. اول «روش محتوایی»^۴ که در خصوص روابط و چگونگی تعامل و ارتباط ویژگی‌های محیط کالبدی با رفتار و ادراک و احساس در محیط می‌پردازد. از این روش جهت شناخت ماهیت شهر استفاده می‌شود. در تئوری‌های محتوایی عموماً توجه معطوف به محصول و نتیجه کار است که از آن تعبیر به جهت‌گیری محصول‌گرا می‌شود.

۲. دوم حوزه «روش‌های هنجاری»^۵ است؛ توصیه‌ای است که در خصوص ارزش‌ها و ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب یا به عبارتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها نظریه‌پردازی می‌کند. این حوزه، ارزش‌های لازم را جهت ارتقای کیفیت زیست در شهر به دست می‌دهد.

۴- «روش تحلیل داده‌ها»: پس از گردآوری اطلاعات، نوبت به تحلیل آنها می‌رسد. روش تحلیل داده‌ها می‌تواند کلاسیک یا آماری باشد.

۵- «سطح تحلیل»: معمولاً در پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها از روش توصیفی - تحلیلی و امثال آن نام می‌برند. این معنای روش به سطح تحلیل نظر دارد. روش تحقیق به این معنا در نگاه کلی خود به دو روش توصیفی (به معنای اعم) و هنجاری تقسیم می‌شود.

۶- «نوع نگاه به موضوع»: محقق علاوه بر روش‌های گردآوری و روش تحلیل داده‌ها، به معنای دیگری نیز می‌تواند از روش پژوهش خود نام ببرد. پژوهشگر به موضوع مورد مطالعه خود می‌تواند با دید پدیدار شناسانه یا ساختار گرایانه یا هرمنوتیکی و امثال آن بنگرد.

۷- «روش شناسی»: در معنای آخر، روش شناسی به عنوان دانشی درجه دوم قرار دارد، که از دیدگاهی بالاتر به روش‌های تحقیق به عنوان دانشی درجه اول می‌پردازد.

ظاهراً برای سطح اول و دوم، اصطلاح انگلیسی dohtem، برای سطح سوم eqinhcet، برای سطح چهارم تا ششم dohtem hcraeser، و برای آخرین سطح ygolodohtem را به کار می‌برند. در سطح اول می‌توان از پنج نوع روش سخن گفت.

2. Method 3.Oxford 4.Substantive 5.Normative 6. procedural

به طراحی شهری با روشی قابل تعمیم و قابل دفاع، منظم و نظام یافته پرداخته شود (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷). فرآیند از خصیصه‌های بنیادین طراحی شهری معرفی می‌شود. دو دیدگاه فرآورده و فرایند دو قطب یک طیف را تشکیل می‌دهند که در طول طیف مزبور نقاط متعددی وجود دارند که ضمن گرایش نسبی به یک قطب خاص، به قطب دیگر نیز بی توجه نیستند (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۲۴).

بهتر، روشن‌تر و کامل‌تر مسائل، بهینه‌یابی و در نظر گرفتن راه حل‌های متعدد و متنوع، تسهیل فرآیند اجرا، تصمیم‌گیری و طراحی منطقی، تصمیم‌گیری به صورت باز و صریح (غیر پنهانی) و ایجاد زمینه‌های مشارکت جمعی، کمک به اخذ تصمیم‌گیری‌های پیچیده، تصحیح تصمیمات، ارزیابی و انتخاب، بالا بردن کارایی در طراحی، انتظام‌بخشی به مراحل مختلف طراحی و غیره اشاره نمود» (بهزادفر، ۱۳۸۷، ص ۴).

ارزش طراحی شهری

ارزش طراحی شهری، برخی از مهمترین پرسشهای مطرح درباره مفهوم مکان در معماری و طراحی شهری در جوامع مدرن را مطرح می‌نماید. طراحی شهری مطلوب، از چه طریقی قادر به ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی در جوامع است؟ چه طور می‌توان به ارزش‌های مطلوب اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و خاصه اقتصادی به شکلی دست یافت که کارفرمایان، سرمایه‌گذاران و سازندگان را مجاب نماید که طراحی مطلوب موجب ایجاد ارزش افزوده شده و محصول نهایی آنها را در بازار قابل رقابت تر می‌کند؟ (لیپتون، ۱۳۸۹، ص پیشگفتار). فعالیت طراحی شهری باید مجموعه‌ای از مطالبات بخش

برای کسانی که با این فرآیند آشنایی ندارند، طراحی تقریباً امری اسرارآمیز است که حاصل الهام هنرمندان است. رویکرد متضاد با نظر بالا طراحی را فعالیتی مسئله‌گشا می‌داند که به مسائل انتظام کالبدی برای پاسخ‌گویی به نیاز عملکردی توجه دارد (رابرتز، ۱۳۸۹، ص ۸۵). «فرآیند طراحی، بیشتر عقلانی و تجربی است تا آن‌که به صورت الهامی باشد. طراحی از طریق فرآیند استدلال قیاسی انجام می‌شود و نه استقرایی. در این فرآیند طراحی حاصل نهایی انباشت واقعیت‌ها نیست. برای تدوین یک راه حل طراحی شهری باید تجزیه و تحلیل و ساده کردن مشکلات مورد نظر را انجام داد. از جمله مهمترین دلایل استفاده از مفهوم فرآیند در طراحی شهری می‌توان به مواردی نظیر: کمک به تعریف

جدول ۱. اهداف عملیاتی طراحی شهری و ارزش پایدار؛ ماخذ: کارمونا، ۱۳۸۹، ص ۳۷.

ارزش‌های پایدار		
ارزش	ماندگاری؛ تداوم حیات اقتصادی	پشتیبانی زیست محیطی
اهداف	کاراکنتر	منفعت اجتماعی
اهداف عملیاتی طراحی شهری	تداوم و محصوریت	
	کیفیت عرصه عمومی	
	سهولت حرکت	
	خوانایی	
	انطباق پذیری	
	گوناگونی	

عمومی و خصوصی که بعضاً تفاوت‌های بسیاری نیز باهم دارند را پاسخ دهد. اگر بخش خصوصی به طور عمده خواستار «زیست پذیری و ماندگاری اقتصادی» طرح‌هاست، در مقابل بخش عمومی خواستار عدالت و مساوات اجتماعی است، عدالتی که اهداف بخش عمومی را از طریق فرایند توسعه برآورده سازد. لذا ۳ بعد ارزش، بهمراه هفت هدف عملیاتی مورد نظر سند معتبر By Design، مفهوم محدود «ارزش مبادله» را به تفکر بسط یافته تری تحت عنوان «ارزش پایدار» تبدیل می‌کنند (کارمونا، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

ابزار هدایت و کنترل و طراحی شهری

نیاز به کنترل و هدایت ساخت‌وسازها و توسعه مناطق شهری، منجر به تولید ابزار گوناگونی شده است که هر یک از آنها در سطح و مقیاسی متفاوت عمل می‌کند. این ابزار ذاتاً در حیطه خروجی‌های فرآیند محور طراحی شهری می‌گنجد، زیرا هدف آن‌ها اجرای پروژه‌های مشخص نیست. بلکه با وضع قوانین و ضوابط خاص در میان یا بلند مدت، اهداف ویژه‌ای را در محیط شهری تأمین می‌نمایند. «سند هدایت طراحی شهری» یک اصطلاح عام برای کلیه اسنادی است که سازندگان و طراحان (و سایر عوامل) به وسیله آنها توسعه و ساخت‌وساز در زمینه طراحی و برنامه‌ریزی را هدایت می‌کنند. اسناد مزبور می‌توانند توسط ادارات محلی، صاحبان زمین، سازندگان و شرکای آن‌ها، سازمان‌های تجاری و اجتماعی (که تمامی آن‌ها می‌بایست در فرآیند مذکور مداخله کنند) یا توسط تعدادی از آن‌ها به صورت گروهی تهیه شوند (گلکار، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

انواع ابزار کنترل و هدایت در طراحی شهری

طراح شهر و یا سازندگان، به منظور ارائه طرح و بسته به هدف موضوع به سلسله مراتبی از سطوح اسناد هدایت طراحی شهری نیازمندند. لذا به منظور تعریف بهتر و دقیق‌تر طرح پیشنهادی و انتظام بخشی به مراحل گوناگون طراحی، با در نظر گرفتن مقیاس و سطح طرح، سلسله مراتبی از گونه بندی اسناد کنترل و هدایت طراحی شهری از مقیاس کلان به

خرد عبارتند از: چارچوب‌ها، دستورالعمل‌ها، ضوابط یا کدهای طراحی و راهنماهای طراحی شهری.

چارچوب طراحی شهری

چارچوب طراحی شهری که معادلی برای Urban Design Frame work است، سندی است که در آن نحوه‌ی اجرای سیاست‌های برنامه‌ریزی را در منطقه‌ای که نیازمند کنترل، هدایت و اجرای تغییرات است، ارائه می‌نماید. این سند شامل تصاویری دو بعدی از الزامات زیرساختی در آینده است (Cowan, ۲۰۰۵, ۴۱۸). نکته حائز اهمیت در مورد این سند، دید به آینده در مقیاس بزرگتر آن نسبت به اسناد قبلی می‌باشد. در چارچوب طراحی شهری، منطقه تحت پوشش لزوماً در زمان حاضر توسعه نمی‌یابد؛ بلکه کافی است که قسمتی از آن مربوط به حال و آینده توسعه یابد. از دیدگاه پاکزاد (۱۳۸۵) نیز، چارچوب طراحی شهری به اجرای سیاست‌ها پرداخته و عمدتاً بر روی آینده‌ی طرح متمرکز است. البته این مورد شامل شکل فیزیکی و تجسم سه بعدی آینده طرح نیز می‌شود. از نقطه نظر وی برای تحقق و تکمیل نظام کنترلی طراحی، چارچوب‌ها نیازمند راهنماهای طراحی شهری هستند. به اعتقاد کارمونا (۲۰۰۶) نیز چارچوب‌ها عمدتاً در توسعه‌های بزرگ مقیاس کاربرد دارند. محل قرارگیری چارچوب طراحی شهری در مراتب بالای این سلسله مراتب قرار گرفته است. ذکاوت (۱۳۸۶) چارچوب طراحی شهری را روشی جهت دستیابی به شرایط کیفی مطلوب یک منطقه در حال تحول می‌داند. وی سیاست‌های طراحی در این راستا را به لحاظ نگاه کلان و یا خرد به سه گونه تقسیم می‌کند: سیاست‌های کلیدی تأثیرگذار بر نظم کلان منطقه؛ سیاست‌های طراحی که در عرصه‌های خرد و تفصیلی متناسب با خصایص مکانی و جغرافیایی قابل اتخاذ است.

دستورالعمل طراحی

این واژه که مترادف با واژه brief قرار داده شده است، برای طرح‌های موضعی با اندازه و خصوصیات مشخص بکار می‌رود. (Cowan, ۲۰۰۵, ۱۰۵) مقیاس

تفصیلی‌تر مطالعات طراحی شهری «دستور کارهای طراحی» است که اهداف آن در این سطح ارائه اسناد هدایت شکل‌دهی کالبدی و تفصیلی یک فضای شهری است. در این سطح از طراحی جزئیات و چگونگی اجرای سیاست‌های فرادست (چارچوب‌های طراحی شهری) برای یک فضای شهری خاص ارائه می‌گردد. «دستور کارهای توسعه» اسناد هدایت روشنی را در خصوص نحوه ساخت و ساز در یک طرح موضعی ارائه می‌نماید. دستور کار توسعه:

۱. مجموعه‌ای از اصول توسعه منسجم که بر اساس تجزیه و تحلیل یا بستر برنامه‌ریزی بیان می‌شود.
۲. برای محوطه‌ای با اندازه، حساسیت و پیچیدگی قابل توجه تهیه می‌شود.
۳. ابهامات را به حداقل رسانده و اثر بخشی فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه را بهبود می‌بخشد.
۴. قادر است به منظور ترویج و ارتقاء توسعه مورد استفاده قرار گیرد (از طریق شناسایی محدودیت‌ها، فراهم نمودن ایده‌های واقع بینانه و ترغیب کاربری مختلط و استانداردهای عالی طراحی) (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۷).

از یک منظر می‌توان گفت این نوع دستورالعمل با توجه به ماهیت خود برای طرح‌های بزرگ معماری و معماری منظر در شهر حکم چارچوب نحوه دخالت را داشته و بر اساس همین خصوصیت احکام آنها قابلیت کاربرد در مواقع خاص خود را داشته و قابل تعمیم نمی‌باشند. دستورالعمل‌ها ویژه سایت‌ها تهیه می‌گردند و در واقع راهنماهای طراحی در پروژه‌ها و محوطه‌های مشخص هستند. آنها در دستوری‌ترین حالت ممکن که کاربرد عام داشته باشند تعمیم یابند، طراحی را هدایت می‌کنند که این خصیصه می‌تواند مانع خلاقیت شده و نوآوری را از بین ببرد.

ضوابط طراحی

سازندگان بر اساس ضوابط یا کدهای طراحی، طیف وسیعی از طرح‌های بزرگ تا ساختمان‌های منفرد را در بر می‌گیرند. ضوابط می‌توانند برای تعدادی

ساختمان، یک خیابان یا کل یک منطقه مصداق داشته باشند (Cowan, ۲۰۰۵: ۱۰۵). علاوه بر آن که مقیاس عمل ضوابط نسبت به دستورالعمل‌ها بزرگتر است، تعمیم‌پذیر نیز هستند. در عین حال به اندازه دستورالعمل‌ها به جزئیات نمی‌پردازند و سعی در ایجاد چارچوبی برای فعالیت خلاقانه‌تر معماران و طراحان دارند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳) که این خود می‌تواند نکته مثبت در کاربرد ضوابط باشد. از نقطه نظر کارمونا نیز ضوابط یا کدهای طراحی برای طرح‌های شهری با مقیاس بزرگ‌تری نسبت به دستورالعمل‌ها استفاده می‌شوند، به بیان دیگر، با فراهم نمودن اصولی مشخص، هدایت‌گر توسعه بوده و با وحدت بخشی به کلیت فضا، در برابر جزئیات منعطف هستند. پس می‌توان چنین استنباط کرد که در سلسله مراتب اسناد کنترل و هدایت در طراحی شهری، ضوابط یا کدهای طراحی یک پله بالاتر از دستورالعمل‌ها قرار گرفته‌اند. وجود سلسله مراتب خود به ارزش نهادن بیشتر به برخورد روشی به طراحی شهری منجر می‌گردد.

راهنماهای طراحی شهری

این واژه معادلی برای عبارت urban design guideline است. امروزه راهنماهای طراحی شهری وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موضوعات مختلف و مقیاس‌های گوناگونی کاربرد دارند. همان‌طور که از نامشان پیداست، راهنماها در زمینه چگونگی اجرای توسعه در انطباق با سیاست‌های بالادست الگوها و راهکارهای مناسبی ارائه می‌نمایند (Cowan, ۲۰۰۵: ۱۰۵). از دیدگاه شیروانی (۱۹۸۵) نیز بسط و توسعه سیاست‌های طراحی نیازمند تهیه راهنماهایی است تا از آن طریق به عناصر ظاهری نیز توجه شود. به عبارتی دیگر از دیدگاه وی یکی از ویژگی‌های راهنماهای طراحی شهری تأمین کیفیات ظاهری طرح است. راهنماهای طراحی در واقع مکمل چارچوب‌ها هستند. «آن‌ها ابزار هدایت در راستای چارچوب تعیین شده هستند و مواردی را که می‌بایست در طراحی و مطالعه مورد توجه قرار گیرند

را مشخص می‌کنند، در حالی که خود به ارائه طرح نمی‌پردازند» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۳).

راهنماهای طراحی شهری از سیاست‌ها و چارچوب‌های بالادست خویش تبعیت می‌کنند و سعی در تحقق سه بعدی و اجرایی کردن اهدافی دارند که در قالب این سیاست‌ها مطرح می‌شوند. «این یکی از مهم‌ترین خصایل اسناد است که در حوزه حرفه نیز به صورت جدی رعایت می‌گردد. راهنماهای طراحی ارتباطی میان سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی و اجرای ضوابط و مقررات فراهم می‌سازد. هدف اصلی از بکارگیری راهنماهای طراحی، انتقال حس کیفیت ترجیحی طراح برای یک مکان می‌باشد» (بهزادفر، ۱۳۸۷، ص ۹). امروزه راهنماهای طراحی شهری وسیعاً مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موضوعات مختلف مقیاس‌های گوناگونی کاربرد دارند. نوع دیگری از گونه‌شناسی راهنما که نوعی سلسله مراتب موضع طرح را در خود دارد، براساس محدوده اجرایی راهنما ارائه شده‌است. منظور از محدوده اجرایی، ارزش و قدمت تاریخی محدوده‌ای از شهری است که سند راهنما برای آن در نظر گرفته شده‌است. بر این اساس سه گونه تعریف می‌شود:

۱. راهنماهای مربوط به حفاظت از ساختمان‌های با ارزش تاریخی و خود بافت تاریخی؛
۲. راهنماهای مربوط به محدوده‌هایی با موضوع نوسازی، توسعه میان افزا و توسعه مجدد؛
۳. راهنماهایی مربوط به توسعه محدوده‌های جدید به ویژه طرح‌هایی با ابعاد مشخص (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

این گونه‌بندی شبیه به منطقه‌بندی شهر به سه قسمت درونی، میانی و بیرونی است که در متون طراحی شهری به آن برخورد می‌شود و متخصصان هر بخش را نیازمند نگرشی متفاوت در طراحی می‌داند. این گونه‌بندی اگرچه کل سطح شهر را پوشش می‌دهد، اما به دلیل آن که شامل آن دسته از راهنماهایی نمی‌شود که در کل سطح شهر موضوعیت دارند، تا حدودی ناقص و فاقد جامعیت

است. پس شاید بتوان راهنماها را در یک دید کلی به دو قسمت موضوعی و موضعی دسته‌بندی کرد. راهنماهای موضوعی در ارتباط با یک موضوع خاص هستند، خواه این موضوع مربوط به کل سطح شهر بشود و یا در ارتباط با ناحیه‌ای خاص مطرح گردد. راهنماهای موضعی در ارتباط با یک محدوده از شهر مطرح می‌شوند. ابعاد این محدوده می‌تواند بسیار متغیر باشد. این محدوده می‌تواند عبارت از یک خیابان باشد، یا یک بافت خاص از شهر یا نهایتاً کل سطح شهر را فراگیرد، البته مورد آخر کمتر دیده می‌شود (نراقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

طراحی گرافیک محیطی

طراحی و معماری دارای وجوه مشترک فراوانی با طراحی گرافیک است. تقارن، چه در دو و چه در سه بعد، در یک روزنامه یا منزل متعلق به قرن نوزدهم وجود دارد. معماری هنر و علم طراحی و ساختن بنا تعریف شده است و طراحی فقط ترسیم می‌باشد (وایت، ۱۳۸۸، ص ۲۳). طراحی گرافیک محیطی به دلیل پیوندی که با علوم انسانی و اجتماعی نظیر شهرسازی، ارتباطات، جامعه‌شناسی و غیره دارد، یکی از ارکان زندگی اجتماعی قلمداد می‌شود. این عنوان، اصطلاحی کلی و غیر تخصصی درباره انواع عناصر متنوع تصویری و نوشتاری که با اهداف مختلف کمی و کیفی، طراحی، گزینش و یا حتی حذف شده و سپس در محیط‌های بیرونی و درونی به کار گرفته می‌شوند، می‌باشد. روشن است که این حیطه چنان گسترده و متشکل از علل و عوامل گوناگونی است که ارائه تعریفی جامع از آن به راحتی میسر نیست. با وجود این، در اذعان به گستره و تنوع بالقوه طراحی گرافیک محیطی، محدود کردن موضوع ارزش‌چندانی ندارد. طراحی گرافیک محیطی در پیوندی نزدیک با هنرهای تجسمی و طراحی شهری، عوامل و امکانات متنوعی را به کار می‌بندد تا توجه مخاطبان مورد نظر خود را برانگیزاند و در پی آن، به هدف خود نزدیک کند. از مهم‌ترین اهداف کلی طراحی گرافیک محیطی می‌توان از عواملی

نظیر تسهیل در امر ارتباط، ادراک محیط، ایجاد هویت بصری، ایجاد محیطی زیبا و غیره نام برد. گرافیک محیطی را با یکی از شاخه‌های تخصصی آن یعنی تبلیغات محیطی که مخاطبانی خاص را در جهت اهداف عموماً تجاری، هدف قرار می‌دهد، نباید اشتباه گرفت و محدود کرد. اگرچه می‌توان زمینه‌های مبهمی را نیز در تعریف گرافیک محیطی شناسایی کرد. به طور مثال آیا هدف از طراحی گرافیک محیطی باید صرفاً دگرگونی در کیفیت‌های بصری و فضایی باشد و یا به روابط عمیق تر اجتماعی و فرهنگی بین عناصر، فضاها و انسان‌ها پردازد؟ لذا در پایان می‌توان گفت که «هر کسی بخواهد تصویری ذهنی را برای مخاطبان به نمایش بگذارد، و یا توصیف کند، ناگزیر است از گرافیکها کمک بگیرد. ایده‌ها ابتدا بصورت تصویر در می‌آیند، سپس خالق آنها برای تفهیم تصاویر خود به مخاطبین از کلمات و تصاویر استفاده می‌کند» (بیشارت، ۱۳۸۹، ص ۲).

وجه تشابه و تفاوت گرافیک محیطی با طراحی شهری

«به طور قطع ترکیب تصویرها با کلمات مطمئن ترین راه برای توصیف اشیاء است به ویژه آنهایی که طرحی پیچیده دارند، مانند ماشینها و ساختمانهای شهر. متخصصین طراحی شهری معمولاً برای تفهیم ایده‌های پیچیده از گرافیکها استفاده می‌کنند. بنابراین سازندگان که وظیفه تفسیر برنامه‌های متخصص‌های طراحی، تشخیص وساتل و روشهای ساخت و نیز انجام ساخت و ساز به روشی ایمن را برعهده دارند، باید درکی کلی از گرافیکها به ویژه پروژه‌های ساختمانی داشته باشند» (بیشارت، ۱۳۸۹، ص ۳).

عناصر مشابه اصلی در طراحی شهری عبارتند از:

۱. «تعداد»: تعادل از اصول اساسی هنر است. هنر در برقراری ارتباط با مخاطب نوعی تعادل را جستجو می‌کند تعادل در هنر بوسیله تقسیم بندی متوازن اجزاء صورت می‌گیرد. رنگ، نور و بافت نیز در حفظ

تعادل یا عدم تعادل نقش دارند. البته تاکید زیاد بر تعادل موجب می‌شود اثر جذابیت خود را از دست بدهد و ایجاد کسالت کند.

۲. «تناسب»: در بعضی مکان‌ها که وسیع بوده و فضای خالی اطراف یک فروشگاه یا یک مکان عمومی وجود دارد، دست طراح باز است و می‌تواند تناسبات معمولی را تغییر دهد و به طور مثال سردر یک مکان عمومی یا فروشگاه را خیلی بلندتر و بالاتر از حد معمول بگیرد، چراکه به واسطه باز بودن محیط، بیننده به محیط اشراف کامل داشته و می‌تواند به راحتی سر در را دیده و آن را تشخیص دهد.

۳. «تداوم در محیط»: تکرار و تضاد و تناسب سه جزء تداوم در هنر، عناصر اساسی به شمار می‌روند، تناسب که به صورت تکرار یک یا چند در میان واحدهای مختلف شکل می‌یابد، پیچیدگی و حرکت بیشتری در خود دارد اثر بخشی تکرار و تناوب به مناسب بودن موضوع و مهارت به کارگیری آن‌ها بستگی دارد چنانچه تکرار عنصری به تدریج تغییر کند وزن اثر دچار رشد و تضاد می‌شود، تضاد می‌تواند به سمت بالا، پایین و یا مایل جهت داشته باشد. تضاد را در تغییر اندازه کوچک و بزرگ در تغییر شکل از چهارگوشی به دایره و غیره و در تغییر رنگ از کمرنگ به پر رنگ می‌توان مشاهده کرد.

۴. «تاکید در محیط»: چنانچه با کم‌اهمیت کردن اجزاء یک ترکیب و متمایز نمودن یکی از اجزاء توجه بیننده به بخش خاصی از کار جلب بشود آن بخش را نقطه تاکید می‌نامند. تاکید را می‌توان با استفاده از رنگ، رنگ و بافت پدید آورد. اجزاء یکسان، نقطه تاکید کار را ضعیف می‌نماید. شکلهای مشخص و واضح نسبت به اشکال مبهم و اشیاء عجیب نسبت به اشیاء ساده خودنمایی بیشتر دارند نحوه دسته بندی اجزاء نیز بر تاکید یک مجموعه می‌افزاید. اصل تاکید را می‌توان هم برای وحدت بخشیدن و هم ایجاد تنوع مورد استفاده قرار داد. تاکید روی یکی از عناصر در جلب مخاطب و یا بازدید کننده از یک

مکان عمومی تاثیر مستقیم دارد.

۵. «ایجاد وحدت در محیط»: وحدت به هر کاری انسجام می بخشد بدون عنصر و حدت اجزاء یک ترکیب پراکنده و بی-ربط به نظر خواهد رسید. وحدت موجب جلب نظر می شود، عامل مهمی در انتقال پیام است کار را قابل درک می کند و به ساده تر شدن پیام کمک می کند.

۶. «تنوع در محیط»: تنوع حاصل تفاوت و تضاد است. اختلاف بین شکل، رنگ و یا بافت عناصر تشکیل دهنده تنوع به شمار می رود. اجزاء گوناگون چشم را به دنبال عامل و حدت در کل کار به گردش در می آورند. تنوع در حقیقت وحدت را استحکام می بخشد وحدت میل به نظم، و تنوع کششی به سمت تحریک دارد. نقطه، خط و سطح دارای قدرت بیان ویژه ای هستند نقاط با توجه به اندازه و نحوه به کارگیری در محیط متفاوت هستند و ایجاد اثربصری متفاوت می کنند.

۷. «بافت»: از دیگر عناصر معماری داخلی و خارجی بافت است، بافت از دو نظر قابل بحث است و از نظر فرم و شکل که وسیله درک آن قوه بینایی است و دوم از نظر خاصیت فیزیکی و جنسیت بافت که با لامسه قابل درک است. درجه انعکاس یا جذب نور توسط جسم دارای بافت اهمیت فراوان دارد. تضاد سطوح مات و خشن در کنار سطوح براق و صیقلی جذابیت فراوانی دارد و ایجاد جلوه بصری می کند.

۸. «نور»: نور از مهمترین اجزاء در گرافیک محیطی و طراحی داخلی و خارجی است نورهای طبیعی و مصنوعی اثر متفاوت در محیط ایجاد می کنند. نقطه دید ناظر، مقدار نور که به آن می تابد و زاویه دید ناظر عواملی هستند که در تمام المان های داخل خیابان باید رعایت شوند و ترکیبی مناسب و زیبا باهم داشته باشند و دارای طرحی خوب و استاندارد باشد. علائم راهنمایی و رانندگی، چراغ های روشنایی، صندوق پست، زباله دان، تابلوی اسم خیابانها تلفن عمومی، آگهی ها و تبلیغات دیواری ایستگاه های اتوبوس، سردر فروشگاه ها و تمام این ها در ارتباط

باهم هستند و اثر فراوان در دید عموم می گذارند که باید دلپذیر و زیبا باشند و بارعایت اصول زیبا شناسی و ترکیب بندی مناسب در زیبا سازی شهر کمک کنند چراکه محیط شهری نیازمند این زیبایی های بصری است تا از آثار منفی روانی به شهروندان بکاهد. گرافیک محیطی، فضا و محیط زندگی را زیباتر و با نشاط تر می سازد و به محیط شهری نظم و انسجام می بخشد

طراحی شهری و گرافیک شهری

طراحی شهری به زعم بسیاری از صاحب نظران ارتباطی تنگاتنگ با گرافیک شهرها داشته که در این رابطه گذر از مفاهیم سنت به تجدد به این مهم دامن زده است. با نگاه به آثار گذشتگان و سنتهای به کار گرفته شده در آنها به این نتیجه می رسیم که مهارت یا سطح صنعت آن آثار نیست که با هنر امروزی متفاوت است، بلکه باورها، اندیشه ها، برداشتها و تصورات متفاوت آنها با ما وجه تمایز آن آثار با آثار معاصر می شود. با این حال در دوره معاصر می بینیم در رویکرد سنتی، به تنها نکته ای که توجه نمی شود، تفکر و اصول پایه آن است و سنت را در پوسته ظاهری آن جستجو می کنند. اگر به گذشته بنگریم می بینیم که فضاهای شهری نقش بسیار مهمی در زندگی فردی و اجتماعی و شهری مردم داشتند. طراحان گذشته نیز در طراحی این فضاها نهایت دقت و توجه به ارزشها، اصول و مفاهیم معماری و شهرسازی ایران را حتی در جزئی ترین مسائل فراموش نکرده اند و همین امر و مناسب بودن این فضاهای شهری و مبلمان و تجهیزات و تناسبات و انطباق این فضاها با بطن فعالیت های شهری باعث شده که بسیاری از فعالیتهای گروهی و اجتماعی مردم در کالبد آنها جریان یابد و این امر باعث پیوستگی بیش از پیش ساکنان محله ها و بافت های شهری در گذشته می شد (نقی زاده، ۱۳۸۸، ص ۳۶).

بنابراین می توان نتیجه گرفت که «فضای شهری و معماری هایش و از جمله عناصر زیباشناختی و آثار

جدول ۲. فرهنگ، فضاهای زیستی و طراحی فضاهای شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

ابعاد فضاهای شهری		ابعاد فرهنگ شهری	
فرهنگ و مولفه‌های ساختاری	تجربه‌ها فردی و جمعی	فضاهای زیستی و مولفه‌های آن	فضاهای تمدنی فرهنگی
	کنشها و واکنشهای محیطی		فضاهای شهری
	الگوهای رفتاری		فضاهای عمومی
	روابط و تعاملات اجتماعی		فضاهای خصوصی

مسعودی در کتاب خود، خطاطی و خوشنویسی اظهار می‌دارد که: «در یک طرح معماری فضایی برای سکونت تعریف می‌شود. در آن فاصله بین دیوارها واقعی و به اندازه خود دیوارها حائز اهمیت است. در طراحی گرافیک ارزش یک فضا، ناشی از ارتباط آن با عناصری است که آن را احاطه کرده‌اند و نیز برعکس» (وایت، ۱۳۸۸، ص ۸۹).

پیکتوگرام، علائم تصویری و طراحی گرافیک شهری

سین موریس در «راهنمای طراحی حروف» می‌نویسد: «طراحان حروف به معماران و طراحان شهری نزدیک‌ترند تا به هنرمندان. معمار باید بنایی بسازد که از نظر ساختاری محکم و مفید و در عین حال از نظر بصری برای کار و زندگی لذت بخش و راحت باشد. مطمئناً کار یک طراح باید با این گونه مقتضیات هماهنگ باشد تا مفید واقع گردد» (وایت، ۱۳۸۸، ص ۸۹). علائم تصویری اغلب به «پیکتوگرام» یا «ایزوتایپ» معروفند. در واقع یک ایزوتایپ نام نوعی خاص از علائم تصویری (پیکتوگرام) است که از سوی آقای «اوتو ذویلات» از استرالیا طراحی شده است. این علائم به لحاظ آنکه پیامهایی همچون صدا، شخصیت (کاراکتر)، حرکت و رنگ را نیز در بر می‌گیرند دارای معانی چندگانه هستند. علائم تصویری، زبان تصویری علائم و نشان‌های اختصاصی را با تصاویر در هم آمیخته و ترکیب می‌گردانند تا با بیننده خود ارتباط برقرار سازند. تصاویر می‌توانند

هنری گوناگون آن، عمیقاً متأثر از منابع فرهنگ و سنتهای یک جامعه است. به عبارت دیگر، مردم در متن سنتها و فرهنگ خود، به خلاقیت‌های تمدنی و از جمله شهرسازی و معماری و خلق جنبه‌های زیباشناختی و تجلیات هنری آن دست می‌زنند. پس کل عناصر کالبدی و ساخت فضایی یک شهر و از جمله عناصر معنا و زیبایی در آن، به نحوی از انحاء از فرهنگ و سنت نشأت می‌گیرد» (صالحی، ۱۳۷۹، ۱۸۳). همچنین «سنت باید مداومت یک جریان همه جانبه تاریخی و فرهنگی باشد که تداوم و پیوستگی خود را در عین تحرک و پیشرفت، در مظاهر اساسی زبان، ادبیات، هنر و رسم و راه‌های زندگی نشان می‌دهد» (آشوری، ۱۳۷۶، ۱۰). امروزه با وجود دگرگونیهای عظیمی که در ساختار نهادهای اجتماعی شهرها صورت گرفته است و همچنین جهت گیری‌های نظام سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت و ساز و ایجاد فضاهای شهری با تضعیف احساس تعلق مردم به محله‌ها و فضاهای شهری روبرو هستیم، که این احساس عدم تعلق مردم به فضاهای شهری، بر محافظت نکردن مردم از این فضاها بی‌تأثیر نبوده است و حتی در کنار این موضوع مواردی چون برنامه ریزی نامناسب و عدم ارتقاء دانش عمومی نیز این تأثیرات منفی را تشدید کرده است.

نشانه‌های شهری و طراحی گرافیک شهری

در زمینه یافتن سبک و شیوه طراحی، همیشه بین طراحی و معماری شباهتی وجود داشته است. حسن

دربرگیرنده حروف، رنگها، علائم و اجزاء به طرز جلوه یافته تری باشند تا در رسانیدن نظرات و ایده ها مؤثرتر و کاراتر واقع شوند. از بعضی لحاظ، علائم تصویری از نظر شکل و فرم به علائم و نشانه‌های اختصاصی، نمادها و اشکال ساده شباهت دارند. کاربرد محدودتر علائم تصویری نسبت به نمادها و نشانه‌های تجارتي بیشتر به این لحاظ است که علائم تصویری بطور معدودتری مورد استفاده قرار گرفته اند. "پیکتوگرام" نوعی نماد بصری است که اطلاعات را به صورت تصویری و بدون استفاده از کلام ارائه می کند. تصویر نشانه نوعی نماد گرافیکی است که داستان را به شیوه ای بسیار ساده و همه فهم و فارغ از محدودیت زبانی روایت می کند. در طراحی این نشانه‌ها تصاویر ساده می شوند و چند بخش از عناصر اضافی حذف می شوند ولی نباید به گویایی آن صدمه وارد شود. یعنی بیننده به محض دیدن نشانه باید به راحتی به مفهوم آن دست پیدا کند. از خصوصیت دیگر پیکتوگرامها این است که به دلیل آنکه در یک محیط تعدادی از اینها مورد استفاده قرار می گیرند باید طراحی به صورتی انجام گیرد که هم مفاهیم مورد نیاز بیان شود و هم در کل یک پیوستگی و همگونی شکل با هم داشته باشند. پیکتوگرام نباید گنگ و پیچیده باشد چون کارایی خودش را از دست می دهد. در نتیجه هدف در پیکتوگرام ساده کردن یک شکل است به طوری که با این کار مفهوم خود را از دست ندهد. ممکن است ما تصویری را انتخاب کنیم که آن شکل انحنای شکستگی داشته باشد، ما باید آن شکل را با اشکال هندسی به ساده ترین طرح با مفهوم اولیه در بیاوریم.

نشانه شهری و طراحی گرافیک شهری

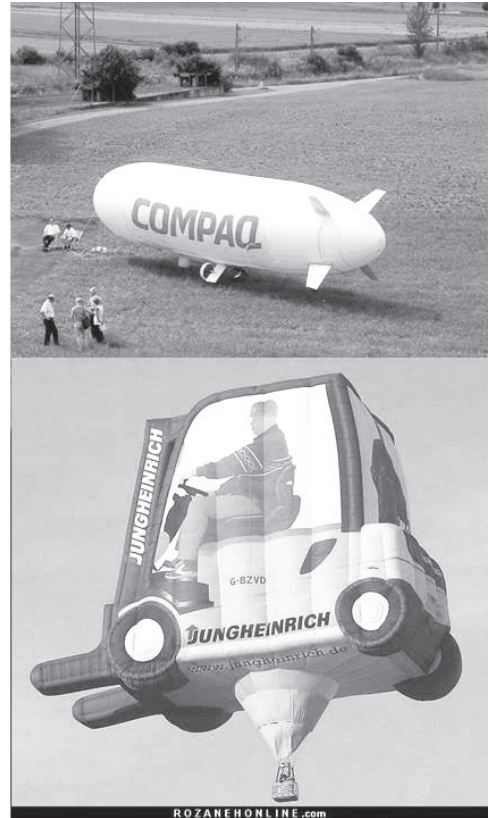
«کارل گوستاو یونگ می گوید واژه یا تصویر زمانی نماد (یا نشانه) است که متضمن چیزی در ماوراء معنای آشکار و مستقیم خود باشد. نماد دارای جنبه ای وسیعتر و ناخودآگاه است که هرگز نمی توان به طور دقیق آن را تعریف و یا به طور کامل آن را توصیف کرد» (هوهنه گر، ۱۳۸۱، ص ۱۳). لذا

نشانه عنصری بصری است که به منظور معرفی یک موضوع طراحی و ارائه می شود. به عبارت دیگر، نشانه، هویت بصری یک موضوع است. نشانه می تواند در قالب هر عنصر بصری جلوه گر شود ولی بطور مشخص به دو حالت کلی ارائه می شود:

۱. «نشانه های تصویری»: نشانه های تصویری، نشانه هایی هستند که عنصر بصری به کار رفته در آنها، تصویر است. این تصویر می تواند یک گل، یک حیوان، یک نماد ملی، سنتی و یا حتی یک تصویر نامشخص باشد (چگونگی این تصویر را مواردی مانند موضوع و عوامل جانبی تعیین می کنند). تصویر مورد استفاده در نشانه های تصویری در ارتباط با محدوده فعالیت موضوع، چهار وضعیت ممکن دارد: «۱. تصویر با موضوع ارتباط مستقیم دارد. برای مثال در صورتی که برای یک شرکت تولید خودرو نشانه ای طراحی می کنیم، از تصویر یک خودرو سود ببریم؛ ۲. تصویر با موضوع ارتباط غیرمستقیم دارد. برای مثال در یک شرکت هواپیمایی از تصویر یک پرنده استفاده کنیم؛ ۳. تصویر مطلقاً با موضوع ارتباط ندارد. برای نشانه یک شرکت هواپیمایی از تصویر یک گل استفاده کنیم؛ ۴. تصویر با موضوع از جنبه های فرعی ارتباط پیدا می کند».

۲. «نشانه های نوشتاری»: نشانه های نوشتاری خود به دو گونه کلی تقسیم می شوند: «۱. لگوتایپ: نشانه هایی هستند که نوشتار آنها بر اساس نام کامل موضوع است و با طراحی ویژه (و غالباً متفاوت از شکل حروف متداول) ارائه می شوند؛ و ۲. منوتایپ (منوگرام): نشانه هایی هستند که نوشتار آن ها حرف ابتدای نام موضوع است و با طراحی ویژه (متفاوت از شکل حروف متداول) ارائه می شوند. لازم به توضیح است بعضی از صاحب نظران معتقدند در صورتی که نام موضوع دارای بیش از یک واژه باشد، طراحی بر اساس حروف آغازین واژگان موضوع نیز، منوگرام خواهد بود.»

در طراحی یک «نشانه شهری و مطابق با معیارهای گرافیکی» باید چند عامل مورد توجه قرار گیرند که



تصویر ۱. استفاده از سازه های بادی برای تبلیغات شهری و مقوله گرافیک محیطی در فضاهای شهری؛
ماخذ: آرشیو نگارنده.

می کنیم، جنبه های زیبا شناختی و مفهومی توامان مورد توجه قرار گیرند.

۴- «ماندگاری تصویری»: پیش بینی و لزوم کاربرد و انتخاب عناصر بصری که دارای تاریخ پذیرش روانی و زیباشناختی کوتاه نباشند. به عبارت دیگر عوامل بصری مورد استفاده در یک نشانه باید برای دو تا سه دهه از سوی جامعه قابل پذیرش باشند و کهنه نشوند ضمن آنکه ساختار کلی باید به گونه ای باشد که امکان تغییر و تبدیل در آن، بدون لطمه زدن به هویت مورد نظر، موجود باشد.

۵- «گویایی»: تصویر کلی باید کاملاً گویا باشد و با تصاویر دیگر اشتباه نشود. طراحی یک گل به گونه ای که یک خورشید را تداعی کند و آن خورشید مطلقاً مورد نظر نباشد و نقشی در فعالیت موضوع نداشته باشد، می تواند ضعیفی غیر قابل چشم پوشی باشد.

برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- «سادگی»: یک نشانه خوب ترجیحاً از عناصر بصری اندکی شکل گرفته است. لازم است اشاره شود که منظور از اندک بودن این عناصر، ضرورت پیش گیری از پراکندگی بصری نشانه است.

۲- «توازن، تعادل و تناسب»: به عبارت دیگر تیرگی و روشنایی سطوح، ضخامت و نازکی عناصر شهری و سیمای شهر باید از توازن و تناسب لازم بهره برده و در اتصال و چیدمان خطوط در کنار یکدیگر از ریتم مناسب برخوردار باشد.

۳- «قابلیت رنگ پذیری»: یک نشانه باید تا حد امکان در عین آنکه توانایی ارائه با یک رنگ را داشته باشد، هنگام ارائه رنگی، نباید ضعیف شود. و یا در صورت ارائه نسخه رنگی، نسخه تک رنگ آن بی روح و کم جلوه نشان دهد. ضروری است توجه داشته باشیم هنگامی که برای یک نشانه پیشنهاد رنگ

۶- «جهت قرارگیری»: ترجیحاً جهت قرارگیری خود را مشخص کند. در برخی موارد، نشانه هایی که برای نخستین بار در رؤیت مخاطب قرار می گیرند، ممکن است از چند جهت دارای مفهوم باشند، که این مورد در صورتی که ناخواسته و ناخودآگاه از سوی طراح اعمال شده باشد یک ضعف بزرگ است. البته، در نشانه هایی که از هر جهت یا از دو جهت مخالف دارای یک فرم تصویری هستند، این امر یک نقطه قوت قابل توجه به حساب می آید.

۷- «هماهنگ فرهنگی»: استفاده از عناصر بصری مرتبط با موضوع و در عین حال ریشه دار در فرهنگ جامعه ای که برای آن طراحی می شود می تواند مورد توجه قرار گیرد.

تبلیغات محیطی و طراحی گرافیک شهری

امروزه دیگر گرافیک تنها هنر نیست بلکه نقشی رسانه ای به خود گرفته است. از میان گرایشهای مختلف نشات گرفته از کلیتی بنام گرافیک، گرایشی با عنوان «گرافیک محیطی» جایگاه رسانه ای ویژه و متمایزی دارد. تبلیغات محیطی و گرافیک محیطی نوعی از گرافیک است که در محیط عمومی عرضه

می شود و نقطه تاکید آن جنبه های زیبایی شناسانه است و نه تبلیغات. بخشی از عرصه های گرافیک محیطی به شرح زیر است:

۱- «گرافیک فضای باز»: الف - نمای معماری (مواد، رنگ، ابعاد، طرح)؛ ب - باجه ها (ایستگاه اتوبوس، بلیت، تلفن، روزنامه)؛ ج - آب نماها، د - حجم های گرافیکی، ه - نورآرایی، و - تبلیغ (دیواری، بنرها، وسایط نقلیه، و شیوه های دیگر).

۲- «گرافیک محیطی فضای بسته»: در گرافیک محیطی فضای بسته هم می توان آن را به طور جداگانه اطلاع رسانی کرد که در مجموع می توان از دسته های زیر یاد کرد: الف - ویتترین ها، ب - غرفه ها و فضاهای نمایشگاهی، ج - محیط های اداری و آموزشی، د - محیط خانگی.

هدف از گرافیک محیطی در طراحی شهری عبارت است از:

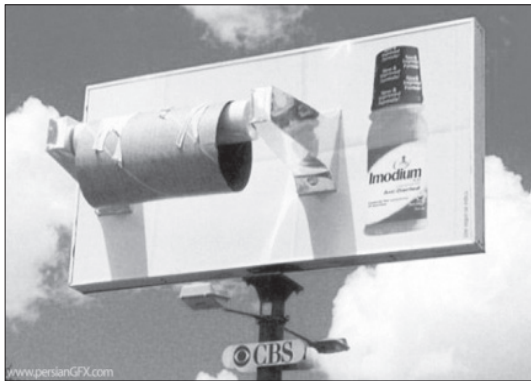
- ۱- مردم را به ساده ترین شکل راهنمایی می کند.
- ۲- زیباسازی از طریق به کارگیری اصول فرم، طرح و هماهنگی آنها با یکدیگر و محیط پیرامون خود انجام می گیرد.





مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



فضایی که بشر در آن بتواند فارغ از فشارهای ناخواسته روانی رشد کرده و شکوفا شود و این از خواسته های عقلانی و منطقی هر جامعه است. گرافیک محیط زیبایی بصری و نظم و هماهنگی مطلوب فضا است. مقصود از تمام طرح های گرافیکی برای محیط داخلی و خارجی، ایجاد فضایی برای زندگی پر نشاط و سالم و قانع کننده است. گرافیک محیطی را می توان به دو گونه گرافیک محیطی دوبعدی (مسطح) و سه بعدی (حجمی) تقسیم کرد. مشخص کردن یک مکان از مکانی دیگر، زیباسازی، نظم و انسجام بخشیدن به فضای شهری و گسترش حیطه فعالیت هنر گرافیک، از اهداف گرافیک محیطی به شمار می رود.

مبلمان شهری و طراحی گرافیک شهری

مبلمان شهری^۲ نیز همچون دیگر عناصر تشکیل دهنده یک شهر، بخشی از ارزش های زیبایی شناختی و عناصر مرتبط با هویت آن محسوب می شود. بر اساس تعاریفی ارائه شده، هر تجهیزاتی که به نوعی به بدنه ها و فضاهای شهری الحاق شوند، باید جزئی از مبلمان شهری بشمار آورد. با این تعریف، حیطه گسترده ای از عناصر طراحی شده و موجود در یک شهر از خط کشی خیابان گرفته تا ایستگاههای اتوبوس و سطل های زباله همه در دایره تعریف مبلمان شهری جای می گیرند. همچنین نقش مبلمان شهری در خدمت رسانی به شهروندان همچون: مفاهیم مذهبی، سنتهای اجتماعی، بومی سازی، نیازهای انسانی، شادابی اجتماعی، منظر



تصاویر ۲ الی ۱۲. نمونه ای کاربردهای گرافیک محیطی در طراحی سیما و منظر شهرها؛ ماخذ: آرشو نگارنده.

۳-افزایش سطح فرهنگ جامعه در قالب اهداف تبلیغاتی فرهنگی و تجاری از طریق دیوار آگهی ها، بنرها و غیره.

طراحی محیطی می کوشد تا بین طرح هایی که ارائه می دهد و هر آنچه از پیش در محیط وجود دارد هماهنگی ایجاد کند. عوامل معینی چون جغرافیای محیط «آب و هوا» نور خورشید «میزان بارندگی» نوسان حرارتی «پوشش گیاهی و غیره به عنوان بخش های طبیعی و زیست محیطی و مجموعه عواملی چون نوع معماری و مواد و مصالح، فضاهای آمد و شد، و میزان تردد به عنوان بخش های ساخته شده ناشی از حضور انسان عواملی است که طراح در جریان کار خود باید آنها را بشناسد و مورد توجه قرار دهد.

گرافیک محیطی در ایجاد فضایی مطلوب و دلنشین برای افراد جامعه نقش موثر دارد. محیط مناسب یعنی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

شهری، خلاقیت و نوآوری، روانشناسی رنگ، فرم، نور و غیره قابل بررسی است (صالحی، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰).

حجم های شهری و طراحی گرافیک شهری

«حجم های شهری آن دسته آثار هنری هستند که کارکرد آنها یکی از مهمترین فاکتورهاست، کارکرد فیزیکی و نیز کارکرد معنایی و مفهومی. حجم ها یکی از بهترین امکانات را برای تغییر فضا و سیمای شهرها به دست می دهند» (مهاجر، ۱۳۸۶، ص ۱۳). مهم ترین وجه تمایز آن با حجم هایی که در فضای بسته قرار گرفته اند، تعداد بیشتر بینندگان، تواتر دیدار فزونتر و ترکیب ناظران متنوع تر است.

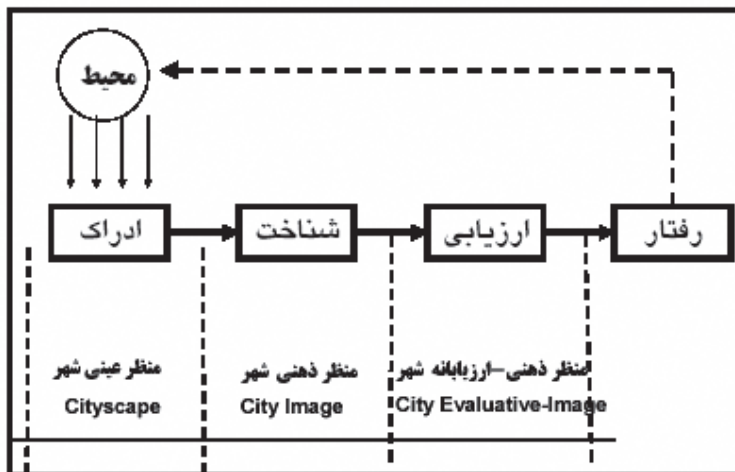
دائرة المعارف امریکن، مجسمه سازی را چنین تعریف می کند: «مجسمه سازی ابزاری است بیانی که با محل اجرا در سه بعد قادر است مفاهیم و ارزشهایی را در حیطه هنرهای زیبا بیان کند.» مجسمه سازی هنر سازماندهی فرم و فضا، با استفاده از رسانه ای است که امکان بیان مجسمه سازانه را در فضاها و محیطهای شهری و عمومی فراهم می کند. این رسانه شامل گستره وسیعی از مواد و امکانات نوینی است که تکنولوژی در اختیار هر دوره قرار می دهد. لازم به ذکر است که بطور کلی دامنه فعالیت های مجسمه سازانه در بخشهایی در تعامل مستقیم با معماری، شهرسازی و سایر عوامل سازماندهی کننده شهر قرار می گیرد.

حجمهای شهری در دو قالب کلی «حجم های یادمانی» و «حجم های ویژه فضاهای عمومی» دسته بندی می شوند و با شیوه هایی اجرایی متنوع با توجه به نیاز بیانی طرح اجرا می گردند.

۱. «حجم های یادمانی»؛ یادمان شهری، نوعی عنصر حجمی است که هنرمند به وسیله آن می تواند مخاطب خویش را به چالش فکری بکشد و این چالش مطلوبی است که انسان را می تواند به تعالی اندیشه و فکر برساند. حجم های یادمانی برای بزرگداشت و یا یادمان یک شخصیت فرهنگی، هنری، علمی، سیاسی و یا یادمان یک اتفاق مهم تاریخی برای یک ملت ساخته می شوند. قاعدتاً

مجسمه های یادمانی، سفارشی بوده و در محل های ویژه ای که توجه بیننده را جلب کند، ساخته می شوند. این گروه به دو دسته کلی تقسیم می شود که عبارت است از: الف: حجم هایی برای بزرگداشت و یادمان یک شخصیت؛ ب: حجمهایی برای یادمان یک اتفاق مهم تاریخی.

۲. «حجم های ویژه فضاهای عمومی»: شکل دیگری از حجمهای شهری هستند که کارکرد مهم آنها، ایجاد مکث در گذرهای اصلی و ایجاد چشم انداز برای مخاطبینی است که در مکان هایی توقف کرده و به عنوان بهانه ای می توانند لحظاتی را در مکانی عمومی سپری کنند. این دسته از حجمها به «حجم های برون آتلیه ای» مشهورند. این مورد را می توان به دو گونه تقسیم بندی نمود: الف- حجم هایی برای تنوع بصری: از تاثیرگذاری بیشتری در بین عوام برخوردارند و مخاطب خاص را جذب نمی کنند به عنوان نمونه حجم هایی که در حاشیه بزرگراه ها در شهر تهران نصب شده اند با رویکرد مخاطب عام و به این منظور به نمایش گذاشته شده اند؛ ب- حجم هایی با تاکید بر ماهیت فضا: یکی از تعاریف هنری امروزی متناسب با این رویکرد در قالب هنر «ویژه فضا» می باشد. هنری که برای یک مکان خاص با رویکردی نه لزوماً زیبایی شناسانه، بلکه پدیدارشناسانه است و در اینجا مکان جزئی از اثر هنری است. در مسیری که مخاطب شهری هر روزه از آن عبور می کند، نوعی راز و رمز و کشف و شهود ایجاد می شود که مخاطب هر بار حجم را از زاویه ای خاص می بیند و نسبت به این حجم احساس درونی و بیرونی پیدا می کند (www.javanemrooz.com)؛ پ- حجمهای فرمال: معمولاً با هدف کارکرد زیبایی شناسانه و ارتقاء کیفی محیط شهری ساخته می شوند؛ ت- هنر چیدمان: از خصوصیات این هنر، معنا بخشیدن و فعال سازی یک محیط یا یک مفهوم با برخوردهای هنرمندانه است که باعث می شود که اثر معنا و مفهوم و ارزش هنری پیدا کند. در برخی محافل از آن به هنر محیطی نام برده می شود.



نمودار ۲. سیستم منظر شهری در فرایند تعامل انسان و محیط؛ ماخذ: گلکار،

۱۳۸۷.

ملموس خود، نظیر ویژگی‌های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنجگانه انسان قرار می‌دهد، در این مرحله اصطلاحاً محیط شهری توسط فرد مورد «ادراک» قرار می‌گیرد. در مرحله دوم، محیط شهری توسط فرد مورد «شناخت» قرار می‌گیرد. در این مرحله ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرحواره‌های ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌نماید. در مرحله سوم، ذهن فرد بر اساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تائری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش مثبت یا منفی پیدا می‌نماید.

الگوهای مختلفی که تاکنون مفهوم منظر شهری به خود گرفته‌اند عبارتند از:

- ۱- منظر شهری آرایشی/تزئینی؛
 - ۲- منظر شهری عملکردی/برنامه محور؛
 - ۳- منظر شهری ادراکی/زمینه گرا؛
 - ۴- منظر شهری پایدار (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲).
- مفهوم تصویر ذهنی اولین بار در رویکرد ادراکی/زمینه گرا و در نظریات پست مدرنیست‌ها مطرح می‌شود و «کیفیت منظر شهری» در این دوره به مثابه رویدادی است که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و

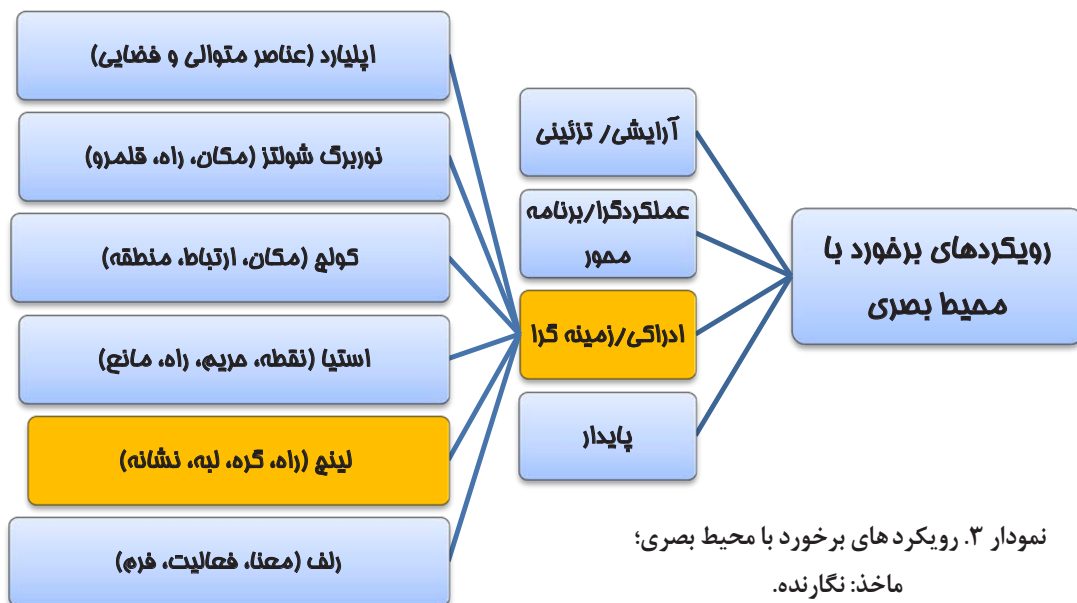
شاخه‌ای از هنر است که در آن از عناصر موجود در محیط طبیعی استفاده می‌شود و به خلق یک اثر هنری منجر می‌شود (موسیوند، ۱۳۸۹، ص ۹۲).

تصویر ذهنی و طراحی گرافیک شهر

لینچ ۱۹۹۶ اولین کسی بود که بحث تصویر ذهنی را مطرح کرد. از نظر او تصویر ذهنی یا سیما کلیه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود داشته، ارزش، کیفیات، عملکرد و اولویت‌های متفاوت را در ذهن وی ایجاد می‌نماید. این ذهنیات تابعی از کلیه اطلاعاتی است که فرد تا آن برهه از زمان دریافت و در ذهن خود انباشته است. در واژه نامه زبان انگلیسی «اکسفورد» برای واژه (Image) دو تعریف اصلی بیان شده است:

- ۱- وجهه‌ای که یک فرد، یک سازمان، یک محصول و غیره در افکار عمومی دارد؛
- ۲- تصویر ذهنی یا ایده.

کوروش گلکار در مقاله‌ای تحت عنوان «محیط بصری شهر» روند تکاملی شهر را به مثابه زنجیره‌ای متشکل از چهار حلقه، که هر حلقه الگوی خاصی از مفهوم منظر شهری را نمایندگی می‌کند، تشبیه نموده است. همان‌گونه که در شکل دیده می‌شود، در مرحله نخست محیط شهری هندسه و ویژگی‌های



نمودار ۳. رویکردهای برخورد با محیط بصری؛
ماخذ: نگارنده.

نظریه پردازان رویکرد ادراکی - زمینه گرا						
رلف	کولج	دیوید استیا	نوربرگ شولتز	اپل یارد	لینج	عوامل سازمان دهنده طراحی گرافیک محیطی
معنا؛ فعالیت؛ فرم	مکان ها؛ ارتباطات؛ مناطق	نقاط، حریم ها راه ها؛ موانع	مکان، راه قلمرو	عناصر متوالی (راه، گره) عناصر فضایی (نشانه، حوزه، لبه)	راه، گره، لبه، نشانه، حوزه	

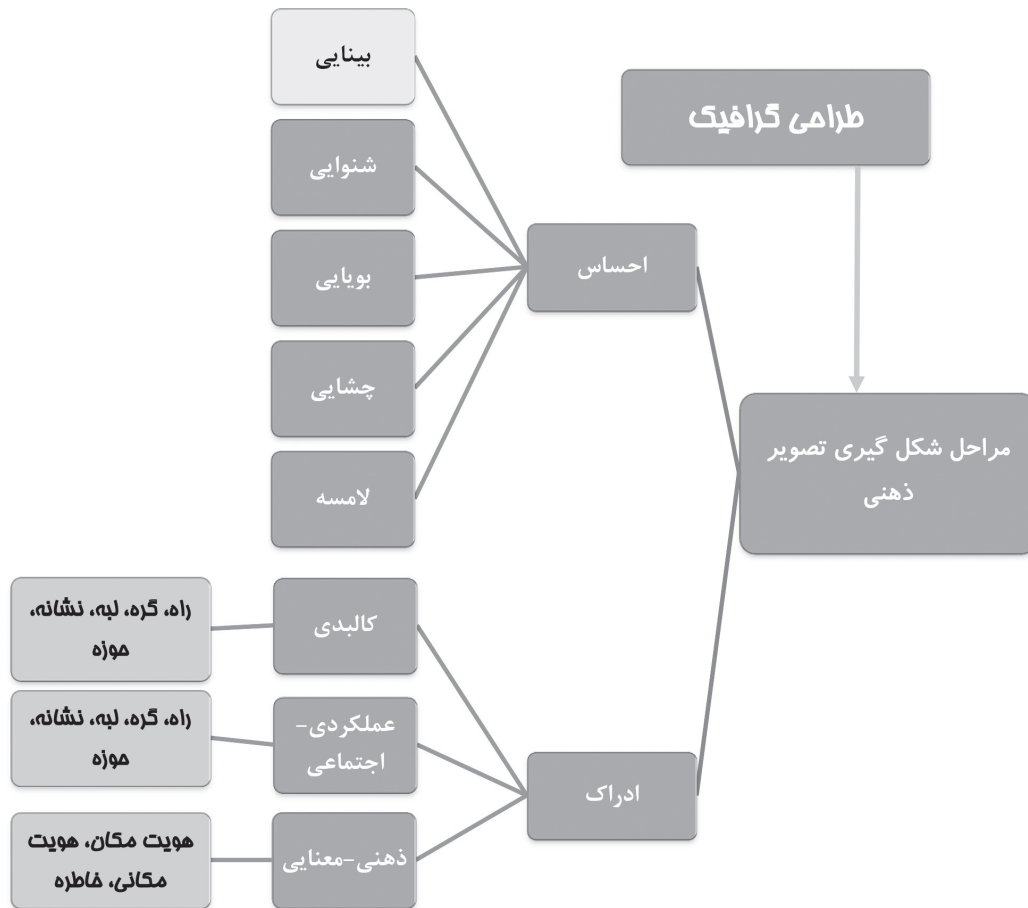
جدول ۳. عوامل سازمان دهنده طراحی منظر که می تواند در طراحی گرافیک مورد نظر باشد؛ ماخذ: نگارنده.

راهنما جهت کاربست «رنگ و گرافیک شهری» است. در این میان، متدولوژی و روش شناسی تلاشی علمی در جهت یافتن طرق صحیح تحقیق و ابزار و وسایل مناسب برای ساختن نظریه های علمی است. شناسایی یک روش منحصر به فرد برای طراحی شهری و شناخت دقیق مفهوم روش، محوری برای توسعه این موضوع به عنوان یک رشته تخصصی است. «سند طراحی شهری» که توسعه و ساخت و ساز در زمینه طراحی و برنامه ریزی را هدایت می کند، می تواند موجبات پشتیبانی از سیاست طراحی و برنامه ریزی را فراهم آورد، فرآیند مشارکت را تحصیل نموده و چشم انداز را تدوین و استانداردهای طراحی را تعیین ساخته و گام های بعدی را معین نماید. بنابراین طراح شهر به منظور ارائه طرح و بسته به موضوع به

الگوها، رمزهای فرهنگی و توانایی های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر، شکل می گیرد (گلکار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶). برای تشکیل تصویر ذهنی ابتدا محیط توسط حواس پنجگانه احساس شده و سپس در مغز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ادراک نهایی شکل می گیرد که امری است فردی و متأثر از گذشته، تجربیات، و فرهنگ؛ لذا می توان گفت اولین گام در تشکیل تصویر ذهنی همان ادراک ابتدایی یا احساس محیط از طریق حواس انسان است که بینایی به عنوان اصلی ترین و قوی ترین این حواس در حوزه طراحی شهری و معماری است.

نتیجه گیری و جمع بندی

یکی از گونه های راهنمای طراحی شهری، سند



نمودار ۴. رویکردهای برخورد با محیط بصری؛ ماخذ: نگارنده.

اصیل و هویت ساز، دوباره به هنر گذشته رجوع نمود و آن را در مظاهر زندگی اجتماعی بازتابی گسترده بخشید .

باید گفت که در هنر و گرافیک محیطی، می توان آرایه ها، نقوش و رنگ هایی را یافت که زندگی شهری امروز به شدت به آنها نیازمند است. در کنار روی آوردن به گسترش و طراحی اصولی فضاهای عمومی برای آرامش افراد، می توان به هنر و فرهنگ اصیل ایران نیز رجوعی دوباره نمود تا با ترکیب و هماهنگ نمودن عناصر تازه و مدرن با آرایه های سنتی و زیبا، محیطی آرام بخش تر، اصیل تر، زیباتر و در نهایت دارای هویت ایرانی به وجود آورد. گرافیک محیط زیبایی بصری و نظم و هماهنگی مطلوب فضا است. مقصود از تمام طرح های گرافیکی برای

سلسله مراتبی از سطوح اسناد هدایت طراحی نیازمند است که شامل چارچوب ها، دستورالعمل ها، ضوابط یا کدهای طراحی و راهنماهای طراحی شهری است. راهنماهای طراحی شهری از جمله مهمترین ابزار در اختیار طراحان شهری، جهت انعکاس و ظهور تدابیر و تمهیدات کیفیت بخش فضاهای شهری به شمار می آید. ماهیت اصلی راهنماهای طراحی در کشورهای مختلف و نیز در بازه های زمانی متفاوت تغییر چندانی پیدا ننموده است. به طور کلی گذشته فرهنگی یک ملت از عوامل اصلی شکل دهنده وضعیت کنونی و حتی آینده آن است. «تاریخ فرهنگی» یک کشور به طور غیرمستقیم بر همه شؤونات زندگی اعضا آن، از جمله هنر و طراحی تأثیر می گذارد. بنابراین می توان برای ایجاد جریانی

اهداف عملیاتی طراحی شهری	معیارهای عملکردی	میزان تاثیرگذاری گرافیک شهری در تحقق پذیری معیارهای عملیاتی
کاراکتر	حس متمایزی از مکان که پاسخگوی زمینه و بستر محلی باشد.	***
تداوم و محصوریت	تداوم و پیوستگی جداره های شهری و تعریف روشنی از فضاهای عمومی	***
کیفیت عرصه عمومی	فضاهای شهری ایمن، جذاب و عملکردی	***
سهولت حرکت	یک محیط پیاده مدار، قابل دسترس و مرتبط	**
خوانایی	یک محیط با جهت یابی آسان	***
انطباق پذیری و سازگاری	یک محیط عمومی قابل انعطاف و انطباق	**
گوناگونی و تنوع	محیطی مملو از کاربری و تجربه های زیستی	*

جدول ۲. میزان اثربخشی گرافیک شهری در تحقق پذیری معیارهای عملیاتی طراحی شهری؛ راهنما: (*) کم؛ (**)

متوسط؛ (*) زیاد؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

هستند. رنگ، نور، شکل، خط، نقطه، سطح، بافت و فضا به کمک آنها می آیند تا شهری مطلوب و زیبا طراحی شود.»

شایان ذکر است دخیل سازی معیارهای گرافیکی در طراحی شهرها در ابزارهای تحلیل طراحی شهری به واقع امر نزدیکتر است. در این میان اینکه چه اندازه طراحی شهری میتواند از گرافیک شهری از معیارهای جدول شماره ۲ - که به عنوان «ابزار تحلیل طراحی شهرها» مورد قبول اتحادیه اروپایی و مورد کاربرد در کشورهای توسعه یافته است و معیار اصلی ارزش طراحی شهری در رویکردهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بشمار می رود، - استفاده کند موضوعی اساسی و مهم می نماید. در پایان جایگاه گرافیک شهری در ارزش طراحی شهری موردنظر متنو کارمونا و استورات لپیتون (رییس کمیسیون معماری و محیط مصنوع) در قالب جدول زیر اشاره شده است.

محیط داخلی و خارجی ایجاد فضایی برای زندگی پر نشاط و سالم و قانع کننده است گرافیک محیطی را می توان به دو گونه گرافیک محیطی دو بعدی یا مسطح و سه بعدی یا حجمی تقسیم کرد. مشخص کردن یک مکان از مکانی دیگر، زیباسازی، نظم و انسجام بخشیدن به فضای شهری و گسترش حیطه فعالیت هنر گرافیک، از اهداف گرافیک محیطی به شمار می رود. گرافیک محیطی می تواند جنبه های مختلفی داشته باشد که در حوزه «ارزش طراحی شهری» مورد نظر کارمونا تاثیرگذار باشد:

«جنبه اطلاع رسانی و یا حالت تاکید و یا هشدار نسبت به موضوعی داشته باشد؛ جنبه فرهنگی داشته باشد؛ جنبه آموزشی داشته باشد؛ جنبه تبلیغاتی داشته باشد؛ جنبه اجتماعی داشته باشد؛ جنبه زیبایی و هنری و صرفاً زیباسازی محیط را داشته باشد. تعادل تناسب تاکید تداوم وحدت و تنوع اصول یک سازمان بندی درست در طراحی فضاهای شهری

در راستای تحقق پذیری اهداف عملیاتی طراحی شهری بر اساس راهنمای ارزش طراحی شهری کمیسیون معماری و محیط مصنوع که در حال حاضر برای طراحی شهری در اروپا به عنوان چارچوب ارزش گذاری محوری طرحها مطرح است، و نقشی که گرافیک شهری می تواند در این زمینه ها داشته باشد، نکات زیر تاثیربخش است:

۱. از گرافیک شهری می توان برای ایجاد حس جدید در محیط شهر در طراحی عناصر و المانهای شهری بهره گرفت؛

۲. تداوم و محصوریت فضایی می تواند از طریق مولفه ها و عناصر طراحی گرافیکی و نور و رنگ در طراحی شهری استفاده کرد؛

۳. ایجاد جذابیت و پویایی فضایی در شهرها به راحتی می تواند بوسیله طراحی گرافیک تقویت شده و طرح های گرافیکی زمینه جذابیت فضاهای عمومی شهری را فراهم آورند؛

۴. مهمترین عامل در خوانایی شهرها استفاده از طرح های گرافیکی و هنرهای دیداری است که زمینه ساز جهت یابی آسان در شهرها و ارتقاء خوانایی شهری است؛

۵. استفاده از طرحهای گرافیکی منعطف، قابل تبدیل و یا قابل گسترش می تواند عاملی در انطباق پذیری و سازگاری محیط زیست شهری باشد؛

۶. تنوع در فضاهای شهری با بهره گیری از هنرهای بصری و گرافیکی ایجاد شده و باعث گسترش احساس تنوع پذیری در فضاهای شهری می گردد.

منابع و کتاب شناسی

امین رحیمی کیا، عزت اله قدم پور، فاطمه روشن زاده (۱۳۹۰) بررسی نقش بکار گیری اتوماسیون اداری در بهره وری کارکنان شهرداری خرم آباد در سال ۱۳۸۹، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

ایلوخانی، مسعود (۱۳۸۸) گرافیک محیطی، فاطمی، تهران.

بحرینی، سید حسین (۱۳۷۷) فرآیند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بنیامین شکوه فر، هادی رحمانی فضلی (۱۳۹۴) بودجه ریزی عملیاتی پاسخی به نیازهای مدیریت نوین دولتی (درآمدی بر نظام حقوقی بودجه ریزی عملیاتی ایالات متحده آمریکا)، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

بهرامی، محمد (۱۳۸۲) مجسمه های شهری و میادین تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر.

بهزادفر، مصطفی و امیر شکیبامنش (زمستان ۱۳۸۷) جایگاه راهنمای طراحی در فرآیند طراحی شهری و نقش آنها در ارتقاء کیفیت فضای شهری، فصلنامه آرمانشهر، شماره ۱.

بیشارت، کیث (۱۳۸۹) گرافیک در ساخت و ساز، ترجمه سمانه قزایی، تهران، انتشارات خدمات فرهنگی پارسه نو.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات شهیدی.

پور اصغریان، مهتاب (۱۳۸۷) مجسمه سازی در فضاهای شهری، فصلنامه نگره، شماره ۷ و ۸

پورمند، حسنعلی و موسیوند، محسن (۱۳۹۰) مجسمه سازی در فضاهای شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۴.

جامعه مهندسان مشاور ایران، گروه شهرسازی (۱۳۸۶) استانداردهای برنامه ریزی و طراحی شهری، جلد اول، تهیه طرح و انواع طرحها، چاپ اول، تهران حامد فامیل نوروزی، شهرام شریفی، آیلین شیدایی، شیدا فلاحت (۱۳۹۴) ارزیابی گردشگری شهری با تاکید بر توسعه زیرساختهای گردشگری و رقابت پذیری شهری؛ مورد پژوهی: کلانشهر تهران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

حق شناس، مهدی (۱۳۹۰) بررسی نقوش انسانی اساطیر ایران و کاربرد آن در گرافیک محیطی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر، تهران. ذکاوت، کامران (پاییز ۱۳۸۶) اتخاذ تصمیمات

راهبردی در چارچوب طراحی شهری عباس‌آباد تهران، فصلنامه آبادی شماره ۵۶ رابرت، کوان (۱۳۸۶) اسناد هدایت طراحی شهری، ترجمه کورش گلکار، انتشارات نقش پیراوش رضوانی نراقی، اشکان (۱۳۸۹) تهیه راهنمای طراحی شهری برای طراحی نمای ساختمان‌های نو در کنار جداره‌های با ارزش تاریخی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تهران، تهران

زنگی آبادی، علی و دیگران (۱۳۸۳) طراحی و برنامه ریزی مبلمان شهری، نشر شریعه توس، تهران.

سعید نیا، احمد (۱۳۸۳) طراحی فضا و مبلمان شهری، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.

سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۵) مجسمه ها هنر را به میان مردم می‌آورند، تهران، ویژه نامه نخستین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران.

شانس، حمید (۱۳۸۵) کلیاتی در اصول و ضوابط مجسمه های شهری، نشریه مجسمه، تهران شماره ۴.

صالحی، اسماعیل (۱۳۷۹) اهمیت فضاهای شهری در راهبری کنش های فرهنگی و مشارکتهای مردمی، نشر مؤسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.

عبدالله‌زاده، اکبر و علی خیابانیان (خرداد ۱۳۸۶) لزوم فرایند در طراحی شهر، هفته نامه نقش نو فهیمی فر، اصغر (۱۳۷۰) از کلاسیسیزم تا مدرنیسم، تهران انتشارات شفق.

کرد، مهدیه (۱۳۹۰) کارکرد زیبایی شناسانه مجسمه های شهری، فصلنامه حرفه: هنرمند، شماره ۳۷.

کشمیرشکن، عبدالحمید (۱۳۷۳) بررسی رابطه هنرمند و مخاطب و جایگاه مخاطب در هنر معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد نقاشی، دانشگاه تربیت مدرس.

گلکار، کورش، (۱۳۷۸) کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران مرکز مطالعه و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

مرتضایی، سیدرضا (۱۳۸۱) رهیافتهایی در

طراحی مبلمان شهری، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۰) مخاطب شناسی، ترجمه مهدی منتظر قائم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲) درآمدی بر نظریه های ارتباط جمعی، ترجمه پرویز اجلاالی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

موسیوند، محسن (۱۳۸۹) بررسی فرم مجسمه های شهری و ارتباط آن با فضای محیطی، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس.

موشتوری، آنتیگون (۱۳۸۶) جامعه شناسی مخاطب در حوزه فرهنگی و هنری، مترجم: حسین میرزایی، نشر نی

هوهنه گر، آلفرد (۱۳۸۱) نمادها و نشانه ها، ترجمه: علی صلح جو، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

وایت، الکس (۱۳۸۸) عناصر طراحی گرافیک، تهران، انتشارات کتاب آبان.

Gindrouz et al, Urban Design Associates, (2003), "the urban design hand book", "techniques and working methods". New York

Cowan ,R.(2005), the dictionary of Urbanism, streetwise press London

Urban design guide line: old Conway design overlay district, part three, draft: revised april12,2007

Rainer Mayerhofer, (2007), Methodology of Urban Design, aesopo5 vienna

Moughtin, cliff and others, (1999), Urban design methods and techniques

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۴۶ ■

بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه های اسلامی

احمد امین پور - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

رامین مدنی - استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

حامد حیاتی* - دانشجوی دکتری تخصصی معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

محمد علی دلداده - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، لرستان، ایران.

چکیده

مفهوم مسکن براساس آموزه های اسلامی موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد. سکونت، بیانگر برقراری پیوندی پر معنا بین انسان و محیط مفروض است که از تلاش برای هویت یافتن (به مکانی حس تعلق داشتن) ناشی گردیده است. از این رو، مفهوم سکونت همواره در طول تاریخ، ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته است. این مقاله با هدف ساختارشناسی مفاهیم سکونت و مسکن از دیدگاه اندیشمندان و سپس از دیدگاه آموزه های اسلامی تنظیم گردیده و نگارندگان تلاش نموده اند که با استفاده از آموزه های اسلامی به جهت گیری های دین اسلام در زمینه مفهوم مسکن دست یابند. آموزه های اسلامی درباره معماری مسکن، ضوابط و معیارهایی را مطرح می کند که مسکن را در حوزه تک بنا تا مجموعه شهری پوشش می دهد و نقش مسکن و انسان را در توده های انسانی و مجموعه های ساختمانی تشریح می نماید. ماهیت تحقیق، استقرایی و براساس روش تحلیلی - توصیفی تنظیم گردیده است. نگارندگان در این مقاله براساس آموزه های اسلامی به ۲۵ حدیث از احادیث رسول خدا (ص) که مرتبط با ساخت سکونتگاه و فضاهای شهری هستند معطوف شده اند. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا معیارهای مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان یابی آن را به عنوان (کلان معیارها) و توضیحات وابسته آنها را به عنوان (خرد معیارها) استخراج و پیشنهاد نموده اند. معیارهایی چون طهارت، حریم، امنیت درونی و بیرونی مسکن، وحدت واحد همسایگی، قاعده لاضرر، سلسله مراتب، ظرفیت مادی و معنوی مسکن، وسعت زیاد مسکن، مکان یابی در محله اسلامی و همپیوندی با طبیعت، به عنوان معیارهای مؤثر بر کالبد و معنای مسکن در کلام پیامبر (ص) هستند. در پایان نیز نتایج حاصل از رعایت این معیارها در قالب سه دسته کلی روانی - اجتماعی، ساختاری - کالبدی و آموزشی طبقه بندی شده است. **واژگان کلیدی:** مفهوم سکونت، مسکن، روابط همسایگی، آموزه های اسلامی، پیامبر اسلام (ص).

Recognizing the implications of housing and residence based on Islamic teachings

Abstract:

Housing concept on the basis of Islamic teachings on this subject that will be discussed. Location represents a meaningful link between man and the environment given that the quest for identity (sense of place) arising been sent. Hence, the concept of residence Historically, the mind is preoccupied thinkers. This article aims at the structure of concepts of residence and housing from the perspective of scholars and from the perspective of Islamic teachings has been set. The authors have tried to use the teachings of Islam and the Islamic religious orientation in the field of housing. Islamic teachings housing architecture, criteria suggests that in a single building housing a municipal collection covers and the role of human habitation in the human body and describes building sets. The nature of the research, inductive and based on descriptive analytical method has been set. The authors of this paper is based on Islamic teachings of the prophet's hadith to 25 related to the construction of settlements and urban spaces have been paid. Using the content analysis method effective standards on housing and location-finding body and the meaning of it as (macro indicators) and their related comments as (micro-benchmarks) have proposed extraction. Criteria such as cleanliness, privacy, internal and external security, housing, neighborhood unity, rule, hierarchy, housing material and intellectual capacity, large area of housing, locating the Islamic community and interconnectedness with nature, as measures affecting the body and means housing in the words of the prophets. In the end, the results of psychological measures in this regard in three categories - social, physical and educational structural classified.

Key words: concept of living, housing, neighborhood ties, the teachings of Islam, the Prophet of Islam

اسلام آیین حق الهی است و آخرین و کامل ترین و بهترین دین در تامین سعادت بشری و جامع ترین دین در تامین مصالح دنیوی و اخروی انسان هاست. اسلام از ادیان و مکاتبی است که در محیط شهری نضج یافته و نسبت به شهرنشینی نظری کاملاً مساعد و تشویق آموز دارد، و از سویی دیگر نسبت به جمع و جماعت نیز التفاتی خاص دارد، بنابراین نمی تواند نسبت به موضوعات مختلف مرتبط با شهر و سکونتگاه بی تفاوت باشد (نقی زاده، ۱۳۹۰، ص ۲). اسلام از ابتدا تا به امروز یک دین شهری و مدنی به حساب می آید که به علت همین خصیصه خود، ساختار شهرها و سکونتگاه ها را باسازی و پیرایش کرد. اسلام دینی بود که در محیط حاصل از تقابل زیستی بین صحرا و شهر شکل گرفت و همین امر زایش آن را با تاریخی از شهرنشینی گره زده است (benet, ۱۵: ۱۹۶۳-۱۶). در این مقاله، ابتدا مفاهیم مرتبط با سکونت به بحث گذارده شده است. سپس در ادامه به ساختارشناسی این مفهوم از دید اندیشمندان معاصر، و دیدگاه اسلام پرداخته شده است و در نهایت برخی از ویژگی های مسکن مطلوب، با توجه به یافته ها بیان شده است. به عبارتی دیگر این مقاله تلاش می نماید که با بهره گیری از آموزه های اسلامی، توصیه هایی که در آن محتوایی زیست مسلمانان و اصول معنایی و کالبدی مسکن مستتر است، را جستجو نماید.

خداوند متعال یکی از اهداف بعثت انبیاء را زندگی و حیات در تمام ابعادش می شمارد (انفال، ۲۴). در قرآن کریم خداوند حضرت رسول اکرم (ص) را به عنوان الگوی جاودانه و (اسوه حسنه) معرفی نموده است. با توجه به آیه (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) در باب حجت و دلیل گفته اند معصوم قولش، فعلش و تقریرش حجت و اسوه اقتداء و متابعت است. هم در عقائد حقه و اصول دین و هم در اخلاق و صفات حمیده و هم در افعال، متابعت و اقتداء به رسول الله (ص)، بر امت واجب و لازم است

(طیب، ج ۱۳۷۸، ۱۰، ص ۴۸۹). بهترین الگو برای ما نه تنها در این میدان که در تمام زندگی، شخص پیامبر (ص) است (بابایی، ج ۳، ۱۳۸۲، ص ۶۰۱). آیه خطاب به جامعه اهل ایمان است که مسلمانان از سیره و روش رسول خدا (ص) پیروی و تاسی نمایند (حسینی همدانی، ج ۱۳، ۱۴۰۴، ق، ۷۵-۷۴). اندیشه و آموزه های اسلامی در باب شهر و مسکن دارای ویژگی های منحصر به خود است که حصول آنها می تواند سبب رسیدن به حیات طیبه^۱ و کمال مطلوب در فضاهای زیستی بشر و موقعیت توأمان مالی و معنوی شهروندان گردد (ساربانقلی، ۱۳۹۰، ص ۴۸). لذا در این مقاله ضمن جستجو در گفتار رسول خدا (ص) برای دست یافتن به اندیشه های پویای قابل استفاده در شهرهای اسلامی در دوران معاصر، بر شناخت و دسته بندی برخی از معیارهای مسکن مطلوب در جامعه اسلامی تاکید شده است.

ادبیات نظری

معنای لغوی مسکن

مسکن بر وزن مفعّل، اسم مکان از ریشه عربی «سکن» به معنای آرامش و سکون می باشد که به معنای محل آرامش و سکون است و در اصطلاح به مکانی می گویند که انسان در آن زندگی می کند. واژه مسکن یعنی جایی که آدمی در آن سکنی می گزیند تا به سکینه دست یابد و این همان تعریف خانه است. در واقع مسکن، همان خانه می باشد و هر دو یک مکان را معرفی می نمایند (بمانیان، ۱۳۹۱، ص ۲۰). در «فرهنگ لغت نامه دهخدا» معنای لغوی مسکن به معنایی چون: جای باش و خانه، منزل و بیت، سکونت و مقام، جای آرام معنا شده و در فرهنگ معین به معنایی چون «تسکین، تسکین دهنده، آرام کننده، دارویی که موجب آرامش و تخفیف آلام روحی یا جسمی است» معنا شده است. در رابطه با واژه مسکن واژه هایی بسیاری وجود دارند که مترادف با آن به کار می روند. واژه هایی نظیر «بیت، منزل، کاشه، سرا و...» به جای مسکن مورد استفاده قرار می گیرند. ریشه یابی این کلمات نشان می دهد



۱. سوره نحل آیات ۹۵ تا ۱۰۰ ناظر به مفهوم حیات طیبه قرآنی است. ضمن آنکه واژه قرآنی حَیْوَةٌ طَیِّبَةٌ در آیه ۹۷ سوره نحل ذکر شده است.

جدول ۱. کلمات رایج مترادف با واژه «مسکن» در زبان فارسی با توجه به فرهنگ دهخدا؛ ماخذ نگارندگان.

بیت: محل بیتوته در شب.	جا: کلمه‌ای که مطلق مکان است	جای باش: سرا و منزل و مکان	جایگاه/ جایگه: مکان استقرار.
سرا: منزلگاه، بنای عالی و بارگاه.	دار: خانه، محل سکونت، مطلق درخت را گویند، شتر بسیار شیر دهند.	دهکده: خانه واقع در ده.	ربع: سرا و اطراف خانه فرود آمد نگاه.
کازه: خانه‌ای که به عنوان سایبان از تخته سازند.	شم: خانه زیرزمینی و کاروان سرا	قرارگاه: جای استراحت و آرامش.	کار: خانه داخل زمین و خانه ساخته شده از چوب و نی
کاشه: خانه‌ای که بر کنار کشت و زراعت سازند.	کازه: منزل و مقام و کمینگاه صیاد.	کاشان: منزل زمستانی و کاشانه.	کاشانه: خانه کوچک و محقر آشیانه مرغان.
کهنبار: به معنای منزل و بیت و بارگاه	کاط: کاشانه و خانه کوچک و محقر.	کبس: خانه گلی	کد: یا کت به معنای تخت، ده و دهکده است.
مبآه: جای باش، منزل و جای آرامش	مابد: جا و مکان و مسکن.	مان: به معنای سرا و مسکن و ماندن از ریشه آن است.	مأوا: جایگاه جای بودن، جای سکونت و اقامت.
معان: جایگاه، جای باش و حیات	مئوا: جای آرام، قرارگاه و جای حیات	مطحط: موضع و منزل، جای فرود آمدن.	مسکن: جای سکونت، جای باش و بقاء
منقله: منزل و فرود آمد نگاه.	مقام: اقامت و قیام و جای ایستادن است.	مکان: معنی مطلق جا، موضع بودن چیزی.	منزل: اقامت موقت، محل خوابیدن و آرامش.
موضع: جای، محل، مفهوم مطلق جا.	موقع: جای و جایگاه افتادن، جای واقع شدن چیزی		



أَهْلُ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكِنَتْ (نهج البلاغه، فراز دوم، نامه ۲۷). آگاه باشید ای بندگان خدا، پرهیزگاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند؛ با مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند. پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه‌های دنیا سکونت کردند.

از نظر اسلام، انسان باید در شرایطی زندگی کند که بتواند بهتر عبادت کند و خود را برای زندگی اخروی آماده نماید؛ این گونه نیست که فرد پرهیزگار حتما باید در جایی تنگ و تاریک و محروم از امکانات زندگی کند. قرآن کریم آن لذتی را حرام کرده که آرامش را از آدمی می‌گیرد و برای او بدبختی و نگرانی به دنبال می‌آورد.

معنای لغوی برخی از این کلمات با یکدیگر تفاوت دارد ولیکن استفاده آن‌ها در بین عامه مردم معمول شده است. برای واضح تر شدن معنای این واژه‌ها معنای این کلمات در لغت نامه دهخدا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معنای اصطلاحی مسکن

مسکن از مهم‌ترین نعمت‌هایی است که تا آن نباشد دیگر امکانات برای بشر گوارا نخواهد بود. خانه، محیطی است که انسان می‌تواند از طریق آن اصلی‌ترین نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده سازند. حضرت علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَ آجِلِ الْآخِرَةِ فَنَسَّوْا كَوَا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَ لَمْ يُشَارِكْهُمْ

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَازٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ قَرَارٌ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِكُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳)؛ دنیا خانه عبور است، باید برای خانه دائمی وسیله و امکانات برداشت و از جای ناپایدار برای مکان جاویدان استفاده کرد.

با توجه به نیاز انسان به کسب آرامش درونی و امنیت اجتماعی، قرآن کریم مواردی چون همسر، شب، خواب و در مراحل بالاتر، ایمان و تقوای الهی را موجب آرامش دانسته (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، صص ۲۱۵-۲۳۶)، که بعضی از آنچه باعث آرامش انسان می شود در خانه وجود دارد (سوره مبارکه نحل آیه ۸۰) و بعضی دیگر وابسته به شرایط زمان و مکان بستر آنها در خانه شکل می-پذیرد.

مفهوم سکینه در خانه

با توجه به اهمیت وجود آرامش در خانه، پژوهشگران از زوایای متنوعی به آن پرداخته اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می نمائیم:

۱- خانه و نظام صلح و آرامش

اسلام دارای نظامی است که، خودسازی و صلح و آرامش درونی انسان با خود را، پایه و اساس سلامت و امنیت اجتماعی می داند. اهمیت این نظام که از خانه شکل می گیرد، در این است که هم پرورش استعدادهای کودک، در جهت تعالی او و جامعه در گرو تربیت صحیح اش توسط والدین بوده و هم، تکامل روحی اش در گرو احسان به دیگران و به خصوص به والدین قرار داده شده، زیرا پس از عبادت پروردگار اولین توصیه به این احسان می باشد (أصفی، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۹۲).

۲- پیوند معنوی میان مسجد و خانه

در قلمرو معماری، خانه سنتی به نوعی گسترش و امتداد مسجد تلقی می شود به این معنی که سادگی و طهارت مسجد را استمرار می بخشد. فرشهایی که انسان با کفش بر آنها پا نمی نهد، پاکی آئینی شان که نماز و عبادت بر روی آنها را همچون فرشهای مسجد ممکن می سازد. «خلوت» اطاقهای سنتی خالی از مبلمان و عناصر فراوان دیگر، میان خانه و

مسجد پیوندی معنوی برقرار می نماید (نقره کار، به نقل از: نصر، ۱۳۸۴).

۳- مسکن اسلامی تسهیل کننده عبادت

با توجه به جایگاه تفکر و عبادت در آموزه های اسلام، «لازم است تا مسکن، به عنوان وسیله انسان، را در وظیفه بندگی و انجام عبادت یاری نماید، پس باید در این مسیر مشکلی فراهم نکرده و با کیفیات ویژه فضایی (صوری و ساختاری) خود انسان را کمک کند تا این عبادات را در کامل ترین و روحانی ترین صورت خود انجام دهد» (علی آبادی، ۱۳۸۴، صص ۱۰-۱۲).

۴- خانه مرکز انس و حرم خانواده

خانه ی مسلمانان با حیاط داخلی محصورش و از چهار جانب و یا باغ محصورش که در آن چاهی یا چشمه ای هست، باید مشابه این جهان باشد. خانه، حرم خانواده است و قلمرو حکمروایی زن که مرد در آن قلمرو، میهمانی بیش نیست. خانه اسلامی، به روی دنیا خارج کاملاً بسته است؛ و بدین گونه زندگی خانوادگی از حیات مشترک جدا و سوا گشته و فقط بالای آن به سوی آسمان باز است که آسمان از آن طریق، در پایین، در چشمه ی آب حیاط انعکاس می یابد (بورکهارت، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹).

۵- خانه تصویری از جهان و هستی

خانه نمادی از خود (انسان) و تجلی گاه سنن فرهنگی آن جامعه تلقی می شود. خانه بر مبنای تصویری که انسان از جهان و هستی دارد، طراحی و ساخته می شود. اگر انسان تصور یک نظم متعالی مبتنی بر آرامش را از جهان در نظر داشته باشد، محل سکونت او، بازتابی از این اندیشه خواهد بود. انسان آرام و باطمأنینه، با طراحی و ساخت خانه سر پناهی برای آرامش دل خود پدید می آورد و در آن سکنی می گزیند (پورمند و ریخته گران، ۱۳۸۵، ص ۴۹).

بررسی مفهوم سکونت از دیدگاه اندیشمندان

مفهوم مسکن و سکونت همواره مد نظر اندیشمندان مختلف قرار داشته است. به طور کلی؛ آبادی،

فضاهای شهری، فضاها و نهادهای عمومی و خانه همراه یکدیگر، محیط کل یا محل سکونت (جایی که در آن سکونت به صورت طبیعی، مجتمع، عمومی و خصوصی شکل می‌گیرد) را به وجود می‌آورند. سکونت؛ بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است. در مبانی اسلامی و همچنین از نظر اندیشمندان دیگری چون، راپاپورت، هایدگر، گیفورد، شولتز و کوپر درباره این مفهوم نظراتی ارائه شده است. در ادامه این نظرات و عقاید، بررسی و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر بیان می‌گردد.

مفهوم و ساختار کلی سکونت از منظر آموزه‌های اسلام و دیگر اندیشمندان

مسکن مسلمان براساس نیازهایش دارای دو بعد است: یک بعد او به سمت نیازهای معنوی و بعد دیگر او به سمت نیازهای مادی حرکت می‌کند. مسکن اسلامی نیز فراتر از یک واقعیت عینی می‌باشد و با فطرت آدمی ارتباط دارد و پاسخگوی نیازهای اساسی مادی و معنوی است. به عبارت دیگر اصل، رسیدن به کمال مطلوب الهی است که در نهاد انسان‌ها فطرتاً وجود دارد، معمار و سازنده بنا در ساخت مسکن هدفی جز پرستش نداشته و این اشاره‌ای به آن که معمار مسلمان ساخت را امری آیینی می‌داند (سوره بقره، آیه ۱۲۷). در حقیقت اگر هدف از ساخت مسکن ارتقاء و کمال انسانی به سمت خدا باشد خدا نیز در این امر او را رهبری می‌کند (سوره حج، آیه ۲۶). خانه فارغ از ظواهر و پیرایه‌های آن، خواه کاخ باشد خواه کوخ، نعمتی الهی است که انسان را می‌بایست به ذکر الهی سوق دهد (اعراف، آیه ۷۴). خانه خود وسیله بوده و هدف محسوب نمی‌شود. اگر مسکن باعث دوری از یاد خدا و جایگاه انسانی باشد از ارزشی برخوردار نیست (توبه، آیه ۲۴ و سوره قصص، آیه ۵۸). در حقیقت معمار مسلمان با بهره‌گیری از هویت دینی و اعتقادی که محدود به زمان و مکان خاص نیست، فضایی را خلق می‌کند که بازتاب اندیشه‌های خویش باشد و به نیازهای درونی افرادی که در آنجا

زندگی می‌کنند توجه کند. به عنوان مثال مسکن سنتی همواره براساس عقاید مذهبی ساکنین آن خلق می‌شد و معمار مسلمان تا حد امکان به اصول، قواعد و روشهای احداث خانه در آیات و احادیث توجه می‌نمود و لذا اثری که خلق می‌کرد بر مبنای آن الگوها شکل می‌گرفت و همواره روح دینی در مسکن سنتی جریان می‌یافت (اخوت، ۱۳۹۰، ص ۶۷).

در اندیشه‌ی راپاپورت میل به اسکان گزیدن از ویژگی‌های زیربنایی رفتار انسان است. به گفته او مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. هدف اصلی مسکن به وجود آوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. علاوه بر تأمین نیازهای فردی، مسکن باید قادر به برآورده ساختن نیازهای اجتماعی انسان نیز باشد (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۴).

به گفته او خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکردی چند بعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و شرایط محیطی، و از آنجا که ساخت «خانه» خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز، متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است. سنت محلی یا فرهنگی ارتباط مستقیمی با فرم‌های فیزیکی یک فرهنگ داشته و به عبارتی این دو لازم و ملزوم یکدیگرند (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

راپاپورت معتقد است که از گذشته‌های بسیار دور، خانه برای انسان چیزی بیش از سرپناه بوده و جنبه‌های معنوی و مذهبی در همه‌ی مراحل ساخت خانه تا استقرار در آن و استفاده از آن کاملاً مشهود است. همچنین به اعتقاد او عامل فرهنگ و درک انسان‌ها از جهان که شامل اعتقادات مذهبی، ساختار اجتماعی قبیله و خانواده، روش زندگی و همچنین شیوه ارتباطات اجتماعی افراد می‌باشد، نقش مؤثری در مسکن و سازمان تقسیمات فضایی آن داشته است (براتی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).



در اندیشه‌ی هایدگر، «سکنی‌گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه‌ی آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشتش حفظ می‌کند. ویژگی بنیادین سکنی‌گزیدن که سکونت را در کل گستره‌اش اشاعه می‌دهد، نگهداری و محافظت است» (هایدگر، ۱۳۸۱، ۹). هایدگر به مترادف بودن مفاهیم سکونت و بودن اشاره می‌کند و تفکر در پدیده سکونت و مسکن را امری ضروری می‌داند و می‌گوید تنها زمانی سکونت تحقق خواهد یافت که ساختن و تفکر کنار هم قرار گیرند و بخشی از سکونت شوند (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۲۴). او مقیم بودن و حضور داشتن در جایی را متفاوت از سکونت داشتن در آن دانسته و تاکید می‌کند که در هر مسکنی، سکونت‌گزیدن روی نمی‌دهد. بنابراین سکونت، کیفیتی است که انسان تنها از طریق ساختن به آن دست می‌یابد ولی نه هر ساختنی و نه هر حضوری. او بر همین اساس از دو گونه حضور در فضا یاد می‌کند: اقامت و سکونت. هر دوی این‌ها گرچه نوعی جای گرفتن در فضا هستند ولی هایدگر معتقد است که تفاوتی بنیادین بین آن‌ها وجود دارد. اقامت، زمانی اتفاق می‌افتد که انسان در فضاهای دیگری چون محل کار قرار دارد. خود او از مثال راننده کامیون در بزرگراه و یا سرمهندس در نیروگاه استفاده می‌کند. با این حال او مفهوم سکونت را به عنوان مفهومی عام برای هر نوع فضای مسکونی به کار نمی‌برد بلکه، نوع و کیفیت خاصی از سکونت را مدنظر دارد. او اشاره می‌کند که در این کمبود مسکن امروزی، برای خیلی‌ها داشتن یک فضای مسکونی آرامش‌بخش است، از نظر او ذات سکونت اینست، زندگی بر روی زمین و زیر آسمان، حفاظت از آن‌ها و دریافت رازشان و نه بهره‌کشی از آن‌ها با استفاده از تکنولوژی، یعنی امری که امروزه دارد اتفاق می‌افتد (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۱۵).

از دیدگاه گیفورد خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها بوده و انتظام فضائی آن‌ها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می‌باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد

و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم‌بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی-سیاسی در آن فرهنگ دارد. به گفته گیفورد: «کاشانه (خانه) مهمترین مکان در زندگی ماست. معمولاً کاشانه (خانه) مهمترین پناهگاه از تنش‌های مرتبط با کار، مدرسه یا زندگی روزمره است. شش مشخصه‌ی کاشانه عبارتند از: «پناهگاه، نظم، هویت، همبستگی و معنویت، محافظت از گرما و مناسب بودن فیزیکی. امکان دارد که مکانی برای سکونت داشت ولی در عین حال بدون کاشانه بود. یک فرد بی‌خانمان احتمالاً طی مراحل بی‌کاشانه می‌شود. در مرحله‌ی اول، حمایت خانواده از بین می‌رود و سپس دوستانش را از دست می‌دهد» (گیفورد، ۱۳۷۷، صص ۷۵-۷۲). شولتز معتقد است:

«خانه یکی از عینی‌ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به صورت مرکزی برای وجود بشر در می‌آید. یعنی محلی که کودک در آنجا یاد می‌گیرد و وجود خود را در دنیا می‌یابد و یعنی مکانی که بشر از آنجا راه می‌افتد و باز به آنجا باز می‌گردد» (شولتز، ۱۳۵۳، ص ۵۳).

شولتز در کتاب «معماری: معنا و مکان» بیان می‌کند:

«محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی با معنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد. این وظیفه معمار است که به فضاها فرمی بدهد که با آن، آن‌ها محتوای لازم را دارا شوند برای نمونه این معمار است که خانه را به گونه‌ای که امنیت و آرامش را فراهم آورد، طراحی می‌کند» (شولتز، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

کوپر خانه را همچون نمادی از خود می‌داند. به اعتقاد او خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می‌بیند. به اعتقاد او خانه دو جزء بسیار متفاوت دارد. فضاهای داخلی که متشکل از فضای محصور درونی و خصوصی است و صورت خارجی که فضای باز و بیرونی و عمومی رادر بر می‌گیرد. در

جدول ۲. مقایسه بین آرا و عقاید اندیشمندان در مورد سکونت و مفهوم آن؛ مأخذ: نگارندگان.

واژگان کلیدی	مفاهیم بررسی شده	توضیحات
مسکن	اسم مکان بر وزن مفعل از ریشه «سکن»	به معنا و محل آرامش و سکون است.
	واژه های مرتبط	خانه، کاشانه، بیت، منزل، سرا، دار، مأوا.
	سکونت	سکونت؛ بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض (تمام فعالیت های فردی، زیستی، اجتماعی و...) است.
	سکونتگاه	فراهم نمودن تمام خدمات و تسهیلات ضروری برای زیست فردی و اجتماعی از قبیل فرهنگ، آموزش، درمان و ... در یک مکان.
مفهوم سکونت در دیدگاه اندیشمندان	از منظر اسلام	مسکن اسلامی خود وسیله بوده، جهت رسیدن به کمال، و هدف محسوب نمی شود.
	راپاپورت	مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه ای پچیده از اهداف ایجاد می شود. و ساخت آن خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز، متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.
	هایدگر	سکنی گزیدن به معنای در آرامش قرار گرفتن است. یعنی در حوزه ی آزادی در آرامش درون، هر چیز را در سرشتش حفظ می کند. ویژگی بنیادین سکنی گزیدن که سکونت را در کل گستره اش اشاعه می دهد، نگهداری و محافظت است
	گیفورد	خانه ها منطبق بر فرهنگ ها بوده و انتظام فضائی آن ها، نشان دهنده روابط اجتماعی افراد ساکنش می باشد. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی - سیاسی در آن فرهنگ دارد
	شولتز	خانه یکی از عینی ترین مراکز در دنیای شخصی بشر است. خانه به صورت مرکزی برای وجود بشر در می آید. یعنی محلی که کودک در آنجا یاد می گیرد و وجود خود را در دنیا می یابد و یعنی مکانی که بشر از آنجا راه می افتد و باز به آنجا باز می گردد
	کوپر	خانه بازتابی است از اینکه انسان خود را چگونه می بیند. کوپر خانه را همچون نمادی از خود می داند.

جدول ۳. روایات و یافته‌های مرتبط با شهرسازی و معماری مسکن و سکونتگاه و مکان‌یابی آن در فضاهای شهری؛ مأخذ: نگارندگان.

شماره حدیث	روایات	یافته‌ها	تدوین معیارهای مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان‌یابی آن (کلان معیارها)
۲۷۶۹	کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان دور شود خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می‌آورد	وحدت و تمرکز با جامعه شهری و در جامعه بودن. امت واحد اسلامی همراه بودن با جماعت بودن.	مکان‌یابی مسکن در محله اسلامی.
۳۰۲۵	کسی که در بیابان سکوت کند خشن می‌شود.	توجه به مکان‌یابی سکونتگاه در شهر و روابط شهری.	
۴۹۲	خدایا گناه مرا ببخش و خانه‌ام را وسیع گردان.	توسعه فضاهای مسکونی در شهر.	
۱۲۸۹	سه چیز از نعمت‌های دنیاست. وسیله سواری که خوب راه برود، زن شایسته، خانه وسیع.	توسعه فضاهای مسکونی در شهر، حسن سلوک در حیطه خانواده و روابط همسایگی، توجه به ارتباطات شهری.	
۵۱۴	پروردگارا از همسایه بد در خانه ثابت به تو پناه می‌برم.	ملامت رفتار و روابط همسایگی بد.	
۹۷۳	شما را نسبت به همسایه سفارش می‌کنم.	رفتار نیک با همسایه و اهمیت فضاهای همسایگی.	تمرکز و وحدت در واحدهای همسایگی در محله (تمرکز معنایی و شکلی).
۱۲۹۸	همسایه خانه سزاوار به خانه همسایه است.	اهمیت حقوق همسایه (حق شفعه).	
۲۳۳۸	بنده‌ای که همسایه‌اش از شرش در امان نیست، داخل بهشت نمی‌شود.	حسن سلوک و بهبود رفتار مناسب اجتماعی در فضاهای شهری به خصوص در واحدهای همسایگی.	
۱۳۲۳	جماعت مایه رحمت و تفرقه مایه عذاب است.	وحدت با جامعه شهری و در جامعه بودن. همراه بودن با جماعت و اهمیت زندگی اجتماعی	
۱۱۳۰	از زمین محافظت کنید زیرا مانند مادر شماس است.	عمران و آبادانی زمین و مراقبت و محافظت بهینه آن در کلیه فعالیت‌های مربوط به امور معماری و شهرسازی.	بهره‌گیری از طبیعت و پیوند با آن
۳۱۶۰	نگاه کردن به سیره بینایی را زیاد می‌کند.	اهمیت فضای سبز در سکونتگاه و در منظر و سیمای شهری.	
۱۷۶۰	شاخه درختی در راه عبور مردم که مردم را اذیت می‌کرد سپس مردی آن شاخه را دور کرد به همین دلیل وارد بهشت شد.	اجتناب از ضرر و زیان در فضاهای شهری و سکونتگاه. رفع موانع از مسیرهای عمومی.	
۱۸۰۹	بدترین جا برای نشستن، بازارها و در راه عبور و مرور مردم است.	اجتناب از سد معابر شهری و اذیت شهروندان بوسیله ساخت سکونتگاه.	رعایت قاعده لاضرر و لاضرار
۳۱۲۲	اذیت و آزار را از راه و مسیر مسلمانان صاف و هموار کن.	رعایت قاعده لاضرر و لاضرار در ساخت سکونتگاه و فضاهای شهری.	



مسکن باید فرصت احقاق نیازهای معنوی و مادی مسلمان را فراهم نماید.	اکرام مهمان در شهر. ترویج فرهنگ تکریم از مهمانان شهری و تهیه و تدبیر مکان اسکان آنها.	برای هر چیزی زکاتی وجود دارد و زکات خانه (ساختن و آماده کردن) اتاق میهمان است.	۲۲۵۸
رعایت سلسله مراتب	اهمیت دادن به اصل سلسله مراتب و درجات ارزشی. سیالیت از فضای معنوی به فضای مادی بوسیله نظام ارزش گذاری و دسته بندی برای فضاهای شهری	دوست داشتنی ترین مکان های شهر نزد خدا مساجد و منقورترین مکان شهر نزد خدا بازارها هستند.	۷۱
نقش پاکی و طهارت در مکان - یابی مسکن	اهمیت طهارت مالی و عمران و آبادانی شهری از راه حلال.	از سنگ حرام در به کاربردن در ساختمان دوری کنید زیرا این کار باعث ویرانی ساختمان است.	۳۸
	ساخت سکونتگاه در مکان طاهر و طیب.	پاکیزه کردن خانه بی نیازی را به دنبال دارد.	۱۳۰۱
	سفارش به طهارت و پاکیزگی و اهمیت پاک کردن آلودگی از فضاهای زیستی و سکونتگاهی.	خداوند جلیل و باشکوه گناهان قبلی و بعدی مردی را که شاخه تیغی را از مسیر راه مردم بردارد آمرزید.	۲۰۳۴
مفهوم امنیت در مکان یابی مسکن	ضرورت همسایه خوب و توجه به گزینش و دقت در روابط واحدهای همسایگی در فضاهای شهری جهت رسیدن به امنیت اجتماعی.	قبل از خرید خانه به دنبال همسایه خوب باشید.	۴۸۰
	فراهم نمودن بستر امنیت اجتماعی در سکونتگاه بوسیله اهمیت دادن به زندگی اجتماعی و همراهی با امت.	برکت همراه جماعت است.	۲۱۸۰
	ارتقاء و بهبود رفتار اجتماعی در فضاهای همسایگی.	بنده ای که همسایه اش از شرش در امان نیست، داخل بهشت نمی شود.	۲۳۳۸
	توجه به وحدت با جامعه شهری در مکان یابی سکونتگاه جهت رسیدن به امنیت اجتماعی.	کسی که به اندازه یک وجب از جماعت مسلمانان دور شود خداوند ریسمان اسلام را از گردنش بیرون می آورد.	۲۷۶۹
حفظ و رعایت حریم در مسکن و مکان یابی آن	میزان وسعت حریم همسایگی در فضاهای شهری. توجه به حریم خصوصی همسایگان در مکان یابی سکونتگاه.	مقدار همسایه بودن تا چهل خانه است.	۱۳۵۰
	احترام به حقوق شهروندی و توجه به حریم و ارتفاع مناسب ساختمان های شهری در فضاهای شهری و همساز با اقلیم. حقوق شرعی همسایه، عیادت، تشییع، قرض دادن، تبریک، تسلیت، عدم تفاخر، رعایت قاعده لاضرر و لاضرار در فضاهای شهری / اهمیت یاد در مکان یابی سکونتگاه و فضاهای شهری.	حق همسایه آن است که اگر بیمار شود او را عبادت کنی و اگر بمیرد او را تشییع نمایی و اگر از تو پولی قرض خواست به او قرض بدهی و اگر اتفاق خوبی برای او رخ داد به او تبریک بگویی و اگر اتفاق بدی افتاد به او تسلیت بگویی، و خانه خود را بالاتر از خانه او نسازی تا باد بر آن ها مسدود شود.	۲۲۷۲



جدول ۴. تحلیل اصول و معیارهای مسکن مطلوب براساس آموزه های اسلامی؛ مأخذ: نگارندگان.

معیارهای ده گانه مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان یابی آن (کلان معیارها)	توضیحات معیارهای سکونتگاه مطلوب (خرد معیارها)
تمرکز و وحدت در توده مسکن و واحدهای همسایگی	<ul style="list-style-type: none"> - بافت فشرده و متراکم (تجمیع سکونتگاه و کاربر). - کاربرد الگوهای درونگرا (ایجاد مرکزیت و وحدت در مسکن بوسیله حیاط مرکزی). - وحدت کارکردی در کالبد مسکن. - بافت و شکل متمرکز. - هارمونی و وحدت بدنه ها و نماها با هندسه فضاهای حرکتی. - جهت گیری مشترک کالبدی. - تمرکز معنایی و شکلی (عدم ایجاد پراکندگی گونه ها). - خلق هندسه زیبا که تداعی سیر از کثرت و تنوع را به مرکزیت و وحدت تداوم می بخشد.
بهره گیری از طبیعت و پیوند با آن	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی حوض آب در بنا. - طراحی فضاها و بدنه های سبز در بنا. - بهره گیری از نور طبیعی بوسیله رواق ها، بازشوها، مشبکها و .. - جهت گیری مناسب معابر و روزن ها برای بهره مندی از باد معتدل. - سودمندی از نور مناسب طبیعی جهت نمادپردازی برای هدایت کننده و زینت بخش فضاها. - تنوع در بافت.
قاعده لاضرر و لاضرار	<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از اشراف متقابل سکونتگاه ها با ایجاد سلسله مراتب و .. - پرهیز از هر گونه تجمل و خودنمایی و اشراف در نمای مسکن. - اجتناب از اذیت و مزاحمت های همجواری واحدهای همسایگی و فضاهای حرکتی. - مخفی بودن دستشویی و فاضلاب و ...
مکان انتخاب شده مسکن باید فرصت احقاق نیازهای معنوی و مادی را فراهم نماید	<ul style="list-style-type: none"> - طراحی فضاهای مناسب و زیبا برای عبادت و تکریم مهمان. - حسن همجواری. - تعلق مکانی. - ظرفیت عبادی سکونتگاه.
سلسله مراتب	<ul style="list-style-type: none"> - عرصه بندی فضاهای داخلی و تفکیک آنها از فضاهای خارجی. - انتظام فضایی دین مدار و شریعت محور بوسیله سلسله مراتب. - محوربندی و ارزش گذاری فضاها بوسیله سلسله مراتب.
پاکی و طهارت	<ul style="list-style-type: none"> - اجتناب از آلودگی ها با تنظیم ارتفاع و جهت معابر. - حضور آب در بنا به عنوان مظهر پاکی. - مخفی بودن سرویس ها و فاضلاب و آبریزگاه ها و ...
حریم	<ul style="list-style-type: none"> - رعایت حریم بوسیله درون گرایی و سلسله مراتب و عرصه بندی فضاهای داخلی و خارجی و سازماندهی منطقی آن ها.
امنیت	<ul style="list-style-type: none"> - عدم اختلاط فضاهای عمومی - خصوصی. - حریم کالبدی معنایی. - فراهم نمودن آرامش و امنیت (فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و ..) با مکان یابی مسکن در اماکن اسلامی.

جدول ۵. نتایج حاصل از بکارگیری معیارهای مؤثر در معنا و کالبد مسکن براساس احادیث پیامبر(ص).

نتایج روانی-اجتماعی بر ساکنین

- تقویت و ارتقاء سطح آداب جمعی و آیین همسایگی و عدم تمایل به فرد گرایی.
- حفظ حرمت خانواده.
- روابط بالا با همسایه و عدم گسیختگی روابط اجتماعی.
- افزایش سلامت روحی و کاهش میزان افسردگی.
- افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی.
- مدیریت اخلاق مدار و جامعه اخلاق محور.
- قانون گرایی و محوریت قوانین عقل و شرع.

نتایج ساختاری-کالبدی بر جامعه شهری

- جلوگیری از بی مرکزی و واگرایی بافت شهری.
- نمود مشخص از کلیت شهر و سکونتگاه (ارتقاء و بهبود شناخت از کل شهر).
- تقویت صفت خوانایی در شهر، محله و سکونتگاه.
- توسعه شهر بر مبنای عدالت (گرایش به عدالت و عدالت خواهی در طرح های توسعه شهری).

نتایج آموزشی بر جامعه دانشگاهی

- ارتقاء سطح تعلیم آموزه های اسلامی برای بکارگیری در سطوح شهری.
- تقویت رشته های معماری و شهرسازی اسلامی در دانشگاه ها.
- بکارگیری این اصول باعث می شود که درک صحیحی از کاربرد و کارکرد مفاهیم اسلامی در حیطه معماری و شهرسازی داشته باشیم.



با مطالعه و بررسی احادیث فوق از رسول خدا (ص) در کتاب نهج الفصاحه می توان براساس (جدول ۴) به ده معیار اساسی به عنوان معیارهای مؤثر بر کالبد و معنای مسکن و مکان یابی آن (کلان معیارها) به همراه معیارهای سکونتگاه مطلوب (خرد معیارها) اشاره نمود.

منابع و ماخذ

اخوت، هانیه (۱۳۹۰) بازشناسی مؤلفه های هویتی مسکن سنتی بر اساس آیات قرآن و روایات. دوفصلنامه تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، سال سوم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۸-۸۶.

آصفی، محمدمهدی (۱۳۸۵) آرامش در آئینه وحی. مترجم علیرضا سروش و محمدحسین سرانجام، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران و قم.

این رابطه می نویسد:

«خانه ممکن است به دو صورت دیده شود: اولی تجلی آشکاری از خود که در این حالت پیام های روانی از خود به سوی نماد عینی خود جاری می شوند و دوم به صورت کشف و شهود ماهیت خود که در این حالت پیام ها از نماد عینی به جانب خود باز می گردد» (کوپر، ۱۳۷۹، ص ۵۹).

از مجموع نظرات فوق چنین استنباط می شود که چون فضای معماری فرهنگ پذیر بوده است و فرهنگ نیز بر معماری تأثیرگذار است لایه اول وحدت بخش معماری خانه ناشی از فرهنگ اسلامی به عنوان فرهنگ حاکم است.

نتیجه گیری و جمع بندی

در این مقاله به ۲۵ حدیث از رسول خدا (ص) در کتاب نهج الفصاحه که مرتبط با شهر و سکونتگاه می باشد، اشاره می شود.

رکسانا عبدالهیی، بهناز امین زاده، آزاده شاهچراغی، ایرج اعتصام (۱۳۹۴) تدوین مؤلفه های شفابخشی منظر در باغ های ایرانی و کاربرد آن در طراحی فضاهای باز شهری، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

زهرا عباسی، فرح حبیب، سید مصطفی مختاباد امری (۱۳۹۴) تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی ایران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

ساسان صالحی میلانی، مریم محمدی (۱۳۹۰) تدوین شاخص های سیاست گذاری با هدف تحقق پایداری فرهنگی؛ مورد پژوهی: منطقه کلانشهری تهران، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷) لغت نامه. چاپ سروش، تهران.

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگ معماری. مترجم صدف آل رسول، افراد بانک، فصلنامه فرهنگستان هنر.

ستاری ساربانقلی، حسن (۱۳۹۰) سطح بندی شهر در کلام پیامبر اسلام (ص)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سال اول، شماره سوم، ص ۴۷ تا ۵۵. شولتز، کریستیان نوربرک (۱۳۵۳) هستی، فضا و معماری. انتشارات کتاب فروشی تهران، تهران. شولتز، کریستیان نوربرک (۱۳۸۲) معماری، معنا و مکان. انتشارات کتاب فروشی تهران، تهران.

طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، انتشارات اسلام، تهران.

علی آبادی، محمد (۱۳۸۴) خانه های دل؛ (بحثی در تبیین بعضی از اصول ساختاری از دیدگاه تفکر اسلامی). اسوه، شماره اول، تهران.

قرآن کریم، (۱۳۸۷) مؤسسه الهادی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم.

کوپر، کلیر (۱۳۷۹) خانه همچون نمادی از خود، کتاب مبانی فلسفی و روان شناختی اداراک فضا.

بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲) برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۱) تبیین اصول طراحی مسکن از دیدگاه قرآن کریم. صندوق حمایت از پژوهشگران.

بورکھات، تیتوس (۱۳۷۶) هنر مقدس، مبانی هنر اسلامی. ترجمه جلالی ستاری، انتشارات سروش، تهران.

پورمند، حسن علی؛ ریخته گران، محمدرضا (۱۳۸۵) حقیقت مکان و فضای معماری. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴.

حسینی همدانی، سید محمدحسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، ج ۱۳، کتابفروشی لطفی، تهران.

حمید ماجدی، الهام منصوری، آذین حاجی احمدی (۱۳۹) بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر)، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

حمیدرضا صارمی، مسعود صارمی (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

حمیدرضا صارمی، مسعود صارمی (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

دریا نصرت پور، سعید خاقانی، ودیبه ملاصالحی (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی معماری اماکن مذهبی و شهرسازی دوره بیزانس در ترکیه با دوره سلجوقی در ایران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

رسول ربانی خوراسگانی، حمیدرضا وارثی، محسن اخوان مهدوی (۱۳۹۰) بررسی نقش و جایگاه سواد اطلاعاتی بر مشارکت الکترونیکی شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

ترجمه آرامش ارباب جلفایی، تهران: نشر خاک، گیفورد، رابرت (۱۳۷۷) روان‌شناسی محیط‌های مسکونی. مترجم وحید قبادیان، معماری و فرهنگ، شماره ۲ و ۳.

منوری، مسعود، سحر طبیبیان، (۱۳۸۵) تعیین عوامل زیست محیطی در مکان‌یابی شهرهای جدید در ایران، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، سال هشتم، شماره سوم، (پیاپی ۳۰)، ص ۱ تا ۹. نصر، سیدحسن (۱۳۸۴) مسلمان امروزی و دگرگونی معماری محیط شهری اسلامی. فصلنامه آبادی، شماره ۴۸.

نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۲) تأملاتی در مبادی شهر اسلامی، فصلنامه کتاب ماه هنر، سال چهارم، شماره صد و هفتاد و هشت، ص ۴ تا ۱۵. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد. (۱۳۷۹) ناشر مشهور، قم.

نهج الفصاحه، (۱۳۶۴) ترجمه و شرح عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتی، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء (ص).

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۴) فرهنگ قرآن کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

هایدگر، مارتین (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه‌ی رهایی، (انسان شاعرانه سکنی می‌کند). مترجم، عباس منوچهری، انتشارات مولی، تهران.

Bent, f (1963), the ideology of Islamic foundation, international journal of comparative sociology, no.4





فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۶۰ ■

ارزیابی میزان رضایت شهروندی از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی؛ مورد پژوهی: مجتمع های مسکونی شهر همدان

ابولقاسم طیبی مسرور* - دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
صادق رضایی موید - کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، گرایش برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

چکیده

هدف از تعریف مفاهیم و مولفه های کیفیت سکونتی شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی مطلوب ارائه شود؛ نظریه ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخگو باشد و بتواند ارزش های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش های انسانی و شهر کالبدی - فضایی محدود شود. با بررسی و مرور ادبیات مربوط به میزان رضایت از محیط سکونتی مشخص شده است که درک میزان رضایت از سوی شهروندان از کیفیت سکونتی تاثیر فراگیر در میزان رضایتمندی اجتماعی و ایجاد محیطی مطلوب و پاسخده برای زندگی دارد. در این میان ارزیابی ساکنان از محیط های سکونتی شان می تواند به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر طرح شهری مطرح شود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و روش جمع آوری داده ها از طریق تکمیل پرسشنامه می باشد. داده ها با استفاده از آزمون T و روش های تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون Scheffe و L.S.D تجزیه و تحلیل شدند. بر اساس نتایج بدست آمده، میزان رضایت ساکنین در رابطه با کیفیت محیطی در حد متوسط و در برخی ابعاد مطلوب بدست آمد. همچنین نتایج آزمون برای رضایت از کیفیت محیط سکونتی نیز در سه شاخص اندازه و تسهیلات مسکن، و شرایط درونی و بیرونی مجتمع های مسکونی تاحدودی معنی دار بود. در پایان نیز در راستای ارتقاء میزان رضایت ساکنین از کیفیت های سکونتی در مجتمع های مسکونی در حوزه شرایط درونی و بیرونی راهکارهایی راهبردی و اجرایی مورد اشاره قرار گرفت.

واژگان کلیدی: رضایت، کیفیت سکونت، مجتمع مسکونی، راهکارها و پیشنهادات.

Evolution urban satisfaction of the quality of living in the residential complex; Case Study: Residential complexes of Hamadan

Abstract

The purpose of defining concepts and residential quality component of this is a general theory about a biological complex is desired. The theory that is compatible with any human environment, it is accountable to the public and can be linked to specific operations and the connection between human values and in the physical space to be restricted. With review of the literature on the satisfaction of specified residential environment is to understand the satisfaction of citizens' satisfaction with the quality of residential pervasive influence on social and environmental development of appropriate and responsive to life. The assessment of residents from their home environments can be used as one of the most important measures to achieve the targets and evaluate the success of any urban design agenda. The research is descriptive and analytical methods and a technique of data collection through the questionnaire is completed. Using T-test and ANOVA analysis and LSD test and Scheffe method were analyzed. Based on the results, the satisfaction of the residents in relation to environmental quality was average and in some desirable aspects. The test results for the three indicators of satisfaction with the quality of residential environment and housing, and residential complexes rather significant internal and external conditions. Finally, in order to promote residents' satisfaction with the quality of living in a residential complex in the area of strategic solutions and implementing internal and external conditions were cited

Key words: satisfaction, quality of living, housing, solutions and recommendations

مقدمه

یکی از رسالت‌های طراحان و معماران خلق رابطه‌ای متناسب بین انسان‌ها و کالبد اطرافشان است. برای نیل به این هدف خالقان فضا باید درک صحیحی از رفتار انسان در محیط‌های متفاوت داشته باشند، به نحوی که پیوند انسان و مکان را قوی‌تر سازند (Waxman, 2004). «نگاهی به فرآیند برنامه ریزی شهری کشور و تحقیقات انجام شده در این زمینه در چند دهه گذشته و نتایج عینی و ملموس آن نشان می‌دهد که این طرح‌ها از پاسخگویی به نیازهای کیفی در محیط‌های شهری بازمانده‌اند و عملاً به نتایج قابل قبولی دست نیافته‌اند» (خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۱). با بررسی و مرور ادبیات مربوط به میزان رضایت از محیط سکونتی مشخص شده است که درک میزان رضایت از سوی هر شخص و در شرایط مختلف شخصی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی متفاوت می‌باشد و اضافه کردن ویژگی‌های شخصی به تجزیه و تحلیل‌ها، قدرت پیش‌بینی را بالا می‌برد. یکی از ابزارهای رسیدن به این اهداف، ارزیابی محیط‌های شهری بر مبنای نظرات ساکنین خود آن منطقه است. در واقع ارزیابی ساکنان از محیط‌های سکونتی‌شان می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش دستیابی به اهداف و ارزیابی میزان موفقیت هر طرح شهری مطرح شود. آپارتمان‌نشینی، فضاهای کم و کوچک برای زندگی، دوری از طبیعت به اجبار و تبدیل خانه‌ها به خوابگاه، استفاده از فضاهایی عمومی را می‌طلبد. مجتمع نباید چندان بزرگ باشد که فرد نسبت به آن حس مالکیت و خودی نداشته باشد و نه چندان کوچک که تبدیل به حیاط خصوصی گردد و تحقق آن با امکانات امروزی مشکل گردد. خانه‌های امروزی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های انسان سنتی ایرانی را ندارند. بریدن از ارزش‌های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر ارتباط مستحکم با طبیعت و تعاملات اجتماعی در دراز مدت منجر به نارضایتی می‌گردد. از سویی دیگر،

در دهه‌های اخیر موضوع «کیفیت محیط شهری» به یک بحث تخصصی و عمومی در جامعه تبدیل شده است و توجه مردم از اهداف مادی، به ماهیت زندگی در مجموعه‌های ناکارآمد شهری معطوف شده است. آنچه در این میان واضح است این است که تمام مشکلات شهری یک مولفه کیفیت محیطی دارند، به عبارت دیگر بسیاری از مشکلات محیطی به سرعت به مشکلات شهری تبدیل خواهند شد. به همین دلیل در سالهای اخیر توجه به ابعاد پایداری محیطی و کیفیت زندگی و اجتماعات سالم، باعث توجه بیشتر به ابعاد کیفیتی در محیط‌های شهری و سکونتی شده است. ساختار این پژوهش مبتنی بر برآورد رضایت ساکنان از کیفیت سکونت مجتمع‌های مسکونی و کشف معیارهای اثرگذار بر آن است. بر این اساس در بخش اول مقاله، با مرور ادبیات موجود در این زمینه، ابعاد مختلف رضایت از مکان تبیین می‌گردد. سپس در بخش روش پژوهش، ابزار و نحوه آزمون الگوی نظری در چند مجتمع مسکونی منتخب شهر کرمان و روش تحلیل داده‌ها تشریح می‌شود و همچنین در ادامه، یافته‌های تحلیل داده‌ها به کمک روش الگوسازی معادلات ساختاری استخراج و بر اساس آن نتیجه پژوهش حاصل ارائه می‌شود.

مواد و روشها

این تحقیق بنا به ماهیت در تدوین مولفه‌ها بنیادی و در بررسی موردی «کاربردی» است؛ لذا با توجه به ماهیت موضوع و مولفه‌های مورد بررسی، روش مورد استفاده یک روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. علاوه بر این، به منظور تقویت پایه‌های نظری و دقت در گردآوری اطلاعات از روشهای مطالعه اسناد و مدارک، برای شناخت مفاهیم کیفیت محیط شهری استفاده شده است. در این زمینه بر اساس چارچوب دیدگاه تحقیقات تجربی، دیدگاه شناختی و با توجه به میزان رضایتمندی از محیط بنانهاده شده است. بر اساس این مدل به منظور ساختار بندی و ایجاد نمودار ارزش کیفیت محیط در محدوده مورد مطالعه از روش کل به جزء (بالا به پایین) استفاده شده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

است که متشکل از شاخصها و زیر شاخص هایی در پنج سطح است. در مدل مورد بحث کیفیت محیط شهری در سطح اول نمودار ارزش قرار دارد. بر مبنای زیر شاخص های سطح آخر، گویه هایی در قالب پرسشنامه تدوین شد و کیفیت محیط شهری توسط ساکنین مورد ارزیابی قرار گرفت به منظور انتخاب نمونه ها از روش نمونه گیری کوکران استفاده شده است و داده ها با استفاده از طیف ۵ گزینه ای لیکرت ارزشگذاری شدند. برای سنجش روایی سوالات پرسشنامه از روایی صوری و برای بررسی پایایی آنها از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در نهایت اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه های مورد نظر، با استفاده از آزمون T و تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون L.S.D و Scheffe و با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و Lisrel مورد بررسی قرار گرفتند. ویژگی های کالبدی شامل: «فضاها و بناها، دسترسی و حمل و نقل، فضاهای عمومی و سبز»، ویژگی های کارکردی شامل: «خدمات رفاه اجتماعی، تفریحی، تجاری و بهداشتی» و ویژگی های کارکردی شامل «بهداشت و مولفه های دیگر» بوده که بر اساس شاخص های سطح آخر فرضیه هایی در قالب اهداف مقاله طراحی شد و بر اساس آن میزان رضایتمندی ساکنان سنجیده شد. در پایان نیز راهکارهایی در راستای ارتقاء کیفیت محیط مورد اشاره قرار گرفته است.

پیشینه نظری

«رضایت از محل زندگی، بعد از رضایت از زندگی زناشویی دومین عامل مهم در رضایت فرد از کل زندگی خویش است» (Kearney, 2006: 135). رضایت از محل سکونت معادل حس رضایتی است که فرد یا عضوی از یک خانواده از مسکن فعلی خود درک و یا تجربه می کند. پژوهش های تجربی انجام شده در این حوزه در دو رویکرد اصلی قابل تفکیک است:

۱. در گروه اول پژوهش هایی هستند که مطالعه رضایت همسایگی به عنوان معیار ارزیابی کیفیت

محیطی صورت گرفته است. هدف این گروه از پژوهش ها تخمین ارزش معیارهای محیطی و شخصی اثرگذار در رضایت از محیط مسکونی است. ۲. منظور از پژوهش گروه دوم پیش بینی رفتارهای جاری در همسایگی همچون جابه جایی است (Amérigo, Aragonés, 1990).

ادبیات موجود رضایت از همسایگی تاکید بر ارزیابی ذهنی از کیفیت زندگی دارد که ابعاد تحلیل متفاوتی را در برمی گیرد (Aielo et al, 2010). توجه دانش جغرافیا به کیفیت زندگی، محیط و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ بر می-گردد. «دیوید اسمیت» اولین جغرافیدانی بود که در باره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا صحبت کرد. این جغرافیدان برای بررسی کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی از شاخص های اجتماعی ذهنی و مقایسه ای عینی استفاده کرد (جاجرمی، ۱۳۸۵، ص ۷). اما مفهوم کیفیت محیط شهری برای اولین بار در کنفرانس «هابیتات» سازمان ملل در سال ۱۹۷۶ مطرح شد. در این کنفرانس کیفیت محیط را مترادف با برآورده کردن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی دانستند. این نیازها عبارت بودند از: غذا، مسکن، شغل، بهداشت، آزادی، شرافت و امکان پیشرفت فردی و توزیع عادلانه درآمدهای توسعه (بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵). یک کمبود واضح در این زمینه، یک توصیف دقیق جامع از «کیفیت محیط» برای نواحی مسکونی به لحاظ عناصر اصلی و مهم آن است چرا که مطالعات سیستماتیک بر روی کیفیت محیط برای مقاصد سکونتی نسبتا جدید است (Carp and et al, 1976: 24). در سطح جهانی از جمله این کارهای صورت گرفته در این زمینه می توان به مطالعات (Bonaiuto, 2006)، در شهرهای کوچک و متوسط ایتالیا اشاره کرد که در آن دسترسی و جاده ها، فضاهای سبز، مردم و روابط اجتماعی شان، خدمات رفاهی و تجاری، خدمات اوقات فراغت و سلامت محیطی به عنوان عوامل موثر بر کیفیت محیط شهری مورد مطالعه قرار

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

گرفتند (Van Poll ۱۹۹۷). در شهر روتردام هلند، اندازه مسکن، تراکم ساختمانها و زیبایی شناسی آنها، فضاهای سبز، امنیت، پیوندهای اجتماعی، دسترسی به محل کار و خدمات اساسی، بهداشت محیطی، آلودگی صوتی و تسهیلات واحدهای مسکونی را مورد مطالعه قرار داد (Turkglu در سال ۱۹۹۷ اندازه و شرایط فیزیکی مسکن، ارتباط با همسایگان، امنیت شهر، دسترسی به شهر و محل کار و بهداشت و سلامت محیطی را در شهر استانبول، به عنوان مولفه های موثر بر کیفیت محیطی مورد مطالعه قرار داد (Tu & Ling, ۲۰۰۷). در شهر تایپه تایوان، فضاهای سبز و فضاهای باز، امنیت و روابط اجتماعی، حمل و نقل و خدمات تجاری، احساس استرس و فشار، و آلودگی محیطی را مورد توجه قرار داد (۱۹۹۰، Amerigo). زیرساخت های اساسی مسکن، فضاهای باز طبیعی، امنیت و استقلال، سرو صدا و ارتباط با جهان بیرون را در شهر مادرید اسپانیا مورد مطالعه قرار داد (Jen Tu & Ting Lin, ۲۰۰۸). مطالعه درباره کیفیت محیط شهری و رضایتمندی در ایران نسبتاً جدید است. محققان متعددی درصدد کشف عوامل تأثیرگذار بر ارزیابی کاربران از رضایت محیط مسکونی هستند. در این راستا متغیرهای متعدد موثر بر ارزیابی کاربران، مورد بررسی و اکتشاف قرار گرفته است. متغیرهای زیبایی، وسعت و ناحیه طبیعی، تعامل اجتماعی، ایمنی خدمات و تسهیلات نگهداری و آسایش محیطی از جمله مهم ترین این متغیرها هستند. علاوه بر متغیرهای مذکور مشخصات جامعه آماری نیز در رضایت آنها از محیط تأثیرگذار است. مطالعات تجربی دیگر نشان داده است که سن زیاد، صاحب خانه بودن و سطح درآمد بالا، تأثیر معناداری در افزایش رضایت از مکان دارد. اگر چه متغیرهای وابسته به محیط فیزیکی و جامعه آماری تأثیر غیر قابل انکاری بر حس رضایت دارند، اما درجه اهمیت هر متغیر به صورت دقیق مشخص نبوده و تابع بستر طرح می باشند. از جمله کارهای صورت گرفته در این باره می توان به موارد

زیر اشاره کرد:

۱. الگوی «آرگونز» و «آمریگو» (۱۹۹۷) صفات عینی محیط تبدیل به صفات ذهنی شده و سپس در حس رضایت تأثیر می گذارند. صفات ذهنی نیز متأثر از ویژگی ها و خصوصیات شخصی افراد استفاده کننده از فضا است. رضایت از محیط تأثیر مستقیم و مثبت بر روی رفتار متجانس با محیط دارد و در نهایت رضایت از محیط مسکونی منجر به رضایت نسبی از کل زندگی می گردد.
۲. «مارکوسو سرکیسیان» (۱۹۸۶) رضایت محیط مسکونی را منوط به متغیرهای «سازگاری، نگهداری، ظاهر بصری مطبوع، رضایت از مدیریت، حضور همسایگان همگن، درک ارزش اقتصادی و رضایت از سایر همسایگان» می دانند؛ سازگاری ساکنان با تأثیر بر ارزش اقتصادی، مطبوعیت ظاهر و همچنین نگهداری در رضایت از محیط مسکونی تأثیرگذار است. همگنی ساکنان و نگهداری با واسطه رضایت از همسایگی بر رضایت از محیط مسکونی موثر است.
۳. رفیعیان، عسکری و عسکری زاده (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان «سنجش رضایتمندی سکونتی ساکنین نواب»، به این نتیجه رسیدند که معیار تسهیلات مجتمع بالاترین، و امنیت مجتمع و دید منظر کمترین میزان اهمیت را از دیدگاه ساکنان داشتند. در مقاله ای دیگر تحت عنوان «بررسی های متغیرهای فردی موثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی» (حاجی نژاد، رفیعیان و زمانی، ۱۳۸۹)، آنها به مقایسه بافت قدیم و جدید شیراز پرداخته اند و در این زمینه، متغیر میزان تحصیلات را به عنوان مهمترین متغیر تأثیرگذار در ادراک محیطی دانسته اند.
۴. بحرینی و طیبیان (۱۳۷۵) در مقاله ای تحت عنوان «مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری»، سعی در طراحی، تدوین و بکارگیری شاخص های کیفیت محیط و معرفی مدل جدیدی برای ارزیابی کیفیت محیط شهری دارند.
۵. پاکزاد (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان «کیفیت

محیط شهری؛ مطالبه معوقه شهروندان»، معتقد است که توجه طراحان و برنامه ریزان شهری باید از کمیت به سوی کیفیت های محیطی تغییر یابد. او در این راستا هویت، وحدت، نقش انگیزی و حس مکان را مهمتر از ایجاد فضاهای پر خرج و توجه به جنبه های بصری می داند.

۶. رفیعیان و عسکری در مقاله ای با عنوان «مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری» (۱۳۸۶) به بیان مفاهیم کلیدی و گرایشات زمانی کیفیت محیط، ویژگی های ساختاری و عناصر مفهومی و شیوه های سنجش کیفیت محیط شهری می پردازند.

مبانی نظری

کیفیت و کیفیت محیطی

«گلکار» (۱۳۸۰، ص ۳۸-۶۵) معتقد است که کیفیت طراحی شهری را می توان به عنوان برآیند سه نیرو (مولفه) «کیفیت عملکردی، کیفیت تجربی-زیباشناختی، و کیفیت زیست محیطی» شهرها در نظر گرفت:

۱. «کیفیت عملکردی» از یک سو دربرگیرنده تامین حرکت و دسترسی سهل و آسان پیاده ها و سواره ها به مراکز جاذب شهری است و از سویی دیگر، دربرگیرنده عملکردهای دیگری همچون تفریح غیرفعال، تماشای مردم و مراسم گوناگون نیز بوده تا ضامن سرزندگی و غنای تجربه فضایی شهر گردند؛

۲. «کیفیت تجربی-زیباشناختی» به دریافت های ادراکی، شناختی و ترجیحات محیطی افراد در قبال فضاهای شهری سروکار دارد؛ و درنهایت،

۳. «کیفیت زیست محیطی» در بعد خرد آن فضاهای شهری است و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی شهری را دارد.

از سویی دیگر به جنبه مفهومی و ادراکی کیفیت محیط اشاره دارد، چنانچه می گوید:

«درک کیفیت یک شهر از طریق دیدن آن توسط شهروندان ایجاد می شود و این امر به واسطه تصور ذهنی و ادراک محیطی که مردم از محل سکونت خود دارند انجام می گیرد. بنابراین از احساسی که به فرد

وارد می شود، رنگها، اشکال، تحرک و تنوع و صدا موثرند. عبارت دیگر، مشخصه هایی همچون خوانایی، نمایانی تنها در چیده شدن خوب عناصر شهری پدیدار است. این عوامل است که به محیط زندگی انسان کیفیت می بخشد و آنها را از محیط های با کیفیت پایین جدا می سازد» (لینچ، ۱۳۸۴).

کیفیت محیط شهری جنبه ای از کیفیت زندگی است که دربرگیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی-فضایی، اجتماعی-اقتصادی، زیست محیطی و سمبلیک محیط زندگی شان است. به عبارت دیگر کیفیت محیط نه تنها به حوزه های برآورد سازی نیازهای مادی انسان توجه دارد، بلکه همچنین به تامین و ارتقا ظرفیت های اجتماعی و توسعه اجتماعات، که بر الگوهای رفتار اجتماعی آنها نیز تاثیرگذار است، توجه دارد (رفیعیان، ۱۳۸۶، ص ۹). «لنسینگ» و «مارانز» معتقدند که یک محیط با کیفیت بالا، احساس رفاه و رضایتمندی را به واسطه ویژگی هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد به ساکنانش منتقل می کند (lansing and Marans، ۱۹۶۹: ۱۹۵)

با وجود نظریه های مختلفی که در مورد کیفیت محیط شهری ارائه شده است اما به دلیل فقدان یک چهارچوب قابل قبول عمومی در این امر مفهوم کیفیت محیط شهری تا حدودی با ابهام روبرو است. بنابراین هدف از تعریف مفاهیم و مولفه های کیفیت محیط شهر این است که یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب ارائه شود. نظریه ای که با هرگونه محیط انسانی سازگار شود، به آن پاسخگو باشد و بتواند ارزش های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد و به ارتباط بین ارزش های انسانی و شهر کالبدی - فضایی محدود شود (رفیعیان، ۱۳۸۶، ص ۱۷).

ظاهر فیزیکی یکی از مؤلفه های بزرگ در افزایش رضایت از مکان است. پژوهش رضایتمندی همسایگی در شهر سنت لوئیس آمریکا نشان داد در مناطق زاغه نشین افراد به دلیل تسهیلات رفاهی (سیستم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

گرمایش، آب لوله کشی، فضای بیشتر) مجذوب

کیفیت محیط کالبدی

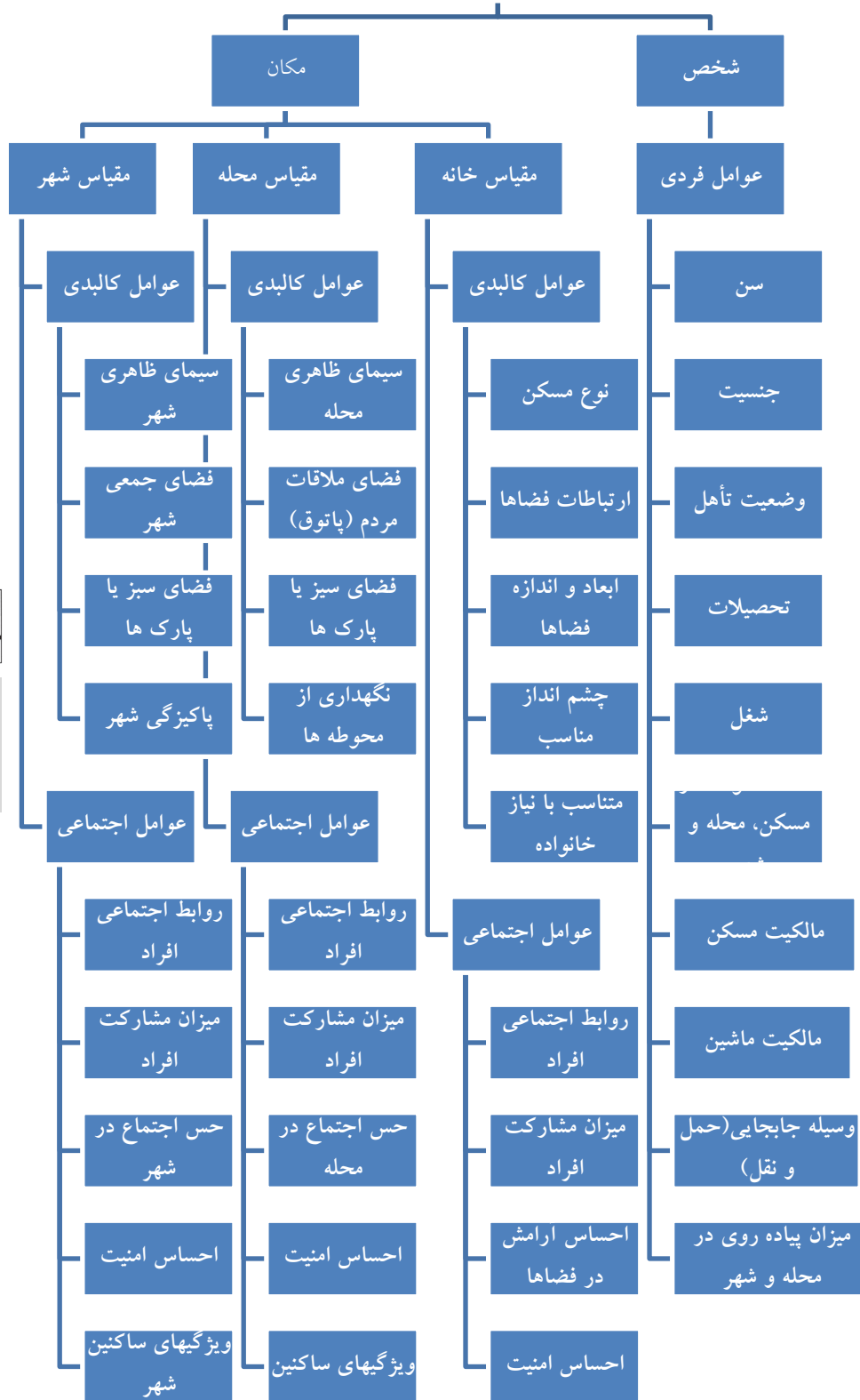
رفاهی را فراهم نماید. اما، پس از انجام این طرح‌ها و تحقق اهداف آن به دلیل بی توجهی به تعامل اجتماعی حس رضایت از محلات جدید کمتر از زاغه‌های پیشین بود (Amérigo, Aragonés, ۱۹۹۰: ۳۱۴). بنابراین عوامل کالبدی و سازگاری به تنهایی باعث ایجاد رضایت نمی‌گردد. هر چند ساکنان طولانی مدت معتقدند که مؤلفه‌هایی چون تنش بین همسایگان، سطح درآمد، از مؤلفه‌های مهم‌تری هستند. «میش و منور» (۱۹۹۸) رضایت را به عنوان عامل ارزیابی محیط کالبدی و اجتماعی به صورت توأمان ذکر کرده‌اند. رضایت زیاد ساکنان را ترغیب به سکونت طولانی مدت در مکان و رضایت کم آنان را مجبور به مهاجرت می‌نماید. عامل‌های مثبت طول مدت اقامت، هم‌جنسی نژادی، نرخ کم جرم و عامل‌های منفی ترافیک مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در ادبیات موضوع است (Hur, Morrow, Jones, ۲۰۰۸). عامل‌های مثبت رابطه نزدیک‌تری با مسایل اجتماعی دارند.

کیفیت محیط کالبدی از جمله مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. شاید بتوان گفت برای اولین بار توجه به کیفیت محیط کالبدی در نوشته‌های «کوبین لینچ» مطرح شد. وی در مورد کیفیت محیط شهرها می‌گوید: «برای سکونت و زندگی، شهر خانه‌ای است بزرگ و همان‌گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تامین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مرفه و مطلوب سازد» (لینچ، ۱۳۷۴، پیش‌گفتار). وی رابطه متقابل و تاثیر کیفیت محیط شهری بر کیفیت زندگی ساکنان شهرها را مورد تاکید قرار داده است. لینچ معتقد است، اگر بناست برنامه ریزی و طراحی شهری مفید واقع گردد، بنابراین باید قادر باشد تا از راه اعتلای کیفیت محیط کالبدی به اعتلای کیفیت

جدول ۱. نظرات ارائه شده در زمینه کیفیت محیط؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته‌های تحقیق.

معیارهای ارائه شده	نظریه پرداز
عدالت، تناسب، دسترسی،	کوبین لینچ
نظارت و اختیار، کارایی، سرزندگی، معنی،	باربارا وارد و همکاران
اقتصاد فعال، کنترل‌های اجتماعی موثر، تصمیمات مشارکتی و فقدان جدایی اجتماعی، حق، تصرف مطمئن، خودیاری، محافظت، آب پاک، خدمات اساسی	جین جیکوبز
استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور ابنیه با سندهای مختلف در یک ناحیه، توجه به عنصر خیابان، نفوذ پذیر بودن، قابل دسترس بودن بافت، ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط، اختلاط اجتماعی و انعطاف پذیر بودن فضاها	یان بتلی و همکاران
نفوذ پذیری، سازگاری بصری و یکپارچگی دید و محورهای بصری	متیو کارمونا
دسترسی، سخت فضا و نرم فضا، فضای همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط و تراکم، همه شمول بودن، و مدیریت زمانی فضا	جان پانتر و کارمونا
کیفیت پایداری زیست محیطی، کیفیت منظر شهر، کیفیت دیدها، کیفیت فرم شهر، کیفیت فرم ساختمان و کیفیت عرصه همگانی	ساوت ورث
خوانایی، ساخت، شکل دسترسی، راحتی و آسایش، حفاظت از محیط، باز بودن فضاها، سرزندگی و حیات، تنوع، تجانس، شادی و شغف، معنی، سلامتی و ایمنی، مرمت و نگهداری	

عوامل موثر در کیفیت سکونتی محیط



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۶۷

نمودار ۱. عوامل موثر بر کیفیت سکونتی محیط؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

زندگی انسان یاری رساند (گلکار، ۱۳۷۸، ص ۴۳).
لینچ مدلی شامل ۵ محور عملکردی که از نظر او کلیه محورهای اصلی کیفیت یک شهر را تشکیل می دهند به همراه دو فوق معیار «کارایی» و «عدالت» به عنوان مدل جامع کیفیت شهر پیشنهاد می کند. از نظر وی شهر زمانی مطلوب است که:

- «سرزنده باشد» (پایدار، ایمن و هماهنگ)؛ و
- «معنی دار باشد» (قابل تشخیص، سامان یافته، سازگار، شفاف، خوانا، قابل درک و با اهمیت)؛ و
- «متناسب باشد» (انطباق نزدیک شکل و رفتار)؛ و
- «قابل دسترس باشد» (متنوع، عادلانه و قابل اداره کردن در سطح محلی باشد)؛ و
- «به خوبی نظارت شده باشد» (سازگار، مطمئن، جوابگو و به طور متناوب نرم و آزاد باشد). همه این ها باید با عدالت و کارایی درونی حاصل شود (همان، ص ۳۰۷).

ارزیابی رضایت از کیفیت محیط مسکونی

«سکونت» در برگرفته اجزاء ملموس و غیرملموسی است که کوچکترین واحد عینی آن مسکن می باشد. رضایتمندی از مسکن ابعاد کالبدی و اجتماعی نسبتاً مشخصی را داراست؛ در ارتباط با جنبه های کالبدی آن می توان به مقدار فضای واحد مسکونی، تعداد اتاق ها، مساحت خانه، سرانه زیربنا، سرانه فضای باز، ظاهر درونی و بیرونی و تأسیسات و در ارتباط با ابعاد اجتماعی آن می توان به شاخص هایی همچون نفر در اتاق، نفر در واحد مسکونی، خانوار در واحد مسکونی و... اشاره نمود. بعلاوه به نظر می رسد در میان قشر کم درآمد و محروم همواره نگرانی از وقوع جرم و تجاوز به حریم واحد مسکونی وجود دارد و امنیت واحد مسکونی یکی از استانداردهای مطلوب مسکن برای آنها تلقی می گردد؛ همچنین مالکیت مسکن نیز می تواند یکی از عوامل مهم در ایجاد رضایت خاطر شهروندان از زندگی در شهر باشد (Varady & Priers, 1998).

در مجموع به نظر می رسد که در ارتباط با کیفیت واحدهای کالبدی نظیر مسکن استانداردهای نسبتاً

مشخصی وجود دارد که هریک به فراخور زمان، مکان و بینش افراد می تواند نقش پررنگ تر یا کم رنگ تر را در رضایت از واحد مسکونی، ایفا نماید. به دیگر سخن در ارتباط با شاخص های مطلوبیت مسکن، توافق و اشتراک زیادی بین افراد و گروه های مختلف و حتی بین شهروندان و شهرسازان وجود دارد؛ این در حالی است که به نظر می رسد، در ارتباط با عوامل مؤثر بر کیفیت و مطلوبیت محیط سکونت چنین توافقی به ندرت حاصل شده و اغلب، این مفهوم از دید افرادی با بینش های مختلف به گونه ای کاملاً متفاوت جلوه گر می شود. در شکل گیری مفهوم رضایتمندی، عناصر زمان و مکان تأثیر بسزایی دارند؛ آنچه که رضایت خاطر انسان دیروز را می آفرید، شاید در ذهن انسان امروزی کم رنگ شده و یا حتی نقشی نداشته و معیارهای پیشین، جای خود را به مجموعه ای از ارزش های جدید داده باشند. از سوی دیگر شرایط مکانی و محیطی نیز بر تعبیر انسان از این مفهوم مؤثرند. این تأثیر از آن جهت می باشد که توقعات و تمایلات افراد تا حد زیادی وابسته به هنجارهای اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه بوده و این ویژگی ها از جامعه ای به جامعه دیگر و گاه حتی در مقیاس کوچکتر - از محله ای به محله دیگر - متفاوت خواهد بود. برخی از محققان، رضایت از زندگی را به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأکید قرار می دهند و در خصوص آن چهار نوع رضایت از زندگی را بر می شمارند:

۱. «رضایت ناشی از داشتن» که متأثر از میزان برخورداری افراد از امکانات می باشد.
۲. «رضایت ناشی از ارتباط» که معطوف به روابط اجتماعی است.
۳. «رضایت ناشی از بودن» که پنداشت فرد نسبت به خویشتن و تعریف از کیستی خود بوده و دلالت بر معناداری و کنترل بر زندگی خود در مقابل از خود بیگانگی دارد.
۴. «رضایت ناشی از اقدام و عمل» که بیشتر معطوف به چگونگی زمان در اختیار، در قالب اوقات فراغت و

غیره می شود (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸، ص ۴). «آرگونز» (۱۹۹۰) برای ارزیابی «حس رضایت در خانه‌های عمومی» مادرید اسپانیا به مطالعه معیارهای عینی و ذهنی در دو سطح کالبدی و روانشناسی پرداخت. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که دل بستگی به همسایگی و رابطه با همسایگان بیشترین تأثیر را بر رضایت از محیط دارد. هفت معیار مساحت فضا، تعاملات اجتماعی، امنیت، تأسیسات زیربنایی، ارتباط با دنیای اطراف، فعالیت‌های شهری، فضای باز طبیعی بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری حس رضایت به مکان در پژوهش وی داشتند. «بنایتو» (۱۹۹۹؛ ۲۰۰۶) در مطالعات متعددی که در خصوص رضایت از محیط همسایگی شهروندان رومی انجام داده است، رضایت را وابسته به:

۱. «جنبه‌های کالبدی» (ظاهر توده و فضا، کارایی محیط و حضور طبیعت)،
۲. «جنبه‌های اجتماعی» (مردم و تعاملات اجتماعی)،
۳. «جنبه‌های عملکردی» (خدمات عمومی، خدمات تفریحی، خدمات تجاری، خدمات حمل و نقل)، و
۴. «جنبه‌های زمینه‌ای» (سلامتی و بهداشت و نگهداری) می‌داند.

او و همکارانش (۲۰۰۶) در قالب یک پژوهش جهانی در خصوص کیفیت ادراک شده محیط مسکونی در ایتالیا یازده معیار در چهار گروه شامل سه واحد در ارتباط با جنبه‌های فضایی (فضای برنامه‌ریزی - طراحی شده، چیدمان و دسترسی فضا، مناطق سبز) یک واحد متوجه جنبه‌های انسانی (مردم و روابط اجتماعی)، چهار واحد مربوط جنبه‌های عملکردی (بیمه، خدمات تفریحی، اقتصادی و حمل و نقل)، سه جنبه در ارتباط با جنبه‌های زمینه‌ای (نحوه زندگی، بهداشت محیط و نگهداری) را در نظر گرفتند. «کنتر» (۱۹۷۷) سه جز اصلی را در ارزیابی ساکنان از محل زندگی موثر می‌داند:

۱. «جنبه‌های فضایی» (معماری و شهرسازی)؛
۲. «جنبه‌های انسانی» (همچون روابط اجتماعی) و
۳. «جنبه عملکردی» (خدمات و تسهیلات).

پژوهش‌های تجربی جدیدتر همچون پژوهش‌های «بنایتو» (۲۰۰۶) و «آیلو» و «آردنه» (AIELLO et al., ۲۰۱۰) بعد چهارم دیگری شامل متغیرهای زمینه‌ای همچون نحوه زندگی، جمعیت و نگهداری را به الگوی کنتر اضافه نمودند. در این پژوهش نیز با الهام از الگوی کنتر و متاخران وی ارزیابی حس رضایت در چهار بعد فضایی، اجتماعی، عملکردی و زمینه‌ای صورت می‌گیرد.

کیفیت محیط مسکونی و حس رضایت

پژوهش «آمول» (۲۰۰۹a) جهت اندازه‌گیری حس رضایت در محیط مسکونی دانشجویی در نیجریه، سه دستاورد عمده را در پی داشت. برداشت تجربی از سطوح محیط در بین دانشجویان، وجود رابطه معنادار بین ماهیت رضایت در سطوح مختلف وجود تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین ابعاد رضایت در سطوح مختلف. نتایج بخش دیگر از پژوهش دیگر آمول (۲۰۰۹b) نشان داد که رضایت در سطوح مختلف، تفاوت معناداری با یکدیگر دارد و ابعاد رضایت از فضا در سطوح مختلف، متفاوت است. از سویی دیگر، تعامل افراد با محیط در سطوح متفاوتی صورت می‌گیرد (از اتاق خواب تا سطح همسایگی و کل شهر). برای الگوی ارزیابی رضایت از خانه، «کنتر» و «ریس» (۱۹۸۲) از این سطوح به عنوان سطوح تعامل محیط استفاده کردند. آنها سطوح متفاوت از آنچه که مردم ممکن است از آن تجربه رضایت بخش داشته باشند، تعیین کرده‌اند. «گیفورد» (۲۰۰۲) بر ارزیابی سایر تعاملات انسان و محیط همچون تجربه فضا و حس محرّمیت را در لایه‌هایی متفاوت از سطح خانه، مشابه لایه‌های کنتر تأکید کرده است. هرچند که تعریف سطوح و مقیاس بر اساس نوع پژوهش و خواسته‌های پژوهشگر متغیر است، بیشتر مطالعات در دو سطح واحد مسکونی و واحد همسایگی صورت پذیرفته‌اند (Amole, ۲۰۰۹a: ۸۶۴). میزان محرّمیت اصلی‌ترین مؤلفه در تدقیق سطوح خانگی و همسایگی است.

برنامه ریزی و کیفیت زندگی

اگر بخواهیم انواع برنامه ریزی‌ها را با توجه به کیفیت

زندگی مردم شهر بررسی کنیم، می توانیم به سه نوع برنامه ریزی عمده اشاره کنیم: «۱. برنامه ریزی فیزیکی؛ ۲. برنامه ریزی اقتصادی؛ و ۳. برنامه ریزی اجتماعی» (شکوئی، ۱۳۸۳، ص ۳۳).

با این بیان که در شهرهای امروزی ما، فقط بعد فیزیکی برنامه ریزی شهری را مدنظر دارند، این در حالی است که بعد دیگر برنامه ریزی شهری، برنامه ریزی اجتماعی شهر (رفاه اجتماعی و حمایت از خانواده ها؛ سالم سازی محیط زیست؛ آموزش و تعلیم و تربیت؛ بهداشت و درمان؛ زمینه سازی برای مشارکت شهروندان در امور مختلف؛ حمایت از فقیران و افراد کم درآمد شهری و تلاش برای ارتقای سطح زندگی آنها) می باشد که بر پیشرفت منابع انسانی در جهت قطع دور تسلسل فقر در خانواده ها تأکید دارد. و برنامه ریزی برای فضای سبز شهری، از برنامه ریزی های اجتماعی شهر برای ارتقای سطح زندگی و سالم سازی محیط زیست می باشد. بررسی محیط و رفتار اجتماعی در چند دهه اخیر نظر بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. رفتار انسان محصول محیط و بیولوژی و تعامل این دو با یکدیگر است. عوامل فیزیکی گوناگون چون سر و صدا، آب و هوا و فضاهای محصور بطور مداوم در انسان و رفتار وی تاثیر می گذارد. عوامل فیزیکی بخشی از کیفیت محیطی، و انسان و رفتار وی تشکیل دهنده روابط اجتماعی است. اصطلاح رابطه اجتماعی برای ترسیم شرایطی بکار می رود که دو یا چند نفر، در رفتاری مشارکت دارند که در چهارچوب آن، هریک از آنان، رفتار دیگری را بطرز معناداری به حساب می آورد، در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت گیری می شود. بنابراین، رابطه اجتماعی تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار، رفتار خواهند کرد. رابطه اجتماعی می تواند از طریق رضایت متقابل مورد توافق قرار گیرد.

افراد به برقراری رابطه اجتماعی نیاز ذاتی دارند و به همین دلیل موقعیت هایی فراهم می آورند تا بتوانند

آن را تجربه کنند. رابطه اجتماعی با اهداف خاص صورت می گیرد، یا عاطفی است که شامل دوستی، خویشاوندی و روابط همسایگی است یا عقلانی است که در جست و جوی به حداکثر رساندن شانس افراد در رسیدن به هدف است. نظام فرهنگی و روابط اجتماعی به هم پیوسته اند؛ بدین معنی که برقراری و تداوم روابط اجتماعی سبب تقویت ارزشها و هنجارها یا فرهنگ می شود؛ و از سوی دیگر، فرهنگ شرایط و نحوه شکل گیری روابط اجتماعی را تعیین می کند. رابطه اجتماعی و فرهنگی در فضا اتفاق می افتد. بنابراین فضا مجموعه ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه خاص و مکان خاص را دربر می گیرد. این روابط مدت زمان خاصی دارد، بنابراین زندگی اجتماعی در فضا و زمان واقع شده و توسط آن محدود می شود. نوع روابطی که در فضا برقرار می شود و شدت آن، به فضا معنی می دهد (طالبی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲). قوام و دوام جامعه به روابط اجتماعی و کمیت و کیفیت آن بستگی دارد. روابط اجتماعی اشکال متنوعی به خود می گیرد که در قالب دو الگوی کلان روابط مبتنی بر تفاهم و روابط مبتنی بر تضاد قابل دسته بندی است. عوامل متعددی بر هر یک از الگوها، روابط اجتماعی و کیفیت آن موثر است. روابط اجتماعی به عنوان یک فرایند در شهرهای بزرگ با وجود کثرت جمعیت و افزایش مداوم آن و همچنین با گسترش گروه های اجتماعی و سازمان های گوناگون پیچیده تر می شود. گاه گسترش این رویدادها به پیامدهایی منجر می شود که بالقوه برای تمامی جامعه شهری مخرب است. در این شهرها تعاملات انسان ها بسیار زیاد است و به همان نسبت که جمعیت افزایش می یابد، ناهمگنی نیز زیادتر می شود. برخی از صاحب نظران به ابعاد مثبت این خصیصه اشاره می کنند که بر طبق آن شهر زمینه ای مساعد برای گونه های جدید زیستی و فرهنگی ایجاد کرده و مردم نه به دلیل همفکر و همگن بودن، بلکه به دلیل تفاوتشان از یکدیگر به حال هم مفید واقع می شوند. سودمندی

جدول ۲. ارزش های مؤثر بر کیفیت فضای سکونت؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

معیار	مولفه ها و شاخصهای وابسته
زیست محیطی	عدم آلودگی هوا، عدم آلودگی صوتی، تراکم بهینه جمعیتی و ساختمانی، زمینه سازی برای حفاظت از اکوسیستم ها، سبزیزنگی، کارآیی مصرف انرژی، سیستم دفع پسماندهای خانگی، تعادل محیط طبیعی و مصنوع.
زیبائی شناسی	تناوب بصری، کاربرد عناصر بومی و نمادین، تنوع بصری، سازگاری بصری، وحدت اجزاء، تنوع رنگ، کنترل محورها و کریدورها.
اجتماعی و فرهنگی	تحقق مشارکت شهروندان در امور، شکل گیری جامعه محلی، کنترل و نظارت اجتماعی بر فضاهای عمومی، دسترسی عادلانه به فرصت ها، سرزندگی، هویت و تعلق خاطر، محوریت عرصه های عمومی.
کالبدی	نفوذپذیری، دسترسی به مراکز مهم، تراکم مناسب، مقیاس انسانی، شبکه دسترسی، سلسله مراتب فضایی، محصوریت مناسب، خوانایی محیط، کفایت خدمات محلی، اختلاط کاربری ها، سازگاری و مطلوبیت کاربریها.
اقتصادی	هزینه های دسترسی به مراکز خدمات و اشتغال، بهره وری اقتصادی از زمین، تنوع درآمدی و در نتیجه تنوع مسکن در سطح محله، خودکفایی و خوداتکائی محله یا شهر.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۷۱

و محیط را به هنگام سازماندهی هر گونه محیط شهری متذکر می شود.

برای سهولت چنین مطالعه ای بافت محیط شهری را به اجزای ساختاری اش تجزیه کرده و آنها را در قالب چهار سازمان طبقه بندی و معرفی می کند:

۱- «سازمان محیط فضایی محیط»: به اعتقاد او روابط متقابل در محیط های فیزیکی، در وهله اول فضایی اند. زیرا اصولا مردم و اشیا از طریق جدایی توسط فضا با یکدیگر ارتباط دارند.

۲- «سازمان مفهومی محیط»: که با مفاهیمی که از طریق فرم ها، جنس ها و اجزای کالبدی محیط درک می شوند ارتباط دارد. در اینجا تاثیرات نشانه ها، رنگ ها، دورنماها، مصالح و غیره مورد توجه قرار می گیرند.

۳- «سازمان زمانی محیط»: به معنی شدت و ریتم فعالیت های انسانی و سازگاری یا عدم سازگاری آنها با یکدیگر است. به اعتقاد راپاپورت، مردم همان طور که از نظر فضایی از یکدیگر جدا هستند، از نظر زمانی هم می توانند مجزا باشند.

و کارایی در روابط بین افراد شهر به پیشرفته ترین شکل خود در قالب حرفه ها و مشاغل تخصصی متعدد قابل مشاهده است. تخصصی شدن بر پایه وجود بازاری گسترده، صورت می گیرد که به نوبه خود بر تقسیم کار متکی است. در میان اندیشمندان علوم رفتاری که به موضوعات شهری توجه کرده اند، امس راپاپورت فردی است که با طرح موضوع کنش متقابل انسان و محیط را مطرح کرده است. به نظر او هر محیط شهری مجموعه ای از ارتباط متقابل میان عناصر محیطی و مردم است، ارتباطاتی که از الگوهای معینی پیروی می کنند و به این اعتبار معمولا قابل پیش بینی و سازماندهی اند. «راپاپورت» دو ویژگی بر اینگونه محیط ها قائل می شود:

۱- «اول: تعدد محیط ها»: هر محیط شهری مجموعه ای از محیط های فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و غیره است.

۲- «دوم: پیوند میان تغییرات محیط فیزیکی با دیگر محیط ها»: با کسب چنین شناختی، در گام بعدی، راپاپورت لزوم آگاهی از چگونگی کنش متقابل انسان

۴- «سازمان ارتباطی محیط»: شامل ارتباط محیط و مردم و ارتباط مردم و مردم در محیط است. از نظر راپاپورت در محیط های شهری، این سازمان از دوره قابل درک است: پیوستگی با سیستم های جابه جایی و ابزارهای ارتباطی مثل تابلوها و هم چنین روابط انسانی رودرو.

جمع بندی مبانی نظری

رضایتمندی از محیط نیز به عنوان احساس رضایت و خشنودی از زندگی در یک مکان خاص تعریف شده است. از نقطه نظر مفهومی رضایتمندی شامل سه مولفه تشکیل دهنده است: «بعد شناختی» (Cognitive)، «بعد عاطفی» (affective) و «بعد رفتاری» (behavioral). یعنی اینکه رضایتمندی مفهومی چند بعدی است. تعداد اندکی از مطالعات بعد رفتاری را مورد مطالعه قرار داده اند، در حالی که بعد شناختی و عاطفی در اکثر مطالعات به عنوان مولفه های موثر بر رضایتمندی سکونتی مورد مطالعه قرار گرفتند. مطالعات اولیه مربوط به رضایتمندی، بیشتر بر اساس دیدگاه های تک بعدی دنبال شده است. به عنوان مثال برخی از محققان مراحل درک میزان رضایتمندی افراد را با دیدگاه ادراکی توصیف کرده اند. بدین ترتیب که یک فرد با توجه به مجموعه ای از نیازها و آرزوهایی که دارد، شرایط فعلی سکونتی اش را ارزیابی می کند (حاجی نژاد، رفیعیان و زمانی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). بر طبق نظریات Amerigo و Aragones که تحقیقات جامعی در این زمینه انجام داده اند، سه دیدگاه متفاوت در مورد رضایتمندی سکونتی وجود دارد:

۱. «دیدگاه عاطفی»: در این دیدگاه بسیاری از محققان بر روی شناسایی عواملی که ممکن است بر روی رضایتمندی سکونتی اثر بگذارد تمرکز کرده اند. تحقیقات تجربی رضایتمندی سکونتی را به عنوان یک متغیر وابسته معرفی کرده اند و «مشخصه های عینی» مانند «ویژگی های مسکن و همسایگی، تراکم، بهداشت محیطی، فضای سبز» و «مشخصه های ذهنی» مانند «زدحام، امنیت، روابط اجتماعی و

...» یا ویژگی های شخصی مانند سن، جنس، درآمد و غیره را مورد شناسایی قرار داده اند (Jen Tu&Ting Lin, ۲۰۰۸: ۱۵۷).

۲. «دیدگاه شناختی»: در این دیدگاه محققان تلاش کرده اند تا ساختار درونی (عینی) یا مقیاس هایی را که ساکنان از طریق آنها می خواهند کیفیت محیط مسکونی را ارزیابی کنند، مشخص کنند. این مطالعات از چندین دسته از مقیاس ها یا عواملی که تحت عنوان کیفیت محیط مسکونی ادراکی در شهرهای مختلف انجام یافته است، منتج شده اند.

۳. «دیدگاه رفتاری»: تعداد کمی از محققان بر روی سنجش پیامدهای سکونتی تاکید می کنند. در این دسته از مطالعات رضایتمندی سکونتی به عنوان یک متغیر مستقل یا پیشگو شناخته می شود و پیامدهای رفتاری مانند بی ثباتی مسکونی، تعمیر و مرمت مسکن، روابط مناسب با همسایگان و مشارکت در فعالیت های همسایگی شناسایی شده اند (Jen Tu&Ting Lin, ۲۰۰۸: ۱۵۸).

همچنین در مطالعات مربوط به رضایتمندی سکونتی دو مدل اصلی مورد توجه قرار گرفته اند:

۱. اولین مدل رضایتمندی سکونتی را به عنوان یک متغیر معیار مورد توجه قرار می دهد و در نظر دارد پیش بینی های اصلی وابسته به آن را به منظور فراهم آوردن اطلاعاتی مفید برای برنامه ریزی و مدیریت شهری، شناسایی کند؛

۲. مدل دوم از رضایتمندی سکونتی به عنوان یکی از متغیرهای پیش بینی کننده ی دیگر رفتارهای شهری مرتبط، همچون جابجایی سکونتی یا انتخاب سکونتی استفاده می نماید.

اگرچه رضایتمندی سکونتی از لحاظ نظری به عنوان یک مفهوم چند بعدی تعریف شده است، اما مطالعات این حوزه، اغلب مولفه های مجزا و تک آیتمی ای را برای تعریف این مفهوم به کار برده اند و این کار نوعاً از طریق پرسشنامه انجام شده است. با این وجود ماهیت چندبعدی رضایتمندی سکونتی می تواند از تلفیق چندین مدل متفاوت و مورد توجه قرار دادن

رابطه احتمالی بین مجموعه گسترده ای از معیارها و پیش بینی ها، در یک مدل توضیحی بدست می آید (Bonaiuto and et al, 2003: 42).

بیان یافته ها و بحث محدوده مورد مطالعه

شهر همدان به عنوان یکی از مهمترین شهرهای تاریخی فرهنگی غرب ایران محسوب می شود. در این پژوهش با توجه به امکانات، مجتمع های مسکونی کوی امام رضا (ع)، مجتمع مسکونی کوی امام خمینی (ره) و مجتمع مسکونی سعیدیه مورد بررسی قرار گرفته اند و مجتمع سعیدیه در تقاطع بلوار ارم با خیابان سعیدیه واقع شده است. شهر همدان به عنوان یکی از مهمترین شهرهای تاریخی فرهنگی غرب ایران (اذکائی، ۱۳۸۰، دیلمی، ۱۳۶۶) دارای حدود ۱۲ مجتمع مسکونی است. در این پژوهش با توجه به محدودیت امکانات، دو مجتمع مسکونی که تقریباً ۱۰ درصد کل نمونه هاست و می تواند سطح معنادار مناسبی را برای تعمیم نتایج به جمعیت های بزرگتر ایجاد کند انتخاب شد. دو نمونه مطالعاتی عبارتند از مجتمع مسکونی کوی امام رضا (ع) و مجتمع مسکونی کوی امام خمینی (ره) که به صورت فضای میانی و خردگانی طراحی شده اند.

رضایتمندی ساکنان از کیفیت محیط شهری

در این راستا ارزیابی حس رضایت در این پژوهش در سه مقیاس صورت گرفته است. با توجه به ماهیت مجتمع های مسکونی مورد مطالعه، این سه مقیاس شامل فضای داخلی آپارتمان، فضای باز مسکونی

و در سطح محل است. در ادامه روش ارزیابی حس رضایت در مقیاس های متفاوت ارائه می شود. برای ارزیابی رضایت از ویژگی های مورد بررسی از آزمون t یک طرفه استفاده کرده ایم. به این ترتیب که اگر فرض کنیم X یک متغیر تصادفی بیانگر ویژگی مورد بررسی باشد، داشتن رضایت را می توان معادل گزاره $(\mu > \alpha)$ که در آن μ مجموع X است، دانست. از این نظر انجام آزمون فرضهای $\mu \leq \alpha$ و $\mu > \alpha$ ، اگر منجر به رد فرض H_0 شود، می توان داشتن رضایت را نتیجه گرفت. در زیر نتایج این آزمون به طور جداگانه برای هر یک از شاخصها نشان داده می شود.

ویژگی های کالبدی

برای سنجش ارزیابی کیفیت از آزمون t تک نمونه ای استفاده شده است. نتایج این آزمون برای کیفیت ویژگیهای کالبدی نشان می دهد که تنها رضایت از کیفیت سازمان دسترسی و حمل و نقل رابطه معنی داری وجود ندارد. در مقابل، رضایت از کیفیت دو شاخص دیگر (فضاها و بناها، فضاها عمومی و سبز) رابطه معنی داری وجود دارد.

ویژگیهای خدماتی

ویژگیهای عملکردی و خدماتی مهمترین جنبه در میان بررسی ابعاد رضایتمندی محیط مسکونی است. نتایج این آزمون برای کیفیت کارکردی و شاخصه های آن نشان می دهد که رضایت از کیفیت خدمات تفریحی رابطه معنی داری وجود ندارد. در مقابل، رضایت از کیفیت دو شاخصه دیگر: خدمات



نقشه هوایی ۱. موقعیت مکانی مجتمع های مسکونی مورد مطالعه؛ ماخذ: گوگل ارث.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک نمونه ای برای شاخصهای مربوط به ویژگی های فضایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نتیجه آزمون	آماره			شاخص ها
	معنی داری	آماره T	میلگین	
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۸/۲۷	۳/۵۱	کیفیت فضاها و بناها
H ₀ قبول	۰/۳۴۰	-۴۱/۴۹	۲/۳۴	سازمان دسترسی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۲/۰۹	۲/۸۲	فضاهای عمومی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۵۴/۹۰	۳/۰۳	کیفیت کالبدی

جدول ۴. نتایج آزمون t تک نمونه ای برای شاخصهای مربوط به ویژگی های کارکردی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نتیجه آزمون	آماره			شاخصها
	معنی داری	آماره T	میلگین	
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۶/۰۳	۳/۶۰	کیفیت خدمات رفاه اجتماعی
H ₀ قبول	۰/۱۴۵	-۴۷/۸۴	۲/۶۷	کیفیت خدمات تفریحی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۸۰/۴۲	۳/۶۵	کیفیت خدمات تجاری
H ₀ رد	۰/۰۰۰	-۵۰/۶۲	۲/۷۰	کیفیت خدمات بهداشتی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۳۸/۴۰	۲/۳۳	کیفیت عملکردی-ساختاری

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه ای برای شاخصهای مربوط به ویژگی های محتوایی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نتیجه آزمون	آماره			شاخصها
	معنی داری	آماره T	میلگین	
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۷/۲۹	۳/۳۷	کیفیت بهداشت محیطی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۴/۷۵	۳/۶۴	کیفیت امنیت و روابط اجتماعی
H ₀ قبول	۰/۳۲۵	-۴۸/۶۵	۲/۸۶	کیفیت روند زندگی
H ₀ رد	۰/۰۰۰	۶۱/۸۱	۳/۲۲	کیفیت محتوایی

مقابل، رضایت از کیفیت دو شاخصه دیگر: بهداشت محیطی، امنیت و روابط اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج این آزمون برای کیفیت محیط شهری و شاخصه های آن نشان می دهد که به طور کلی رضایت از کیفیت هر سه شاخص رابطه معنا داری وجود دارد.

نتایج این آزمون برای کیفیت محیط سکونتی و شاخصه های آن نشان می دهد که تنها رضایت از کیفیت هزینه واحدهای مسکونی رابطه معنی داری

رفاهی- اجتماعی، خدمات تجاری، رابطه معنی داری وجود دارد.

ویژگیهای محتوایی

این ویژگیها بیشتر بر جنبه های ادراکی و ذهنی تاکید دارند که بهداشت محیطی و روابط اجتماعی و مقوله امنیت و شیوه های زندگی را شامل می شود. نتایج این آزمون برای کیفیت محتوایی و شاخصه های آن نشان می دهد که تنها رضایت از کیفیت روند زندگی رابطه معنی داری وجود ندارد. در

جدول ۶. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای شاخصهای مربوط به کیفیت سکونت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

نتیجه آزمون	آماره			شاخصها
	معنی داری	آماره T	میلگین	
رد H ₀	۰/۰۰۰	۵۴/۹۰	۳/۰۳	کیفیت کالبدی
رد H ₀	۰/۰۰۰	۳۸/۴۰	۲/۳۳	کیفیت کارکردی
رد H ₀	۰/۰۰۰	۶۱/۸۱	۳/۲۲	کیفیت محتوایی
رد H ₀	۰/۰۰۰	۵۲/۶۶	۲/۹۱	محیط شهری

جدول ۷. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای شاخصهای مربوط به کیفیت محیط سکونت؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

نتیجه آزمون	آماره			شاخصها
	معنی داری	آماره T	میلگین	
رد H ₀	۰/۰۰۰	۵۷/۲۶	۳/۲۵	اندازه و تسهیلات مسکن
قبول H ₀	۰/۳۲۵	-۳۸/۲۴	۲/۱۲	هزینه واحد مسکونی
رد H ₀	۰/۰۰۰	۶۶/۲۸	۲/۶۰	شرایط درونی مسکن
رد H ₀	۰/۰۰۰	۳۶/۵۱	۲/۴۶	شرایط بیرونی مسکن
رد H ₀	۰/۰۰۰	۵۲/۹۷	۳/۰۱	محیط سکونتی

روند زندگی و هزینه واحد مسکونی است و بالاترین رضایت آنها از کیفیت فضاها و بناها، خدمات تجاری، امنیت و روابط اجتماعی و اندازه و تسهیلات مسکن است.

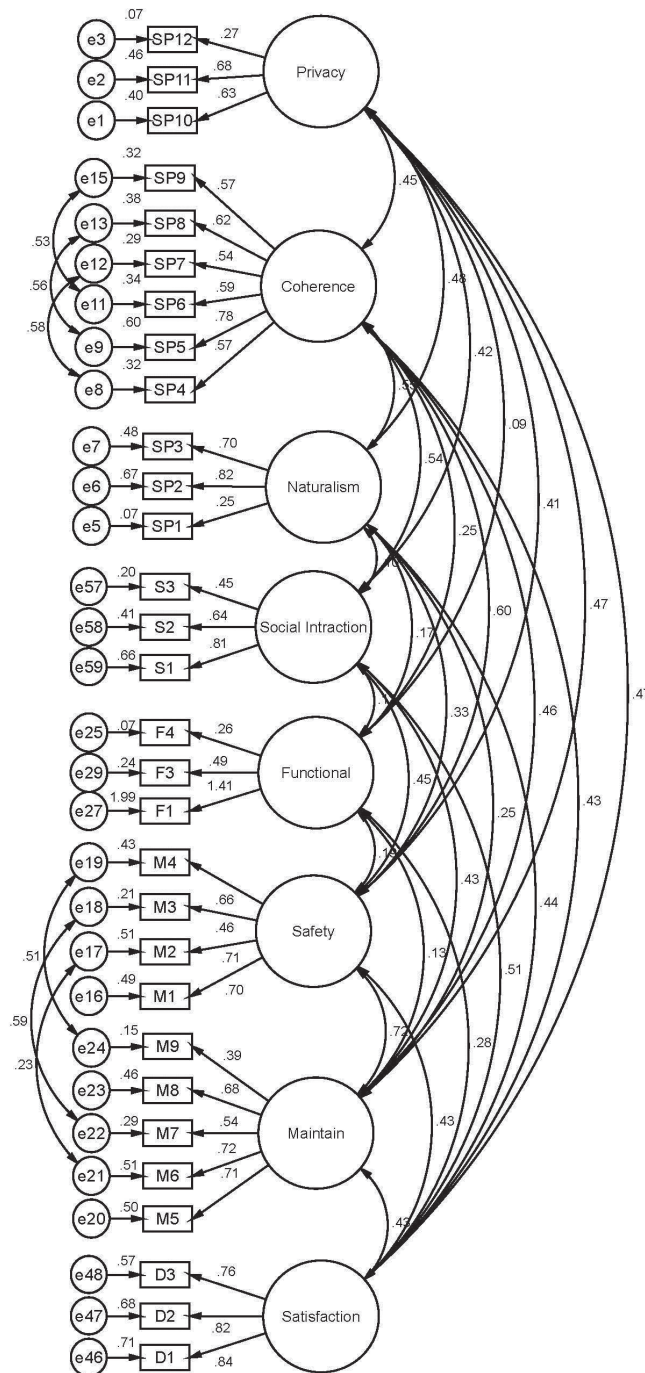
ارائه راهکارها و پیشنهادات

○ راهکارهای بهبود خدمات تفریحی و گذران اوقات فراغت عبارتند از: «۱. ایجاد کتابخانه‌ها در سطح محلات شهر همدان و به فراخور نوع و محل سکونت؛ ۲. تجهیز فضاهای عمومی و سبز به انواع تجهیزات ورزشی و تفریحی؛ ۳. افزایش فضاهای ورزشی در شهر همدان بالاخص در حوالی نمونه‌های مورد مطالعه؛ ۴. استفاده از فضاهای ورزشی دانشگاه‌های موجود در منطقه و سایر مجتمع‌های ورزشی و استادیوم‌ها برای برگزاری مسابقات در سطح ملی و بین‌المللی؛ ۵. افزایش سینماها و فرهنگسراها در مجاورت مجتمع‌های مسکونی منطقه؛ ۶. تغییر کاربری عناصر ناهمخوان شهر همدان به فعالیتهای

وجود ندارد. در مقابل، رضایت از کیفیت سه شاخصه دیگر: اندازه و تسهیلات مسکن، شرایط درونی و بیرونی مسکن، رابطه معنی داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

علیرغم وجود این تفاوت‌ها در سطح معناداری ویژگی‌های مختلف، در مجموع رضایت از کیفیت محیط شهری و محیط سکونتی رابطه معناداری وجود دارد. همانطور که گفتیم مدل نظری ارائه شده بر مبنای میزان رضایت افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه بنا نهاده شده است و جزئیات این گونه مدلهای به این شرح است که در این مسائل، تعداد زیادی از گزینه‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و در پایان در مورد آنها یک اولویت بندی انجام می‌شود. در نهایت از تمام تجزیه و تحلیل‌های انجام شده بر روی شاخصهای مختلف، نتیجه بدست آمده بدین شرح است که؛ پایین‌ترین رضایت از سازمان دسترسی و حمل و نقل، خدمات تفریحی،



نمودار ۳. الگوی تحلیل عامل تاییدی حس رضایت؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

از طریق انتقال برخی از کاربری های فرامنطقه ای به نواحی دیگر؛ ۳. ساماندهی و بهسازی کیفی، فضایی و عملکردی منطقه در بخش های با تمرکز زیاد؛ ۴. ساماندهی وضعیت ترافیک منطقه بویژه در جنوب و شرق منطقه؛ ۵. ایجاد پارکینگ های طبقاتی بویژه در

گذران اوقات فراغت.»
O راهکارهای ساماندهی دسترسی و حمل و نقل عبارتند از: «۱. افزایش ظرفیت پارکینگ های ساختمانی از طریق تغییر کاربری های بلااستفاده تجاری در محدوده مورد مطالعه؛ ۲. کاهش بار فعالیتی

محدوده مجتمع‌های مسکونی.»

0 راهکارهای بهبود روند زندگی عبارتند از: «۱. تقویت و بسترسازی مشارکت محله‌ای در برخی محلات و استفاده از آنها به عنوان الگویی برای سایر محلات؛ ۲. تقویت بافت‌های فرهنگی محله‌ای و نه فرامنطقه‌ای، از طریق افزایش کاربری‌های فرهنگی در سطح محلات؛ ۳. توجه بیشتر به ایجاد فضاهای عمومی و مرکز محلاتی که تعاملات رودر رو و چهره‌به‌چهره میان شهروندان را فراهم می‌کند؛ ۴. جلوگیری از افول کانونهای فعالیتی به درون کانون‌های سکونتی؛ ۵. افزایش حس مکان و همبستگی اجتماعی و وابستگی مکانی ساکنین محلات؛ ۶. تقویت سرزندگی، پویایی و نشاط اجتماعی در زندگی شهری؛ ۶. ارتقاء کیفیت سکونت محلات و تقویت هویت مسکونی آنها.»

منابع و ماخذ

بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، مجله محیط شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲۱.
بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
بحرینی، حسین و طبیبیان، منوچهر (۱۳۷۷) مدل ارزیابی کیفیت محیط زیست شهری، محیط شناسی، شماره ۲۱ و ۲۲
بحرینی، سید حسین و گلناز تاج بخش (۱۳۸۷) مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، تهران، شماره ۶.
پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱) کیفیت محیط شهری مطالبه معوقه شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۹
جاجرمی، کاظم و ابراهیم، کلتی (۱۳۸۵) سنجش وضعیت شاخص‌های زندگی در شهر از نظر شهروندان (مطالعه موردی: گنبد قابوس)، مجله جغرافیا و توسعه
عباس آخوندی، ناصر برک پور، هادی سعیدی

رضوانی، حسین ایمانی جاجرمی، تقی بینقی (۱۳۹۰) نیازسنجی آموزشی شهرداری‌ها به منظور بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران؛ مطالعه موردی: بندرعباس، تبریز، زاهدان، سنندج و کرمانشاه، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.
علیرضا پویا، احمد قربان پور (۱۳۹۴) خوشه‌بندی صنایع در محیط فازی از لحاظ توجه به میزان سبزیت زنجیره تامین جهت مدیریت زیست محیطی، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.
علیرضا عندلیب (۱۳۹۰) چالشها و نقش‌های چندگانه توسعه شهر تهران، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

علی‌رضا بندرآباد، وراز مرادی مسیحی، حامد کاوش‌نیا، حسین عالی (۱۳۹۴) جستاری بر مفهوم‌شناسی عرصه‌های عمومی شهری در بازخوانی نظریه انتقادی و مکتب فرانکفورت، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.
کرامت‌الله زیاری، ایوب منوچهری میان‌دوآب، صابر محمد پور، احد ابراهیم پور (۱۳۹۰) ارزیابی سیستم حمل و نقل عمومی (BRT) شهر تبریز با استفاده از رویکرد تحلیل عوامل استراتژیک (SWOT)، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.
کریم مردمی، حسام قمری (۱۳۹۰) الزامات معماری تاثیرگذار در اجتماع پذیری فضای ایستگاه‌های مترو، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

حاجی نژاد، علی و رفیعیان، مجتبی و زمانی، حسین (۱۳۸۹) بررسی متغیرهای فردی موثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شیراز)، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷

خلیلی، نسرين (۱۳۸۵) ارتقاء کیفیت محیط شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

در مرکز تاریخی شهرها با استفاده از رویکرد برنامه ریزی طراحی محور (نمونه موردی: شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۲) خاستگاه های فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، فصلنامه خیال، شماره ۸، زمستان

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان شناسی و فرهنگ

راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.

رفیعیان، مجتبی و عسکری، علی (۱۳۸۶) مفهوم و شیوه سنجش کیفیت محیط شهری، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران

رفیعیان، مجتبی و عسکری، علی و عسکری زاده، زهرا (۱۳۸۸) سنجش میزان رضایتمندی سکونتی ساکنین محله نواب، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۷

شکوئی، حسین (۱۳۸۳) اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران، انتشارات گیتاشناسی.

صادقپور، بهرام؛ مرادی، وهاب (۱۳۸۹) تحلیل آماری با نرم افزارهای اس. پی. اس. اس و آموس، بابلسر، دانشگاه مازندران.

عینی فر، علیرضا؛ قاضی زاده، سیده ندا (۱۳۸۹) گونه شناسی مجتمع های مسکونی کرمان با معیار فضای باز، نشریه آرمانشهر، ۵: ۳۵-۴۶.

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفا شماره ۳۲.

گلکار، کورش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.

گلکار، کورش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.

لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، ترجمه دکتر حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

لینچ، کوین (۱۳۸۱) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.

Aiello, Antonio; Ardone, Rita Grazia&Scopelliti, Massimiliano 2010. Neighbourhood Planning Improvement: Physical Attributes, Cognitive and Affective Evaluation and Activities in Two Neighbourhoods in Rome. *Journal of Evaluation and Program Planning*, 33: 264- 275.

Amérigo, Maria; Aragonés, Juan Ignacio 1990. Residential Satisfaction in Council Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 10: 313-325.

Amérigo, María; Aragonés, Juan Ignacio 1997. A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Journal of Environmental Psychology*, 17: 47-57.

Amole, Dolapo 2009a. Residential Satisfaction and Levels of Environment in Students' Residences. *Journal of Environment and Behavior*, 41: 866-879.

Amole, Dolapo 2009b. Residential Satisfaction in Students' Housing. *Journal of Environmental Psychology*, 29: 76-85.

Arbuckle, James 2009. *Amos 18 User's Guide*, Chicago, SPSS Inc.

Bonaiuto, Marino; Aiello, Antonio; Perugini, Marco; Bonnes, Mirilia&Ercolani, Anna Paola 1999. Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology*, 19: 331-352.

Bonaiuto, Marino; Fornara, Ferdinando&Bonnes, Mirilia 2006. Perceived Residential Environment Quality In middle- And low-Extension Italian Cities. *Revue Européenne de Psychologie Appliquée/European Review of Applied Psychology*, 56: 23-34.

Canter, David V. 1977. *The Psychology of Place*, London, Architectural Press.

Canter, David V.; Rees, K.A. 1982. Multivariate Model of Housing Satisfaction. *International Review of Applied Psychology*, 32: 185-208.

Gaitani, N.; Mihalakakou, G.&Santamouris, Mat 2007. On the Use of Bioclimatic Architecture Principles in Order to Improve Thermal Comfort Conditions in Outdoor Spaces. *Journal of Building and Environment*, 42: 317-324.

Ge, Jian; Hokao, Kazunori 2006. Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the

- Viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 78: 165-178.
- Gifford, Robert 2002. *Environmental Psychology : Principles and Practice*, Canada, Optimal Books.
- Hur, Misun; Morrow-Jones, Hazel 2008. Factors That Influence Residents' Satisfaction with Neighborhoods. *Journal of Environment and Behavior*, 40: 619-635.
- Hur, Misun; Nasar, Jack L.&Chun, Bumseok 2010. Neighborhood Satisfaction, Physical and Perceived Naturalness and Openness. *Journal of Environmental Psychology*, 30: 52-59.
- Kearney, Anne R. 2006. Residential Development Patterns and Neighborhood Satisfaction: Impacts of Density and Nearby Nature. *Journal of Environment and Behavior*, 38: 112-139.
- Marcus, Clare Cooper; Sarkissian, Wendy 1986. *Housing as If People Mattered : Site Design Guidelines for Medium-Density Family Housing*, Berkeley, University of California Press.
- Mesch, Gustavo S.; Manor, Orit 1998. Social Ties, Environmental Perception, and Local Attachment. *Journal of Environment And Behavior*, 30: 504-519.
- Thorsson, Sofia; Lindqvist, Maria&Lindqvist, Seven 2004. Thermal Bioclimatic Conditions and Patterns of Behaviour in an Urban Park in Goteborg, Sweden. *International Journal of Biometeorol*, 48: 149-156.
- Waxman, Lisa Kinch 2004. *More Than Coffee: An Examination of People, Place, and Community with Implications for Design*. Ph.D. Thesis, Florida State University.
- Amerigo, M and Aragonés, L.I (1997) A theoretical methodological approach to the study of residential satisfaction *journal of Environmental Psychology*, NO 17
- Bonaiuto, M and Fornara, F and Bonnes, M (2003) Index of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments: A Case Study of Rome, *Landscape and Urban Planning*
- Bonaiuto, M and Fornara, F and Bonnes, M (2006) Perceived Residential Environment Quality in Middle-and low- Extension Italian City, *Revue européenne Psychologie appliquée*. No.56
- Jen Tu, Kung and Ting Lin, Li (2008) Evaluative Structure of Perceived Residential Environment Quality in high-density and mixed- use Urban Settings: An Exploratory study on Taipei City *Landscape and Urban Planning*, N.87
- Lansing, J.B and Marans, R.w (1969) Evaluation of Neighborhood. *Journal of the American Institute of Planners*, N 35
- M. Carp, Frances and et al (1975) Dimension of urban environment quality, *Environment and Behavior*, Vol. 8, No. 2
- Türkoglu, H.D (1997) Residents Satisfaction of housing environment: the case of Istanbul, turkey *landscape and urban planning* No 39
- Van poll, Ric (1997) the perceived quality of urban residential, PhD- thesis, center for energy and environmental studies (IVEM) university of Groningen (RUG), Netherland

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۸۰ ■

هنجاریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی پرسشنامه ارتقاء فرهنگ شهروندی

علی همتی* - دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
رضا ابراهیم زاده دستجردی - عضو هیات علمی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف از انجام این تحقیق شناسایی مولفه های کلیدی حاصل از تجارب صاحب نظران و شهروندان شهر تهران که امکان ارتقاء فرهنگ شهروندی محلات را از طریق فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات شده اند و ارائه مدل مفهومی آن مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری، بر مبنای رویکرد آمیخته اکتشافی طراحی مدل بود. این تحقیق به روش آمیخته انجام شد که در بخش کیفی، از روش پدیدارشناسی و در بخش کمی از روش توصیفی، همبستگی مبتنی بر مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی مشتمل بر صاحب نظران حوزه فرهنگی مدیریت شهری، مدیران فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات و شهروندان شهر تهران عضو این فرهنگسراها بودند که با مشارکت کنندگان در تحقیق انتخاب شدند و پس از ۲۴ مصاحبه پیش اشباع شده حاصل شد. به منظور بررسی روایی داده های کیفی از روایی سازه، روایی بیرونی، توصیفی و تفسیری استفاده شد و به منظور بررسی قابلیت اعتماد از رویکرد سه گانه رائو و پری (۲۰۰۳) استفاده شد. نتایج حاصل از تحقیق کیفی در قالب ۳ گروه مولفه ارتقاء دهنده فرهنگ شهروندی، مولفه های تعدیل کننده و پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی طبقه بندی شدند که عبارت بودند از: مقوله فرهنگ شهروندی، اعتماد اجتماعی، مدیریت آسیبهای اجتماعی، توسعه ارزشهای شهروندی، بهبود رفتار شهروندی، تقویت سبک زندگی، بهبود ارتباط شهروندان با دولت، ارتقاء توسعه فردی شهروندان، مدیریت شکاف بین نسلی اشاره نمود. پس از استخراج مولفه ها بخش کمی تحقیق بررسی شد که برای بررسی روایی از روایی عاملی و محتوایی استفاده گردید. از سوی دیگر قابلیت اعتماد ابزار با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای عوامل ارتقاء فرهنگ شهروندی، محیطی، جمعیت شناختی و پیامدهای ارتقاء فرهنگ شهروندی ۰/۹۵۰، ۰/۷۵۸، ۰/۷۷۳ و ۰/۹۶۲ برآورد شد و با روش نمونه گیری طبقه ای ۱۲۹۰ نمونه محاسبه گردید. نتایج تجزیه و تحلیل داده های کمی نشان داد که برنامه ریزی امور فرهنگی، آموزش شهروندان، ترویج سمبلها و نمادهای فرهنگی و ارزشهای فرهنگی و مدیریت فرهنگسراها به ترتیب با ضرایب تاثیر ۰/۳۳۸، ۰/۳۳۳ و ۰/۳۷۲ بر توسعه اعتماد اجتماعی، تقویت ارزشهای شهروندی، بهبود رفتار شهروندی و تقویت ارزشها و هنجارهای اجتماعی تاثیرگذار است. از سوی دیگر نتایج کمی این تحقیق نشان داد که متغیرهای محیطی بیشترین اثر تعدیلی را بر رابطه بین مولفه های ارتقاء فرهنگ شهروندی با توسعه فرهنگ شهروندی و توسعه اعتماد اجتماعی با ضریب تاثیر ۰/۱۳۰ و ۰/۱۲۴ دارند. در نهایت با توجه به مدل استخراج شده و نحوه ارتباط متغیرها در مدل تحقیق راهکارهایی جهت ارتقاء فرهنگ شهروندی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ شهروندی، آموزش فرهنگ شهروندی، مدیریت امور فرهنگسراها، برنامه ریزی در امور فرهنگی، توسعه مشارکت اجتماعی، فرهنگسرا، خانه فرهنگ.

Exploratory and confirmatory factor analysis, standardization and promotion of citizenship questionnaire

Abstract

The aim of this study is to identify the key components of the experiences of experts and citizens the opportunity to promote a culture of citizenship in Tehran neighborhoods through community cultural centers and houses of culture, and Conceptual Model is based on structural equation modeling, exploratory design was based on a mixed approach. The study was carried out in the mixed qualitative and quantitative method of descriptive phenomenology, solidarity-based structural equation modeling was used. The population of this research consisted of experts in the cultural quality of urban management, directors of cultural centers and cultural centers in Tehran neighborhoods and citizens were members of the cultural centers that the participants in the research were selected After 24 interview was saturated. To evaluate the quality of the construct validity, external validity, was used to describe and evaluate the reliability of a triple approach Rao and Fairytale (2003) was used. After extracting the components quantitative research was conducted to check the validity and content validity were used. The results of the analysis of quantitative data showed that the planning of cultural affairs, education of citizens, promote symbols and cultural symbols and cultural values and cultural centers managed by the impact factors 0/310, 0/338, 0/333 and 0/372 on development of social trust, strengthening of civic values, citizenship and strengthen the values and social norms affect behavior. The quantitative results of this study showed that most environmental variables moderating effect on the relationship between the components of the development of civic culture and civic culture development and 0/124 & 0/130 impact factor of social trust. Finally, according to the extracted model and how the variables in the research model presented strategies to promote a culture of citizenship.

Keywords: culture, citizenship, education, culture and citizenship, the management of houses of culture, cultural planning, development, social participation, cultural, House of Culture.

پویاست، که برای تامین واقعی اش باید به فراسوی دولت بسط یابد و فرهنگ را در بررسی آن مورد توجه قرار داد (فاضلی، ۱۳۸۶، ص ۲). در ادامه به بررسی مسئله تحقیق، جامعه و نمونه آماری، روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها برای هنجاریابی پرسشنامه محقق ساخته می پردازیم.

مسئله تحقیق

«مفهوم شهروندی، علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسایل سنتی نظری جامعه شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. اخلاق مدنی، همچنین مستقیماً با تغییرات هویتی و تصوراتی مرتبط است که شهروندان، نسبت به خود و دیگر شهروندان دارند. شهروندی اجتماعی، با اتکا به آن دسته اصول اخلاقی شکوفا می گردد که مشوق احساس برادری، همنوعی، تعهد و مسئولیت پذیری است» (ذکاتی، ۱۳۸۰، ص ۶۲). این مفهوم در بعد اجتماعی، ایده ای است که در اروپای غربی مطرح شده است و در قرن شانزدهم همزمان با فراگیر شدن آن انتشار یافته است. این مفهوم را می توان در مجموع، جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است. شهروندی مدنی، در قرن هجدهم، شامل حقوق ضروری برای آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی اندیشه، حق برخورداری از عدالت و قراردادهای معتبر گردید که به واسطه رشد نهاد دادگاه و نظام قضایی ظهور کرد. شهروندی سیاسی در بردارنده حق مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی، به عنوان عضو یا رأی دهنده بوده که در قرن نوزدهم، با رشد شوراهای و پارلمان تحقق یافت. در قرن بیستم، با ایجاد نظامهای آموزشی و تامین اجتماعی، حق دسترسی به مجموعه وسیعی از مزایای عمومی که توسط دولت در حوزه های بهداشت، آموزش و غیره ارائه می شد، به نام شهروندی اجتماعی به منصفه ظهور رسید. پایه و اساس شهروندی، بر برابری قرار داشته که با نابرابری های منتج از نظام سرمایه داری

«شهروندی»، ارتباط وسیعی با مفاهیمی چون «جامعه مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب» دارد. حتی در نظر بعضی از صاحب نظران یکی از ملاک های مهم دموکراسی به شمار می رود (شیانی، ۱۳۸۱، ص ۱۹). جامعه مدنی و تحقق نهادهای مدنی، در مجموع، تجربه عقلانی و موفق بشری است که منجر به مشارکت قانون مند و توسعه سیاسی - اجتماعی شده و زمینه پیشرفت در حوزه اقتصاد، فرهنگ و تمدن را برای جوامع به وجود آورده است. پس می توان گفت که مفهوم فرهنگ شهروندی از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که، فرهنگ شهروندی، رعایت همان اصولی است که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسوولیت ها منعکس می سازد و چارچوبی را برای تعامل میان افراد، گروه ها و نهادها فراهم می کند (فاطمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۵). بر این اساس می توان ادعان داشت که دولت های محلی (شهرداریها) در بسط و گسترش مولفه های فرهنگ شهروندی، همواره نقش پررنگ و قابل تامل داشته، چراکه اساس حکومت و انسجام دولتها در ارتباط موثر و مستقیم با توده مردم می باشد و تصدی این امور توسط دولتهای محلی و یا به بیان ساده تر مدیریت شهری صورت می پذیرد که رسیدگی به مشکلات شهروندان را در مرتبه اول برعهده دارند و دغدغه خویش می دانند تا به اموری همچون شهرسازی، زیست محیطی، حمل و نقل، فرهنگی و اجتماعی نگاه ویژه داشته و همانند پلی مابین مردم و دولت عمل نمایند. اینان وظیفه حل مسائل شهری و بحران های ناشی از شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان را برعهده داشته و آنچه که در این میان می تواند کمک موثری در انجام هرچه بهتر وظایف و مسئولیتهای محوله برای مدیریت شهری داشته و موجب کاهش هزینه های مترتب بر آن گردد، وجود یک فرهنگ شهروندی پویا و کارا بوده که رکن اصلی استحکام مدیریت محلی در شهرها خواهد بود. از این رو شهروندی یک مفهوم

در تضاد است. نظریه مارشال بر آثار جامعه‌شناسان به ویژه جامعه‌شناسان آمریکایی تاثیر زیادی داشت. اما «مارشال» (۱۹۶۴-۱۹۸۱) از سوی صاحب نظران متعددی نیز مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقادها زیربنای ارائه نظریه‌های جدید گردیده که گاه با مدل‌های مفهومی لیبرالیسم و جمهوری خواهی نیز همپوشانی دارد. «پارسونز» جامعه‌شناس آمریکایی، شهروندی را در معنای کامل وژه، نتیجه ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی دانسته و بر این باور است که تمام تغییراتی که در جامعه سنتی رخ داده است: نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، عقلانیت و ... بستر مناسب برای این پدیده را به وجود آورده است. از آن جا که شهروندی، عضویت کامل در اجتماع ملی است بر همبستگی و وفاداری متقابل اعضا قرار داشته و مبنای جمعی انسجام اجتماعی به شمار می‌رود. از نظر پارسونز، بایستی برای دستیابی به هویت عام شهروندی، هنجارهای عام را در قالب فعال‌گرایی، عام‌گرایی، آزادگی، مساوات طلبی و معیارهای اکتسابی گسترش داد. بنابراین در گذار از جوامع سنتی به مدرن، تغییراتی در جهت تحقق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می‌آید (پارسونز، ۱۹۶۵). در نظریات جامعه‌شناسان انتقادی نیز شهروندی، مفهومی کلیدی محسوب می‌شود. «دارندورف»، شهروندی را ایده بسیار مهمی دانسته که طی قرن‌ها موتور پویای حرکت گروه‌های محروم بوده است و گسترش حقوق شهروندی کامل برای همه را وظیفه اصلی سیاست اجتماعی دانسته و آزادی را، راه رسیدن به برابری و عدم محرومیت و به تبع آن شهروندی پویا و واقعی قلمداد کرده است (دارندورف، ۱۹۷۴، ص ۲۹۲).

هابرماس، شهروندی را در رابطه با اجتماع سیاسی، جامعه مدنی و حوزه عمومی چه با یک دولت ملی هم‌مرز باشد و چه نباشد، تحلیل می‌کند و نسبت به حوزه‌های عمومی حتی در گستره اروپا از طریق شبکه‌های ارتباطی بسیار خوش بین است. به نظر هابرماس، این شبکه‌ها شرایط مناسب دموکراسی

خواهد بود، زیرا اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. از رهگذر جامعه مدنی در حوزه عمومی که حد واسط نظام سیاسی و بخش‌های خصوصی است، مسائل مختلف حل خواهد شد. در این حوزه‌ها، افراد مسئولیت‌ها و حقوق خود به عنوان شهروند پذیرفته و قادر به بیان نظریات و عقایدشان می‌شوند. منطبق با نظریه این جامعه‌شناس بر شرایط دسترسی برابر به مشارکت در گفتمان عقلانی، تمرکز یافته که به صورت اجتماعات مختلف پیشنهاد می‌شود. به نظر او، جامعه مدنی، نظامی از اجتماعات است که گفتمان ناظر بر مسائل عمومی را نهادینه می‌کند و بستری برای تحقق شهروندی ایجاد می‌نماید (کارتر، ۲۰۰۰، ص ۱۵۹).

در انتقاد به مارشال، «ترنر» به دو اصل «تفاوت پذیری» (تقسیمات جنسیتی، نژادی و طبقات اجتماعی) و «انسجام» مورد نظر برخی جامعه‌شناسان اشاره می‌کند که آن را سامان دهنده جوامع می‌دانند. وی معتقد است: جوامع مدرن، جایی است که نابرابری اجتماعی با عقلانیت اقتصادی توجیه می‌شود، شهروندی، می‌تواند به مثابه مذهب مدنی در جهت انسجام اجتماعی عمل کند. فرد می‌تواند گستره مطالعات شهروندی را در رابطه متقابل هویت، اجتماع، فضیلت مدنی و منابع کشف کند. وقتی حقوقی به عنوان موقعیت رسمی نهادینه می‌شود، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب را به مردم اعطاء می‌کند. شهروندی نیز، بر دسترسی افراد و گروه‌ها به منابع نظارت می‌کند. در این اجتماع، افراد با شهروند شدن هویتی کسب کرده و دارای فضیلت مدنی می‌شوند؛ یعنی تعلقات و وابستگی نسبت به اجتماع سیاسی پدید می‌آید (ترنر، ۲۰۰۰، ص ۳۹-۳۷).

سرانجام از نیمه دوم سده ۲۰ و پس از جنگ جهانی دوم و با استقرار دولت رفاه، حقوق اجتماعی شهروندی به رسمیت شناخته شده است. روی هم رفته به طوری که ملاحظه می‌شود ارتباط و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

پیوند ناگسستنی میان شهروندی و شکل بندی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی جامعه مدرن دیده می شود. این ارتباط و پیوند در نظریه سیاسی، اجتماعی مدرن به صورت های گوناگون در قالب الگوهای نظری نشان داده شده است. در الگوی نظری که «پانوشکی» آن را ارائه داده است متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی موثر بر توسعه تاریخی شهروندی در غرب و نحوه تأثیر گذاری این متغیرها بر یکدیگر نشان داده شده است (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸، ص ۳۳). از دیدگاه جامعه شناسان، شهروندی، جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت به سه نوع حق شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. یکی از موضوعات مهم جامعه شناختی مربوط به شهروندی، این است که چگونگی گروه های مختلف، مشمول شهروندی (یا محروم از آن، از قبیل محرومیت زنان از حق رای در بریتانیا و آمریکا تا قرن بیستم) می شوند یا محرومیت کارگردان از تشکیل اتحادیه در اوایل دوران سرمایه داری و اینکه چگونگی آن بر نابرابری اجتماعی تأثیر می گذارند. در دیدگاه سیاسی، مفهوم شهروندی، منزلتی را نشان می دهد که با قانون، اعطا می شود. این مفهوم نشان می دهد که اشخاص به اعتبار جایگاه شان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. چرا که افراد در زندگی مشترکی سهیم می شوند، از این رو به سبب همان زندگی مشترک، در فعالیت های اقتصادی یا امور فرهنگی و تعهد سیاسی، همگان از لحاظ اخلاقی نسبت به یکدیگر وظایفی دارند. از دیدگاه سیاسی نیز شهروندی، در واقع شرایط عضویت در واحدی سیاسی (معمولا دولت ملی) است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می کند؛ وظایف معینی را انجام می دهند. (صرافی و عبدالهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

در ایران نیز مانند هر نقطه دیگر خاورمیانه تا قبل از پایان قرن ۱۹ مدیر اجرایی شهر یکی از شاهزادگان، یا اغلب فردی نظامی بود که وی را به عنوان والی

شهر منصوب می کرد و دارای اختیارات و امتیازات نامحدود بود. در دوران معاصر، شهر نشینی و شهروندی از مظاهر تمدن به شمار می آید و بسیاری از دولت ها برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خود شهرنشینی و شهروندی و مباحث مرتبط با آن و نیز جهت بخشیدن به موضوعات مربوط به شهرنشینی و شهروندی را در اولویت قرار داده اند. امروز مفهوم شهروندی با مفهوم نگرش آن در قرون ۱۹ و ۲۰ بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه های مختلفی است (جهانگیری، ۱۳۸۱، ص ۱۴)؛ لذا با توجه به رشد چشمگیر جمعیت ایران و وجود میانگین جوان سنی در حال حاضر، باید به فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری توجه ویژه ای نمود و این حاصل نخواهد شد جز با مشارکت یک یک مردم ساکن در اجتماعات شهری که آن نیز با یک برنامه ریزی درست و هدفمند قابل گسترش است (فاطمی نیا، ۱۳۸۶، ص ۳۶).

از مهمترین عواملی که باعث گسترش شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری در بین افراد می شود، شهرداری ها و احیای شوراهای محله و نهاد شورایی و نیز تقویت رسانه های محلی است. به دلیل این که گسترش مراکز فرهنگی، هنری در گام نخست به نیازهای خاص محلات مربوط خواهد شد، تعامل با نهادهای محلی یا نهادهایی که برای محلی فعالیت می کنند از مواردی است که حفظ و جهت دهی آن برای توسعه محله، ارتقای تعاملات فرهنگی و هنری و ایجاد وحدت باید مورد توجه متولیان امر قرار گیرد. در گام بعدی برای بقای فرهنگ شهروندی و توسعه ساختار سازمانی شهری در ایران باید وحدت هدف را برای شهروندان به وجود آورد. این وحدت را باید هم در بعد زندگی مادی و هم معنوی فرهنگ شهروندان ایجاد کرد؛ تحصیل این مساله در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست و قانون گذاری در جامعه از این طریق میسر می گردد و خارج از این هدف، شهروندان جامعه با مشکلات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی که منجر به نابودی

جامعه می‌گردد، روبرو خواهند شد. پس قانون مدنی برای بقای فرهنگ شهروندی در جامعه مدنی امری ضروری و انکار ناپذیر است (تقی زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴).

مبنتی بر بند ۲ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران وظیفه بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و رفاهی و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه حل‌های کاربردی در این زمینه‌ها بر عهده شوراهای اسلامی شهرها گذاشته شده است (زاهدی، ۱۳۹۳، ص ۵۵). بر اساس مفاد بند ۶ از ماده ۵۵ قانون شهرداری، مدیریت شهری مکلف به انجام فعالیتهای فرهنگی در سطح شهرها می‌باشد (زاهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۵) که در این راستا و با درک ضرورت توسعه فعالیت‌های فرهنگی پایتخت، شهرداری تهران را برآن داشت تا همراه با خدمات اجتماعی و عمرانی، ارائه خدمات فرهنگی را در زمره برنامه‌های خود قرار دهد.

رسالت اصلی شهرداری، مدیریت فرآیند توسعه متوازن و پایدار شهر تهران در راستای چشم‌انداز و اهدافی است که باید مشارکت خود مردم و جلب همکاری سایر نهادها و سازمانهای ذیربط اعم از دولتی، خصوصی و مردم نهاد تحقق یابد. بنابراین می‌توان بیان کرد با رواج مفهوم رفاه اجتماعی و فرهنگی، برنامه ریزی رفاه اجتماعی به یکی از محورهای برنامه ریزی شهری تبدیل شده است که اهدافی فراتر از برنامه ریزی کالبدی را جستجو می‌کند. همچنین در پرتوی نفوذ مفهوم کیفیت زندگی رویکرد جدیدی در شهرسازی قوت گرفته است که اهداف برنامه ریزی شهری علاوه بر اهداف کالبدی و کارکردی می‌یابد به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط شهری، مثل هویت اجتماعی، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی پاسخ می‌دهد (مهدی زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۰۲).

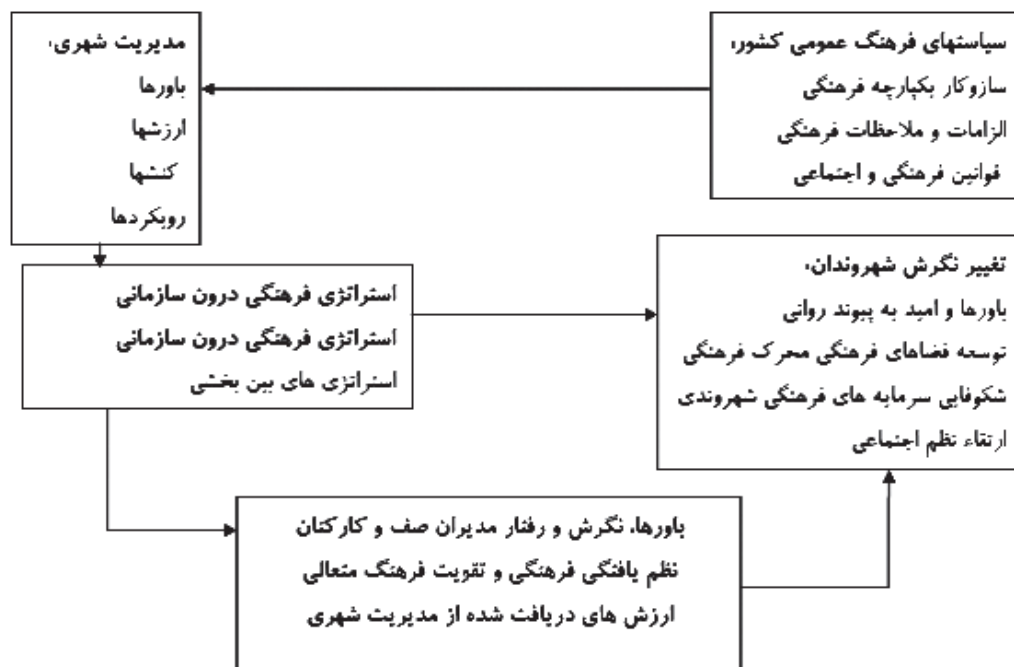
از این رو در اوایل سال‌های دهه ۱۳۷۰ تأسیس مراکز

فرهنگی هنری با عناوین فرهنگسرا، خانه فرهنگ، کتابخانه، و موزه در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران آغاز و در سال ۱۳۷۵ سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به منظور توسعه فرهنگ و هنر در جامعه ایرانی و نیز ارتقای فرهنگ شهرنشینی، با نظر مساعد رهبر معظم انقلاب اسلامی و با هدف توسعه فرهنگی، تعمیق معرفت دینی، تقویت زیبایی‌طلبی و حقیقت‌جویی شهروندان، شادزیستی توأم با روحیه سازنده و کسب مهارت‌های زندگی اجتماعی، موجودیت یافت. در حال حاضر تهران با ۲۲ منطقه و با جمعیتی معادل نفر دارای ۳۴ فرهنگسرا، ۶۶ خانه فرهنگ، ۷۹ کتابخانه، ۳۰ نگارخانه، ۸ موزه و ۴ پردیس سینمایی است که در کنار سایر نهادهای فرهنگی شهر تهران، وظیفه خدمات رسانی به مردم را در این کلان شهر بر عهده دارند. در شهر تهران تلاش شده برای هر منطقه شهرداری یک فرهنگسرای بزرگ ایجاد شود. فرهنگسراها بجز پوشش منطقه خود، بعضاً به فعالیت‌های فرامنطقه‌ای نیز می‌پردازند. فرهنگسرای تخصصی نیز به فرهنگسراهایی گفته می‌شود که اقدام به فعالیت در یک حوزه تخصصی در سطح شهر تهران می‌کنند (سایت سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران ۱۳۹۴).

شکل شماره (۱) فرآیند ارتباطی فرهنگی مدیریت شهری و فرهنگ شهروندان را نشان می‌دهد و اذعان دارد از جمله وظایفی که تا حدودی نهاد فرهنگی شهر تهران به آن اهتمام دارد احصاء نیازهای فرهنگی مردم و انعکاس آن به مدیریت شهری و عامل ارتباط فرهنگی میان مدیریت شهری و شهروندان می‌باشد. هرگاه مدیریت بلندپایه شهری، باورها، ارزشها و کنش‌های خود را برای پدید آوردن فرهنگی استوار و متعالی آشکار کند و این پیام‌ها را به روشنی به دیگران انتقال دهد و برای استقرار این پیام‌ها را به روشنی انتقال دهد و برای استقرار این پیام‌ها سازوکارهای درستی به کار گیرد، آنگاه مدیران و کارکنان با روشنی و پیوند روانی درست، این پیام‌ها را دریافت می‌کنند و آنها را در نگرش و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



نمودار ۱. فرآیند ارتباط فرهنگ مدیریت شهری و فرهنگ شهروندان؛ منبع: عبادتی و بخشی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲.

فعالیت در زمینه هنرهای مختلف فراهم شده است. برخی از فرهنگسراها، کتابخانه و انتشارات ویژه خود را دارند. خانه فرهنگ، از نظر نوع فعالیتها، همان فعالیتهای فرهنگسرا را در اندازه‌ای کوچک‌تر، با تعداد کارکنان و بودجه‌ای به مراتب کمتر اجرا می‌کنند. از آنجا که خانه‌های فرهنگ در سطح محلات قرار دارند امکان دسترسی شهروندان به آنها سهل‌تر و بیش‌تر است. عمده فعالیت‌های فرهنگی خانه‌های فرهنگ، به گسترش و ارتقای سطح فرهنگ عمومی منجر می‌شود. علاوه بر موارد فوق فضاهایی به منظور نمایش آثار و تولیدات هنری و فرهنگی، به دو صورت مستقل و یا در ساختمان‌های فرهنگسراها و سایر مراکز فرهنگی، شکل گرفته است که به آنها نگارخانه گفته شده و سازمانهایی با هدف آرایه کتاب به علاقه‌مندان در سطح شهر تهران به همراه فضای مناسبی برای مطالعه نیز تاسیس شده که کتابخانه‌ها می‌باشند و آن نیز یا مستقل بوده و یا در ساختمان‌های فرهنگسراها و سایر مراکز فرهنگی استقرار دارند و زیر نظر آنها

رفتار سازمانی خود آشکار می‌کنند و در انتقال آن به شهروندان موفق خواهند بود (عبادتی و بخشی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۲). یکی دیگر از وظایف مهم که فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ در سطح کلانشهر تهران به آن اهتمام دارند آموزش است. البته از آنجا که امروزه آموزش به ویژه آموزش‌های فرهنگ شهروندی، یکی از مهمترین عوامل توسعه پایدار است، بنابراین توسعه نظام آموزش همگانی شهری که توسط نهاد فرهنگی شهر تهران تا حدودی انجام می‌پذیرد موجب افزایش سرمایه‌های انسانی، تقویت سطح آشنایی مردم با قوانین و مقررات و شئون زندگی شهری، بالارفتن توان مدیریت زندگی در شهر، افزایش سطح مهارت‌های زندگی، تقویت میزان مراودات اجتماعی، سبب ارتقاء قدرت خودکنترلی در برابر آسیب‌های اجتماعی شهر و آسان شدن جریان امور زندگی خواهد شد (صالحی امیری و اکبری، ۱۳۹۱، ص ۶۱). در فرهنگسراها، فعالیت‌های و آموزشی، تولید محصولات گوناگون فرهنگی و اجتماعی و همچنین

جدول ۱. ترکیب جامعه آماری به تفکیک مناطق مختلف؛ منبع: اطلاعات مرکز آمار ایران در سال ۹۴-۱۳۹۳.

منطقه	جمعیت	منطقه	جمعیت
۱	۴۹۲۳۰۰	۱۲	۲۳۴۴۰۰
۲	۶۵۱۱۰۰	۱۳	۳۰۲۱۰۰
۳	۳۲۳۳۰۰	۱۴	۴۸۳۷۰۰
۴	۸۹۱۱۰۰	۱۵	۶۳۲۶۰۰
۵	۸۹۶۷۰۰	۱۶	۲۸۴۳۰۰
۶	۲۲۳۷۰۰	۱۷	۲۴۲۱۰۰
۷	۳۰۸۵۰۰	۱۸	۴۰۱۳۰۰
۸	۳۷۶۶۰۰	۱۹	۲۳۹۴۰۰
۹	۱۵۲۴۰۰	۲۰	۳۵۲۲۰۰
۱۰	۲۹۲۲۰۰	۲۱	۱۶۴۶۰۰
۱۱	۲۹۹۴۰۰	۲۲	۱۴۷۵۰۰
جمع کل	۸۴۰۱۴۰۰		

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۸۷

شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۹۴-۱۳۹۳ است. جدول شماره وضعیت جامعه آماری تحقیق را نشان می دهد.

ابزار اندازه گیری

ابزار جمع آوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه بوده که از کدهای استخراج شده بخش کیفی تهیه شده و گویه های آن شامل ۲ بخش عمده می باشد:

- بخش اول شامل سوالاتی جهت جمع آوری اطلاعات جمعیت شناختی (شامل: جنسیت، وضعیت تاهل، سن، شغل، آخرین مدرک تحصیلی، محل زندگی شامل ۶ سوال می باشد).

- بخش دوم شامل سوالات تخصصی در طیف لیکرت بوده که از پرسشنامه طراحی شده حاصل از مصاحبه کیفی و پس از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده شد و ابعاد و مولفه های آن در جدول شماره ۲ استفاده گردیده است. پس از تدوین طرح مقدماتی پرسشنامه تلاش گردید تا میزان روایی و پایایی پرسشنامه تعیین شود.

یافته های تحقیق

فعالیت می کنند. راه اندازی کتابخانه های تخصصی نابینایان و کودکان از طرح های جدید این مجموعه است. ضمناً خانه های فرهنگ مشارکتی برای انجام فعالیت های عمومی با برگزاری دوره های متنوع آموزشی، برپایی کارگاه ها و اجرای مراسم تشکیل شده است. خانه های فرهنگ مشارکتی، به میزان محدود، سرمایه اولیه و امکاناتی را برای اجرای پروژه های منطبق با وظایف قانونی و برنامه های سالانه، از فرهنگسراها دریافت می کنند. توسعه متعادل خانه های فرهنگ مشارکتی و واگذاری امور فرهنگی به بخش های مردمی، موجب تمرکززدایی و کاهش هزینه های فعالیت های زیربنایی فرهنگ و آموزش های عمومی خواهد شد.

آزمودنی ها

جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، کلیه شهروندان شهر تهران بود که از خدمات فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات شهر تهران استفاده می نمودند، بود که با توجه به جمعیت کلان شهر تهران، تعداد آنها ۸۴۰۱۴۰۰ نفر طبق آمار اعلام

جدول ۲. ترکیب سئوالات پرسشنامه

متغیرهای مورد بررسی	ابعاد و شماره سئوالات در پرسشنامه	جمع سئوالات	توضیحات
عوامل موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی از طریق فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات	برنامه ریزی در فرهنگسراها: ۱ تا ۴	۲۵	محقق ساخته
	آموزش فرهنگ شهروندی: ۵ تا ۱۴		
	ترویج سمبلها و نمادهای فرهنگی: ۱۵ تا ۱۸		
	مدیریت فرهنگسراها: ۲۰ تا ۲۵		
عناصر محیطی و تعدیل کننده	عناصر محیطی ترویج فرهنگ شهروندی: ۲۶ تا ۲۹	۱۰	محقق ساخته
	عوامل جمعیت شناختی: ۳۰ تا ۳۵		
پیامدهای ارتقاء فرهنگ شهروندی	توسعه و تقویت فرهنگ شهروندی: ۱ تا ۶	۳۶	محقق ساخته
	توسعه اعتماد اجتماعی: ۷ تا ۱۱		
	مدیریت آسیبهای اجتماعی: ۱۲ تا ۱۳		
	تقویت ارزشهای شهروندی: ۱۴ تا ۱۸		
	بهبود رفتار شهروندی: ۱۹ و ۲۱ تا ۲۴		
	بهبود ارتباط شهروندان با دولت: ۲۵ تا ۲۶		
	بهبود سبک زندگی: ۲۷ تا ۲۹		
	ارتقاء و توسعه فردی شهروندان: ۳۲ تا ۳۴		
	مدیریت شکاف بین نسلی: ۳۵ تا ۳۶		

الف) نتایج تحلیل عاملی اکتشافی

کند و تحلیل عاملی برای داده های جمع آوری شده کاملاً مناسب و سودمند است. همانطور که در نتایج جدول (۴) مشاهده می گردد در این جدول چهار عامل مقداری بزرگتر از یک دارند و ۴۲/۸۴۲ درصد از واریانس را توسط روش

با توجه به نتایج جدول شماره ۳ مقدار ضریب کفایت نمونه آزمون ک.ام.او و بارتلت برابر ۰/۸۴۴ می باشد و این مقدار بالاتر از ۰/۵ است. بنابراین حجم نمونه جمع آوری شده جهت تحلیل عاملی کفایت می

جدول ۳. آزمون ک.ام.او و بار تلت

۰/۸۴۴		ضریب کفایت نمونه
۷۲۶۶/۷۳۲	ضریب تقریب کای دو	
۲۵۳	دی.اف	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

جدول ۴. جدول واریانس کل تبیین شده

مجموع مربعات بارهای عاملی چرخش یافته			مجموع مربعات بارهای عاملی استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه			ابعاد
درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	
۱۶/۳۴۶	۱۶/۳۴۶	۳/۷۶۰	۱۶/۳۸۷	۱۶/۳۸۷	۳/۷۶۹	۱۶/۳۸۷	۱۶/۳۸۷	۳/۷۶۹	۱
۲۵/۹۶۸	۹/۶۲۲	۲/۲۱۳	۲۶/۰۷۳	۹/۶۸۶	۲/۲۲۸	۲۶/۰۷۳	۹/۶۸۶	۲/۲۲۸	۲
۳۴/۴۰۹	۸/۴۴۱	۱/۹۴۱	۳۴/۵۵۱	۸/۴۷۷	۱/۹۵۰	۳۴/۵۵۱	۸/۴۷۷	۱/۹۵۰	۳
۴۲/۸۴۵	۸/۸۳۶	۱/۹۴۰	۴۲/۸۴۵	۸/۲۹۴	۱/۹۰۸	۴۲/۸۴۵	۸/۲۹۴	۱/۹۰۸	۴
						۴۶/۳۶۳	۳/۵۱۹	۰/۸۰۹	۵
						۴۹/۸۴۱	۳/۴۷۸	۰/۸۰۰	۶
						۵۳/۲۶۶	۳/۴۲۵	۰/۷۸۸	۷
						۵۶/۶۰۲	۳/۳۳۷	۰/۷۶۷	۸
						۵۹/۸۳۶	۳/۲۳۴	۰/۷۴۴	۹
						۶۳/۰۴۵	۳/۲۰۹	۰/۷۳۸	۱۰
						۶۶/۱۹۵	۳/۱۵۱	۰/۷۲۵	۱۱
						۶۹/۳۱۶	۳/۱۲۰	۰/۷۱۸	۱۲
						۷۲/۳۶۵	۳/۰۴۹	۰/۷۰۱	۱۳
						۷۵/۳۴۴	۲/۹۷۹	۰/۶۸۵	۱۴
						۷۸/۲۷۱	۲/۹۲۷	۰/۶۷۳	۱۵
						۸۱/۱۶۷	۲/۸۹۶	۰/۶۶۶	۱۶
						۸۴/۰۲۱	۲/۸۵۴	۰/۶۵۶	۱۷
						۸۶/۷۹۷	۲/۷۷۶	۰/۶۳۹	۱۸
						۸۹/۵۵۵	۲/۷۵۸	۰/۶۳۴	۱۹
						۹۲/۲۹۳	۲/۷۳۷	۰/۶۳۰	۲۰
						۹۴/۹۴۷	۲/۶۵۴	۰/۶۱۱	۲۱
						۹۷/۵۳۵	۲/۵۸۸	۰/۵۹۵	۲۲
						۱۰۰/۰۰۰	۲/۴۶۵	۰/۵۶۷	۲۳

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۸۹

مولفه های اصلی تبیین می کنند. با توجه به این جداول می توان گفت که ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط چهار عامل یا فاکتور اندازه گیری می گردد. تا این مرحله مشخص گردید که پرسشنامه مذکور چهار عامل را اندازه گیری می کند. اکنون بایستی مشخص شود هر یک از سئوالات پرسشنامه مربوط به کدامیک از عامل ها است. برای این منظور بایستی عامل ها چرخش یابند بدون چرخش عامل ها امکان تفسیر مناسب وجود نخواهد داشت.

بررسی معناداری ضرایب حاصل از تحلیل عاملی

باتوجه به خروجی لیزرل که در جدول شماره ۶ خلاصه شده برآزش مناسب مدل است. این شاخصها و نتایج آنها در جدول ۶ نشان داده شده است. همان طور که از خروجی نرم افزار لیزرل مشاهده می شود. مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی ارائه شده به صورت زیر می باشد که در آن روابط میان متغیرها و ضرایب هر یک از آنها ارائه شده است.

بررسی معناداری ضرایب حاصل از تحلیل عاملی

جدول ۵. ماتریس عوامل چرخش یافته با روش واریماکس

ابعاد				
مدیریت فرهنگسراها	ترویج سمبلها و نمادهای فرهنگی	آموزش فرهنگ شهروندی	برنامه ریزی در فرهنگسراها	
			۰/۶۸۷	سوال ۱
			۰/۶۹۹	سوال ۲
			۰/۷۱۱	سوال ۳
			۰/۶۷۵	سوال ۴
		۰/۵۹۳		سوال ۵
		۰/۶۳۲		سوال ۶
		۰/۶۰۱		سوال ۷
		۰/۶۲۳		سوال ۸
		۰/۶۰۵		سوال ۹
		۰/۶۱۱		سوال ۱۰
		۰/۶۱۱		سوال ۱۱
		۰/۶۴۱		سوال ۱۲
		۰/۵۹۵		سوال ۱۳
		۰/۶۱۶		سوال ۱۴
	۰/۶۸۶			سوال ۱۵
	۰/۶۶۱			سوال ۱۶
	۰/۷۰۹			سوال ۱۷
	۰/۷۱۵			سوال ۱۸
۰/۶۵۷				سوال ۱۹
۰/۶۴۲				سوال ۲۰
۰/۶۹۰				سوال ۲۱
۰/۶۷۲				سوال ۲۲
۰/۶۶۰				سوال ۲۳

خروجی نرم افزار لیزرل مقدار معناداری هریک از ضرائب را نشان می دهد. با توجه به شکل (۳) کلیه ضرائب بالاتر از ۱/۹۶ است لذا مدل مذکور و ضرائب آن کاملاً معنادار است.

بدین منظور آزمون معناداری مدل را براساس شاخص تی ولیو مورد بررسی قرار گرفته است در صورتی که شاخص مذکور از ۱/۹۶+ بیشتر و از ۱/۹۶- کمتر باشد کلیه ضرائب مدل معنادار هستند

جدول ۶. بررسی شاخص های مناسب بودن مدل

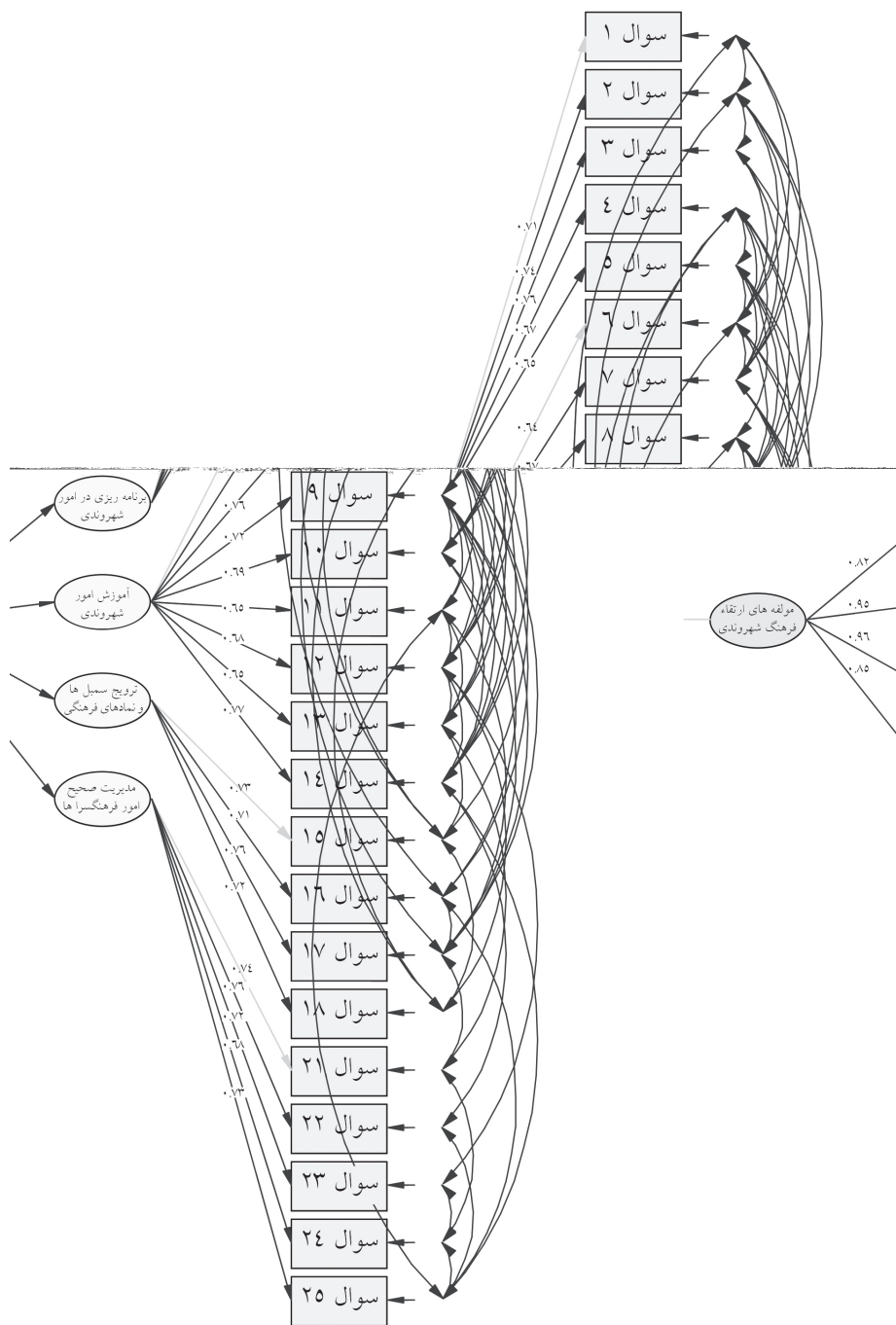
نام شاخص	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل مورد نظر	نتیجه گیری
کای - دو	-	۴۱۷/۱۰	
نسبت کای دو به دی . اف	< ۳	۲/۷۰۸	برازش مدل مناسب است
پی - ولیو	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۰۹۱	برازش مدل مناسب است
جی . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۷	برازش مدل مناسب است
آ . جی . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۵	برازش مدل مناسب است
ان . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۹	برازش مدل مناسب است
سی . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۱	برازش مدل مناسب است
آ . ام . اس . آی	کمتر از ۰/۱	۰/۰۳۶	برازش مدل مناسب است

تا این مرحله مشخص گردید که پرسشنامه مذکور دو عامل را اندازه گیری می کند. اکنون بایستی مشخص شود هر یک از سئوالات پرسشنامه مربوط به کدامیک از عامل ها است. برای این منظور بایستی عامل ها چرخش یابند بدون چرخش عامل ها امکان تفسیر مناسب وجود نخواهد داشت. نتایج ماتریس عوامل چرخش یافته (۹) نشان دهنده آن است که ۱۰ سوال پرسشنامه (بعد عوامل محیطی و جمعیت شناسی) را اندازه گیری می کند. نهایتاً اینکه، نتایج تحلیل عاملی نشان می دهد که پرسشنامه مذکور از قابلیت اعتبار سازه بالایی برخوردار بوده و ابعاد مورد نظر سنجیده خواهند شد.

تحلیل عاملی تاییدی

تحلیل عاملی اکتشافی / تاییدی بخش عوامل محیطی و مداخله گر

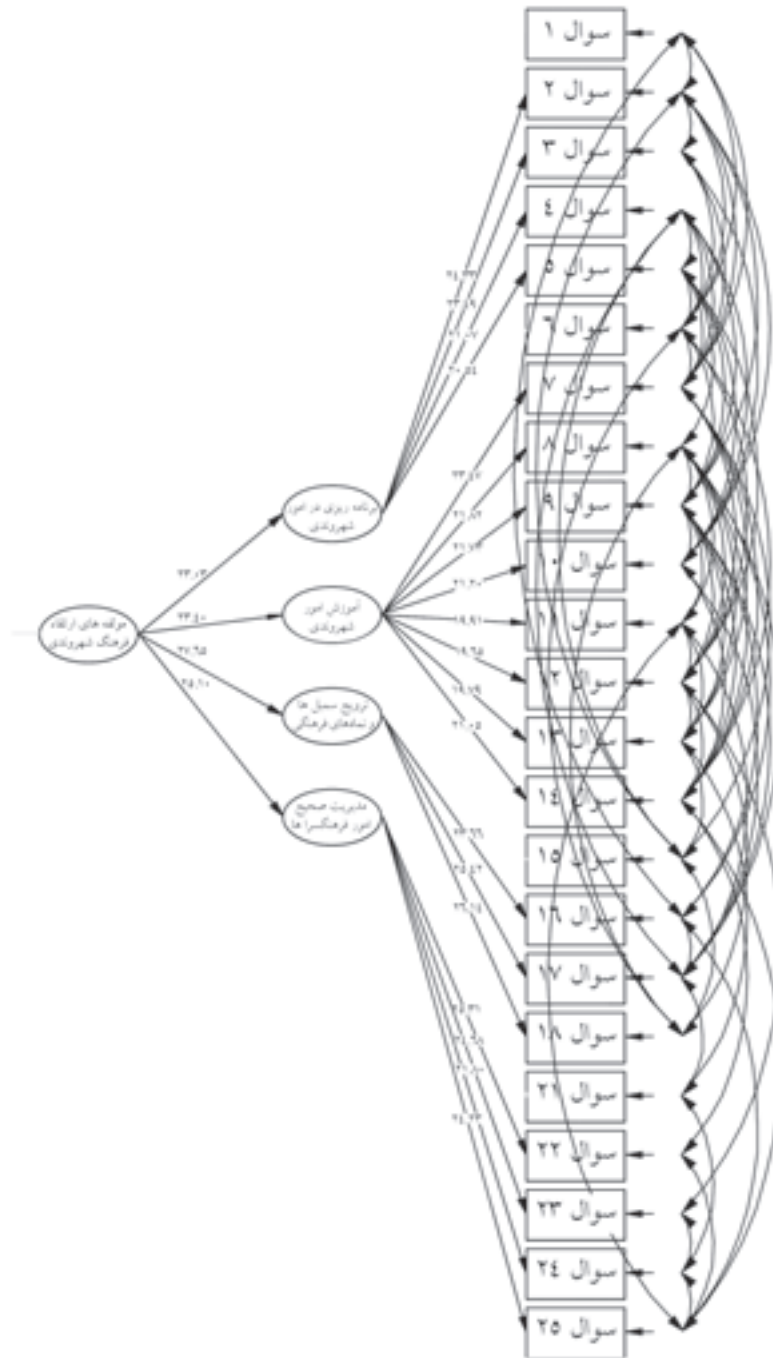
تحلیل عاملی اکتشافی / تاییدی بخش عوامل محیطی و مداخله گر
تحلیل عاملی اکتشافی
با توجه به نتایج جدول شماره ۷ مقدار ضریب کفایت نمونه آزمون ک.ام.او و بارتلت برابر با ۰/۸۴۴ می باشد و این مقدار بالاتر از ۰/۵ است، بنابراین حجم نمونه جمع آوری شده جهت تحلیل عاملی کفایت می کند و تحلیل عاملی برای داده های جمع آوری شده کاملاً مناسب و سودمند است. همانطور که در نتایج جدول (۸) مشاهده می گردد در این جدول دو عامل مقداری بزرگتر از یک دارند و ۶۵/۴۴۴ درصد از واریانس را توسط روش مولفه های اصلی تبیین می کنند. با توجه به این جداول می توان گفت: عوامل تعدیل کننده ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط دو عامل اندازه گیری گردید.



شکل ۲. مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه عوامل ارتقاء دهنده فرهنگ شهروندی

متغیرها و ضرایب هر یک از آنها ارائه شده است. **بررسی معناداری ضرائب حاصل از تحلیل عاملی** بدین منظور آزمون معناداری مدل را بر اساس شاخص تی ویلو مورد بررسی قرار گرفته، در صورتی که شاخص مذکور از $1/96+$ بیشتر و از $1/96-$ کمتر باشد کلیه ضرائب مدل معنادار هستند خروجی نرم

با توجه به خروجی لیزرل که در جدول شماره (۱۰) خلاصه شده برآزش مناسب مدل است. این شاخصها و نتایج آنها در جدول ۱۰ نشان داده شده است. همان طور که از خروجی نرم افزار لیزرل مشاهده می شود. مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی ارائه شده به صورت زیر می باشد که در آن روابط میان



شکل ۳. مدل ضرائب معناداری تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه عوامل ارتقاء دهنده فرهنگ شهروندی

افزار لیزر مقدار معناداری هریک از ضرائب را نشان می دهد. با توجه به شکل (۵) کلیه ضرائب بالاتر از ۱/۹۶ است لذا مدل مذکور و ضرائب آن کاملاً معنادار است.

پيامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات

تحليل عاملی اکتشافی

با توجه به نتایج جدول (۱۱) مقدار ضریب کفایت نمونه آزمون ک.ام.او و بار تلت برابر با ۰/۷۲۷ می

تحليل عاملی اکتشافی / تاییدی بخش

جدول ۷. آزمون ک.ام.او و بار تلت

۰/۸۴۴		ضریب کفایت نمونه
۷۲۶۶/۷۳۲	ضریب تقریب کای دو	نتایج تست
۲۵۳	دی.اف	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

جدول ۸. جدول واریانس کل تبیین شده

مجموع مربعات بارهای عاملی چرخش یافته			مجموع مربعات بارهای عاملی استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه			ابعاد
درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	
۳۶/۲۲۰	۳۶/۲۲۰	۳/۶۲۲	۴۶/۳۳۲	۴۶/۳۳۲	۴/۶۳۳	۴۶/۳۳۲	۴۶/۳۳۲	۴/۶۳۳	۱
۶۵/۴۴۴	۲۹/۲۲۴	۲/۹۲۲	۶۵/۴۴۴	۱۹/۱۱۲	۱/۹۱۱	۶۵/۴۴۴	۱۹/۱۱۲	۱/۹۱۱	۲
						۷۴/۰۴۹	۸/۶۰۵	۰/۸۶۱	۳
						۸۰/۱۵۶	۶/۱۰۸	۰/۶۱۱	۴
						۸۵/۴۲۶	۵/۲۶۹	۰/۵۲۷	۵
						۸۹/۲۳۲	۳/۸۰۶	۰/۳۸۱	۶
						۹۲/۵۸۲	۳/۳۵۰	۰/۳۳۵	۷
						۹۵/۶۵۹	۳/۰۷۷	۰/۳۰۸	۸
						۹۷/۹۸۵	۲/۳۲۶	۰/۲۳۳	۹
						۱۰۰/۰۰۰	۲/۰۱۵	۰/۲۰۱	۱۰

اندازه گیری می گردد.

تا این مرحله مشخص گردید که این بخش از پرسشنامه ۹ عامل را اندازه گیری می کند. اکنون بایستی مشخص شود هر یک از سئوالات پرسشنامه مربوط به کدامیک از عامل ها است. برای این منظور بایستی عامل ها چرخش یابند. بدون چرخش عامل ها امکان تفسیر مناسب وجود نخواهد داشت.

نتایج ماتریس عوامل چرخش یافته (۱۳) نشان دهنده آن است که پس از ۱۹ بار تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه مذکور در مجموع ۹ بعد (توسعه فرهنگ شهروندی، توسعه اعتماد اجتماعی، مدیریت آسیب های اجتماعی، مدیریت ارزشهای شهروندی، بهبود رفتار شهروندی، بهبود ارتباط شهروندان با دولت، بهبود سبک زندگی، ارتقاء و توسعه فردی شهروندان، مدیریت شکاف بین نسلی) را اندازه گیری می کند. نهایتاً اینکه، نتایج تحلیل عاملی نشان می دهد که پرسشنامه مذکور از قابلیت اعتبار سازه بالایی برخوردار بوده و ابعاد مورد نظر سنجیده خواهند شد.

باشد و این مقدار بالاتر از ۰/۵ است، بنابراین حجم نمونه جمع آوری شده جهت تحلیل عاملی کفایت می کند و تحلیل عاملی برای داده های جمع آوری شده کاملاً مناسب و سودمند است.

همانطور که در نتایج جدول (۱۲) مشاهده می گردد در این جدول نه عامل مقداری بزرگتر از یک دارند و ۵۰/۶۹۸ درصد از واریانس را توسط روش مولفه های اصلی تبیین می کنند. با توجه به این جداول می توان گفت که پیامدهای ناشی از عوامل ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط نه عامل یا فاکتور

جدول ۹. ماتریس عوامل چرخش یافته

ابعاد تعدیل کننده		
جمعیت شناسی	محیطی	
	۰/۸۶۳	سوال ۲۶
	۰/۸۸۰	سوال ۲۷
	۰/۷۷۵	سوال ۲۸
	۰/۶۹۰	سوال ۲۹
۰/۷۶۸		سوال ۳۰
۰/۸۳۱		سوال ۳۱
۰/۷۹۶		سوال ۳۲
۰/۸۰۰		سوال ۳۳
۰/۶۶۰		سوال ۳۴
۰/۷۱۲		سوال ۳۵

مدیریت شهری

جدول ۱۰. بررسی شاخص های مناسب بودن مدل

نام شاخص	مقدار استاندارد شاخص	مقدار شاخص در مدل مورد نظر	نتیجه گیری
کای - دو	-	۴۰/۴۷	
نسبت کای دو به دی . اف	>۳	۱/۹۳۳	برازش مدل مناسب است
پی-ولیو	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۱۰۴۶	برازش مدل مناسب است
جی . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۹	برازش مدل مناسب است
آ. جی . اف . آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۸	برازش مدل مناسب است
ان.اف.آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۶	برازش مدل مناسب است
سی.اف.آی	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۸	برازش مدل مناسب است
آر.ام.اس.ای.آ	کمتر از ۰/۱	۰/۰۲۷	برازش مدل مناسب است

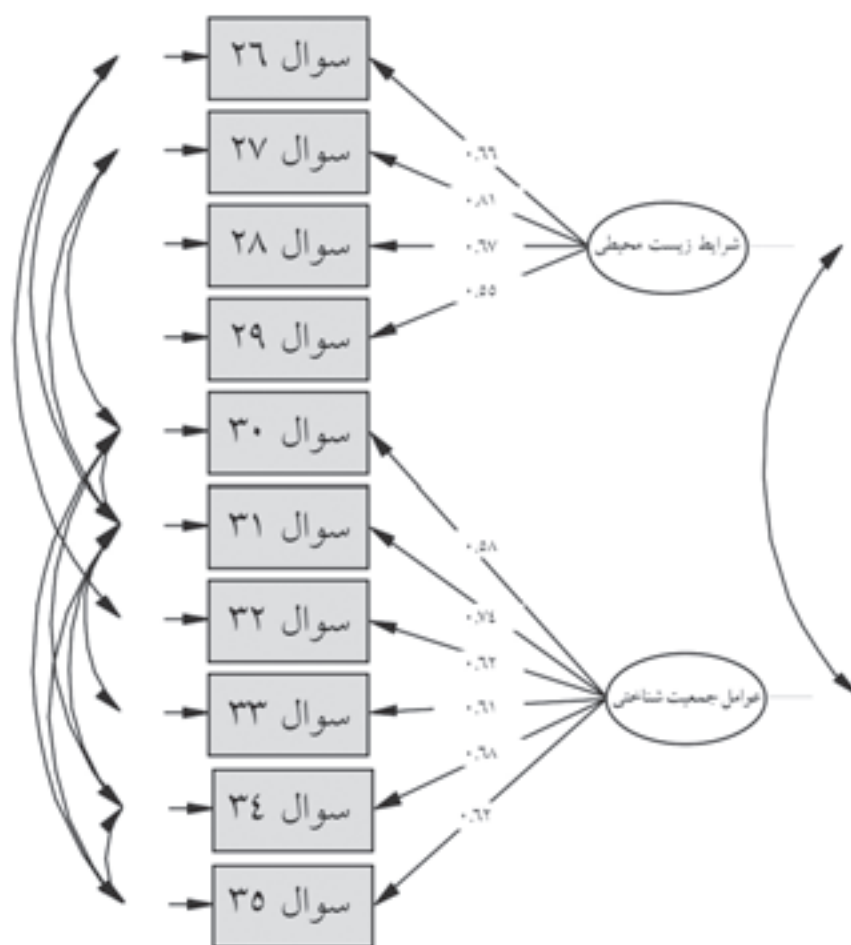
تحلیل عاملی تاییدی

با توجه به خروجی لیزرل که در جدول شماره (۱۴) خلاصه شده برازش مناسب مدل است. این شاخصها و نتایج آنها در جدول (۳-۱۶) نشان داده شده است. همانطور که از خروجی نرم افزار لیزرل مشاهده می شود، مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی ارائه شده به صورت زیر می باشد که در آن روابط میان متغیرها و ضرایب هر یک از آنها ارائه شده است.

بررسی معناداری ضرائب حاصل از تحلیل عاملی

بدین منظور آزمون معناداری مدل را بر اساس شاخص تی ولیو مورد بررسی داده و در صورتی که شاخص مذکور از ۱/۹۶ + بیشتر و از ۱/۹۶ - کمتر باشد کلیه ضرائب مدل معنادار هستند. خروجی نرم افزار لیزرل مقدار معناداری هر یک از ضرائب را نشان می دهد. با توجه به شکل (۶) کلیه ضرائب بالاتر از ۱/۹۶ است لذا مدل مذکور و ضرائب آن کاملاً معنادار است.

تعیین پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه



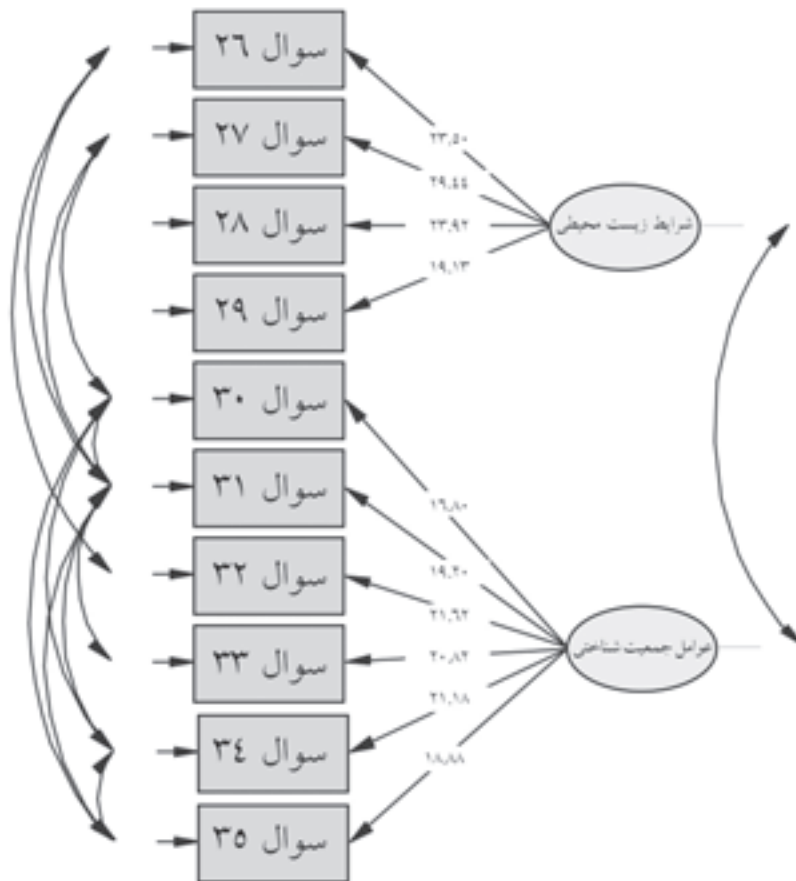
شکل ۴. مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه عوامل تعدیل کننده فرهنگ شهروندی

جدول ۱۱. آزمون ک.ام.او و بارتلت

۰/۷۲۷		ضریب کفایت نمونه
۸۵۵۷/۶۸۸	ضریب تقریب کای دو	نتایج تست
۵۲۸	دی.اف	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

قابلیت اعتماد یا پایایی یکی از ویژگیهای فنی ابزار اندازه گیری است. مفهوم یاد شده به این امر سر و کار دارد که ابزار اندازه گیری در شرایط مختلف تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط) تا +۱

(ارتباط کامل) است. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است که تا چه اندازه ابزار اندازه گیری ویژگی های با ثبات آزمودنی و یا ویژگی های متغیر و موقتی وی را می سنجد. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری شیوه های مختلفی به کار برده می شود.



شکل ۵. مدل ضرائب معناداری تحلیل عاملی تاییدی پرسشنامه عوامل تعدیل کننده فرهنگ شهروندی

هر زیر مجموعه سئوالهای پرسشنامه (یا زیر آزمون) و واریانس کل را محاسبه کرد. سپس با استفاده از فرمول، مقدار ضریب آلفا را محاسبه کرد.

$$r_{\alpha} = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{s_j^2}{s^2} \right]$$

فرمول شماره ۳: محاسبه آلفای کرونباخ که در این رابطه:

[تعداد سوالات

S_j^2 = واریانس هر سؤال

S^2 = واریانس کل سوالات

از آن جمله می توان به:

۱. اجرای دوباره آزمون (روش بازآزمایی)؛

۲. روش موازی (همتا)؛

۳. روش تصنیف (دو نیمه کردن)؛

۴. روش کودر - ریچاردسون؛

۵. روش آلفای کرونباخ اشاره نمود (بازرگان، سرمد، حجازی، ۱۳۸۰).

در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردیده است. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره های

جدول ۱۲. جدول واریانس کل تبیین شده

مجموع مربعات بارهای عاملی چرخش یافته			مجموع مربعات بارهای عاملی استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه			ابعاد
درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	درصد تجمعی	درصد واریانس تبیین شده	کل	
۷/۵۹۲	۷/۵۹۲	۲/۵۰۵	۷/۶۹۰	۷/۶۹۰	۲/۵۳۸	۷/۶۹۰	۷/۶۹۰	۲/۵۳۸	۱
۱۴/۶۶۵	۷/۰۴۷	۲/۳۳۴	۱۴/۸۳۵	۷/۱۴۵	۲/۳۵۸	۱۴/۸۳۵	۷/۱۴۵	۲/۳۵۸	۲
۲۱/۵۷۷	۶/۹۱۲	۲/۲۸۱	۲۱/۷۵۳	۶/۹۱۸	۲/۲۸۳	۲۱/۷۵۳	۶/۹۱۸	۲/۲۸۳	۳
۲۸/۳۸۸	۶/۸۱۰	۲/۲۴۷	۲۸/۵۱۱	۶/۷۵۸	۲/۲۳۰	۲۸/۵۱۱	۶/۷۵۸	۲/۲۳۰	۴
۳۳/۳۸۳	۴/۹۹۵	۱/۶۴۹	۳۳/۵۸۵	۵/۰۷۴	۱/۶۷۴	۳۳/۵۸۵	۵/۰۷۴	۱/۶۷۴	۵
۳۸/۳۱۹	۴/۹۳۶	۱/۶۲۹	۳۸/۵۵۴	۴/۹۶۹	۱/۶۴۰	۳۸/۵۵۴	۴/۹۶۹	۱/۶۴۰	۶
۴۲/۹۸۵	۴/۶۶۵	۱/۵۴۰	۴۲/۰۴۹	۴/۴۹۵	۱/۴۸۳	۴۲/۰۴۹	۴/۴۹۵	۱/۴۸۳	۷
۴۷/۰۰۲	۴/۰۱۷	۱/۳۲۶	۴۷/۰۵۰	۴/۰۰۱	۱/۳۲۰	۴۷/۰۵۰	۴/۰۰۱	۱/۳۲۰	۸
۵۰/۶۹۸	۳/۹۶۷	۱/۳۰۹	۵۰/۹۶۸	۳/۹۱۸	۱/۲۹۳	۵۰/۹۶۸	۳/۹۱۸	۱/۲۹۳	۹
						۵۳/۴۷۰	۲/۵۰۱	۰/۸۲۵	۱۰
						۵۵/۸۷۷	۲/۴۰۷	۰/۷۹۴	۱۱
						۵۸/۲۶۲	۲/۳۸۵	۰/۷۸۷	۱۲
						۶۰/۵۸۳	۲/۳۲۰	۰/۷۶۶	۱۳
						۶۲/۸۸۸	۲/۳۰۵	۰/۷۶۱	۱۴
						۶۵/۱۶۵	۲/۲۷۸	۰/۷۵۲	۱۵
						۶۷/۳۸۵	۲/۲۱۹	۰/۷۳۲	۱۶
						۶۹/۵۵۳	۲/۱۶۸	۰/۷۱۵	۱۷
						۷۱/۶۹۰	۲/۱۳۷	۰/۷۰۵	۱۸
						۷۳/۸۰۶	۲/۱۱۶	۰/۶۹۸	۱۹
						۷۵/۸۷۵	۲/۰۶۹	۰/۶۸۳	۲۰
						۷۷/۹۳۳	۲/۰۵۷	۰/۶۷۹	۲۱
						۷۹/۹۵۲	۲/۰۱۹	۰/۶۶۶	۲۲
						۸۱/۹۴۸	۱/۹۹۶	۰/۶۵۹	۲۳
						۸۳/۹۲۶	۱/۹۷۸	۰/۶۵۳	۲۴
						۸۵/۸۷۷	۱/۹۵۰	۰/۶۴۴	۲۵
						۸۷/۸۱۶	۱/۹۴۰	۰/۶۴۰	۲۶
						۸۹/۷۲۹	۱/۹۱۲	۰/۶۳۱	۲۷
						۹۱/۵۹۹	۱/۸۷۱	۰/۶۱۷	۲۸
						۹۳/۴۱۷	۱/۸۱۸	۰/۶۰۰	۲۹
						۹۵/۱۹۶	۱/۷۷۹	۰/۵۸۷	۳۰
						۹۶/۹۲۰	۱/۷۲۴	۰/۵۶۹	۳۱
						۹۸/۶۳۵	۱/۷۱۴	۰/۵۶۶	۳۲
						۱۰۰/۰۰۰	۱/۳۶۵	۰/۴۵۱	۳۳

$T_{\alpha} =$ مقدار آلفای کرونباخ

بدین منظور یک نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که عدد بدست آمده برای هر ابزار به شرح جدول (۱۵) می باشد. این اعداد نشان دهنده آن است که پرسشنامه مورد استفاده، از قابلیت اعتماد و یا به عبارت دیگر از پایایی لازم برخوردار می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی که با رویکرد پدیدارشناسانه انجام گرفت، محقق ۶ مولفه در بعد مولفه‌های ارتقاء فرهنگ شهروندی، ۲ مولفه تعدیل کننده و ۱۵ مولفه مرتبط با پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی را شناسائی نمود. بر اساس این مولفه‌ها پرسشنامه‌ای با ۱۳۶ سؤال طراحی و در یک نمونه ۲۶۲ نفری اولیه مورد ارزیابی قرار گرفت و تحلیل عاملی اکتشافی شد. پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی ۷۱ سؤال باقی ماند که ۴ مولفه ارتقاء فرهنگ شهروندی مشتمل بر برنامه ریزی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۱۳. ماتریس عوامل چرخش یافته

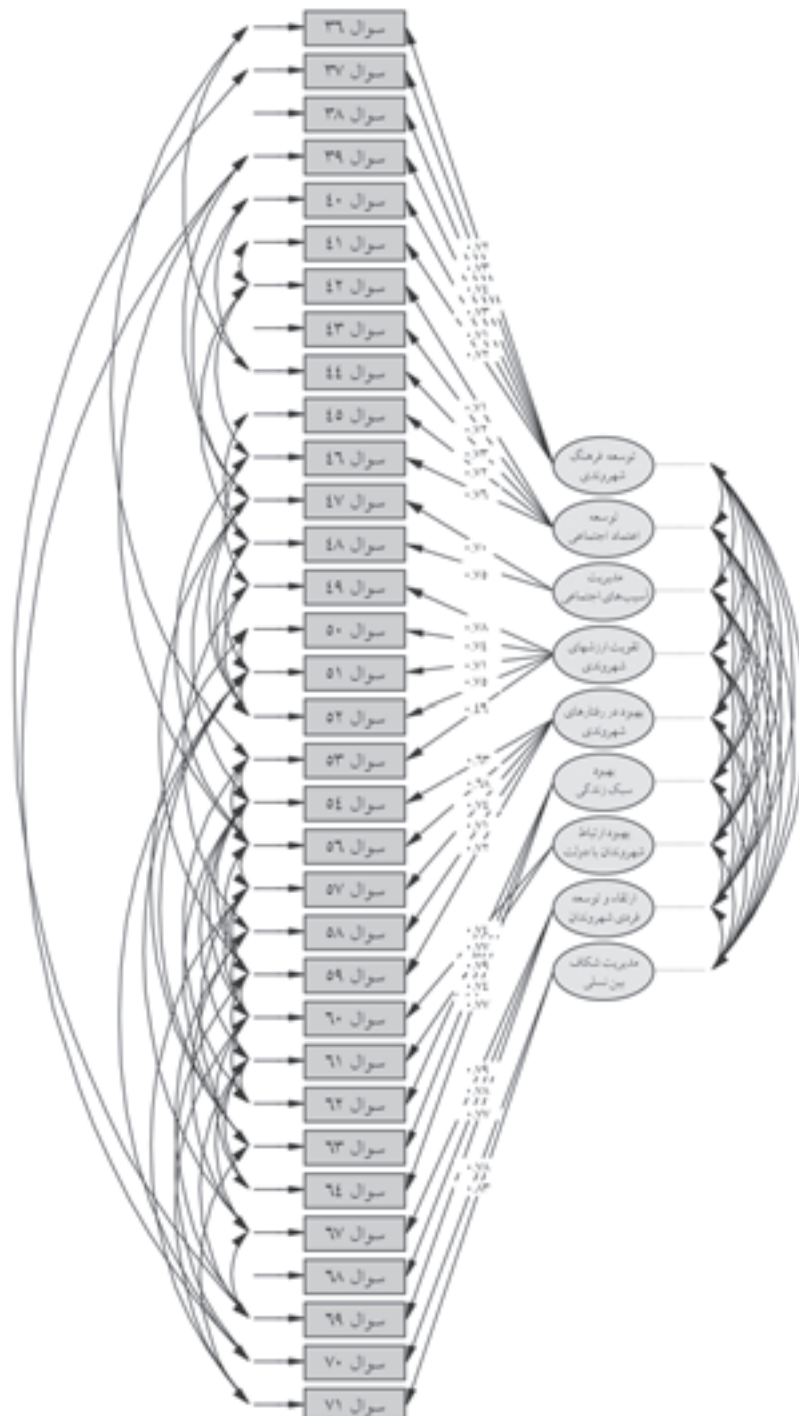
ابعاد									
مدیریت آسیبهای اجتماعی	بهبود ارتباط شهروندان با دولت	مدیریت شکاف بین نسلی	ارتقاء توسعه فردی شهروندان	بهبود سبک زندگی	بهبود رفتار شهروندی	توسعه اعتماد اجتماعی	مدیریت ارزشهای شهروندی	توسعه فرهنگ شهروندی	
								۰/۶۴۵	سوال ۳۶
								۰/۶۵۰	سوال ۳۷
								۰/۶۱۳	سوال ۳۸
								۰/۶۵۸	سوال ۳۹
								۰/۶۶۰	سوال ۴۰
								۰/۶۳۲	سوال ۴۱
						۰/۶۳۹			سوال ۴۲
						۰/۶۸۸			سوال ۴۳
						۰/۶۶۸			سوال ۴۴
						۰/۶۶۶			سوال ۴۵
						۰/۶۵۱			سوال ۴۶
۰/۷۹۸									سوال ۴۷
۰/۷۸۸									سوال ۴۸
							۰/۶۷۴		سوال ۴۹
							۰/۶۸۷		سوال ۵۰
							۰/۶۸۶		سوال ۵۱
							۰/۶۷۳		سوال ۵۲
							۰/۶۵۸		سوال ۵۳
						۱/۶۵۰			سوال ۵۴
						۰/۶۵۱			سوال ۵۶
						۰/۶۷۹			سوال ۵۷
						۰/۶۸۰			سوال ۵۸
						۰/۶۸۴			سوال ۵۹
	۰/۸۰۴								سوال ۶۰
	۰/۸۰۴								سوال ۶۱
				۰/۷۳۳					سوال ۶۲
				۰/۷۳۰					سوال ۶۳
				۰/۷۴۵					سوال ۶۴
			۰/۷۱۵						سوال ۶۷
			۰/۷۴۹						سوال ۶۸
			۰/۷۳۰						سوال ۶۹
		۰/۸۶۶							سوال ۷۰
		۰/۸۷۲							سوال ۷۱

جدول ۱۴. بررسی شاخص های مناسب بودن مدل

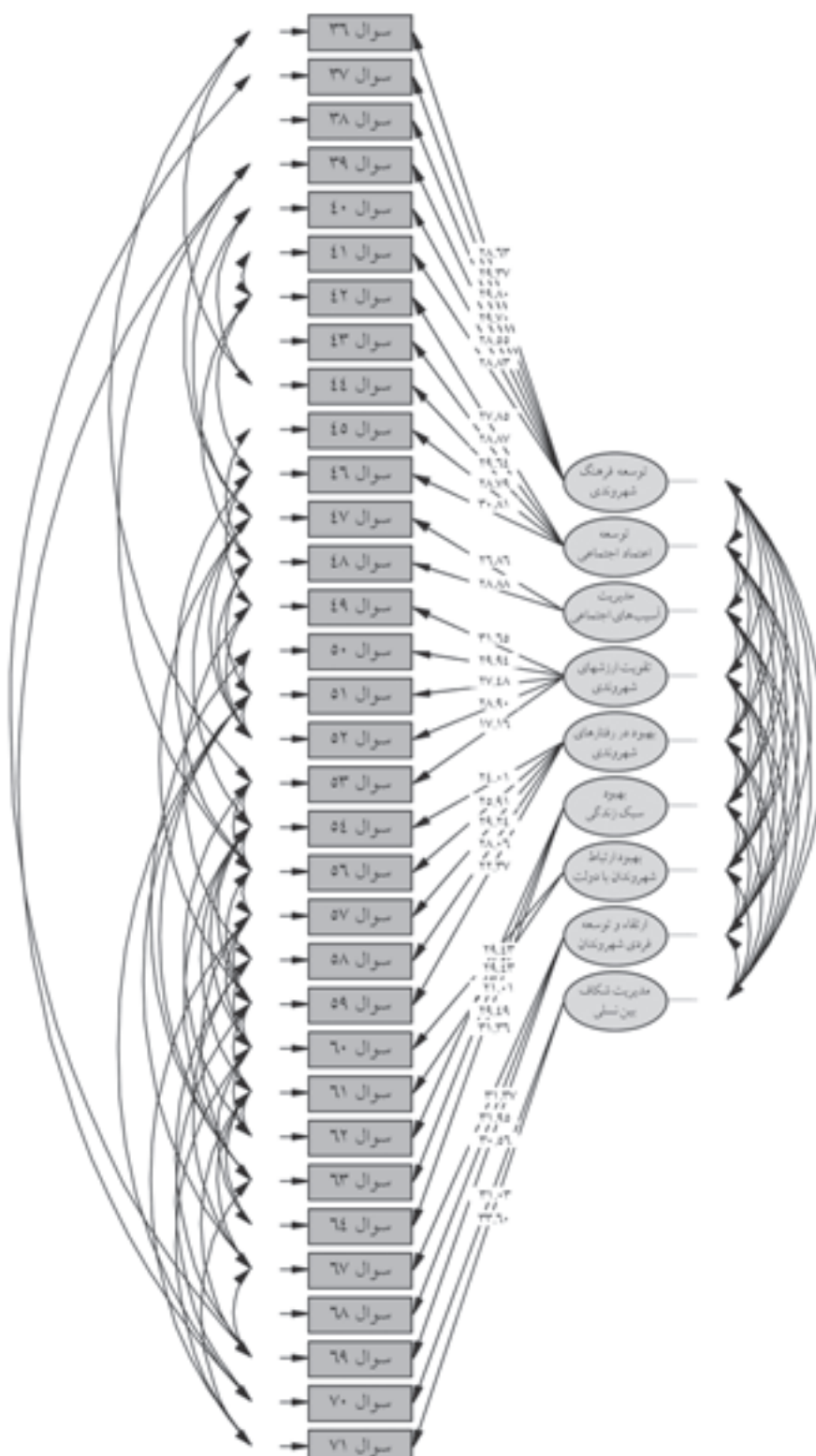
نتیجه گیری	مقدار شاخص در مدل مورد نظر	مقدار استاندارد شاخص	نام شاخص
برازش مدل مناسب است	۹۷۳/۰۸	-	کای - دو
برازش مدل مناسب است	۲/۴۱۴	<۳	نسبت کای دو به دی . اف
برازش مدل مناسب است	۰/۰۹۸۱۲	بیشتر از ۰/۰۵	پی - ولیو
برازش مدل مناسب است	۰/۹۶	بیشتر از ۰/۹	جی . اف . آی
برازش مدل مناسب است	۰/۹۴	بیشتر از ۰/۹	آ . جی . اف . آی
برازش مدل مناسب است	۰/۹۹	بیشتر از ۰/۹	ان . اف . آی
برازش مدل مناسب است	۱	بیشتر از ۰/۹	سی . اف . آی
برازش مدل مناسب است	۰/۰۳۳	کمتر از ۰/۱	آ . ام . اس . ای . آ

امور شهروندی، ترویج سمنبلها و نمادهای فرهنگی و مدیریت صحیح امور فرهنگسراها از جمله عناصر ارتقاء دهنده فرهنگ شهروندی در شهروندان شهر تهران است که از طریق عوامل تعدیل کننده محیطی و جمعیت شناختی که در شکل ۷ نمایش داده شده است، ۹ پیامد را به همراه می آورند. میزان تاثیرات و ضرایب حاصل از متغیرها نشان داده شده است که نشان می دهد کدام یک از متغیرها بر روی یکدیگر اثر تعدیل کننده و یا به عنوان متغیر مستقل بر پیامدهای ارتقاء فرهنگ شهروندی تاثیر می گذارند. در تفسیر این مدل باید گفت که ارتقاء فرهنگ شهروندی توسط یک آیتم به تنهایی و به خودی خود رخ نمی دهد بلکه برای آن که فرهنگ شهروندی از طریق فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات ارتقاء یابد، نیازمند نگرش سیستمی خواهیم بود. در این نگرش ۴ مولفه ارتقاء دهنده به صورت همزمان مدنظر قرار می گیرد. یعنی این که اگر خواهیم فرهنگ شهروندی به ترتیب درجه اهمیت ارتقاء یابد در ابتدا بایستی فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات از برنامه ریزی مناسب با مشارکت و همراهی شهروندان صورت پذیرد. در این زمینه ضرورت دارد تا در قالب یک برنامه استراتژیک،

در امور شهروندی، آموزش امور شهروندی، ترویج سمنبلها و نمادهای فرهنگی، مدیریت صحیح امور فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات، ۲ مولفه تعدیل کننده مشتمل بر عوامل جمعیت شناختی و عوامل محیطی و ۹ مولفه مرتبط با پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی مشتمل بر توسعه فرهنگ شهروندی، توسعه اعتماد اجتماعی، بهبود ارتباط شهروندان با دولت، ارتقاء و توسعه فردی شهروندان، بهبود رفتارهای شهروندی، تقویت ارزشهای شهروندی، مدیریت آسیب های اجتماعی، بهبود سبک زندگی و مدیریت شکاف بین نسلی را نشان داد. سپس این مدل با استفاده از نرم افزار لیزرل، تحلیل عاملی تائیدی شد و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مورد تایید و قابل قبول است. بدین ترتیب مدل نهایی تحقیق که نشان دهنده اثرات ارتقاء فرهنگ شهروندی بر پیامدهای حاصل از آن از طریق عوامل تعدیل کننده محیطی و جمعیت شناختی است، تنظیم و نتیجه نهایی تحلیل در قالب مدل زیر ارائه شده است. همانطور که در شکل مشاهده می شود، ۴ مولفه کلیدی برنامه ریزی در امور شهروندی، آموزش



شکل ۵. مدل اصلی تحلیل عاملی تاییدی پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی



شکل ۶. مدل ضرائب معناداری تحلیل عاملی تاییدی پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی

جدول ۱۵. ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه های بکار رفته

آلفای کرونباخ	
۰/۹۵۰	عوامل ارتقاء فرهنگ شهروندی
۰/۷۵۸	عوامل محیطی
۰/۷۷۳	عوامل جمعیت شناختی
۰/۹۶۲	پیامدهای حاصل از ارتقاء فرهنگ شهروندی

جدول ۱۶. ضریب قابلیت اعتماد مولفه های ارتقاء فرهنگ شهروندی

از طریق فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات

آلفای کرونباخ	
۰/۸۳۷	برنامه ریزی به جهت ارتقاء فرهنگ شهروندی
۰/۸۹۵	آموزش فرهنگ شهروندی
۰/۸۳۱	ترویج سمبلها و نمادهای فرهنگی
۰/۸۵۱	مدیریت امور فرهنگسراها

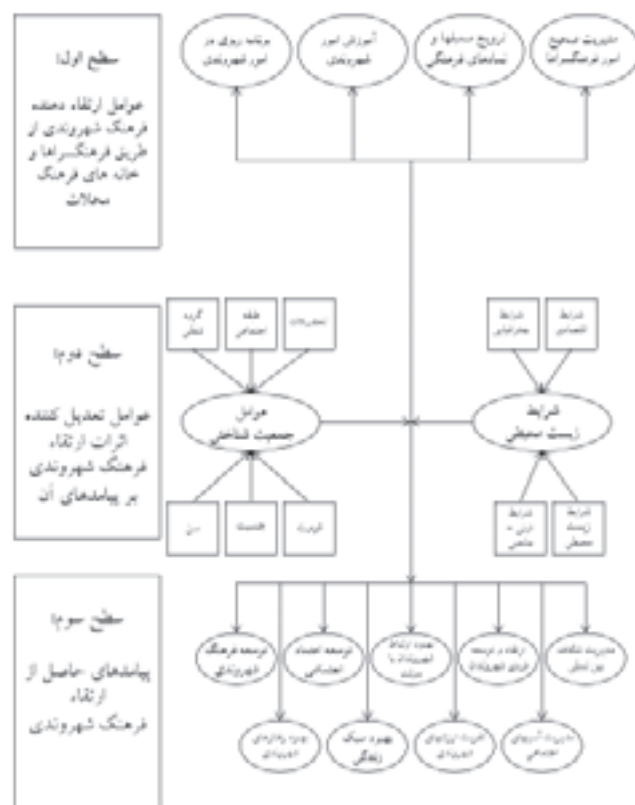
جدول ۱۷. ضریب قابلیت اعتماد مولفه های پیامدهای حاصل

از ارتقاء فرهنگ شهروندی از طریق فرهنگسراها و خانه های

فرهنگ محلات

آلفای کرونباخ	
۰/۸۴۶	توسعه اعتماد اجتماعی
۰/۷۰۱	مدیریت آسیب های اجتماعی
۰/۸۱۷	مدیریت ارزش های فرهنگی
۰/۸۳۴	بهبود رفتار شهروندی
۰/۷۴۵	بهبود ارتباط شهروندان با دولت
۰/۸۰۷	بهبود سبک زندگی
۰/۸۰۹	ارتقاء و توسعه فردی شهروندان
۰/۷۸۷	مدیریت شکاف بین نسلی
۰/۸۶۹	توسعه فرهنگ شهروندی

برنامه ریزی بلند مدت برای ارتقاء فرهنگ شهروندی صورت پذیرد. از سوی دیگر برای اجرائی کردن این برنامه نیازمند همکاری اصولی، منطقی و منسجم با خود شهروندان است. برای آن که فرهنگ شهروندی ارتقاء یابد علاوه بر این عامل همزمان باید موارد مدیریتی در زمینه مدیریت فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات مدنظر قرار گیرد که از آن جمله می توان به مسائل مربوط به انتخاب مدیران، به



شکل ۷. مدل نهایی تحقیق

تهران را ارتقاء دهند که به صورت مداوم و مستمر انجام گیرند. چرا که تغییر نگرش در شهروندان و حرکت به سمت ارتقاء فرهنگ شهروندی مستلزم آموزشهای بلند مدت است. اما ارائه آموزشها تنها عامل کافی نیست. بنابراین فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات باید با رسانه های جمعی ارتباط برقرار کرده از طریق رسانه هایی مانند تلویزیون، رادیو، مطبوعات و حتی شبکه های اجتماعی تلاش کنند تا پیامهای اصولی برای شهروندان با محتوای مناسب تنظیم نمایند. این مسئله می تواند به عنوان کاتالیزور فرآیند تغییر نگرش شهروندان را سرعت بخشیده و باعث شود در زمان کوتاه تری فرهنگ شهروندی دست خوش تغییرات مثبت قرار گیرد. علاوه بر این از آنجایی که جامعه ایران تحت تاثیر سبملها و نهادهای فرهنگی است و همواره گذشته خود را مدنظر قرار می دهد لذا فرهنگسراها و

کارگیری نیروی متخصص، برنامه ریزی مالی و بودجه ای مناسب، سازماندهی و ساختاردهی به فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات اشاره کرد. چراکه برنامه ریزی زمانی امکان پذیر است و نتایج آن به خوبی محقق خواهد شد که مدیریت اصولی و صحیح بر امور فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات حاکم باشد. علاوه بر این، در صورتی که فرهنگسراها و خانه های فرهنگ محلات بتوانند از مدیریت و برنامه ریزی اصولی برخوردار باشند در آن صورت قادر خواهند بود تا آموزش های مناسبی را به شهروندان ارائه نمایند. انجام آموزشهای مناسب مستلزم نیازسنجی نیازهای آموزشی شهروندان، برنامه ریزی جهت اجرای دوره های آموزشی و ارائه بازخوردهای قابل قبول از دوره های آموزشی برای بهبود آنها است. باید گفت که دوره های آموزشی تنها زمانی می توانند نگرش شهروندان شهر

خانه‌های فرهنگ محلات باید سمبلها و نمادهای فرهنگی که روحیه ملی‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، جمع‌گرایی، هویت ملی، مشارکت اجتماعی و... را تقویت می‌کنند در اماکن و بخشهای مختلف شهر تهران بکار گیرند. این سمبلها می‌توانند شامل نمادها و سمبلهای مفاخر گذشته، نمادهای مذهبی و دینی، قومیتی و حتی شعائر و هنجارهای مناسب مانند فرهنگ مطالعه و ترویج هنجارهای آن باشند. ذکر این نکته ضرورت دارد که فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ محلات در صورتی می‌توانند به ارتقاء فرهنگ شهروندی کمک کنند که این ۴ مورد به صورت همزمان و منسجم صورت پذیرد. اما تنها این ۴ مورد نمی‌تواند باعث ارتقاء فرهنگ شهروندی شود، بلکه مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی باید نقش عوامل مداخله‌گر و تعدیل‌کننده را نیز مد نظر قرار دهند و ۴ مورد را بر مبنای عوامل جمعیت‌شناختی و محیطی مورد توجه قرار دهند، چرا که برای طبقات اجتماعی مختلف، سطوح تحصیلی متفاوت، جنسیت و سن و سایر عوامل مرتبط در این زمینه باید در برنامه ریزی آموزش و مدیریت تاثیر داده شوند. به عنوان مثال زنان متفاوت از مردان تحت تاثیر رسانه‌ها و آموزش قرار می‌گیرند و از سوی دیگر سن و تحصیلات می‌توانند شرایط متفاوتی را در آموزش شهروندی، برنامه ریزی برای امور شهروندان و حتی ارتباط با شهروندان از طریق رسانه‌ها فراهم سازد. با توجه به این مدل می‌توان گفت: سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور فرهنگی که از آن جمله مدیران فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ محلات می‌باشند باید نقش عوامل تعدیل‌کننده را در مدیریت، برنامه ریزی و آموزش شهروندان مد نظر قرار دهند. در صورتی که این اقدامات به درستی صورت پذیرد سطح سوم مدل، که پیامدهای آن است رخ خواهد داد. لذا می‌توان گفت که در آن صورت در گام اول سه مسئله اساسی رخ می‌دهد، اعتماد اجتماعی توسعه می‌یابد، ارزشهای شهروندی و رفتار شهروندی بهبود می‌

یابد. در مرحله دوم سبک زندگی شهروندان بهبود یافته، ارتباط دولت و شهروندان تقویت شده و ارتقاء و توسعه فردی شهروندان صورت خواهد گرفت. در نهایت این مسئله باعث توسعه فرهنگ شهروندی، مدیریت آسیبهای اجتماعی و مدیریت شکاف بین نسلی می‌گردد.

منابع و مآخذ

تقی‌زاده، م (۱۳۸۴) نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۸۳

جهانگیری، ر (۱۳۸۱) شهرنشینی و شهروندی، چکیده مقالات همایش راه کارهای توسعه فرهنگ شهروندی، انتشارات محبان. ص ۱۵-۱۴.

ذکاتی، م س (۱۳۸۰) اخلاق شهروندی، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تهران: موسسه نشر کلمه، شماره ۵، ص ۸۰-۶۱.

زاهدی، ع (۱۳۹۳) مجموعه قوانین و مقررات شهرداری، انتشارات جنگل.

سایت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران www.farhangsara.ir

صالحی امیری، ر. اکبری، ع. (۱۳۹۱) نقش آموزش های فرهنگی شهرداری در بهبود مناسبات اجتماعی مدیریت استراتژیک

فرهنگی شهر تهران، تهران، انتشارات تیسرا.

صرافی، م. عبدالهی، م (۱۳۸۷) تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳: صص ۱۱۵-۱۳۴.

عبادت‌ن. بخشی، ش (۱۳۹۱) الزامات و فرآیند سیاست گذاری و مدیریت استراتژیک فرهنگی در مدیریت شهری، مدیریت استراتژیک فرهنگی شهر تهران، تهران، انتشارات تیسرا.

فاطمی نیا، س (۱۳۸۶) فرهنگ شهروندی محصول محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال هفتم

شماره ۲۶: صص ۳۵-۵۸.
فاضلی، م (۱۳۸۶) شهروندی فرهنگی و فرهنگی
شدن شهروندی، سایت
www.farhangshenasi.com/articel
مهدی زاده، ج (۱۳۸۶) نقش شوراها در بهبود
فرهنگ شهرنشینی، ماهنامه شوراها، شورای عالی
استانها، شماره ۹.
هاشمیان فر. س ع، گنجی. م (۱۳۸۸) تحلیلی بر
فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، جامعه شناسی
کاربردی، سال بیستم، شماره ۳۳، ص ۲۵.
Carter, A. (2001). The political theory of global
citizenship. London: Routledge
Daherndorf, R.(1974). Citizenship and beyond:
The social dynamics of an Idea. Social Research,
Vol. 47 .
Parsons,T.(1965) Full citizenship for the Negro
American. Sociological problem. Daetdalu, Vol.
94 .
Turner , B.S.(2000). Islam , civil society and citizen-
ship. Syracuse university press.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

بررسی نقش معماری در طراحی فضاهای شهری؛ نمونه موردی: فضاهای آموزشی مدرن

نیما انتصاری* - دانشجوی رشته معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
سیاوش تیموری - استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
مریم قاسمی سیجانی - استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Examine the role of architecture in urban design Case study: The modern educational facilities

Abstract

Before the advent of modern systems of education, training architecture was done in a traditional school, which was targeted training; A skill not taught to students unless the way to get it was shown. The theoretical and practical learning, both in the creation took place. In modern-style architectural education, the importance of education through practical gradually reduced and replaced with theories without understanding how to use them is filled. Now architecture workshops, field of ideas that are imposed on them, without the possibility to test the correctness or incorrectness of ideas. In this paper, the analytical method of logical reasoning and data collection tools include: a review of documents and literature review to evaluate the teaching and learning environment architecture valuable in the development of this branch of art is explored. The field studies and observations and interviews with experts, attitude to architecture and education in the new period is studied. In the next stage due to inefficiencies in the area of efficient and modern education and training requirements and capabilities, to investigate the school environment is discussed in contemporary architecture. Finally, by offering efficient models an architecture school, architecture school design has been done in the context specified.

Keywords: architecture, teaching space, art, flexible space, urban space design

چکیده

پیش از ظهور سیستم‌های نوین آموزشی، آموزش معماری در قالب مدرسه و دانشگاه به شیوه سنتی انجام می‌گرفت، آموزش هدف دار بود و مهارتی به شاگرد آموزش داده نمی‌شد مگر آنکه راه به کار گرفتن آن نیز نشان داده می‌شد. این آموزش از طریق نظری و عملی، توأمان و در محل خلق اثر صورت می‌گرفت. در آموزش معماری به شیوه مدرن، به تدریج از اهمیت آموزش به شیوه عملی کاسته شده و جای آن را تئوری-هایی بدون درک شیوه استفاده از آنها پر کرده است. هم اکنون کارگاه معماری، جولانگاه اندیشه‌هایی است که به شاگردان تحمیل می‌شود، بدون آنکه امکان آزمون درستی یا نادرستی نظریات فراهم باشد. در این مقاله، ابتدا با روش تحلیلی-استدلال منطقی و ابزار گردآوری داده مشتمل بر: بررسی اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی نحوه آموزش و فضای آموزشی هنر معماری در روند توسعه این شاخه ارزشمند از هنر پرداخته شده است. سپس با انجام مطالعات میدانی و به کمک مشاهده و مصاحبه با صاحب نظران، نوع نگرش به هنر معماری و آموزش آن در دوره جدید مورد مطالعه قرار گرفته است. در مرحله بعد با توجه به عوامل کارآمد و ناکارآمدی‌های موجود در فضای آموزش مدرن و نیازها و امکانات آموزشی، به بررسی چگونگی فضای مدرسه در معماری معاصر پرداخته شده است. نهایتاً با ارائه الگوهایی از مقتضیات یک مدرسه معماری کارآمد، طراحی مدرسه معماری در بستر مشخص شده صورت پذیرفته است.

واژگان کلیدی: آموزش معماری، فضای آموزشی، هنر، فضای انعطاف پذیر، فضای شهری، طراحی

مقدمه

همراهی و هم‌نوایی ازلی و ابدی هنر معماری و معنویت همواره بر یک عهد و یک میثاق بوده‌است و هنرمند فرهیخته معنوی را بسوی تعالی و کمال راه برده و او را در آفرینش آثاری مانا و جاودانه یاری نموده است و این همراهی خاصه در آموزش معماری گذشته این مرز و بوم جلوه و نمودی چشمگیر داشته است، اما اینکه هنر ایران دچار آسیب جدی شده است و این آسیب در حوزه آموزش بسیار بارزتر و مشهودتر است. زیرا مدت‌هاست که آموزش سنتی در حاشیه قرار گرفته است و آموزش دانشگاهی به شیوه غربی نیز آنگونه که باید و شاید نتوانسته با جامعه منطبق گردد. در این میان اگر هم اندک موفقیتی مشاهده می‌گردد، حاصل آن با فرهنگ اصیل ایرانی چندان سازگار نیست. از اینرو فاصله میان جامعه، معماری و معماران از یکدیگر هر روز بیشتر و بیشتر می‌گردد. منظور ما در اینجا بازگشت به نظام آموزشی گذشته نیست؛ زیرا مطابق این مصرع از کلام حافظ «من جرب المجرّب حلت به الندامة» (غزلیات حافظ، ۱۳۶۹)، تکرار گذشته پشیمانی و ملالت بار می‌آورد.

از سوی دیگر، در سطوح برنامه‌ریزی درسی دروس مهارتی [در اینجا دروس معماری]، دارای اهمیت بیشتری است؛ چراکه دروس دانشگاهی معماری مشتمل بر سه نوع زیر می‌باشند:

○ «دروس دانشی» مشتمل بر دروسی که مبانی نظری صرف را مورد تاکید قرار داده اند؛

○ «دروس بینشی» مشتمل بر دروسی که بینش و تم‌مایه‌های فکری و اندیشه را مورد نظر دارند؛ و

○ «دروس توانشی» مشتمل بر دروسی که مهارت‌های لازم در آن رشته را مدنظر قرار می‌دهند که نقش معماری در طراحی فضاهای آموزشی مربوط به آنها نقشی اساسی و ارزنده است؛ چراکه شهروند امروز ایرانی ویژگی‌های خاص خود را دارد. او هم وارث فرهنگی بزرگ و اصیل است و هم با دنیای امروز و تعلقات آن در ارتباط است. بنابراین بازشناسی

عمیق نظام‌های آموزشی سنتی و بومی همچنین ناکامی‌های نظام آموزشی مدرن ما را ایجاد فضای آموزش معماری کارآمد هدایت می‌کند.

در ایجاد فضای آموزش معماری باید به این نکته توجه نمود که هنر معماری در تمامی دوران حیات خود و حتی در دوره مدرن ردیف هنرهای کاربردی یا مولد بوده است. تاریخ آموزشی معماری، بطور عمده معماری را نه در ردیف علوم و فنون بلکه در ردیف هنر قرار داده است. معماری از دوران رنسانس در اروپا جزو آکادمی‌ها و مدارس هنری بوده است. به این ترتیب آموزش معماری قبل از آنکه قابل تشبیه به آموزش در رشته‌های علمی و فنی علوم محض و تجربی) باشد، قابل تشبیه به آموزش سایر هنرها و دلالت با آنهاست. با این تصور از رابطه معماری و هنر می‌توان به فضای آموزش کارآمد دست یافت و برای دستیابی به آن می‌بایست به ماهیت هنری معماری و مقتضیات آموزشی این وجه از هنر توجه کامل داشت (نوحی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۶). از طرف دیگر فضای آموزش معماری باید آینه تحولات جهانی هنری، تکنولوژی و آموزشی باشد که از این راه باعث ایجاد دگرگونی‌های اساسی در آموزش معماری گردد. سرعت تغییرات تکنولوژی و تحولات هنری باعث رشد تفکرهای جدید می‌گردد. با پیشرفت و تکنولوژی و دستاوردهای آن مرزهای جغرافیایی برداشته شده‌است، گویی که جهان یک دهکده بزرگ با محلات گوناگون است. خواه ناخواه همه کشورها عضوی از این دهکده جهانی هستند و به تناسب مشارکت علمی (گیرنده یا دهنده) سهمی در این دانشگاه بزرگ خواهند داشت. بهره برداری از این دانشگاه جهانی، آگاهانه یا ناآگاهانه در سمت و سوی بینش‌ها و دانش‌های تولیدکنندگان آن قرار می‌گیرد و بطور طبیعی به سمت آن میل خواهد کرد لذا عضویت در این دانشگاه جهانی، نیازمند مواجهه با چالش‌های علمی و فرهنگی است. لذا جهت دهی و هم‌سوسازی واردات علمی و فرهنگی به مدارس و دانشگاه‌ها با ارزشهای ملی و فرهنگی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۰۸

هر کشور تنها با شکل گیری موسسات آموزشی که واجد فضای آموزشی کارآمد و برنامه آموزشی صحیح هستند امکان پذیر است (ادیب‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۳). پژوهش در پی شناخت و مطالعه تطبیقی دو دستگاه سنتی و جدید و آموزش معماری و بررسی فضاها و ریزفضاهای مورد نیاز آموزش کارآمد معماری، نتیجه گیری و جستن راه درست آموزش طراحی معماری و چگونگی فضای مناسب برای این آموزش در فضایی در قالب مدرسه است.

پیشینه تحقیق

مساله آموزش معماری و فضای مناسب و کارآمد برای این آموزش در دوره معاصر از جمله مسائلی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از نظر محتوایی آنچه که بعنوان پیشینه این تحقیق وجود دارد را می توان در موارد زیر بررسی نمود:

۱. در زمان های بسیار دور، مدارس یک محل (زمین بازی) برای گذراندن اوقات کودکان به دور از دخالت مستقیم بزرگسالان و فرا گرفتن آموزش رسمی بود. طراحی اولیه محوطه ی مدرسه در طول سال ها به روش های گوناگونی تغییر کرده است اما چگونگی تاثیرگذاری این تغییرات در آموزش و پرورش به طور کلی مشخص نشده است. تحقیقاتی برای شناسایی نحوه تاثیرگذاری معماری مدارس بر روی دانش آموزان انجام شده است [Armitage, ۲۰۰۵, ۵۳۵].

۲. با توجه به اطلاعات به دست آمده از مسئولان مدارس و دانشگاه ها طراحی محیط یادگیری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان تاثیری مثبت دارد [Tanner, ۲۰۰۰, ۳۱۰].

۳. علاوه بر این، دانش آموزان، معلمان، والدین و اعضای جامعه اولین معیار ارزیابی و عملکرد یک مدرسه را نحوه طراحی ساختمانها و محوطه آن قرار می دهند [Uline, ۲۰۱۰, ۵۹۸].

۴. علم طراحی محیط هایی با قابلیت یادگیری مناسب در حال حاضر به طور قابل ملاحظه ای در حال توسعه می باشد. در حال حاضر بیشتر

طراحی های انجام شده به طور سنتی شکل گرفته اند، اما برای بهره وری طراحی، استفاده موثر دانش آموزان از ساختمان ها، توجه به مکانیزم های افزایش یادگیری در طراحی با تمام پیچیدگی ها بسیار حیاتی و مهم است [Leiringer, ۲۰۱۱, ۹۱۵].

۵. نتایج تحقیقات تجربی از مدارس در تحقیق [Barrett, ۲۰۱۳, ۶۷۸] به روشنی تاثیر قابل توجه محیط طراحی شده را بر روی پیشرفت یادگیری دانش آموزان را نشان می دهد و اهمیت این موضوع را برای سیاست گذاران، طراحان و کاربران اثبات می کند. با این حال، طیف گسترده ای از عوامل دخیل در طراحی هنوز هم یک چالش مهم و قابل بررسی خواهد بود.

۶. ایزدپناه در تحقیقی با هدف بررسی امکان تغییر نگرش زیست محیطی کودکان با استفاده از طراحی خاص مدرسه صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که طراحی پایدار مدارس، منجر به بهبود نگرش زیست محیطی کودکان نسبت به ویژگی های ساختمان سبز، مانند پانل های خورشیدی، استفاده از آب بازیافت شده، استفاده از روشنایی روز طبیعی و غیره شده است [Izadpanahi, ۲۰۱۵, ۲].

۷. در انگلستان، طرح ساختن مدرسه برای آینده (BSF) مثالی از تلاش برای اصلاحات در سازمان دهی مدارس و توجه به بهبود یادگیری از طریق تحول ساختمان های مدارس است [Leiringer, ۲۰۱۱, ۹۱۵].

۸. آمارهای نقل شده نشان می دهد که با توجه به رشد جمعیت و فرسوده شدن مدارس موجود نیاز به صرف میلیاردها دلار هزینه در حوزه ساخت و ساز، تجهیز، ارتقاء و نوسازی مدارس وجود دارد [Upitis, ۲۰۱۴]. در این تحقیق یه دنبال ارائه راهکارهایی برای طراحی فضای آموزشی مطلوب و آموزش معماری با بازدهی بالا خواهیم بود.

فرضیات، سوالات و شیوه تحقیق

در این پژوهش، به بررسی آموزش معماری که

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

به شیوه سنتی و به روش استاد و شاگردی بود و شاگردان در رده‌های مختلف از مبتدی تا استاد تقسیم بندی شده بودند، پرداخته می‌شود. آموزش معماری که در محل خلق اثر و بصورت مشاهده و عمل کردن انجام می‌گرفت، به عنوان روشی کارآمد در نظر گرفته شده است. در ادامه این تحقیق با پرسش‌های اساسی روبه‌رو شده و به دنبال ارائه پاسخ برای آن‌ها می‌باشیم. از جمله این پرسش‌ها مواردی است که در ادامه مطرح می‌شود: آموزش معماری به شیوه سنتی از چه کیفیتی برخوردار بوده است؟ دلایل تطبیق و عدم تطبیق آموزش معماری به شیوه سنتی و جدید در چیست؟ تفاوت مدرسه یا مکتب خانه معماری با دانشکده‌های علوم فنی مهندسی در چیست؟ آموزش معماری نیازمند چه معیارهای طراحی و با چه تعاریفی است؟ از آنجا که روش تحقیق، به نوع پژوهش و ماهیت آن بستگی دارد، پس از مطالعات زیربنایی معماری و با توجه به حرکت پژوهشگر در راستای مطالعات علمی و نتایج عملی آن در این مقاله، کوشش بعمل آمده است تا به روش توصیفی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و سپس به روش میدانی پرداخته شود. از آنجا که این تحقیق با استفاده از مطالعات بنیادی و نتایج حاصل از آن بعمل آمده و سعی در رفع کمبودهای جامعه بشری و توسعه روابط انسانی دارد، لذا از نوع تحقیقات توسعه‌ای به حساب می‌آید. در واقع تحقیق توسعه‌ای به تحقیقاتی گفته می‌شود که مبتنی بر دانش موجود هستند. این نوع تحقیقات بر اساس تجربه‌های حاصل از تحقیقات پیشین می‌باشد و در جهت نوآوری و بهبود شیوه طراحی است. هدف از تحقیق توسعه‌ای، بهبود محصول یا فرایند، یعنی آزمودن مفاهیم نظری در موقعیت‌های مسائل واقعی است (خاکی، ۱۳۸۲، ص ۸۷). به طور کلی برای جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله، سه ابزار کتابخانه، مصاحبه و مشاهده مورد استفاده قرار گرفته است.

مفاهیم و دیدگاه‌ها آموزش معماری

تاریخ معماری به طرز عمیقی با تاریخ روش‌های آموزش آن درهم آمیخته است. تغییرات معاصر در بسیاری از مدارس معماری، بخشی از یک تحول وسیع‌تر است. تحولی که با گذر سالین، در نحوه نگرش به معماری رخ داده است. نکته اساسی و مهم در آموزش معماری، چگونگی نگاه مراکز آموزشی به معماری و یا به بیان دیگر تعریف این مدارس، از معماری است. در این زمینه، دیدگاه‌های بسیار متفاوتی از گذشته تا امروز، وجود داشته است. اما باید به سه دیدگاه اساسی اشاره کرد:

۱. «معماری به مثابه حرفه»: در نخستین نگرش، به معماری به‌عنوان حرفه‌ای نگریسته می‌شود که براساس آن یک فضا به‌طور عمده باید براساس کارکرد بنا، اصول سازه و فن ساختمان و نیز شرایط محیطی، طراحی و ساخته شود. بر این اساس، معماری به‌عنوان یک تخصص فنی، حرفه‌ای و اجرایی مورد توجه قرار می‌گیرد. این نگرش در بسیاری از مراکز آموزشی در کشورهای آلمان و اتریش دیده می‌شود و بر پایه آن معماری و عمران بسیار نزدیک به هم دیده می‌شود.

۲. «معماری به مثابه حرفه و هنر»: دیدگاه دوم، معماری را به صورت عمده، از منظر یک حرفه و رشته فنی - هنری می‌نگرد که بر پایه آن در طراحی یک فضا، افزون بر جنبه‌های سازه‌ای و فنی، باید به نکات و خصوصیات هنری فضا نیز توجه کرد. پس، هر فضای معماری می‌تواند یک اثر هنری باشد. این نگرش جنبه‌های هنری یک فضای معماری، مهم‌ترین معیار سنجش آن به شمار می‌آید. مدرسه هنرهای زیبای پاریس براساس همین دیدگاه شکل گرفت و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تقلید از آن تکوین یافت.

۳. «معماری به مثابه هنر»: نگرش سوم که در چند دهه اخیر مطرح شده است، توجه به معماری به‌عنوان هنری است که از مباحث نظری در زمینه

آموزش‌های معنوی	آموزش‌های نظری	آموزش‌های عملی	
نظام فتوت نظام‌های صوفیگری اصناف	منابع مکتوب استاد و شاگردی	آموزش‌های کارگاهی نظام اصناف نظام استاد و شاگردی	روش آموزش
اخلاق حرفه‌ای اخلاق اجتماعی مباحث دینی ادراک شهودی صوفیگری ایدئولوژی هنرمند	هندسه رسم نقشه پیمایش حیل نجوم موسیقی	مباحث کارگاهی کاربرد مصالح مباحث تجربی ایستایی شناخت تجربی مصالح ساخت و کار حرفه‌ای	مباحث مطرح

فلسفه، روان‌شناسی، فرهنگ و تاریخ تأثیر می‌پذیرد. هر چند در پاره ای موارد، به نظر می‌رسد در زمینه نقش‌تئوری در طراحی افراط می‌شود، اما در مجموع دیدگاه‌های قابل توجهی در این زمینه وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت. همه این دیدگاه‌ها، در آموزش معماری، نقشی انکارناپذیر دارند.

می‌توان اشاره داشت که: «مفهوم آموزش در همه دوره‌های تاریخی یکسان نیست، مثلاً سه دوره معماری ایران در مواجهه با دوره‌های مشابه غرب را در نظر بگیریم:

۱. دوره اول، «دوره کلاسیک» است. در آن دوره که مبتنی بر نظام استاد و شاگردی است، شاگرد در حین کار از استاد می‌آموزد تا خود را به درجات بالاتر و سرانجام استادی برسد. در این جا تکرار سنت اصل است. اساس فرهنگ سنت تکرار الگوهست. در این فرایند تکرار، عمل خلاقه فقط در بخش‌ها و موارد بسیار خاصی می‌تواند صورت بگیرد. تکلیف جامعه، کارفرما، استادکار و محصول تولید شده مشخص است؛ رابطه استاد و شاگرد مشخص است و ابهامی در این که کار چگونه باید انجام پذیرد، وجود ندارد. این دوره کلاسیک در همه جای دنیا هزاران سال به طول انجامید و در ایران نیز همین طور.

۲. در دوره دوم، با تاسیس دانشکده‌های معماری، نظام آموزش تغییر کرد و ارتباط استادان و شاگردان دیگر نمی‌توانست مثل گذشته باشد. مضمون کار هم متفاوت شد؛ این بار معماری مدرن در تطابق با جهان مدرن مطرح بود. در این دوره هم اهداف کمابیش روشن بودند. اهداف آموزش همان اهداف مدرنیته بودند. هنوز انشقاقی صورت نگرفته بود.

در آموزش معماری آموزش و آموختنی چنان به یکدیگر وابسته‌است که آموختن از روش انتقال آن جدا نمی‌شود. عوامل موثر در آموزش (شاگرد، معلم، محیط، منابع، نظام و برنامه آموزشی) در انطباق با مبانی هر علمی متحول می‌شود و دستگاه‌های متفاوتی بین عوامل به‌وجود می‌آورد تا بتواند آن‌را با انسجام و انتظامی پیش‌بینی شده از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. از بررسی مکاتب مختلف فلسفی، مانند انگارگرایی، واقع‌گرایی، عمل‌گرایی و وجود‌گرایی معلوم می‌شود چگونه با تغییر مبانی اندیشیدن، نحوه کار آموزش نیز متفاوت می‌گردد، نه آنکه براساس یک موضوع ثابت فقط در نحوه انتقال آن تغییر به وجود آید (اسلامی و مندگاری، ۱۳۸۴، ص ۷۵).

آموزش معماری و تاثیر آن در تربیت معماران
در رابطه با دوره‌شناسی تاریخی «آموزش معماری»

بزرگان معماری مدرن در سطح جهان دقیقاً گفته اند معماری مدرن چگونه باید باشد. مفهوم خلاقیت در این دوره مفهومی محدود به تجربه باهاوسی بود، مبنی بر ترکیب احجام خاص هندسی که هنوز کمابیش همان هندسه اقلیدسی بود و چون معلم می دانست یا فرض می شد که می داند چه می کند و جهت کار هم بنا به اصول معماری مدرن روشن بود، ارتباطی میان معلم و شاگرد برقرار می شد و گفت و گو می توانست جریان یابد. در صحنه اجتماع هم این معماری جای خود را یافت و حتی در ایران هم هرچه ساخته شد، تا حدودی بر اساس اصول معماری مدرن ساخته شد.

۳. دوره سوم از دهه ۱۳۵۰ به بعد در ایران و ۱۹۷۰ به بعد در غرب شروع شد. این دوره بعد از مدرن است، به یک معنا دوره بحران مدرنیته که در همه چیز نوعی عدم یقین هست: اصول دموکراسی، فرهنگ، اقتصاد همه مورد تردید قرار می گیرند و طبعاً اینها در معماری تاثیر می گذارد. گذشته گرایی در معماری در همین دوره مطرح می شود و ما هم به این فکر می افتمیم که اگر به این ترتیب عمل کنیم، به هویت اصیل خودمان می رسیم، که نرسیدیم. در این شرایط بحرانی مساله خلاقیت و تجربه به نحو دیگری مطرح می شود. از طرفی، کار به بیرون از دانشگاه به دلیل پیشینه چهل پنجاه ساله وابستگی ما به سنت مدرن هنوز در حوزه معماری مدرن صورت می گیرد، معماری مدرن غربی هم نداشته ایم؛ چیزی به نام معماری جدید داریم که کار حرفه ای در محدوده آن صورت می گیرد. این حوزه سنت های خود و استادکارهای خود را پیدا کرده، تغییر این سنت هم چندان آسان نیست» (صارمی، ۱۳۷۷، ص ۱۸).

هرچند در آموزش معماری راه های طی شده و تجربیات به دست آمده، فردی - گروهی بطور عموم مطرح می گردد، اما در تربیت معماران، همواره به عنوان یک سر طیف علاوه بر مربی به درون مربی نیز توجه می شود. تربیت معماران می بایست

طی مراحل ساخت و بطور عملی در محیطی انجام می شد که فضا موجودیت می یافت و ارتباطی که بین صورت کالبدی و معنای باطنی در معماری وجود دارد، توأم به شاگرد منتقل می گردید. اگر در معماری به برنامه ریزی روابط عملکردها، زیبایی شناسی بصری و فن ساختمان بسنده شود، می توان آن را در غالب مباحث نظری در محیط کلاس آموزش داد، اما ابعاد گسترده معماری از لحاظ زمینه شکل گیری و ارتباط با اجزا اقتضا می کند عوامل موثر در یادگیری معماری، فقط به مواد آموزشی و برنامه درسی محدود نشود (اسلامی و مندگاری، ۱۳۸۴، ص ۸۷). «تورنس و تورنس» (به نقل از انیل ، عابدی و اسپیل برگر ، ۱۹۹۴) اشاره می کنند که طی ۱۵ سال تجربه مطالعاتی، شواهدی را یافته اند که نشان می دهد هنر و خلاقیت را می توان آموزش داد. در مورد اندازه گیری میزان هنر نیز در سالهای اخیر پژوهش های متعددی شده که به ساخت آزمون های گوناگون اندازه گیری خلاقیت منجر شده است. یکی از یان آزمونها که بیشترین کاربرد را داشته، «آزمون تفکر تورنس» (TICT) است. «انیل و همکاران» (۱۹۹۴) می گویند تاکنون بیش از دو هزار مقاله که در آنها از آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است (دائمی و مقیمی بارفروش، ۱۳۸۳، ص ۲). «گیلفورد» (۱۹۵۶، ۱۹۵۹، ۱۹۶۲، ۱۹۶۷، ۱۹۸۷) رویکرد تحلیل آموزش خلاقیت را که پیش از او توسط روانشناسانی همچون «اسپیرمن» (۱۹۲۷) و «ترستون» (۱۹۳۸) در زمینه تفاوت هوش و قوه خلاقه به کار گرفته شده بود، به نحو پیشرفته تری به کار بست و با استفاده از انواع پاسخهای متفاوتی که هوشمندان تصور می شدند، نظریه خود را که به نظریه «ساختار ذهنی» با الگوی سه بعدی شهرت دارد، عرضه کرد. در این «الگوی سه بعدی» [عمل، محتوا و فرآورده ذهنی]، «پنج نوع عمل» (شناخت ، حافظه ، تفکر همگرا ، تفکر واگرا و ارزیابی) ، «چهار نوع محتوا» (تصویری ، نمادی ، معنایی و رفتاری) و

«شش نوع فرآورده ذهنی» (واحدها، طبقات، روابط، نظامها، تبدیلات و تلویحات) منظور شده است. چون اعمال ذهنی مورد نظر گیلفورد با مساله هوش و خلاقیت پیوند نزدیک دارند (حقیقی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۴۷).

در هر حال، باید گفت که نظام آموزش هنری در ایران، نوعی «نظام صنفی» و مبتنی بر سلسله مراتب استاد-شاگردی بوده است؛ چنانچه در هر صنفی سلسله مراتبی وجود داشت که تا حدودی زیادی به لحاظ ساختاری شبیه هم بودند و این مساله به ویژه در مورد مساله تعلیم صدق می کرد. هر صنفی دارای شیخی بود که به فضل و علم و تجربه و مهارت از دیگران بالاتر قرار داشت و از نظر حرفه ای نسبت به دیگران ممتاز بود. انتخاب او از طرف اعضای صنف انجام می گرفت و نظر محتسب هم در این میانه اهمیت داشت (سعیدالشیخی، ۱۳۶۲، صص ۸۵-۸۶).

آموزش سنتی هنر در ایران، به گذشته ای دور برمی گردد. این آموزش، در گیر و دار عمل، با محوریت استاد و سینه به سینه به انجام می رسید. در بینش سنتی، فراگیری مهارت هنری و راز و رمز آن، محتاج تلاش و ریاضتی بود تا وجود هنرآموز قابلیت یابد. این آموزش، مشابهتی تام با سلوک عرفانی می یافت. همان گونه که عارف در گذر از مراحل گوناگون، قابلیت حفظ اسرار الهی را می یابد و آن گاه اسرار بر او افاضه می گردد، در سلوک هنری گذشتگان ما نیز همین معنا مشاهده شده است (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

ظاهراً عنوان شیخ در سده نهم هجری در مورد نقاشان به مولانا تبدیل شده است. از وظایف شیخ رفع اختلاف بین اعضای صنف، موافقت یا پیوستن افراد جدید به صنف در صورت شایستگی و تعیین نرخ ها با مشورت محتسب و غیر بوده است و اعضای صنف نیز از او متابعت می کردند. پس از شیخ عالی ترین مقام، استاد بود. استاد را گاهی معلم هم می گفتند. هر استادی چندین شاگرد

داشت که اسرار صنعت و حرفه خود را به آنها یاد می داد و میزان یادگیری شاگردان نیز بستگی تمام به میزان قدرت و کفایت آنها داشت. هرگاه استاد در شاگرد، فهم و خدمت و کفایت کار مشاهده می کرد و به او «عهد» می بخشید و آن یکی از امور ضروری بود که صنعتگر و یا هنرمند پیش از ورود به هنر صنفی باید آن را به دست می آورد. در حرفه نقاشی و خطاطی، این عهد، «اجازه نامه» یا «اذن نامه» اطلاق می شد و این گویا بستگی به میزان پیشرفت شاگرد داشت. در آغاز به او اجازه نامه می دادند و اگر شاگردی می توانست از بیش از یک استاد اجازه نامه دریافت کند، بر شهرت و اعتبار او افزوده می شد. در این صورت اجازه نامه او را چندین استاد امضاء می کردند (کریم زاده تبریزی، ۱۹۹۹، ص ۱). جواز ورود به وادی هنر، بعد از ممارستی توان فرسا و مجاهدتی بی دریغ صادر می شد. به عبارت دیگر، به اهلیت یافتن، اهل حقایق شدن و علم حضوری یافتن مشروط می گردیده است (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). «ارتباط شاگرد با استاد نوعی ارتباط مرید-مرادی بود و تا آخر ادامه می یافت. گاهی شاگرد چنان در استاد ذوب می شد که بر روی آثار خود نام و رقم استادش را ثبت می کرد؛ بهرحال، این ارتباط یک ارتباط احترام آمیز بود و حتی پس از مرگ استاد هم ادامه می یافت و شاگرد همواره از یاد و رفتار او به نیکی یاد می کرد. استاد هرگز از شاگرد بهره مادی نمی برد و بلکه در قبال کار به او مزد می داد. حتی گاهی استاد در قبال کار شاگرد دچار خسران و غرامت نیز می شد. اگر شاگرد کاری را ناقص انجام می داد و یا در انجام آن اهمال می ورزید غرامت آن معمولاً به گردن استاد بود» (سعیدالشیخی، ۱۳۶۲، ص ۸۷).

اعطا و اخذ، یا به عبارت دیگر تعلیم و تعلم و انتقال مهارتها و راز و رمزها که از استاد به شاگرد به انجام می رسید، در گرو یافتن اهلیت بود. شاگرد در اولین قدمها می بایست از توقف در عادات بد، خودبینی ها و خدپسندی ها و غرور و دنیا طلبی پرهیز می

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

کرد و وجود خویش را برای درک حقایق آماده می ساخت. سالهای متمادی از عمر شاگرد در تقلید و نگاه به داستان استاد می گذشته است تا به تدریج مهارتی که نتیجه ممارست و تهذیب نفس بود، در جان وی جایگزین می شد. سپس در سال هایی که گرد پیری بر رخسار و چهره اش نشسته و وجود وی در حقیقت راستین این هنر ذوب گردیده بود، خود به مقام استادی نائل می آمد و «دست در کار» پیدا می کرد. چنین آموزشی به قدمت تاریخ اسلامی این سرزمین قدیم است (ندیمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

غالب شاگردان تحصیلات رسمی نداشتند. در کودکی برای کسب شغل و حرفه از پادویی شروع می کردند. معلوم نیست که در چه مرحله ای پادوی مبتدی به مرحله دستیاری یا شاگردی می رسید و چه شرایطی برای این کار لازم بود. ظاهراً میزان کوشندگی و استعداد و قریحه مبتدی از عوامل مهم برشمرده می شده است. به هر حال، مزد پادو از شاگرد کمتر بوده است. تنها امید هر شاگرد این بود که روزی به مرتبه استادی برسد. شاگرد اگر نامزد استادی می شد باید از شیخ درخواست جواز می کرد و این جواز یا اجازه نامه، طی مراسم خاصی به او اهدا می شد و همین جواز به او اجازه می داد تا در نقطه خاصی به کار پردازد (فلور، ۱۳۶۵، ص ۵۱).

با این که هر کسی حق داشت هر شغلی را که می پسندید، انتخاب کند ولی میان پیشه وران بنا به عادت جاری حرفه ها موروثی بود و فوت و فن مشاغل را پسران از پدران و یا از خودشان به ارث می بردند. فرزند به پدر خود در کار و حرفه یاری می داد و ضمناً شغل پدر را یاد می گرفت. در میان نقاشان احمد موسی هنر نقاشی را از پدرش فراگرفت و شاگرد پدر خود بود (دوست محمد گواشانی، ۱۳۷۸، ص ۴۱۵). سلطان محمد تبریزی هنر نقاشی را به فرزند خود محمد بیک یاد داد؛ نوشته اند که مولانا مظفر علی فرزند حیدرعلی خواهر زاده بهزاد بود و یا مولانا رستمعلی نیز از خواهر زادگان بهزاد برشمرده

می شده است (قاضی احمد قمی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۱). تعصب نسبت به شغل، به تعاون و همکاری نیز منجر می شد. از وظایف اعضای هر گروه شغلی این بود که از محاسن پیشینیان و یا تاریخچه آن شغل به خاطر بسپارد و آن را به شاگردان خود منتقل سازد. ایام مساله به ویژه از حیث یادگیری ویژگی های هر شغل کمکی درخور می کرد. نقاشان رنگ هایی را به کار می بردند که خودشان طبق نسخه ای که از پدر و یا استادشان به ارث برده بودند می ساختند و روغن جلایی برای برای درخشش تابلوی خود مصرف می کردند که شخصا درست کرده بودند (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۲۴۸). ابن اخوه نیز در باب وظایف محتسب اشاره دارد:

«محتسب باید نقاشان را به خدای بزرگ سوگند دهد که در نقاشی خیانت نکنند، خواه در چیزهایی که خود آماده می سازند، یا به سفارش مردم برای آنان کار می کردند (ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳).

آموزش معماری یکی از مهم ترین مباحث در زمینه معماری امروز در ایران به شمار می آید. در دوره ای هستیم که مسایل و امکانات بسیار متنوعی در زمینه معماری مطرح شده است که در بسیاری از عرصه ها در عمل با آن ها مواجه هستیم، بدون آن که هدف و برنامه آگاهانه و اندیشمندانه ای در مورد آن ها داشته باشیم. هر رشته تحصیلی، به صورت بنیادی باید براساس اهداف و نیازهای مشخصی شکل گیرد تا بتوان در فرایند آموزش آن، متخصصان و افرادی را تربیت کرد که بخشی از نیازهای جامعه را برآورده سازند. عوامل گوناگونی در شکل گیری هدف یا اهداف آموزشی هر رشته موثر است. از مهم ترین آن ها، نیازهای عینی و ملموس جامعه می باشد، چنانکه می توان گفت، بسیاری از رشته های تحصیلی در دنیای معاصر، براساس نیازهای موجود یا آتی جامعه شکل می گیرند یا گسترش می یابند. گسترش روز افزون تقسیم کار و انواع فعالیت های اجتماعی موجب ایجاد تخصص ها، رشته ها و گرایش های نوین می شود. در زمینه

معماری نیز چنین است. از حدود یک قرن پیش به تدریج حوزه وسیع و گسترده معماری ابتدا به سه حوزه معماری، عمران - راه و ساختمان - و شهرسازی - طراحی شهری و سپس برنامه‌ریزی شهری - تقسیم شد. اکنون، این رشته به حوزه‌های دیگری مانند طراحی منظر، مرمت بناها، طراحی فضاهای مسکونی و غیره در حال تجزیه است و این روند، در آینده نیز ادامه خواهد یافت. در هر حال، در آموزش معماری بالاخص در دوران مدرن خلاقیت اهمیتی اساسی دارد؛ چنانچه باید گفت که:

«در معماری مبتنی بر سنت، خلاقیت با حفظ دستاوردهای گذشته همراه است، و بدین ترتیب بر گذشته افزوده می‌شود. هیچ یک از الگوهای فضایی در این معماری یک بار برای همیشه تعیین نمی‌شوند. هر الگوی فضایی در مسیر قوام یافتن می‌بایست شایسته‌تر از پیش ارتباطات آدمی را با طبیعت و سیر و سلوک او با خود و خدایش تعریف کند. بدین ترتیب معماری مبتنی بر سنت در هر عصری هم گذشته را داراست و هم از «خلاقیت» معمارانه زمانه بهره‌مند» (حائری، ۱۳۷۴، ص ۳۲۲).

مراکز آموزش معماری در کشورهای پیشرفته، متناسب با اهداف آموزشی و نوع نگرشی که به معماری دارند، نوع و محتوای دروس را برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا می‌کنند. دانشجویان نیز آگاهانه و بر اساس دیدگاه شخصی، محل تحصیل و نوع گرایش معماری خود را انتخاب می‌کنند و در طول تحصیل با آن نگرش آموزش می‌بینند. «عیسی حجت» به پنج شیوه آموزش اشاره دارند که در ادامه به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. «آموزش پویا: برنامه‌ریزی در حرکت، توجه به نقش شاگرد در آموزش»: خلاقیت از جنس دانش نیست و آموختنی نمی‌باشد، خلاقیت از جنس استعداد است و باید کشف و پرورده شود. اعمال برنامه‌های از پیش تعیین شده بر استعدادهای هنوز شناخته نشده، کاردرستی نیست. تربیت بدون شناخت دقیق و درونی شاگرد، مانند کاشتن و

داشتن نهال در محیط و شرایط نامعین است؛ درحالی که لازمه بار آوردن یک نهال، شناخت دقیق ویژگی‌ها، میزان نیاز به نور و آب و سایر ضروریات و دانستن فرآیند رشد و نگهداری آن است، نمی‌توان شاگرد معماری را بی‌شناخت دقیق و بدون توجه به واکنش‌هایش نسبت به داده‌ها و خواسته‌ها، تحت یک برنامه منظم و از پیش تعیین شده بار آورد. در آموزش پویا، هر قدم، هر تمرین و هر برنامه باید با در نظر داشتن محصول برنامه پیشین و اهداف برنامه آینده طراحی و اجرا گردد. با این رویکرد نقش شاگرد به عنوان محصول و متغیر اصلی در روند آموزش مشخص، و برنامه آموزشی با حفظ اهداف اصلی، به عنوان تابعی از این متغیر، طراحی و اجرا می‌گردد. در آغاز این تجربه آموزشی شاگردان باید مهارت‌هایی در زمینه ترسیم آزاد و فنی بدست آورند و استعدادهایشان در زمینه درک فضا، ایستائی و مواردی از این دست تقویت گردد، پیش فرض دیگری وجود نداشت و تمرین‌های هفتگی و روزانه هر یک بر مبنای دستاوردهای تمرین‌های پیشین که مبین میزان اشتیاق و درک و توان شاگردان بود، طراحی و اجرا می‌گردید.

۲. «آموزش پیش رو: آموزش بی‌قرار، آموزش فرضیه ساز»: عموماً شیوه‌های آموزش بر مبنای فرضیه‌های آموزشی شکل می‌گیرند. این فرضیه‌ها حاصل تلاش پژوهشگرانی است که به مطالعه روش‌ها پرداخته و از تحلیل شیوه‌های آموزش و پی آمدها و دستاوردهای آنها به راهکارهایی دست می‌یابند. آموزش خلاق در عین توجه به این فرضیه‌ها، نمی‌تواند از آنها پیروی کند؛ چرا که: اولاً: فرضیه‌ها عمدتاً بر تجارب آموزشی تا لحظه تدوین فرضیه متکی هستند و به محض انعقاد، طراوت و مرجعیت خود را از دست می‌دهند و دیگر حامل تجربه‌های نو نخواهند بود و ثانیاً: اگر آموزش را امری پویا و محصول درک متقابل استاد و شاگرد از یکدیگر بدانیم، آنگاه در ره لحظه از آموزش و در رابطه هر استاد و هر شاگرد، و در بیان هر موضوع و هر مطلب

شکلی از آموزش پدید می آید که تاکنون چنان نبوده و پس از آن هرگز چنان نخواهد شد.

۳. «آموزش هوشیار: آموزش فرصت ساز، آموزش فرصت طلب»: در آموزش خلاق کار اصلی استاد آماده سازی و اعطای دانش ها به شاگرد نیست، بلکه وظیفه او زمینه سازی کسب و درک دانشها و حکمت ها توسط خود شاگرد است. آنچه شاگرد خود به دست می آورد، بسیار عمیق تر و ماندنی تر از آن چیزی است که به او داده می شود. در آموزش خلاق باید برنامه ها به گونه ای طراحی شوند که شاگرد را وادار به تجربه و کشف پی در پی نکات تازه در عرصه های گوناگون نمایند. برنامه آموزشی می تواند با طرح و تشریح سوال و سیر در مجهولات آغاز شده و به تناسب توان مکاشفه و قدرت ذهنی و خلاقیت شاگردان راه را برای رسیدن به معلومات همراز کند. آنچه در این فرآیند اهمیت فراوان دارد، آن است که شاگرد پیوسته در شرایط مناسب درک و مشاهده، بسر نمی برد. برای هر شاگرد، در شرایطی خاص و در مواجهه با محرک هایی خاص شرایط شهود و آفرینش فراهم می گردد. آموزش خلاق آنچنان نیست که به اعطای دانش ها، بی عنایت به شرایط ذهنی و روحی شاگرد پردازد، آموزش خلاق آن است که پیوسته محرکهایی را در برابر ذهن شاگرد قرار داده و همواره در کمین لحظه ای باشد که او را از درک مفهوم و یا خلق اثری به وجد آید.

۴. «آموزش بالینی: آموزش حضوری، تربیت»: از آنجا که آموزش خلاق با استعداد شاگرد و نه حافظه او، سروکار دارد، و با عنایت به اینکه استعداد و توانمندی همه شاگردان یکسان و به یک اندازه نیست؛ آموزش خلاق را نمی توان صرفاً به صورت عام (سخنرانی و موعظه) به انجام رسانند بلکه باید ویژگی های درونی یکایک شاگردان شناسایی شده و هر یک، بر اساس طبع و توانش، به گونه ای مورد آموزش و پرورش قرار گیرد. در آموزش خلاق هر صورت مساله ای می تواند به تعداد شاگردان جواب

متفاوت داشته باشد؛ آموزش باید هر کس را در یافتن جواب خودش همراهی و هدایت کند و این مستلزم آموزشی بالینی و حضوری است که به هر شاگرد به چشم پدیده ای متفاوت بنگرد و برای تربیت او، راه و رسمی خاص طلب کند.

۵. «آموزش مفهومی: پرهیز از مصادیق، در پی حقیقت»: اگر معماری را دارای دو گستره مفاهیم و مصادیق بدانیم، آنگاه دروس پایه را در گستره مفاهیم خواهیم یافت. در این گستره شکل، شیوه و سبک خاصی از معماری، آموزش داده نمی شود بلکه مفاهیم مولد معماری مورد تدریس قرار خواهند گرفت و شاگرد پیش از آنکه با چهره ها و قرائت های گوناگون معماری مواجه شود با حقیقت و جوهره آن آشنا می گردد. این نکته به ویژه در شرایط امروز که هنگامه تکاثر آراء و اندیشه هاست و هیچ قرائت یکه، معتبر و پسندیده ای از معماری در میان نیست، اهمیت فراوان می یابد. دروس پایه، عرصه پرواز اندیشه ها است و باید از قفس مصادیق رها باشد. آموزش مصادیق به آموزش گونه ای خاص از معماری که مدنظر استاد است، منجر می گردد؛ در حالیکه آموزش مفاهیم به تربیت معمار می انجامد (حجت، ۱۳۸۳، ص ۲۹-۳۰).

آموزش سنتی معماری در ایران

آموزش معماری در ایران تا قبل از دوران تجدد و پیدایش مدارس جدید، آموزشی متعین بر پایه اصالت سنت و استوار بردو مولفه مهارت و حکمت بوده و حکمت ها و مهارت ها در گرماگرم ساختن بنا از عمل استاد در نظر شاگرد نقش می بست. اگر چه آموزش آکادمیک معماری در جهان صدها سال قدمت دارد، لیکن در ایران آموزش معماری نیز چون دیگر علوم و هنرها، به صورت برنامه ریزی شده و مدون وجود نداشته است و سالیان دراز به صورت سنتی آموزش داده می شده است. می توان گفت که تا حدود نیم قرن پیش آموزش معماری در ایران به صورت سینه به سینه و به شیوه استاد و شاگردی بوده است. معماران و استاد کاران سنتی، با همه

جدول ۲. کاربرد واژه مهندس برای برخی از مقربان دربار و رجال سیاسی؛ ماخذ: قدوسی فر و اعتصام، ۱۳۹۱، ص ۴۶.

نام	مأخذ که عنوان مهندس در آن ذکر شده	سمت دیوانی
سلطان مسعود غزنوی	(بیهقی ۱۳۸۷)	پادشاه دوره غزنوی
عبدالملک نقاش - مهندس	(ویلبر ۱۳۸۶)	رئیس معماران سلطان مسعود غزنوی
رشیدالدین فضلا	(رشیدالدین فضل الله ۱۳۵۰)	وزیر دوره ایلخانی
قوام الدین	(منشی قمی ۱۳۶۶، ۳۷)	معمار مقرب دربار در دوره تیموری
علی اکبر اصفهانی	(بزرگنیا ۱۳۸۳، ۲۱۱)	معماریاشی دوره صفویه

جدول ۳. دیدگاه های موجود در آموزش معماری سنتی؛ ماخذ: قدوسی فر، اعتصام و حبیب، ۱۳۹۱، ص ۴۹.

دیدگاه آموزش معماری سنتی

فازایی	ابن خلدون	فتوتنامه بنایان	رسالة المعماریه
قرن ۴ هـ ق	قرن ۸ هـ ق	قرون ۸، ۹ و ۱۰ هـ ق	قرن ۱۱ هـ ق
معمار	بنّا	بنّا	معمار
تأکید اصلی آموزش	آموزش عملی علوم نظری	آموزش عملی آموزش اصول اخلاقی آموزش عرفانی آموزش دینی	آموزش عملی علوم نظری
جایگاه در تقسیم بندی علوم	حیل	فن و صنعت	صنعت
			نامشخص

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۱۷

از مدارس غرب- آموزشی نامتعیین، بر داعیه اصالت بدعت و استوار بر دو مولفه «مهارت و دانش» است. این مهارت‌ها و دانش‌ها در عرصه‌هایی مجزا و به شیوه‌هایی گوناگون توسط استادانی با تخصص های متفاوت، به شاگردانی با علایق و بن‌مایه‌های فکری ناهمسان عرضه می‌شود. این شیوه برحسب آنکه خصلتی جهانی و بی تفاوت نسبت به فرهنگ و ویژگی‌های سرزمینی، بومی و فطری مردم دارد، ضمن تجهیز شاگرد به علوم و فنون روزآمد و جدید به تدریج او را از ارزش‌ها و هویت آئینی و سرزمینی خویش تهی و دور می‌کند. هفت دهه آموزش معماری با روش جدید در ایران، حکایت از این گسست فرهنگی بین معمار و جامعه دارد (حجت، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

خصوصیات خود، برخاسته از جامعه ای سنتی، اما حرفه‌ای بودند که در میان خود، ارتباطات و سلسله مراتب مشخص، ساده و با ساختاری روشن و حساب شده داشتند. معماری ایران در گذشته به سه شیوه آموزش داده می‌شد:

۱. استاد و شاگردی؛
۲. موروثی بودن حرفه؛ و
۳. انتقال مفاهیم ساختمان سازی در حین کار.

همچنین در مقاطعی از زمان معماری چنان اهمیتی یافته بود که برای بسیاری از سران حکومتی از واژه مهندس و استاد استفاده می‌شود که شرح آن در جدول شماره ۲ مورد اشاره قرار گرفته است.

آموزش جدید معماری در ایران

آموزش معماری در مدارس جدید ایران- به تقلید

معماری گذشته ایران سرشار از معنویت و غناست؛ درحالی که معماری معاصر ما با از دست دادن هویت خویش، فاقد ارزش های نهفته در معماری سنتی است. شاید عمده ترین چالش امروز آموزش معماری، عدم توجه به چهره انسانی دانش پژوه معماری است. رشته معماری در ایران در گروه هنر جای گرفته است. از این جهت عرصه وسیع فضای معماری از تک بنا گرفته تا یک شهر، و ابزارهای مورد استفاده انسان، جایگاه تبلور و تجلی همه ارزشهای هنری است. از طرفی محتوا و ماهیت یک بنا یا شهر نیز، همچون محتوای هر هنری از اندیشه ها و اعتقادات فکری و فرهنگی سرچشمه می گیرد. بر این اعتبار در آموزش معماری، عرصه وسیع علوم انسانی، علوم تجربی و هنرها و تاثیرات متقابل آنها در مقاطع مختلف به تجربه گذاشته می شود. ایجاد هنرستان های معماری که در این جا از آن ها به مدارس معماری یاد می شود، راه جدیدی برای آموزش مهارت های ویژه معماری، در کوتاه مدت به نظر می رسد. اما با نگرش سطحی به این موضوع و عدم توجه به میزان بار آموزشی ارایه شده، این مراکز به سرعت از هدف نخست خود دور افتادند. آموزش بسیار سطحی تحت عنوان معماری، به هیچ روی شایسته کشوری با پیشینه معماری ایران نیست. منحصر به فرد بودن شیوه آموزش معماری در هر مدرسه معماری، امتیاز بسیار بزرگی است. ویژگی که مدارس معماری ایران به واسطه برنامه همسان آموزشی از آن بی بهره اند. تنها تفاوت موجود در این مراکز، اختلاف سلیقه هاست. فراتر از گرایش ها، اندیشه ها و سلیقه های متفاوت حاکم بر مراکز آموزش معماری، سردرگمی دانش آموزان در برابر دیدگاه های گوناگون مدرسان است. زیرا در بعضی مراکز آموزش معماری، عده معدودی از مدرسان و اساتید بدون هماهنگی مناسب با همکاران یا خط مشی مرکز آموزشی، روش و نگرش خود را درباره چگونگی انجام طرح های معماری یا سایر دروس اعمال می کنند. در حالی که اگر هریک از این

مراکز، اهداف، برنامه ها و خط مشی مشخصی داشته باشد، دانشجویان خواهند دانست که با چه نوع نگرش و چه برنامه آموزشی مواجه هستند. از نکاتی که امروز در مراکز آموزش معماری در ایران مطرح است و اساتید و مدرسان نسبت به آن دیدگاه های متفاوتی دارند، موضوع انجام طراحی با دست و به صورت سنتی و یا با رایانه است. تاثیر رایانه و انواع نرم افزارها در طراحی معماری و سازه های معماری، بسیار قابل توجه است. نقش رایانه را دست کم از دو جهت می توان مورد توجه قرار داد:

۱. نخست از جنبه تاثیر آن در طراحی که سبب شد امکانات تصویری بسیاری در طراحی پدید آید و امکان آزمودن اتوهای گوناگون، به سادگی و در فرصتی کوتاه فراهم شود.

۲. جنبه دوم نقش و کارکرد بسیار مهم رایانه در زمینه محاسبه سازه، قطعات و جزئیات اجرایی اشاره کرد که امکان طراحی و اجرای سازه های پیچیده و مناسب را فراهم کرده است.

«عیسی حجت» به دستاوردهای تجربه آموزشی خلاق خود که در مطالعات رساله دکتری به دست آورده است، چنین اشاره دارد:

«رابطه استاد و شاگرد»: مهم ترین دستاورد این تجربه برقراری رابطه عمیق و مبتنی بر تفاهم متقابل میان استاد و شاگرد بود. این رابطه باعث می شد تا شاگرد در عین سرگشتگی، با اطمینان به انجام تمرین های خود پردازد.

«ارج نهادن به اندیشه شاگرد و واگذاری نتیجه به او»: دیگر دستاورد این تمرین، شرکت دادن شاگرد، در فرآیند شکل گیری تمرین بود. هرچند که هر تمرین با اهدافی خاص (پنهان و آشکار) شکل می گرفت ولی کشف این اهداف به عهده شاگرد بود، به عبارتی دیگر استاد و شاگرد، هر دو و همزمان از به نتیجه رسیدن یک تمرین به وجد می آمدند. «ایجاد امکان کشف خویشتن (خودشناسی) برای شاگرد»: دستاورد دیگری که از این تجربه حاصل شد، فراهم نمودن فرصت خویشتن شناسی برای

شاگرد بود، فرصتی که در دوران طولانی تحصیل پیش از دانشگاه هرگز برای او فراهم نبوده است. در این فرآیند، شاگرد به نقد نگاه، ذهن و اندیشه خود پرداخته تا خود را از «آنچه که هست» به «آنچه که باید باشد»، متحول کند.

«ایجاد اشتیاق در شاگرد از طریق تمرین های بدیع و جذاب»: علاقمند نمودن شاگرد به انجام تمرین ها از طریق برگزیدن موضوع های بدیع، جذاب و درعین حال پر محتوا، دستاورد دیگری از این فرآیند آموزشی بود. «برقرار کردن امکان تجربه و مکاشفه برای شاگردان»: قرار دادن شاگرد در موضع تجربه و مکاشفه باعث می گردد تا او با اتکاء به ذهن خلاق خود به مطالبی دست یابد که هرگز از خاطرش نخواهد رفت، مطالبی که در صورت آموزش دادن ممکن است به صورت حفظی فرا گرفته و سپس فراموش گردد. وادار کردن شاگردان به استفاده از لیوانی سبک (یکبار مصرف) که لبه مقاوم آن بریده شده بود، چنین تجربه ای بود.

«قرار دادن شاگرد در موضع تصمیم گیری و آشنا کردن او با ویژگی های حرفه معماری»: تمرین های کوتاه مدت اسکیس، که در مدتی کمتر از چهار ساعت شاگرد را وادار به طراحی اثری می نماید، پردازنده بسیاری از ویژگی های شاگرد است برای درک حرفه معماری، قدرت تصمیم گیری و برنامه ریزی در کنار توان طراحی و ارائه از جمله دستاوردهای تمرین های کوتاه مدت می باشد. «جایگزین کردن رفاقت و جذب به جای رقابت و حذف»: خروج از عالم رقابت و حذف یکدیگر که محصول تحصیلات پیش از دانشگاه و گذر از کنکور سراسری بوده و ورود به عالم رفاقت و جذب که لازمه تحصیل در محیطی سالم و فراگیری بیشتر است، یکی از اهداف و نیز دستاوردهای این تجربه آموزشی بود.

«کنجکاوی و تیزبینی و نکته سنجی»: ایجاد نگاه معمارانه در شاگردان یکی دیگر از دستاوردهای این تجربه آموزشی بود. گذر از یک نگاه عامیانه به

محیط و رسیدن به نگاه موشکافانه و تحلیل گرانه. این نگاه که از کنجکاوی در اشیاء ساده و پیش پا افتاده آغاز شده و سپس به حیطه معماری راه یافته بود، نگرش شاگردان به محیط را دگرگون می کرد. «احساس مسئولیت به حرفه و درک حساسیت وظیفه معمار»: گاه قرار دادن شاگرد در موضعی بسیار واقعی و اجرایی باعث می گردید تا او نسبت به کار و حرفه آینده خویش، به شدت احساس مسئولیت نماید و بداند که کوچکترین خطا یا اشتباه او قابل گذشت نیست و عواقب نامطلوبی خواهد داشت.

• «احساس نیاز به درک عینی و مفهومی مصالح»: آشنایی با ویژگی های فیزیکی و نیز ابعاد ذهنی و روانی نهفته در یک ماده، دستاورد دیگر این تجربه برای شاگرد معماری بود (عیسی حجت، ۱۳۸۳، صص ۳۳-۳۵).

پیشینه آموزش معماری در غرب

دیر زمانی است که معماری و آموزش معماری در غرب مراحل تکامل و دوران سنتی خود را پشت سر نهاده است. پای به مرحله تحول گذاشته است. معماری و آموزش معماری ما، اما سرگردان در میان این دو مرحله، با نگاهی به گذشته و معماری سنتی آن و نگاهی به غرب و نگاه متحول آن، دوران بلاتکلیفی خویش را می گذرانند. عمل عبارت است از تمرین مداوم و منظم حرفه ای، و انجام کار دستی (عملی) با مواد لازم براساس طرحها و نقشه های داده شده و نظر، توانایی شرح و بسط اصول، تناسبات و اندازه ها در دستاوردها و محصولات با ارزش است؛ بنابراین معمارانی که در پی یافتن مهارت بدون کسب دانش هستند، هرگز قادر نخواهند بود به قابلیت مورد نظر خویش دست یابند و تنها که صرفاً بر مسائل علمی و مجادلات نظری متکی هستند، آشکارا به شکار سایه می روند. و تنها کسانی با اقتدار به مقصد رسیده و به موفقیت نائل می شوند که مجهز به توان نظری و عملی باشند (Hearn، ۱۱۹، ۱۹۹۰). در عصر رنسانس آلبرتی با تاکید بر اهمیت تربیت نظری و هنرمندانه، برآن بود تا معمار را از یک سازنده - صنعتگر به یک



شخصیت والای علمی ارتقا دهد؛ و در نتیجه آموزش معمار بیشتر جنبه هنرمندانه و انسان شناسانه یافت تا جنبه اجرایی و تولیدکنندگی. آلبرتی ساختمان را به بدن انسان تشبیه کرد که متشکل از نظامها و عناصر است، نظامهای برخاسته از ذهن و عناصر برگرفته از طبیعت‌اند.

آموزش معماری در دوره معاصر

تحول فرهنگی در نظام آموزشی در اکثر رشته‌ها از جمله معماری به صورت مستقل و بدون در ارتباط با نظام آموزش سنتی انجام گرفت. از آغاز، هیچ یک از استادان معماری سنتی در این تحول نقشی نداشتند، چنانکه هنرکده با الگوبرداری از مدرسه هنرهای زیبای پاریس شکل گرفت و هیچ عاملی آن را با معماری سنتی پیوند نداد با مطرح شدن اهمیت معماری بومی در جوامع غربی و شروع انتقاد به معماری مدرن و سبک بین‌المللی توجه معماران ایرانی به معماری سنتی بیشتر شد و با انقلاب اسلامی به اوج خود رسید. در مدارس معماری نیز، توجه هر چه بیشتر به ارزش‌های نهفته در معماری سنتی، بروز کرد. دانشکده‌ها جهت‌گیری فرهنگی جدیدی را آغاز کردند. تلاش شد تا با گنجاندن واحدهایی درباره تاریخ معماری و هنر اسلامی و ایرانی، کاستی‌های گذشته از میان برداشته شود. پی آمد دوم تحول آموزشی، تغییر رابطه آموزشی از فردی به گروهی بود مجموعه اطلاعات و دانش لازم و حتی دروس کارگاهی از راه استادان متعدد به دانشجویان منتقل می‌شود. هم‌اکنون نظام آموزش در دانشکده‌های مختلف، تقریباً به صورتی هماهنگ و همسان در آمده است که محاسن و معایبی دارد. این امر از سویی، تا حدی قدرت ابتکار را از دانشکده‌ها سلب کرده است، ولی اگر برنامه تدوین شده به درستی اجرا شود، پس از پایان دوره، استاندارد حداقلی به دست می‌آید (طاقی، ۱۳۷۵، ص ۱۰).

بررسی روند تحول آموزش معماری آکادمیک

آموزش معماری در ادوار گذشته مانند سایر هنرها بصورت تجربی در طی انجام کار به شاگرد آموخته

می‌شد، این روند به تدریج با توسعه دامنه علوم وابسته به معماری و تخصصی شدن زمینه‌های هنری و نیاز به ساخت و سازهای سریع و استانداردسازی قواعد و اصول ساختمان، به تدریج شکل آکادمیک به خود گرفت. این روند را در مدارس بوزار و باهاوس مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«تاکید اصلی در دروس بوزار بر طراحی معماری بود و دروس نظری تنها به منظور آشنایی بیشتر دانشجویان با تاریخ معماری و اصول طراحی ارائه می‌شد. جدایی کامل دروس تئوری که در کلاس‌ها ارائه می‌شد از طراحی معماری، شاید دیرپاترین میراث سنت بوزار است که هنوز هم به عنوان یک موضوع شاخص در مباحث مربوط به آموزش معماری، مطرح است؛ یعنی نیاز به تلفیق و انسجام دروس یا آگاهی‌های آموزش داده شده یا فرآیند تمرین‌های طراحی. عنصر اصلی در ساختار آموزشی بوزار، آتلیه‌هایی بود که هر کدام توسط یک معمار حرفه‌ای اداره می‌شد و به طبع شخصیت و سلیقه هر استاد‌گرایش آن آتلیه را تعیین می‌کرد. اما آنچه که به سیطره سنت بوزار پایان داد، محافظه‌کاری در رجعت طلبی آن بود، چرا که این مدرسه نسبت به تحولات زمان خود یا بی‌اعتنا بود و یا بسیار دیر به آن توجه نشان می‌داد» (مزینی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸). دوره تعلیماتی باهاوس شامل دو دوره آموزشی بود. دوره اول به مطالعه مواد و کار با دست بر روی آن‌ها اختصاص داشت. در دوره دوم نظریه‌های شکل و طراحی مطالعه می‌شد. در آغاز کار مدرسه، هر شاگرد دو معلم داشت که یکی از آن‌ها صنعتگر و دیگری هنرمند بود. علت این امر نبود معلمانی بود که در هر دو قسمت کفایت لازم را داشته باشند. آموزش در مدرسه با دوره مقدماتی شش ماهه‌ای آغاز می‌شد که در طی آن شاگردان با مواد مختلف مثل سنگ، چوب، فلز، خاک رس، شیشه، مواد رنگی و منسوجات کار می‌کردند که آموزش مقدماتی نظریه شکل نیز با آن همراه می‌شد. مقصود از کار و تجربه بر روی مواد کشف این

مطلب بود که یک دانشجو بیشترین استعداد خلاقه خویش را در کار با کدام ماده خاص نشان می دهد، چرا که یکی از اهداف اصلی این مدرسه آشکار کردن ذهنیت خلاق نهفته فرد بود. امکان داشت که یک دانشجو نسبت به چوب و دیگری نسبت به مواد رنگی و رنگ ها و سومی نسبت به منسوجات حساس تر باشد. هر دانشجو نخست برای استفاده از وسایل دستی و سپس برای کار با ماشین هایی که در صنعت جانشین این وسایل دستی می شد، آموزش می دید (گیدئون، ۱۳۵۶، ص ۱۶۳).

تاریخچه آموزش آکادمیک در ایران

اوستای مکتب، از هزاره سوم پیش از میلاد در آتشکده ها موجود بوده و در مراسم مذهبی خوانده می شده است؛ بنابراین مس توان گفت که پیش از پادشاهی ماد، ایرانیان از سواد خواندند و نوشتن بهره مند بوده اند. آغاز آموزش عالی در ایران از زمان حکومت هخامنشیان (داریوش بزرگ) است، چه از آن هنگام دانشکده هایی برای آموختن علوم مختلف نظری و عملی وجود داشته است. اما شکل گیری دانشگاه به معنای واقعی خود، با «جندی شاپور» شروع میشود که به دست اردشیر بابکان (شاهنشاه ساسانی)، پایه گذاری شد و تا حد سیصد سال از ورود اسلام همچنان باقی بود و مرکز جهانی دانش محسوب می شد (ندیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۳).

پس از سده ها رکورد فرهنگی، امیر کبیر، برای رواج علوم جدید، «مدرسه دارالفنون» را در تهران در سال ۱۲۲۸ ه.ش اوایل دوره ناصری، بنیاد گذاشت. مدرسه دارالفنون سر آغاز آموزش عالی به مفهوم امروزی در ایران بود. این حرکت در آستانه انقلاب مشروطیت با تاسیس «مدرسه فلاح» دنبال شد و سرانجام با تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه.ش رسماً شکل گرفت. در دهه های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، چند دانشگاه پزشکی دیگر و دانشکده کشاورزی در مراکز چند استان مهم تاسیس شد که زمینه را برای تاسیس دانشگاه در آن شهرها فراهم کرد تا آغاز دهه ۱۳۴۰، سه گروه آموزش عالی در کشور

وجود داشت: دانشگاه ها، موسسه های مستقل آموزش عالی و موسسه های آموزش عالی وابسته به نهادهای دولتی (ندیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴).

علی رغم پیشینه آموزش آکادمیک در ایران و با توجه به آنکه اولین آثار معماری مکشوفه در ایران، به ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح بر می گردد (آثار معماری به جای مانده در تپه های لرستان)، متأسفانه تا حدود نیم قرن پیش، نظام آموزشی معماری در ایران به صورت استاد و شاگردی بوده است. این روش آموزش با آنکه در نتایج بدست آمده موفق و مورد قبول صاحب کار بود، نقایصی نیز داشت. طولانی بودن دوره آموزش، عدم امکان برخورد نظرات و عقاید و عدم تبادل نظر بین اساتید و شاگردان، باعث شد تا پس از انقلاب صنعتی - که آموزش در دنیا متحول گشت - در ایران نیز، هر چند تحولات اجتماعی به شکل نهادی و خود جوش نبود، اما به دلیل افزایش ارتباطات و نیازهای موجود زمانه، سیستم آموزش در ایران نیز دچار تحول شود. این تحولات را در دانشگاه هنر اصفهان مورد بررسی قرار داده ایم.

دانشکده هنر و معماری پردیس اصفهان در ساختمان مرمت شده ای در ضلع غربی میدان نقش جهان پشت عمارت عالی قاپو واقع گشته است. بنای دانشکده در اصل توحیدخانه محل تجمع صوفیان بوده است. فضاهای مختلف دانشکده با وجود تنوع فضاها همگی به صورت ردیف فضاهایی می باشند که به رواق دورتادور حیاط متصل می باشند. این رواق به عنوان یک مفصل فضاهای مختلف سرپوشیده را با فضای باز ارتباط می دهد. بنابراین به دلیل یکنواختی کیفیت فضایی این رواق فضاها در وهله اول از نوعی یکنواختی برخوردار می باشند. هر چند فضاها با توجه به عملکرد خاص خود مبلمان شده اند و هر فضا کیفیت خاص خود را دارا می باشد. آنچه در این مجموعه بیشتر مورد توجه می باشد، حفظ اصالت های موجود در یک بنای مرمت شده همراه با اعطای جنبه های عملکردی خاص به آن

بوده است که در حد یک طراحی معماری مجدد با محدودیت های بالا دقت نظر طلب می نماید (وافی، ۱۳۷۳، ص ۲۸).

ماهیت فضای آموزش معماری

رشته معماری را می توان در ردیف هنرهای کاربردی یا مولد به حساب آورد. آمیختگی معماری با هنر و اینکه تمامیت معماری امری حسی است بر کسی پوشیده نیست. تاریخ آموزشی معماری، بطور عمده معماری را نه در ردیف علوم و فنون بلکه در ردیف هنر قرار داده است. معماری از دوران رنسانس در اروپا جزء آکادمی ها و مدارس هنری بوده است. با وجود اینکه این رشته با توسعه و تنوع فنون، رشته ها به ویژه افزایش تعداد گرایش های آموزشی در جهان، بعضا در ساختار مدارس و دانشکده های مهندسی و فنی وارد شده است، هنوز نمی توان ماهیت هنری آن را انکار نمود. تعریف معماری عبارت است از معنی دادن به فضا، و ماهیت هنری معماری ناشی از آن است که درک و دریافت تمامیت معماری امری حسی است و در فرآیند طراحی در مرحله عالی، خلاقیت هنری نقش اساسی ایفا می کند.

سایر هنرها و دلایل با آنهاست. برخی گمان برده اند که ارتباط هنر و معماری از آن جهت است که هنرها بطور مستقیم و غیرمستقیم در کار معماری و بطور عمده در ساخت ابنیه و فضاها دخالت می کنند. و همچنین همه هنرها برای وجود و عرضه خود نیازمند ساختمان هستند. این تصور ارتباط معماری و هنر را به سطح همزیستی دو موجودیت ذاتا مستقل کاهش می دهد و هنر را بصورت چیزی افزوده بر ساختمان تلقی می کند. با این تصور حقیر از رابطه معماری و هنر نمی توان به شیوه های آموزش کارآمد دست یافت. برای دستیابی به شیوه آموزش موثر و ارزیابی نقش فضای آموزشی نمی توان ماهیت هنری معماری را به فراموشی سپرد، چرا که حضور رشته های هنری نظیر موسیقی، نقاشی، مجسمه سازی، تئاتر، هنرهای دستی در کنار معماری باعث شادابی و غنای بیشتر فضای آموزش معماری می شود، آموزش معماری و فرآیند خلاقیت اثر هنری خود باید با ذوق و سلیقه هنری قرین باشد و از این جز از راه تقویت احساس هنری مقدور نیست و ساختار و فضای مدارس و دانشکده های معماری باید با عطف توجه به ذات هنری و احساسی و ضرورت های آموزش آن ساماندهی یا تاسیس شود (نوحی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶).

شیوه آموزش معماری

شیوه آموزش معماری باید به گونه ای باشد که فضای فیزیکی و روح جمعی دانشکده مشوق خودآموزی، کارورزی، رقابت، خودجوشی، بازی گونگی، چالش، تبادل، یادگیری از دیگران (بصورت عمودی و افقی) و بالاخره آماده کار شبانه روزی و به عبارت دیگر خانه دانشجو باشد. برای رسیدن به فضای آموزشی مناسب، ابتدا باید به طراحی روش آموزشی متناسب با این کنش ها پرداخت. روش آموزش موسوم به نظام کارگاهی که در گذشته وجود داشت شیوه موثری برای تامین این خواسته ها است. برخی گمان می کنند با ورود رایانه به نظام آموزشی، نظام کارگاهی اعتبار خود را از دست می دهد، در



انسان + محیط روانشناسی = فضای زندگی

نمودار ۱. ابعاد فضای زندگی انسان؛ ماخذ: ترسیم

نگارندگان بر اساس گیفورد، ۲۰۰۵.

وجه اصلی فرآیند طراحی معماری از دیرباز نه به شیوه حل مساله علمی بوده و نه به شیوه پژوهش های علوم تجربی. گرچه از این روش ها و دستاوردهای آنها در فرآیند طراحی و بطور کلی در انکشاف معمارانه استفاده می شود (نوحی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶). به این ترتیب آموزش معماری قبل از آنکه قابل تشبیه به آموزش در رشته های علمی و فنی (علوم محض و تجربی) باشد، قابل تشبیه به آموزش

جدول ۴. اثر رنگ در ادراک و فهم فضاهای آموزشی؛ ماخذ: گیفورد، ۲۰۰۵.

ردیف	رنگ	احساس فاصله	احساس گرما	انگیزش روانی
۱	آبی	دورتر	سرد	پر آسایش
۲	سبز	دورتر	سرد و خنثی	خیلی پرآسایش
۳	قرمز	نزدیک	گرم	خیلی برانگیزنده
۴	نارنجی	خیلی نزدیک	خیلی گرم	برانگیزنده
۵	زرد	نزدیک	خیلی گرم	برانگیزنده
۶	قهوه‌ای	خیلی نزدیک	خنثی	برانگیزنده
۷	بنفش	خیلی نزدیک	سرد	تهاجمی، افسرده کننده

حالی که هم اکنون استفاده افراطی از کامپیوتر به ویژه در سالهای اولیه آموزش مورد تردید قرار گرفته است، رایانه تاکنون نتوانسته جای ذوق هنری و اندیشه خلاق را بگیرد، از آنجا که نمی توان به نفی دستاوردهای رایانه پرداخت بهتر است در نظام آموزشی کارگاهی جایگاه شایسته‌ای برای رایانه در نظر گرفت.

آنچه از آموزش معماری تا به امروز این گونه دریافت شده می شود که تصور نادرستی از نظام آتلیه‌ای نزد برخی از دانشگاهیان به‌ویژه آنها که هرگز نظام کارگاهی به معنی درست و کامل آن را تجربه نکرده‌اند وجود دارد و آن تصور این است که فرمالیسم مسلط بر دوران مدرن در آموزش معماری، به ویژه در دانشکده‌های هنرهای زیبای تهران را ناشی از نظام کارگاهی می‌دانند و به‌ویژه آن را با نظام بوزاری همسان می‌پندارند. در حالی که این تقارن غیرماهیتی (عرضی) است. و فرمالیسم یا هرگونه ناهنجاری دیگر در آموزش معماری هیچ ارتباطی به شیوه و فضای آموزشی ندارد. چنان که هم‌اکنون نیز در فقدان نظام کارگاهی شاهد کمبودها و ناهنجاریهای زیادی هستیم. به رغم هرگونه نظام آموزشی محتوای آموزشی همواره می‌تواند به دلایل خاص تاریخی- اجتماعی نادرست یا ضعیف باشد. به‌طور کلی می‌دانیم معماری از آنجا که متاثر از ذوق و سلیقه زمانه است، به شدت متاثر از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسلط است. تاریخ آموزشی نشان داده که محتوای آموزشی و نوع نگاه

به هنر و معماری در دانشکده‌های معماری به شدت متاثر از جامعه است و این خود مهر تأییدی بر جنبه هنری معماری است (نوحی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷). در نظام کارگاهی دانشجویان ورودی هر سال به تعداد کارگاه‌های موجود در دانشکده تقسیم شده و در هر دسته وارد کارگاه جداگانه‌ای می‌شوند. تعداد کارگاهها در هر دسته برحسب ظرفیت عمومی آن دانشکده و نحوه برنامه‌ریزی آموزشی (در کادر نظام کارگاهی) و کیفیت و کمیت و همچنین چگونگی ارتباط هیئت علمی متفاوت است. دانشجویانی که در سال اول وارد کارگاهی می‌شوند تا آخر دوران تحصیل خود، عملاً بصورت یک عضو فعال، دائمی و همبسته و پویای آن کارگاه درآمده و در رابطه تنگاتنگ و جاندار با مجموعه کارگاهی خود قرار می‌گیرند. به‌صورتی که دستاوردها، ابداعات، پیشرفته‌ها، رشد و تعالی هر کارگاه جزئی از وجود هریک از دانشجویان می‌شود. به این ترتیب این یگانگی و همبستگی درون کارگاهی در یک مجموعه آموزشی باعث برانگیختن رقابت سازنده در میان کارگاهها و ایجاد شور و اشتیاق بیشتری در سطح دانشکده می‌شود. این شخصیت گروهی و رقابت بین کارگاهی به هیچ وجه مابین رقابتها و تلاشهای فردی و درون کارگاهی نیست، بلکه رقابتها و تلاشهای درون کارگاهی را گسترش داده، رفتارها و شخصیت‌های سازنده و کمک‌های متقابل دانشجویی را تشویق و حمایت می‌کند. این رقابت و سبقت‌گیری از یکدیگر از یک طرف، در درون

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۵. ارزیابی نظام سنتی آموزش معماری؛ ماخذ: قدوسی فر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۴.

دیدگاه آموزش معماری سنتی				
پارامترهای ارزیابی	فارابی	ابن خلدون	فتوتنامه بنایان	رسالة المعماریه
هدف ها: فانع کردن شاگردان در مورد اهداف	به دلیل همراه بودن با آموزش عملی، هنرجو در مورد دلیل آموزش دیدن هر پارامتر و کاربرد آن فانع می‌گردد.	به دلیل همراه بودن با آموزش عملی، هنرجو در مورد دلیل آموزش دیدن هر پارامتر و کاربرد آن فانع می‌گردد.	به دلیل همراه بودن با آموزش عملی، هنرجو در مورد دلیل آموزش دیدن هر پارامتر و کاربرد آن فانع می‌گردد.	به دلیل همراه بودن با آموزش عملی، هنرجو در مورد دلیل آموزش دیدن هر پارامتر و کاربرد آن فانع می‌گردد.
محتوا: - مرتبه شدن آموزشها با تجارب و زندگی شخصی	- ارتباط هنرمند با متن جامعه - تجربه شخصی - آموخته‌ها به دلیل استفاده از آموزش‌های عملی	- ارتباط هنرمند با متن جامعه - تجربه شخصی آموخته‌ها به دلیل استفاده از آموزش‌های عملی	- آموزش موارد اخلاقی و دینی مرتبط با زندگی شخصی - ارتباط هنرمند با متن جامعه - تجربه شخصی آموخته‌ها به دلیل استفاده از آموزش‌های عملی	- ارتباط هنرمند با متن جامعه - تجربه شخصی آموخته‌ها
فعالیت های یادگیری: - استفاده از فعالیت‌های تصویرسازی شده به واسطه هنر و موسیقی - تمرینهای ذهنی (به دلیل استفاده از مباحث نظری و عملی به صورت همزمان) - عدم جدا کردن اطلاعات از زمینه (آموزش در محیطا)	- تمرین‌های ذهنی (به دلیل استفاده از مباحث نظری و عملی به صورت همزمان) - عدم جدا کردن اطلاعات از زمینه (آموزش در محیطا)	- عدم جدا کردن اطلاعات از زمینه (آموزش در محیطا) - تعامل گروهی (آموزش در نظام صنفی)	- عدم جدا کردن اطلاعات از زمینه (آموزش در محیطا) - تعامل گروهی (آموزش در نظام صنفی)	- استفاده از فعالیت‌های تصویرسازی شده به واسطه هنر و موسیقی - تمرینهای ذهنی (به دلیل استفاده از مباحث نظری و عملی به صورت همزمان) - عدم جدا کردن اطلاعات از زمینه (آموزش در محیطا) - تعامل گروهی (آموزش در نظام صنفی)
روشهای ارزشیابی: - مبتنی بودن بر نظام خودارزیابی	- ارزیابی توسط استاد خودارزیابی در هنگام کاربرد عملی آموخته‌ها در کارگاه	- ارزیابی توسط استاد خودارزیابی در هنگام کاربرد عملی آموخته‌ها در کارگاه	- ارزیابی توسط استاد (بخشبین عهد) - خودارزیابی در هنگام کاربرد عملی آموخته‌ها در کارگاه	- ارزیابی توسط استاد خودارزیابی در هنگام کاربرد عملی آموخته‌ها در کارگاه
منابع و ابزار یادگیری: - انجام فعالیت بدنی - استفاده از ابزار واقعی - وجود محرک‌های محیطی	- انجام فعالیت بدنی - استفاده از ابزار واقعی - وجود محرک‌های محیطی	- انجام فعالیت بدنی - استفاده از ابزار واقعی - وجود محرک‌های محیطی	- انجام فعالیت بدنی - استفاده از ابزار واقعی - وجود محرک‌های محیطی	- انجام فعالیت بدنی - استفاده از ابزار واقعی - وجود محرک‌های محیطی
زمان: - عدم وجود سن زمانی دقیق برای یادگیری	- عدم وجود سن زمانی دقیق برای یادگیری	- عدم وجود سن زمانی دقیق برای یادگیری	- عدم وجود سن زمانی دقیق برای یادگیری	- عدم وجود سن زمانی دقیق برای یادگیری
فضا و مکان: - یادگیری درون محیط واقعی	- یادگیری در شرایط واقعی و در کارگاه اتفاق می‌افتاد.	- یادگیری در شرایط واقعی و در کارگاه اتفاق می‌افتاد.	- یادگیری در شرایط واقعی و در کارگاه اتفاق می‌افتاد.	- یادگیری در شرایط واقعی و در کارگاه اتفاق می‌افتاد.
گروه‌بندی: حمایت از فعالیت‌های گروهی	- وجود فعالیت گروهی در نظام صنفی و استاد و شاگردی	- وجود فعالیت گروهی در نظام صنفی و استاد و شاگردی	- وجود فعالیت گروهی در نظام صنفی و استاد و شاگردی	- وجود فعالیت گروهی در نظام صنفی و استاد و شاگردی
راهبردهای تدریس: تأکید بر راهبردها و آموزش‌های نظری و عملی به صورت همزمان	- تأکید بر راهبردها و آموزش‌های نظری و عملی به صورت همزمان	-	-	- تأکید بر راهبردها و آموزش‌های نظری و عملی به صورت همزمان
خلاقیت بر اساس تئوری مغز سه گانه	بروز در سطحی بالاتر	بروز در سطحی پایتتر	بروز در سطحی پایتتر	بروز در سطحی بالاتر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۲۴

هر دوره به‌عنوان برگزیده دوره جریان دارد (ارتباط افقی درون کارگاهها) و از طرف دیگر مابین سالهای مختلف به‌عنوان برگزیده کارگاه (ارتباط عمودی درون کارگاهی). این رابطه افقی و عمودی درون یک کارگاه در کادر رقابت میان کارگاهی تبدیل به رابطه‌ای بسیار فعال و سازنده در هردو جهت عمودی و افقی می‌شود. دانشجویان سالهای بالاتر عملاً و فعالانه و بطور خودجوش و داوطلبانه در یک رقابت سازنده با یکدیگر به کمک سالهای پایین‌تر رفته. در جریان فعالیت‌های خود به خودی خود به‌صورت آسبستانهای خودجوش نظام آموزشی درمی‌آیند. به این ترتیب بذر اولین کارآموزی‌ها و فراگیری دانش و فن معماری در جریان عمل کاشته می‌شود. مکان تحقق چنین آموزشی طبعاً باید متناسب با محتوای آموزشی انتخاب شده و زمینه‌ساز فضای مطلوب محسوب می‌شود (نوحی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

مکان یابی فضای آموزش معماری

در ساماندهی منظم هریک از عناصر شهری در جهت دستیابی به الگوی خاص لازم است ویژگی‌های هریک از آنها به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته، کمیت و کمیت فعلیت روشن شده تا روابط متقابل بین آنها از جهت همگن یا ناهمگن بودن مشخص گردد. استقرار فضاهای آموزشی و پرورشی به لحاظ تا ثیرات خاصی که بر روی کالبد و بافت شهر می‌گذارد و بار مالی زیاد، شایسته بررسی گسترده می‌باشد (جراحی، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

شناسایی مکان قرارگیری در دو مقیاس خرد و کلان می‌تواند مطرح گردد:

۱. «مقیاس کلان»: در مقیاس کلان یعنی در محدوده کشور حضور غنای فرهنگی در سنت معماری، ویژگیهای خاص اقلیمی و همچنین نیازهای اجتماعی در امر ساخت در یک منطقه از یک سو و وجود امکانات آموزشی از سوی دیگر می‌توانند در نقاط مختلف کشور با مشخصات گوناگون باهم ارتباط داشته و علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای

مناطق واحد، یک نوع دیدگاه منبعث از پایه‌های فرهنگ منطبق در چهارچوب برنامه آموزشی پدید آورند؛

۲. «مقیاس خرد»: در مقیاس خرد یعنی در جایگیری مراکز آموزشی در محله و شهر نیز باید مراکز آموزشی مطلوب دارای ارتباطی قوی با جامعه بوده و در قلب شهرها جای گیرند (کریمی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲).

محل قرارگیری فضای آموزش معماری از چند جنبه قابل بررسی است:

۱. «محیط کالبدی»، مانند معماری فضای آموزشی که ترکیبی از شکل، نور، رنگ، مصالح و مسائل اقلیمی و آب و هوایی است؛

۲. «محیط اجتماعی»، مانند نهادهای مربیان و اعضای هیئت علمی آموزشی و هنرجویان؛ و
۳. «محیط روانشناختی»، از تصاویر ذهنی و الگوهای رفتاری مخاطبین در فضای آموزشی ناشی می‌شود (خوشنویس، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱).

محیط اطراف از هرنوع که باشد دارای قابلیت‌هایی برای فعالیت‌های خاص انسانی، تجارب زیبایی‌شناسی و ویژگی انطباق‌پذیر انسان با آن است. شرایط کالبدی، معماری فضای آموزشی، به دلیل این انطباق‌پذیری و برای تامین فعالیت‌ها و تجربه‌های جدید زیباشناسی، همواره تغییر می‌کند. هنرجویان با کمک هم محیط آموزشی و حتی خوابگاهی خود را رنگ می‌کنند و بر در و دیوار آن تابلوهایی از هنرمندان در مکاتب و سبک‌های انتخابی خود می‌آویزند، درست به همان ترتیبی که برای خودشان دارای معانی خاص زیبایی‌شناسی است. این نوع تغییرات که آگاهانه برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود، برای رسیدن به فضایی مطلوب است که زندگی در آن برای مخاطبین ایده‌آل بنظر برسد. این امر نشان می‌دهد که هنرجویان بر تاثیرات عناصر کالبدی بر سرنوشت دیدگاههای هنری خویش واقفند. اراده و اختیار انسانی، این آزادی را به هنرمند داده است که خود را در معرض تاثیرات

نامطلوب قرار ندهد. نظریه پردازان علوم رفتاری در مورد تاثیرات متقابل انسان و محیط بر یکدیگر اتفاق نظر دارند:

۱. «نظریه اختیار»: گروهی برآنند که محیط هیچ تاثیری بر رفتارهای انسانی ندارد؛ و

۲. «نظریه جبر»: گروهی به نقش اصلی و تعیین کننده محیط بر رفتارهای انسانی اعتقاد دارند؛ و

۳. «نظریه تلفیقی»: نظریه پردازانی هم هستند که نه بر اختیارگرایی صرف اعتقاد دارند، نه بر جبرگرایی صرف و امکان تاثیر و تاثیر متقابل رفتارهای زیبایی شناسانه انسان و عناصر محیطی را بر یکدیگر توأم مطالعه می کنند. نظریه اختیار به دلیل بی توجهی به واقعیت های موجود در اطراف انسان قابل دفاع نیست. اما طرفداران دو نظریه جبر و امکان، یا جست و جوی رابطه علت و معلولی، قابلیت های عناصر محیطی را بر رفتار زیبایی شناسانه انسانی (خوشنویس، ۱۳۸۴، ص ۱۹۲).

علاوه بر این، عوامل موثر در مکان قرار گیری مدارس و موسسات آموزشی به دو دسته اصلی:

۱- «عوامل طبیعی»: عوامل طبیعی مشتمل بر: اوضاع طبیعی (بحث توپوگرافی و شیب زمین)؛ اقلیم (مشتمل بر بررسی مواردی نظیر سیل، باد و تابش آفتاب)؛ زلزله (بحث محدوده گسل ها)؛ خاک توپوگرافی (بحث جنس و مقاومت خاک)؛ ریزش بهمن می باشد و

۲- «عوامل کالبدی» به مواردی همچون: شعاع دسترسی (بحث حوزه نفوذ مدارس)؛ دسترسی (بحث شبکه های دسترسی مناسب پیاده و سواره در مقاطع مختلف تحصیلی)؛ تأسیسات زیربنایی (همچون شبکه آب، برق، فاضلاب)؛ خدمات شهری (همچون شبکه اتوبوسرانی، نزدیکی به موسسات فرهنگی و ورزشی)؛ اشراف دید ساختمانهای همسایه به مدارس (با تاکید بر مدارس دخترانه)؛ ظرفیت مکانی (بحث تناسب تعداد مدارس با جمعیت و سرانه آموزشی)؛ کاربری های همجوار سازگار

(نظیر کاربری مسکونی، کاربری فرهنگی، کاربری فضای سبز)؛ کاربری همجوار ناسازگار (نظیر کاربری صنعتی، کاربری بهداشتی- درمانی) تقسیم می شود (مرجایی و شکوهی، ص ۸ و ۹).

طراحی فضاهای آموزشی با رویکرد انعطاف پذیر

انعطاف پذیری در معماری مقوله ای است که پاسخگوی بسیاری از نیازهای تغییرپذیر در فضای داخلی به شمار می رود. تامین شرایط آسایش بسته به مقتضیات سنی، سلاقی بشری و نحوه جریان بهتر عملکردها در داخل فضا به واسطه فراهم آوردن امکان انعطاف پذیری در معماری مقدور می باشد. توجه به مقتضیات فضای آموزش معماری نظیر استفاده از مدولاسیون در ساخت و طراحی مقرون به صرفه فضاها، ورود فناوری انتقال اطلاعات رایانه ای در فنون آموزشی نوین، بررسی جدیدترین استانداردها در طراحی فضای آموزشی معماری مدنظر قرار می گیرد تا نیازهای آتی فضای آموزشی تا حد زیادی پیش بینی شده و پاسخ داده شوند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۱).

«انعطاف پذیری» بطور عام به قابلیت تغییر در اجسام و اشیا گفته می شود. در معماری و طراحی و به طور خاص در طراحی فضای آموزشی معماری منظور از واژه «انعطاف پذیری» انعطاف پذیری فضایی و ساماندهی فضای انسان ساخت و تغییر آن برای دستیابی به شرایط، نیازها و سیستم های نوین آموزشی است. در این پژوهش با توجه به ویژگیهای فضای آموزشی، گونه های انعطاف پذیری با عناوین تنوع پذیری (فضاهای چندعملکردی)، تطبیق پذیری (جابه جایی به واسطه فعالیت های مختلف) و تغییرپذیری (تفکیک و تجمع) تعریف شده اند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۳).

تنوع پذیری قابلیت فراهم آوردن استفاده های مختلف از فضا است. این نوع انعطاف پذیری با دو متغیر زمان و فضا سروکار دارد. فضاهای آموزشی می توانند برای چندعملکردی شدن بطور همزمان و برای عملکردهای مختلف در زمانهای مختلف،

استفاده شوند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۴). تنوع‌پذیری می‌تواند از راه طراحی نقشه با ساختار هندسی منظم، دسترسی آسان و خوانا به تجهیزات و یا از راه تنظیم اندازه کلاسها بدست آید. مهم‌ترین خواص تنوع‌پذیری فضایی عبارت‌است از: قابلیت دسترسی خوانا و آسان به کلاسها، تلفیق فضاهای آموزشی در یک فضا و تقلیل اتلاف در فضاهای ارتباطی، استفاده مفید از فضای دسترسی، به گونه‌ای که تبدیل عملکردهای مختلف را میسر کند.

تطبیق‌پذیری قابلیت هماهنگ‌شدن یک فضا با شرایط جدید مورد نیاز است. این قابلیت در عمل ثابت نبودن اجزای داخلی و امکان ترکیب متنوع از آن‌ها را سبب می‌شود. تطبیق‌پذیری در فضای آموزشی معماری می‌تواند بسیار کارآمد و از لحاظ اقتصادی بسیار مقرون به‌صرفه باشد (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۴).

در طراحی انعطاف‌پذیر فضای آموزشی، تغییرپذیری به معنای قابلیت پاسخ به رشد فضاها در مراحل مختلف آموزشی است. به عبارت دیگر این قابلیت تغییر اندازه را چه در جهت کوچکتر شدن و چه در جهت بزرگتر شدن امکان‌پذیر می‌کند. این تغییرپذیری ممکن است به دلیل نیازهای بلندمدت یا کوتاه‌مدت رخ دهد (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۴).

تحلیل انعطاف‌پذیری در فضای آموزش سنتی ایران

گونه‌های انعطاف‌پذیری شامل تنوع‌پذیری، تطبیق‌پذیری، و تغییرپذیری در هر سه مقیاس خرد، میانی و کلان مدرسه سنتی دارای مفاهیم و ویژگی‌های خاص خود هستند. برای درک بهتر این تفاسیر از مدرسه چهارباغ اصفهان واقع در بافت تاریخی شهر اصفهان کمک گرفته شده‌است.

۱. «تنوع‌پذیری»: تنوع‌پذیری و مفهوم فضای چندعملکردی در مقیاس خرد تا کلان مدرسه چهارباغ، از تغییر عملکرد اجزا و عناصر تشکیل دهنده کلاس‌ها تا تغییر عملکرد کلاس‌ها و فضاهای سرپوشیده پیرامون حیاط‌های مدرسه و تغییر و تبدیل عملکرد بخش‌های آن قابل تحلیل

است (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۶). تنوع عناصر تشکیل دهنده مدرسه در مقیاس ریزتر از جمله سردر ورودی با سلسله مراتب ورود، فضای نشستن، فضاهای متنوعی را برای عملکردهای مختلف به وجود می‌آورد. عناصری مثل طاقچه ضمن سبک کردن دیوارهای باربر محل مناسبی برای قرار دادن اشیاء فراهم می‌آورند و کارکردهای متنوعی دارند. عناصری مثل در و پنجره هم با عملکردهای متفاوت، مثل عبور و مرور، ارتباط، نوردهی و همچنین استفاده از نقوش و رنگهای زیبا، فضاهای متنوعی را پدید می‌آورند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

۲. «تطبیق‌پذیری»: مفهوم «تطبیق‌پذیری» و انطباق فضاهای کالبدی با عملکردهای متغیر فصلی و روزانه، تمامی مقیاس‌های تعریف‌شده را شامل می‌شود. تغییرپذیری بیشتر در مقیاس کلان مدرسه و استفاده از بخش‌های مختلف آن در شرایط مختلف مصداق دارد. در هر کدام از سه گونه تعریف شده انعطاف‌پذیری، عامل زمان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. در مدرسه سنتی تنوع‌پذیری با تبعیت نقشه مدرسه از یک الگوی عام شکل‌گیری و هم استفاده از نظام مبنای پیمون امکان‌پذیر می‌شود. حیاط مدرسه به دلیل قرارگیری در مرکز، محل تقسیم عملکردها بوده و قابلیت تبدیل به فضای جمعی برای سخنرانی را داشته‌است. این مرکزیت بیش از آنکه فیزیکی باشد، تمرکزی موردی و عملکردی است. عمق فضاهای نورگیری در جبهه‌های مختلف متفاوت است. نماهای داخلی حیاط با تبعیت از همان الگوی پیمون شکل می‌گیرند و تشخیص فضاهای اصلی و فرعی مدرسه را میسر می‌سازند. عمق نما، گاه در حد لایه تشکیل دهنده دیوار و در پاره‌ای موارد به عمق یک ایوان یا ایوانچه است. قابلیت دسترسی به حجره‌ها از راه حیاط و راهروهای ارتباطی، تنوع عملکردی حجره‌ها را میسر می‌کرده‌است، این گونه ارتباط‌های داخلی موجب تلفیق کارکردها در یک فضا و تقلیل اتلاف در فضاهای ارتباطی می‌شود. به این ترتیب فضاهای ارتباطی

هم که رابط میان دو حجره مجاور هم هستند خود فضایی چندعملکردی محسوب می‌شوند. عناصر اصلی بنا چون هشتی یا دالان ورودی هم ضمن ایجاد فضای واسطه میان درون و بیرون و انتقال از فضای عمومی و نیمه‌عمومی به فضای خصوصی مدرسه، به طور مستقل فضای تقسیم و ارتباط هم بوده‌اند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۷). در مدارس سنتی ایران همواره با تغییرات روزانه و فصلی، بخش‌های مختلف با عملکردهای مود نیاز تطبیق داده می‌شد. حیاط تطبیق دهنده عناصر با عملکردهای مختلف و تنظیم کننده تمامی تغییرات مورد نیاز در ارتباطات داخلی ساختمان بود. در عین حال عناصری از حیاط هم در تنظیم این عملکردها نقش مهمی دارند از جمله نورگیری حوض در مرکز حیاط و استفاده از آن برای تلطیف هوا و همچنین استفاده از فضای کنار حوض و کاشت گیاهان مناسب در فصل‌های مختلف، زمینه تطبیق فضای حیاط با نیازهای ساکنان را فراهم می‌آورد. تفکیک فضاهای تابستان نشین و زمستان نشین در تطبیق فضاها با نیازهای ساکنان در مقیاس میانی، هر سه نقش مهمی را ایفا می‌کنند (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

۳. «تغییر پذیری»: قابلیت «تغییر پذیری» و امکان تغییر و تفکیک بخش‌های مختلف مدرسه حتی در تغییر عملکرد آن به فضاهای دیگر، به خوبی پاسخگو بوده‌است. ویژگی عام فضاهای پیرامون فضاهای اصلی و حیاط کوچکتر آن به گونه‌ای است که امکان استفاده‌های مختلف را در فضاهای آرام فراهم می‌آورد. در بسیاری از مدارس موجود در بافت تاریخی تغییر نظام آموزشی به خوبی و بدون تغییر در هندسه و الگوی بنا با کمترین تغییرات در فضاهای اصلی و به گونه‌ای هنرمندانه در نحوه تفکیک فضاهای آموزشی صورت می‌گیرد. بنابراین از جهت عملکردی، تغییر پذیری در هر سه مقیاس مدرسه سنتی وجود داشت. نظام ساختمانی مدارس سنتی با استفاده از پیمون کوچک و بزرگ، پاسخگوی نیازهای فضایی استفاده‌کنندگان بوده‌است. این

تغییرات فضایی در مقیاس‌های کوچک‌تر حیاط بیرونی و فضاهای گسترده‌تر حیاط اندرونی مشاهده می‌شود. به همین نسبت حیاط خدماتی کوچکتر از حیاط اصلی بوده و متناسب با نیاز ساخته شده‌است. حیاط خدماتی به دلیل نیاز به ارتباط نزدیک و روان با حیاط اندرونی و بیرونی آن، امکان ورود چهارپایان و حمل‌ونقل وسایل به انبار را داشته‌است (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

بنابراین با توجه به ساختار قابل درک زیباشناسانه فرم در این ارزیابی، در مقوله انعطاف‌پذیری فضاهای آموزشی می‌توان آن را به قسمت‌های وحدت یافته زیر تقسیم کرد. این تقسیم بندی شامل:

۱. عناصر اولیه یا فرم‌های قابل درک اجزای تشکیل‌دهنده ساختار فرمی مانند: نقطه، خط، سطح، حجم؛
۲. کیفیات و کمیات قابل درک به صورت منفرد و ذاتی یا نسبی و اکتسابی در مجموعه مانند: شکل، رنگ، موقعیت و اندازه؛ نظم، قواعد و روابط بین عناصر با یکدیگر و کلیت مجموعه فضاها و نقش آنها در کل فضای آموزشی مانند هماهنگی، نظم، ترتیب، سلسله مراتب، تناسب، تعادل؛
۳. وجه فنی شامل تکنیک، ابزار و ماده (سازه، تکنولوژی، مصالح)؛
۴. وجه انسانی شامل تناسب با ابعاد انسان و توانایی و ویژگی‌های انسانی؛
۵. وجه عملکردی براساس محتوا و ماهیت سیستم آموزشی؛ وجه بیان انتزاعی، ناب یا تجربیدی؛
۶. وجه نمادین یا سمبلیک؛
۷. وجه بیانی بازنمایی (شبیه‌سازی) نشانه‌ای.

تأثیر ارتباطات IT در انعطاف‌پذیری مدارس

در آن مفهوم منظور تکنولوژی اطلاعات، به کارگیری روش‌های غیرحضور و یا نیمه‌حضور آموزشی است که انعطاف‌پذیری در محیط آموزشی و امکانات آموزشی و یا فضاهای منعطفی که امکانات آموزشی را در اختیار می‌گذارند را موجب می‌شود. بدون شک در این روش فضای کلاس درس کاسته شده و باید

به امکانات و وسایل کمک آموزشی افزود. در آموزش به روش IT به جای میز و نیمکت و تخته سیاه در کلاسها کی بورد، مانیتور، میز کامپیوتر و یک خط سریع شبکه اینترنتی جزو الزامات فضای آموزشی هستند. بنابراین این نوع سیستم آموزشی و نحوه بکارگیری IT در آن تعریف جامعی از تاثیر IT در انعطاف پذیری را ارائه می دهد که این نوع آموزش در سه روش حضوری با امکانات IT و کمک آموزشی، نیمه حضوری با امکانات IT و کمک آموزشی، غیرحضوری فقط با امکانات IT قابل بررسی است (محمودی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸).

سیاق آموزش سنتی معماری

براساس اسناد به جای مانده در گذشته آموزش هنر در میدان عمل، با نگرستن به دست استاد و با تمرین و ممارست، نسل به نسل از استاد به شاگرد انتقال می یافت. چنانچه شاهد هستیم امروزه با تعدد نگرشها، بینشها و عقاید و گستردگی و تنوع دانش و فن ساختمان، آموزشی کارآمد و جامع خواهد بود که بستر رشد هنرجویان را در تمام زمینهها در میدان عمل فراهم آورد. آموزش کارگاهی دستاوردهایی را در پی داشته است که به ادامه به توضیح آن می پردازیم.

آموزش ضمن خلق اثر (تلفیق نظر و عمل) که در طراحی مجموعه مکتب خانه معماری اصفهان، با تمهید فضاهای کارگاهی، جهت هر دوره و گروه آموزشی امکان آموزشی عملی و کارگاه محور دیده شده است. آموزش به شیوه شیفت آتلیه که این شیوه آموزش همچنان به عنوان موثرترین شیوه آموزش هنر شناخته می شود. با توجه به نظام آموزش آن که دارای سلسله مراتب آموزش از استاد به شاگرد و از شاگرد به شاگرد رده پائین تر است. آموزش به این شیوه نیازمند سیستم آموزشی هدفمند و عرصه هائی است که در آن رده های مختلف هنرجویان در فعالیتهای هنری مشترک حضور پیدا کنند می باشد. فضاهای کارگاهی مجموعه و بخصوص فضاهای کارگاههای کار گروهی واقع در طبقه همکف، امکان تجمع گروههای

مختلف آموزشی را فراهم نموده و محل مناسبی برای فعالیت گروههای و شکل گیری همکاری گروههایی در رده های مختلف در پروژه های معماری و هنری را فراهم آورد. با توجه به قرارگیری این فضاها در مجاور محورهای تردد هنرجویان، می تواند ضمن ایجاد مشارکت گروهی و رقابت با سایر گروهها، خروجی فعالیت آنها مورد قضاوت و بازخورد اساتید و هنرجویان قرار گیرد.

بیان یافته ها

در این پژوهش در روش فراتحلیل و تحلیل محتوا به بررسی نظرات ارزنده صاحب نظران در مورد آموزش معماری پرداخته شده و نکاتی ارزنده از آنها احصاء و تحلیل شده است.

الف- امکانات آموزشی

جدول ۶: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
هاشم هاشم نژاد	به نظر من در آموزش معماری تنها استاد مؤثر نیست، استاد، دانشجو و امکانات و وسایل کمک آموزشی در واقع سه رأس مثلث آموزش معماری را تشکیل می دهند (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱).

ب- شرایط محیطی دانشکده

ج- روشهای آموزش و تدریس در ادامه در قالب جداول زیر به شرایط محیطی و روشهای آموزش و تدریس معماری اشاره می شود.

جدول ۷: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
حسین سلطان زاده	فقدان ارتباط آکادمیک استاد و معماران با یکدیگر و عدم ارتباط و همکاری علمی و بین مراکز و دانشکده های گوناگون معماری از مسائل مهمی است که مدیریت های آموزشی و پژوهشی برای توجه به آن لازم است برنامه ریزی و اقدامات مناسب را انجام دهند. در این زمینه می توان اشاره کرد که ساختار آموزشی واحدهای دانشگاه آزاد به گونه ای است که غالباً امکان استفاده از اساتید مراکز دیگر آموزشی در آن میسر است، در حالی که بیشتر دانشکده های معماری دولتی فضا نسبتاً محدودتر و بسته تری دارند (سلطان زاده، ۱۳۸۳، ص ۱).
حمید نوحی	مشکل دیگر در آموزش معماری و به طور کلی رشته های هنری مدرک گرایی و برخورد خشک و اداری است. به فارغ التحصیلان خارج از کشور اهمیت بیشتری داده می شود در حالی که ما، لاقبل در رشته معماری، بهترین پشتوانه را در میان فارغ التحصیلان داخل داریم. سابقه کار آموزشی معماری بسیار دخیل است. به تجربه دریافته ایم اساتیدی که علاوه بر سابقه آموزشی سابقه کاری پرباری هم دارند، از کارایی زیادی برخوردارند (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۷).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۰

جدول ۸: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
حسین سلطان زاده	یکی از مشکلات مدرک گرایی در مرکز آموزش است که برای تدریس برخی از دروس به افرادی با تبحر ویژه نیاز است که این تبحر به ویژه در رشته ای مانند معماری تنها بر اثر آموزش بیشتر حاصل نشده، بلکه مهارتهای فردی و تجربیات شخصی در کسب آن اهمیت قابل توجهی دارد و لزوماً افرادی با مدارک بالاتر نمی توانند از عهده تدریس آن دروس برآیند، در این حالت نظام اداری و آموزشی غالباً امکان بهره گیری از مهارت، دانش و تجربیات این گونه افراد را به سادگی فراهم نمی آورد. برای مثال می توان به برخی از معماران حرفه ای اشاره کرد که گاه بیش از دو دهه سابقه فعالیت های ارزشمند حرفه ای دارند. اما مدارک آنان کارشناسی ارشد است که بر اساس ضوابط نمی توان از آنان به عنوان نیروهای دائمی آموزشی استفاده کرد (سلطان زاده، ۱۳۸۳، ص ۱).

جدول ۹: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
کامبیز نوایی	فکر می‌کنم، اگر در دانشکده‌های معماری امکان کارهایی عملی بیشتر وجود داشته باشد، همه از آن استقبال خواهند کرد. وقتی که واقعیتها پیش روی دانشجوی معماری قرار گیرد، همان طور که وقتی پیش روی مهندس معمار قرار می‌گیرد، تازه خلاقیت امر جالبی می‌شود (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳).
سیمون آیوازیان	استاد علاوه بر اینکه در حرفه تخصصی اش فرد خلاق است باید در روشهای تدریس هم خلاقیت داشته باشد (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۴).
محمد مهدی محمودی	گاهی اوقات تأثیر عقاید استاد بسیار زیاد می‌شود، به طوری که هر طرح و ایده‌ای که دانشجوی پس از گفت و شنود با مدرس ارائه می‌دهد، در واقع همان ایده استاد است در این صورت مدرس به عنوان یک معمار و دانشجو یک نقشه کش تلقی می‌شود (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵).

جدول ۱۰: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
داراب دیبا	الان در دانشگاه تهران تلاش می‌کنیم نظام آتلیه‌ای را پیاده کنیم، دانشجویان معماری به سه کارگاه تقسیم شده‌اند که بچه‌های دوره اول تا دانشجویان سال آخر در آتلیه با هم هستند. اما این سیستم بازده نظام قبلی را ندارد، زیرا که دانشجویان سالهای مختلف با هم دیالوگ ندارند (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).
داراب دیبا	دلیل دیگر کارایی پایین سیستم کارگاهی فعلی، مشکل تورم و گرفتاریهای مالی و کار بیرون دانشجویان است. از طرف دیگر، تقریباً در ذهن همه دانشجویان این می‌گذرد که اگر ما بیرون کار کنیم بیشتر استفاده خواهیم کرد تا در دانشکده، همه این عوامل را در نظر بگیریم مشاهده می‌کنیم که نظام آتلیه‌ای کارایی سابق را ندارد (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).
محمد مهدی محمودی	برای اینکه سیستمهای آتلیه‌ای به بازدهی مطلوب برسد، قدم اول را باید استادهای بردارند، واقعاً از این سیستم طرفداری کنند و هماهنگی‌های لازم را بین کارگاه‌های دانشکده فراهم و نهایتاً با دروس غیر از دروس طراحی ارتباط برقرار کنند؛ مثلاً اساتید دروس فنی در کارگاه‌ها و در کنار اساتید طراحی به کرکسیون پردازند (البته در حیطه کار خود) (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۱

جدول ۱۱: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
هاشم هاشم نژاد	مسئله دیگری که در رابطه با آموزش می توانیم مطرح کنیم این است که زمانی، دانشجویان معماری از دانشجویان سالهای بالاتر از خود مطالب زیادی را فرا می گرفتند. این وضعیت در حال حاضر کلاً در دانشکده ها از بین رفته است. یعنی آن سیستم آتلیه ای سابقه که هر دانشجو از سال بالاییهایش بیشتر و بهتر و راحت تر آموزش می گرفت، منسوخ شده است (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶).
کامبیز نوائی	اولین گامی که برای تحقق نظام آتلیه ای باید برداشت این است که دانشجویان حضور تمام وقت در آتلیه داشته باشند و طبعاً مسئله کار نکردن در بیرون یا کم کار کردن پیش می آید. وجه دیگر نظام آتلیه ای، مسئله هماهنگی است (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷). د- برنامه و محتوای آموزش

جدول ۱۲: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
فرانک لویدرایت	نگران تعلیم طراحی نباشید، اصول را تعلیم دهید (لویدرایت، ۱۳۷۷، ص ۷۵).
محمد کاظم سیفیان	تجربه کار آتلیه ای، فارغ از اینکه بنیانگذارش چه کسی بوده، برای آموزش معماری مفید است. به اعتقاد من برای ایجاد تعادل، باید دروس تئوری را در هم ادغام کرد و گرایشهای متفاوت را در دوره های کارشناسی ارشد ناپیوسته یا دکترا گنجانده (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴).
سیمون آیوازیان	تصور می کنم اگر در مبانی نظری معماری از شناخت، تعریف و پیشبرد معماری و رابطه آن با اجتماع بحث شود، کمک مؤثری به آموزش خواهد کرد (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۳).
سید رضا هاشمی	با همسایگانی جدید، یعنی مهندسان ساختمان و برق و تأسیسات، عهد مودت و همکاری می بندند، و به همین دلیل هم از یک عنوان مشترک حرفه ای، که همان عنوان مهندس است، استفاده می کنند. اما اینکه بعدها هم، کسی برای نزدیک کردن تعلیمات معماری به خانواده تعلیمات مهندسی ساختمان کوششی نکرد بلکه برعکس، با راه دادن به موسیقی و نمایش در جمع رشته های دانشکده هنرهای زیبا، ماهیت هنری معماری را، بیش از پیش به عوارض خویشاوندیهای ناخواسته گرفتار کردند، البته سزاوار ملامت است (هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۲).

جدول ۱۳: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
دکتر غفاری	یکسان شدن آموزش در دانشکده های مختلف معایب و محاسنی دارد و تاحدی قدرت ابتکار را از دانشکده ها سلب می کند. اگر برنامه تدوین شده به درستی اجرا شود، استاندارد حداقلی به دست می آید که مفید است (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۵).
سید حمید نوحی	تحقق نظام آتلیه ای در دانشکده ها با تحویل همزمان دروس تئوری و عملی، با گذراندن تنها هشت پروژه طراحی چیزهای دیگر اصولاً امکان پذیر نیست (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۸).
سید حمید نوحی	به نظر من معماری یک فرآیند خلاقیت هنری است. در رابطه با این تعریف است که می توان سرفصلهای آموزش معماری، یعنی استاد، دانشجو، برنامه، امکانات و شیوه آموزشی را ارزیابی کرد (مجله معماری و شهرسازی، ۱۳۷۶).
حسین شیخ زین الدین	یکی از نارسائیهای اصلی آموزش معماری مربوط به مشخص نبودن اهداف در تربیت معماران است. این مطلب از این رو حائز اهمیت است که ابهام در هدف سبب می شود که تشخیص روشها و ابزار مناسب و کاربرد آنها ناممکن شود (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴).

جدول ۱۴: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
حسین سلطان زاده	برای بررسی نظام آموزش ۷ مورد را مورد توجه قرار می دهد: ۱- برنامه آموزشی، ۲- محتوای آموزشی، ۳- روش آموزش، ۴- اطلاعات و اسناد جهت آموزش، ۵- دانشجویان یعنی کسانی که باید آموزش داده شوند، ۶- استادان و مدرسان، ۷- مدیریت آموزش (سلطان زاده، ۱۳۷۷).
غلامرضا اسلامی	باید در برنامه های توسعه، مردم محور باشیم و سعی نمائیم معمارانی تربیت کنیم که عمیق تر، اشراقی تر، مردمی تر، کل گرا و خلاق باشند (قاری پور، ۱۳۸۲، ص ۱۴۲).
ایرج کلانتری	یکی از مشکلاتی که در نظام آموزشی ما به طور خاص وجود دارد تمایل به کاربردی ساختن نتایج آموزش است. معمار را به نحوی تربیت می کنند که پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. به عقیده من در آموزش معماری باید آرمان خواه بود و به کمال مطلوب توجه داشت. باید قدرت تخیل دانشجو را تقویت کرد تا امکان خلق آثار ارزنده تر بوجود آید (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۹).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۱۵: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
حسین شیخ زین الدین	دروس عملی و موادی که مهارت طراحی شاگردان را زیاد می کنند در اولویت قرار گیرند. این مسئله آن چنان مهم است که حتی در کوتاه مدت می توان بعضی از دروس نظری را به نفع دروس عملی که مهارت طراحی شاگردان را افزایش می دهند حذف کرد. بررسی جدی برنامه های آموزشی مؤسسات باید با نظر اساتید فن آغاز و بنابر احتیاجات مختلف کشور برنامه های مناسب پیشنهاد شود (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۷).
عیسی حجت	هم اکنون مدرسه معماری در ایران، دو گونه آموزش و اگر ارا تجربه می کند که محصول دو برداشت متفاوت از کثرت گرایی است: ۱- آموزش بی گرایش: هر کس با سلیقه خودش؛ مدرسه معماری آوردگاه و محل تضارب و برخورد اندیشه ها و سلیقه های گوناگون می گردد. امروز در ایران این شیوه آموزش را بیشتر در مدرسه های دولتی معماری مشاهده می کنیم (حجت، ۱۳۸۱، ص ۵۵). ۲- آموزش بس گرایش: همه کس با سلیقه روز؛ در این شیوه استاد منادی و مباشر آخرین دستاوردهای معماری جهان (غرب) است و شاگرد به پیروی از این دستاورد تشویق و ترغیب می گردد. امروز این شیوه بیشتر در مدرسه های غیردولتی معماری ما رایج است (حجت، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۴

جدول ۱۶: دیدگاه و نقطه نظرات تعدادی از معماران و استادان در مورد آموزش معماری

نام استاد	دیدگاه و نظر استاد
ایرج اعتصام	برای بهبود برنامه آموزش معماری در مقطع کارشناسی ارشد نظر کلی من تأکید بیشتر بر کار کارگاهی و عملی است و افزایش تعداد آنها و تأکید بر نحوه مطالعه و ارائه طرح های معماری و همچنین تبدیل و اصلاح بعضی از دروس نظری به طوری که هم فرصت کافی برای کارهای عملی میسر بشود و هم دانشجو با جنبه های فنی، سازه ای و محاسباتی و تأسیساتی در حد به کارگیری و کاربرد آنها در معماری، آشنائی کافی داشته باشد. توجه به جنبه های فرهنگی و اسلامی نیز باید از هر دو طریق دروس نظری و کارگاهی عملی شود (مجله آبادی، ۱۳۷۴، ص ۷۳).

نتیجه گیری و جمع بندی

در ایران، با وجود آن که مراکز بزرگ آموزش معماری، به ظاهر براساس برنامه مدونی که از ابتدا داشته اند، این رشته را در کنار دیگر رشته های هنری یا فنی جای داده اند- و مراکز آموزش معماری در ایران تا سه دهه پیش، هدف آموزشی نسبتاً مشخص و آشکاری داشتند - به سبب نبود اهداف و برنامه های مشخص آموزشی و از سوی دیگر به واسطه وجود سرفصل های مشترک درسی در تمام مراکز و نیز عدم حضور نیروی انسانی کارآمد

به گونه‌ای منسجم، همه در عمل کم و بیش یکسان عمل می‌کنند و تفاوت‌ها و تمایزها تنها جنبه سلیقه‌ای دارد. معماری به مثابه یک دانش سنتی، در ادبیات مکتوب فارسی، پیشینه گسترده و ریشه- یافته‌ای دارد، هرچند شکل تازه آموزش معماری در ایران، در حالی به میدان آمد که:

۱. بررسی منظم و متکی بر فرهنگ‌های محلی ایران همراه با آموزش معماری صورت نگرفته است.
۲. معماری، محصولی است که باید از یک سو کارایی منطقی داشته و از سوی دیگر زیبا باشد.
۳. فرض بر این قرار داده شده که هر آنچه در سطح جهانی زیبا شناخته شده، می‌تواند از سوی همگان و در همه جا پذیرفتنی باشد. فرآورده معماری نیز، به اتکا ذات هنری و بار هنری اش، بی‌مرز قرار دادی سیاسی یا مدنی یا فرهنگی معمول و متداول، می‌تواند در ایران تولید شود و در هر جای دیگر تکرار شود، پسندیده آید و بالعکس.

۴. ایرانیان در رابطه با جو مدنی، از نوعی که پس از انقلاب مشروطیت ایران پدید آمد، به پیوستگی‌ها و به استمرارهای پدیده‌های ادبی - هنری توجه چندانی نکرده و راه نوآوری و نوسازی صوری را در معماری پیش گرفتند.

۵. کارفرمایان، چه دولتی و چه خصوصی، نمی‌توانستند به مجموعه نیازها و تلاش‌های نظری بپردازند و جز به صورت بنگرند؛ پس طراحان به فراخور وسعشان، به مبانی نظری معماری و هنری توجه می‌کردند یا خود به ابداع و یا به تافتن آنها می‌پرداختند.

شیوه سنتی آموزش معماری دیرزمانی است که به فراموشی سپرده شده و آخرین استادان سنتی معماری ایران، یکی پس از دیگری راه و رسم آموزش سینه به سینه را با خود به خاک می‌برند و در جهان کثرت‌گرای امروز، به تعداد مدرسه‌های معماری شیوه آموزش معماری وجود دارد. تفاوت‌های شیوه آموزش معماری سنتی و جدید اشاره شده است.

۱. آموزش سنتی معماری شریعت‌مدار و آموزش

جدید معماری انسان‌مدار است.
۲. آموزش سنتی معماری آرمانگرا و آموزش جدید معماری نوگرا است.

۳. آموزش سنتی معماری برخاسته از فطرت و آموزش جدید معماری محصول بدعت است.

۴. آموزش سنتی معماری وحدت‌طلب و آموزش جدید معماری کثرت‌طلب است.

۵. فرآیند آموزش معماری سنتی تجربی و فرایند آموزش جدید معماری علمی است.

۶. آموزش سنتی معماری سیری تکاملی و آموزش جدید سیری تحولی دارد.

۷. آموزش سنتی بومی و آموزش جدید فرامرزی است.

۸. آموزش سنتی معماری الگوپذیر و آموزش جدید معماری الگوگریز است.

۹. روش آموزش سنتی عملی و حضوری و روش آموزش جدید عملی و حصولی است.

با نیم‌نگاهی به نظام آموزش سنتی درمی‌یابیم که فن و هنر معماری در محل کارگاه و حین کار از استاد به شاگرد منتقل می‌شد. لذا هنرجوی معماری ضمن یک پروژه حقیقی و دریافت فن از استاد، توجه به نیاز کارفرما، بررسی نظرات کارفرما و نحوه اعمال این نظرات در قالب معماری به یک آموزش جامع دست می‌یافت. لذا فضای آموزش معماری نیازمند فضایی است که دانشجو ضمن احساس قرارگیری در یک پروژه واقعی و عملکردی و دریافت فن و تکنیک و هنر اجرای پروژه از استاد، در تعامل مستقیم با مصرف‌کنندگان پروژه قرارگیرد تا با بررسی تفکر حاکم بر جامعه و خواسته‌های مصرف‌کنندگان، با نظرات استاد طرح را به انجام رساند و نهایتاً با بررسی بازخورد جامعه و مصرف‌کنندگان پروژه نسبت به ارتقا دانش و هنر خود حرکت کند. این تعاملات نه تنها در پیش‌برد و ارتقای هنر معماران موثر است، بلکه منجر به ارتقای سطح دانش عمومی و آگاهی استفاده‌کنندگان از علم معماری روز و سیستم‌های نوین و تفکران حاکم در جامعه

معماری می‌گردد. اگر بخواهیم با الهام و استفاده از مبانی و نظریه‌هایی که در این پژوهش مورد اشاره واقع شد خطوط کلی برای آموزش صحیح معماری را استنتاج کنیم نکات زیر را می‌توان در چگونگی یک مدرسه معماری مطلوب بیان نمود:

۱. به عنوان نکته اول می‌توان گفت آموزش صحیح معماری مسلماً راه‌ها و مسیرهای بسیارمتنوع و گسترده‌ای دارد که در آن فعالیت اکتشافی فردی و کسب تجربه‌های علمی همواره در درجه اول اهمیت قرار داد که تمامی این فعالیت‌ها با توجه به توانایی‌ها و ویژگی‌های فردی هر فراگیر تنظیم می‌گردد. بنابراین به تعداد همه افراد (فراگیرندگان) راه آموزش وجود خواهد داشت و برنامه‌های آموزشی هر فرد با توجه به راه او تعیین می‌شود که این امر بر عهده معلمان و مربیان است؛ بدین ترتیب نظام آموزشی نه بر محور برنامه آموزش بلکه بر مبنای فرد و توانایی‌های وی خواهد بود (آموزش راه محور).

۲. برای نکته دوم می‌توان دریافت در چنین شیوه آموزشی دانشجوی آزادانه می‌تواند به سبک تجربه و علم پردازد تا خود را پیش برد. بدین صورت فراغت از تحصیل در چنین مدرسه‌ای برای افراد مختلف زمان‌های متفاوتی خواهد داشت. ضمن آنکه توانایی‌ها مهارت‌ها و قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان این مدرسه طیف وسیعی را دربر خواهد گرفت و لزوماً همه آن‌ها معمار (یا مهندس) نخواهد بود.

۳. از سومین نکته می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که فعالیت اکتشافی و کسب تجربه و علم نیازمند محیطی آماده است آموزش معماری نیز از این خواسته مستثنی نیست و در محیطی سرشار از فعالیت‌های معمارانه آموزش‌های معماری نیز بهتر صورت می‌گیرد.

این پژوهش تلاشی برای تشریح ضرورت تدوین نقش معماری در طراحی فضاهای آموزشی مدرن معماری است و بر مبنای این اندیشه نگاشته شده است که معماری می‌بایست بر اساس اصولی

پایه‌ریزی شود که بتوان آنها را مورد آزمایش دقیق علمی و تجربی قرار داد. سبب این کمبود آن است که آموزش معماری مدت‌هاست که بر اساس نظام کارآموزی در دانشکده‌ها و شرکت‌های معماری دنبال می‌شود. این امر نشان می‌دهد که نظام صنفی قرون وسطی، دست کم برای معماران، هنوز پا برجاست. در نظر یک دانشمند محقق این شیوه از آموزش بی‌مورد و حتی خطرناک می‌باشد، زیرا سیستم بسته دانش که در مقابل شیوه علمی باز قرار می‌گیرد، به فساد، انحراف و دگم‌اندیشی منجر می‌شود. شیوه انجام یک پژوهش بدین صورت است که شخصی نتایج تحقیقاتش را اعلام می‌کند و سپس همکاران او حداکثر تلاش خود را می‌کنند تا آن یافته‌ها را رد نمایند. نتیجه‌ای که به این وسیله آنها بدست می‌آورند، موشکافانه و دقیق است. همچنین توانایی آنها به وسیله دیگران مورد بازبینی و ارزیابی قرار می‌گیرد. زمانی که یک نتیجه توسط محققان دیگر به صورت مستقل ارزیابی شد، آنگاه این نتیجه در بدنه ثابت دانش علمی قرار می‌گیرد، حداقل تا زمانی که یک نتیجه عمومی‌تر یا صحیح‌تر جایگزین آن نشود. اما معماری این‌گونه کار نمی‌کند. آموزش معماری در قرن بیستم مدت‌هاست که خود را از علم جدا کرده است و بجای باز گذاشتن راه تحقیق و بررسی، مجموعه‌ای از باورهای دگماتیک درباره طراحی عرضه می‌کند که هیچ‌گاه مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند. دانش برجامانده از معماران سنتی نیز که با ایده‌های مدرن تناقض دارد و بدون هیچ احساس پشیمانی به زباله‌دان تاریخ سپرده می‌شوند. در جامعه معماری فاقد بدنه تئوریک، اثری از آنچه که مبانی نظری معماری نامیده می‌شود و دلیلی بر وجود جامعه معماری مقتدر است، دیده نخواهد شد. در فضای کنونی جهان معماری نیاز مبرمی به تدوین دانش علمی معماری با کیفیات یاد شده احساس می‌شود تا بار دیگر معماری، گذشته درخشان خود را بازیابد. معماری ایران نیز ابزاری در اختیار دارد که با بهره‌گیری از آنها می‌توان برای

جدول ۱۷. مبانی نظری طراحی معماری در فضاهای آموزشی مدرن؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مبانی نظری طراحی	مبانی طراحی معماری
ارتباط بصری	ارتباط بصری بخش های دفتر معماری با محیط مدرسه
گفتگو و نشست و تعامل آموزشی	طراحی فضایی برای نشست و گفت و گو با اساتید معماری
حضور طبیعت و فضای سبز	تاکید بر حضور طبیعت سبز در فضای درون و بیرون مدرسه
سلسله مراتب دسترسی	ایجاد حوزه های فضایی بر اساس سلسله مراتب دسترسی
فضای انعطاف پذیر	طراحی فضاهای انعطاف پذیر و رعایت نیازهای فضایی کالبدی نمادین
فضاهای نمایشگاهی	ایجاد فضایی برای نمایشگاه عمومی آثار دانش آموزان معماری
پویایی و انسجام	طراحی ساختمانی پویا اما منسجم، با تگاهی به ابهت معماری گذشته ایران
ریتم و توازن	برقراری ریتم و توازن در طراحی فضاها و نماهای شهری مدرسه
اصول طراحی معماری ایرانی	توجه به اصول طراحی معماری ایرانی در طراحی فضای مدرسه
تنوع و احترام شاخص گونه فضا	ایجاد فضایی متنوع اما واحد، نمایانگر احترام به فرد فرد مخاطبان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۷

ساختن یک محیط جدید همت گماشت و بزرگترین موفقیت های معماری های گذشته را تکرار نمود.

منابع و مآخذ

---- (۱۳۷۵) خلاقیت و پیشینه تجربی، آبادی، سال ششم، شماره بیست و یکم.

ابن اخوه (۱۳۶۷) آئین شهرداری در قرن هفتم هجری، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ادیب زاده، ب، (۱۳۸۴) اسما و آموزش معماری، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، نشر نگاه امروز، چاپ اول.

اسلامی، غ، مندگاری (۱۳۸۴) آموزش معماری و تربیت معماران، مجموعه مقالات هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول.

آشوری، د، (۱۳۷۶) در سنت و مدرنیته و پست مدرن (گفت و گو با داریوش آشوری)، دانشگاه تهران.

جراحی، اسدالله (۱۳۸۴) کجا مدرسه بسازیم، فصلنامه مدرسه نو، شماره ۳۶.

حجت، ع، (۱۳۹۰) سنت و بدعت در آموزش معماری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.

حجت، عیسی (۱۳۸۱) حرفی از جنس زمان: نگاهی نوبه شیوه های آموزش معماری ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۲.

حجت، عیسی (۱۳۸۲) آموزش معماری و بی ارزشی ارزشها، هنرهای زیبا، شماره ۱۴.

حجت، عیسی (۱۳۸۳) آموزش خلاق: تجربه ۱۳۸۱، هنرهای زیبا، شماره ۱۸.

حقیقی و دیگران (۱۳۸۲) مقایسه ترکیبهای نه گانه هوش و خلاقیت از لحاظ ویژگیهای شخصیتی در دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی.

خاکی، غ، (۱۳۸۲) روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، انتشارات بازتاب، چاپ دوم.

امری (۱۳۹۴) تدوین اصول و معیارهای ادراک فضایی در معماری بازارهای سنتی ایران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

ساسان صالحی میلانی، مریم محمدی (۱۳۹۰) تدوین شاخص‌های سیاست‌گذاری با هدف تحقق پایداری فرهنگی؛ مورد پژوهی: منطقه کلانشهری تهران، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

دوست محمد گواشانی (۱۳۷۸) دیباچه مرقع بهرام میرزا (منقول در بنیون-ویلیکینوسون، سیر تاریخ نقاشی ایرانی، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، انتشارات امیرکبیر.

سلطان زاده، حسین (۱۳۷۹) آموزش معماران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

صارمی، علی اکبر (۱۳۷۷) جایگاه معماری ایران در جهان امروز، آبادی، سال هفتم، شماره‌های ۲۷ و ۲۸، زمستان ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷.

طاقی، ز، (۱۳۷۵) نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر، صفا، شماره ۱۹.

فلور، ویلم (۱۳۶۵) جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۲، تهران، انتشارات توس.

قاضی احمد قمی (۱۳۶۶) گلستان هنر، به کوشش احمد سهیل خوانساری، تهران، انتشارات منوچهری. قدوسی فر، ه. و اعتصام، ا. و حبیب، ف. و پناهی هاجر (۱۳۹۱) آموزش سنتی معماری در ایران و ارزیابی آن از دیدگاه یادگیری مبتنی بر مغز، نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۱.

کریم زاده تبریزی، محمد علی (۱۹۹۹) اجازت نامه- اذن نامه، لندن.

کریمی، ف، (۱۳۸۲) فضای آموزش معماری- معیارهای انتخاب، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، نشر نگاه امروز، چاپ اول.

گیدئون، ز، (۱۳۶۵) فضا زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ

خوشنویس، الف، (۱۳۸۴) سبک معماری در آموزش‌شده‌های معماری، مجموعه مقالات هم اندیشی معنویت و آموزش هنر، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول

دائمی، حمیدرضا و سیده فاطمه مقیمی بارفروش (۱۳۸۳) هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه‌های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۳ و ۴.

حمید ماجدی، الهام منصوری، آذین حاجی احمدی (۱۳۹۰) بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حد فاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر)، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

حمیدرضا صارمی، مسعود صارمی (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل عوامل موثر در تجلی شهر امن از دیدگاه اسلام، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

دریا نصرت پور، سعید خاقانی، ودیبه ملاصالحی (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی معماری اماکن مذهبی و شهرسازی دوره بیزانس در ترکیه با دوره سلجوقی در ایران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

رسول ربانی خوراسگانی، حمیدرضا وارثی، محسن اخوان مهدوی (۱۳۹۰) بررسی نقش و جایگاه سواد اطلاعاتی بر مشارکت الکترونیکی شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، نشریه مدیریت شهری، مرکز مطالعات و برنامه ریزی سازمان شهرداریها و دهیاریهای وزارت کشور، شماره ۲۷.

رکسانا عبداله‌هی، بهناز امین زاده، آزاده شاهچراغی، ایرج اعتصام (۱۳۹۴) تدوین مؤلفه‌های شفافبخشی منظر در باغ‌های ایرانی و کاربرد آن در طراحی فضاهای باز شهری، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۴.

زهرآ عباسی، فرح حبیب، سید مصطفی مختاباد

سوم.

مجله آبادی سال ۱۳۷۴ و معماری و شهرسازی سال ۱۳۷۶؛ ویژه نامه های آموزش معماری در ایران.

محمودی، م، (۱۳۹۰) طراحی فضاهای آموزشی با رویکرد انعطاف پذیری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

مرجائی، سعیده و شکوهی، علی (۱۳۹۱) بررسی کارایی کاربری های آموزشی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، ص ۱. همایش سراسری سامانه اطلاعات مکانی (GIS).

مزینی، م، (۱۳۷۸) از زمان و معماری، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران، انتشارات شابک.

ندیمی، هادی (۱۳۸۵) امید رهایی نیست، وقتی همه دیواریم، هفته نامه نقش نو، شماره ۱۸ و ۱۹. ندیمی، هادی (۱۳۸۶) کلک دوست: ده مقاله در هنر و معماری، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری تهران.

ندیمی، ه، (۱۳۷۵) آئین جوانمردان و طریقت معماران - سیری در فتوت نامه های معماران و بنایان و حرف وابسته، صفه، شماره ۲۱، سال ۶. نوحی، ح، (۱۳۸۴) بازخوانی شیوه و فضای آموزشی معماری ایران از منظر نظام کارگاهی، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری، نشر نگاه امروز، چاپ اول.

هاشم نژاد، هاشم (۱۳۷۴) جست و جوی ضرایب نهفته در میراث کهن، کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۲، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.

هاشم نژاد، هاشم (۱۳۷۸) ساختار فضایی طرح، معماری و شهرسازی، دوره ۹، شماره ۵۴ و ۵۵. هاشم نژاد، هاشم (۱۳۸۰) تاثیر و بازتاب معماری در تبادل فرهنگ و تمدن، معماری و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم.

وافی، م، (۱۳۷۳) احیای بنای توحیدخانه اصفهان، مجله صفه، شماره ۱۵ و ۱۶.

Armitage, Marc. The influence of school architec-

ture and design on the outdoor play experience within the primary school. *Paedagogica Historica* 41.4-5 (2005): 535-553.

Tanner, C. Kenneth. The influence of school architecture on academic achievement. *Journal of Educational Administration* 38.4 (2000): 309-330.

Upitis, Rena. School architecture and complexity. *Complicity: An International Journal of Complexity and Education* 1.1 (2004).

Uline, CYNTHIA L., et al. Improving the physical and social environment of school: A question of equity. *Journal of school leadership* 20.5 (2010): 597-632.

Leiringer, Roine, and Paula Cardellino. Schools for the twenty-first century: school design and educational transformation. *British Educational Research Journal* 37.6 (2011): 915-934.

Izadpanahi, Parisa, Hisham Elkadi, and Richard Tucker. Greenhouse effect: the relationship between the sustainable design of schools and children's environmental attitudes. *Environmental Education Research ahead-of-print* (2015): 1-18.

Barrett, Peter, et al. A holistic, multi-level analysis identifying the impact of classroom design on pupils' learning. *Building and Environment* 59 (2013): 678-689.

R.Gifford. (2005). *Applying Social Psychology to the Environment: Six Goals of Social Design*. SAGE publications.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۱۴۰ ■

بررسی نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر؛ مطالعه موردی: محدوده امامزاده صالح تجریش، تهران

شهرام ستاری فرد* - مربی دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران.

Examine the role of religious institutions in increasing vibrancy in the contemporary case study of Holy righteous Rehabilitation, Tehran

Abstract

Embodies the symbolic source of life and beliefs, memories and belonging; the city is a manifestation of social life. The presence of interactions of people lives in the lively and dynamic. City residents represent the values and norms. Today, cities are successful cities that fit the values, norms and aspirations of the inhabitants developed and creative spaces, vibrant to provide for their presence. Thus, the city's public spaces are important components of the city. Iran has long been in the emergence and development smacks of religious and spiritual values have accompanied its residents. Layout and design of the mosque, shrine, holy shrines in Iran confirmed the issue; Where the person with his inner, coupled with spirituality and the basis of their appearance bond. The religious sites can be considered a set of public spaces which are not based solely on their appearance, but also linked to the possibility of social interaction and acceptance of socio-cultural role played an important role in strengthening image, cultural and social cities have. This paper tries to find the components of the vitality of contemporary cities to provide guidelines for the benefit of potential places of religious capital to improve the city's vitality. Therefore, using descriptive and also take advantage of Delphi Technique and Analytic Hierarchy Process, ratings and valuation criteria and the measures of value creation and enhancement of community vitality has been paid. The findings confirmed that the four main components defined and affecting the vitality of functional components, respectively, semantic, cultural and eventually form the greatest impact on the vitality of their index. So that religious sites comply with related activities and diversification through space, associated with the spiritual values of society, create communities and given that their valuable Persian Islamic architecture, dynamics and vitality of space in cities their figure.

Keywords: urban vitality, places of worship, religious capital, modern city, Saleh Shrine Rehabilitation.

چکیده

شهر مظهر زندگی و منبع نمادین اعتقادات، خاطرات و تعلقات است. شهر تجلی گاه حیات اجتماعی افراد است. حضور افراد، تعاملات افراد، زندگی افراد در شهر آن را سرزنده و پویا می‌سازد. شهر نمایانگر ارزش‌ها و هنجارهای ساکنین است. امروزه شهرهای موفق شهرهایی هستند که متناسب با ارزش‌ها، هنجارها و خواست‌های ساکنینش توسعه یافته و فضاهایی خلاق، پویا و سرزنده را برای حضور آنان فراهم می‌آورند. از اینرو فضاهای عمومی شهر از مهمترین اجزای شهر محسوب می‌شوند. شهرهای ایرانی از دیرباز در پیدایش و توسعه خود رنگ و بوی ارزش‌های دینی و معنوی ساکنان آن را به همراه داشته‌اند. جانمایی و طراحی مساجد، امامزاده‌ها، بقاع متبرکه در شهرهای ایرانی مویده این موضوع است. جایی که فرد با درون خویش، با معنویت همراه شده و به مینا پیدایش خود می‌پیوندد. از این رو اماکن مذهبی را می‌توان دسته‌ای از فضاهای عمومی به شمار آورد که نه تنها فرد را به مینا پیدایش خویش پیوند داده بلکه با ایجاد امکان تعاملات اجتماعی و پذیرفتن نقش فرهنگی - اجتماعی نقش مهمی در تقویت وجهه فرهنگی و اجتماعی شهرها ایفا نموده و زمینه ایجاد سرزندگی و پویایی شهری را فراهم می‌آورد. مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا ضمن یافتن مولفه‌های سرزندگی در شهرهای معاصر به ارائه راهکارهایی جهت بهره‌مندی از پتانسیل‌های اماکن و سرمایه‌های مذهبی جهت ارتقاء سرزندگی شهری بپردازد. لذا با استفاده از روش پژوهش توصیفی و همچنین بهره‌مندی از تکنیک‌های دلفی و روش تحلیل سلسله‌مراتبی، به رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری مولفه‌ها و سنجش‌های واجد ارزش در خلق و ارتقاء سرزندگی محله‌ای پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش مویده این مطلب است از میان چهار مولفه اصلی تعریف شده و اثرگذار بر میزان سرزندگی محدوده بترتیب مولفه عملکردی، معناشناختی، اجتماعی - فرهنگی و در نهایت شاخص فرمی بیشترین تاثیر را بر روی سرزندگی را دارند. به گونه‌ای که اماکن مذهبی از طریق همگونی با فعالیت‌های وابسته و تنوع فعالیت‌های فضا، پیوند با ارزش‌های معنوی افراد جامعه، ایجاد کانون‌های اجتماعی و با توجه به معماری ایرانی اسلامی باارزشی که در خود دارند، پویایی و سرزندگی فضا را در شهرها رقم می‌زنند.

واژگان کلیدی: سرزندگی شهری، اماکن مذهبی، سرمایه مذهبی، شهر معاصر، امامزاده صالح تجریش.

مقدمه

امروزه با افزایش حضور ماشین و حرکت شهرها به سمت هوشمند شدن، رفته رفته حضور پررنگ مردم در شهرها به منظور تعاملات اجتماعی کاهش یافته و بدنبال آن کیفیت سرزندگی عرصه های عمومی در شهرها تنزل یافته است؛ بنابراین دیگر افراد مانند گذشته بصورت داوطلبانه در فضاهای شهری حضور نمی یابند و این امر منجر به کاهش سرزندگی و پویایی شده است. باید توجه داشت در صورت تداوم این امر، شهرها با کاهش روابط اجتماعی در عرصه های عمومی مواجهه خواهند شد و رنگ و بوی قدیمی خود را از دست خواهند داشت. لذا داشتن برنامه ریزی خردمندانه در شهرها بخصوص در بخش هایی که در زمان حاضر پر شور و سرزنده هستند و تقویت آنها می تواند موجب جلوگیری از کاهش سرزندگی شهرها شود. در این میان کلانشهر تهران با توجه به سرعت زندگی در آن شاهد رنگ باختن مولفه های سرزندگی خود است و در این میان بافت ها و محلات تاریخی شهر با هسته های مذهبی که در آنها وجود دارد پایه های اصلی سرزندگی در تهران بوده اند؛ زیرا در این بافت ها هنوز حضور مردم و سرزندگی حس می شود.

از سویی دیگر، در ایران نیز مساجد از دیرباز نقش مهمی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و کالبدی ایفا نموده اند. آنها از یک سو محل برگزاری مراسم عبادی بوده اند و از سوی دیگر، مکانی که زندگی اجتماعی ساکنان محلات را ساماندهی می کرده و به حل و فصل امور مردم می پرداخته اند. در تاریخ شهرهای ایران، به وفور نمونه هایی از این نوع عملکرد دوگانه مساجد یافت می شود به گونه ای که برخی مورخان غیربومی نیز به آن اشاره نموده اند. دروازه مسجد در ایران، با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت بوده که در میان دو مظهر متضاد تنها محور جهان است (امین زاده، ۱۳۸۷، ص ۲۸۲). مساجد همواره محل برقراری

ارتباطات اجتماعی در سطح محلات و شهرها بودند. بسیاری از کنش های اجتماعی و اقتصادی مردم نظیر آموزش (مسجد- مدرسه ها) (همان، ص ۲۸)؛ و حل و فصل دعاوی، رفع مشکلات اجتماعی و حل مسائل اقتصادی در درون مساجد صورت می گرفت. حتی مساجد در زمینه امور سیاسی همواره به عنوان اهرم های کنترل و نظارت بر حاکمین سیاسی جامعه عمل می کردند (حاج سید جواد، ۱۳۷۸، ص ۸۳)؛ به این ترتیب می توان گفت مسجد در جامعه ایرانی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و کالبدی تاثیر گذار بوده است.

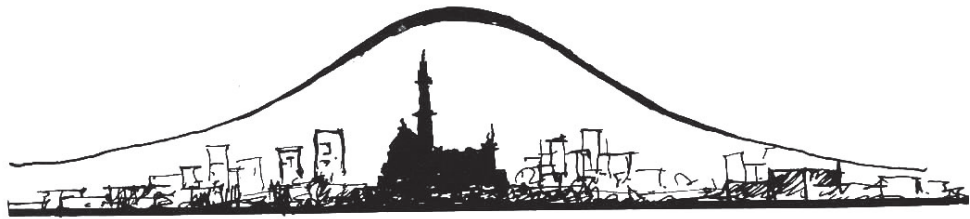
مسجد نیایشگاه و محل گردهمایی مسلمانان است و قدمتی به اندازه خود اسلام دارد. اولین مسجد با ورود پیامبر اسلام به مدینه پایه گذاری شد. بر اساس شواهد تاریخی صدر اسلام در تشکیل و ساخت مساجد توسط پیامبر (ص) از لحاظ توجه به ویژگیهای کالبدی آن از اهمیت بالایی برخوردار نبود. نخستین مساجد با نقشه ای ساده و مصالح بومی نظیر تنه، شاخ و برگ درختان نخل و گل در شبه جزیره عربستان بنا شدند سپس برای امنیت و حفظ و حراست مسلمانان از حمله دشمنان و آفتاب گرم، دیوارهای بیرونی تقویت گردید و پیشخوانی ستوندار با محلی برای اذان به آن اضافه شد (پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۷۶). آنچه در زمان پیامبر اهمیت داشت نگاه و نگرش به اصلاح و ارتقاء شرایط فرهنگی و اجتماعی مردم جامعه بود. از این رو مسجد به عنوان ابزار و وسیله ای مهم در این راستا مورد استفاده پیامبر اسلام قرار گرفت.

علیرغم اینکه در صدر اسلام، نقش کالبدی مساجد از اهمیت زیادی برخوردار نبود لیکن با گذشت زمان مسجد توانست از منظر کالبدی نیز به عنوان یک عنصر تاثیر گذار در شهر های اسلامی عمل کند. تاثیر کالبدی مساجد به مرور به گونه ای خاص و پر اهمیت گشت که در مقاطعی از تاریخ در شهرهای اسلامی، مسجد (به ویژه مسجد جامع) عنصر مهم در طرح و پلان اصلی شهر محسوب

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۴۲



اسکيس ۱. منحنی ارزش زمین در همجواری مساجد؛ ماخذ: پورجعفر، ۱۳۸۱، ص ۸۱.

از مبانی تئوریک موضوع مطالعه، پشتوانه های نظری و عملیاتی مرتبط با مراحل آتی پژوهش را فراهم آورد. با این اوصاف، عناوینی که در این بخش ارائه خواهد شد عبارتند از: مروری بر شهر ایرانی، سرمایه مذهبی، سرزندگی شهری، مولفه های سرزندگی محیط شهری و در نهایت فضاها و اماکن مذهبی و سرزندگی فضایی.

۲-۱ مروری بر شهر ایرانی

مروری بر تاریخ شهرنشینی و شهرسازی جهان نشان می دهد که عامل مذهب نقش مهمی در شکل گیری و گسترش شهرهای زیادی بویژه در شهرهای قدیمی داشته است (بحرایی و کارگر، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). امروزه نیز با روند روز افزون توسعه شهر و شهرنشینی، می توان رابطه تفکیک ناپذیر بیم کالبد و فضای شهری با فرهنگ شهری را دید (نقدی و رضایی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۷). فرهنگ شهری از عناصر مهم و پایه ای در توسعه و تحول شهرهاست و مجموعه فضاهای کالبدی یک شهر چون حرم، امامزاده ها و مساجد و خانقاه ها به عنوان تک بناهایی که نمودی از فرهنگ خاص هستند، منجر به رونق گردشگری مذهبی می شوند (کروبی، ۱۳۸۲، ص ۳۲).

۲-۱-۱ جایگاه اماکن مذهبی در توسعه شهری

وجود مراکز مذهبی در دوره های مختلف تاریخی از چنان اعتباری برخوردار بوده که دلایل عمده توسعه شهرها محسوب می شده است. میلیون ها نفر هر ساله در دنیا سفر می کنند تا به الوهیت نزدیک شده یا به اهداف روحانی خود با بازدید از اماکن مذهبی و مقدس برسند. رشد و توسعه بقاع

می شد و شریانه های مهم شهری به طرف فضای مسجد و ورودی های آن جریان می یافت. مسجد به شهر اسلامی هویت می بخشید و به محیط شهری معنا می داد و موجب خوانایی و جهت دهی آن می شد. مسجد در شهر و محله به آن اعتبار کالبدی و اجتماعی می داد به نوعی که همین امر موجب افزایش میزان ارزش زمین های مجاور مسجد در گذشته می شد (همان، ص ۷۹).

از میان محدوده های تاریخی- مذهبی و سرزنده شهر تهران می توان به امامزاده صالح در نزدیکی میدان تجریش اشاره داشت. بقعه امامزاده صالح بنای بزرگ و محکمی است که هلاکومیرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۰ بانی تعمیرات و تزئینات آن شده است و کاشی کاری و اصلاحات داخلی و احداث گنبد و کاشی کاری آن را انجام داده است. این فضای مذهبی در حال حاضر با توجه به موقعیت قرارگیری آن در کنار بازار سنتی تجریش و حضور پررنگ افرادی که برای زیارت به آن مراجعه می کنند، یکی از نقاط سرزنده شهری محسوب می شود که باید این کیفیت را نه تنها در آن حفظ کرد بلکه با تمهیدات شهرسازی مناسب موجب تقویت سرزندگی در آن شد. لذا در پژوهش پیشرو علاوه بر بررسی میزان سرزندگی در این امامزاده، به بررسی عوامل تاثیرگذار بر سرزندگی این محدوده پرداخته شده و در نهایت راهکارهای مناسب جهت افزایش سرزندگی در آن ارائه شده است.

۲- پایه های نظری تحقیق

در این بخش به بررسی مبانی و مفاهیم مرتبط با موضوع پرداخته می شود تا بتوان ضمن آگاهی

متبرکه جهت پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی زائران، بر روند توسعه شهرنشینی تاثیر مستقیم دارد و مطالعه چگونگی این تاثیرگذاری‌ها در توسعه شهرنشینی از اهمیت فراوانی برخوردار است. واژه «مسجد» در قرآن، بیست و هشت بار آمده است و صریحاً از مسجد به عنوان مکانی که انسان مسلمان در آن عبادت نموده و به وسیله آن ایمان به یگانگی خداوند را اظهار می‌دارد نام برده شده است (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳). تکرار این واژه در قرآن و تاکید بر نقش آن نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه مسجد در دین اسلام و میان مسلمانان است. با مطالعه تاریخ و تمدن اسلامی در می‌یابیم که مساجد به عنوان عبادتگاه مسلمانان در طول اعصار از تحول و پویایی خاصی در کالبد و محتوا برخوردار بوده‌اند. این امر از طرفی ریشه در حس پرستش موجود در فطرت آدمی داشته و از طرف دیگر برخاسته از حس زیبایی دوستی انسانها می‌باشد. مسلمانان در طول زمان تلاش کرده‌اند این حس زیبایی دوستی را در کالبد مساجد به تصویر کشیده و به خلق فضاهایی بپردازند که ضمن برآورده کردن نیاز پرستش و عبادت برآورنده حس زیبایی شناختی آنان نیز باشد (سلیمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۶). همچنین انسانها بنا بر نیاز فطری خود مجبور به زندگی جمعی هستند، ضرورت برطرف کردن این نیاز به حدی است که برخی معتقدند انسان بدون زندگی جمعی قادر به ادامه حیات نمی‌باشد و بقاء انسانی با زندگی جمعی او درآمیخته است (کوزر، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸).

«رشد و توسعه بسیاری از شهرها، ریشه در کارکرد دینی و مذهبی آن شهرها داشته است و گاه به این شهرها (مکه، واتیکان، لهاسا) جایگاه و نقشی جهانی بخشیده است. رشد و تحرک اجتماعی- اقتصادی شهرهایی چون مشهد، قم، شیراز و اصفهان تا حدود بسیار زیادی در نقش و کارکرد مذهبی آن‌ها است» (موسوی و سلطانی، ۱۳۹۳، ص ۸۰). از این رو سرزندگی مذهبی یکی از معیارهای مهم توسعه

شهرنشینی به خصوصی در جوامع اسلامی است.

۲-۲ سرمایه مذهبی

نتیجه و کار مذهب اولاً، تحریک دائمی از یک کشش درونی و دادن انگیزه و نیروی لازم برای دگرگونی و دیگر شدن و ثانیاً، دادن سمت و سوی تحول و ضرورت به انسان است. منظور از مذهب، عناصر جوهری همسو در تمامی ادیان است که شاکله اصلی مذاهب را می‌سازند. از این رو، سرمایه مذهبی به مجموعه اعتقادات، باورها، ارزش‌هایی گفته می‌شود که از وجود مذهب و ایمان مذهبی نشأت گرفته باشد. این باورها و اعتقادات شامل اصول کلی مذاهب خواهد بود. سرمایه مذهبی در دید کلی برای اکثر مذاهب دینی دارای بردارهایی شامل عقاید همسو هستند. در حالت جزئی‌تر، سرمایه‌های مذهبی حاصل از مذاهب مختلف می‌تواند سبب ایجاد کنش‌های اقتصادی گوناگون در شرایط یکسان شود. منظور از سرمایه مذهبی، آن دسته از اعتقادات و باورهای کلان است که افراد بدون اینکه توسط یک نیروی بیرونی ملزم شوند، توسط ندای قلب و باورشان آن را انجام می‌دهند. از ای نیرو، افرادی که دارای سرمایه مذهبی هستند، بر پایه اعتقادات خود که برخاسته از باورهای مذهبی (در این جا اسلامی) عمل خواهند کرد. همین اعتقادات است که همواره به عنوان ناظم اعمالشان همواره در کنارشان حضور خواهد داشت (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹، ص ۵۷). مسجد در صدر اسلام از چنان اهمیت والایی برخوردار بود که عده‌ای معتقدند در زمان پیامبر (ص) مساجد در واقع الگویی از جامعه مطلوب دینی (در مقیاس کوچک) و زمینه‌ای برای فراهم آمدن فضایی مناسب برای تمرین شهروندی بوده‌اند (الویری، ۱۳۸۵، ص ۸۷). مساجد همواره در طول تاریخ شکل‌گیری خود دارای اثرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در جامعه اسلامی بوده‌اند که در زمینه‌های گوناگون نظیر تقویت انسجام اجتماعی، ارتقاء مشارکت‌های مردمی، افزایش امنیت اجتماعی، ایجاد تنوع عملکردی و ارتقاء حس تعلق مکانی نقش داشته‌اند.

«در محیط سنتی اسلام، استفاده از مسجد به گونه ای ایده ال بود، زیرا مسجد به عنوان مکانی چند منظوره برای عبادت و گردهمایی، قرائت قرآن، تصمیم گیری سیاسی و نیز مکانی برای استراحت مورد استفاده قرار می گرفت (مرتضی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). به عنوان مثال، مسجد مدینه در صدر اسلام تنها برای ادای فریضه نماز نبود، بلکه مرکز جنب و جوش و فعالیت های دینی و اجتماعی مسلمانان، همان مسجد بود» (مطهری، ۱۳۴۹، ص ۴۰).

۲-۱-۲ اماکن مذهبی و مساجد به عنوان فضای شهری در شهرهای اسلامی

فضاهای شهری را به عنوان اصلی ترین خاستگاه بروز ایده توجه به کالبد و روابط و کنش های اجتماعی مطرح کرده اند. در فضاهای شهری است که زندگی اجتماعی جوامع در درون و چارچوب کالبدی خاص شکل می گیرد. مساجد و اماکن مذهبی و کارکردهای وابسته و همگرا با آن به عنوان یکی از مؤلفه های مهم فضاهای شهری در شهرهای اسلامی می توانند نقشی مهم در رسیدن به سرزندگی و ارتقاء کیفیت محیط ایفا نمایند. شاید بتوان گفت در شهرهای اسلامی مساجد به سبب پیشینه قوی در زمینه عملکردهای اجتماعی و اهمیت کالبدی در شهر همواره به عنوان یک فضای شهری تاثیرگذار در میان فضاهای شهری دیگر مطرح بوده اند. با نگاهی به تاریخ و تمدن اسلامی در می یابیم که مساجد در قالب عبادتگاه مسلمانان در طول اعصار، از تحول و پویایی خاصی در کالبد و محتوا برخوردار بوده اند. این امر از طرفی ریشه در حس پرستش موجود در فطرت آدمی داشته و از طرف دیگر حس زیبایی دوستی را با خود همراه کرده است. مسلمانان در طول زمان تلاش کرده اند این حس زیبایی دوستی را در کالبد مساجد به تصویر بکشند و به خلق فضاهایی بپردازند که ضمن بر آورده کردن نیاز پرستش و عبادت بر آورنده حس زیبایی شناختی آنان نیز باشد. همچنین افراد بنابر نیاز فطری خود مجبور به زندگی جمعی هستند.

شاید بتوان گفت در مقاطعی از تاریخ اسلام، مساجد یکی از مهم ترین و منحصر به فردترین عوامل بروز زندگی جمعی بوده و به نوعی برقرار کننده ارتباط میان زندگی جمعی و مادی انسان و زندگی عبادی و فردی او بوده اند. در تاریخ کشور ما نیز به وفور نمونه هایی از این نوع عملکرد دوگانه مسجد یافت می شود به گونه ای که برخی مورخان غیر بومی نیز به آن اشاره نموده اند. دروازه مسجد در ایران با دو مناره در طرفین آن یادآور خاطره بهشت است که در میان دو مظهر متضاد یگانه محور جهان است. مسجد جلوه ای از زندگی اجتماعی، فردی، مادی و معنوی مسلمانان را به نمایش می گذارد. بر اساس شواهد تاریخی و مطالعات انجام شده می توان گفت که مساجد در شکل گیری کالبدی شهرهای اسلامی تاثیرگذار بوده اند و در ارتقاء کیفیت محیط کالبدی این شهرها نیز نقش داشته اند.

بخشی از تاثیرات کالبدی مساجد در کیفیت محیط عبارت اند از:

- هویت بخشی به محیط،
- تقویت نشاط و سرزندگی در محیط،
- ارتقاء دسترسی به فضای شهری،
- ارتقاء حس مکان در محیط شهری،
- کمک به پایداری محیط.

مساجد با دارا بودن عوامل کالبدی خاص در ایجاد و ارتقاء نشاط و سرزندگی در محیط مؤثرند. وجود صحن و حیاط در مساجد و استفاده از عنصر آب در آن، در کنار دیگر مؤلفه های عملکردی مساجد، می تواند در زمینه تقویت نشاط و سرزندگی محیط نقشی مهم داشته باشد.

۲-۳ سرزندگی شهری

برای مفهوم سرزندگی، برابری گوناگونی در غرب وجود دارد. از جمله آن می توان به Liveliness، به جز Vitality لغات دیگر بیش تر به مفهوم زیست پذیری و قابلیت زندگی نزدیک هستند (Cowan, ۲۰۰۵: p۴۴۲). در لغت نامه شهرسازی

جدول ۱. هدف از سرزندگی و راهبردها و سیاست های آن؛ ماخذ: پاکزاد، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷

هدف	راهبرد	سیاست	
سرزندگی	تنوع در طول مسیر	<ul style="list-style-type: none"> - پراکندن کاربری های متنوع؛ - ایجاد تنوع در کاربری ها به نحوی که جاذب گروه های مختلف اجتماعی باشد؛ - پرهیز از استقرار کاربری هایی در بدنه که نقاط خاموش و غیرفعال بوجود می آورند؛ - پیش بینی کاربری های خدماتی که متضمن تداوم حضور شهروند در پیاده راه است؛ - استقرار کاربری های اوقات فراغت. 	
		<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از آرایش یکنواخت مبلمان شهری در طول مسیر؛ - ایجاد امکان برای فعالیت معرکه گیران و دستفروشان؛ - پیش بینی عرصه هایی برای مراسم و فعالیت های ویژه؛ - ایجاد فضاهایی برای مکت، نشستن و تماشا؛ - تداوم کاربری های بدنه به داخل مسیر پیاده راه؛ 	
		<ul style="list-style-type: none"> - توجه به جزئیات متنوع و قابل ادراک برای ناظر در نماها - حفظ و تقویت شاخص های کالبدی که یادآور خاطرات جمعی است. - استفاده از مصالح متنوع در عین وحدت - بکارگیری فرم های متنوع در جداره - هماهنگی روشنایی مسیر با روشنایی بدنه ها 	
	تفویذی	در داخل پیاده راه	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد امکان رابطه متقابل بصری بین مسیر و بدنه - ایفای نقش جلوخان برای بدنه ها توسط مسیر
		در ارتباط با پیرامون	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد قابلیت دسترسی از نقاط مختلف به پیاده راه - تقویت محور پیاده به عنوان اتصال نقاط کانونی پیرامون - قابلیت دسترسی به گره ها و مسیرهای اصلی پیرامون - حفظ و تقویت نقاط شاخص و خاطره انگیز
	کالبد	در مبلمان و در عناصر الحاقی	<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از بکارگیری مبلمان صلب، جاگیر و غیرقابل جابجایی - ایجاد تمهیداتی برای نصب آسان سایه بان ها و سایر عناصر الحاقی در مواقع لزوم - احتراز از بهم ریختن یکدستی فضا توسط درختان و پوشش گیاهی
		در کف	<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از بکارگیری مصالحی چون آسفالت و بتن درجا - پرهیز از اختلاف سطح و شکستن و خرد کردن کف - پرهیز از باغچه ها و آبناهمای بزرگ در کف
		در بدنه	<ul style="list-style-type: none"> - پرهیز از استقرار بناهای درشت دانه و صلب در همجواری مسیر - توجه به سکانس های قیل و بعد هر سکانس در طرح کالبدی آن سکانس در راستای ایجاد وحدت
	عملکرد	در زمان های مختلف	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد قابلیت استفاده های متفاوت از مسیر در طول هفته و روزهای تعطیل - ایجاد قابلیت استفاده های متفاوت از فضا در طول شبانه روز
		در مکان های مختلف	<ul style="list-style-type: none"> - هماهنگ نمودن کارکردهای هر سکانس با حوزه های پیرامونی در راستای وحدت
ایمنی برای پیاده در سواره	در مسیر	<ul style="list-style-type: none"> - جلوگیری از ورود خودرو و موتور سیکلت 	
	در تقاطع	<ul style="list-style-type: none"> - به حداقل رساندن تقاطع پیاده و سواره - مناسب سازی تقاطع های سواره با محور پیاده - تعیین سلسله مراتب دسترسی - دسترسی ایمن به سواره 	
ایمنیت پیاده در محیط	به لحاظ کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> - قابلیت دیدن از بدنه ها به فضای پیاده - حذف موانع دید از عرصه مسیر - روشنایی مسیر برای حرکت پیاده - پرهیز از کنج های تاریک و مخفی 	
	به لحاظ کارکردی	<ul style="list-style-type: none"> - امکان وجود چند واحد مسکونی در طول محور - پرهیز از استقرار کاربری های اداری و زمان دار در بدنه بلافاصله فضا 	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۴۶

سرزندگی

جدول ۲. اهم مولفه های ایجاد کننده سرزندگی توسط اماکن مذهبی؛ ماخذ: نگارنده

ویژگی مولفه ها	مؤلفه	مولفه های ایجاد کننده سرزندگی
محل انجام فعالیت های دینی و اعتقادی محل برخورد اجتماعی شهروندان و تبادل افکار و عقاید محل وقوع رخدادها و حوادث محل گذراندن اوقات فراغت، تفریح و حضور محل برگزاری مراسم ها، آیین ها و گردهمایی های مذهبی تنوع فعالیتی و فضایی پویا	عملکردی	
دسترسی فیزیکی و بصری تمام بخش های بافت شهری دسترسی آسان و عمومی در تمامی ساعات شبانه روز توجه به فرم برای استفاده جمعی از فضا توجه به برنامه ریزی فضاهای باز و بسته در امامزاده استفاده از معماری بومی و دینی متناسب با فرهنگ اسلامی توجه به تزئینات و عناصر موضعی در فرم بنا	فرمی	
منعکس کننده فرهنگ، عقاید و ارزش ها محل دریافت تصویر و ادراک ذهنی از سیما و الگوی شهر شکل دهنده هویت اجتماعی و هویت شهری زنده کردن یاد خدا و ارزش های دینی و انسانی در شهرها	معناشناختی	
محور کانون فرهنگی اجتماعی محدوده محل برگزاری مراسم و مناسک هویت تاریخی فضا محل پیوند دهنده اعضای جامعه محل ملاقات و دید و بازدید و انتقال اطلاعات	اجتماعی و فرهنگی	

رابرت کوآن سرزندگی و زیست پذیری در کنار هم آمده و اینگونه معنی داشته است: Vitality and Viability که ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است. سرزندگی شهر بازتاب شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش های مختلف است (خستو و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۶۶).

«چارلز لاندری» مفهوم سرزندگی را به گونه ای متفاوت بررسی نموده؛ او ۹ معیار موثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست پذیر بر می شمرد: «تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت و ارتباط، تشریک مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت» (Landry, ۲۰۰۰: ۴).

۲-۴ مولفه های سرزندگی محیط شهری

سرزندگی مفهومی اعم از فضای شهری بوده و در دو سطح خرد و کلان قابل تعریف می باشد؛ سرزندگی در سطح کلان، علاوه بر سرزندگی فضای شهر، مفاهیمی چون عدالت، کارآمدی، سازگاری، انعطاف پذیری، کیفیت محیطی را در بر می گیرد که در نهایت سرزندگی شهر در صورت پایداری به زیست پذیری منجر خواهد شد (خستو و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۱). آنچه که بیش از هر معیاری یک از شهر را از سایر شهرها- و یک فشار از سایر فضاها-

متمایز می کند، میزان سرزندگی و حضور شهروندان در فضاهای عمومی آن شهر است. اینکه یک شهر و فضاهای عمومی و در دسترس آن چگونه به نیازهای شهروندان خود پاسخ گفته و چگونه جاذب جمعیت باشند (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

۲-۵ فضاهای و اماکن مذهبی و سرزندگی فضایی

عرصه های عمومی فضاهای شهری شهرهای قدیم ایران، در متن شهرهای آیینی تحقق می یافتند. در این گونه شهرها، آیین ها، عادات، سنت ها و خاطرات جمعی مردم، مهم ترین عناصری هستند که بنیان شکل گیری عرصه های عمومی را تشکیل می دهند. «مهمترین فضاهای عمومی این دوره عبارت بود از بازار، مکان های مذهبی (در اشکال مختلف از جمله تکیه ها و...) قهوه خانه ها، دار الحکومه» (اعتماد، ۱۳۸۴، ص ۵۳). فضاهای مذهبی همواره از شاخص ترین و تأثیرگذارترین فضاها بر روح و روان مردم و نوع زندگی آن ها به شمار می روند. این فضاها علاوه بر آن که از عهده انجام وظائف دینی ساکنان بر می آید، کانونی برای بحث در مورد مسائل سیاسی، مذهبی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی نیز بوده است (توسلی، ۱۳۸۱). از مهمترین فضاهای مذهبی در شهرها می توان به بقعه متبرک امامزادگان، مساجد جامع و مساجد محلی و حسینیه ها اشاره نمود که حضور آن ها در بافت شهری، ضمن آن که نشان از جایگاه رفیع و پر رنگ ارزش ها و باورهای اعتقادی و دینی دارد، محرک رشد، توسعه و رونق بافت شهری نیز گردیده است. در واقع، تقسیم عمومی جهان به پدیده های قدسی و غیر قدسی از پایه های اساسی اندیشه دینی است که در فضای شهر بازتولید می شود به واقع شهر مجموعه ای از فضاها با درجه متفاوتی از تقدس یا عدم تقدس است.

در مجموع باید بیان داشت مهمترین موضوعات متمایز کننده این فضاها نسبت به سایر فضاها وجود «آگاهی زنده و پویا از محیط، یک تکرار دینی و مذهبی و یک احساس رفاقت و دوستی با مکان است

(Brinckerhoff, ۱۹۹۴). بنابراین این شهروندان با آگاهی و بر مبنای اعتقادات دینی و مذهبی خود از فضای امامزادگان بهره می گیرند. زیبایی های فرامادی و معنوی این مکان ها بر مبنای جاذبه ای که برای شهروندان ایجاد می نمایند، در فرد نوعی احساس وصف نشدنی ایجاد می نماید که حس تعلق، سرزندگی و علاقه مندی به بازگشت را در وی پدید می آورد.

۳- مطالعه موردی: امامزاده صالح

۳-۱ میدان تجریش

میدان تجریش که نقطه پایانی خیابان ولیعصر تهران است یکی از مکان های تجاری و شلوغ تهران بشمار می رود. بازار قدیمی، تکیه بزرگ تجریش و امامزاده ای به نام امامزاده صالح و مرکز خرید تندیس از نقاط دیدنی محله تجریش اند. هزار سال پیش تجریش، طبرشت خوانده می شد. چنان که راوندی مورخ تاریخ در شرح سلطنت طغرل سلجوقی آورده است: «آنگاه سلطان از تبریز به سوی ری رفت تا زفاف به دارالملک باشد. اندک مایه رنج بر وی مستولی شد، به قصران بیرونی، به در ری به دیه طبرشت از جهت خنکی هوا نزول فرمود، چه حرارت هوا بغایت بود (به سال ۴۵۵ ق). جالب اینجاست که طغرل در همان تجریش وفات یافت و جنازه اش برای دفن به ری منتقل شد (مظفری پور، ۱۳۹۳، ص ۲۱).

۳-۲ امامزاده تجریش و محدوده پیرامونی

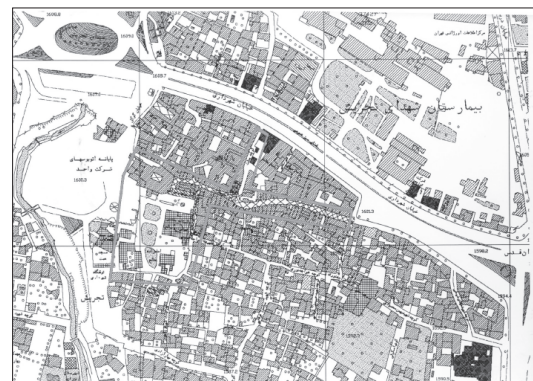
امامزاده صالح (ع) از فرزندان امام موسی کاظم (ع) می باشند. بقعه مبارک امامزاده صالح (ع) در میدان تجریش در شمال تهران واقع است و یکی از امامزاده های خوش آب و هوای بیلاقیات البرز به شمار می رود (تکمیل همایون، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹). بقعه امامزاده صالح بنای بزرگ و محکمی است که هلاکومیرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۰ بانی تعمیرات و تزئینات آن شده است و کاشی کاری و اصلاحات داخلی و احداث گنبد و کاشی کاری آن را انجام داده است. در سال ۱۳۲۳ خورشیدی مرحوم



تصویر ۲. موقعیت مکانی میدان تجریش، ماخذ: Google earth ۲۰۱۵

الف- فضاهای قدسی امامزاده

کل فضای امامزاده یک فضای مقدس است اما محوری ترین نقطه قدسی مقبره امامزاده صالح است فضایی که قداست محل را تعریف می کند دیگر فضایی که داخل این فضا، معنویتی با خود حمل می کند مقبره شهدای گمنام است که در صحن آستان صالح بن موسی کاظم (ع) قرار گرفته است؛ بنابراین ما در این مکان دو محور قدسی داریم که



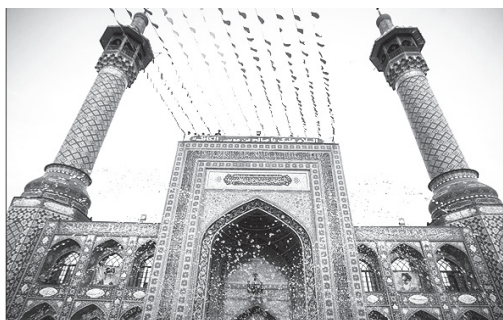
تصویر ۳. موقعیت امامزاده صالح، بازار و تکیه، ماخذ:

حسین نیا، ۱۳۸۶، ص ۳.

حسن فداکار بانی تعمیر و کاشیکاری مجدد گنبد گردید (مصطفوی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۳).

۳-۲-۱ سرزندگی فضایی امامزاده صالح

سرزندگی فضایی امامزاده صالح از طریق کنش ها و پیشینه تاریخی و تنوع فعالیتی است که در درون امامزاده و کاربری های پیرامون وجود دارد. حضور افراد در فضا به قصد زیارت و ارتباط با خدای خویش از یک سو، جانمایی تنوعی از فعالیت های سنتی و مدرن که به خوبی با یکدیگر و با فضای روحانی حرم هماهنگ شده اند. از سوی دیگر سبب پویایی و سرزندگی فضای محدوده حرم شده است. در این راستا اهم فعالیت های این محدوده را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:



تصاویر ۴ و ۵. امامزاده صالح و مقبره شهدای گمنام،

ماخذ: نگارنده.



تصاویر ۶ تا ۸. تصاویر تنوع فعالیتی اطراف محدوده امامزاده، ماخذ: نگارنده.

ب- شبکه تعاملات اجتماعی

در امامزاده صالح شاهد شکل گیری از شبکه روابط زنانه یا مردانه فارغ از روابط همسایگی هستیم که پایه اصلی آن می توان مذهبی یا غیرمذهبی باشد. ج- فضاهای خدماتی و تجاری پیرامون امامزاده اهم کاربری های پیرامونی تجاری و خدماتی اطراف محدوده را می توان در موارد زیر خلاصه نمود: تکیه تجریش، مرکز خرید قائم، بازار سنتی مجاور امامزاده.

۳-۳ بررسی عوامل و عناصر ایجاد کننده سرزندگی امامزاده صالح

با توجه به آنچه که از سرزندگی گفته شد و با توجه به محدوده مورد مطالعه مهمترین عناصری که منجر به سرزنده شدن محدوده امامزاده صالح می شوند؛ عبارتند از: نمای شهری، کیفیت بناها، فعالیت های غالب، عناصر هویتی خطی و ساختاری در محدوده، ارزش معماری ساختمان ها، شاخص بودن بناها،

پتانسیل تاریخی محدوده، کانون های اجتماعی، تنوع های فعالیتی در محدوده مورد مطالعه، وجود فضاهای ۲۴ ساعته، برگزاری مراسم و مناسک، تعامل قومیت های اجتماعی مختلف، ارتباط انسان با اصل پیدایش خویش در محدوده و هویت ایرانی- اسلامی محدوده. در ادامه مولفه های سرزندگی در محدوده امامزاده صالح به تفکیک عناصر سرزنده ساز و ویژگی های هر عنصر در قالب جدول شماره ۳، آورده شده است.

۴- روش شناسی پژوهش

۴-۱ وزن دهی به مولفه ها و شاخص ها

بخشی از مراحل وزن دهی به مولفه های سرزندگی محدوده مورد مطالعه مبتنی بر تکنیک دلفی و پرسش از کارشناسان امر می-باشد. اساساً دلفی، نامی داده شده به یک سری فرایند است که جهت ابراز اصلاح نظرات یک گروه که معمولاً متخصصان هستند به کار می رود (براون دالکی؛ نقل شده در

جدول ۳. مولفه های سرزندگی در محدوده امامزاده صالح؛ ماخذ: نگارنده

مولفه های سرزندگی	بخش های برنامه ریزی	عناصر سرزنده ساز	ویژگی - عنصر
مولفه های مصنوع	عملکردی	نمای شهری	- مصالح - تزئینات ساختمانی - خط آسمان - سبک معماری
		کیفیت بنا	- پایدار - قابل تعمیر - قابل تخریب و نوسازی
		فعالیت های غالب	- تجاری - فرهنگی - مذهبی
		عناصر هویتی خطی و ساختاری	- راسته بازار تجریش - تکیه بزرگ تجریش - فضای امامزاده تجریش
	فرمی	ارزش معماری ساختمان ها	- استفاده از معماری بومی و دینی متناسب با فرهنگ اسلامی - توجه به تزئینات و عناصر موضعی در فرم بنا
		شاخص بودن بناها	- وجود بناهای نشانه ای و خاطره انگیز - متمایز بودن و منحصر بودن بناها در بافت
		پتانسیل تاریخی محدوده	- هویت تاریخی محدوده امامزاده
مولفه های انسانی	اجتماعی- فرهنگی	کانون های اجتماعی	- فضای جلوی مسجد (فضای مکث) - مقبره شهدا در حیاط مسجد - فضای درونی حرم برای زیارت و ایجاد نقاط مشترک در میان زادران
		تنوع های فعالیتی در محدوده مورد مطالعه	- وجود فعالیت های فرهنگی در حیاط مسجد (کتابخانه)
		وجود فضاهای ۲۴ ساعته	- بازار منتهی شده به امامزاده - پاساژهای متعدد در اطراف امامزاده - تکیه مجاور امامزاده و تنوع در ایفای نقش
		برگزاری مراسم و مناسک	- مراسم در اعیاد مختلف - مراسم در ایام محرم و روزهای خاص از سال
		تعامل قومیت های اجتماعی مختلف	- تعامل گروه های مختلف زائر در محدوده
	معناشناختی	ارتباط دهنده انسان با اصل پیدایش خویش	- انعکاس عقاید و ارزش های دینی افراد شکل دهنده به هویت فرهنگی و دینی زنده کردن یاد خدا و ارزش های دینی و انسانی در شهرها
		هویت ایرانی اسلامی	- وقوع مراسم مذهبی و اتصال مردم به هویت ایرانی- اسلامی خود

جدول ۴. ترکیب و تعداد مصاحبه شوندگان؛ ماخذ: نگارنده

کارشناسان	۳ نفر از کارشناسان آشنا و مرتبط با مسائل شهرسازی
اساتید دانشگاهی	۲ نفر از اساتید دانشگاه در زمینه تخصصی مسائل شهرسازی
	۱ نفر از اساتید دانشگاه در زمینه تخصصی مسائل معماری

در گام بعدی جهت سنجش شاخص ها و درجه اهمیت آن ها از روش تحلیل سلسله مراتبی استفاده شده است. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با شناسایی و اولویت بندی عناصر تصمیم گیری شروع می شود. این عناصر شامل هدف ها، معیارها و یا مشخصه ها و گزینه های احتمالی بوده که در اولویت بندی به کار گرفته می شود. فرآیند شناسایی عناصر و ارتباط بین آن ها که منجر به ایجاد یک ساختار سلسله مراتبی می شود، ساختن سلسله مراتب نامیده می شود. سلسله مراتبی بودن ساختار به این دلیل است که عناصر تصمیم گیری (گزینه ها و معیارهای تصمیم گیری) را می توان در سطوح مختلف خلاصه کرد و با تعیین ارزش نسبی آن ها، درجه اهمیت و اولویت را تعیین نمود. از اینرو در این پژوهش به منظور تعیین ارزش هر یک از شاخص ها از این روش استفاده شده است.

۵- یافته های پژوهش

در این بخش از مطالعه به منظور رتبه بندی مولفه های اصلی موثر در سرزندگی محدوده مورد مطالعه از تکنیک دلفی استفاده شده است. در این

لانگ، ۱۹۹۴). دلفی روشی است که بر پایه نظرات شهودی متخصصان قرار دارد و در آن یک گروه از متخصصان، پس از ابراز نظرات خود درباره یک مسئله مشخص، به یک اجماع دست می یابند (هلمر؛ نقل شده در لانگ، ۱۹۹۴). اگرچه این قضاوت جمعی متخصصان ذهنی به نظر می رسد، معتبرتر از اظهارات فردی است؛ چرا که نتایج عینی تری به بار می آورد. همانطور که «لینستون» و «توراف» معتقدند، دلفی را می توان روشی جهت ساختاردهی یک فرایند ارتباط گروهی دانست، به طوری که این فرایند، به افراد گروه، به عنوان یک کل اجازه می دهد به گونه مؤثرتری یک مشکل پیچیده را حل کنند (پاشایی زاده، ۱۳۸۶، ص ۶۴). با این وصف، بخشی از مراحل وزن دهی به مولفه های سرزندگی نمونه موردی، مبتنی بر تکنیک دلفی و پرسش از کارشناسان امر می باشد. در این راستا جهت تعیین اهمیت نسبی شاخص ها و سنجه های تحلیل از دانش ۶ نفر که شامل اساتید دانشگاهی و کارشناسان مرتبط با مسائل شهرسازی بوده اند، بهره برده شده است.

جدول ۵. رتبه بندی مولفه های اصلی تاثیر گذار بر ارتقاء سرزندگی؛ ماخذ: نگارنده.

مولفه های اصلی	امتیاز							جمع	میانگین	دلفی
	۶	۷	۸	۷	۸	۴	۳			
عملکردی	۶	۷	۸	۷	۸	۴	۳	۴۰	۶,۶	۱۷,۶
فرمی	۴	۳	۶	۴	۵	۳	۵	۲۵	۴,۱	۸,۸۳
اجتماعی- فرهنگی	۵	۷	۵	۶	۴	۸	۴	۳۵	۵,۸	۱۵,۴۶
معناشناختی	۷	۶	۶	۸	۴	۶	۶	۳۷	۶,۱	۱۶,۲۶

جدول ۶. رتبه بندی شاخص های سرزندگی؛ ماخذ: نگارنده.

ردیف	شاخص های پیشنهادی مولفه عملکردی
۱	نمای شهری
۲	کیفیت بنا
۳	فعالیت های غالب
۴	عناصر هویتی خطی و ساختاری

جدول ۷. رتبه بندی شاخص های سرزندگی؛ ماخذ: نگارنده.

ردیف	شاخص های پیشنهادی مولفه فرمی
۱	ارزش معماری ساختمان ها
۲	شاخص بودن بناها
۳	پتانسیل تاریخی محدوده

جدول ۸. رتبه بندی شاخص های سرزندگی؛ ماخذ: نگارنده.

ردیف	شاخص های پیشنهادی مولفه اجتماعی و فرهنگی
۱	کانون های اجتماعی
۲	تنوع های فعالیتی در محدوده امامزاده صالح
۳	وجود فضاهای ۲۴ ساعته
۴	برگزاری مراسم و مناسک
۵	تعامل قومیت های اجتماعی مختلف

راستا، پرسشنامه هایی تدوین شده و با نظر سنجی از صاحب نظران و امتیازدهی های این افراد، مولفه های اصلی موثر در سرزندگی رتبه بندی شده اند. جدول زیر به اختصار نشان دهنده نتایج به دست آمده از به کارگیری تکنیک دلفی می باشد.

پس از به کارگیری تکنیک دلفی و رتبه بندی مولفه های اصلی موثر در هویت بخشی، شاخص ها و سنجه های پیشنهادی برای هر یک از مولفه ها تعیین و با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی وزن دهی و میزان سازگاری شاخص های اصلی مطالعاتی با استفاده از روش Expert Choice تعیین شده است.

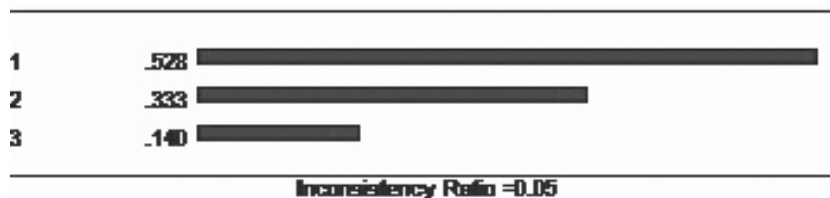
با این وصف در ادامه روند پژوهش نتایج حاصل

از تعیین ارزش نسبی شاخص ها و سنجه های پیشنهادی برای هر یک از مولفه ها مشخص می گردد.

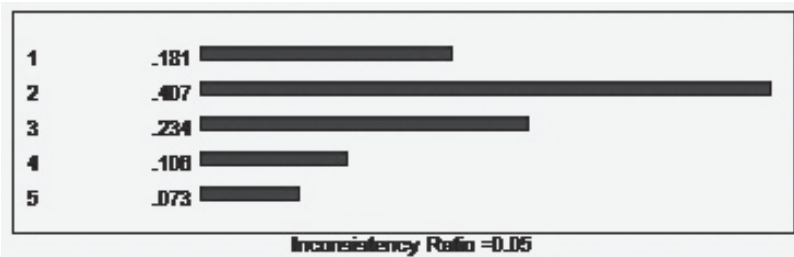
تحلیل های برآمده از روش دلفی و تحلیل سلسله مراتبی نشان دهنده این موضوع است که از میان چهار مولفه اصلی تعریف شده و اثرگذار بر میزان سرزندگی محدوده مطابق جدول شماره ۵، بترتیب مولفه عملکردی، معناشناختی، اجتماعی-



نمودار ۱. اولویت بندی شاخص های عملکردی و کالبدی؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۲. اولویت بندی شاخص های فرمی، ماخذ: نگارنده.



نمودار ۳. اولویت بندی شاخص های اجتماعی و فرهنگی؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۴. اولویت بندی شاخص های اقتصادی، ماخذ: نگارنده.

جدول ۹. رتبه بندی شاخص های سرزندگی؛ ماخذ: نگارنده.

ردیف	شاخص های پیشنهادی مولفه معناشناختی
۱	نقش محدوده برای رسیدن به هویت ایرانی اسلامی
۲	ارتباط دهنده انسان با اصل پیدایش خویش

فرهنگی و در نهایت شاخص فرمی بیشترین تاثیر

۶- ارائه راهکارها

هدف اصلی این مقاله، تعیین نقش مراکز مذهبی در افزایش سرزندگی شهرهای معاصر است که طبق مطالعات انجام شده در محدوده مورد مطالعه و یافته های تحقیق در مولفه ها و شاخص های مختلف سرزندگی نمایان شده است. در ادامه کار بنا بر مطالعات انجام شده و مشاهدات مستقیم پژوهشگر در محدوده مورد نظر، می توان راهکارهایی را در قالب جدول شماره ۱۰ در ابعاد عملکردی، فرمی، اجتماعی- فرهنگی و معناشناختی ارائه نمود تا بتوان با بهبود وضعیت محدوده در زمینه های ذکر شده، به ارتقاء سرزندگی محدوده کمک شایانی کرد.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری

ساختمان ها، بناهای تاریخی و اماکن مذهبی، نشان از طرز زندگی، کیفیت زندگی، آداب و رسوم، عقاید،

را بروی سرزندگی را دارند. در ادامه نمودارهای ۱ تا ۴ میزان اهمیت هر یک از شاخص ها را نشان می دهند. بطوریکه مطابق با جدول شماره ۶، از بین شاخص های مولفه عملکردی، عناصر هویتی خطی و ساختاری بیشترین اهمیت را از بین سایر شاخص ها دارد. همچنین طبق نتایج بدست آمده از جدول ۷، از بین شاخص های مولفه فرمی، ارزش معماری ساختمان ها بیشترین اهمیت را از بین سایر شاخص ها دارد. جدول شماره ۸ نیز نشان دهنده آن است از بین شاخص های مولفه اجتماعی- فرهنگی، تنوع های فعالیتی در محدوده امامزاده صالح بیشترین اهمیت را از بین سایر شاخص ها دارد و در نهایت از بین شاخص های مولفه معناشناختی، نقش محدوده برای رسیدن به هویت ایرانی اسلامی اهمیت بیشتری نسبت به ارتباط دهنده انسان با

جدول ۴. راهکارهای پیشنهادی جهت ارتقاء سرزندگی در محدوده امامزاده صالح تجریش؛ ماخذ: نگارنده.

<ul style="list-style-type: none"> - اولویت دادن به حرکت پیاده؛ - ساماندهی وضعیت پیاده راه های موجود؛ - جلوگیری از ساخت و سازهایی که مانع دید می شوند. - هماهنگی نماهای شهری بین ساختمان های موجود و ساختمان های در حال ساخت؛ - استفاده از مصالح متناسب با بافت موجود در ساخت و سازهای جدید؛ - ساماندهی کاربری های ناسازگار با تعریف کاربری های جایگزین؛ - استفاده از نماهای متنوع در عین وحدت؛ - تزریق کاربری های پر جنب و جوش و فعال در محدوده (تجاری)؛ - تقویت و ساماندهی بناهای با هویت محدوده؛ - پررنگ نمودن عناصر شاخص تاریخی که سبب یادآوری تاریخ و خاطرات گذشتگان می شود. 	<p>عملکردی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - حفظ و نگهداری از عناصر تاریخی موجود؛ - حفظ و ایجاد اماکنی مانند قهوه خانه ها به منظور پیوند با گذشته؛ - به حداقل رساندن تخریب جداره های واجد ارزش در راسته تجاری محدوده؛ - تزریق فعالیت ها در عناصر تاریخی در جهت سرزنده سازی فضا؛ - جلوگیری از ساخت و سازهای بی هویت و ناهماهنگ با بافت تاریخی موجود؛ - حفظ و گسترش ارزش های معماری موجود در محدوده؛ - تقویت بناهای شاخص در بافت موجود؛ 	<p>فرمی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت کانون های جمعیتی از طریق برگزاری مراسمات و فعالیت های اجتماعی دوره ای - تقویت فعالیت های ۲۴ ساعته - ارتباط فضاهای مکث با یکدیگر - برگزاری جشن ها و مراسمات مختلف فرهنگی- مذهبی در روزهای خاصی از سال - شناسایی و تقویت مکان-رویدادها در راسته بازار سنتی تجریش و در سطح فراتر در حوزه محله ای - حفظ و تقویت عوامل خاطره انگیز به عنوان فضاهای جمعی - شناسایی، ثبت و حفظ مراسم و سنت های خاص. - طراحی نقاط مکث برای حضور جوانان - بهسازی ارزش های فرهنگی و اجتماعی محدوده - بسترسازی به منظور حضور اقشار و گروه های مختلف اجتماعی - بسترسازی به منظور ایجاد مکان های خلاقانه جهت ابراز وجود شهروندان و مراجعه کنندگان. 	<p>اجتماعی- فرهنگی</p>
<ul style="list-style-type: none"> - بهبود کیفیت برگزاری مراسمات مذهبی در امامزاده صالح - ایجاد آرامش معنوی و روحی مراجعه کنندگان از طریق طراحی مناسب فضا در محدوده - پررنگ کردن نقش مراسمات مذهبی- فرهنگی در امامزاده صالح بمنظور افزایش سرزندگی فضا 	<p>معناشناختی</p>

ارزش ها، هنجارها و بالاخره، فرهنگ جامعه را دارد. می شدند و سرزندگی و پویایی را در شهرها بوجود می آوردند. بنابراین علاوه بر این مراکز مصنوعی گذشته تاکنون به تعاملات اجتماعی پرداخته اند و علاوه بر بجا آوردن مراسمات مذهبی با یکدیگر آشنا می شدند و سرزندگی و پویایی را در شهرها بوجود می آوردند. بنابراین علاوه بر این مراکز مصنوعی گذشته تاکنون به تعاملات اجتماعی پرداخته اند و علاوه بر بجا آوردن مراسمات مذهبی با یکدیگر آشنا می شدند و سرزندگی و پویایی را در شهرها بوجود می آوردند.

منجر به سرزندگی و نشاط خواهد شد. از اینرو به منظور باز طراحی در ارتقاء و ساماندهی وضعیت سرزندگی بافت های شهری بخصوص با مرکزیت مراکز مذهبی، مولفه های مصنوع و انسانی را باید تماماً در نظر گرفته شود. از دیگر سو می توان در یک فرآیند جز به کل و از طریق بازطراحی بافت های تاریخی موجود که مراکز مذهبی را نیز در خود جای داده اند، علاوه بر افزایش سرزندگی جزء فضاها، موجب افزایش سرزندگی در کل سیستم شهری شد تا روح زندگی و جنب و جوش به شهرها برگردانده شود.

در محدوده مورد مطالعه نیز نتایج حاصل از تلفیق بررسی های کالبدی و کارکردی، همراه با ارزیابی ارزش های اجتماعی و جذابیت های زندگی جاری در محدوده امامزاده صالح، این نتیجه بدست می آید که در این محدوده از میان چهار مولفه اصلی تعریف شده و اثرگذار بر میزان سرزندگی محدوده، بترتیب مولفه عملکردی، معناساختی، اجتماعی- فرهنگی و در نهایت شاخص فرمی بیشترین تاثیر را بروی سرزندگی را دارند. به گونه ای که اماکن مذهبی از طریق همگونی با فعالیت های وابسته و تنوع فعالیتی فضا، پیوند با ارزش های معنوی افراد جامعه، ایجاد کانون های اجتماعی و با توجه به معماری ایرانی اسلامی باارزشی که در خود دارند، پویایی و سرزندگی فضا را در شهرها رقم می زنند. بنابراین در این محدوده نه تنها باید زندگی جاری و جنب و جوش مورد حفاظت و پاسداری قرار گیرد بلکه از طریق ساماندهی و بکارگیری راهبردهای ارائه شده، سرزندگی را در آن افزایش داد. به همین دلیل باید سعی گردد که در بازطراحی امامزاده صالح و محیط اطراف آن مولفه های عملکردی و معناساختی با توجه به نقش مراکز مذهبی در زندگی مردم، مورد توجه بیشتری قرار گیرد. به عبارتی برای اینکه سرزندگی شکل یابد ابتدا لازم است تا زمینه حضور مردم در فضا فراهم گردد در این راستا باید فضاها و فعالیت هایی خلق کرد که پاسخگوی نیاز استفاده

کنندگان باشد. پس از جلب حضور مردم در فضا، آنگاه تعاملات اجتماعی رخ خواهد داد، رویدادها به وقوع خواهد پیوست و سرزندگی شکل می گیرد.

منابع و ماخذ

اعتماد، گیتی (۱۳۸۴) «تحول عملکرد و شکل گیری فضاهای عمومی در ایران»، مجله اندیشه ایران شهر، سال اول، شماره سوم.

امین زاده، بهناز (۱۳۷۸) حیاط مساجد بررسی تاریخی و سیر تحول آن، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر ۱۳۷۸.

بازوندی، فرشاد، شهبازی، مهرداد (۱۳۹۳) نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره گیری از فضای شهری، دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، سال اول، شماره ۱، ۴۳-۳۳.

بحرایی، حمید و کارگر، بهمن (۱۳۸۶) توسعه شهرنشینی و صنعت گردشگری در ایران (از مفهوم تا راهکار)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران. پاشایی زاده، حسین (۱۳۸۶) نگاهی اجمالی به روش دلفی؛ پیک نور؛ سال ششم؛ شماره دوم؛ ۷۹-۶۳.

پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماریف تهران.

تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۷) رویدادها و یادمان های تاریخی تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

توسلی، محمود (۱۳۷۱) طراحی فضای شهری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حاج سید جواد، فربرز (۱۳۷۸) مسجد- مدرسه ها، مجموعه مقالات همایش مسجد، انتشارات دانشگاه هنر.

حسین نیا، نسترن، حقیقی، ملاح و متین عاشوری (۱۳۸۶) بررسی فضای شهری امامزاده صالح، تکیه و بازار سنتی تجریش، پروژه شناخت فضای شهری

استاد راهنما: دکتر مهرناز مولوی.

خستو، مریم، سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) عوامل موثر بر سرزندگی فضای شهری، خلق یک فضای شهری سرزنده با تاکید بر مفهوم مرکز خرید پیاده، هویت شهر، ۴(۶)، ۶۳-۷۴.

کروبی، مهدی (۱۳۸۲) فرهنگ و گردشگری، فصلنامه مطالعات جهانگردی، شماره ۲.

کوزر، لوئیس (۱۳۸۷) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ چهاردهم.

مرتضی، هشام (۱۳۸۷) اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

مصطفوی، محمد تقی (۱۳۷۵) آثار تاریخی تهران: اماکن متبرکه، انجمن آثار ملی، تهران، تهران.

مظفری پور، نجمه (۱۳۹۳) شناسایی مولفه های تاثیرگذار بر منظر ورودی کاربری های تجاری و مذهبی بر ارتقا حس دعوت کنندگی، دوفصلنامه پژوهش های منظر شهر، سال اول، شماره ۱، ۲۴-۱۷.

موسوی، میرنجف و سلطانی، ناصر (۱۳۹۳) تحلیلی بر نقش گردشگری مذهبی در توسعه شهری؛ مطالعه موردی امام زاده جعفر(ع) یزد، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۸، ۹۴-۷۷.

مهرگان، نادر و دلیری، حسین (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی یا سرمایه مذهبی، کدامیک برای اقتصاد مطلوب ترند؟، مجله معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره دوم، ۵۱-۷۲.

نقدی، اسدالله و رضایی، فاطمه (۱۳۹۱) هجرت و تاثیرات آن بر شهرنشینی، همایش ملی هجرت امام رضا(ع) و هجرت تابعه و رویکرد تمدنی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان.

الویری، محسن (۱۳۸۵) مسجد الگوی جامعه دینی، مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش هفته

جهانی مساجد (فروغ مسجد) سال ۱۳۸۵.

Brinckerhoff, Jackson John.1994, A Sense of Place, A Sense of Time, Yale University Press, New Haven and London

Cowan, Robert (2005), The dictionary of urbanism, street wise press.

Landry, Charles (2000), Urban vitality: New source of urban competitiveness, Prince Clause Fund Journal ARCWIS issue urban/urban hrrroes.

Lang, Trudi, An Overview of Four Futures Methodologies, [Online] Available: www. Futures.hawaii.edu/j7/LANG.htm1.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۱۵۸ ■

تحلیل انگاره های محیطی موثر بر مولفه معنا در بازار سنتی ایرانی؛ نمونه موردی: مقایسه تطبیقی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه کاشان

زهرا عباسی* - دانشجوی دکتری معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
فرح حبیب - دکتری معماری، استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
مصطفی مختاباد امرئی - دکتری پژوهش هنر، استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Analysis of factors affecting the environmental ideas in the traditional sense; Case Study: Comparative traditional market and commercial complex Safavid Kashan Kashan

Abstract

One of the most important and influential market in Islamic cities. During the development of the markets in the multiple functions of social, economic, political, and cultural framework have. This article is to study the traditional market, meanwhile making environment to explore effective component in the creation of meaning in their environment. Therefore, factors affecting instills a sense of place and a sense of collective memory and assessing how to respond to humanitarian needs in the traditional areas to create a sense components considered in this article; To be able to reproduce the traditional market system based on knowledge of the process of perception and attention and use of the senses in response to humanitarian needs in contemporary spaces to achieve practical results. This research is based on a hybrid approach with heuristic approach using a questionnaire and the analysis of field collected information on hypothesis testing and the data were analyzed in spss software. The results confirmed the presence of meaning in traditional markets and offers similar functionality for contemporary spaces provided.

Key words: traditional market, a sense of place, a sense of belonging, collective memories, meaning environment.

چکیده

بازار یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در شهرهای اسلامی است. در طول شکل گیری شهرهای اسلامی بازارها دارای عملکردهای متعدد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و فرهنگی بوده اند. این مقاله بر آن است تا با مطالعه بازار سنتی، ضمن تبیین جایگاه محیط به بررسی مولفه های اثرگذار در ایجاد معنا در محیط پردازد؛ لذا شناخت مؤلفه های اثرگذار در القا حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق و ارزیابی چگونگی پاسخ فضاهای سنتی به نیازهای انسانی در جهت ایجاد مولفه های معنا در محیط مدنظر این تحقیق می باشد تا بتوان با بازآفرینی نظام بازار سنتی ایران بر پایه شناخت فرایند ادراکی و توجه و به کارگیری حواس در پاسخ به نیازهای انسانی در فضاهای معاصر به دستاوردهای عملی دست یافت. این تحقیق بر اساس شیوه ترکیبی و با رویکرد اکتشافی با استفاده از پرسشنامه و تحلیل میدانی اطلاعات لازم در خصوص آزمون فرضیه ها جمع آوری و سپس در نرم افزار SPSS داده ها تجزیه و تحلیل گردید. بر اساس نتایج، وجود مؤلفه های معنا در بازار سنتی تأیید شد و پیشنهادهایی کاربردی برای فضاهای مشابه معاصر ارائه گردید.

واژگان کلیدی: بازار سنتی ایران، حس مکان، حس تعلق، خاطره جمعی، معنای محیط.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۵۲۴۱۳۳، رایانامه: z_abbasi@srbiau.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری زهرا عباسی با راهنمایی دکتر فرح حبیب و مشاور دکتر مصطفی مختاباد امرئی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می باشد. این مقاله با حمایت مالی سازمان نظام مهندسی استان قم تهیه شده است.

تیعات حذف جبری و شاید عجولانه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نگاه اقتصادی به محیط‌های عمومی شهری به‌ویژه بازارها نشان‌دهنده اثرات منفی، تحولات سطحی ناشی از مدرنیسم در معماری معاصر هست. فرمول‌ها، ضابطه‌ها و الگوها جایگزین مواجهه‌های شخصی و تجربه‌های غنی و صمیمانه مکان‌ها شده و تجربه مدرن از فضا به‌صورت عنصری خالی جایگزین ویژگی‌هایی چون تنوع، شگفتی، ابهام، سرزندگی، خاطره‌انگیزی و بسیاری از مفاهیم کیفی فضا شده است. در طول تاریخ بازارهای سنتی ایران با مجموعه‌ای وسیع از کاربری‌ها و بناهای جنبی مرکز جنب‌وجوش شهرها و تعاملات اجتماعی بوده، در این بازارها علاوه بر انجام معاملات اقتصادی، بسیاری از رویدادهای اجتماعی، مذهبی و حتی سیاسی رخ می‌داد. بازارهای ایرانی با پاسخگویی به بسیاری از نیازهای انسان محیطی با هویت و جذاب را ایجاد کرده بودند و با ایجاد خاطره، خلق معنی و ارتقا کیفیت محیط بسیاری از مفاهیم را تداعی می‌کردند. این مسئله در دوران معاصر در فضاهای مشابه مدرن دچار ضعف بسیاری گشت و خاصیت پویا و هدفمند بازار ایرانی به مفاهیمی سطحی تغییر کرد. تحولات ناخوشایند این تغییرات لزوم توجه و بازنگری در طراحی‌ها و فضاهای سنتی معماری ایرانی را ایجاد می‌کند. لذا موضوعات محوری موردتوجه در این مقاله یعنی مولفه معنا در بازار سنتی و مجتمع‌های تجاری مدرن در دهه‌های اخیر به‌تنهایی یا در رابطه دوجه‌دو با یکدیگر مورد توجه معماران نظریه‌پرداز واقع شده‌اند، می‌باشد؛ اما تأکید این مقاله بر مقایسه تطبیقی این دو با یکدیگر و بیان زمینه‌های مؤثر بر افزایش حس مکان، حس تعلق و خاطره جمعی در بازار سنتی هست تا بتواند از این مؤلفه‌ها در طراحی مجموعه‌های تجاری معاصر استفاده شود.

در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی و با تأکید بر راهبرد کیفی (عمدتاً در نحوه گردآوری اطلاعات) نحوه تحقق عوامل مؤثر بر حس مکان و حس تعلق و خاطره جمعی در بازار سنتی کاشان موردسنجش قرار می‌گیرد. به این صورت که ابتدا با ارزیابی مؤلفه‌های کیفی محیط به تأثیر سه مؤلفه «کاربرد، کارکردی، کارکردی و ادراکی» تحقیق پرداخته می‌شود و برای ارزیابی دقیق‌تر این مؤلفه‌ها دو فضای تجاری در شهر کاشان یعنی بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه از نظر استفاده‌کنندگان با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا بتوان با بررسی دو نمونه معاصر و سنتی به ویژگی‌های دقیق‌تر این فضاها برای نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای عملی پی برد سپس برای ارزیابی محیط با استفاده از پرسشنامه به کمی کردن داده‌های کیفی پرداخته خواهد شد. جهت استناد قوی‌تر به نتایج داده‌ها و آگاهی از شرایط، بر اساس متغیرهای تحقیق پرسشنامه‌هایی با بیست سؤال تدوین شد و در دو مجموعه توزیع شد. این پژوهش با بررسی ۱۲۰ نفر از مراجعین و کسبه بازار سنتی و مجتمع تجاری صفویه کاشان صورت گرفته است. در این تحقیق، به شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌هایی ارائه می‌گردد، ابزار پژوهش مطالعه کیفی با استفاده از پرسشنامه بسته بود به این صورت که با طرح سؤالات مناسب پارامترهای کالبدی محیط، فعالیت‌ها و تصاویر ذهنی بررسی می‌گردد. نتایج به‌دست‌آمده در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ادامه نیز با بررسی میدانی بازارچه‌های بازار کاشان به بررسی مؤلفه‌ها پرداخته شد و با مشاهده مستقیم نحوه فعالیت‌ها و رفتارهای مردم مورد تحلیل قرار گرفت. علاوه بر این موارد نظر صاحب‌نظران در رابطه با مؤلفه معنا موردتوجه قرار خواهد گرفت.

۳- جایگاه معنایی واژه بازار در متون فارسی

زبان به‌عنوان یکی از نظام‌های نشانه‌ای، از یک‌سو رو

به فرهنگ دارد و از سوی دیگر رو به جهان مردمی که در آن جامعه زبانی زندگی می‌کنند؛ بنابراین یکی از روش‌هایی که می‌توانیم به ریشه عمق فرهنگ و جهان مردم یک جامعه خاص پی ببریم مراجعه به زبان آن‌ها در چارچوب نشانه‌شناسی فرهنگی است. نیازهای جدید و رشد سریع علوم و فنون باعث ورود یک‌باره نظریه‌ها و عناصر کالبدی بسیاری به حوزه شهرسازی شده است. در این ارتباط، دو سهل‌انگاری عمده صورت گرفت یکی فراموشی میراث غنی و سرمایه‌ای که از گذشته به ما رسیده و دیگری عدم برنامه‌ریزی قابل قبول برای تحولات جدید و تنها واردکننده بودن که گاه حتی منجر به کژفهمی در درک و به‌کارگیری عناصر ذهنی و عینی وارداتی شده است (براتی و زرین قلم، ۱۳۹۲).

از آنجاکه محیط‌زیست انسان؛ ساختار ادراک و شناخت و زبانی که با آن تکلم می‌کند ارتباطی تنگاتنگ باهم دارند با یک نگاه کلی به واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده امروز متوجه می‌شویم که واژه‌های مورد استفاده امروز و معمول مردم بسیار نادر و بعضاً وارداتی هستند. «پاساژ»^۱، «سیتی سنتر»^۲، «مال»^۳ نمونه‌های بارزی از این دست واژه‌ها به شمار می‌رود، این واژه‌ها برخلاف واژه‌های موجود در زبان فارسی بیشتر به جنبه‌های کمی می‌پردازد و مانند بسیاری از واژه‌های فارسی که ما را با تجربیات و نوع نگاه گذشتگان آشنا می‌کرد جنبه کیفی ندارند.

بررسی واژگان حوزه‌های معنایی می‌تواند به‌نوعی نشان‌دهنده طرز تفکر و جهان‌بینی مردم متکلم به یک‌زبان باشد. چراکه تعدد واژه‌ها در یک حوزه معنایی اهمیت آن حوزه را در یک جهان زبانی - فرهنگی خاص نشان می‌دهد. «وارون» در همین

ارتباط اعتقاد دارد که واژه‌های زبان در زمینه‌هایی که به لحاظ فرهنگی مهم‌ترند تمایزاتی به‌مراتب بیشتر از زمینه‌های دیگر پدید می‌آورند. از نگاهی دیگر تعدد واژه‌ها در یک حوزه معنایی می‌تواند راهی برای اشاره به ابعاد و جنبه‌های مختلف یک پدیده و نحوه تکامل آن‌ها باشد (براتی، ۱۳۹۲).

بازار واژه‌ای ایرانی است که به سایر تمدن‌ها نیز راه‌یافته است به‌گونه‌ای که واژه فرانسوی بازار از طریق پرتغالی‌ها از ایران گرفته شده است.^۴ قدمت این واژه به متون پهلوی و پارسی باستان می‌رسد و می‌توان با مراجعه به فرهنگ لغات دهخدا، معین، عمید و متون ادبی زبان فارسی واژگان بسیاری را برگرفته از واژه بازار و مترادف‌های آن مشاهده نمود که نشان‌دهنده غنای ادبی و فرهنگی ما هست. حوزه معنایی بازار در جهان زبانی - فرهنگی ایرانی بسیار متنوع و متفاوت از زبان‌های دیگر هست. خاص بودن این عنصر را می‌توان از تعداد واژه‌ها و مفاهیم متفاوت موجود در آن‌ها مشاهده کرد. بسیاری از این واژه‌ها به مسائل کیفی و مسائل رفتاری توجه دارند که برگرفته از ویژگی چندمنظوره بازارهای ایرانی است. بازار ایرانی با تنوع عملکردی و محوریت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود توانسته در بعد زمانی انبوهی از تجارب را در خود نهفته دارد. تنوع واژه‌ها و اشارات آن‌ها می‌تواند به شناخت کامل‌تر بازار کمک کند و فهم و درک ما را نسبت به این فضای ارزشمند معماری و شهری بیشتر نماید، مفاهیم موجود در واژه‌های مرتبط با بازار را می‌توان در جدول ۱ به این صورت دسته‌بندی کرد، این دسته‌بندی می‌تواند تأکید نگاه کمی فضاهای جدید را به سایر ابعاد مدنظر معماری ایرانی جلب

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۶۱

۱. فرانسوی: [passaʒ] [pāsaʒ] مکان وسیع سرپوشیده‌ای که در دو طرف یا گردگرد آن مغازه، کارگاه، یا دفتر کار وجود دارد (عمید، ۱۳۸۴)

۲. City center: the main shopping or business area in a city (longman dictionary of contemporary english, fifth edition, 2012)

۳. Mall: alarge area where there are a lot of shops, usually a covered area where cars not allowed (longman dictionary of contemporary english, fifth edition, 2012)

۴. بازار در پهلوی واچار در پارسی باستان آباکاری مرکب از: آبا در سانسکریت سبها، بمعنی محل اجتماع و جزو دوم مصدر کاری، بمعنی چریدن. لغت فرانسه بازار از پرتغالی گرفته شده و پرتغالیان نیز از ایرانیان گرفته اند. و رک: دایرة المعارف فرانسه. (معین، ج ۱، ص ۲۱۸). اعراب در آن تصرف کرده الف را به «یا» بدل کرده بیزار گفته و بیازره بر آن جمع بسته اند.

جدول ۱. بررسی مفاهیم واژه‌های مرتبط با بازار در متون ادبی زبان فارسی؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳.

مفهوم	ویژگی‌های مورد توجه	نمونه واژه
کالبدی	اندازه و مقیاس	بازارچه، بازار گاه، بازار گه، تیمچه، راسته، رسته، سوق، میدان، قیصریه، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه، حجره
کاربردی	محل خریدوفروش کالا؛ اشاره به محصول عرضه‌شده در بازار	معامله، خریدوفروش، کوی سوداگران، مغازه، دکان، دکه بازار مسگرها، بازار اسب، بازار مرغ، بازار صحافها
معنوی	نیرنگ، فریب، پیشامد، ماجرا، بهانه، بیهودگی، مجازاً ارزش و اعتبار، شلوغی و ازدحام، بی‌نظمی، بی‌حسابی و بی‌ترتیبی، رونق داشتن، لاف زدن، رفتار، روش	بازار آراستن، بازار امکان و بازار جهان، بازاربرچیدن، بازارتبه شدن، تیره بازار، بازار تیز و گرم، میانجی دیدن بازار کسی را، تیزبازار، بازارساختن، بازارشام، شاداب بازار، بازارکاسد، بازار کسی برافروختن، برسر بازار بودن، بازار کسی را تیره کردن، کسی را با دیگری بازار بودن، روز بازار کسی بودن، خربازار، دزدبازار، شلوغ بازار، مست بازار، بازار ناروا شدن، بازار گرم داشتن
کیفی	جنبه‌هایی مانند کیفیت محیط و جنس کالاهای عرضه‌شده	قیصریه، تیمچه، سرا، دکان
موقعیت زمانی و مکانی	با توجه به زمان و موقعیت مکانی بازار، نام بازار از آن‌ها گرفته‌شده است	بازار مکاره، جمعه‌بازار، شنبه‌بازار، دوشنبه‌بازار، بازار بزرگ، بازارچه بلند، بازار تهران

توانست همچنان به‌عنوان عنصر شاخص هویتی آن تمدن و ملت شناخته شوند. بررسی چگونگی تأثیر محیط کالبدی بر ادراک و فعالیت‌های انسان نشان می‌دهد عوامل محیط کالبدی از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها، ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارند و در ایجاد روح مکان و القای معنی مؤثرند. تبعات حذف جبری و شاید عجولانه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و نگاه اقتصادی به محیط‌های عمومی شهری به‌ویژه بازارها نشان‌دهنده اثرات منفی، تحولات سطحی ناشی از مدرنیسم در معماری معاصر هست. فرمول‌ها، ضابطه‌ها و الگوها جایگزین مواجهه‌های شخصی و تجربه‌های غنی و صمیمانه مکان‌ها شده و تجربه مدرن از فضا به‌صورت عنصری خالی جایگزین ویژگی‌هایی چون تنوع، شگفتی، ابهام، سرزندگی، خاطره‌انگیزی و بسیاری از مفاهیم کیفی فضا شده است. در طول تاریخ بازارهای سنتی ایران

کند و از این طریق بر پایه تجربیات گذشته و فرهنگ کشورمان به نیازهای آینده پاسخ گفت. ۴-ادراک و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده حس تعلق و حس مکان و خاطره جمعی در بازار سنتی ایران آثار یک شهر در طیف وسیعی قابل‌طبقه‌بندی می‌باشند، دسته‌ای که برای اهل شهر شناخته‌شده هستند. گروهی که برای یک تمدن عامل هویتی هستند و بالاخره طبقه‌ای که برای جهانیان، ملاک و معیار هویتی هستند. ویژگی‌های هنری و معماری شهرها به شیوه زیسته یک ملت اشاره می‌کنند و بیانگر تفکر، مذهب و باورهای متافیزیکی و دنیایی یک ملت نیز هستند. بنابراین آن دسته از عناصر و فضاهای شهری که بتوانند به‌عنوان نمایش‌دهنده اصول و ارزش‌های مأخوذ خود از فرهنگ و تاریخ جامعه ظاهرشده و کماکان به‌عنوان تجلی خاص آن اصول و ارزش‌ها ایفای نقش نموده و صاحبان و پدیدآورندگان خویش را معرفی کنند، خواهند

معنا



نمودار ۱. عوامل موثر بر شکل گیری حس مکان؛ ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۴.

مکان، خلق معنی و ارتقا کیفیت محیط بسیاری از مفاهیم را تداعی می‌کردند، در این مکان است که فرد می‌تواند تعاملات اجتماعی برقرار کند و اوقاتی را به خوشی سپری کند، فضا را احساس و به ادراک محیط نائل آید که در نتیجه این فعالیت‌ها و رفتارهاست که تجارب و خاطره‌ها شکل می‌گیرد و حس مکان و دل‌بستگی مکانی حاصل می‌شود. با مجموعه‌ای وسیع از کاربری‌ها و بناهای جنبی مرکز جنب‌وجوش شهرها و تعاملات اجتماعی بودند، در این بازارها علاوه بر انجام معاملات اقتصادی، بسیاری از رویدادهای اجتماعی، مذهبی و حتی سیاسی نیز رخ می‌داد، بازارهای ایرانی با پاسخگویی به بسیاری از نیازهای انسان محیطی با هویت و جذاب را ایجاد کرده بودند و با ایجاد خاطره، حس

۴-۱ مفهوم حس مکان در بازار ایرانی

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد. به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد. حس مکان علاوه بر این که موجب احساس راحتی از یک محیط می‌شود. از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود، مهم‌ترین عوامل مؤثر حس مکان فضا در دودسته ساختار کالبدی و معانی قابل‌بررسی هستند. علاوه بر مؤلفه‌های کالبدی که نقشی مؤثر در شناخت ساختار و درک فضا دارند، معانی با ایجاد ادراکی درونی از فضا، عاملی در به وجود آمدن هویت، زیبایی و لذت از فضای ساخته‌شده هستند (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

بازار ایرانی به‌عنوان محیطی غنی توانسته است با استفاده به‌جا از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی فضایی مناسب را خلق نماید، مؤلفه‌های سازنده فضای بازار ایرانی با ایجاد تصاویر ذهنی و ادراکی درونی نسبت به نشانه‌ها، به مفهومی غیرمادی اشاره دارند و از این طریق بر کیفیت ادراکی فضای معماری و حس مکان تأثیرگذارند. مهم‌ترین عوامل مؤثر در ایجاد حس مکان در بازار ایرانی ارزش‌های موجود در ساختار کالبدی و معانی فضا هستند. عوامل کالبدی به‌واسطه کیفیت طراحی، توجه به ارتباط مناسب بازار با شهر، ترکیب کاربری‌ها، ترکیب فضاهای باز و بسته و ایجاد کیفیت مناسب در طراحی فضاها، معانی فعالیت‌ها را بهبود بخشیده و با مرتفع ساختن نیازهای مختلف انسان باعث سلسله‌ای از ادراکات، رضایتمندی و در نهایت حس مکان می‌شوند. با بررسی بازار ایرانی می‌توان

به موارد زیر در راستای ایجاد حس مکان در بازار اشاره نمود:

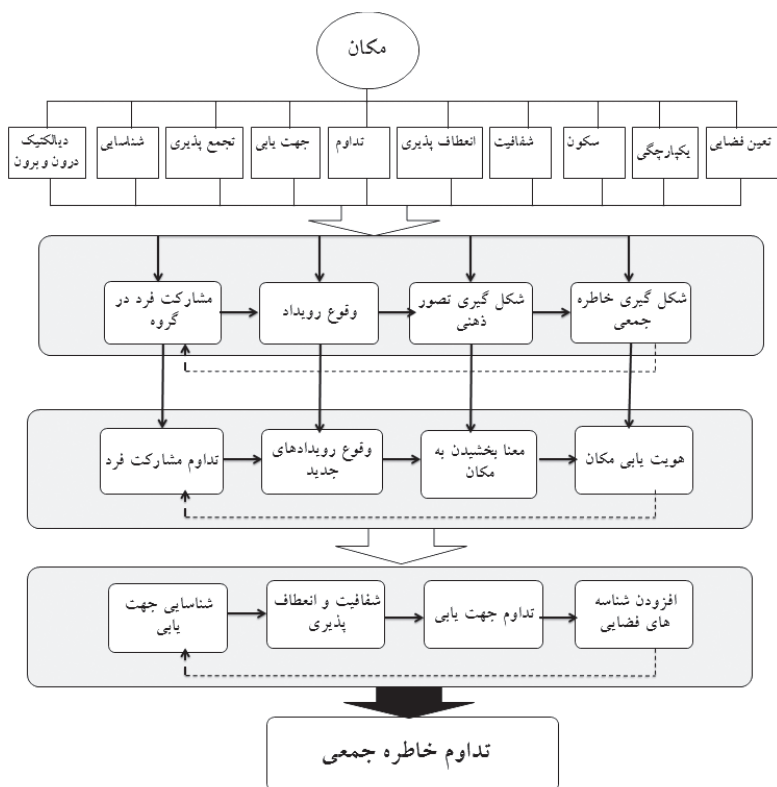
- عوامل کالبدی مؤثر بر حس مکان در بازار ایرانی عبارت‌اند از: طراحی معماری در جهت هماهنگی محیط طبیعی و مصنوع، ایجاد پیوستگی با محیط شهری و اصول پایداری محیطی، استفاده از تزئینات و فرم‌های متناسب با ارزش‌ها

- عوامل کارکردی مؤثر بر حس مکان در بازار ایرانی عبارت‌اند از: ایجاد ارتباط غنی و قوی انسانی با محیط با ایجاد مراکز مذهبی، فرهنگی و اجتماعی در مجموعه‌های تجاری و اجتناب از ایجاد فضاهای تک عملکردی در حد امکان، انس با محله و داشتن ارتباط قوی با محله‌های مجاور، هماهنگی محیط با ارزش‌های کارکردی از جمله نظامات صنفی و تأکید بر فضاهای خاطره ساز با ایجاد محیط‌های پویا و فعال جهت برگزاری مراسم‌های عمومی در ایام مختلف سال

- عوامل ادراکی مؤثر بر ایجاد حس مکان در بازار ایرانی عبارت‌اند از: توجه به نظام انتظام حواس در محیط با خلق فضاهای متناسب در جهت احترام به خلوت و حریم شخصی که می‌تواند زمینه‌ساز تفکر و تعمق در محیط گردد، توجه به کاراکترهای ویژه و بارز هویتی و فرهنگی مردم، مکان‌یابی مناسب در شهر و در صورت امکان هم‌جواری با اماکن تاریخی و هویت‌بخش شهر، تحقق مفهوم بومی بودن و این‌همانی با محیط به‌واسطه استفاده از معیارها و فاکتورهای بومی مانند مصالح بومی زبان و تبلیغات بومی تولیدات داخلی

۴-۲ مفهوم حس تعلق در بازار ایرانی

احساس تعلق به مکان منتج از ادراک و حس مکان است. لینچ معنی‌دار بودن و توانایی ادراک مکان را یک جزء اساسی رضایت عاطفی و دل‌بستگی به مکان می‌داند (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۸۴). احساس تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید باعث می‌شود؛ که انسان خود را جزئی از مکان بداند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها،



نمودار ۲. عوامل موثر بر شکل گیری خاطره جمعی؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

معانی و عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن متصور سازد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام شود (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶). ادراک فرآیندهای محیطی، تعلق مکانی و دل بستگی واژه‌هایی نزدیک‌اند که به‌عنوان عوامل معنایی ذهنی مجدداً بر چرخه کنش‌های محیطی وارد و فعالیت را بیشتر می‌کند. هر متغیری که از نظر کمی و کیفی فعال‌تر بوده و قابلیت جوابگویی به هر سه بعد ادراکی را دارا باشد عاملی مؤثرتر در تعلق خاطر به مکان خواهد بود. در بازار سنتی فضاهایی همچون سراها، تیمچه‌ها، مساجد، تکایا، مدارس، حسینیه‌ها، کاروانسراها، مهم‌ترین بخش فضای باز درونی است که حرکت انسانی را به سمت خود کشیده و در درون خود جای می‌دهد و به‌نوعی تعلق خاطر و احساس امنیت و نزدیکی را در فرد یا خریدار ایجاد می‌کند. در واقع این فضا القاء کننده اصل پذیرندگی به فرد پذیرفته‌شده است. از این رو فرد به دلیل احساس

تعلق خاطر با تعمیق و آرامش بیشتر به‌صرف بیشتر وقت در فضای بازار متمایل گردیده و ناخودآگاه مقهور این فضا می‌گردد و متمایل به یافتن عمیق‌ترین بخش‌های آن می‌شود. یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که این تعلق را به وجود می‌آورند رابطه هویتی بین انسان و مکان است. در رابطه تعلق انسان و مکان با یکدیگر هر کس طالب و خواستار مکانی است که به آن تعلق دارد و با آن همخوان و هماهنگ است. اولین عامل پیچیدگی در رابطه انسان و مکانش اراده و اختیار انسان در انتخاب مکان خویش است. دومین عاملی که این پیچیدگی را تقویت می‌کند ساحت‌های متعدد حیات در سه قلمرو ماده، نفس و روح است که هر یک از آن‌ها مکان خاصی را طلب می‌کند و انسان را به آن فرامی‌خواند، عامل بعدی که به‌تبع دو عامل فوق‌الذکر ظاهر می‌شود جهان‌بینی و اعتقادات انسان است که غایت حیات و جایگاه و مکان نهایی انسان را به او می‌نمایاند (نقی

زاده، ۱۳۸۹، صص ۴۷-۵۰).

با بررسی بازار ایرانی می‌توان به موارد زیر در راستای ایجاد حس تعلق در بازار اشاره نمود:

• عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق در بازار ایرانی عبارت‌اند از: تناسب ویژگی‌های فضا با ارزش‌های فرهنگ بومی در بازار ایرانی در بسیاری از فضاها به دیده می‌آید.

• عوامل کارکردی مؤثر بر حس تعلق در بازار ایرانی عبارت‌اند از: سلسله‌مراتب متناسب با فضاهای شهری در بازار ایرانی منجر به ارتباط مناسب مردم با بازار گشته است. فراهم بودن زمینه مشارکت جامعه در شکل‌گیری و سازمان‌دهی فضای شهری و در بسیاری از مراسم‌هایی که در بازار برگزار می‌گردد. • عوامل ادراکی مؤثر بر حس تعلق در بازار ایرانی عبارت‌اند از: تداوم تاریخی فضا و فرم‌ها و اشکال و عملکردها در بازار ایرانی زمینه شکل‌گیری خاطره و تصویر ذهنی را ایجاد می‌نماید. عدم تکرار و تقلید الگوها و فرم‌ها و عملکردهای بیگانه وارداتی در بازار ایرانی، تناسب ویژگی‌های فضا با ویژگی‌های انسانی انسان موجب ارضا بسیاری از نیازهای انسان در بازار می‌گردد.

۴-۳ مفهوم خاطره جمعی در بازار ایرانی

پس از شکل‌گیری کالبدی مانند بازار که برآمده از هویت ملی ما، فعالیت و تعاملات اجتماعی است. خود مکان عنصری هویت‌ساز برای انسان هویت پرداز می‌شود. بازار ایرانی به‌عنوان یک مکان به‌عنوان چارچوبی فضایی نه‌تنها زمینه وقوع رویداد و خاطره را فراهم می‌کند. بلکه به حفظ خاطرات جمعی می‌انجامد، وقوع رویداد در فضای بازار ایرانی، به شکل‌گیری تصاویر ذهنی برای افراد می‌انجامد. از سوی دیگر این رویداد به فضا معنا می‌بخشد. در بازار ایرانی با توجه به ویژگی‌های معماری و ارزش‌های فضایی، فرد می‌تواند تعاملات اجتماعی برقرار کرده و اوقاتی را به خوشی سپری کند، فضا را احساس کند و به ادراک محیط نائل آید، در نتیجه این فعالیت‌ها، تجارب و خاطره‌هاست که حس

مکان و هویت ما پدیدار می‌شود. انسان و مکان دارای شاخص‌های همانندی همچون خاطره و هویت هستند. در واقع برای تعریف از مکان تنها نمی‌توان به ابعاد بصری آن توجه کرد بلکه مکان ماهیتی پویا، عمیق وزنده است. انسان می‌تواند هویت پرداز یک مکان باشد و مکان می‌تواند یک هویت انسان‌ساز باشد و این دو برای یکدیگر لازم و ملزوم هستند.

ویژگی‌های بازار ایرانی که زمینه‌ساز خاطره جمعی را فراهم می‌آورد به شرح زیر هست.

• ویژگی‌های کالبدی مؤثر بر خاطره جمعی عبارت‌اند از: یکپارچگی و تداوم بازار به داخل فضاهای شهری که زمینه‌ساز ارتباط فرد با محیط بازار می‌گردد. فضاهای مکث و توجه به خلوت در بازار ایرانی به‌صورت سلسله‌مراتبی وجود دارد. فضاهایی نظیر چهارسوها و تیمچه‌ها و حیاط‌ها و مراکز فرهنگی در بازار ایرانی امکان ایجاد قرارگاه‌های رفتاری را در بسیاری از فضاها ایجاد کرده است. تضاد درون و بیرون بازار ایرانی بسیار زیاد است جداره‌های خارجی برخلاف جداره‌های داخلی ساده و فاقد تزئینات است و فرد به‌محض ورود به بازار فضاهای متفاوتی را تجربه می‌کند.

• ویژگی‌های کارکردی مؤثر بر خاطره جمعی عبارت‌اند از: وجود فضاهای جمعی و فعال بودن بازار در بسیاری از مراسم‌ها و مناسبت‌ها منجر به شکل‌گیری رویدادهای منظمی در طول سال در بازار می‌گردد. بسیاری از فضاهای بازار ایرانی در ایام مختلف سال جهت برگزاری مراسم‌ها تغییر کاربری می‌دهند و شاهد وجود فضاهای انعطاف‌پذیر در داخل بازار ایرانی می‌توان بود، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم در بسیاری از برنامه‌ها و فعالیت‌های بازار ایرانی زمینه ایجاد تعلق و این‌همانی با محیط و خلق خاطره جمعی را فراهم می‌نماید.

• ویژگی‌های ادراکی مؤثر بر خاطره جمعی عبارت‌اند از: وجود عناصر نمادین و مذهبی در مسیر بازار منجر به ایجاد حس جهت‌یابی و خلق خاطره‌ها در طول راسته می‌گردد. توجه به هویت و

ارزش‌های فرهنگی همخوان با مردم محیط را برای حضور مهیا می‌نماید و منجر به خلق مکان‌های معنادار می‌گردد.

۴-۴ ویژگی‌های نظام معنایی در بازار ایرانی

ساخت بازارهای سنتی نمودی از هنر اصیل ایرانی است. هنر ایرانی که حول محور توحید به نمایش معنویت متأثر از وحدانیت می‌پردازد، این روح وحدت‌بخش در معماری بناهای شهری، بازارها و کاروانسراها و سقاخانه و حتی در نحوه قرارگیری اجزاء در کنار هم قابل‌رؤیت هست و درواقع هنر اسلامی به بهترین شکل در فضائی چون بازار تکامل و ظهور یافته است. توجه به مفاهیم و ارتباط کالبد و معنا در بازار ایرانی با ایجاد محیطی دلپذیر زندگی اجتماعی را به جریان می‌اندازد و تأکید بر ارزش‌های محیطی و فرهنگی در این فضا منجر به خلق فضایی باکیفیت شده است.

ویژگی‌های معنایی بازار ایرانی را به شرح زیر می‌توان نام برد:

- حاکمیت مظاهر زیبایی شناسانه مانند وزن، ریتم، وحدت، تنوع، تباين فضایی، وجود سلسله‌مراتب فضایی، رعایت عرصه‌ها و درون‌گرایی، نظم، تنوع، پیچیدگی و کیفیات هنری نظیر ترکیب و ریتم به بازار ایرانی هویت خاص و منحصر به فردی می‌بخشد.

- تأثیرپذیری معماری بازار ایرانی از ایدئولوژی و اندیشه‌های حاکم بر جامعه و تشکیل یک واحد جغرافیایی و اجتماعی تکامل‌پذیر از ویژگی‌های این فضا است. بازار به‌عنوان یک سیستم اقتصادی و اجتماعی از مدل اجتماعی شهر تبعیت می‌کند. در سیستم اجتماع شهر ساخت فضایی و ساخت اجتماعی روی هم محیط اجتماعی را به وجود می‌آورند، ساخت فضائی روی رفتار گروهی و فردی تأثیر می‌گذارد، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد هست و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است.

- حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به‌واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است که تحت تأثیر عوامل شخصی، کالبدی و فرهنگی هست. فضاهای جمعی و ارزش‌های موجود در فضای بازار منجر به خلق حس مکان شده است.

- وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضا با ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا، احساس این‌همانی فرد در فضا از شرایط لازم برای ایجاد حس تعلق در بازار ایرانی را ایجاد نموده است.

- ادراک فضایی و ایجاد تصویر روشن از کالبد در ذهن بیننده

- ترکیب متوازن معماری و شهرسازی و منظم بودن شکل فضای باز

- احترام به انسان و محوریت انسان در طراحی فضا، رعایت مقیاسی انسانی به شکلی مطلوب و مردم‌پسند در فضاهای معماری سنتی بازار نمود بارز فضای مردم وار است.

- درون‌گرایی فضاهای باز شهری است به صورتی که حتی میدان‌ها نیز مانند حیاط مجموعه‌ای بزرگ، انسان‌ها را به درون هدایت می‌کنند و در خود حس امنیت، حیات و رفاه، حریمیت را به حداکثر می‌رسانند، در درون بازار فضاهای باز مرکزی مثل چهارسوق‌ها و تیمچه‌ها نقش فضای باز درونی یا حیاط باروح پذیرنده‌ی زندگی ایرانی را القاء می‌کنند و ازدحام و کلافگی و احساس خستگی حاصله از شلوغی فضای تجاری جلوگیری می‌نماید.

- دوری جستن از بیهوده‌گزینی و اتلاف فضاها و اجتناب از تزئینات فاقد مصرف همچون مجسمه نمادهای فاقد کاربرد و صرفاً نمادین، که در بنای اروپایی دیده می‌شوند، بازارهای ایرانی نمونه‌ای از استفاده از محیط و فضا با کمترین پرت و بیهودگی و حداکثر کاربرد و حتی تزئینات شایسته و قابل‌استفاده است.

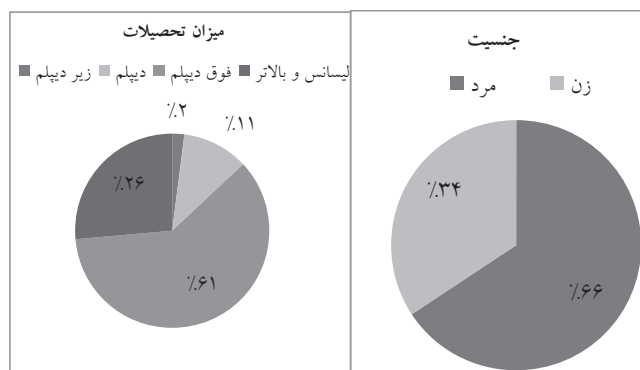
- در بازار نیازش و پیمون به معنای مقاومت و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مصدق	معیار	مولفه	گرایش
ارتباط غنی با محیط. اجتناب از فضای تک عملکردی، انس با محله، هماهنگی با ارزش ها. تاکید بر فضای خاطره ساز. متناسب با ارزش ها. توجه به انتظام حواس، توجه به کاراکترهای هویتی	ادبیات رایج در بازار نشان دهنده گستره ای از معانی می باشد. ارتباط متقابل نظام های کارکردی کالبدی و ادراکی در بازار ایرانی منجر به خلق معنی در فضا می گردد. ارتباط کالبد و معنا در بازار ایرانی منجر به خلق حس مکان. خاطره جمعی و حس تعلق به محیط شده استنبیعیت بازار از معانی عاطفی- احساسی- فرهنگی- تاریخی محیط منجر به پیوند مستحکم آن با محیط شده است.	حس مکان حس تعلق خاطره جمعی	تعلق
سلسله مراتب متناسب با فضاهای شهری. فراهم بودن زمینه مشارکت. تناسب با ارزش های فرهنگ بومی. تداوم تاریخی فضا. شکل گیری خاطره، عدم تقلید از بیگانه، تناسب با معیارهای هویتی			
وجود فضای جمعی. ایجاد مشارکت. تداوم بازار به داخل فضای شهری. فضای مکت و خلوت. وجود عناصر نمادین و مذهبی			

نمودار ۳. مولفه های ارزیابی معنای محیطی در بازار سنتی ایران؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.



نمودار ۴. متغیرهای تحصیلات جامعه آماری؛ و نمودار ۵. متغیرهای

جنسیت جامعه آماری؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

تعاریفی که از مکان به عنوان محصول تعاملات ساختار کالبدی، فعالیت های اجتماعی و ادراکات ارائه شد نیز، دیدگاه های چند مؤلفه ای ارزیابی مکان را تأیید می کند. لذا در این پژوهش با تکیه بر دیدگاه های چند مؤلفه ای به ارزیابی نمونه های موردی پرداخته می شود. با مشخص شدن گزاره های عملی تحقیق بر اساس نمودار ۳ بتوان به وجود مؤلفه های حس مکان، حس تعلق و خاطره جمعی در بازار کاشان پی برد.

۵- جمع آوری داده ها

ابزار گردآوری داده ها پرسش نامه بود، همان گونه که اطلاعات جداول نشان می دهد در خصوص متغیر جنسیت، واضح است که بیشترین فراوانی مشاهده شده مربوط به گروه مردان با حدود ۶۶ درصد هست. همچنین در بررسی مدرک تحصیلی

پایداری بنا و تعیین تناسب بین اجزاء بناست که این دو از اصولی هستند که باهم به بنای ایرانی جلوه ای منطقی و زیبا می دهند.

- در فضای شهرهای ایرانی پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند و منظم بوده که در عین کثرت خود مطلقاً کل مجرد نبوده بلکه با اجزاء دیگر وحدت یافته و به یک کل کمال یافته منتهی می گردد.

- چندبعدی بودن ارزیابی مکان، اشاره ای به ماهیت چندبعدی آن دارد که ارتباطات انسان- مکان را شکل می بخشد. از این رو، برای مطالعات ارزیابی حس مکان و حس تعلق و خاطره جمعی نمی توان و نباید تنها به ویژگی های کالبدی و یا فعالیت های واقع شده در محیط اکتفا کرد. در واقع بررسی این عوامل محصول تعاملات ساختار کالبدی، فعالیت های اجتماعی و ادراکات هست.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیر سن در جامعه آماری تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین مشاهده	بیشترین مشاهده
سن	۳۶,۷۸	۷,۲۵	۲۳	۶۲

مشخص شد. افراد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر با حدود ۲۶ درصد بیشترین فراوانی و زیر دیپلم هر کدام با کمترین فراوانی مشاهده شده را تشکیل داده‌اند.

همان گونه که اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد. افراد مورد مطالعه دارای میانگین سنی حدود ۳۰ سال با انحراف معیار ۷,۲۵ هست.

۵-۱- تعیین قابلیت اتکایی پرسشنامه‌ها

قابلیت اعتمادی پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. در این تحقیق به منظور تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون باخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود قبل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها قابلیت اتکایی پرسش‌نامه‌ها و سؤال‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. هدف از این ارزیابی بررسی میزان دقت و نارسایی هر سؤال و نشان دادن نقاط ضعف قوت و اعتبار پرسش‌نامه است. ارزیابی قابلیت اتکایی در این تحقیق به کمک نرم‌افزار SPSS۱۶ انجام پذیرفته است. ضریب قابلیت اتکایی سؤالات محاسبه و ضریب $\alpha = 0/96$ برای حس مکان و $\alpha = 0/89$ برای حس تعلق و برای خاطره جمعی $\alpha = 0/90$ حاصل گردید، با توجه به اینکه اینکده حدنصاب و بنیاد قابلیت اتکایی ۰/۷ است این ضرایب بسیار رضایت‌بخش و قابل قبول هستند که دلالت بر اعتبار بالای پرسش‌نامه تحقیق حاضر دارد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آن قابلیت اتکایی بالایی داشته به عنوان یافته علمی مورد قبول تلقی می‌گردند.

۵-۲ ارزیابی پرسشنامه‌های تحقیق

قابلیت اعتمادی پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. در این تحقیق به منظور

تعیین پایایی آزمون از روش آلفای کرون باخ استفاده گردیده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند به کار می‌رود قبل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها قابلیت اتکایی پرسش‌نامه‌ها و سؤال‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. هدف از این ارزیابی بررسی میزان دقت و نارسایی هر سؤال و نشان دادن نقاط ضعف قوت و اعتبار پرسش‌نامه است. ارزیابی قابلیت اتکایی در این تحقیق به کمک نرم‌افزار SPSS۱۶ انجام پذیرفته است. ضریب قابلیت اتکایی سؤالات محاسبه و ضریب $\alpha = 0/96$ برای حس مکان و $\alpha = 0/89$ برای حس تعلق و برای خاطره جمعی $\alpha = 0/90$ حاصل گردید، با توجه به اینکه اینکده حدنصاب و بنیاد قابلیت اتکایی ۰/۷ است این ضرایب بسیار رضایت‌بخش و قابل قبول هستند که دلالت بر اعتبار بالای پرسش‌نامه تحقیق حاضر دارد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آن قابلیت اتکایی بالایی داشته به عنوان یافته علمی مورد قبول تلقی می‌گردند.

جدول ۳. میزان آلفای کرون باخ حس تعلق و حس مکان در بازار کاشان و مجتمع صفویه، ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

مؤلفه‌ها	میزان آلفای کرون باخ
حس تعلق	۰/۸۹
حس مکان	۰/۹۶
خاطره جمعی	۰/۹۰

۵-۳ محتوای سؤال‌ها

نوسانات بزرگ در بازار سنتی با توجه به بافت و در چارچوب مسائل کالبدی است تمایز در بازار سنتی قبل از ظهور جنبش مدرن در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار باحال حاضر، متمایز بود، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تغییر بسیاری از فضاهای بازار سنتی و کاربران فضاها در بازار در روابط آن تأثیر گذاشته است. در این پژوهش با محوریت مفاهیم مطرح‌شده، پرسشنامه‌ها شامل ۲۰ سؤال بسته تنظیم شد که هدف اصلی آن ارزیابی متغیرهای فعالیت، معنی، ویژگی‌های کالبدی و ادراکات کشف میزان درستی یا اولویت آن‌ها از دید مردم هست در راستای مؤلفه‌های حس تعلق، حس مکان و خاطره جمعی سه پرسشنامه تنظیم شد. محتوای پرسشنامه‌ها به مفاهیم زیر اشاره داشته‌اند.

پرسشنامه حس مکان

- بررسی فعالیت‌های موجود در محیط با اشاره به حس اجتماع و میزان رضایت مردم از حضور در فضاها، نحوه ارتباط با محیط، نحوه عملکرد فضاها، میزان انس با محله، هماهنگی محیط با ارزش‌های کارکردی از جمله نظامات صنفی و تأکید بر فضاهای خاطره ساز؛
- توجه به معانی موجود در محیط با اشاره به تزئینات و احترام به ابعاد هویتی؛
- ویژگی‌های کالبدی و روابط موقعیت قرارگیری، طراحی معماری در جهت هماهنگی محیط طبیعی

و مصنوع، نحوه ایجاد پیوستگی با محیط شهری، نحوه استفاده از تزئینات و فرم‌ها؛
- بررسی میزان درگیری حواس پنج‌گانه در محیط، توجه به نظام انتظام حواس در محیط، توجه به کاراکترهای ویژه و بارز هویتی و فرهنگی، مکان‌یابی مناسب در شهر و هم‌جواری با اماکن هویت‌بخش شهر تحقق مفهوم بومی بودن و این‌همانی با محیط؛

پرسشنامه حس تعلق

- ویژگی‌های کارکردی از جمله: سلسله‌مراتب متناسب با فضاهای شهری، فراهم بودن زمینه مشارکت جامعه در شکل‌گیری و سازمان‌دهی فضای شهری؛
- تناسب ویژگی‌های کالبدی فضا با ارزش‌های فرهنگ بومی؛

- ویژگی‌های ادراکی: تداوم تاریخی فضا، زمینه شکل‌گیری خاطره، عدم تقلید الگوها و عملکردهای بیگانه در بازار ایرانی، تناسب ویژگی‌های فضا با ویژگی‌های، تناسب عوامل هویتی فضای با معیارهای هویتی انسان؛

پرسشنامه خاطره جمعی

- ویژگی‌های کارکردی از جمله: وجود فضاهای جمعی و نحوه فعالیت در مناسبت‌ها، تغییر کاربری در اوقاتی از سال، زمینه‌های مشارکت مردم؛
- نحوه ارتباط کالبد بازار با فضاهای شهری، فضاهای مکث و توجه به خلوت در بازار، امکان ایجاد قرارگاه‌های رفتاری، تجربه فضایی؛

جدول ۴. آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها؛ ماخذ: نگارندگان،

۱۳۹۴.

مؤلفه	آماره K-S	سطح معناداری
حس مکان بازار کاشان حس	۱,۳۵	۰,۷۲
تعلق بازار کاشان	۱,۵۴	۰,۸۳
خاطره جمعی در بازار کاشان	۱,۴	۰,۷۵
حس تعلق در پاساژ صفویه	۱,۰۰	۰,۴۳
حس مکان در پاساژ صفویه	۱,۰۸	۰,۵۱
خاطره جمعی در پاساژ صفویه	۱,۰۵	۰,۵

- وجود عناصر نمادین و مذهبی که منجر به ایجاد حس جهت‌یابی و خلق خاطره‌ها گردد، توجه به هویت و ارزش‌های فرهنگی همخوان با مردم؛ این پرسشنامه‌ها به تعداد تقریبی شش برابر سؤال‌ها بین ۱۲۰ نفر از جامعه آماری هدف توزیع شد. جواب پرسش‌نامه به صورت زیر بارگذاری شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴-۵ تجزیه و تحلیل یافته‌ها

قبل از بررسی فرضیه‌های تحقیق ابتدا از نرمال بودن داده‌ها همگونی واریانس اطمینان حاصل می‌کنیم، برای این منظور از آزمون‌های آماری کلموگروف اسمیرنوف و لوین استفاده می‌شود.

سطح معناداری	آماره F	مؤلفه
حس تعلق بازار کاشان	۲,۰۴	۰,۴۶
حس مکان بازار کاشان	۳,۱۴	۰,۸۱
خاطره جمعی در بازار کاشان	۲,۰۸	۰,۴۸
حس تعلق پاساژ صفویه	۰,۳۲	۰,۱۴
حس مکان پاساژ صفویه	۱,۵۳	۰,۵۱
خاطره جمعی در پاساژ صفویه	۰,۴	۰,۱۳

جدول ۵. آزمون لوین برای تعیین همگونی واریانس داده‌ها
ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

جدول ۶. آماره بارتلت و KMO مربوط به مؤلفه فعالیت در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

آماره بارتلت و KMO در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه (حس مکان)				
مکان	مؤلفه	آماره KMO	آماره بارتلت	سطح معناداری
بازار سنتی کاشان	احساس رضایت	۰,۷۴۲	۶۳	۰,۰۵
	حس اجتماع	۰,۶۸۲	۶۱	۰,۰۵
	روابط و موقعیت قرارگیری	۰,۸۰۲	۹۱	۰,۰۵
	تزئینات و جداره سازی ها	۰,۷۲۳	۸۴	۰,۰۵
	ادراک معنایی	۰,۸۵۴	۹۳	۰,۰۵
	توجه به ابعاد هویتی	۰,۸۴۰	۹۳	۰,۰۵
	زیبایی و نمادها	۰,۸۶۵	۹۴	۰,۰۵
	ادراک حسی	۰,۸۴۰	۹۳,۲	۰,۰۵
	احساس رضایت	۰,۳۴۸	۴۲,۵	۰,۰۰
مجتمع تجاری صفویه	حس اجتماع	۰,۴۲۰	۴۴	۰,۰۰
	روابط و موقعیت قرارگیری	۰,۶۱۲	۴۹	۰,۰۰
	تزئینات و جداره سازی ها	۰,۵۹۱	۴۸	۰,۰۰
	ادراک معنایی	۰,۵۷۱	۳۰	۰,۰۰
	توجه به ابعاد هویتی	۰,۵۲۰	۴۹,۵۰	۰,۰۰
	زیبایی و نمادها	۰,۳۵۸	۳۱	۰,۰۰
	ادراک حسی	۰,۵۷۴	۴۹,۸	۰,۰۰

آزمون نرمال بودن

با توجه به جدول ۴، سطح معناداری به دست آمده برای کلیه متغیرها در سطح ۸۹,۲٪ (۹۰٪) معنادار هست. این بدین معناست که متغیرهای تحقیق از توزیع نرمال تبعیت می نمایند

آزمون همگونی واریانس

با توجه به جدول ۵، سطح معناداری به دست آمده برای کلیه متغیرها در سطح ۸۰٪ معنادار هست؛ این بدین معناست که متغیرهای تحقیق از همگونی واریانس برخوردار می باشند.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بارتلت در بازار سنتی ۰,۰۵ و در مجتمع صفویه کمتر از ۰,۰۵ هست ماتریس های موردنظر در بازار کاشان واحد است و در مجتمع صفویه واحد نیست.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بارتلت در بازار سنتی ۰,۰۵ و در مجتمع صفویه کمتر از ۰,۰۵ هست ماتریس های موردنظر در بازار کاشان واحد است و در مجتمع صفویه واحد نیست.

با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون بارتلت در بازار سنتی ۰,۰۵ و در مجتمع صفویه کمتر از ۰,۰۵ هست ماتریس های موردنظر در بازار کاشان واحد است و در مجتمع صفویه واحد نیست. به منظور بررسی آمار پرسشنامه ها نمایش در هر دو مورد بازار سنتی و مرکز تجاری صفویه، آزمون آماره بارتلت و KMO به طور جداگانه مورد استفاده قرار گرفت. معنی دار بودن در همه اجزای اصلی در بازار سنتی کاشان ۰,۰۵ و در مجتمع تجاری صفویه ۰,۰۰ به دست آمد و به این ترتیب طبق مقایسه تطبیقی به عمل آمده این نتیجه به دست می آید که متغیرهای تحقیق با محوریت مفاهیم حس مکان، حس تعلق و خاطره جمعی در بازار سنتی کاشان تحقق یافته و منجر به خلق معنی در مکان شده است در حالی که این عوامل در مجتمع تجاری صفویه تحقق نیافته است و اجزای اصلی وابستگی و تعلق به مکان در مجتمع صفویه ضعیف تر از بازار سنتی کاشان هست. در بازار سنتی کاشان توجه به ادراکات، هویت، زیبایی ها و

جدول ۷. آماره بارتلت و KMO در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه (حس تعلق): ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

آماره بارتلت و KMO در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه (حس تعلق)				
مکان	مؤلفه	آماره KMO	آماره بارتلت	سطح معناداری
بازار سنتی کاشان	احساس رضایت	۰,۷۴۲	۶۳	۰,۰۵
	حس اجتماع	۰,۶۸۲	۶۱	۰,۰۵
	ادراک معنایی	۰,۸۵۴	۹۳	۰,۰۵
	هویت	۰,۸۴۰	۹۳	۰,۰۵
	زیبایی و نمادها	۰,۸۶۵	۹۴	۰,۰۵
	ادراک حسی	۰,۸۴۰	۹۳,۲	۰,۰۵
مجتمع تجاری صفویه	احساس رضایت	۰,۳۴۸	۴۲,۵	۰,۰۰
	حس اجتماع	۰,۴۲۰	۴۴	۰,۰۰
	ادراک معنایی	۰,۵۷۱	۳۰	۰,۰۰
	هویت	۰,۵۲۰	۴۹,۵۰	۰,۰۰
	زیبایی و نمادها	۰,۳۵۸	۳۱	۰,۰۰
	ادراک حسی	۰,۵۷۴	۴۹,۸	۰,۰۰

جدول ۸. آماره بارتلت و KMO در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه (خاطره جمعی)؛
 ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴.

آماره بارتلت و KMO در بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه (خاطره جمعی)				
مکان	مؤلفه	آماره KMO	آماره بارتلت	سطح معناداری
بازار سنتی کاشان	احساس رضایت	۰,۷۴۲	۶۳	۰,۰۵
	حس مشارکت	۰,۶۸۲	۶۱	۰,۰۵
	مفاهیم زیبایی‌شناسی محیط	۰,۷۲۳	۸۴	۰,۰۵
	تأکید بر مفاهیم هویتی	۰,۸۴۰	۹۳	۰,۰۵
	نمادپردازی‌ها	۰,۸۶۵	۹۴	۰,۰۵
مجتمع تجاری صفویه	احساس رضایت	۰,۳۴۸	۴۲,۵	۰,۰۰
	حس مشارکت	۰,۴۲۰	۴۴	۰,۰۰
	مفاهیم زیبایی‌شناسی محیط	۰,۵۹۱	۴۸	۰,۰۰
	تأکید بر مفاهیم هویتی	۰,۵۲۰	۴۹,۵۰	۰,۰۰
	نمادپردازی‌ها	۰,۳۵۸	۳۱	۰,۰۰

در مناسبت‌های مختلف حضور فعال و زنده مردم را می‌توان در بازار کاشان ملاحظه نمود. غنای محیطی و حفظ سنت‌ها در بازار کاشان موجب شده است که بسیاری از رسم‌ها و آداب جمعی را در طول سال در محیط بازار بتوان مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بررسی‌ها در با استفاده از تحلیل میدانی، پرسش از استفاده‌کنندگان انجام شد. در هر بخش جمع‌بندی نظرات نشان‌دهنده وجود معنی و درک آن توسط استفاده‌کنندگان از فضا می‌باشد. بسیاری از اساتید و صاحب‌نظران به وجود مفاهیم غنی و فراتر از بعد اقتصادی بازار سنتی اذعان دارند و در یک جمع‌بندی می‌توان اظهار داشت که بازار سنتی نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی اجتماعی مردم داشته و به‌عنوان ستون فقرات شهر در گذشته جایگاه بسیاری از فعالیت‌های جمعی و منشأ ظهور مفهوم هویت و تعلق به محیط بوده است. در بسیاری از بازارها این موضوع همچنان باقی‌مانده ولی در موارد زیادی نیز متأسفانه شاهد

روابط مناسب در مقابل سایر موارد از عوامل مؤثرتر بوده است و از طرفی حس اجتماع به‌واسطه کم شدن مناسبات اجتماعی بازار سنتی در دوران معاصر و احساس رضایت به‌واسطه عدم انطباق با برخی نیازهای دوران مدرنیسم کمترین درصدها را به خود اختصاص داده بود.

در ادامه تحلیل‌هایی میدانی در محیط بازار سنتی کاشان و مجتمع تجاری صفویه صورت پذیرفت و بر اساس مولفه‌ها به هر ایتام امتیازاتی داده شد. نتایج جدول ۹ نتایج فوق را تایید می‌نماید. نتایج ارزیابی‌های میدانی در بازار کاشان مؤید وجود بسیاری از معیارهای محیطی در زمینه تقویت حس تعلق، خاطره جمعی و حس مکان در بازار کاشان هست. در راستای ارتباط با شهر (ارسی‌دوزها، بزازها و خیاط‌ها)، زمینه‌های مشارکت (ارسی‌دوزها، بزازها، رنگرزها و ربانی) در برخی فضاها ضعف‌هایی وجود دارد که سایر بازارچه‌ها آن را پوشش داده‌اند و در کل بازار کاشان جامعیت و فراگیری مصادیق محیطی دیده می‌شود. هنوز در بسیاری از ایام سال

جدول ۹. بررسی مؤلفه‌ها حس مکان، حس تعلق و خاطره جمعی در بازار کاشان؛ ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

وجود عناصر نمادین و مذهبی	فضاهای مکث و توجه به خلوت	تداوم بازار به داخل شهر	ایجاد زمینه مشارکت	وجود فضاهای جمعی	تناسب با معیارهای هویتی	عدم تقلید از بیگانه	شکل‌گیری خاطره	تداوم تاریخی فضا	تناسب با ارزش‌های فرهنگ بومی	فراهم بودن زمینه مشارکت	سلسله‌مراتب متناسب با شهر	توجه به انتظام حواس	متناسب با ارزش‌ها	تاکید بر فضای خاطره ساز	هماهنگی با ارزش‌ها	انس با محله	اجتناب از فضای تک عملکردی	ارتباط غنی با محیط	فضاهای شاخص در راسته		راسته های بازار کاشان
																			کاروانسرای میربیچ، ذغالپها، عصار خانه، حمام میرعماد، مسجد میرعماد، سرای گبرا	مسگرها	
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	مسجد میرعماد، سرای قصبه	قیصریه
*	*	*	-	-	*	*	*	*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	*	سرای چهارگوش، حمام خان	رنگرزها و ربانی
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	سرای ملک، تیمچه حاج سید اقا، اب انبار میان چال، مسجد تبریزی ها، مسجد میان چال	میان چال
*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	-	-	*	*	*	*	*	*	*	*	تیمچه بخشی	ارسی دوزها
*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	تیمچه امین الدوله، کاروانسرا و تیمچه بخشی	خیاط‌ها
*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	-	*	*	*	*	*	*	*	*	تیمچه امین الدوله	بزارها
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	مسجد کفش دوزها کوره یز خانه، زیارت درب زنجیر مسجد ملا احمدی	درب زنجیر و محقق
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	مسجد سلطانی، مسجد ملا احمدی	زرگرها
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	مسجد سلطانی	سلطانی
*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	رنگرزخانه، مسجدو اب انبار و حمام گذر نو	گذرنو

از بین رفتن این مفاهیم به واسطه تغییر در الگوهای زندگی و مشکلات معماری شهرسازی و مرمتی در بازار هستیم. با این وجود در بررسی فضاهای تجاری مدرن می‌توان مشکلات اساسی در زمینه طراحی فضا را مشاهده نمود. در مجتمع تجاری صفویه عدم توجه به مؤلفه‌های معنایی و مفاهیم نمادین بیشترین ضعف را در مقایسه با دیگر عوامل به خود اختصاص داده است که این عوامل می‌تواند ریشه در عدم ارتباط با بافت و محله‌های مجاور، فقدان اصالت و ریشه‌داری و عدم توجه به فرهنگ بومی، احاطه کامل فناوری بر معماری و تولیدات صنعتی موجود در مجتمع تجاری صفویه و محقق نشدن ارتباط انسانی قوی داشته باشد. لذا می‌توان با استناد به نظر صاحب‌نظران، استفاده‌کنندگان و تحلیل میدانی فضا، بازار سنتی کاشان را به عنوان فضایی متناسب با مفاهیم معنایی در جهت تحقق خاطره جمعی، حس تعلق و حس مکان دانست و از مؤلفه‌های این فضا در جهت بازآفرینی فضاهای مشابه استفاده نمود.

منابع و ماخذ

التمن، ایروین (۱۳۹۰) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

براتی، ناصر؛ زرین قلم، فرزاد (۱۳۹۲) بازشناسی مفهوم راه از دیدگاه یک جهان‌زبانی- فرهنگی با تأکید بر واژه‌های حوزه معنایی فضای ارتباطی در زبان فارسی، نشریه باغ نظر، شماره ۲۴، سال دهم.

فلاح، محمد صادق (۱۳۸۵) نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۲

فلاح، محمد صادق (۱۳۸۳) نقش طرح کالبدی در حس مکان (مقایسه حس مکان پنج مسجد معاصر با طرح سنتی و نو اورانه در تهران)، پایان نامه دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

فلامکی، محمد منصور (۱۳۸۷) ریشه‌ها و گرایش

های نظری معماری، تهران، نشر فضا، چاپ سوم. کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۵) شهرهای اسلامی در نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، تهران.

گروتز، یورگ کورت (۱۳۷۵) زیبایی شناسی در معماری، ت: جهان‌شاه پاکزاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی .

گلکار، کورش (۱۳۸۰) مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه صفا، سال یازدهم، شماره سی و دوم، صص ۳۸-۵۵

لنگ، جان (۱۳۹۳) آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه تهران.

لینچ، کوین (۱۳۸۴) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۹) تحلیل و طراحی فضای شهری، پژوهشکده فرهنگ و هنر، چاپ اول.

نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چاپ اول.

شاطری، اصغر (۱۳۸۹) بازار تاریخی کاشان، فصلنامه فرهنگ و مردم، شماره ۱۹ و ۲۰، سال پنجم.

شاهدی، رضا (۱۳۷۳) بررسی الگوی توسعه فضاهای تجاری و مقایسه بین فضاهای تجاری جدید با فضای تجاری قدیم بازار نمونه موردی بازار جهرم، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه تهران.

دانشنامه بزرگ اسلامی (۱۳۶۷) مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۸) لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی: دانشگاه تهران.

حبیب فرح (۱۳۸۵) هماوایی نور و رنگ در فضاهای شهری ایرانی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷.

حبیب، فرح (۱۳۸۴) کندکاوی در معنای شکل شهر، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵.

حبیبی، سید محسن (۱۳۹۰) از شار تا شهر، چاپ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۷۵

یازدهم، انتشارات دانشگاه تهران.
پاکزاد، جهانشاه و بزرگ، حمیده (۱۳۹۱) الفبای
روانشناسی محیط برای طراحان، تهران: انتشارات
آرمان شهر.

James J, Gibson, 2015, the Ecological Approach
to Visual Perception: Classic Edition, Psychology
Press, New York

Elke van der Meer, Martin Brucks, Anna Huse-
mann, (2011), Human Perception of Urban En-
vironment and Consequences for its Design,
springer

Deroy, Ophelia, 2012, Object-sensitivity versus
cognitive penetrability of perception, springer

De Certeau M, 1999, Walking in the city, in: S,
During (Ed), The Cultural Studies Reader, pp,
126-133 (London: Routledge),

Stedman RC, 2003, Is it really just a social con-
struction: the contribution of the physical envi-
ronment to sense of place, Society and Natural,
Resources 16(8):671-685

Altman I, Low S, 1992, Human behavior and
environments: Advances in theory and research,
Volume 12: Place attachment, New York: Plenum
Press

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

خوانشی از جایگاه و نقش برندسازی معماری بر رقابت پذیری شهری در شهرهای جهانی

قاسم مطلبی - دکترای معماری، هیات علمی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
شاهین حیدری - دکترای معماری، هیات علمی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
شهرام شیرمحمدی* - کارشناسی ارشد مهندسی معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Reading of the role of branding on the competitiveness of urban architecture in world cities

Abstract

Today, with the advent of global cities and expanding the frontiers of globalization as factors affecting the economy, especially the manufacturing industry, urban architecture in favor of concepts such as 'brand and branding, the most important issues in the field of knowledge and the real position of modern architecture in the world. The position of the brand in the industry to complement the architecture of the city has been in the competitiveness and in addition to its effect on global cities has been studied in the economy. The methodology of this paper at no analytical method that library research tools and techniques of taking notes and documentary methods and The analytical method have been used. Finally, referring to the amount and impact on the competitiveness of architecture and of global cities, to making some reference architecture is the concept of branding And several strategies have been discussed in relation to the situation in Iran.

Keywords: brand, brand architecture, competitiveness, global cities.

چکیده

امروزه با ظهور شهرهای جهانی و گسترش مرزهای جهانی شدن به مثابه مولفه‌ای تاثیرگذار بر اقتصاد صنعت بالاخص صنعت معماری شهرها، التفات به مفاهیمی مانند «برند و برندسازی» از مهمترین مقولات در حوزه شناخت و تعیین جایگاه واقعی معماری در عصر نوین جهانی است. بر این اساس در این مقاله به جایگاه برند در صنعت معماری در ابعاد تکمیل کننده آن در بعد رقابت پذیری شهرها از یک طرف و اثربخشی آن بر پدیدارسازی شهرهای جهانی در عرصه اقتصاد فراملی پرداخته شده است. روش تحقیق این مقاله در مرحله نظری روش توصیفی-تحلیلی است که با ابزار مطالعات کتابخانه‌ای و تکنیکهای فیش برداری و روش اسنادی انجام شده و در بخش تحلیلی نیز از روش تحلیلی استفاده شده است. در پایان ضمن اشاره به میزان و چگونگی تاثیر معماری بر رقابت پذیری و ابعاد شهرهای جهانی، به مواردی چند پیرامون مفهوم برندسازی معماری اشاره شده و راهکارهایی چند در رابطه با وضعیت ایران و خاصه کلانشهر تهران مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: برند، برندسازی معماری، رقابت پذیری، شهرهای جهانی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۸۹۸۱۱۰۸، رایانامه: shirmohammadi@ut.ac.ir

این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد شهرام شیرمحمدی با عنوان «برندینگ + معماری؛ طراحی سرای هدیه دانشگاه تهران» می باشد که از راهنمایی دکتر قاسم مطلبی و مشاوره دکتر شاهین حیدری بهره برده است که بدینوسیله از معاونت پژوهشی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران قدردانی می گردد.

مقدمه

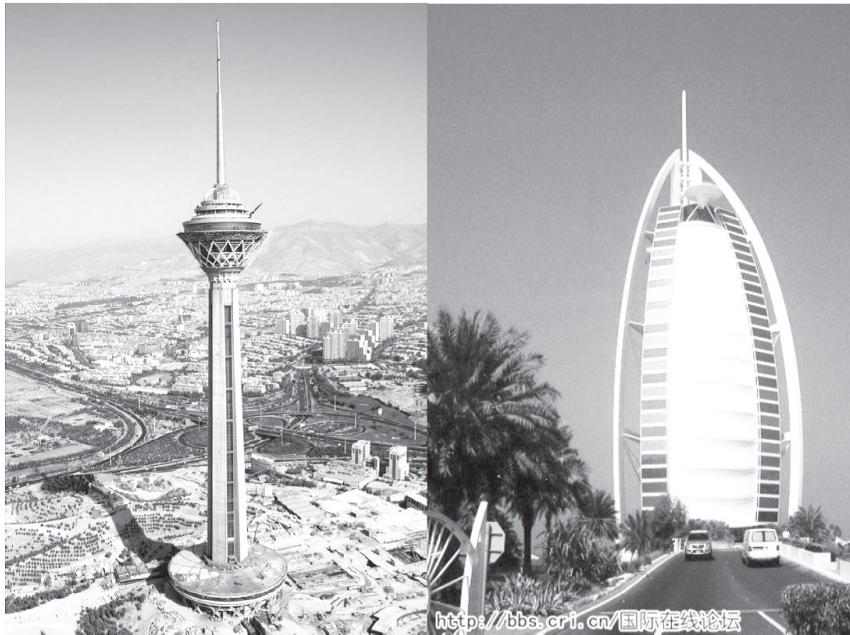
در ابعاد رقابت پذیری در شهرهای جهانی پرداخته می شود که در ابتدا با اشاره موضوع شهرهای جهانی و ارتباط آن با معماری و صنعت ساختمان از یک طرف و مقوله رقابت پذیری شهری و نقشی که معماری می تواند در آن داشته باشد، به موضوع برند و تعاریف و مفاهیم آن اشاراتی می شود و در پایان مقوله معماری شهری و برندسازی معماری به اختصار بیان شده و راهکارهایی چند در مقیاس ملی مورد اشاره قرار می گیرد.

مبانی نظری

شهرهای جهانی

اصطلاح «شهرهای جهانی» برای نخستین بار توسط

ساختمان شرکت فراری و غیره. اما مسئله اصلی تحقیق عدم استفاده و بها ندادن به اثربخشی هنر معماری در تأسیس یک برند در علم بازاریابی می باشد. مطالعه و بررسی در این حوزه و نمایاندن بیش از پیش اهمیت حوزه معماری در برندینگ می تواند راهگشای بسیاری از مسایل حوزه ساخت و سازهای تجاری مناسب و از سوی دیگر توجه و ورود علم و هنر معماری در حوزه مدیریت بازرگانی موجب توسعه نگرشها و مطالعات تخصصی تر در برندینگ کالا، خدمات و یا خود ساخت و سازها باشد. لذا در این مقاله در موضوع برندسازی معماری و جایگاه آن



تصاویر ۱ الی ۳. نمونه ای از سربندسازی شهرهای جهانی با معماری؛ بناهای برج میلاد در تهران، برج العرب دبی و اپرای سیدنی در استرالیا؛ ماخذ: آرشیو تصویری نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۷۸

«پاتریک گدس» در کتاب «تکامل شهرها» (۱۹۱۵) به منظور تشریح «رشد شهری» و «منظومه های شهری» در منطقه های شهری خارج از بریتانیا مورد استفاده قرار گرفته شده است. او در این کتاب از «پاریس، برلین و نیویورک و دوسلدورف و پترزبورگ» به عنوان شهرهای جهانی یاد کرده است. در این میان «هال»، «فریدمن» و «ساسن» از جمله مهمترین پژوهشگرانی اند که در مورد شهرهای جهانی قلم رانده اند. در منابع مختلف پیرامون این موضوع دو اصطلاح «شهر جهانی» و «جهان شهر» به کار رفته است، و در منابع لاتین نیز از واژه های global city و world city به عنوان معادل شهر جهانی استفاده شده است، و برای واژه ی جهان شهر نیز بازم معادل هایی همچون global city یا world city و cosmopolite به کارفته است. لازم به ذکر است در حالی که در بعضی منابع این دو اصطلاح با معادل های انگلیسی متفاوت به جای یکدیگر به کار رفته اند، افرادی نیز در باب تفکیک مفهومی این دو واژه از یکدیگر تأکید نموده اند^۱، و جهان شهرها را با معادل انگلیسی world city شهرهایی به مراتب توسعه یافته تر و با کارکردهای بیشتری از ارتباطات بین المللی در شبکه جهانی می دانند و معتقدند شهرهای جهانی بیشتر اشاره به کلان شهرهای بزرگی دارد که گرچه رشد روزافزونی دارند، اما فاقد ویژگی های منحصر بفرد جهان شهر می باشند. از سوی دیگر برخی از جمله شورت (۲۰۰۴، ص ۲) می گویند:

«می توان بین جهان شهر و شهر جهانی تفاوت قائل شد. اولین اصطلاح شهرهایی با بزرگی مقیاس هستند اما با جریان شبکه شهری جهانی، انسان ها، کالاها،

ایده ها، اعمال و اجراها کمتر در ارتباط هستند، دومین اصطلاح بیان کننده ی نوعی از شهرها هستند که مرکز شبکه شهری جهانی می باشند.» از سوی دیگر «گدس» به عنوان اولین پایه گذار این مفهوم از واژه world city استفاده کرده است. لازم به ذکر است مفهوم مورد نظر در این مقاله در کلیه قسمتهایی که ارتباط میان شهر و جهانی شدن مطرح می شود، شهر جهانی با کارکردها و تعاریفی است که براساس نظریات در زیر و نه شهرهایی با وسعت گسترده و جمعیت زیاد و صرفاً دارای کارکردهای کلانشهری ارائه می گردد. «فریدمن» (۱۹۸۶) شهرهای جهانی را چنین تعریف می کند:

۱. نقاط مبنا در سازمان فضائی و مفصل بندی تولید و بازارها؛

۲. مکان های اصلی تمرکز و تراکم سرمایه ی بین المللی؛
۳. مرکز ادارات عمومی، مراکز بین المللی سرمایه، حمل و نقل و ارتباطات جهانی و خدمات تجاری سطح بالا؛
۴. نقاط مقصد برای مهاجران داخلی و بین المللی (شورت و هیون کیم، ۱۳۸۴، ص ۸۵).

«ساسکیا ساسن» (۱۹۹۴-۱۹۹۱) شهرهای جهانی را به چهار شیوه ی مختلف توصیف می کند که عبارتند از:

۱. نقاط مورد تقاضا با تمرکز بالا در سازمان اقتصادی جهانی؛
۲. مکان های کلیدی برای سرمایه و بنگاه های تخصصی خدمات؛
۳. مکان های تولیدی برای ابداعات و اختراعات در صنایع پیشرو؛

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۱۷۹

۱. ر. ک: اشاره به مقاله تأملی بر تفاوت یابی مفهوم شهر جهانی و جهان شهر؛ پورموسوی و دیگران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم شماره ۱ بهار ۹۰، صص ۴۱-۶۹ جهانی شدن، شهرهای جهانی و کلان شهر تهران، نقدی بر دیدگاه نایجل هریس، صرافی و دیگران؛ اقتصاد شهر، شماره ۳، ص ۸۹

۲. در این رابطه و مطابق با این مفهوم باید گفت که مثلاً شهر تهران حاصل فرآیندی است که به منظور بهره گیری از صرفه جویی های ناشی از مقیاس، به جذب جمعیت و فعالیت در دورن خود پرداخته است. شهر تهران با حدود ۶۲۱ کیلومترمربع مساحت و ۷/۸ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۸۵، در کانون یک منطقه کلانشهری با وسعت تقریبی ۶۰۰۰ کیلومترمربع و با جمعیتی در حدود ۱۲ میلیون نفر قرار دارد. تهران از جمله شهرهایی است که از رشد جمعیت بسیار بالایی برخوردار بوده است به طوری که در طی ۵۰ سال، جمعیت آن از ۱،۵ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ با متوسط نرخ رشد ۳،۳۴ درصد در سال به ۷،۸ میلیون نفر رسیده است. شهر تهران با قرار گرفتن در رقابت های جهانی شدن و به منظور بهره گیری از فرصت های آن برای عقب نماندن از فرایند پیشرفت، توسعه و تمام جنبشهایی که تحت عنوان جهانی شدن مطرح می شود، تلاش در ارتقای سطح ایفای نقش خود در عرصه رقابت بین المللی و نقش شایسته کشور در این عرصه را دارد. تأثیرات جهانی شدن، نوع و ترکیب فعالیت شهر تهران را تغییر داده و شهر را به سمتی هدایت کرده است که با توجه به نقش های نوینی که در فرایند جهانی شدن بر عهده می گیرد، فعالیت های درونی خود را انطباق دهد.

۴. بازارهای مصرفی برای محصولات و اختراعات تولیدی (همان: ۸۵-۸۶).

«پیتربیلور» استاد جغرافیای سیاسی و مدیر گروه پژوهشی شبکه شهرهای جهانی، شهرهای جهانی را چنین تعریف می‌کند:

«شهرهای جهانی بایستی به عنوان شهرهای پیشرو شناخته شوند که رأس الگوهای سلسله مراتبی نظام شهری جهانی را اشغال کرده‌اند» (پورموسوی و دیگران، ص ۵۲).

«آرجون آپادورای» شهرهای جهانی را محل اتصال و جدایی دانسته است و «کستلز» آنها را نقاط گره‌ای شبکه‌ها دانسته است. «هان» معتقد است شهرهای جهانی مفهومی برای توصیف مکان‌های راهبردی در اقتصاد جهانی است (عاملی، ۱۳۸۸، ص ۹۸ و ۱۰۵). «بیورستاک و دیگران» (۲۰۰۰)، «کستلز» (۲۰۰۰)، «فریدمن» (۱۹۸۶)، «ناکس و تیلور» (۱۹۹۵) و «ساسن» (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) در تحقیقات خود کرده‌اند که این شهرها به واسطه‌ی موقعیت خود در سلسله مراتب اقتصاد جهانی یا شبکه‌های فراملی تعریف می‌شوند (همان، ص ۱۰۶).

همچنین به وابستگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بین مکان‌ها و کشورهای مختلف اطلاق می‌گردد، و «فرآیندی است که توسط فناوری‌های پیشرفته به وقوع پیوسته و معاملات اقتصادی و تعاملات اجتماعی را با حجم و سرعت زیادی به انجام می‌رساند. این معاملات، طیف وسیعی از کالاها و خدمات، جریان‌های سرمایه و اطلاعات را در بر می‌گیرد.» از دهه ۱۹۷۰، جهانی شدن به نیروی قدرتمندی در بیشتر جنبه‌های زندگی تبدیل شده است (Valiyev and Savith, ۲۰۱۰: ۲۱۶).

حجم و قالب کار جهانی همواره در حال گسترش است، بخشی مهمی از فرایندهای جهانی شدن در شهرها به ویژه در مادرشهرهای بزرگ حادث

می‌شود. ظهور نظام جهانی تولید، بازار، امور مالی، خدمات، ارتباطات راه دور، فرهنگ‌ها و سیاست‌ها، از نظر فضایی در درون شبکه‌ای جهانی از شهرها بوضوح دیده شده است. تغییرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در مقیاس جهانی اثرات بنیادینی در تجدید سازمان و بازساخت شهری جهان برجای می‌گذارد. شهرها به طور فزاینده‌ای در معرض تأثیرات و نفوذ جهانی شدن قرار دارند. بدین سبب ارزیابی روندهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، در مقیاس جهانی، یک ضرورت اساسی در ادراک تحولات شهری در سراسر جهان است (شورت و کیم، ۱۳۸۴، ص ۱۴).

مفهوم «جهانی شدن»، عمده‌ترین میراثی است که سده بیست و یکم از آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی در آخرین دهه سده بیستم به ودیعه گرفته است (توسلی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). «جهانی شدن»، روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تشدید یکپارچگی و درهم‌تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره)، در میان «کنشگران نو» (NGOs)، اجتماعات مجازی، شرکتهای چندملیتی یا فرا سرزمینی) و «سنتی» (دولت، حکومت و مقامات اداری و اجرایی) شده است. این تأثیرات دگرگونی در مناسبات پیشین اجتماعات انسانی، افزایش حجم مراودات، فراسرزمینی شدن نیازها و اثر گذاری، فزاینده‌ی دامنه آگاهی و به تبع آن، دگرگونی در مطالبات را به دنبال داشته است^۱ (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳).

یکی از مهمترین تحولات اقتصاد جهانی در دهه گذشته افزایش شگرف گردش سرمایه در جهان بوده است. جهانی شدن با قدرت انتقال پذیری گسترده‌ی سرمایه است که مرزهای ملی را درمی‌نوردد. دهه‌ی گذشته شاهد رقابت روزافزون سرمایه‌های در گردش بین شهرهای جهان

۱. نقش پایتختی تهران، فضاهای گسترده‌ای را برای اعمال حاکمیت ملی در صنعت معماری در اختیار دولت مرکزی قرار داده است. پایتخت بودن، شهر تهران را محل تجمع و استقرار نمایندگی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای جهان ساخته و موجب شده تا بسیاری از زمین‌های سطح شهر خارج از دسترس شهروندان قرار گیرد و نتیجتاً معماری را به عنوان صنعت رایج دستخوش تغییرات تدریجی کند. همچنین جایگاه تهران به عنوان مرکز اقتصادی کشور، موجب استقرار نهادهای تصمیم‌گیر در موضوع‌های اقتصادی در آن شده است. فعالیت این نهادها مستلزم ارتباط با نهادها و موسسات اقتصادی داخل و خارج کشور شده است که ضرورت انطباق یافتن ساختار فضایی شهر با نیازهای نوین جهانی شدن را نشان می‌دهد.

بوده است، از این رو رقابت بین شهرها با رشد شرکت های چندملیتی که به دلیل توجه به سرمایه گذاری های جدید چشم اندازهای جغرافیایی بزرگ مقیاسی داشته اند، به اشکال مختلفی تشدید شده است. از جمله توسط حکومت های شهری که در تلاش برای جذب سرمایه گذاری داخلی، نقش فزاینده ای در ارتقاء بهبود و بازاریابی خود داشته اند؛ با پیدایش بخش های مختلف اقتصاد نوین جهانی همچون خدمات مالی و تولیدکننده؛ از طریق رقابت در جذب موسسات بین المللی جهت استقرار در شهرها، و بالاخره از طریق رقابت بر سر صحنه های جهانی مثل رخدادهای ورزشی و نمایشگاه های تجاری که اثرات و نتایج اقتصادی نویدبخشی را به بار می آورند (شورت و کیم، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

لذا بطور خلاصه می توان گفت:

۱. بر مبنای «فرهنگ لغت اینکارتا»، «جهانی شدن، همگرایی و دموکراتیزه شدن فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت های جهانی، از طریق سرمایه گذاری فراملی، افزایش میزان ارتباطات، فناوری اطلاعات و تاثیر نیروی بازار آزاد بر اقتصادهای سطوح محلی، منطقه ای و ملی است» (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۴).

۲. به باور «ماری»، جهانی شدن «فرایندی است که همانند پوشش و لایه ای بر روی جهان نمایان شده، و فرهنگ ها، جوامع و اقتصادهای جهانی را به محض اینکه وارد آن می شوند، همگن می سازد. در این فرایند همه یکسان می شوند، مرزها اهمیت خود را از دست می دهند و فاصله ها از بین می روند» (Murray، ۲۰۰۶:۳).

۳. «گوتیندر و لسلی باود»، جهانی شدن را به وابستگی روز افزون اقتصادی های جهانی تعریف نموده اند که بواسطه گردش اطلاعات، پول، مردم و کالاها در سراسر مرزهای ملی صورت می گیرد و در این فرآیند تحرک فزاینده سرمایه موجب تغییر در سازمان جغرافیایی تولید صنعتی و شبکه بازارهای مالی می شود (Gottinder and Budd، ۲۰۰۵:۴۴).

انواع و ابعاد جهانی شدن کلانشهرها عبارتند از:

۱. «شهر و جهانی شدن فرهنگی»: افزایش جریان های فرهنگی فراملی، شهرهای بزرگ را قادر ساخته تا الگوهای فرهنگی متنوعی را از سراسر جهان تجربه کنند، از نمونه های آن می توان به نمایشگاه های هنری، اجرای اپرا و مسابقات ورزشی اشاره نمود. برمان و راندینلی (۱۹۹۲) استدلال می کنند که جهانی شدن شهرها را وادار می سازد تا فرهنگ های مخصوص به خود را به شیوه هایی که باعث جذب تجارت، سرمایه گذاری و تخصص های تکنولوژی پیشرفته می شوند، توسعه دهند. همزیستی و همزمانی روندهای همگون سازی ممکن است در توصیف فرایندهای جهانی شدن فرهنگی عبارت مناسب تری باشد، تا یک طبقه بندی دوگانه از جهانی شدن یا عدم جهانی سازی (شورت و کیم، ۱۳۸۴، ص ۱۸).

۲. «شهر و جهانی شدن سیاسی»: تغییر شکل جهانی در مدیریت شهری برای اشتغال زائی، شاخص قابل توجهی از حضور نیروهای جهانی سازی سیاسی در شهر است. افزایش مداوم نیروهای بازار، استیلای دولت های ملی و حکومت های شهری را تضعیف نموده است. رواج رقابت پذیری بین المللی احتمالاً به یک پروژه مسلط اقتصادی برای بسیاری از شهرها تبدیل شده است (همان، ص ۱۹).

«جان شورت» از جهانی شدن به مثابه مفهومی «فوق العاده خلاصه شده» و «فشرده گی بیش از حد معانی و مفاهیم مختلف» تعبیر نموده است (شورت، ۱۳۸۸). به باور «آنتونی گیدنز»، جهانی شدن در همتنیدگی رویدادها و روابط اجتماعی سرزمین های دور دست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است، پدیده ای که می توان آن را به نوعی تلاقی حاضر یا غایب دانست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۴۲). «گیدنز» جهانی شدن را به نوعی با مدرنیته یکسان می شمارد و معتقد است که به جای تاکید بر پسامدرنیته، باید از جهانی شدن به منزله «سنت زدایی» کامل از «مدرنیته» سخن گفت. در واقع، وی

جدول ۱. ابعاد جهانی شدن و تأثیرات آن بر شهرها؛ مأخذ: نگارنده بر اساس استنتاج از منابع مختلف.

تأثیرات	ابعاد
ایجاد جنگ های مکانی بین شهرهای جهانی به خصوص شهرهای کشورهای در حال توسعه به منظور جذب سرمایه گذاری های جدید؛ افزایش چشمگیر سرمایه مالی در گردش جهانی به واسطه ایجاد اقتصاد بدون مرز و فضای جریانها؛ تقسیم نوین بین المللی کار به صورت صنعت زدایی از شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته و ایجاد صنایع تولیدی در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه؛ افزایش شکاف توسعه بین شهرهای کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و قطبی شدن اجتماعی در مقیاس کلانشهری؛ گوناگونی ساختار اقتصاد جهانی و به تبع آن شهرهای بزرگ به صورت افزایش ارزش و سهم بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش ها	اقتصادی
گذار از شهر کینزیایی به شهر رقابت جو و کارآفرین؛ ظهور و پیدایش شهر اشتغال زایی گرایی؛ کاهش قدرت و مشروعیت دولت های ملی و تغییر نقش و کارکرد آنها؛ گرایش دولت های ملی از دولت رفاه به بازار آزاد و رقابت جهانی	سیاسی
ظهور بعد جدیدی از اقتصاد تحت عنوان اقتصاد و صنایع فرهنگی؛ افزایش مصرف و تحول در سازمان فضایی شهرها به صورت ظهور مراکز خرید جدید و مدرن؛ افزایش همکاری بین شهرهای مختلف از جمله سیاست خواهر شهری؛ افزایش اهمیت زیباسازی و نوسازی بافت های فرسوده و نابسامان شهری؛ افزایش مهاجرت و گردشگران خارجی به شهرهای بزرگ	فرهنگی

مدیریت شهری

جدول ۲. مولفه های جهانی شدن؛ مأخذ: Waters، ۲۰۰۱:۱۶-۱۴

جهانی شدن در بر گیرنده خطر و اعتماد است. در فرآیند جهانی شدن، افراد به اعتماد کردن به اشخاص ناشناخته، نیروها، هنجارهای غیر شخصی (بازار یا حقوق بشر) و به الگوهای مبادله نمادینی که به نظر می رسد بیرون از کنترل فرد یا گروه ملموسی باشد، کشیده می شوند.
جهانی شدن در بر گیرنده فروریختن عام گرایی و خاص گرایی است. رشد شتابان جهانی شدن با در هم شکستن زمان و زمان سبب شده تا جداسازی هایی همچون «گمینشافت» و «گزلشافت»، حوزه های عمومی و خصوصی، کار و خانه، نظام و زندگی دیگر به کار نیایند.
جهانی شدن در بر گیرنده «پدیدارشناسی فشرده گی» است. این پدیدارشناسی به زمان و مکان باز می گردد، و جهانی شدن، حذف پدیدارشناختی مکان و فراگیر شدن زمان است.
پدیدارشناسی جهانی شدن، باز اندیشه است. ساکنان کره زمین، خودآگاهانه خود را با جهان به عنوان یک کل سازگار می سازند.
جهانی شدن روابط دو سویه همه پیوندهای اجتماعی - فردی را در بر می گیرد.
جهانی شدن دست کم با نوسازی هم زمان است.

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۸۲

جهانی شدن را مدرنیته جهانی در نظر می-گیرد که رویدادهای مختلف در سطح کلان و جهانی از یک سو، و رویدادهای خرد و محلی از سوی دیگر ایجاد می شود. وی جهانی شدن را پدیده ای چندوجهی در نظر می گیرد که با چهار عنصر «دولت- ملت»، جهانی شدن را مدرنیته جهانی در نظر می-گیرد که از سطح جامعه ملی گذر کرده و به سطح جامعه جهانی رسیده است و در طی آن، روابط اجتماعی جهانی تشدید می شود و تاثیر و تاثر متقابل میان

جدول ۳. مقایسه ویژگی های شهرهای جهانی؛ مأخذ: نگارندگان بر اساس استنتاج از منابع مختلف.

ساسن (۲۰۰۱، ۱۹۹۵، ۱۹۹۱)	فریدمن (۱۹۸۶)	هال (۱۹۹۶، ۲۰۰۵)
مراکز کنترل سیاسی - اقتصادی و تأثیر آن بر بازار و تولید جهانی	انسجام در اقتصاد جهانی؛ انسجام کارکردها در تقسیم جدید فضایی نیروی کار بین-المللی	مراکز اصلی قدرت سیاسی
گره گاه هایی برای مدیریت و تنظیم فضای جدید اقتصادی	مبادی مفصل بندی تولید و بازار	مراکز ملی تجارت
محل استقرار کارکردهای دفاتر مرکزی شرکت های چندملیتی و رشد خدمات شرکتی پیشرفته	کارکردهای کنترلی جهانی انعکاس یافته بر ساختار و پویایی های بخش های اقتصادی و اشتغال	گره گاه های اصلی شبکه حمل و نقل
محوطه هایی برای تولید خدمات برای شرکت ها	محوطه های اصلی برای تمرکز و انباشت سرمایه بین المللی	مراکز مالی و بانکی
کارکردهای متمرکز فرماندهی	مقصد مهاجرت های بومی و بین المللی	مراکز خدمات تخصصی
تولید پسا صنعتی	قطبی شدن فضایی و طبقاتی	تمرکز بالای درآمد
محوطه هایی برای صنایع و خدمات مالی و تخصصی پیشتاز	تولیدکنندگان ارزش های اجتماعی	ازدحام و تجمع جمعیت
محل استقرار بازارهای ملی و بین المللی که شرکت ها و دولت ها می توانند ابزار و خدمات تخصصی را از آنها خریداری کنند	مکان و محل افزایش سریع توان و ظرفیت مالی دولت	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۸۳

۱۹۸۰ فریدمن و ولف بر دو وجه عمده شهرهای جهانی تأکید کرده اند؛ یکم این که شهرهای جهانی را به عنوان نقاط پایه و دوم به عنوان مراکز کنترل جریان های سرمایه در اقتصاد جهان معرفی کرده اند. آنها هم چنین بر نقش شهرهای جهانی به عنوان نقاط مقصد برای مهاجران داخلی و بین المللی تأکید کرده اند. «ساسن» شهرهای جهانی را به مثابه مکان های راهبردی در اقتصاد جهانی معرفی می کند. ساسن با اشاره به تفاوت میان شهر جهانی و جهان شهر، اصطلاح جهان شهر را به نوعی از شهر ارجاع می دهد که طی قرن ها (برای نمونه برودل ۱۹۸۴، هال ۱۹۶۶، کینگ ۱۹۹۰) و غالباً در بسیاری

«اقتصاد سرمایه داری»، «نظم نظامی جهان»، و در نهایت، «تقسیم کار بین المللی» قابل تبیین است. «رابرتسون» نیز جهانی شدن را فرآیند «فشرده گی جهان معاصر و تبدیل آن به یک کل واحد» می داند که در آن، جهان یک نظام فرهنگی - اجتماعی معرفی می شود (عنایت و موحد، ۱۳۸۳، ص ۱۵۴-۱۵۶). بر مبنای «دیدگاه واترز»، جهانی شدن در بر گیرنده شش مولفه عمده است که شرح مبسوط آنها در جدول زیر آمده است. در سال ۱۹۶۶ «پیتر هال» در کتاب مشهورش تحت عنوان «جهانشهرها»، شهرهای جهانی را با ویژگی چندنقشی بودن آنها تعریف کرده است. در دهه

از دوره‌های پیشین، و بیش از غرب در آسیا وجود داشته است (ساسن، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۷). لذا در توصیف شهرهای جهانی می‌توان گفت که:

۱. ساسن (۱۹۹۱، ۱۹۹۴) شهرهای جهانی را به چهار شیوه توصیف می‌کند؛ یکم نقاط مورد تقاضا با تمرکز بالا در سازمان اقتصادی جهانی، دوم مکان‌های کلیدی برای سرمایه و بنگاه‌های تخصصی خدمات، سوم مکان‌های تولیدی برای ابداعات و اختراعات در صنایع پیشرو و چهارم بازارهای مصرفی برای محصولات و اختراعات تولیدی (Sassen, ۱۹۹۱، ۲۰-۲۵).

۲. شاپار (۱۹۹۴) تدارکات و زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی را به شهرهای جهانی اضافه می‌کند. کاستلز با به کارگیری مفاهیمی چون فضای جریان‌ها جهانی شدن را ظهور جامعه‌ای شبکه‌ای با پیوندهای متکی بر فشرده‌گی زمان و مکان با اتکاء بر فناوری‌های اطلاعاتی می‌داند (شورت، ۱۳۸۴، صص ۸۶-۸۵). او شهرهای جهانی را مراکز فرماندهی و مدیریت شبکه‌های اقتصادی می‌داند. ویژگی اصلی شهر اطلاعاتی کاستلز، تسلط فضای جریان‌ها بر فضای مکان‌ها است (Castells, ۱۹۹۳، ۲).

شورت شهرهای جهانی را بر اساس سه بعد اصلی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تعریف می‌کند. ویژگی اصلی شهر جهانی مورد نظر شورت در بعد اقتصادی مکان اصلی سرمایه خارجی، کارکردهای سلطه و مدیریت و فرماندهی اقتصاد جهانی، در بعد سیاسی شهر اشتغالزایی گرای و رقابت جو و در بعد فرهنگی شهر محل رویدادها و رخدادهای فرهنگی جهانی است. با این وجود، وی اعتقاد دارد که همه شهرهای بزرگ، شهر جهانی نیستند، بلکه بایستی وارد فضای جریان‌های جهانی شوند و حداقل بیش از نیمی از خدمات پیشرفته تولیدی (شرکت‌ها و بانک‌های چندملیتی، تعاملات فرهنگی انبوه، مهاجران و گردشگران بین‌المللی) را در درون خود داشته باشند. شورت از عنوان سیاه‌چاله برای برخی شهرها استفاده می‌کند. شهرهایی که با وجود

داشتن موقعیت جغرافیایی و منابع انسانی مناسب به سیاه‌چاله‌هایی تبدیل شده‌اند که در شبکه شهرهای جهانی نقش فعالی ندارند (Short, ۲۰۰۴، ۷-۸).

معماری و شهرهای جهانی

شاپار (۱۹۹۴) تدارکات و زیرساخت‌های فیزیکی و معماری شهرها را به شهرهای جهانی اضافه می‌کند. «مولنکف و کاستلز»، ساسن و اخیراً پیتر هال به قطبی شدن اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم شهرهای جهانی اشاره می‌کنند. به گونه‌ای که ساسن شهرهای جهانی را دارای دو بعد یکم مراکز سلطه و دوم صحنه‌های قطب‌بندی اجتماعی - فضایی دانسته است. پیتر هال نیز، در تجربه نوسازی شهر لندن، نابرابری‌های درآمدی روزافزون در لندن را برجسته می‌کند. نکته قابل توجه در تمام تعاریف فوق، تأکید ویژه و منحصر به فرد بر جنبه‌های اقتصادی شهر جهانی است و از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و حتی ژئوپولیتیک هیچ‌گونه بحثی به میان نیامده است. این رویه منجر به برتری مطلق و بی‌چون و چرای شهرهای لندن، نیویورک و توکیو در اقتصاد جهانی معاصر شده است. اگرچه در مقایسه با سایر ابعاد جهانی شدن، اقتصاد از جهان‌گیری بیشتری برخوردار است اما این به معنای تأثیرگذاری سایر جنبه‌های فرهنگی و سیاسی جهانی شدن بر تحولات شهری معاصر نیست.

همان‌گونه که گفته شد، جهانی شدن سیاست و فرهنگ نیز منجر به تغییرات اساسی در «معماری شهرها و ساختار فضایی شهرهای معاصر» شده است. با توجه به مطالب مذکور، می‌توان ایده تعریف شهرهای جهانی صرفاً بر اساس معیارهای اقتصادی را زیر سؤال برد و اظهار کرد که دلایل و عوامل دیگری نیز مبنی بر جهانی شدن وجود دارد که ظهور شهرهای جهانی و کارکردهای چندگانه آنها را در نظام جهانی تبیین کند. مثلاً ساختار معماری و وجود جاذبه‌ها و یا نقاط سوق الجیشی معماری در

جدول ۴. پارادایم شهرهای جهانی

جهانشهرها (فریدمن، ۱۹۸۶)	ابرسهرها (کاستلز، ۲۰۰۰)	شهرهای جهانی (ساسن ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱)	شهرهای نخستین (ساولیچ و کانتر، ۲۰۰۲)
یکپارچگی با دنیای اقتصادی	تراکم زیاد انسانی	نقاط فرماندهی در جهان اقتصادی	موجودیت های غول آسای مرکزی در اقتصاد ملی
مبادی سرمایه جهانی	گره گاه های اقتصاد جهانی	مکان های کلیدی و بازارها برای صنایع پیشتاز تخصصی	مراکز توسعه بانکی و دفاتر مرکزی شرکت های فراملیتی
بخش های ویژه تولیدی	تمرکز جهت دار، مولد و مدیریت شده کارکردهای بالاتر	محوطه های اصلی تولید خدمات	توانایی ارتقاء و تقویت صرفه های انباشت
تمرکز و انباشت سرمایه بین المللی	کنترل رسانه ای	-	-
مقاصد مهاجرت ها	خط مشی ها و سیاست های حقیقی قدرت	-	-
قطبی شدن فضایی و طبقاتی	ظرفیت نمادین برای تولید و پیام	-	-
ارزش های بالاتر اجتماعی	-	-	-

Reference: Lin Ye, ۲۰۰۴.

سنگاپور، هنگ کنگ، شهر مکزیکو و ساؤپائولو دانسته اند (شورت، ۱۳۸۹). «ساسن» نیز در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) سه شهر بزرگ لندن، نیویورک و توکیو را به عنوان شهرهای جهانی معرفی نموده است. وی سه نوع عملکرد را برای شهرهای جهانی بر شمرده است: «نقاط کنترل و فرماندهی در سازمان اقتصاد جهانی؛ مکان های کلیدی و بازارهایی برای صنایع پیشرو در دوره معاصر؛ مکان های اصلی برای پشتیبانی از صنایع پیشرو از طریق ارایه نوآوریها و ابداعات». «کریس الدس» نیز سه دسته شهر جهانی را معرفی نموده است:

۱. «شهرهای فوق جهانی شده: در پیوند کامل با اقتصاد جهانی از طریق جریان های درونی و بیرونی

این نظام نقشی مهم ایفا می کند. حال در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۶۶)، تحلیل جامعی درباره گروهی از شهرها مشتمل بر «لندن، پاریس، رابن - رور، مسکو، نیویورک و راند استیدن - هولند» انجام داده است. «پیتر هال» (۱۹۹۳) هفت نوع شهر پایتختی از پایتخت های جهانی تا پایتخت های چند عملکردی را شناسایی نموده است.

به عقیده «فریدمن و ولف» (۱۹۸۲) شهرهای جهانی منبع «ایدئولوژی»، «فناوری جهانی» و «انسجام» هستند. آنها شهرهای جهانی را مشتمل بر توکیو، لس آنجلس، سان فرانسیسکو، نیویورک، لندن، پاریس، راندستات، فرانکفورت، زوریخ، قاهره، بانکوک،

جدول ۵. انواع پایتخت های جهان؛ ماخذ: Hall, ۱۹۹۳

پایتخت های جهانی	پایتخت های جهانی که دارای نقش فراملیتی در سیاست و اقتصاد می باشند (لندن و توکیو).
پایتخت های مختص مرکز حکومت	پایتخت هایی که تنها به عنوان مرکز حکومت ایجاد و فاقد سایر عملکردها می باشند (لاسه ، واشنگتن دی سی، اوتاوا و برازیلیا).
شهرهای پایتختی پیشین	شهرهای پایتختی پیشین که نقش خود را به عنوان مرکز حکومت از دست داده اند، اما سایر عملکردهای تاریخی خود را حفظ کرده اند (برلین، لنینگراد و ریودوژانیرو).
پایتخت های سلطنتی پیشین	پایتخت های سلطنتی پیشین که هنوز دارای نقش های تجاری و فرهنگی مهمی برای قلمروهای سلطنتی پیشین هستند (مادرید، لیسبون و وین).
پایتخت های ایالتی	پایتخت های ایالتی که نقش گذشته خود را از دست داده اند، اما برای قلمروهای پیرامونی خود حائز اهمیت بسیار زیادی می باشند (میلان، مونیخ، تورنتو و سیدنی).
ابر پایتخت ها	ابر پایتخت ها که به عنوان مراکز سازمان های جهان شناخته می شوند (بروکسل، جنوا، رم و نیویورک).
پایتخت های چند عملکردی	پایتخت های چند عملکردی که دارای تمام یا بیشتر عملکردهای ملی هستند (پاریس، لندن، مسکو و توکیو).

قرار دارد.» و

۲. «شهرهای در حال جهانی شدن: اتکای بیشتر بر جریان های از داخل تا جریان های از بیرون.» و
۳. «در پیوند کامل با اقتصاد جهانی و با تجربه اثرات مستقیم در اقتصاد جهانی» (صرافی و محمدی، ۱۳۸۹).

سه گرایش عمده در معنای دستیابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر انگیزه های مالیاتی، اجرای پروژه های بزرگ مقیاس و گسترش جهان «وطن گرایی» وجود دارد؛ که شرح مبسوط آنها در جدول ۷ آمده است.

در ادامه این پژوهش به تحلیل شماری از مهمترین اثرات جهانی شدن بر روی شهرها پرداخته می شود.
۱. «استقرار شرکتهای چند ملیتی و سرمایه گذاری ها در معماری و زیرساختهای کالبدی و اقتصادی»:
«شرکت های چند ملیتی»، کارخانه های تولیدی

خود را در آن دسته از مکان ها استقرار می دهند که برای تولیدات آنها تقاضای بالایی وجود داشته باشد، و اینکه اتکاء به تولید در کشور خود را کاهش دهند. همچنین هزینه های تولید و حمل و نقل را تقلیل دهند. شرکت ها در شهری استقرار می یابند که می توانند در آن به بالاترین مزیت رقابت دست یابند، و اینکه بیشترین خروجی را با خرج کمترین هزینه داشته باشند؛ به این معنا که هم نیروی کار کارآمدی با کمترین هزینه و هم زیرساخت های فیزیکی به قدر کافی در آن شهر وجود داشته باشد (Zhao et al, ۲۰۰۳:۲۶۶).

۲. «تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری»: در پی جهانی شدن وضعیت زندگی در برخی از کشورها بهبود یافته، اما در شماری دیگر همچنان رکود بر زندگی آنها سایه انداخته است. به تبعیت از این مساله، شهرهای جهانی شکاف در حال

جدول ۶. مفهوم شهرهای جهانی؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

<p>به اعتقاد «هانرز» (۱۹۹۶)، شهرهای جهانی (نظیر نیویورک، لندن، پاریس، لس آنجلس و میامی) به مکان بازار فرهنگ جهانی، بر اساس حضور گذار و پایدار نخبگان تجاری فراملیتی، مهاجران کشورهای در حال توسعه، متخصصان خلاق، و گردشگران بین‌المللی تبدیل شده‌اند.</p>	<p>(کیم و شورت، ۱۳۸۹)</p>
<p>به اعتقاد «ساسن»، شهرهای جهانی آنهایی هستند که به عنوان مراکز اصلی شبکه‌های جهانی، شرکت‌های تجاری، موسسات و سازمان‌های مالی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) و مهاجران نقش ایفا می‌نمایند و همچنین در برگیرنده مکان‌های مرکزی است که عملکرد جهانی شدن در آنجا صورت می‌گیرد.</p>	<p>(Sassen, ۲۰۰۰)</p>
<p>«ساسن» در کتاب «شهرهای جهانی» (۱۹۹۱) توجه خود را بر روی سه شهر بزرگ «لندن»، «نیویورک» و «توکیو» معطوف نمود؛ و از شهرهای جهانی به عنوان مراکز سیستم‌های جدید کنترل و هماهنگی و مدیریت و مکان‌های تولید خدمات تخصصی خدماتی از جمله «حسابداری»، «خدمات مالی»، و «مشاوره» نام برده است.</p>	<p>(Sassen, ۱۹۹۱)</p>
<p>مجموعه‌های فرهنگی از مشخصه‌های بسیار مهم در راستای شناخت شهرهای جهانی است: «تالارهای هنری، محل برگزاری موسیقی، رستوران‌های نژادی، فستیوال‌ها». شهرها از نظر اقتصاد فرهنگی هم‌مقیاس با اقتصاد مالی تعریف شده‌اند. مجموعه‌ای از جذابیت‌های شهری، رویدادهای میلیونی جهانی، اثرات معماری، بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال، فستیوال‌های موسیقی و هنری از ویژگی‌های بارز شهرهای جهانی هستند.</p>	<p>(شورت، ۱۳۸۸).</p>
<p>اصطلاح «شهر جهانی» به مجموعه‌ای از شهرها مشتمل بر لندن، نیویورک و توکیو اطلاق می‌گردد که به عنوان مراکز کنترل و فرماندهی اقتصاد جهانی عمل می‌نمایند. به باور «ساسن»، ویژگی این مکان‌های شهری توسط اقتصاد محلی آنها تعیین می‌گردد که مبتنی بر خدمات تجاری و مالی مربوط به شرکت‌ها و بانک‌های چند ملیتی می‌باشد، و اینها به طور مستقیم، فعالیت‌های اقتصاد سراسر جهان را کنترل می‌کنند. عمده‌ترین شهرهای جهانی از طریق سازمان مالی جهانی به طور لاینفکی با همدیگر در هم تنیده شده‌اند. به اعتقاد ساسن، شهر جهانی مراکز کنترل و فرماندهی را بواسطه شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌های مالی در خود جای داده است، به گونه‌ای که ساختار شغلی‌شان تحت تسلط خدمات تجاری و مالی می‌باشد. این گونه شهرهای با کاهش تولیدات سنتی و افزایش شغل‌های خدماتی با مهارت پایین مواجه شده‌اند. در نتیجه نیروی کار به طور روز افزونی از شغل‌های حرفه‌ای با درآمد بالا و کارگران خدماتی با درآمد پایین تشکیل شده است.</p>	<p>(Gottinder and Budd, ۲۰۰۵:۴۴)</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۸۷

گسترده بین‌برندگان و بازندگان جهانی شدن را به نمایش می‌گذارند. شهرهای جهانی، تعداد زیادی از شغل‌های «کنترل و فرماندهی» با دستمزد بالا را برای مدیران شرکت‌ها و شغل‌های «نظافتی» با دستمزد پایین را برای کارگران مهاجر در خود جای می‌دهند (Sassen, ۱۹۹۱). وجه بارز ارتباط

بین «جهانی شدن» و «نابرابری در زیرساخت‌های شبکه‌ای جهانی» و جوامع دروازه‌دار شهرهای جهان سوم، به وضوح نمایان شده است. «کیدر» در تحقیق خود در مورد تأثیرات مخرب جهانی شدن بر روی «انسجام اجتماعی در استانبول» به افزایش ثروتمندان جدید از جمله تحلیلگران امور مالی،

جدول ۷. سیاست های دستیابی به جایگاه شهر جهانی؛ ماخذ: با اقتباس و تغییر شکل از کیم و شورت، ۱۳۸۹

<p>خست، «معماری و چشم اندازهای آن» که سیاستمداران شهری چشم انداز شهرشان را به عنوان شهری جهانی معرفی می نمایند. بخصوص در آن هنگامی که آنها به دنبال کسب حمایت عمومی برای اجرای برنامه های مناقشه انگیز نظیر پروژه های نوسازی شهری، توانمندسازی بزرگ مقیاس زیرساختها، و میزبانی رویدادهای بزرگ بین المللی هستند. این عقیده که چنین پروژه ها یا رویدادهایی برای شهر، جایگاه جهانی را به ارمغان خواهند آورد، هنگامی که واکنش عمومی به طور مطلوبی به سمت آن اجماع کند به طور قطع مفید خواهد بود.</p>
<p>دوم، «برند، اقتصاد و مؤسسات تجاری» از بحث دستیابی به جایگاه شهر جهانی به هنگام طرفداری از انگیزه های مالیاتی بزرگ مقیاس و سیاست های اقتصادی تجارت گرایانه استفاده می کنند. چنین سیاستمدارانی اغلب دستیابی به جایگاه شهر جهانی را به توانایی و یا شهرت جهانی شرکت های بین المللی شهر در جذب تجارت های مشهور جهانی مرتبط می سازند.</p>
<p>سوم، «چندفرهنگ گرایی و کولتالیسم»؛ چنانچه از اقدامات دستیابی به جایگاه شهر جهانی به منظور حمایت از تلاش های صورت گرفته در راستای افزایش چند فرهنگ گرایی، و در مفهومی گسترده تر، جهان وطن گرایی در میان مناطق مسکونی شهر استفاده می شود. تصورسازی شهر جهانی به عنوان طرفدار فرهنگ های جهان وطن گرایی منجر به افزایش حمایت عمومی از حکومت ها برای انجام پروژه های فرهنگی پر هزینه نظیر جشنواره های قومی یا ساخت و نوسازی خانه های اپرا و مراکز فرهنگی می گردد.</p>

برنامه نویسان نرم افزاری و صنعت معماری اشاره کرده که پیوندهای نزدیکی با «خدمات مشترک جهانی» و «الگوهای مصرفی» دارند؛ در حالی که به گفته کیدر، «جهانی شدن اقتصاد معماری» برای بسیاری از جوانان حرفه ای و بانکداران سود داشته است، اما موجب زیان به اکثریت عظیمی از ساکنان شهری از طریق ایجاد سطوح جدید نابرابری، دو قطبی شدن اشتغال، درآمد و استفاده از محیط انسان ساخت گردیده است، او می نوشته است که «در درون شرایط ایدئولوژیکی جهان نئولیبرالیسم این توسعه ها (نابرابری و دو قطبی شدن) به وسیله سیاست اجتماعی، به طور کارآمد متعادل نشده اند» (Keyder, 2005: 124).

۳. «مهاجرت و گردشگری معماری شهرهای بزرگ»: ظهور جهانی شدن موجب افزایش مهاجران و گردشگران بین المللی به بسیاری از شهرها شده است. در سال ۲۰۰۰ بیش از ۵۰ درصد جمعیت نیویورک و توکیو، اقلیت های قومی و متولدان خارجی بوده اند. در لندن، درصد ساکنان خارجی به میزان ۲۹ درصد افزایش یافته، در حالی که در پاریس این رقم به میزان ۱۵ درصد افزون گشته است. شهرهای جهانی مقصد عمده ای برای تعداد زیادی از مهاجران بین المللی هستند. «لیزانتون-شورت» و «ماری پرایس» (۲۰۰۶) بررسی وسیعی در مورد ساکنان متولد خارجی در ۱۵۰ شهر دنیا را به انجام رسانده اند. آنها در این پیمایش شهرهای «آلفا»، «بتا»، و «گاما» را شناسایی کردند. شهرهای مهاجرتی آلفا مشتمل بر نیویورک، تورنتو، دبی، لس آنجلس، لندن، سیدنی، میامی، ملبورن، آمستردام، ونکوور هستند. شهرهای رتبه های دوم بتا، شامل شهرهای ریاض، جنوا، پاریس، تلاویو، مونترال، واشنگتن دی سی، لاهه، کیف، سانفرانسیسکو و پرت

در استرالیا است (شورت، ۱۳۸۸).

۴. «افزایش دوگانگی دیجیتالی بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه»: به نظر «رابرتسون»، جهانی شدن به معنای درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۲) و به عبارت دیگر تراکم آگاهی کل نزد اجزاء (همان، ص ۲۵) است. «جهانی شدن»، مفهومی است که هم به «فشرده‌گی جهان» و هم به «تشدید خود آگاهی از جهان به مثابه یک کل»، اطلاق می‌شود. به این ترتیب، جهانی شدن همان یگانه شدن جهان و نه وحدت و ادغام آن است. این تعریف از جهانی شدن مبتنی بر فناوری های جدید ارتباطی و اطلاعاتی است. بر این اساس، جامعه اطلاعاتی نیز معنا پیدا می‌کند؛ زیرا در این صورت می‌توان آن را جامعه ای دانست که در آن تجارت، رسانه ها و ارتباطات علمی در سراسر جهان یگانه می‌شود.

«فریدمن» (۱۹۸۶) این سیستم های جدید را یک «نوبیانیه فضایی» یا شکل ظاهری از تقسیم بندی بین المللی جدید از نیروی کار می‌داند. او برای تأیید این ایده، هفت فرضیه به هم پیوسته را بیان می‌کند که عبارتند از:

۱- مادامی که شهرها پدیده های سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شوند، متغیر اقتصاد مهمترین متغیر به شمار می‌آید. بنابراین همگرایی در اقتصاد جهانی و نقش عملکردی که شهرها در تقسیم بندی فضایی جدید نیروی کار خواهند داشت، از عوامل موثر در هرگونه تغییر در ساخت سیستم های شهری محسوب می‌شوند. تغییر در عملکرد شهرها به ویژه در نقش مادرشهرها در سیستم جهانی، متأثر از موارد زیر است: جهت و انتقال سرمایه؛ تقسیم فضایی عملکردهای مالی، مدیریتی، تولیدی؛ ساختار شغلی فعالیت های پایه ای اقتصادی. این موضوع را ساسن (۱۹۹۱) با عنوان چرخش سرمایه و شکل گیری بازار کار تبیین می‌کند و معتقد است که از یک طرف یک استانداردسازی وسیع جهانی از مصرف کالا و به منظور ایجاد تفاوت در انعطاف و تولیدات بازارهای

جهانی وجود دارد، و از طرف دیگر در این فضای اقتصادی همگن، تقسیم بندی فعالیت های اقتصادی در بازتولید منابع متفاوت نیروی کار و بازار کار، با یکدیگر تشریک مساعی دارند.

۲- در فرایند سازمان بندی فضایی و مفصل بندی جدید از نیروی کار، شهرهای اصلی به عنوان «نقاط بنیادین» شناخته می‌شوند. این شهرهای کلیدی یا نقاط بنیادین را می‌توان «شهرهای جهانی» نامید.

۳- عملکردهای جهانی کنترل و نظارت در شهرهای جهانی مستقیماً به ساختار و پویایی بخش های تولید و اشتغال آنها برمی‌گردد.

۴- شهرهای جهانی، شهرهای بزرگ و عظیمی برای تمرکز و همگرایی سرمایه های جهانی به شمار می‌آیند.

۵- شهرهای جهانی به عنوان مقصد مهاجرت ها در سطوح ملی و بین المللی شناخته می‌شوند.

۶- ساخت شهرهای جهانی خود نشانی از وجود کاپیتالیسم اقتصادی به ویژه در قطب بندی فضایی است.

۷- رشد شهرهای جهانی هزینه های اجتماعی دولت ها را افزایش می‌دهد (همان، ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

به طور کلی، فریدمن هفت شاخص اساسی را برای شناسائی شهرهای جهانی معرفی نموده است که عبارت است از: مراکز عمده ای مالی، دفاتر مرکزی شرکت های چندملیتی، موسسات بین المللی، رشد سریع بخش خدمات تجاری، مراکز تولیدی مهم، مراکز اصلی ترابری و میزان جمعیت. پیتر تیلور نیز از جمله ای افرادی است که کارهای مهمی در زمینه ای شهرهای جهانی انجام داده است. تیلور و همکاران (۲۰۰۲: ۲۳۱) معتقد هستند که شهرهای جهانی غالباً یادآور مراکز جهانی خدمات رسانی هستند و شبکه ای که این مراکز را تشکیل می‌دهند از طریق تجارت و خدمات مالی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. لذا در طبقه بندی که از شهرها ارائه می‌دهند دارابودن مراکز مهم خدماتی از قبیل مراکز بانکداری، بازاریابی، حسابداری و

حقوقی ملاک طبقه بندی قرار می گیرد. بیشترین تحقیقات صورت گرفته از سوی تیلور در زمینه شناسایی ارتباطات میان شهرها است. وی معتقد است، نکته‌ی اساسی درباره‌ی شهرهای جهانی، سطح ارتباطی است که در لایه‌های مختلف با سایر نقاط برقرار می کنند. شهرهای جهانی طبق نظر هال لزوماً دارای مراکز مالی مانند مراکز بانکی، بیمه، خدمات مالی و پولی مرتبط با روابط تجاری و مالی و مراکز فعالیت‌های حرفه‌ای پیشرفته در تمام سطوح و انواع آن هستند. برای نمونه مراکز پزشکی، قضائی، قانونی، تحصیلات تکمیلی، و تولید دانش علمی و فنی، مراکز گردآوری و پخش اطلاعات از طریق انتشارات و رسانه‌ها، مراکز عرضه و مصرف کالاهای معروف و شناخته شده، کالاهای لوکس برای اقلیت مرفه جامعه و کالاهای تولید شده‌ی انبوه برای اکثریت متوسط و پائین جامعه از لحاظ اقتصادی، مراکز هنری، فرهنگی، تفریحی و فعالیت‌های جانبی که تسهیلات لازم برای آنها را فراهم می آورند. گرایش غالب این گونه از فعالیت‌ها به رشد و بالندگی و نیرومند شدن شهرهای جهانی در قرن بیستم منجر شده است (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). جان رنای شورت نیز از جمله‌ی دیگر کسانی است که در زمینه‌ی اثرات جهانی شدن بر شهرها تحقیقات مهمی انجام داده است. «دوئل و هوبارد» نیز از داده‌های تحقیقات خود شاخص‌هایی را برای سنجش و رتبه بندی شهرهای جهانی استخراج کرده اند که به قرار زیر است:

۱. شهرت بین المللی نام شهر، هنگامی که برای شناخته شدن نیازی به ذکر تقسیمات سیاسی نداشته باشد. مثلاً گفته شود پاریس نه «پاریس، فرانسه».
۲. تأثیر گذاری و نقش داشتن در وقایع جهانی، مانند واشنگتن، برلین، بروکسل.
۳. جمعیت قابل توجه، مرکز یک منطقه‌ی کلان شهری با حداقل ۱ میلیون نفر جمعیت.
۴. داشتن یک فرودگاه بین المللی معتبر به طوری

که خطوط هوایی متعددی از آن منشعب شود.

۵. داشتن سیستم حمل و نقل پیشرفته که شبکه‌های بزرگراهی متعدد و صور مختلف حمل و نقل دارد.
۶. برای مورد غرب، داشتن فرهنگ‌های بین المللی و اجتماعات مختلف، مثلاً محله‌ی چینی‌ها، ایتالیای کوچک، و...، مانند نیویورک، لس آنجلس، تورنتو، شیکاگو، سانفرانسیسکو، ساؤپائولو، وونکوور. در دیگر نقاط جهان شهرهایی که تجارت خارجی و جوامع تبعیدی وابسته به آن را جذب می کنند، مانند توکیو، شانگهای، هنگ هنگ و مسکو.
۷. داشتن موسسه‌های اقتصادی بین المللی، موسسه‌های حقوقی و قضائی، شرکت‌های مادر، موسسه‌های به هم پیوسته‌ی بین المللی و مبادله‌های بورس مانند بانک جهانی و استوک اکسچنج نیویورک که بر اقتصاد جهانی تأثیر می گذارند.
۸. داشتن زیرساخت‌های ارتباطی پیشرفته متکی بر شرکت‌های فراملی، مانند توکیو و سئول.
۹. داشتن فرهنگ‌های زنده، مانند جشنواره‌های فیلم، تئاتر، موسیقی، اپرا و گالری‌های هنری.
۱۰. داشتن رسانه‌های قوی و تأثیرگذار با دسترسی جهانی مانند بی بی سی و نیویورک تایمز.
۱۱. داشتن گروه‌های ورزشی قوی، تیم‌های داخلی در لیگ معتبر، داشتن توانایی و سابقه در برگزاری وقایع ورزشی (عاملی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۸ و ۱۱۹).

از اواخر قرن بیستم تحقیقات مربوط به شهرهای جهانی به عنوان یک موضوع تأثیرگذار در مطالعات اقتصاد شهری مورد توجه جدی قرار گرفت. افزایش بحث درباره چشم اندازهای شهری فراملی عمدتاً نتیجه تغییرات ساختاری در اقتصاد جهان بعد از دهه ۱۹۷۰ بوده است. پیش از شروع آخرین مرحله جهانی شدن اقتصادی، شهرها عمدتاً در چارچوب ساختار دولت - ملت‌ها تعریف می شدند. هرچند پیش از این، تلاش‌هایی برای طبقه بندی شهرهای جهانی به عنوان مراکز ملی اصلی با سهم نامتناسبی از تجارت جهانی توسط هال (۱۹۶۶) صورت گرفته بود (Beaverstock, et al, ۲۰۱۱).

بر اساس نظر هال شهرهای جهانی شامل مراکز ملی بزرگ قدیمی تجارت و حکمرانی بوده است. لندن، پاریس، آمستردام - روتردام، مجموعه رور - راین، توکیو و مسکو شهرهای جهانی مورد نظر هال بوده است (Hall, 1971, 9). فریدمن و ولف شهرهای جهانی را به عنوان نقاط پایه و مراکز کنترل جریانهای سرمایه در اقتصاد جهانی معرفی کرده اند. فریدمن در سال ۱۹۸۶ در رتبه بندی شهرهای جهانی بر طیف وسیعی از معیارهای کمی از قبیل وجود دفاتر مرکزی شرکت های فراملیتی و سازمان های بین المللی تأکید کرده و تأثیر عمیقی بر تحقیقات شهرهای جهانی در دهه های بعدی گذاشته است (Friedmann and Wolff, 1982; Friedmann, 1986). وی تحلیل هال از شهر جهانی را مورد بررسی عمیق تری قرار داد و به این نتیجه رسید که فرایند جهانی شدن منجر به ایجاد یک سلسله مراتب شهری جدید شده است؛ سلسله مراتبی که لندن، نیویورک و توکیو را به عنوان مراکز اصلی مفصل بندی مالی جهانی؛ میامی، لس-آنجلس، فرانکفورت، آمستردام و سنگاپور را به عنوان مراکز مفصل بندی چندملیتی و پاریس، زوریخ، مادرید، مکزیکوسیتی، ساو پولو، سنئول و سیدنی را به عنوان مراکز با اهمیت ملی معرفی کرده است. ساسن (1991, 1994, 1993) نیز شهر جهانی را به عنوان نوع جدیدی از شهر با کارکردهایی از قبیل مراکز فرماندهی در اقتصاد جهانی، مکان های اصلی شرکت های خدماتی تخصصی تولیدکننده، مکان های تولید به خصوص تولید نوآوری و بازارهایی برای تولید و نوآوری محصولات تولیدی تعریف کرده است. ساسن برخلاف فریدمن، نقطه تأکید خود را از مراکز کنترل و فرماندهی دفاتر مرکزی شرکت های فراملیتی به مراکز شرکت های خدماتی تولیدکننده پیشرفته و بین المللی شدن تولید تغییر داده است. بر این اساس، وی شهرهای لندن، نیویورک و توکیو را به عنوان مکان های راهبردی اقتصاد جهان معرفی کرده است. مشخصه اصلی مطالعات مربوط

به شهرهای جهانی تا دهه ۱۹۹۰، این بود که همواره از نیویورک، لندن و توکیو به عنوان شهر جهانی یاد می شود. و دوم، این که مطالعات صرفاً به شهرهای اروپایی و آمریکایی و فقط بر اساس کارکردهای فرماندهی و سلطه معطوف شده است. و به روابط بین شهرها توجه چندانی نشده است. پس از این بود که توجه اندیشمندان به این نکته معطوف شد که کدام شهرها باید در مرتبه بعدی شهرهای جهانی اصلی قرار بگیرند. فریدمن میامی، لس آنجلس، فرانکفورت، آمستردام و سنگاپور را به عنوان مراکز درجه دو معرفی می کند؛ در حالی که یوانگ (1996) و لو و یوانگ (1997) تمام شهرهای بزرگ آسیا از جمله سنئول، تایپه، هنگ کنگ، مانیل، بانکوک، کوالالامپور، سنگاپور و جاکارتا را همانند توکیو شهرهای جهانی می داند. با این حال در ادبیات مربوطه نظر واحدی وجود ندارد. وارف و اریکسون استدلال می کنند که به استثنای لندن، نیویورک و توکیو سایر شهرها کمتر در زمینه جهانی شدن مورد بررسی و مطالعه عمیق قرار گرفته اند. بدون شک جامع ترین تلاش برای رتبه بندی شبکه جهانی شهرها توسط گروه تحقیقاتی لابورو صورت گرفته است. گروه مذکور کار خود را با انتقاد از طبقه بندی شهرهای جهانی ارائه شده حتی در موارد ممتازی از قبیل فریدمن (1995 و 1986) و ساسن (1994 و 1991) شروع کرده و معتقد است که تحلیل های صورت گرفته تاکنون فقط بر اندازه گیری صفات کیفی یا کارکردهای کنترل و فرماندهی تأکید کرده و از ارتباطات متقابل بین اعضای شبکه شهری غافل مانده است. این گروه، مطالعه شهرهای جهانی را از تمرکز بر تحلیل های مقایسه ای شهرهای منفرد در رأس سلسله مراتب شهری جهانی به تحلیل روابط بین شهری و مفاهیم اجتماعی - فضایی جهانی شدن تغییر داده است (Taylor, 1999). این روش سلسله مراتب جهانی شهرها را با تأکید بر روابط (اتصال هوایی) بین واحدهای مختلف درگیر در ارائه خدمات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۸. سلسله مراتب جهان شهری و مرتبط با معماری برندساز آن ماخذ: Beaverstock, Smith and Taylor, ۱۹۹۹.

نظریه پردازان	شهرهای اصلی مشخص شده
هال (۱۹۶۶)	لندن، پاریس، رانستاد، راین - رور، مسکو، نیویورک، توکیو
هایمر (۱۹۷۲)	نیویورک، لندن، پاریس، بن، توکیو
هینان (۱۹۷۷)	میامی، پاریس، هونولولو
رید (۱۹۸۱)	لندن
کوهن (۱۹۸۱)	توکیو، لندن، اوزاکا، پاریس، راین - رور
فریدمن و ولف (۱۹۸۲)	توکیو، لس آنجلس، سانفرانسیسکو، میامی، نیویورک
گیلکمن (۱۹۸۶)	نیویورک، توکیو، لندن، پاریس
میر (۱۹۸۶)	نیویورک، لندن، پاریس، زوریخ، توکیو
فریدمن (۱۹۸۶)	لندن، پاریس، نیویورک، شیکاگو، لس آنجلس
فی جین و اسمیت (۱۹۸۷)	نیویورک، لندن، توکیو
رید (۱۹۸۹)	نیویورک، لندن
تریفتم (۱۹۸۹)	نیویورک، لندن، توکیو
وارف (۱۹۸۹)	نیویورک، لندن، توکیو
ساسن (۱۹۹۱)	نیویورک، لندن، توکیو
آنون (۱۹۹۲)	نیویورک، لندن، توکیو
ابراین (۱۹۹۲)	لندن، فرانکفورت، پاریس، هنگ کنگ، سنگاپور
لی و اشمیت - مارود (۱۹۹۳)	لندن، نیویورک، توکیو
مارتین (۱۹۹۴)	لندن، نیویورک، توکیو، اوزاکا، شیکاگو
ساسن (۱۹۹۴)	نیویورک، لندن، توکیو، پاریس، فرانکفورت
باد (۱۹۹۵)	نیویورک، لندن، توکیو، پاریس، فرانکفورت
درنان (۱۹۹۵)	لندن، نیویورک، توکیو
فریدمن (۱۹۹۵)	لندن، نیویورک، توکیو
ناکس (۱۹۹۵)	لندن، نیویورک، توکیو
دیویس (۱۹۹۶)	لندن، پاریس، نیویورک، توکیو
شورت و دیگران (۱۹۹۶)	توکیو، لندن، نیویورک، پاریس، فرانکفورت
مولر (۱۹۹۷)	لندن، نیویورک، توکیو

تخصصی پیشرفته تعیین می کند (Hall, ۲۰۰۵، ۲ - ظهور جهانی تقسیم کرده است. ۳) و سلسله مراتب شهری جهان را به چهار گروه نتیجه پژوهش این گروه توجه به طبیعت نابرابر شهرهای جهانی آلفا، بتا، گاما و شهرهای در حال جهانی شدن است و این که در زیر تعداد نسبتاً

کمی از شهرهای جهانی، تعداد نسبتاً زیادی شهر برای ورود به جایگاه شهر جهانی وجود دارند که فاقد ویژگی‌های ورود به عرصه شهرهای جهانی هستند. چنین امری ممکن است به نادیده گرفتن آنها منجر شود. در این سطح است که بهترین درک برای جبر ارتباطاتی که شهرهای جهانی را به هم متصل می‌کند به وجود می‌آید و چنین درکی ممکن است به تجزیه دسته کاملاً وسیعی از شهرها بینجامد که ممکن است به لحاظ سیاسی مهم باشند، زیرا به یک شهر این اجازه را می‌دهد که پیشنهاد خود را برای اشتغال در برخی بازارها ارائه کند. این امر بیانگر آن است که برای دارا شدن شرایط جهانی بیش از یک راه وجود دارد و شهرها در حال یافتن این راهها هستند که معماری شهری می‌تواند یکی از این راه‌ها فرض شود.

رقابت پذیری شهری

مناسبات مابین کشورها در فرایند جهانی شدن معاصر، از جهت نوع، مقیاس، روش‌ها، ابزارها و پیامدها دارای تفاوت‌های اساسی با تعاملات ماقبل عصرمدرن یا جهانی‌شدن سطحی است. در این دوره، تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ابزار کارآمد ایجاد دهکده جهانی و تحقق اهداف جهانی شدن است. تغییر تدریجی ساختار دولت-ملت‌ها، کاهش محدودیت مرزها، توسعه دولت-شهرها، شکل‌گیری دیپلماسی شهرها، حاکمیت قوانین و نهادهای جهانی، زبان و شهروندان جهانی یا جهان‌وطنی، توسعه نظام رقابتها و غیره در راستای تقسیم‌کار بین‌المللی، توسعه شبکه تولید، افزایش نقش خدمات تولیدی، کاهش هزینه‌های تولید، حذف موانع و ایجاد بازار، توسعه شبکه سلسله‌مراتبی تعاملات و تبادلات یا جریان‌ها، افزایش مصرف و گردش آزاد سرمایه از مهمترین ابعاد و زمینه‌های جهانی‌شدن معاصر است. «رقابت پذیری» شهری امروزه ارتباط نزدیکی با «برند شهری» دارد؛ لذا «برندگذاری» به عنوان روشی برای ایجاد هویتی متمایز برای محصول براساس تمایز رقابتی از سایر محصولات ایجاد شده

است. نام‌گذاری برند به محصول هویتی منحصر به فرد اعطا می‌کند. این هویت تصویری با ثبات در ذهن مصرف‌کننده بوجود می‌آورد که شناخت و اطمینان و اعتماد به کیفیت را تسهیل می‌کند و در رابطه با کیفیت محصول گردشگری خاصه گردشگری شهری از اهمیتی مضاعف برخوردار است» (دهدشتی شاهرخ و فیاضی، ۱۳۹۰، ص ۲۷۱).

لذا می‌توان گفت که، معماری شهری یکی از پویاترین مولفه‌های اقتصادی عصر حاضر در حوزه رقابت پذیری شهری و برندسازی شهرها در حوزه اقتصاد جهانی است که نقش مهمی در توسعه پایدار ملی و محلی ایفا می‌کند. این صنعت از طریق ترکیب و بکارگیری همزمان منابع داخلی و خارجی، منافع اجتماعی و اقتصادی زیادی را به دنبال دارد (ابراهیم زاده و آقاسی زاده؛ ۱۳۸۸). امروزه معماری باعث ایجاد الگوهای فضایی خاصی شده که یکی از این الگوها، معماری شهری است. معماری شهری در کشورهای توسعه یافته پررآمدترین صنایع است که باعث ایجاد پیامدهای زیادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی است. در بسیاری از کشورها سرمایه‌گذاری‌های زیادی به منظور جذب گردشگران به مراکز شهری انجام گرفته است ولی بیشتر در کشورهایی که حائز رتبه‌های برتر در جذب گردشگران شهری و معماری تاریخی هستند اقداماتی در جهت بازاریابی گسترده گردشگران و مهمتر از آن، اقداماتی در جهت وفاداری گردشگران و بازدید دوباره آنها از ابنیه تاریخی شهرها صورت گرفته است که از مهمترین اقدامات و راهبردها «برندگذاری شهرها و معماری بافتهای تاریخی» می‌باشد؛ چرا که ایجاد ابزاری قدرتمند که بتواند نقاط قوت یک شهر را برای مخاطبانشان بصورت مطلوب و بهینه تبلیغ و پخش نماید، بعنوان یک فرآیند جامع و فراگیر مطرح می‌باشد. لذا برندگذاری شهری برای ارائه داشته‌ها و قابلیت‌های شهر می‌بایستی دو موضوع مرتبط و همگن را در نظر بگیرد که عبارتند از:

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱. انتشار و ترویج هویت شهرها به گردشگران؛
۲. افزایش ظرفیت و توان رقابتی شهر در جذب و ایجاد علقه گردشگران به شهر (Gildo Seisdedos & Pablo Vaggino، ۲۰۰۵).
لذا در تعریف مبنای ارتباطی «رقابت پذیری و برند» می توان گفت:

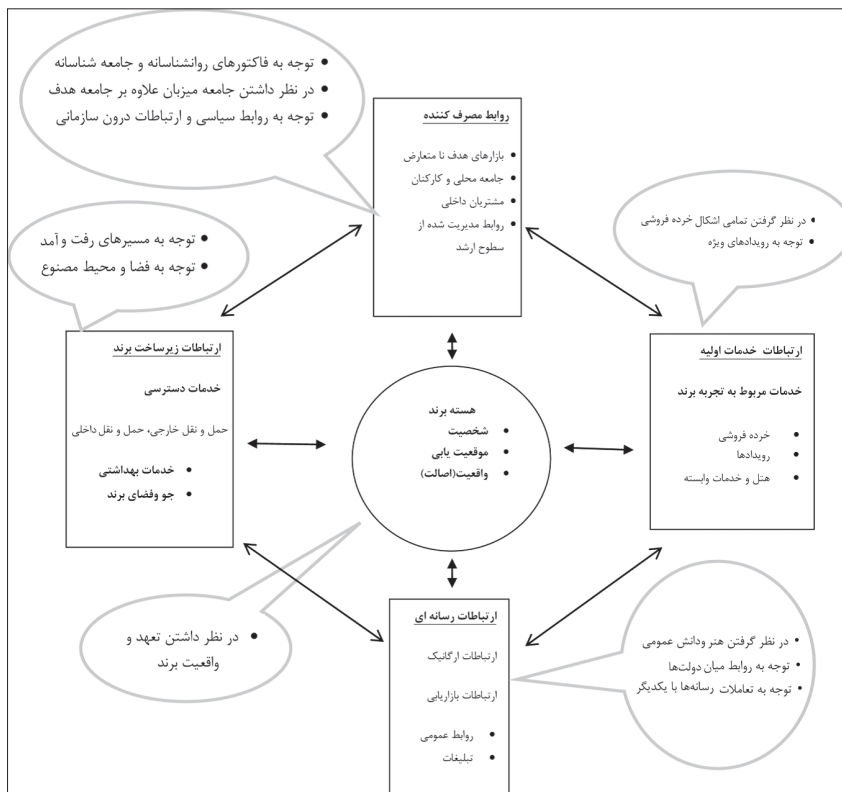
۱. «کاپرر» برند جزئی از راهبردی است که با هدف متمایزسازی تدوین می گردد. «کاتلر» (۲۰۰۰) معتقد است برند یک اصطلاح، علامت، سمبل یا طرح یا مجموعه آنهاست که قصد دارد هویتی متمایز برای کالا یا خدمات یک فروشنده یا گروهی از فروشندگان در مقابل رقبا ایجاد می کند (غفاری آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲. «پیکتن و برودریک» (۲۰۰۱) معتقد است برند مجموعه ای از نگرش های معنی دار، یک تصویر ذهنی و ایجاد کننده یک ارتباط با محصول است. در دنیای امروزی برای فعالیت های تبلیغاتی باید اینگونه بنگریم که تبلیغات هزینه نیست، بلکه نوعی

سرمایه گذاری برای پیشبرد اهداف ملی است و اگر به خوبی تهیه و اجرا گردد، دستاوردهای ارزشمندی به همراه خواهد داشت؛ در غیر این صورت باعث عقب ماندن از رقابتها و سبقت های بازاریابی معماری بین المللی خواهد بود. هدف تبلیغات تأثیر نهادن و تغییر نگرش، بینش، دانش و رفتار مخاطبان است که دستیابی به آن نیازمند نواندیشی، نوآفرینی و مهارتهای حرفه ای است. عامل اصلی موفقیت در فعالیت های تبلیغاتی محتوای پیام و گیرا بودن آن است (محتوای معماری باقتها و ابنیه تاریخی و حتی معماری تشریفاتی و لوکس در صنعت گردشگری تأکیدی بر نوع و ابعاد کیفی زیرساختهای کالبدی معماری شهرها دارد). پیام باید اطلاعات مورد نیاز را به خوبی منتقل و افراد را تشویق به مهاجرت نماید (دهدشتی شاهرخ و امیرحین آنچه ای؛ ص ۴۱).

برند و برندسازی

«برند» غالباً علامت یا نشان تجاری است که به منظور ارزش آفرینی و بازاریابی محصولات انحصاری



نمودار ۱. نکات قابل تامل در مورد برند شبکه ارتباطی؛ ماخذ: ضرغام بروجنی و بارزانی، ۱۳۹۲، ص ۷۶.

مؤسسات یا بنگاه‌های تولیدی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شهرها نیز به عنوان یک سازمان کلان اجتماعی، به هویت بخشی، ارزش آفرینی، برندسازی و بازاریابی ابعاد و پدیده‌های طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مصنوع خود می‌پردازند. شهرها تلاش می‌کنند در راستای رقابت پذیری، از نوعی شهرت یا آوازه برخوردار شوند که «برند شهری» نامیده می‌شود. برند شهری آمیزه‌ای از هویت تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، طبیعی و فیزیکی-زیرساختی است. از اینرو هویت و برند شهری، علاوه بر وجه عینی، از وجوه ذهنی، محتوایی، ساختاری و کارکردی فرایندی و پایداری برخوردار بوده و به واقع مقوله‌ای چندوجهی و در کل فراوجهی است. از این منظر، برندسازی شهری را می‌توان جزء یا بخشی از فرایند هویت بخشی و نماد آفرینی شهری در نظر گرفت و صرفاً به ابعاد و اهداف تجاری معطوف و محدود نمی‌شود. برندگذاری به عنوان روشی برای ایجاد هویتی متمایز برای محصول براساس تمایز رقابتی از سایر محصولات ایجاد شده است. نام گذاری برند به محصول هویتی منحصر به فرد اعطا می‌کند. این هویت تصویری با ثبات در ذهن مصرف کننده بوجود می‌آورد که شناخت و اطمینان و اعتماد به کیفیت را تسهیل می‌کند.

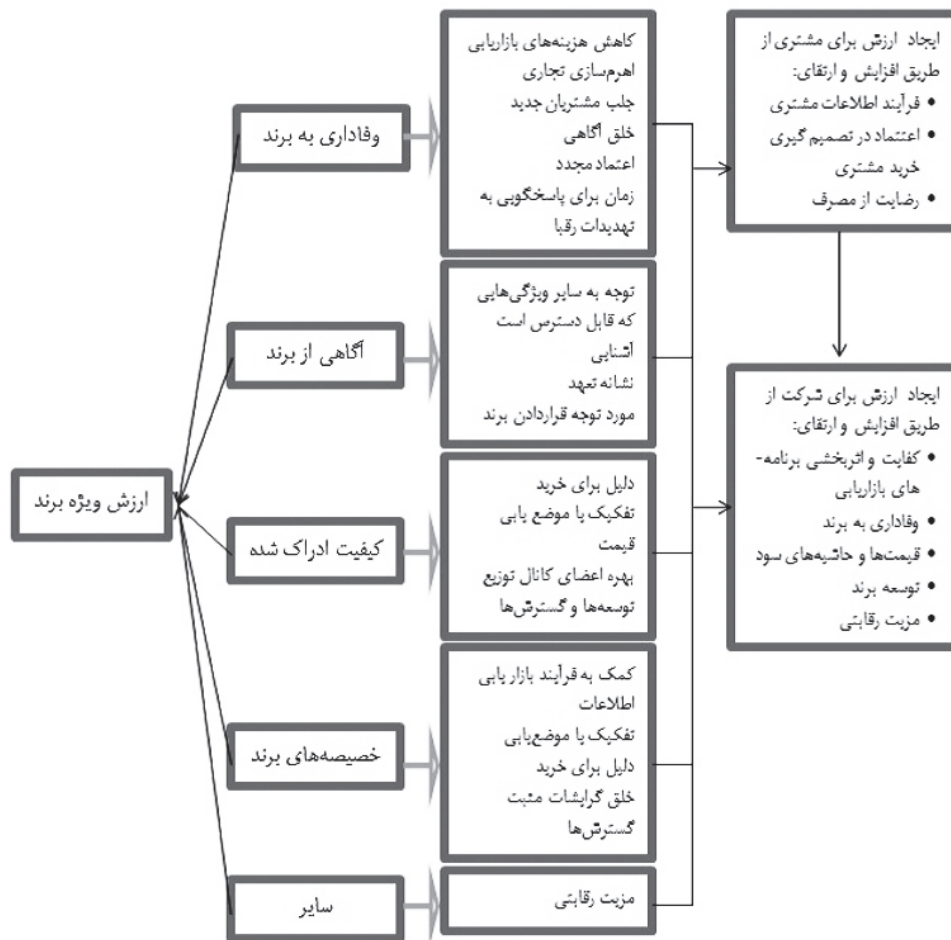
برندسازی بیش از هر چیز در امتداد کارآفرینی و بازاریابی مکان قرار می‌گیرد. بازاریابی مکان در اصل یک ارزش مبادله‌ای است، درحالی که شهرها قاعدتاً به دنبال ارزش مبادله‌ای نیستند. بلکه شهرها دارای ارزش بهره‌برداری و استفاده می‌باشند. توسعه حکمرانی و شکل‌گیری گرایش‌های کارآفرینی شهری را می‌توان مهمترین زمینه‌های بازاریابی مکان و برندسازی شهری قلمداد نمود. جهانی شدن و توسعه نظام‌های شهری و حکومت‌های محلی، روند بازاریابی مکان و برندسازی شهری را تسریع کرده است؛ در پی تحولات ساختار اداره شهرها به سوی شیوه مشارکتی، نقش دولت در سیاست‌گذاری

شهری کاهش یافت و امور کسب و کار با رویکرد رقابتی در حوزه حکمرانی شهری واقع شده است. از اینرو امروزه شهرها در عین هماهنگی با دولت مرکزی، از نوعی استقلال عمل مشارکتی برخوردارند. این فرایند باید بر مبنا و منتهی به یک چهارچوب و یا برنامه راهبردی مورد توافق و دربرگیرنده منافع تمامی ذی‌نفعان باشد.

دانش برند بر اساس دو جزء آن تعریف می‌شود: آگاهی از برند، که به یادآوری و شناخت برند توسط محصول گفته می‌شود، و تصویر برند، که به یک سری پیوندهایی گفته می‌شود که مصرف‌کننده در ذهن خود با برند ایجاد می‌کند:

۱. آگاهی از برند: اولین بعد از دانش برند است که میزان در دسترس بودن برند در حافظه را نشان می‌دهد. این عامل به قدرت گره های ذهنی مشتری بستگی دارد که در توانایی تشخیص برند توسط مصرف کننده در شرایط مختلف مؤثر است. به بیان دیگر آگاهی از برند به احتمال بخاطرآوری آسان نام برند در ذهن مصرف کننده مرتبط است. آگاهی از برند شامل دو بعد است: شناخت و یادآوری. شناخت برند یعنی توانایی مصرف کننده در تأیید ظواهر قبلی برند وقتی که برند خاص را به عنوان یک نشانه می‌بیند. به عبارت دیگر شناخت برند نیازمند این است که مصرف کننده برندی را که قبلاً دیده یا شنیده به درستی تمییز دهد. شناخت برند هنگام تصمیم‌گیری در فروشگاه می‌تواند مهم باشد. در تصمیم‌گیری‌هایی با درگیری پائین، یک سطح حداقلی از آگاهی می‌تواند برای انتخاب محصول کافی باشد.

۲. یادآوری برند: یعنی توانایی مصرف کننده در بازیابی برند هنگامی که با طبقه محصول، نیاز برآورده شده توسط طبقه محصول یا نشانه‌های دیگری مواجه می‌شود. به عبارت دیگر، یادآوری برند نیازمند این است که مصرف کننده به درستی محصول را از حافظه خود فراخواند. خیلی مهم است که تنها عمق یادآوری (درصد افرادی که برند را می‌شناسند)



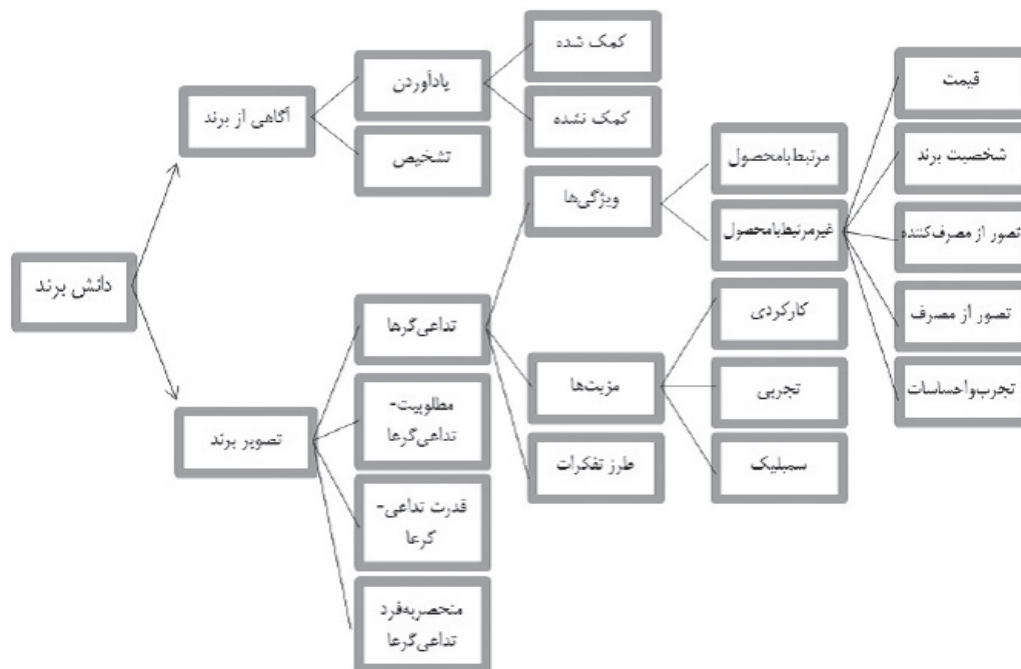
نمودار ۲. ارزش ویژه برند و مولفه های آن؛ ماخذ: شیرمحمدی، ۱۳۹۳-۱۳۹۴.

برای سرمایه گذاری نهادی و سازمانی در املاک و مستغلات نمی باشند؛ بلکه محل رقابتی برای جذب گردشگران و دانشجویان، رویدادها و جشنها، تحقیقات و فناوری، مکان شرکتها و کارگران ماهر، دانشگاه ها و نهادهای فرهنگی است. یک برند موفق و مؤثر شهری می تواند سرمایه گذاران جدیدی را جذب و نیز سرمایه ها را دوره رکود و کساد اقتصادی حفظ نماید. برندهای شهری منعکس کننده شخصیت، اعتبار و هویت شهر و همچنین سبک مدیریت شهر و رویکرد بلندمدت آن نسبت به رشد و توسعه شهر است.

در سال ۲۰۰۴ «نت مایر و همکاران» مدل CBBE را با استفاده از مدل‌های ارتقا یافته آقایان آکر و کلر ارائه نمودند. این تیم تحقیقاتی برای اندازه گیری

اندازه گیری نشود، بلکه عرض آن (نشانه‌هایی که منجر به یادآوری برند می‌شوند) نیز اندازه گیری شود. یک شروع خوب برای سنجش عرض برند، تفکر درباره این است که چه کسی، کی، کجا، و چگونه برند را می‌خرد یا استفاده می‌کند.

در ساده ترین سطح برندگذاری شهر تلاشی برای برقراری ارتباط مؤثر دریک بازار شلوغ و وسیع برای ارائه ویژگی اصلی و کلیدی شهرها است. هدف از برندگذاری شناساندن و مشهور نمودن مزیت های بالقوه و نهفته شهر بعنوان مقصدی برای گردشگران است. برندهای شهری همانند سایر برندها، از طریق ارتباط با ذینفع های خود بوسیله تبلور ارزش برند با ایجاد وفاداری و علقه تجار و گردشگران مؤثر عمل کنند. شهرها در حال حاضر فقط محل رقابت



مودار ۳. ابعاد دانش برند از دیدگاه کلر؛ ماخذ: شیرمحمدی، ۱۳۹۳-۱۳۹۴؛ ص ۱۹.

نموده و فرآیند خرید ناشی از آنهاست. به طور کلی آگاهی را در دو دسته "aided" و "unaided" می‌توان طبقه‌بندی کرد:

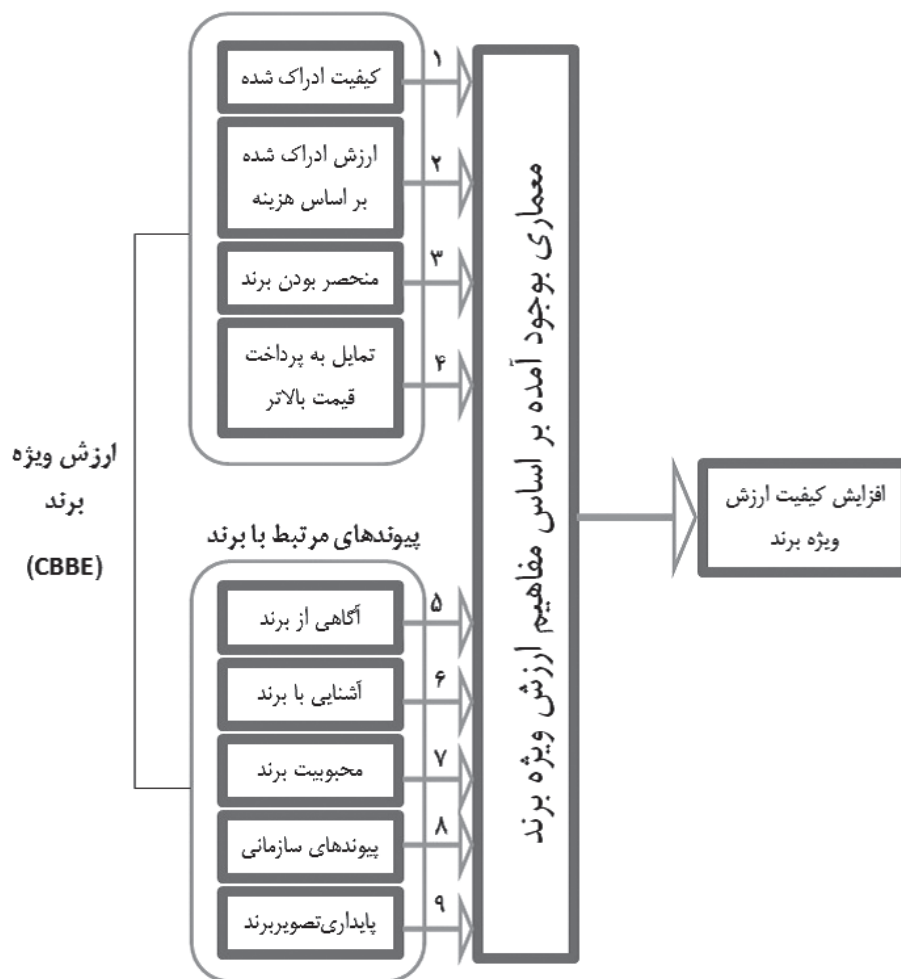
۱. آگاهی aided میزان آشنایی مصرف‌کننده با یک برند، هنگامی است که جزئی از یک برند به وی نشان داده می‌شود (به طور مثال لوگو) و یا نام برند برای وی خوانده می‌شود و

۲. آگاهی unaided بر ارتباط قوی‌تری با برند دلالت دارد و به عنوان توانایی مصرف‌کننده در نام بردن از برند هنگامیکه در مورد طبقه محصول از او سؤال می‌شود، مطرح می‌گردد.

از دیدگاه کلر «ارزش ویژه برند» اثر متمایز دانش برند بر پاسخ مصرف‌کننده به بازاریابی یک برند است. دانش برند دارای دو جزء آگاهی از برند و تصویر برند است. آقای نت مایر و همکاران مدل CBBE را با ارتقاء در سال ۲۰۰۴ مدل مدلهای آقایان آکر و کلر ارائه نمودند. این تیم تحقیقاتی برای اندازه‌گیری ارزش ویژه برند مدلی دو بعدی ارائه نموده‌اند:

ارزش ویژه برند مدلی دو بعدی را ارائه نمودند: «وجوه مرکزی اولیه تاثیرگذار بر ارزش ویژه نام و نشان و پیوندهای مرتبط با نام و نشان هر کدام از این دو بعد متشکل از شاخصه‌هایی هستند که هر دو بعد در جهت ایجاد میل به خرید و در نهایت انجام خرید متاثر هستند.»

وجوه اولیه شامل شاخصه‌های رفتاری بوده و وجوه پیوندی متشکل از نگرشهای مصرف‌کنندگان هستند. وجوه اولیه شامل کیفیت ادراک شده برند، ارزش ادراک شده برند بر اساس هزینه، منحصر به فرد بودن و تمایل جهت پرداخت مبلغ بالاتر هستند. اما پیوندهای مرتبط با برند مجموعه نگرشها و دیدگاههای مصرف‌کنندگان هستند که در طی مصرف و در معرض فعالیتهای ترویجی قرار گرفتن شکل می‌گیرند. شاخصهایی چون آگاهی از نام و نشان، آشنایی با برند، محبوبیت برند، پیوندهای سازمانی و پایداری تصویر برند در این دسته قرار می‌گیرند. این دو بعد در مجموع موجبات تصمیم‌گیری و ایجاد میل و رغبت به خرید را فراهم



نمودار ۴. معماری بر اساس مفاهیم ارزش ویژه برند؛ ماخذ: شیر محمدی، ۱۳۹۴ بر اساس مدل CBBE.

مصرف و در معرض فعالیتهای ترویجی شکل می‌گیرند. شاخصهایی چون آگاهی از نام برند، آشنایی با برند، محبوبیت برند، پیوندهای سازمانی و پایداری تصویر برند در این دسته قرار می‌گیرند.

برندسازی و اقتصاد صنعت ساختمان

از دیدگاه معماری شهری در برندینگ شهرها، «شهر به عنوان یک محصول» است. از نگاه معماری محصول شهر می‌تواند کالای فیزیکی (ملموس)، خدمات، یک ایده یا یک تجربه باشد. بازاریابی شهر منحصر بفرد است؛ زیرا ترکیبی از کالای فیزیکی، خدمات و ایده است که باهم تجربه ای را عرضه می‌دارند. در جدول زیر بخشهای محصول شهر را به تفصیل بیان می‌دارد.

۱. وجوه مرکزی-اولیه تأثیرگذار بر ارزش ویژه برند
۲. پیوندهای مرتبط با برند.

هرکدام از این دو بعد متشکل از شاخه‌هایی هستند که در شکل نمودار به طور کامل ارائه شده‌اند. هر دو بعد در جهت ایجاد میل به خرید و در نهایت انجام خرید تأثیرگذار هستند. در نمودار فوق وجوه اولیه شامل شاخص‌های رفتاری بوده و وجوه پیوندی متشکل از نگرش مصرف کنندگان هستند. وجوه اولیه شامل کیفیت ادراک شده برند، ارزش ادراک شده برند بر اساس هزینه، منحصر به فرد بودن، و تمایل جهت پرداخت مبلغ بالاتر هستند. اما پیوندهای مرتبط با برند مجموعه نگرشها و دیدگاههای مصرف کنندگان هستند که در طی

جدول ۹. بخش های محصول شهر در فرایند برندگذاری شهر؛ بازاریابی معماری برای شهرها؛
 ماخذ: بوتینا کلاب ترجمه علی موحد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۳.

معماری و مکان شهری	خدمات و رویداد	تصویر
معماری جالب	رویدادها	هیجان و جذابیت
ساختمان های تاریخی	رژه نظامی	تاریخی
امکانات فرهنگی	رویدادهای فرهنگی	جذابیت
مسجد، کلیسا، معابد	نمایش ها	دوستی و محبت
خیابان منحصر بفرد	ورزش	زیبایی
مسیرهای پیاده روی	تورها	هنر
کوه ها، رودخانه ها، اقیانوس	سینما	قومی
یادبودها	اتاق هتل	روحي و روانی
سیستم حمل و نقل	غذا	خوشمزگی
	سرگرمی و تفریح	تفریح خانواده

مدیریت شهری

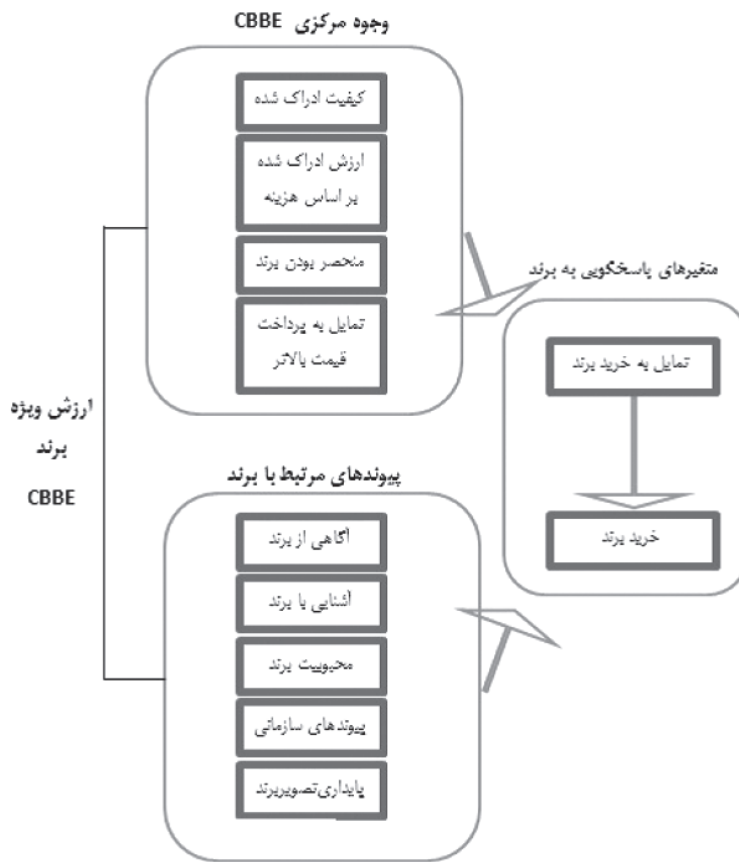
فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۴۰ پاییز ۹۴
 No.40 Autumn 2015

۱۹۹

علقه گردشگران مؤثر عمل کنند. یک برند موفق و مؤثر معماری شهری می تواند سرمایه گذاران جدیدی را جذب و نیز سرمایه ها را دوره رکود و کساد اقتصادی حفظ نماید. برندهای شهری باید منعکس کننده شخصیت، اعتبار و هویت شهر و همچنین سبک مدیریت شهر و رویکرد بلندمدت آن نسبت به رشد و توسعه شهر است (Sarah, Nemecek, Greath Evans, Greg Clark, ۲۰۱۱).

اتکا بر شیوه های زندگی، عوامل مکانی، برند و تصویر مکان ها با تأکید بر مکان های فراغت و معماری بعنوان عواملی راهگشا و کلیدی در ایجاد راهبردی متمایز از شهرها برای جذب گردشگران به شهرها می باشد؛ همانطوریکه نتو (۲۰۰۷) می گوید: «ایجاد برند شهری یکی از راه های ارتقاء مناطق شهر بعنوان یک مقصد معماری و همچنین جذب سرمایه ها و جمعیت و موسسات و بنگاه های اقتصادی و ارتقاء جایگاه آنها، می باشد (Eleonora, lorenzini, Viviana Calzati, Paola Giudici, ۲۰۱۰).

شایان ذکر است که معماری و ترکیب مشخصه های فیزیکی، خدمات و رویدادها، تصویر شهر را خلق می کنند. این تصویر می تواند زیبایی، هیجان، جذابیت با ارزش های هنری باشد. این تصویر همچنین می تواند از شیوه زندگی و ارزش های ساکنین محلی مانند، فرهنگ قومی، نگرش دوستانه ساکنان با تأکید بر تفریح و سرگرمی خانواده، نشأت بگیرد. شهرها در حال حاضر فقط محل رقابت برای سرمایه گذاری نهادی و سازمانی در املاک و مستغلات نمی باشند؛ بلکه محل رقابتی برای جذب گردشگران و دانشجویان، رویدادها و جشنها، تحقیقات و فناوری، مکان شرکتها و کارگران ماهر، دانشگاه ها و نهادهای فرهنگی است. در ساده ترین سطح برندگذاری شهر تلاشی برای برقراری ارتباط مؤثر در یک بازار شلوغ و وسیع برای ارائه ویژگی اصلی و کلیدی شهرها است. هدف از برندگذاری شناساندن و مشهور نمودن مزیت های بالقوه و نهفته شهر بعنوان مقصدی برای گردشگران است. برندهای شهری همانند سایر برندها، از طریق ارتباط با ذینفع های خود بوسیله تبلور ارزش برند با ایجاد وفاداری و



نمودار ۵. ارزش ویژه برند؛ مدل CBBE؛ ماخذ: Netemeyer, et all (۲۰۰۴).

نتیجه گیری و جمع بندی

معماری، جهان وطن گرایی معماری شده است. گرچه جهانی شدن موجب افزایش ثروت شده، اما سازوکارهای مطلوبی برای باز توزیع مزایا در بین کشورها فراهم نساخته است؛ به گونه ای که میزان سرمایه گذاری، کالا، سیاست گذاری، اشتغال و فناوری ها بالاخص در حوزه معماری و صنعت ساختمان، به طور ناهمسان و نامتوازنی در مناطق مختلف جهان توزیع شده اند. نمود جهانی این مساله در شهرها به صورت استقرار شرکت های چندملیتی معماری و معماران بزرگ و برند معماری در کشورهای توسعه یافته اروپایی و به تبع آن سرمایه گذاری های اقتصادی در معماری و صنعت ساختمان، در تعداد معدودی از شهرهای جهانی شده، تشدید شکاف عمیق اجتماعی بین طبقات گوناگون شهری در این شهرها، افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ دارای معماری های دارای برند برتر و گاهاً لوکس گرایی

امروزه با ظهور شهرهای جهانی در پیامد جهانی شدن، مقوله اقتصاد کلانشهرها و ابعاد رقابت پذیری اقتصادی آنها از مهمترین موضوعات در حوزه برنامه ریزی شهری و مدیریت کلانشهری بشمار می رود که آگاهانه قصد در ترسیم چشم اندازهای نظارتی به شهر و آینده اقتصادی آن دارد؛ همچنین برندسازی شهرها مهمترین موضوع در عرصه رقابتی شهر جهانی است. از سویی دیگر، جهانی شدن منجر به تشدید یکپارچگی و درهم تنیدگی فضاهای شهرها، افزایش حجم مرادوات اقتصادی خاصه در حوزه تکنولوژی و ابعاد زیرساختی کالبدی معماری شهرها، فراسرزمینی شدن معماری و ساختمان و اثرگذاری بر همگرایی هرچه بیشتر فرهنگ، اقتصاد و زیرساخت های معماری جهانی، چندفرهنگ گرایی در حوزه ایسم های معماری و سبکهای طراحی

افراطی معماری، شکل‌گیری اجتماعات دروازه‌دار، افزایش دوگانگی دیجیتال بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. در این راستا، سه راهبرد عمده در دستیابی به جایگاه شهر جهانی مشتمل بر:

۱. انگیزه‌های مالیاتی از شرکت‌های چندملیتی معماری،

۲. اجرای پروژه‌های معماری بزرگ مقیاس نظیر نوسازی معماری بافت‌های فرسوده و نابسامان شهری و

۳. گسترش چند فرهنگ‌گرایی در طراحی معماری شهرها با تاکید بر حفظ موارث فرهنگی معماری تاریخی و بروزشازی تکنولوژی‌های نوین ساخت در صنعت معماری و ساختمان، تنوع و تسامح و تساهل فرهنگی مطرح شده است. افزون بر این، جهانی شدن باعث تغییرات بسیار زیادی در شهرها و رژیم‌های شهری شده است؛ به این معنا که ساختار شهرها همچون مناطق سیاسی تغییر پیدا کرده است.

از سویی دیگر، امروزه علاقه به برندگذاری شهرها خاصه در سطوح برندسازی معماری شهری بصورت افزایش رقابت‌های منطقه‌ای و سرزمینی برای احداث ساختمان‌های فراملیتی با قابلیت قیاس با برندهای معتبر و معروف معماری دنیا در حال رشد است و بعنوان عاملی در حال ظهور برای توسعه اجتماعی و اقتصاد شهری است. همچنین از آن بعنوان راهبردی برای بیان تصویر و قابلیت‌های فرهنگی و منابع اقتصادی در جهت مشخص کردن و انتقال نقاط قوت شهر در حوزه برندینگ معماری کمک می‌کند؛ لذا دو موضوع رقابت‌های سرزمینی و منطقه‌ای و هویت‌های شهری به هیچ وجه دو مفهوم متضاد نیستند بلکه با بررسی سودمندی‌های سرزمینی و منطقه‌ای می‌توان پنجره‌ای از فرصت‌های جدید را برای ایجاد برندسازی معماری کلانشهری خاصه در کلانشهر تهران که قابلیت تبدیل به شهری جهانی را دارد، باز نمود.

در سطح حرفه‌ای معماری و شرکتها و ارگانها و سایر گروه‌ها و صنایع مرتبط با صنعت ساختمان، برای برندگذاری مطلوب معماری برخی از شهرها نیازمند ترکیبی از کارشناسان دو رشته علمی - که اخیراً این دو رشته علمی تعامل و همکاری با یکدیگر را آغاز کرده‌اند - لازم است، لذا باید:

۱. کیفیت قلمرو معماری شهر از دو منظر «تکنیک‌های مدیریتی و بازاریابی» و

۲. همچنین از «دیدگاه استراتژی‌های توسعه شهری» که شامل برنامه ریزی‌های فضایی - معمارانه و فضایی - اقتصادی است - مدنظر و مورد تفکر قرار گیرد. یک برند معماری شهری زمانی می‌تواند به عنوان منبع الهام و تأثیرگذار برای گردشگران، صنایع و شهروندان باشد که برآمده از جان و روح شهر باشد و در عین حال از تحولات تکنولوژیکی و اقتصاد محور جهانی نیز عقب نمانده باشد.

در زمینه وضعیت شهر تهران در راستای تبدیل شدن به شهری جهانی و رقابت پذیری شهری باید گفت که؛ بخش مهمی از توسعه کالبدی و اعتبار فضایی تهران نیز از همین خصیصه روانی دولتمردان مستقر در آن ناشی شده است. شهر تهران با این رویکرد طی بیش از ۲۰۰ سال توسعه یافت و به تدریج به مهمترین نماد دوره شبه‌مدرن کشور تبدیل شد، به گونه‌ای که «هویت شبه‌مدرن» آن بر هویت کلیه دوره‌های تاریخی پیشین آن غلبه یافته است. این هویت، امروزه نه تنها به عنوان برند تهران، بلکه هویت دوره شبه‌مدرن کل کشور را نمایندگی می‌نماید. مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۴ به شورای اسلامی شهر تهران رهنمود فرمودند که تهران باید به شهری با هویت ایرانی و اسلامی، زیبا و روح‌نواز، دارای رفاه عمومی و مقاوم تبدیل شود. (www.leader.ir) تداوم مرکزیت سیاسی - اداری کشور و استان و مدیریت و نظارت عالی بر فرایندهای توسعه ملی همراه با تعادل بخشی و تمرکززدایی در ارتباط با وظایف حکومت مرکزی نیز از جمله سیاست‌هایی است که به منظور

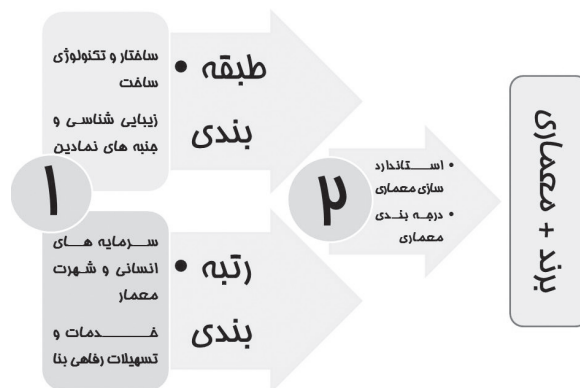
مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

ارتقاء نقش و جایگاه ملی و منطقه‌ای شهر تهران در طرح راهبردی- ساختاری (جامع) توسعه و عمران شهر تهران (۱۳۸۶) پیش‌بینی شده است. از سویی دیگر، بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، تهران به دلیل عدم استفاده از برخی فرصت‌های جهانی‌شدن، زمینه‌ها و امکان موجود مشارکت و نقش‌آفرینی در این فرایند را بیش از پیش از دست داده، بر شاخص‌های ناپایداری آن افزوده شده و در حاشیه و محاق آن قرار گرفته است. بررسی میزان تأثیرپذیری تهران از فرایند جهانی‌شدن اقتصاد بر اساس شاخص‌های حجم Fid و تجارت خارجی در مقایسه با مناطق کلانشهری در حال توسعه‌ی سئول، جاکارتا، استانبول و شانگهای و همچنین شبکه خطوط هوایی و میزان حضور دفاتر و مؤسسات مالی اعتباری شرکت‌های خصوصی چند ملیتی که به ارزیابی بین‌المللی توسط تیلور و همکاران منجر شد نشان می‌دهد که تهران از این فرایند تأثیر نپذیرفت و یا تأثیرپذیری آن اندک بوده است؛ اما جهتگیری‌ها و عملکردهای گاهاً متفاوت ملی و محلی و ساختار متمرکز سیاسی کشور موجب شده است که شهر تهران از ورود به فضای جریان‌ها و جهانی‌شدن معاصر بازمانده است. این ناکامی در قلمروهای جغرافیایی و عملکردی‌ای که کدهای ژئوپلیتیکی ایران و آمریکا با هم مواجه می‌شوند بیشتر مشاهده می‌شود. در بررسی و رتبه‌بندی کشورها از حیث وضعیت جهانی‌شدن در سال ۲۰۰۷م توسط «مؤسسه کرنی» با استفاده از ۱۲ شاخص در چهار محور «یکپارچگی اقتصادی»، «اتصال تکنولوژیکی»، «ارتباطات شخصی» و «روابط سیاسی» از ۷۲ کشور جهان نشانگر جایگاه ایران در بین آن کشورها از حیث یکپارچگی اقتصادی در رتبه شصت و پنجم، از حیث ارتباطات شخصی در رتبه هفتاد و دوم، از حیث اتصال تکنولوژیکی در رتبه پنجاه و چهارم، از حیث روابط سیاسی در رتبه هفتادم و در مجموع در پایین‌ترین رتبه، یعنی هفتاد و دوم می‌باشد. لذا در پایان باید گفت که تغییرات سریع جهانی شدن

شهرها، صنعتها خاصه صنعت معماری و ساختمان را با چالش‌های مختلفی روبرو کرده است. اما در این میان صنعت‌هایی موفق هستند که به کمک ابزارهای مدیریتی و فناوری‌های نوین در اینجا جنبه تکنولوژیک معماری، از فرصت‌های ایجادشده مانند برندسازی معماری و اقتصاد معماری کلانشهری به نفع خود استفاده کنند که این موضوع در زمینه صنعت معماری شهری و مقولات دخیل در برندینگ معماری نیز حائز اهمیت ویژه است. همچنین، جهانی‌شدن تجارت و اقتصاد و پویاتر شدن رقابت، نقش برندسازی را در حرفه‌ها و صنایع تغییر داده است. نگاه امروز معماری و صنعت ساختمان به مقوله برندینگ شهری تنها یک مصرف‌کنندگی صرف نیست؛ چنانچه در معماری امروز در ساخت کالبدی‌ها و معماری تجاری، رویه‌های انجام امور و فرآیندها، توسعه دانش و توان رقابتی، همراه و همگام هستند، بنابراین مدیریت مؤثر و کارآمد رابطه با (برندینگ) و خلق و ارائه ارزش به آنها از مهمترین مباحث مورد علاقه و توجه محققان و مدیران شرکتها و سایرین مداخله‌گران عرصه معماری خاصه در کلانشهرها محسوب می‌شود، پس باید برای دستیابی به برندینگ + معماری (معماری برند) کارآمد موارد ذیل را مورد توجه و ملاحظه قرار داد:

- ۱- نخست بررسی ویژگی‌های کالبدی معماری شهرها و جنبه‌های موجود دارای قابلیت برندسازی آن باید مورد توجه قرار گیرد تا عناصر کالبدی مؤثر در تسهیل امر را شناسایی کرد.
- ۲- دوم، باید به بررسی مشاغل و همچنین سازمان اقتصادی و یا عام المنفعه در سطح شهر و دخیل در فرآیند برندسازی معماری پرداخت تا سطح توانایی آنها برای ارائه چارچوب برندسازی معماری شناسایی گردد.
- ۳- سوم نهادینه شدن فرایند طراحی و برنامه ریزی معماری خاصه در ابعاد اقتصادی برای مدیران شهری و سایر مدیران مرتبط با معماری و صنعت ساختمان امری ضروری است تا آنها را متوجه کند



نمودار ۶. فرآیند برندسازی معماری شهری در ایران؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

بخش معماری و در کنار سیاست ملی و منطقه ای در مورد معماری کشور و مناطق مختلف مدنظر قرار بگیرند؛ چراکه تدوین و اجرای سیاست ملی و منطقه ای معماری برای توسعه معماری در کشور یک ضرورت محض محسوب می گردد:

۱. پس اولین قدم تهیه و تدوین یا بازنگری در سند ملی معماری کشور و مناطق آن می باشد؛ چراکه بدون وجود این سند که چشم اندازها، اهداف و سیاست ها و اقدامات معماری کشور و مناطق در آن مشخص می شود، تهیه و اجرای هر برنامه ای در عمل با هرج و مرج روبه رو خواهد شد.
۲. با هدف توسعه معماری در شهرها لازم است که به اصلاحاتی در چارچوب سازمانی، سازمان های ذی نفع و ذی نفوذ در امر معماری شهرها و حتی مناطق دست زد و جایگاه بازاریابان و تبلیغ کنندگان جذب سرمایه گذاری در اقتصاد معماری شهرها را در آنها مشخص نمود.
۳. در سطح شهرها در جهت برندگذاری مطلوب و کارآمد، نیاز به همکاری های فراسازمانی خواهد بود؛ بدین معنی که برندگذاری شهر به تنهایی از طرف شهرداری یا سازمان میراث فرهنگی نمی تواند صورت گیرد، بلکه همکاری تمامی نهادهای دخیل در مقوله اقتصاد معماری می تواند منجر به برندگذاری مطلوب شهرها شود.

که معماری و صنعت ساختمان یک محصول قابل برندسازی است و باید با کیفیت ساخت مناسب و بهره گیری از تکنولوژی خوب و در قالب بازاریابی و عرضه بین المللی مناسب زمینه جلب نظر سرمایه گذاران و زمینه سازی فرصتهای سرمایه گذاری جهانی را فراهم کرد.

۴- اجتناب از توجه صرف به ویژگی شهر و خدمات ارائه شده از آن و تأکید بر منافع تجربه بازدید از شهر برای گردشگران معماری شهری در قالب بین المللی سازی توانایی های معماری در عرصه جهانی؛ مثلاً بازدید از مکان های یادمانی و تاریخی در شهرها در کنار ساخت و سازهای دارای قابلیت های جذب سرمایه جهانی و فروش و عرضه آنها به جامعه بین المللی، تقویت هویت و ارزش های ملی خواهد بود.

۵- بهره گیری از تجربه کشورهای منطقه و حوزه خلیج فارس در برندسازی معماری خود که جذب سرمایه بالای اقتصادی را برای آنها فراهم کرده و آنها را تبدیل به قطب های رقابت پذیر اقتصادی در منطقه کرده است، نیز در این میان می تواند راهگشا باشد.

اولین و مهمترین سیاست در برخورد با مقوله برندگذاری شهرها در رابطه با معماری شهری، داشتن سیاست گذاری راهبردی نسبت به این مسأله است و بهتر است این سیاست همراه برنامه های راهبردی

۴. نقش همکاری‌های فراسازمانی در برندگذاری مطلوب در این است که در برندگذاری شهرها فقط به ویژگی و آثار تاریخی و فرهنگی تأکید نمی‌شود بلکه سایر ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی شهر که منحصر بفرد آن شهر است از اهمیت بیشتری در برندگذاری دارند.

۵. روند ایجاد برند نیز نباید بصورت خطی بلکه بصورت یک فرآیند مطرح باشد، بدین معنی که ایجاد برند از یک نقطه شروع و در یک نقطه دیگر به پایان نرسد و روند قطعی و غیر قابل تغییر و انعطافی نداشته باشد بلکه باید در هر مرحله که نیاز به تغییر یا اصلاح باشد به تغییر و اصلاح آن و در نهایت به تغییر نام برند و پیام‌های آن پرداخت که منظور تغییر محصول‌های معماری و توسعه آنها و یا ارائه جاذبه‌های معماری شهرها پرداخت.

در پایان در راستای برندسازی معماری شهری ایران خاصه در مناطق کلانشهری نمودار مفهومی زیر پیشنهاد می‌گردد.

منابع و مآخذ

۱. احمدی ترشیزی، میترا (۱۳۸۷) جهانی شدن و پایداری شهری، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
۲. ایوبی‌یزدی، حمید (۱۳۸۹)، عوامل موثر ویژه برند در مقاصد گردشگری شهر یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی، دانشگاه علامه طباطبایی دانشکده مدیریت و حسابداری.
۳. پورخلیلی، حمیدرضا و استادی، حسین (۱۳۸۶)، بررسی عوامل آمیخته بازاریابی در صنعت گردشگری استان اصفهان، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۵، صص ۱۹-۳۴.
۴. پورموسوی، سید موسی و دیگران (۱۳۹۰) تبیین ژئوپلیتیکی کلانشهرهای جهانی تاملی بر تفاوت یابی مفهومی شهر جهانی و جهان شهر، فصلنامه ژئوپلیتیک بهار ۱۳۹۰.
۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰) بررسی گفتمان‌های غالب در بحث جهانی شدن، نامه علوم اجتماعی،

- شماره بیست و هفت، صص ۱۵۷-۱۷۹.
۶. تولایی، سیمین (۱۳۸۵) جهانی شدن، ابزاری در راستای توسعه گردشگری در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۱، شماره ۳.
۷. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، انتشارات سمت.
۸. حافظ نیا، محمد رضا؛ کاویانی راد، مراد؛ کریمی پور، یدالله؛ طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۵) تأثیر جهانی شدن بر هویت محلی (نمونه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، صص ۱-۲۱.
۹. خادم‌الحسینی، احمد (۱۳۸۵) جایگاه و ضرورت بخش بندی بازار گردشگری، مورد اصفهان، اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱، دانشگاه آزاد نجف آباد.
۱۰. خادم‌الحسینی، احمد (۱۳۸۵) جایگاه و ضرورت بخش بندی بازار گردشگری، مورد اصفهان، اولین همایش جغرافیا و قرن ۲۱، دانشگاه آزاد نجف آباد.
۱۱. دهدشتی شاهرخ، زهره و امیرحسین آنچه‌ای (۱۳۷۹) راهکارهای توسعه گردشگری در جمهوری اسلامی ایران (برگرفته از راهکارهای توسعه گردشگری در کشورهای مالزی، ترکیه و تونس)، فصلنامه مطالعات جهانگردی شماره ۴
۱۲. دهدشتی شاهرخ، زهره و فیاضی مرتضی (۱۳۹۰) مدیریت بازاریابی در صنعت گردشگری، انتشارات مهکامه، تهران، چاپ اول.
۱۳. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰) جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
۱۴. رفیعیان، مجتبی؛ فرجام، رسول (۱۳۹۰) تأثیر فرآیند جهانی شدن بر ساختار شبکه شهری جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک تابستان ۱۳۹۰.
۱۵. ساسن، ساسکیا (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران.
۱۶. شورت، جان رنه (۱۳۸۰) نظریه شهری ارزیابی انتقادی، ترجمه دکتر کرامت‌الله زیاری و حافظ مهدنژاد و فریاد پرهیز، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷. شورت، جان رنی؛ هیون کیم، یونگ (۱۳۸۴) جهانی شدن و شهر، ترجمه احمد پوراحمد و قهرمان رستمی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۴.

۱۸. شیرمحمدی، شهرام (۱۳۹۳) معماری + برند؛ طراحی سرای هدیه دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: قاسم مطلبی و استاد مشاور: شاهین حیدری؛ پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

۱۹. صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۸۹) جهانی شدن، شهرهای جهانی و کلان شهر تهران، نقدی بر دیدگاه نیجل هریس، اقتصاد شهر، شماره ۳، ص ۸۹.

۲۰. صرافی، مظفر و محمدی، علیرضا (۱۳۸۹) الزامات مدیریت مناطق کلانشهری در فرآیند جهانی شدن با تاکید بر منطقه کلانشهر تهران، چاپ در اولین کنفرانس بین المللی مدیریت شهری با رویکرد توسعه پایدار، تهران.

۲۱. ضیایی و عباس پور (۱۳۹۰) ارزیابی کیفیت محصول گردشگری شهری تهران از دید گردشگران درون مرزی، فصلنامه گردشگری و توسعه، شماره ۱۱.

۲۲. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۸) شهر جهانی تهران، تهران، آوای قلم، ۱۳۸۸.

۲۳. عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید (۱۳۸۳) زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن، مجله پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۶۶.

۲۴. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه ای؛ جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، طرح نو.

۲۵. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۴) پهنه ی مرکزی کلانشهرها و جهانی شدن، جستارهای شهرسازی، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱۲.

۲۶. کتابی، سعیده، انصاری، محمد اسماعیل و ناصری طاهری، مظفر (۱۳۸۴)، انتخاب آمیخته بازاریابی مناسب با استفاده از تکنیک AHP با

رویکرد برنامه ریزی استراتژی بازاریابی، مجله علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال هفدهم، شماره ۱، صص ۷۹-۹۳.

۲۷. کلاب بونیتا (۱۳۹۰) بازاریابی گردشگری برای شهر (با تأکید بر برندگذاری رویدادهای ویژه برای جذب گردشگران)، ترجمه علی موحد، آذرخش، اول، تهران

۲۸. ضرغام بروجنی، حمید و بارزانی (۱۳۹۲) آسیب شناسی برند گردشگری ایران، فصلنامه علمی پژوهشی بازاریابی نوین، شماره اول، سال سوم.

۲۹. کیم، یون هیوم، شورت جان رنه (۱۳۸۹) شهرها و نظام های اقتصادی، مترجم ابوالفضل مشکینی، فریاد پرهیز، علیرضا غلامی و حافظ مهدنژاد، در حال چاپ در انتشارات مرکز مطالعات شهرسازی و معماری، تهران.

۳۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، نشر نی، تهران.

۳۱. نایب زاده شهناز (۱۳۸۵) مقاله ارزش از نگاه مشتری، فصلنامه تدبیر، شماره ۱۷۴.

۳۲. وزیر زنجانی، حمیدرضا، مؤتمنی، علیرضا، موسوی دلایزانی، حسین (۱۳۸۹)، سنجش رضایت مشتریان نسبت به عوامل آمیخته بازاریابی خدمات پس از فروش در صنعت خودروهای سنگین (حمل و نقل جاده ای)، مجله بررسی های بازرگانی، شماره ۴۰، فروردین و اردیبهشت ۸۹.

33. Albrow, M. (1996) "The global age". Cambridge: Policy press.

34. ARA/KPMG Consulting (2001). William Lake Forest District Tourism Opportunity Study, Final report, Appendix J1, 3.

35. Beaverstock, J V, Smith, R G and Taylor, P J. (1999) "The long arm of the law: London's law firms in a globalizing world-economy". Environment and Planning A31.

36. Brenner, N. and Keil, R. (Eds.) (2006) "The Global Cities Reader". Routledge, London.

37. Castells, M. (1989) "the Informational City". Basil Blackwell, London.

38. Dicken, P. (1992) "Global Shift". Paul Chapman. London.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

39. Foreign Policy. (2011) "The 2010 Global Cities Index". November/December.
40. Friedmann, J. (1986) "the World City hypothesis" *Development and Change* 17 (1).
41. Friedmann, J. (2005) "The world city hypothesis". *Development and Change*, 17.
42. Friedmann, John (1986), *The world city hypothesis*, *Development and Change*, 17,1:.
43. Garrod, B., Fyall, A. (2000). *Managing Heritage Tourism*, *Annals of Tourism Research*, 27: 682-696.
44. Gildo siesdedos & Pablo Vaggino , "the city branding processes : the case of Madrid" , 4th isocrap congress 2005
45. Hall, C. M, page, J, (1999), *the geography of tourism and recreation*, routledge.
46. Hall, P. (1966, reprinted 1984) "The World Cities": Weidenfeld & Nicolson. London.
47. Hall, P. (2005) "The Worlds Urban System: A European Perspective". *Global Urban Development*, 1 (4).
48. Hall, Peter, (1993) "The changing role of capital cities: six types of capital city," in John Taylor, Jean G. Lengellé and Caroline Andrew, Eds, *Capital Cities: International Perspectives*, Ottawa: Carleton University Press, pp. 69-84.
49. Li Zhang, Simon Xiaobin Zhao , "City branding and the Olympic effect: A case study of Beijing , Contents lists available at ScienceDirect Cities , 2009
50. Lin, Ye. (2004) "Is Shanghai Really a "Global City?"" Paper for City Futures International Conference on Globalism and Urban Change, July 8-10, 2004 Chicago, IL.
51. Liu, G., & Coleman, T. L. (1996). *Gravity Center Analysis Using ArcView and Avenue, Track: Technology, Session: Analysis and Modeling Using ArcView 2.x (B)*, ESRI User Conference, Palm Springs, Canada.
52. McGrew, A. (1992) "Conceptualizing Global Politics". In A. McGrew (ed.) *Global Politics*. Cambridge.
53. Murray, Warwick E., (2006), *Geographies of Globalization*, London: Routledge.
54. Navarr, E, Jurad, M, Tejada, .2012. *Carring Capacity assessment for Tourist Destinations, Applied in a Coastal area*, *Tourism Management*.
55. Sassen, Saskia (1991) "The Global City: New York, London, Tokyo". Princeton, NJ: Princeton University Press.
56. Sassen, Saskia (1991), *The Global City: New York, London, Tokyo*. Princeton, princeton University Press.
57. Sassen, Saskia (2001) "Global cities and developmental states: how to derail what could be an interesting debate: a response to Hill and Kim". *Urban Studies* 38 (13).
58. Sassen, Saskia, ed., (2000), *Global Networks, Linked Cities*, New York: Routledge.
59. Saveriades, A. (2000) : *Establishing the social tourism carrying capacity for the tourist resorts of the east coast of the Republic of Cyprus*, *Tourism management*.
60. Taylor, P. et al, (2002), *Diversity and power in the world city network, cities* , Vol . 19, No.4
61. Valiyev and Savith, (2010), *Globalization, in urban studies*, Ed, Ray Hutchison, SAGE Publications, university of Wisconsin
62. Weaver, Daniel (2009) *Leisure places and modernity*, Routledge.
63. Zhao, Simon X.B, Chan, Roger C.K, Sit, Kelvin T.O, (2003), *Globalization and the dominance of large cities in contemporary China*, *Cities*, Vol. 20, No. 4, p. 265-278.



تبیین اصول و معیارهای طراحی فضاهای بازداشتگاهی شهری با تاکید بر روانشناسی اجتماعی؛ مورد پژوهی: معماری زندان

زیبا معصومی* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب،

تهران، ایران

روزبه نقشینه - دکتری معماری، استادیار، هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران

Principles and design criteria detention urban spaces with an emphasis on social psychology; A Case Study of Architecture in prison

Abstract

Social life needs security, security that ensures constructive activities social, economic, and political development is in general. Security is not created spontaneously in the community are some of the blessings sublime molested and raped answer And to prevent the invasion of the number of control and maintenance is necessary. The prison maintenance, control and guidance to the offenders to community safety and security to be able to grow the distribution. In other words, part of the mental health community to focus on the role of prisons in reforming the juvenile offenders. The overall objective of social psychological research as a prison design approach is that prison is a series of spaces and functions are effective in rehabilitating offenders personality, correcting and training. Detailed objectives such attention to aesthetics to instill a sense of security without restriction to the prisoner and Spaces designed to help bring the perpetrators and intellectual development and foster a sense of hope for the future and meet their emotional needs have been determined to fulfill the main goal. The method in this research includes studies library, athletics is preparing a questionnaire and architectural design. Much of the paper documents and the data based on studies library is set and from different sources were used to examine the theoretical basis. The guidelines and principles for designing these spaces have been mentioned.

Keywords: jail, prison space design criteria and design principles.

چکیده

زندگی اجتماعی نیازمند امنیت است؛ امنیتی که ضامن فعالیت های سازنده اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی به طور کلی توسعه ای است. امنیت خود به خود پدید نمی آید؛ چراکه در اجتماع عده ای هستند که این نعمت والا را مورد تعرض و تجاوز قرار می دهند و برای جلوگیری از تعرض این عده کنترل و نگهداری آنان ضرورت می یابد. زندان نقش نگهداری، کنترل و هدایت مجرمین را به عهده دارد تا اجتماع بتواند با امنیت و سلامتی راه رشد و بالندگی را طی نماید. به عبارتی دیگر، بخشی از سلامت روانی اجتماع به نقش زندان ها در اصلاح و تربیت مجرمین معطوف می گردد. از اهداف کلی تحقیق تحت عنوان طراحی زندان با رویکرد الگوهای روانشناختی اجتماعی این است که زندان شامل مجموعه ای از فضاها و عملکردهای موثر در بازپروری شخصیتی و اصلاح و تربیت مجرمین می باشد. اهداف جزئی همچون توجه به مبحث زیبایی شناسی، ایجاد امنیت بدون القا حس محدودیت به شخص زندانی و طراحی فضاهایی برای مدد رساندن به مجرمین، پرورش فکری، تقویت حس امیدواری به آینده و تأمین نیازهای عاطفی آن ها برای تحقق هدف اصلی تعیین شده اند. روش تحقیق در این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه ای، میدانی تهیه پرسش نامه و طراحی معماری می باشد. بخش عمده ای از مقاله بر اساس روش اسنادی و ابزار گردآوری داده: مطالعات کتابخانه ای تنظیم می شود و از منابع مختلفی در جهت بررسی مبانی نظری استفاده شده است. در پایان راهکارها و اصولی برای طراحی این فضاها مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: زندان، طراحی فضاهای ندامتگاهی، معیارها و اصول طراحی.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۷۱۷۱۶۰۸، رایانامه: ziba.masoomi@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی زندان با رویکرد الگوهای روانشناختی اجتماعی» استخراج شده است که از راهنمایی دکتر روزبه نقشینه بهره برده است که بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان خویش را اعلام می دارد.

با تئوری‌ها داشته و ما را به معماری نزدیک کند، معماری که بتواند آدمی را از انحطاط به صعود و از سقوط به اعتلاء و از هبوط به ملکوت برساند. یک معمار سعی دارد با سود جستن از علوم روانشناختی و هنر، فضایی را خلق کند که انسان خاطی را هم به انسان هنرمند و خلاق تبدیل کند. او می‌خواهد خلق فضایش مطابق با الگوهای روانشناختی باشد با انسان‌های داخل فضا صحبت کند، آرامش دهد، افکار منفی را دور کند و حس انتقام‌جویی و کینه‌توزی را از بین ببرد. در این مفهوم، ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد امن و با مشتقاتی مانند استیمان، ایمان و ایمنی است و آن را به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعبیر و ترجمه کرده‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). این مفهوم تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت است: از یک سو، «بعد ایجابی»: اطمینان و آرامش فکری و روحی، و از سوی دیگر، «بعد سلبی»: فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند. بر این اساس در این مقاله به فضاهای بعد سلبی جرم که در این مقاله «فضاهای بازداشتگاهی» تسمیه یافته است، پرداخته شده و اصول و معیارهای طراحی این فضاها (زندانها) بر اساس رویکردهای روانشناختی فضا مورد اشاره قرار

«زندانها» مکانی است که اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و توقیف و معمولاً از آزادی‌های شخصی محروم می‌شوند. زندان‌ها به طور قراردادی سازمان‌هایی هستند که بخشی از نظام قضائی یک کشور محسوب می‌شوند^۱ و به منظور اجرای کیفر حبس به عنوان یک مجازات قانونی که به صورت حکم از سوی دادگاه صادر شده است، به دلیل ارتکاب جرم بکار می‌روند^۲. به این ترتیب عامل امنیت دارای دو بعد اجتماعی و طبیعی می‌شود. فرآیندهای اکولوژیکی مهم در شهرها را می‌توان «تراکم» (Concentration)، «تمرکز» (Centralization)، «عدم تمرکز» (Decentralization)، «جدایی مکانی» (Segregation)، «هجوم» (Invasion)، و «توالی» (Succession) دانست. به نظر می‌رسد زندان یکی از معدود موضوعاتی باشد که انسان را از بدو تولد و شاید هم قبل از آن را تا به امروز زیر ذره بین می‌برد. این موضوع بسیار مناسبی است که می‌تواند همراه با رشد او از حساسیت‌ها و تأثیراتش صحبت کند و در این راه برای ساختن فضایی متناسب با او از تمام دانش‌ها از جمله روانشناختی اجتماعی و معماری سود جوید. شاید این یکی از بهترین سوژه‌ها باشد که با مطالعات وسیع روانشناختی اجتماعی به تئوری‌هایی برسد که سعی در تطابق فضای کالبدی

۱. بر اساس آخرین آمارهای جهانی بیش از ۱۰ میلیون نفر در ۲۱۸ کشور جهان زندانی می‌باشند که این مرکز اعلام کرده است آمار زندانیان در ایران از ۲۵۰ هزار به ۲۱۷ هزار نفر کاهش یافته است. بر اساس آخرین آمارهای جهانی بیش از ۱۰ میلیون نفر در ۲۱۸ کشور جهان زندانی می‌باشند که این مرکز اعلام کرده است آمار زندانیان در ایران از ۲۵۰ هزار به ۲۱۷ هزار نفر کاهش یافته است. آمار کلی و جزئی زندانیان در تمام کشورهای جهان در مدیریت آموزش و پژوهش سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسزایی ایفا می‌کند به نحوی که می‌توان بررسی وقوع جرم، پیشگیری از وقوع جرم، رفتار صحیح با زندانیان، حقوق زندانی و اصلاح قوانین کیفری و جزایی در کشورهای جهان را به عنوان مهمترین مولفه‌های پژوهشی دانست (این خبر در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۹۱ به نقل از خبرگزاری مهر ذکر شده، در پرتال خبری ممتاز نیوز منتشر گردیده است).

۲. ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار نفر شهروندان ایرانی در فاصله سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ زندگی خود را پشت میله‌های ۲۲۷ زندان در سراسر کشور گذرانده‌اند. با آن که این تعداد زندانی حداقل ۴۰ هزار نفر کمتر از آمار زندانیان در ایران طی سال‌های قبل تر به رغم افزایش جمعیت است اما هنوز از لحاظ استانداردهای جهانی مطلوب به شمار نمی‌رود. به نظر می‌رسد که با طراحی معماری که مطابق با الگوهای روانشناختی اجتماعی باشد بتوانیم تأثیر بسزایی در آمار زندانیان و حتی بازگشت مجدد زندانیان داشته باشیم.

۳. مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو سلسله وسیعی از موضوعات گوناگون را چه در تئوری و چه در پژوهش‌های تجربی، در برمی‌گیرد، اما شهرت آن پیش از هر چیز مرهون جامعه‌شناسی شهری آن و در درجه دوم به‌خاطر به‌وجود آوردن روشی است که کنشی متقابل نمادین نامیده می‌شود. ما نیز با توجه به موضوع بحث مسئله جامعه‌شناسی شهری را مورد تعمق بیشتر قرار می‌دهیم. این تفکر که شهرها به اندازه کافی شبیه هم هستند و وجوه تشابه بین دو شهر را می‌توان در سایر شهرها تعمیم داد، موضوع اصلی مطالعات دانشگاه شیکاگو زیر نظر دکتر رابرت پارک شد. پارک در سال ۱۹۱۵ مقاله‌ای تحت عنوان نظراتی درباره بررسی شهر، رفتار انسانی در محیط شهری به چاپ رسانید که توجه همه محافل علمی را به تحقیقات تجربی درباره شهرها و فرمول‌بندی منظم نظریات در یک مجموعه کلی، به خود جلب کرد. مقاله پارک مجموعه‌ای از مفاهیم را پدید آورد که انتخاب و قالب‌بندی مسائل و تفسیر منظم حقایق را ممکن می‌ساخت. بررسی‌ها و تحقیقات، این افکار را اشاعه داد که اجتماع شهری با رشد سازمان خود مجموعه‌ای از تمایلات، گرایش‌ها و رویکردهایی است که در قالب نظری قابل تبیین است و می‌تواند موضوع مستقلی برای مطالعه گردد. مطالعات دانشگاه شیکاگو اصولاً از دیدگاه بوم‌شناسی (اکولوژیک) بود. یعنی به نواحی که در شهرها به‌صورت طبیعی شکل می‌گرفتند علاقمند بودند. نواحی که بدون طرح قبلی به‌وجود می‌آمدند و کارکرد داشتند. از این‌رو آرنست برگس و پارک دانشجویان فوق‌لیسانس و دکترای خود را به مطالعات بوم‌شناختی شهرها تشویق کردند که منجر به تحقیقات وسیعی در این زمینه شد.

می گیرد.

پیشینه تحقیق

پیشینه و زمینه نظری مباحث جرم شناسی شهری را باید حداقل از «مکتب جامعه شناسی شیکاگو»^۳ و «مطالعات اولیه اکولوژی شهری» مورد بررسی قرار داد. اواسط قرن نوزدهم نقشه برداری از توزیع و آمارگیری جرم آغاز شد. «گرلند» (۱۹۹۷) در قرن ۱۹ مطالعات بلندمدت و پیوسته‌ای را از مکانهای پرخطر ثبت نمود. «دل کارمن و رابینسون» (۲۰۰۰) در قرن ۱۹ به این مورد در آمریکا اشاره نمودند که جنایتکاری مجرمان، آسیب شناسانه و دلیل گرایانه بوده است. در همین زمان چنین دیدگاهی در اروپا شایع شده و تفکر جرم شناسانه برای بیش از یکصد سال حکمفرما شد. اگرچه سهم این رویکرد مورد تردید واقع شده، اما افرادی چون «دل کارمن» و «رابینسون» آنرا به طور غیرمستقیمی برجسته نمودند. با این وجود این ایده‌ها نقش قاطعی در کاربرد طراحی محیطی برای جلوگیری از گسترش مرض سل بین سالهای ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ در آمریکا ایفا نمودند. این ایده‌ها بطور گسترده‌ای منعکس کننده سلامتی اجتماعی مبتکرانه‌ای در طول دوره متناظر بوده که پاسخی به بیماری همه گیر وبا در سال ۱۸۴۰ بوده است. «دل کارمن و رابینسون» مردم مبتلا به بیماری سل و مرتکبان رفتار جنایتکارانه را به ترتیب به عنوان عناصر نامطلوب و تهدیدهایی برای ایمنی جامعه آمریکایی دانستند. آنها همچنین تلاش‌های بدست-آمده از طریق استراتژی «جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را برای کنترل بیماری بیان نموده و به دلیل نوشته‌های آکادمیک در این زمینه در زمره بنیانگذاران آن رویکرد جای گرفتند. «بوتومز و وایلز» (۱۹۹۷) بیان نمودند که جنبش جدیدی توسط بررسی جنایات در سال ۱۹۶۰ ایجاد شد و به دنبال آن در سال ۱۹۷۰ با توسعه‌هایی در جرم شناسی، به تمرکز بیشتر روی جرم (تخلف) نسبت به متخلف ادامه یافت. اما در رابطه با فضاهای بازداشتگاهی مروری بر سابقه تحقیقات انجام شده

به شرح زیر است:

۱. «مدیریت سیستم بلندمدت زندان سال ۱۹۸۴»:
در این پژوهش مدیریت سیستم بلندمدت زندان‌ها در دراز مدت مورد مطالعه قرار گرفت. از نتایج این پژوهش زیر سوال بردن مساله محروم ساختن زندانی از یک زندگی عادی اجتماعی بود (یثربی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶).

۲. «سمت و سویی نوین در طراحی معماری زندان ۱۹۸۵»:
در این تحقیق، نسل جدید و تجزیه و تحلیل نحوه برخورد و خواسته‌های آنان در کشور آمریکا مورد مطالعه قرار گرفت. این گزارش‌ها سبب شد نحوه طراحی و مدیریت زندان‌های آمریکا به طور کلی تغییر یابد و آیین نامه‌ای تحت عنوان «سیستم توجیهی طرح زندان‌ها» . P.D.B.S منتشر شود.

۳. «آیین نامه‌های سیستم توجیهی طراحی زندان (P.D.B.S)»:
در آیین نامه . P.D.B.S قواعد لازم طراحی زندان و استانداردهای آن مطرح و از سال ۱۹۹۱ میلادی تمامی زندان‌های آمریکا طبق این آیین نامه طراحی و مدیریت شدند. از مبانی مشخص این آیین نامه تفکیک بخش‌های مجزا زندانیان، طراحی محیط و محوطه زندان و تخصص پرسنل می باشد و همچنین روابط بین زندانی و پرسنل و روابط بین زندانیان مورد توجه قرار گرفت.

از پژوهش‌هایی که در زمینه ویژگی‌های اجتماعی زندان و زندانیان صورت گرفته می‌توان به پایان نامه‌هایی اشاره کرد: ۱. بررسی و ویژگی‌های شخصیتی مجرمین: در این تحقیق ساختار شخصیتی مجرمین، طبقه بندی مجرمین، ارتباط عواملی چون سن، سواد، تاهل، جنسیت، موقعیت تولد، تراکم جمعیت و شغل با انواع جرایم مورد مطالعه قرار گرفته است. سپس چهار گروه از مجرمین با جرایم سرقت، انحرافات جنسی، سوءاستفاده مالی و مواد مخدر در زندان مرکزی کاشان بررسی شدند. ۲. «مرکز اجتماع درمان مدار مشهد»: مرکز اقامتی و درمانی معتادین، هدف پژوهش تاسیس مرکزی جهت نهادینه کردن بیماری اعتیاد به جای جرم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

بودن اعتیاد و کاهش برگشت پذیری معتادان به مصرف مواد (عود) و آگاه سازی و مصون سازی فردی و گروهی افراد در اجتماع و الگوسازی است. با توجه به الزام وجود همه روش های درمانی در زمینه اعتیاد و نگاهی کلان به زیان های اعتیاد و عوارض آن در جامعه و با توجه به اینکه به این روش درمانی (اجتماعی درمانی) روشی جامع از خانواده و فرد و گروه و کار و تفریح درمانی می باشد و موفق آمیز بودن آن در دیگر جوامع نیاز به وجود داشتن این مرکز با اهداف گفته شده و مدنظر احساس می شود.

۳. «مجمع بازپروری معتادین مهیار استان اصفهان»: هدف این تحقیق تاثیر آموزش و مشاوره گروهی بر تغییر نگرش معتادین است جامعه آماری شامل افراد مرکز بازپروری معتادین مهیار اصفهان در سال ۱۳۷۵ است، شیوه پژوهش از نوع شبه تجربی است. نتایج حاصله حاکی از این مطلب است. گروهی که تحت روش آموزش مستقیم قرار گرفته اند، تغییر معنی داری در نگرش معتادین نشان داده نشده، در صورتیکه گروه دوم که تحت مشاوره گروهی قرار داشتند تفاوت معنی داری با سایر گروه ها دارا بودند.

ادبیات نظری

از نیمه اول قرن ۱۹ عده ای از دانشمندان عوامل عمومی بزهکاری را مورد بررسی قرار دادند و به تاثیر «عوامل درونی» که شامل عوامل فردی، روانی، جسمی می شد و «عوامل محیطی یا بیرونی» که شامل محیط اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی تقسیم بندی کردند و با انتشار افکار و عقاید خود در برابر عواملی که مورد تایید زیست شناسان، پزشکان، روان پزشکان و روان شناسان قرار داشت، فصل جدیدی در جرم شناسی مطرح شد که به شرح عامل محیطی یا بیرونی و اهمیت انتخاب عامل اجتماعی خواهیم پرداخت. «عوامل بیرونی محیطی به مجموعه عواملی که از خارج ارگانسیم را در بر می گیرد و در آن اثر می کند محیط گویند.

به عبارت دیگر محیط مجموعه شرایط و عواملی است که تاریخ، طبیعت، جامعه، روابط فردی و ویژگی های خانوادگی می سازد و از درون و برون فرد را در بر می گیرد و می پروراند تا جایی که برخی از اندیشمندان عقیده دارند که انسان زاده محیط خود است» (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۷۳).

در این رابطه باید گفت که مرکز مطالعات بین المللی زندان های جهان سال هاست که با جمع آوری آخرین آمار زندانیان جهان، بیش از ۲۲۰ کشور توانسته است بستر مناسبی برای تحقیقات و پژوهش های کارشناسان، جرم شناسان و جامعه شناسان فراهم کند؛ البته این آمار نمی تواند به طور صد در صد صحیح باشد، زیرا در بعضی از کشورها همچون آمریکا و رژیم اشغالگر قدس زندان های مخفی مانند ابوغریب و گوانتانامو وجود دارد که آمار زندانیان به طور رسمی اعلام نمی شود. بر اساس آخرین آمارهای این مرکز که روز قبل اعلام شد آمار زندانیان ایران در این پایگاه اینترنتی از ۲۵۰ هزار به ۲۱۷ هزار نفر کاهش یافته است. بر اساس این گزارش، ۲۲۲ کشور جهان آمار زندانیان خود را به این مرکز جهانی هر ۶ ماه یک بار اعلام می کنند که بر اساس آخرین آمارها کشور دانمارک با ۸ زندانی کمترین و آمریکا با بیش از ۲ میلیون و ۲۳۹ هزار زندانی بیشترین آمار زندانیان جهان را از آن خود کرده است. همانگونه که انسان در شرایط اقلیمی و نیز شرایط زیستی خاص که از پیش وجود داشته و بر رفتار وی تاثیر می گذارد، افراد و اجتماعات را نیز سنت های قومی، آداب و رسوم اجتماعی، سازمان ها و نهادهایی احاطه کرده که محیط اجتماعی آن ها را تشکیل می دهد. لاکاساین می گوید: «بزهکاری یک میکروب اجتماعی است. این میکروب در محیطی که آمادگی پروراندن تبهکار نداشته باشد بروز نکرده، جرمی اتفاق نمی افتد. بدین اعتبار، هر جامعه بزهکارانی دارد که شایسته همان جامعه هستند زیرا محیط اجتماعی بر اثر عوامل مختلف در فرد اثر کرده او را به ارتکاب جرم

می‌کشاند» (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۲۶).

محیط خانوادگی اولین محیط اجتماعی است که فرد در آنجا چشم به دنیا گشوده و رشد خود را از آنجا آغاز می‌کند. در سنین اولیه زندگی با اینکه کودک هنوز راه نمی‌رود و حرف نمی‌زند لیکن تمام حرکات اطرافیان خود را تقلید و رفتار و کردار اطرافیان در ضمیر او حک و شخصیت طفل پی‌ریزی می‌گردد. از اواخر قرن ۱۹ دانشمندان با تحقیق و پژوهش اجتماعی و بررسی آمارهای کیفی، تاثیر وضع محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید و اذعان داشتند که وضع محیط خانوادگی رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرم دارد برای بررسی این تاثیر باید محیط تشنج خانوادگی، رابطه طفل با والدین، از هم‌گسیختگی خانواده، رفتار و کردار والدین، روابط عاطفی و تربیتی والدین، موفقیت طفل در سلسله مراتب خانوادگی و محیط مسکن ارزیابی و مورد کارشناسی قرار گیرد (دانش، ۱۳۶۹، صفحه ۵۶).

«میشل فوکو» در گفت‌وگویی به چاپ رسیده توسط نشریه‌ی شانزده شماره ۲۲؛ اکتبر ۱۹۷۷ می‌گوید:

«جامعه در همه‌جا، در خیابان، در محل کار، در خانواده و سایر مکان‌ها با مسائل و مشکلاتی روبرو است و ما روان‌پزشکان کارگزار نظم اجتماعی هستیم. مسئولیت این است که این بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌ها را سامان دهیم. ما مسئول بهداشت عمومی هستیم. این رسالت حقیقی روان‌پزشکی است. این فضای روان‌پزشکی و افق تولد آن است. این دلیل بر آن نیست که یک کارکرد پزشکی و یک کارکرد پلیسی هیچ ارتباطی با هم ندارند، بلکه صرفاً تشدید و استحکام خویشاوندی شبکه-مندی است که هرگز از عمل باز نمی‌ایست» (فوکو، ۱۳۹۰، ص ۴۴).

با توجه به بیان این مسأله نیاز به داشتن «محیط معماری برای کارکرد مناسب علم روانشناختی اجتماعی» کاملاً مشهود می‌باشد:

۱. در سال ۱۸۱۶ «زندان آبرن» در نیویورک بهترین

زندان دنیا لیاقت صلاحیت و تکرار در نقاط مختلف جهان را دارد. حتی برخی از کشورهای اروپایی متخصصینی جهت بررسی و تحقیق سیستم آبرن به آمریکا فرستادند. محور اصلی نظام آبرن سکوت بود و هیچ صدایی به جز صدای راه رفتن زندانیان به گوش نمی‌رسید. این سکوت پیامدهایی را داشت، امنیت و اصلاح مجرمین و زندانی‌هایی که با هم ارتباط نداشتند، نمی‌توانستند برنامه‌های فرار از زندان را تنظیم نمایند. پس از تحقیقاتی مسئولین متوجه شدند که این نظام نه تنها خطر جدی برای جسم و روان انسان داشت بلکه هیچ‌گونه تغییری در رفتار و کردار مجرمین میسر نمی‌شد زیرا درصد قابل توجهی از زندانیان به زندان پس از آزادی برمی‌گشتند.

۲. نمونه رفتار در معماری و مدیریت زندان، «زندان وودبرن» نیویورک آمریکا تاسیس ۱۹۳۵ بود: هرچه بر شما می‌آید ببینید و صبور باشید؛ چراکه طلا در آتش امتحان می‌شود. این کلمات به عنوان غذای روح بالای در ورودی سالن غذاخوری زندان وودبرن حک شده بود. مشابه این جمله در سرتاسر زندان یافت می‌شود. منظور از این جمله روحیه دادن و الهام بخشیدن به زندانیان بود. این زندان مملو از تصاویر جرم، تنفر و عدالت و صلح بود. کتاب نمایانگر قانون، ساعت شنی سمبل زمان، آلفا و امگا اولین و آخرین حرف الفبای یونانی به روایت آفرینش، تولد، مرگ و برانگیخته شدن در انجیل. برخی تصاویر هم شگفت آور بودند. تصاویر یک مجرم که زنجیر به دست و پایش بسته شده و یک قاضی، غرق در کتاب قانون و حقوق، بی‌تفاوت نسبت به مجرم کنار او بود. سایر جزئیات معماری این زندان بسیار تزئینی بود. نقوش متنوع، آجرهای رنگین، لوسترهای آهنی، کابل‌های استیل به جای دستگیره و حکاکی تصاویر زیبا در چوب و سنگ. به نظر می‌آید که چنین نکات ظریف و زیبایی مناسب محیط زندان نباشد ولی زندانیان آن زمان اظهار داشتند که همین نکات ظریف اثر آرامش دهنده‌ای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

بر زندانیان داشته است.

در ادامه به برخی از تعاریف در رابطه با ادبیات تحقیق اشاره می‌شود:

۱. «**شخصیت**»: مجموعه‌ای سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و دائمی است که روی هم، یک فرد را از فرد دیگری متمایز می‌سازد (شاملو، ۱۳۷۰، ص ۱۳). بنابراین شخصیت شامل الگوهای رفتاری، افکار و هیجان‌های فردی است که نحوه سازگاری فرد را با محیط فراهم می‌سازد. شخصیت هم ریشه زیستی، درونی دارد و هم ریشه بیرونی دارد.

۲. «**جرم**»: هنوز تعریف دقیقی از جرم که در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها مورد تایید همگان باشد در دست نیست و هر یک از دانشمندان بنابر رشته تخصصی خود تعاریفی را ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان جرم را یک پدیده اجتماعی دانسته‌اند «دورکیم» که از شرایط فرهنگی و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود. جرم می‌تواند از تضاد موجود بین عمل فرد و مصالح اجتماعی حاصل شود. از نظر قضایی جرم به عنوان رفتار عضوی از اعضاء جامعه که مخل نظم و مضر به حال دیگران است و نقض قانون را به دنبال دارد، تعریف می‌شود. جرم از دیدگاه فقهی عبارت است از ارتکاب هر فعل حرام یا ترک امر واجبی که شارع آن را ممنوع کرده است. در قانون مجازات اسلامی ایران مصوبه ۱۳۷۰/۱۰/۳ جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد (صالح ولیدی، ۱۳۷۲، ص ۳۲-۱۸).

۳. «**طبقه بندی کلی جرایم**»: «کلنیارد و مییر» (۱۹۹۷) در باب بزه‌ها، جرایم و انحرافات اجتماعی^۱ آنان با قرار دادن جرایم و انحرافات در سه طبقه

کلی: «جرایم بر علیه اشخاص، جرایم بر علیه اموال و جرایم سیاسی»، به موارد مختلف جرایم و انحرافات در هر یک از طبقات سه‌گانه زیر اقدام می‌کنند: ۱. «جرایم شخصی بر علیه اشخاص»: شامل: ایراد ضرب و جرح، قتل، تجاوز جنسی، فحشا، اعتیاد جرایم علیه کودکان و سایر اعمال ضد اخلاقی و منافی عفت عمومی و ۲. «جرایم بر علیه اموال»: شامل: الف) سرقت: از مغازه، اتومبیل، بانکها، خانه‌ها، جیب‌بری؛ ب) جرایم مالی: جعل چک و صدور چک بلا محل، اختلاس، خیانت در امانت، تقلب در کسب و کار، رشوه خواری و غیره؛ ج) وندالیسم: خراب کاری و تخریب اموال عمومی؛ د) ایجاد حریق عمومی؛ ه) قاچاق کالا و مواد و احتکار؛ ۳. «جرایم سیاسی»: شامل: الف) جرایم مربوط به حقوق مدنی و اجتماعی. ب) جرایم دولتی: سوء استفاده از قدرت و امکانات دولتی، تقلب در انتخابات، توقیف غیر قانونی، فساد مالی و غیره. ۴. «**مجرم**»: مجرم شخصی است که با رفتار، افکار و گرایش‌های خود از الگو و هنجارهایی که وجهه مشخص یک گروه است فاصله می‌گیرد و در نتیجه به وسیله آن گروه مورد قضاوت قرار می‌گیرد (کی‌نیا، ۱۳۴۶، ص ۱۶).

۵. «**جرم شناسی**»: جرم شناسی علمی است که سعی دارد تا با بهره‌گیری از همه دانش‌های تجربی و انسانی به شناخت علل وقوع جرم بپردازد و با بهره‌گیری از این شناخت به ارائه شیوه‌های اصلاح و تربیت و انجام پیشگیری و بازسازی و بازپروری مجرمان اقدام نماید (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۶۹).

۶. «**زندان**»: به موجب ماده ۱۴ آیین‌نامه‌های زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۷۲ زندان محلی است که در آن متهمان و محکومان

۱. واژه Deviance در لغت به معنای عملی که به دور از هنجارها می‌باشد، است. انحراف اجتماعی از جمله مسائلی است که در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی بدان پرداخته می‌شود. انحراف صفت منسوب به برخی رفتارها یا اشخاص، نظیر بزهکاری یا بیماران روانی است. این موضوع از آراء متقدم آسیب‌شناسی اجتماعی اخذ شده است. جامعه‌شناسان، انحراف را نه‌مانند صفتی رفتاری یا نوعی شخصیت، بلکه به‌منزله ویژگی برخی وضعیت‌های اجتماعی یا کارکردهای ساختی نظام اجتماعی در نظر می‌گیرند. مجموعه صاحب‌نظرانی را که تعریفی از کج رفتاری (انحراف) ارائه داده‌اند می‌توان به دو گروه بزرگ تقسیم کرد: ۱. گروهی که کج رفتاری را پدیده‌ای واقعی و دارای صفتی می‌دانند که از رفتارهای بهنجار قابل تشخیص و تفکیک است (ننلر، ۱۹۸۴ و هرسی، ۱۹۷۳). ۲. دسته دوم آنانکه مدعی‌اند کج رفتاری لزوماً واقعی نیست و برخی افراد به اشتباه یا از روی غرض برچسب می‌خورند. از سوی دیگر صرف ارتکاب نوعی خاص از رفتار چنانچه عده‌ای متوجه نشوند یا قدرت انگ زنی نداشته باشند باعث می‌شود لزوماً فرد کج رفتار تلقی نشود. بنابراین از نظر این گروه اساساً این انگ است که کسی را کج رفتار می‌کند و نه نفس رفتار (ارمن و لاندمن، ۱۹۹۶؛ سیمون، ۱۹۹۶؛ بکر، ۱۹۷۳ و اریکسون، ۱۹۶۲).

با قرار حکم کتبی مقام قضایی موقتاً یا برای مدتی معین و یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و درمان نارسایی‌های اجتماعی و تحمل عمل کیفر نگهداری می‌شوند. مفهوم کلمه زندان تحت عنوان یسجن، امسک، وقف در آیات متعدد قرآن کریم ذکر شده است. در آیه ۳۵ سوره یوسف می‌فرماید: «یثم بدالهم من بعد ما راوالایات لیسجننه حتی حین:» «آنان که دلایل روشن پاکدامنی و عصمت یوسف را دیدند باز چنین صلاح دانستند که یوسف را چندی زندانی کنند و به حبس فرستادند.» همچنین در آیه ۱۵ سوره نسا چنین مقرر گردیده: «واللاتی یاتین الفاحشه من نساکنم فاستشهدوا علیهن اربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفیهن الموت اویجعل الله لهن سبیلاً» «زنانی که عمل ناشایست کنند و چهار شاهد مسلمان بر آن‌ها بخواهید چنانچه شهادت دادند در این صورت آنان را در خانه نگه دارید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا برای آن‌ها راهی پدیدار گرداند.» عده‌ای از فقها که به مشروعیت حبس کردن از نظر قرآن مجید معتقدند و به قسمت آخر آیه ۳۳ از سوره مائده تمسک می‌جویند که می‌فرماید: اونیفوا من الارض... و می‌گویند مراد از نفی در این آیه زندانی کردن است (یکائی، ۱۳۶۸، ص ۳۰). در لغت نامه دهخدا آمده است: زندان جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند. این کلمه در فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی جای حبس پذیرفته شده است. در زبان پهلوی «زیندان»، ارمنی «زندن»، اوستی «زیندون» گفته می‌شده. محبس جایی که گناه کاران را در آنجا توقیف کنند: بندی‌خانه، سجن، دوستاخ، دوستاقخانه، بند، حصیر نام‌های دیگر زندان می‌تواند باشد. این واژه در فرهنگ عمید به معنای بندی‌خانه، محبس‌خانه و قیدخانه جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگهداری می‌کنند و محبس آمده است.

۷. «علم زندان‌ها»: علم زندان‌ها علمی است که انواع مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، طرز اجرا و تطبیق

دادن آن‌ها را با شخصیت زندانی‌ها، تشکیلات زندان‌ها، اصولی را که رعایت آن‌ها در بهبود وضع زندانی‌ها و آماده نمودن آن‌ها برای بازگشت به محیط عادی اجتماعی موثر است مورد بحث قرار می‌دهد و همچنین تکالیف و وظایف زندانی‌ها و حدود حقوق آنان را از موقع بازداشت و یا ضمن اجرای کیفرهای سلب آزادی و یا اقدامات تأمینی تعیین می‌کنند (دانش، ۱۳۶۹، ص ۹).

۸. «حقوق زندانیان»: اصطلاح حقوق زندانیان در سال ۱۹۳۳ در سومین کنگره بین‌المللی حقوق جزا و زندان‌ها پذیرفته و بدین گونه تعریف شد: مجموع قواعد و اصول قانونی که رابطه بین دولت و محکوم را از زمان شروع اجرای مجازات و یا تاریخ بازداشت تعیین می‌کند و طرز اجرای کیفر، روش اصلاحی، تربیتی و یا درمانی و تطبیق دادن آن‌ها با شخصیت بزهکاران و همچنین تشکیلات زندان‌ها و شرح وظایف مسوولین، کار در زندان‌ها، اصولی که رعایت آن‌ها مستلزم بهبود وضع زندانی‌ها و آماده نمودن آن‌ها برای بازگشت به زندگی اجتماعی است (دانش، ۱۳۶۹، ص ۱۰).

۹. «اجتماعی شدن مجدد»: واژه اجتماعی شدن مجدد به معنی بازگرداندن فرد به شرکت در جامعه و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی می‌باشد (Campbell, R. & Henfie, L., ۱۹۹۵).

۱۰. «اصلاح مجرم»: اصلاح مجرم را می‌توان در بازتوانی، توانبخشی و کمک فرد برای دستیابی به سازگاری جسمی، روانی، اجتماعی و شغلی تعریف نمود (Campbell, R. & Henfie, L., ۱۹۹۵).

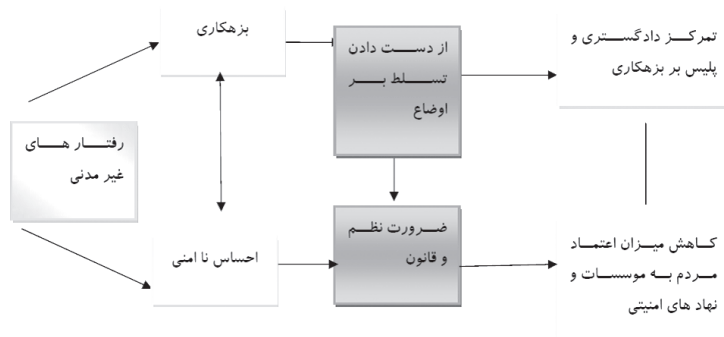
۱۱. «روانشناختی اجتماعی»: روانشناختی اجتماعی به مطالعه رفتار انسان می‌پردازد، اینکه چگونه مردم رفتار می‌کنند، چرا آن‌ها تحت شرایطی تغییر رفتار می‌دهند، چگونه تصمیم می‌گیرند، چگونه مردم به طرز فردی و گروهی رفتار می‌کنند، چگونه به زندگی ادامه می‌دهند و بالاخره در مورد چگونگی ارتباط فرد با جامعه و جامعه با فرد صحبت می‌کند.

۱۲. «امنیت شهری»: امنیت (Security) در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است. در «فرهنگ علوم رفتاری» نیز دو معنا از این واژه ارائه شده است: یک حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته های شخصی انجام می شود؛ و دوم احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می شود. به طور اصولی، انسان برای رسیدن به اهداف والای انسانی بعد از برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی نیاز به وجود امنیت و احساس امنیت دارد و در این میان مهم تر از امنیت، موضوع احساس امنیت است (Carmona, ۲۰۰۳, ۱۰۷). برای امنیت تعاریف متعددی توسط نظریه پردازان علوم اجتماعی و امنیتی ارائه شده که به چند مورد اشاره می شود:

۱. «جان مورز»: امنیت رهایی نسبی از تهدیدهای زیان بخش و تضمین رفاه آتی است (ربیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۰) و ۲. «ولفرز»: امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش های کسب شده است و یا اینکه بگوییم حفظ ارزش ها معادل برقراری امنیت است. امنیت، از یک سو وسیله و از سوی دیگر هدف است و به لحاظ پیچیدگی، مفهومی جدال برانگیز است (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۹).

۱۳. «نظم و امنیت»: «مبانی نظری نظم اجتماعی^۱ و امنیت» معطوف به فلسفه وجود این دو مفهوم و رابطه کنش متقابل آنها در جامعه می باشد و از بنیادی ترین مولفه های هر جامعه محسوب می شود. بنابراین در هر جامعه ای نتیجه عدم اجرای نظم و امنیت، اساساً از هم پاشیدگی آن جامعه را به دنبال خواهد داشت و در مقابل زیربنای هر سازمان پایدار اجتماعی متشکل از مولفه های بنیادی و متناظر آن از نظم و امنیت اجتماعی است. امنیت واژه ای با ابعاد و شاخصه های ذهنی ویژه است که به آرامش و سکینه درون و احساس رضایت از آرامش و آسایش موجود در ساحت محیط اشاره دارد. در واقع سخن در این است که هر آنچه امن متصور می شود، باید بتواند آرامش و فراغت ذهن را فراهم کند؛ یعنی پدیدآور احساسی در انسان باشد که او را به سوی رهایی از بیم و هراس رهنمون شود. بر این اساس، می توان معانی زیر را بر مفهوم امنیت متصور شد:

- ۱- امنیت دارای معانی آرامش و آسایش و ایمنی است (عمید، ۱۳۴۵، ص ۱۳۸).
- ۲- امنیت در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است.
- ۳- همچنین امنیت از ریشه امن به معنی ایمنی،



نمودار ۱. اثرات ناامنی و بی نظمی در رفتارهای غیر مدنی؛ ماخذ: نگارنده.

۱. نظم اجتماعی مبین توقع های اساسی زندگی اجتماعی است. هر جامعه با هر نوع اعتقادات، سنت ها، گرایش های سیاسی و با هر سیستم حکومتی نیازمند داشتن نظم و ترتیب خاص برای اداره خود است. حتی جوامع اولیه انسان ها دارای نظم اجتماعی بوده است کما اینکه جنبه طبیعی این نظم را نمی توان نادیده گرفت. در جوامع ابتدایی این نظم به طور خودبخودی ایجاد شد اما با وجود تنوع و پیچیدگی، جوامع کنونی نیازمند قوانینی هستند که این نظم را ایجاد کنند. سنت ها، آداب و رسوم قومی هر جامعه به تنهایی تامین کننده نظم اجتماعی نیستند اما اهمیت هر یک حسب درجه وابستگی آنها به جامعه غیرقابل انکار است و قوانین و مقررات با توجه به سنت ها تدوین می شوند.

آرامش قلب و خاطر جمع بودن است.

۴- علاوه بر آنچه گفته شد، امنیت از ماده امن گرفته شده است که به گفته راغب در کتاب مفردات، به معنی آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است (شریعتمداری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰۵).

عوامل تاثیرگذار بر جرم خیزی شهری

۱. «عوامل بیرونی یا محیطی»: به مجموعه عواملی که از خارج ارگانیزم را در بر می گیرد و در آن اثر می کند محیط می گویند. به عبارت دیگر، محیط مجموعه شرایط و عواملی است که تاریخ، طبیعت، جامعه، روابط فردی و ویژگی های خانوادگی می سازد و از درون و برون فرد را در بر می گیرد و می پروراند تا جایی که برخی از اندیشمندان عقیده دارند که انسان زاده محیط خود است (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۷۶). در بین عوامل محیطی یا بیرونی به محیط اجتماعی به طور اخص و به محیط جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی به اختصار پرداخته می شود.

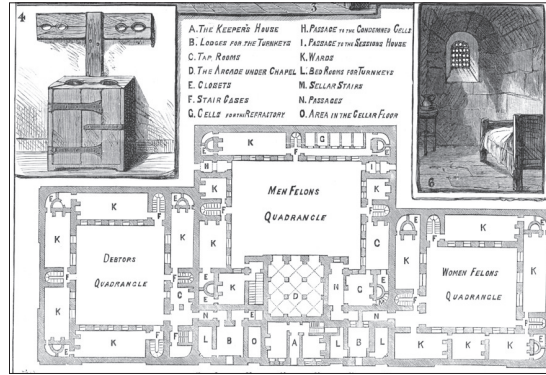
• «عوامل اجتماعی»: همانگونه که انسان در شرایط اقلیمی و نیز شرایط زیستی خاص که از پیش وجود داشته و بر رفتار تاثیر می گذارد، افراد و اجتماعات را نیز سنت های قومی، آداب و رسوم اجتماعی، سازمان ها و نهادهایی احاطه کرده که محیط اجتماعی آن ها را تشکیل می دهد. لاکاساین می گوید: «بزهکاری یک میکروب اجتماعی است. این میکروب در محیطی که آمادگی پروراندن تبهکار نداشته باشد بروز نکرده، جرمی اتفاق نمی افتد. بدین اعتبار، هر جامعه بزهکارانی دارد که شایسته همان جامعه هستند زیرا محیط اجتماعی بر اثر عوامل مختلف در فرد اثر کرده او را به ارتکاب جرم می کشاند» (همان، ص ۷۷).

• «عوامل جغرافیایی»: دانشمندان و فلاسفه از قرن ها پیش میزان تطابق انسان با آب و هوای فصول، موقعیت زمین و منابع طبیعی را مورد بررسی قرار داده اند و بر این عقیده اند که رفتار و

کردار گروه های انسانی تا حد زیاد تابع خصوصیات محیطی است که در آن به سر می برد. تأثیر محیط بر جامعه پیوسته در حال تغییر است و بشر همواره سعی داشته با پیشرفت علوم و امکانات نوین بر عوامل طبیعی در نتیجه بر سوانح و حوادث طبیعی مسلط شود و با این پیشرفت سطح زندگی را بالا ببرند. تلاش برای این تغییر و تحولات گاهی افراد را به طرف ارتکاب جرم سوق می دهد (کی نیا، ۱۳۴۶، ص ۲۰).

• «عوامل اقتصادی»: تأثیر عوامل اقتصادی در بزهکاری از قرن ها پیش توسط فلاسفه و دانشمندان، مورد بحث قرار گرفته است و برای حفظ نظم و امنیت در اجتماع، تعدیل ثروت و بهبود زندگی و معیشت برای طبقات رنجبر اجتماعی توصیه شده است. در بررسی تاثیر محیط اقتصادی در وقوع جرایم بایستی هم وضع اقتصادی عمومی و هم وضع اقتصادی شخصی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. نوسانات و دگرگونی های اقتصادی سبب تحولات اجتماعی می گردد و به موازات این تحولات در زمان و مکان معین انواع جرایم و بیماری های روانی که منجر به بزهکاری می شود تغییر می یابند. مشکلات اقتصادی نقاب از چهره اشخاص بی کفایت برمی دارند. بزهکاری در چنین مواردی بیشتر مبین فقدان شخصیت است تا تأثیر خود بحران (کی نیا، ۱۳۴۶، ص ۲۰).

• «عوامل سیاسی»: نوع رژیم سیاسی در ازدیاد و تقلیل جرایم مؤثر است. سیاست های غیراصولی و اهمال سستی حاکم شرایط را برای بروز جرایمی خاص از قبیل تقلب در انتخابات، اخذ رشوه و اختلاس فراهم می کند. در کشورهایی که انقلاب صورت می گیرد، هر چند که تأثیر انقلاب در وقوع جرایم به طور عملی مورد تایید قرار نگرفته است ولی بهم خوردن نظم سازمان های امنیتی از قبیل پلیس، ژاندارمری و ارتش زمینه را برای ارتکاب جرایم مختلف مهیا می کند. در چنین وضعیتی عده ای از افراد با استفاده از این موقعیت به ارباب،



تصویر ۱ (سمت چپ). زندان قدیمی در شهر اومئو، سوئد؛ و تصویر ۲ (سمت راست). زندان بریدول؛ ماخذ: آرشیو نگارندگان.

در میان نیم سوزها هنوز در حال سوختن بود. سوختن قطعه‌های گوشت و تنه تقریباً چهار ساعت طول کشید. افسرانی که من و پسر من نیز جزو شان بودیم و دسته‌ای از کمانداران تا حدود ساعت یازده در آنجا ماندند.» (همو، همان، ص ۱۲).

سه ربع قرن بعد لئون فوشه در کتاب درباره «اصلاح زندان‌ها» این مقررات را برای «دارالتدیب» در پاریس نوشت: ماده‌ی ۱۷. روز زندانیان در زمستان ساعت ۶ صبح و در تابستان ساعت ۵ صبح آغاز می‌شود. در تمامی فصل‌ها مدت کار نه ساعت خواهد بود. دو ساعت در روز به آموزش اختصاص دارد و فعالیت‌های روزانه در زمستان ساعت نه شب و در تابستان ساعت هشت شب به پایان می‌رسد. این بود یک نمونه تعذیب و یک نمونه برنامه روزانه مجرمان. این دو جرم‌هایی یکسان یا نوع یکسانی از بزهکاران را مجازات نمی‌کنند، بلکه هر یک به خوبی معرف نوعی سبک کیفری‌اند. فاصله زمانی این دو کمتر از یک سده است. در زمان‌های گذشته مجازات‌هایی از قبیل زنده به گور کردن، سوزاندن، طعمه حیوانات درنده ساختن، کور کردن و انواع شکنجه‌های بدنی رواج داشته است. زندان محلی بوده که متهم را در آنجا نگهداری می‌کردند تا در روز دادرسی در دادگاه حاضر نمایند. معمولاً زندان‌ها در زیر قصرها و یا در قلعه‌ها بنا می‌شد و جای تاریک و ناسالم بود. زندانیان وضع تأسّف انگیز داشته

انتقام جویی و کسب ثروت نامشروع می‌پردازند و مرتکب جرایمی از قبیل قتل، سرقت، اخاذی و غیره می‌شوند (دانش، ۱۳۶۹، ص ۹۰).

پیشینه فضاهای بازداشتگاهی در تاریخ

بر اساس آنچه در تاریخ روایت شده است؛ اولین سند تاریخی اشاره دارد که «دامی‌ین» به جرم سوء قصد به جان پادشاه در دوم مارس ۱۷۵۷ محکوم شد که در برابر در اصلی کلیسا پاریس به جرم خود اعتراف و طلب مغفرت کند و از آنجا با یک پیراهن و مشعلی از موم مشتعل به وزن نزدیک به یک کیلو در دست در یک گاری به میدان گرو برده شود و بر قاقوبی که در آنجا برپا شده است با انبری گداخته و سرخ سینه، بازوها، ران‌ها و ماهیچه‌های ساق‌هایش شکافته شود و دست راستش در حالی که در آن قاقوبی را گرفته که با آن به جان پادشاه سوء قصد کرده با آتش گوگرد سوزانده شود و روی شکاف‌های ایجاد شده در بدنش سرب مذاب، روغن جوشان، صمغ گداخته، موم و گوگرد مذاب ریخته شود و سپس بدنش با چهار اسب کشیده و چهار شقه شود و اندام‌ها و بدنش سوزانده شوند، خاکستر شود و خاکسترهایش به باد سپرده شود (فوکو، ۱۳۹۰، ص ۱۱). همچنین در همان سند آمده است که:

«... مطابق حکم، تمامی بدن به خاکستر بدل شد. آخرین قطعه یافت شده از بدن او تا ساعت ده ونیم

واکثرا محکومین در زندان‌ها جان می‌سپردند. روحانیون مذهب مسیح اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خونریزی خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند و برای اصلاح و تربیت زندانیان اقدام و از زندان‌ها بازدید به عمل آوردند (تصویر شماره ۱ و ۲).

در سال ۸۱۷ میلادی در مجمع روحانیون مسیحی در رم، مقررات مربوط به اداره زندان‌ها تصویب و تأکید شد که زندان‌ها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند و برای نیل به این هدف، زندانیان باید به روش انفرادی نگهداری شده و به آنان کار دستی آموخته شود. اجازه خواندن کتب مذهبی را داشته و روحانیون در زندان‌ها، زندانیان را ملاقات و با نصایح سودمند آنان را به راه راست هدایت کنند. در -اجر ای تصمیمات مذکور در همان سال اولین زندان به روش انفرادی در رم بنا گردید. در سال ۱۲۶۶ میلادی مجمع عمومی روحانیون مسیحی به عنوان اینکه در روش انفرادی زندانی فرصت تأمل و تفکر را دارد و از تنهایی زجر کشیده و از عمل خود نادم و پشیمان می‌شود و با تحمل مشقت روان پاک و منزّه می‌گردد، اجرای روش مذکور را تأیید و تغییر نام زندان‌ها به ندامتگاه را تأیید کردند. در سال ۱۵۵۷ در لندن قصر متروکی به نام «بریدول» برای نگهداری ولگردان اختصاص یافت. در این زندان کار الزامی و روش‌های تربیتی در مورد محکومین اجرا می‌گردید. در سال ۱۵۹۹ در آمستردام، زندان خاصی جهت آموزش کار و تربیت مذهبی زندانیان افتتاح و از سال ۱۶۰۵ در این زندان روش انفرادی اجرا می‌گردید. در سال ۱۶۲۳ در ناپل زندانی برای تفکیک زنان از مردان اطفال از بزرگسالان به روش انفرادی بنا شد. در سال ۱۶۶۷ در فلورانس دارالتأدیبی جهت تربیت جوانان تأسیس گردید. در سال ۱۷۰۳ در رم به امر «پاپ کلمان» زندانی تربیتی جوانان به روش انفرادی به نام «سن میشل» بنا و این جمله در سر آن حک شده است: تنبیه بزهکاران با مجازات بی‌فایده است بایستی با روش خاص آنان را تربیت

کرد. در این زندان جوانان پسر کمتر از ۲۰ سال و اطفال طرد شده و در خطر به روش انفرادی توأم با کار نگهداری می‌شدند. در سال ۱۷۳۵ زندانی جهت نگهداری زنان به روش انفرادی در رم افتتاح شد. در سال ۱۷۸۷ در امریکا «بنزامین فرانکلین» که به اروپا مسافرت کرده و با افکار و عقاید هوارد و بنتام آشنا شده بود انجمن زندان‌ها را تشکیل و در سال ۱۷۹۰ در فیلادلفی ایالت پنسیلوانین آمریکا اولین زندان انفرادی را بنا نمود. در سال ۱۷۹۷ در انگلستان اولین زندان به روش انفرادی افتتاح شد. اجرای روش انفرادی نتایج اسف انگیز داشت و اغلب زندانیان پس از تحمل چند سال مجازات، مبتلا به بیماری‌های روانی شدند. در سال ۱۸۱۶ در ایالت نیویورک زندان ابرن افتتاح و زندانیان روزها دسته جمعی با هم کار می‌کردند ولی حق حرف زدن با یکدیگر را نداشتند و شب‌ها بطور انفرادی بسر می‌بردند. در سال ۱۸۱۵ در زندان سینگ روش ابرنین (رژیم مختلط) اجرا گردید. زندانیان روزها باهم کار می‌کردند و شب‌ها بطور انفرادی نگهداری می‌شدند. در فرانسه با تصویب قانون ۶ اکتبر ۱۷۹۱ مجازات حبس در سر ردیف سایر مجازات‌ها قرار گرفت و در قانون جزای ۱۸۱۰ سه نوع زندان با اعمال شاقه، دارالتأدیب و بازداشتگاه پیش بینی شد ولی عملاً زندانیان و بازداشتی‌ها در یک زندان نگهداری می‌شدند. در سال ۱۸۴۰ در استرالیا، روش تدریجی در مورد تبعیدشدگان اجرا گردید.

سیر تحول زندان‌ها در اسلام

با توجه به روایات در صدر اسلام محل ویژه‌ای برای زندانی کردن افراد وجود نداشته و اسیران را یا در مسجد بطور موقت نگه داشته و یا در میان مسلمین که با حکومت وقت همکاری صمیمانه داشتند تقسیم می‌کردند تا از آنان نگهداری نمایند. در حدیث آمده است که حضرت رسول (ص) مردی از طایفه بنی حنیفه که او را شمامه بن آنال می‌گفتند و بزرگ طایفه بود در مسجد مدینه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

حبس کرد. حضرت رسول اکرم همواره زنجیر کردن اسرا و زندانیان را نهی می فرمودند (بکائی، ۱۳۶۷، ص ۳۱). در صدر اسلام زن و مرد زندانی از هم جدا نگهداری می شدند. در روایات آمده است که رسول اکرم (ص) افراد را در اتهام خون، حبس می فرمودند و در اتهامات دیگر، مقداری از روز را حبس می کردند. روش مذکور همان روش نیمه آزادی است که امروز در کشورهای متریقی اجرا می گردد. نخستین زندان در اسلام را حضرت علی (ع) در کوفه از بوریای فارس ساخت و آنجا را نافع نامید و سپس زندان دیگری از خاک و گل بنا کرد اسم آنجا را مخیس به معنای خار کردن، نرم کردن گذاشت. کیفر حبس بر پایه تفکر اصلاحی و توبه بوده است. همچنین از حضرت علی (ع) نقل شده است که آن حضرت به افرادی از زندانیان که قصد حضور در نماز جمعه را داشتند اجازه می داد که به نماز جمعه بروند و بعد از اتمام نماز دوباره به زندان برگردانده می شدند. ایشان مرتباً از زندان ها بازدید به عمل می آوردند و از احوال زندانی ها جویا می شدند. علاوه بر تامین معاش و اداره آنان برنامه تهنیدی، آموزش قرآن و فراگرفتن سواد خواندن و نوشتن سخت مورد توجه آن حضرت بود (همان، ص ۲۷۶). یکی از بازاری ها به امام خیانت کرد و آن حضرت به رفاعه که زندانبان محکوم بود نوشت: «چنانچه کسی برای او غذایی و نوشابه ای و یا رختخوابی آورد از آن جلوگیری مکن. دستور بده زندانیان را به جز ابن هرمه هنگام شب برای تفریح و هوا خوری به حیاط زندان بیاورند چنانچه در مورد ابن هرمه نیز احتمال خطر ندادی او را هم به همراه دیگران به خارج زندان بیاور». حضرت علی (ع) مرتباً از زندان ها بازدید و از احوال زندانیان جویا می شد. در زمان عمر بن خطاب که سرزمین مسلمانان وسعت یافت و بر تعداد امت مسلمانان افزوده شد نیاز جامعه به زندان بیشتر مشهود گردید. عمر در مکه خانه ای را از سفوان بن امیه به چهار هزار درهم خرید و به زندان اختصاص داد. پس از آن زندان هایی

در شهرهای مختلف بنا و اکثر آنها به نام همان شهر نامیده شدند. از ویژگی های زندان های آن زمان تفکیک زندانیان به شرح زیر بود: ۱. زندان خاص بدهکارانی که به علت عدم پرداخت بدهی بازداشت می شدند؛ ۲. زندان مخصوص سارقین؛ و ۳. زندان سایر خطاکاران.

در زمان خلافت امویان زندان های متعددی در حجاز، عراق و شام احداث شد. شهرت اینگونه زندان ها به علت شخصیت هایی بود که در آن زندانی بودند. بدترین زندان دوره بنی امیه، زندان واسط در عراق بود بطوری که مورخین نقل کرده اند ۱۸۰ هزار نفر زن و مرد در محوطه وسیعی بدون سقف و پوشش در آنجا نگهداری می شدند. حبس با شکنجه توأم بود و زندانیان را با زنجیرهای آهنی می بستند گاهی خلیفه ای به حکومت می رسید و با صدور عفو زندانیان را آزاد می کرد و الا زندان محل مرگ تدریجی بود. به مرور زمان عده ای از اتباع کشورهای دیگر در بین مسلمین به حکومت رسیدند با نهایت قساوت و شقاوت انواع شکنجه هایی را که در کشورشان متداول بود به مورد اجرا گذاشته و از هر گونه ظلم و بی رحمی دریغ نداشتند. در دوره عباسیان زجر و شکنجه به نهایت شدت رسید و دو نوع زندان وجود داشت:

۱. زندان های خصوصی که اتاق تاریک و نمناک و یا چاه های عمیق بود که در آنجا زندانی را با مار و سوسمار و حشرات موذی نگهداری کرده سپس در مدت چند روز از بین می رفتند.
۲. زندان های عمومی که از قرن چهارم در منازل پیشکاران خلفا احداث گردید و غالباً متهم را با افراد خانواده اش برای انتقام جویی حبس می نمودند (همو، همان، ص ۴۱۷).

سیر تحول معماری زندان ها در ایران

با اینکه راجع به وضع زندان های ایران در دوران باستان اسناد و مدارکی در دست نیست، اما آنچه که مسلم است در قلعه ها زندان هایی بنا می شد و پادشاهان و حکمرانان مخالفین خود را در آنجا

زندانی و سپس به وضع فجیع از بین می‌بردند. حبس جزء مجازات‌ها نبود بلکه وسیله‌ای برای از میان بردن بی‌سر و صدای اشخاص بلند مرتبتی بود که وجودشان برای کشور و یا پادشاه خطر داشت. قلعه مستحکمی در گل‌گرد در مشرق شوشتر در خوزستان بود که «گیل‌گرد یا اندهشن» نام داشت و آنرا «نوشبرد یا قلعه فراموشی» نیز می‌خواندند زیرا نام زندانیان و حتی آن مکان را کسی نبایستی بر زبان می‌آورد. خلع در تاریخ نقل شده که قباد پادشاه ایران به مذهب مزدک گروید نجباء و روحانیون اجتماع کرده او را خاع و جاماسب برادر او را بر تخت نشاندند جاماسب برادر خود قباد را در سال ۴۹۸ میلادی در قلعه فراموشی حبس کرد. پس از فتح مسلمین نیز هر حاکم و صاحب نفوذ در حوزه قدرت خود، محلی را برای حبس کردن افراد بنا نموده و متهمین را در آنجا نگهداری می‌کرد و زندانیان وضع رقت باری داشتند. قدیمی‌ترین زندان بزرگ در تهران زندانی به نام انبار شاهی بود که در زیر نقارخانه ارک محل فعلی بانک ملی بازار قرار داشت و زیر نظر حاجب الدوله رئیس تشریفات اداره می‌شد. فراش باشی رییس اجرائیات و فراش‌ها نگهبانان انبار شاهی بودند. غذای زندانیان بسیار ناچیز بود و مردم به عنوان نذر گاهی از سوراخ زندان غذا و خوراکی برای زندانیان می‌انداختند. اصلاح سر و صورت، حمام و نظافت وجود نداشت. زندانیان ده‌الی چهارده نفری به وسیله زنجیری که دارای طوقهای متعدد آهنی بود بهم متصل می‌شدند و انتهای زنجیر را از سوراخ درب اطاق زندان به خارج برده و به وسیله میخ آهنی بزرگی مانند افسار به زمین می‌کوبیدند. فاصله طوق‌ها از هم ۱۰ سانتی‌متر بود و به هریک از زندانیان دو شاخه چوبی به طول ۲۵ الی ۳۰ سانتی‌متر داده می‌شد تا هنگام خستگی و فشار زنجیر در گردن، آن را زیر طوق قرار دهند تا از سنگینی آن کاسته شود. زندانیان هنگام قرار دادن طوق به گردن خویش آن را می‌بوسیدند. زیرا معروف است که حضرت

موسی ابن جعفر علیه السلام در زندان هارون الرشید مدتی در زنجیر بوده است، برای جلوگیری از فرار زندانیان وسط قطعه چوبی به طول ۶۰ و به قطر ۲۰ سانتی‌متر را به اندازه کف پای زندانی تراشیده و پای زندانی را در آن قرار می‌دادند و بعد قطعه چوبی را بوسیله میخ‌های بزرگی که به «گل‌میخ» معروف بود روی آن می‌کوبیدند تا مانع خروج پا از آن شود (پیرنیا، ۱۳۶۲، صص ۱۹۶ و ۲۰۶).

در سال ۱۳۹۲ شمسی دولت ایران به منظور سروسامان دادن به وضع نظمیة شهربانی کشور، عده‌ای مستشار از کشور سوئد استخدام کرد. مستشاران سوئدی ابتدا نظام‌نامه محابس یا همان آیین‌نامه زندان‌ها را تهیه کردند که در سال ۱۲۹۸ شمسی به تصویب هیئت دولت رسید. در این آیین‌نامه زجر بدنی و زنجیر کردن زندانیان ممنوع گردید. در دوره سرتیپ درگاهی رئیس شهربانی وقت نظام‌نامه تشکیلات محابس و توقیف‌گاه‌ها و وظایف مأمورین و مستخدمین آن‌ها تهیه و در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۰۷ شمسی به تصویب هیئت وزیران رسید و در همان سال نظام‌نامه اجرای حکم اعدام نیز تصویب و به مورد اجرا گذارده شد. در سال ۱۳۰۸ شمسی اولین زندان ایران، زندان قصر جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید. پس از شهریور ۱۳۲۰ تحت تاثیر علل ناشی از جنگ جهانی دوم به تعداد بزهکاران ایران مانند اکثر کشورهای جهان افزوده شد و زندان‌ها را با کمبود جا مواجه ساخت. در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۷ اولین آیین‌نامه زندان‌ها با توجه به اصول علم زندان‌ها به تصویب رسید و در سال ۱۳۵۴ آیین‌نامه مذکور اصلاح شد لیکن به علت عدم امکانات، اکثر مفاد آن اجرا نگردید. لذا می‌توان گفت:

۱. تحول زندان‌های ایران قبل از پیروزی انقلاب: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نهضت مقررات راجع به زندان‌ها در سال ۱۲۹۸ ه.ش مبنی بر نظام‌نامه مجالس و توقیف‌گاه‌ها به تصویب رسید و پس از آن نظام‌نامه‌ها قوانین و آیین‌نامه‌های مختلفی چون نظام‌نامه مجالس و توقیف‌گاه‌ها مصوب سال

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۱۳۰۷ مورد تصویب قرار گرفت. سپس قانون راجع به وادار کردن محبوسان غیرسیاسی به کار مصوب سال ۱۳۱۴ و در پی آن نظام نامه زندانیان مصوب هیات وزیران به سال ۱۳۱۵ و در ادامه آیین نامه اجرایی قانون مربوط به تشکیل دادگاه‌های اطفال قانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۷ به تصویب رسید و سرانجام آیین نامه زندان‌ها و موسسه‌های صنعتی و کشاورزی وابسته به زندان‌ها در سال ۱۳۵۴ تصویب شد.

۲. تحول زندان‌های ایران بعد از پیروزی انقلاب: پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ تغییرات اساسی در ایران بوجود آمد. از جمله این تغییرات، تغییر در زندان‌های کشور بود و براساس مصوبه شورای انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۸ زندان‌ها از شهربانی منفک و به شورای سرپرستی زندان‌ها محول شد و سپس در بهمن سال ۱۳۶۴ با تصویب مجلس شورای اسلامی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تبدیل شد.

بیان یافته‌ها و تحلیل

زندان در ایران قدمت زیادی دارد که در این جا مطرح نخواهد شد و اشاره‌ای بس است که طبق شواهد تاریخی زندان و حتی کیفر حبس هر چند در مواردی نادر که از ۵۵۰ قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) شروع می‌شود، در ایران باستان نیز وجود داشته است. به همین دلیل در مورد تعریف و انواع زندان فقط به شرح و تفسیر قسمت‌هایی از آیین‌نامه‌های موجود زندان بسنده می‌شود. در ادامه برخی از تعاریف و اصول و تحلیل نمونه‌های موردی به اختصار اشاره می‌شود.

زندان بسته با حفاظ کامل

در ماده ۴ آیین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۷۲ آمده است که زندان بسته با حفاظ کامل زندانی است که کاملاً محصور بوده و دارای برج‌های دیدبانی باشد. در جداره خارجی زندان بسته ماموران مسلح، مامور مراقب و پاسداری

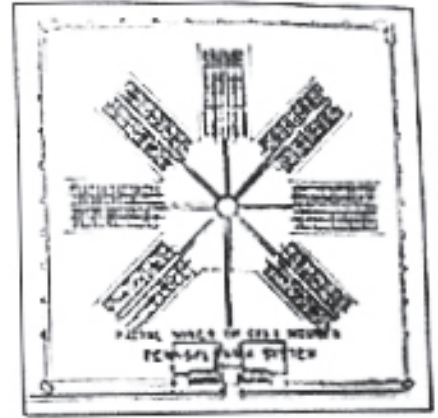
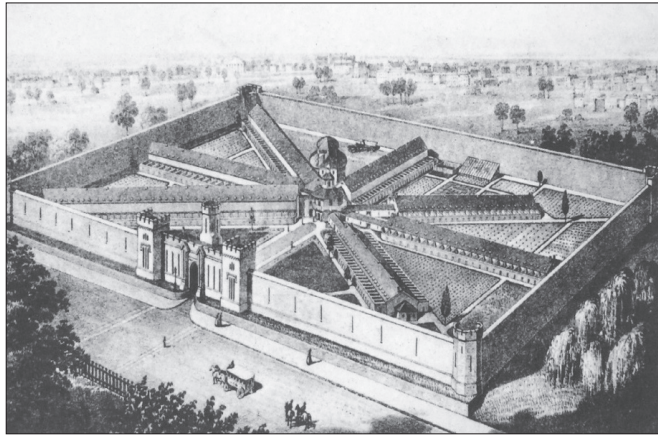
وجود دارد. این نوع زندان برای نگهداری آن دسته از محکومینی است که به تشخیص مقامات قضایی یا شورای طبقه‌بندی نگهداری آنان در سایر زندان‌ها و موسسات مصلحت نباشد. در این نوع زندان در صورت امکان محکوم شب‌ها در اتاق انفرادی نگهداری می‌شود و روزها به طور انفرادی یا گروهی از برنامه‌های آموزشی، حرفه‌ای و ورزشی استفاده می‌نمایند و یا در کارگاه‌های داخل زندان به کار گمارده می‌شود.

زندان نیمه باز

در ماده ۵، ۶، ۷، ۸ آیین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۷۲ آمده است که زندان نیمه باز در حد متوسط حفاظت، زندانی است که محصور بوده و زندانیان به صورت گروهی با تعداد کافی مامور مراقب بدون اسلحه به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه‌های خود عودت داده می‌شوند. زندان نیمه باز مخصوص نگهداری افراد زیر است: محکومان به جرایم غیر عمدی؛ محکومان به حبس تعزیری تا دو سال؛ محکومان به حبس بیشتر از دو سال به شرط تحمل یک سوم محکومیت در زندان بسته؛ محکومان به حبس دائم پس از تحمل سه سال محکومیت.

زندان باز

در ماده ۱۴ آیین‌نامه زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۷۲ آمده است که زندان باز زندانی است بدون حفاظت و مامور مراقب، که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا به خدمت می‌گذرانند و حق خروج از زندان را ندارند و زندانی در شب به نزدیک‌ترین آسایشگاهی که به این منظور تعیین شده است، استراحت می‌نماید. زندان باز مخصوص نگهداری افراد زیر است: محکومان به جرایم غیرعمدی؛ محکومان به حبس تعزیری تا دو سال پس از گذراندن یک چهارم مدت محکومیت در زندان نیمه باز؛ محکومان به حبس تعزیری بیشتر از دو سال پس از گذراندن یک دوم مدت محکومیت در یکی از زندان‌های بسته یا



تصویر ۳ و ۴. الگوی شعاعی زندان و پلان الگوی شعاعی زندان؛ ماخذ: www.norfrisco.com

است. این سه نمونه به طرح‌های صلیبی، مثلثی و مستطیلی تقسیم شده‌اند. طرح‌های صلیبی یک نوعی از الگوی شعاعی می‌باشند. که در نمونه‌های اخیر آن، ابعاد کوچک‌تر و طول راهروها کمتر شده است. معابر در سه جهت به سلول‌ها منتهی می‌گردد و بال چهارم به صورت یک مجمع عمومی عمل می‌کند ولی کماکان فضای موجود خشک می‌باشد» (Fairweather, L. & conville, S). ۲۰۰۰، p18.

۲. «الگوی مثلثی»: نمونه دوم طرح مثلث یا سلول‌هایی در اضلاع می‌باشد. این نوع طراحی دارای جوی دوستانه و گرم‌تر بوده و احساس فضای بسته زندان در آن کمتر ایجاد شده است. ترکیب و تراکم این نوع طراحی در سایت‌های نه چندان بزرگ قابل اجرا می‌باشد. با وجود فضای صمیمی و گرمی که در داخل بنای این فرم از طراحی وجود دارد. نقشه‌هندسی آن به نظر خشک و سرد رسیده و فضای منظمی را القا می‌کند. ساختار و هزینه اجرای آن نسبت به فرم‌های دیگر بسیار گران‌تر بوده و اصولاً اقتصادی نمی‌باشد (پلان ۱ و ۲).

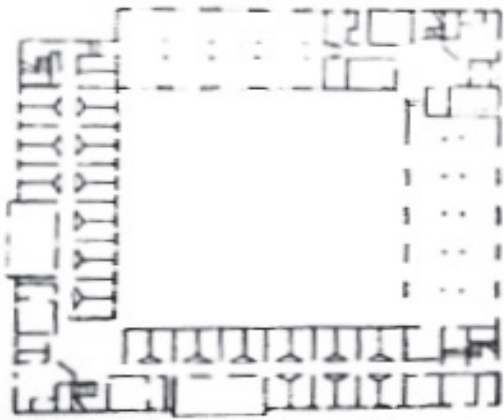
۳. «الگوی مستطیلی»: سومین طرح یا الگو فرم مستطیل می‌باشد. این نمونه به عنوان طرحی کامل برای زندان‌های آینده در نظر گرفته شده است. در این طرح تقسیم بندی سلول‌ها در چهار ضلع مستطیل بوده و فضای عمومی در وسط

نیمه‌باز؛ محکومان به حبس دائم پس از گذراندن پنج سال از مدت محکومیت.

سیر تحول معماری زندان

در طول قرون طرح معماری زندان‌ها و نحوه مدیریت آن‌ها تغییرات بسیاری یافته است و همواره منعکس کننده جامعه‌ای که آن را در بردارد بوده است. همانطور که در بخش‌های پیشین مطرح شد در طول قرن هجدهم مراکز جهت‌نگهداری مجرمین در اروپای غربی و ایالات متحده ظهور یافتند. نیت و هدف تبییه همراه با رفتار وحشیانه و غیر انسانی تاثیر قوی بر الگوهای اولیه معماری زندان‌ها داشتند. زندان‌ها به قصد داشتن یک ظاهر بسیار خشن و و خوف هم در داخل و هم از خارج بنا می‌شدند. جمله امیدهایت را رها کن، تو که وارد اینجا می‌شوی.

۱. «الگوی شعاعی»: «طراحی زندان‌ها در قرن هجدهم بصورت حرکت شعاعی و یا راهروهای طولانی انجام می‌گرفت. سلول‌هایی در طرفین راهروها تعبیه شده و کنترل و نظارت به صورت مرکزی انجام می‌شد. این الگو احساس خوشایندی را برای زندانیان ایجاد نمی‌کرد و موجب تشدید احساس اسارت و محرومیت در آن‌ها می‌گردیده است. در قرن حاضر طرح و شکل زندان‌ها تغییرات عمده‌ای نموده و تنوع بیشتری پیدا کرده. اما فقط سه فرم مورد علاقه و پسند طراحان قرار گرفته



پلان ۳ و ۴. الگوی مستطیلی زندان و الگوی مستطیلی زندان؛ ماخذ: Fairweather, L., & conville, S., ۲۰۰۰, p۱۷

مجموعه قرار دارد. اشکالات موجود در راه‌روهایی که جهت دار و خشک بود در این فرم وجود نداشته و فضای گرم‌تر و صمیمی‌تر ایجاد می‌نماید. هزینه این الگوی طراحی کمتر از شکل مثلثی می‌باشد. در عین اینکه خصوصیات طرح مثلثی در اشکال مستطیل وجود دارد. این فرم طراحی در ابعاد کوچک‌تر گرمی بیشتری فراهم می‌نماید و موجب ارتباط نزدیک‌تر بین زندانیان و کارمندان زندان می‌شود (پلان ۳ و ۴).

در این جا به تعدادی از نمونه‌هایی که در طول تاریخ زندان‌ها از لحاظ الگو و طراحی معماری شاخص و جزء دسته‌های مذکور بوده‌اند می‌پردازیم. یکی از نخستین زندان‌های اروپا زندان ویلین ۱ در قنت ۲ بلژیک می‌باشد. که در سال ۱۷۷۳ تاسیس شد. طرح آن شامل بلوک سلول‌ها بود که در هشت قطاع یا بال اطراف یک فضای مرکزی چیده و با یک دیوار هشت ضلعی محصور شده بود. اگر چه این زندان به همانگونه که طراحی شد اجرا نگردید ولی اولین زندانی بود که سلول‌ها به صورت مرکزی بنا می‌شدند. سلول‌ها به گونه‌ای جانمایی شدند که هیچ‌گونه ارتباط بصری بین زندانیان و دیوار خارجی برقرار نمی‌شد. الگوی این زندان سالیان بعد در سیستم معروف معماری زندان آبرن گرفته شد که بعداً به آن اشاره خواهد شد (پلان ۵). ۳. اولین زندان در ایالات متحده، زندان «والنت

استریت» در سال ۱۷۹۰ در شهر پنسیلوانیا بنا شد. در این زندان برای اولین بار در طول تاریخ کیفری، اصولی چون طبقه‌بندی زندانیان طبق سن، جنسیت و نوع جرم به منظور اصلاح زندانیان بنیان‌گذاری شد. در این زندان زندانیان به طور جمعی نگهداری می‌شدند و شانزده سال انفرادی به صورت دو دوره هشت ساله در هر طبقه نیز برای مجرمین سخت‌تر بنا شد.

در این سلوها یک پنجره در ارتفاع بسیار بلند و دور از دسترس مجرم وجود داشت و بر روی آن دو سری آهنی قرار می‌گرفت. در زمان حبس در این سلول‌های خاص، مجرم حق استفاده از نیمکت، میز، تخت خواب و یا هر چیز غیر از لوازم ضروری زندگی که با فقدان آن به سلامتی او صدمه‌ای وارد شود، نداشت. دیوار این سلول‌ها با گچ و پلاستر گچ پوشیده شده بود و دو مرتبه در سال سفید می‌شدند. در فصل زمستان وسایل گرمایی در کریدور قرار می‌گرفتند به طوری که گرما به مقدار کافی به مجرم برسد بدون این که دسترسی مستقیم به آن داشته باشد. برقراری ارتباط بین مجرمین به علت ضخامت دیوارها امکان‌پذیر نبود. در سال ۱۸۹۸ در «فرزنه» فرانسه زندانی با الگوی تیر تلفن بنا شد که در آن کریدور مرکزی، خوابگاه و سلول‌های جمعی را به تاسیسات و تجهیزات مختلف متصل می‌نمود. در این مدل بخش‌های

می باشد. طرح های زندان های نسل دوم و سوم که در سه دهه اخیر معماری زندان ها را تحت تاثیر قرار داده است.

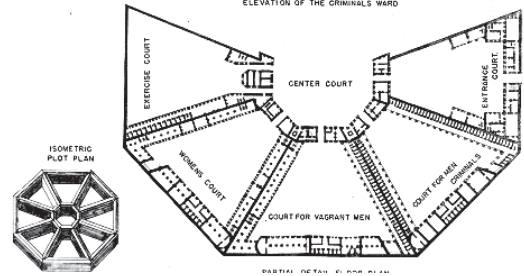
۲. زندان های نسل دوم، طرح واحدی با نظارت مستقیم

در اوایل دهه ۷۰ میلادی سازمان ملی معماری و عدالت مجرمین مسئول تنظیم اساس نامه ای شدند که شامل طرح واحدی خوابگاه ها و نظارت از راه دور در داخل یک اتاق امن بود. اصول اولیه طرح بر اساس فراهم نمودن خدمات برای زندانیان که همواره به خدمات اسکورت نیاز داشتند، بود. در بخش های خوابگاهی کوچک تر پیشرفت هایی در طبقه بندی و تکنولوژی منعکس شده بود. خدمات روزمره به فضای روزانه منتقل شده بود و به جای استفاده میله ها آهنی در جلوی هر سلول برای کنترل زندانیان، نظارت به صورت غیر مستقیم انجام می شد در نتیجه زندانبانان با کیفیت مطلوب تری بر زندانیان تسلط داشتند. اتصالات، مصالح و مبلمان با در نظر گرفتن نهایت امنیت و استحکام طراحی شده اند. تمامی این تدابیر به یک طرح بسیار خشک منجر شد که در برابر رفتار خشن پیش بینی شده از طرف زندانیان مقاوم باشد. فرضی که در طرح نسل دوم زندان ها در نظر گرفته شده بود رفتار خشونت آمیز زندانیان بود، چرا که افرادی مجرم بودند. در نتیجه طرح بر اساس ایجاد حائل ما بین زندانیان و کارمندان زندان تهیه شده

OCTAGONAL PRISON
CHENT BELGIUM 1773



ELEVATION OF THE CRIMINALS WARD



۵. زندان ویلین؛ ماخذ: www.norfrisco.com

مختلف زندان عمود بر کریدور طویل مرکزی قرار می گرفتند. زندان فرزنه توسط «فرانسیکو هنری پوشین» طراحی شد. پوشین به همراه «جان هویلند» و «آلفرد هاپکینز» بزرگ ترین ابداع گران در تاریخ طراحی زندان بودند. در تصویر پایین الگوی تیر تلفن کاملاً مشهود است.

در پایان به عنوان تحلیل و جمع بندی بررسی نمونه های موردی می توان به انواع زندانها به ترتیب زیر اشاره کرد:

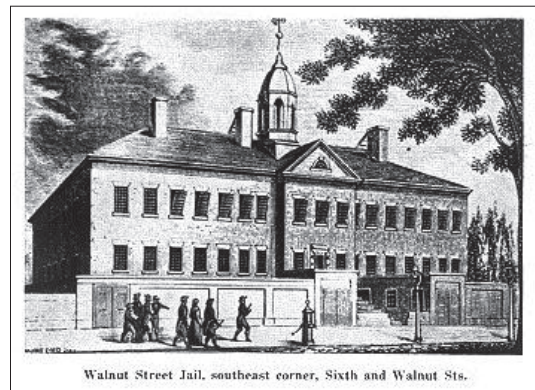
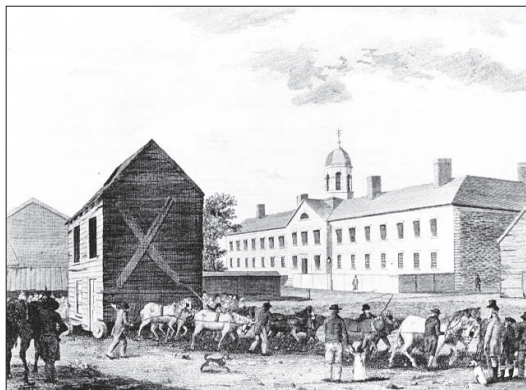
۱. زندان های نسل اول

با مطالعاتی که صورت گرفت می توان در طول تاریخ سه مرحله در تحول معماری و مدیریت زندان ها مشخص نمود که به این سه مرحله نسل اول و نسل دوم و نسل سوم اطلاق می شود. زندان های نسل اول شامل زندان هایی چون آبرن و کلاً زندان هایی که تا ۳۰ سال پیش تاسیس شده اند

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۲۳



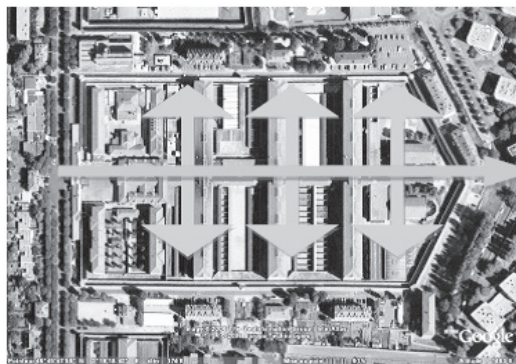
Walnut Street Jail, southeast corner, Sixth and Walnut Sts.

تصویر ۵ و ۶. زندان والنث استریت و نمای خارجی زندان والنث استریت

بود. رفتار منفی مفروض از طریق وسایل دفاعی و امنیتی کنترل می‌شد. طرح واحدی و نظارت از راه دور زندان‌های نسل دوم نسبت به سازماندهی خطی و نظارت متناوب زندان‌های نسل نخست، بسیار پیشرفته‌تر بود. علت اصلی پذیرش مشتاقانه این طرح از طرف زندانبانان، تفکیک مناسب‌تر فضاها، سلول‌های انفرادی و عدم وجود ارتباط مستقیم بین کارمندان و زندانیان بود. با این وجود هزینه بنای این طرح به علت به کارگیری بیش از حد وسایل و تجهیزات امنیتی بسیار بالا بود.

۳. نسل سوم زندان‌ها

در اوایل دهه ۶۰ میلادی اداره فدرال زندان‌ها تکنیک‌های مدیریتی و طبقه‌بندی متفاوتی در چندین زندان آزمایش نمودند. که به مدل مدیریتی جدید بنام مدیریت بخش عملکردی اطلاق شد. در این مدل برخی خدمات زندانیان به صورت غیر متمرکز ارائه می‌شد و برخی از فعالیت‌های اداری را در بخش زندگی زندانیان قرار می‌دادند. مدیر بخش، مسئول یک یا دو بخش خوابگاهی بود و تمام تصمیمات لازم جهت مدیریت آن‌جا می‌گرفت. عموماً کارمندان مستقیماً درون بخش فعالیت داشتند و شخصاً با مشکلات روزمره زندانیان دست و پنجه نرم می‌کردند. زندان‌های بزرگ به بخش‌های کوچکتر تقسیم می‌شدند که آن بخش‌ها توسط



تصویر ۷. الگوی تیر تلفن زندان؛ ماخذ: گوگل ارث با ترسیم نمودار نگارندگان.

بود. فعالیت‌های روزانه مانند ملاقات، مشاوره روانی مشاوره حقوقی، غذا خوردن، ورزش و فعالیت‌های تفریحی در فضاهایی جدا از محل زندگی زندانی انجام می‌گرفت. جدا قرار دادن این فضاها نظارت حرکت زندانیان از مکان‌های مختلف به یکدیگر را الزامی می‌ساخت. طبق برخورد نسل دوم زندان‌ها، فضاهای خوابگاهی واحدی به بخش‌های قابل کنترلی شامل ۱۲ الی ۲۴ نفر تقسیم می‌شدند. در بخش‌های عادی سلول‌های انفرادی در اطراف یک فضای روزانه قرار می‌گرفتند و در اتاق کنترل امن، نگهبان مامور نظارت فعالیت‌های زندانیان بود. طرح واحدی بر اساس یک مدل مدیریتی بسیار خشک و محدود پایه-ریزی و برای جوابگو بودن به مشکلات زندانیان و نه برای پیشگیری تنظیم شده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۲۴



تصویر ۸ (سمت چپ). زندان نسل اول و تصویر ۹ (سمت راست). زندان نسل دوم؛ ماخذ: سایت سازمانها و زندانها، زمان برداشت: ۱۳۹۳/۴/۳.

تعدادی مدیر به جای زندانبان هدایت می-شدند. ایده بخش عملکردی در اواسط دهه ۷۰ با آرایه سه زندان اجرایی گسترش یافت. این سه زندان در شهرهای نیویورک، شیکاگو و سن دیاگو در آمریکا بنا شدند. اولین زندانی که بر پایه این ایده با طرح بخش خوابگاهی واحدی هدایت شد در شهر کانتراسکا کالیفرنیا در سال ۱۹۷۹ قرار داشت. نسل سوم زندان ها تحت عنوان طرح واحدی و نظارت مستقیم از همان طرح واحدی و نظارت از راه دور به تدریج به وجود آمد. بخش های زندانبان به قسمت کوچکتر شامل ۳۶ الی ۶۰ نفر با نظارت مستقیم تقسیم شد. در این طرح فرض بر آن بود که یک محیط عادی، بستری برای ایجاد رفتارهای عادی و سالم خواهد بود. ایده مدیریت بخشی به ارائه برخی خدمات به صورت نزدیک تر به فضای زندگی زندانبان تاکید داشت و به کاهش انتقال زندانبان به فضاهای مختلف در زندان و در نتیجه کاهش نظارت کارمندان منجر شد. در یک زندان نسل سوم یک مامور اصلاحی در نقش ناظر در داخل هر بخش خوابگاهی فعالیت دارد. امنیت این مامور به وسیله زنگ های خطر و ارتباط تلفنی تامین می شود. با ارائه برخی خدمات مانند ملاقات، مشاوره، غذاخوردن، برنامه های تفریحی و مشاوره های حقوقی در داخل فضای زندگی زندانبان هزینه گزاف انتقال زندانبان به بخش های مختلف زندان را کاهش می دهد. غیر متمرکز بودن خدمات فرصت شرکت زندانبان در برنامه های گوناگون را بیشتر می کند. باعث ایجاد رابطه مطلوب بین زندانی و کارمند می شود و هزینه های ناشی از آشوبگری و تخریب گرایشی را کاهش می دهد. هدف چنین نظارت و مدیریت پیشگیری از رفتارهای منفی پیش از وقوع آن می باشد. یک شخص زندانی در یک زندان نسل سوم می تواند دو رفتار مختلف پیشگیرد. یکی این که خود را به سطح انتظار مدیریت برساند، دوم این که از بخش جمعی به سلول انفرادی منتقل شود. اگرچه بخش انفرادی در سطح حداقل استانداردها می باشد ولی

این بخش در زمینه فرصت ها و منافع موجود در بخش جمعی شدیداً در تضاد است. بخش های انفرادی بر اساس اصول زندان های نسل دوم طراحی می شوند. ماموری در داخل اتاق کنترل امن، محیط خشک، تجهیزات امنیتی و حفاظتی، حرکت محدود و حداقل امتیازات و امکانات. در کل طرح نسل سوم زندان ها براساس این تفکر پایه ریزی شده است که اگر محل اسکان زندانبان، معمولی و انسانی تر باشد آنان نیز رفتاری انسانی تر از خود نشان خواهند داد و تلاش بیشتر برای حفظ محیط خود خواهند نمود. زندان های نسل سوم از لحاظ هزینه ساخت و راه-اندازی نیز بسیار مناسب و در نهایت موفق بودند (www.cpted-security.com).

زندانبانهای معاصر: زندان با ساختار «سراسری»

در واقع گونه ای ویژه از معماری بود که اواخر سده هجدهم توسط فیلسوف فایده گرای انگلیسی جرمی بنتهام طراحی شد تا به زندانبان ها اجازه دهد که تمامی زندانی ها را زیر نظارت خود داشته باشد بدون این که آن ها بتوانند مطمئن شوند که در کدام لحظه تحت نظارت اند. این طرح شامل دو استوانه هم مرکز بود که استوانه درونی ویژه زندانبان ها و استوانه بیرونی برای سلول ها در نظر گرفته شده بود. دیواره داخلی استوانه بیرونی تنها با میله های فلزی طراحی شده بود به طوری که تمامی سلول از سوی زندانبان قابل رویت باشد. از طرفی استوانه بیرونی با شمار زیادی حفره (ساختاری شبیه برج های کفترخانه ی سنتی ایرانی) ساخته می شد به نحوی که زندانی به هیچ وجه نمی تواند متوجه شود که زندانبان در هر لحظه از کدام حفره در حال زیر نظر گرفتن کدام یک از زندانی هاست. در طرح های اصلاح شده راهروهای استوانه داخلی به شیوه ای مار مانند طراحی شدند که با پژواک صدای مکرر شانس اطلاع یافتن زندانبان از محل زندانبان به کمک صدای پایش را بگیرند. هر چند این ایده قابل اجرا در بیمارستان ها، سربازخانه ها، بیمارستان های روانی و مدارس نیز بود. بنتهام بر استفاده آن در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



تصویر ۱۰ (سمت راست). زندان نسل سوم، سالن ورزشی زندان وودهیل انگلستان و تصویر ۱۱ (سمت چپ). نمای زندان وودهیل انگلستان؛ ماخذ: www.cpted-security.com.

بی وقفه‌ی زندانی توسط مراقب هم بیش از حد زیاد است هم بیش از حد کم. بیش از حد کم است چون مسئله‌ی مهم آن است که زندانی بداند تحت مراقبت است؛ بیش از حد زیاد است چون نیازی نیست که واقعاً تحت مراقبت باشد. بدین منظور، بنام این اصل را طرح کرد که قدرت می‌بایست رؤیت پذیر و واریسی ناپذیر باشد. رؤیت پذیر به این معنا که زندانی بی وقفه سایه‌ی بلند برج مرکزی را که از آن جا مخفیانه زیر نظر است در برابر دید داشته باشد و واریسی ناپذیر به این معنا که زندانی هیچ گاه نباید بداند که آیا اکنون زیر نظر است یا نه، اما باید مطمئن باشد که همیشه ممکن است زیر نظر باشد (فوکو، ۱۳۹۰، ص ۲۵۰).

روانشناسی اجتماعی و معماری زندان

اجزای گوناگون، معماری را تشکیل می‌دهند از جمله عوامل ریاضی، فنی، زیباشناختی و اخلاقی یا اجتماعی. از زمان‌های قدیم تأثیرات مثبت زیبایی بر همه روشن و واضح بوده است. امکان دارد نسل‌های مختلف تعاریف متفاوتی از زیبایی داشته باشند و حتی در یک دوره زمانی نیز این چنین باشد ولی همواره بر لزوم تناسب، هم‌خوانی و هماهنگی اجزاء اصالت، وضوح، ارتباط با بستر و کیفیت در معماری توافق وجود داشته است (Fairweather, L. & McConville, s., ۲۰۰۰) در صومعه‌های قرون وسطی در جهت تشویق و غنی ساختن یک زندگی روحانی سعی در حذف تمامی عوامل مادی داشتند. یک سلول ساده و حداقلی متعلقات، زندانیان را به «ذهن



تصویر ۱۲. درون یکی از ساختمان‌های زندان در پرزیدو مولو، جزیره دلا خونتود، کوبا.

زندان‌ها تأکید داشت. چرا که به وسیله‌ی آن می‌شد با استفاده از تعداد کمی زندانبان زندانیان زیادی را کنترل کرد و از هزینه نگهداری آنان برای جامعه کاست.

اثر اصلی سراسربین عبارت است از ایجاد حالتی همیشگی و پایدار در فرد محبوس شده که از رویت پذیری خود آگاه باشد، حالتی که عملکرد خودکار قدرت را تضمین می‌کند. پس باید به گونه‌ای عمل شود که اثرهای مراقبت همیشگی باشد، حتی اگر کنش آن ناپیوسته باشد که کامل بودن قدرت بالفعل بودن اعمال آن را غیر ضروری سازد که این دستگاه معماری ماشینی باشد برای خلق و حفظ مناسبات قدرت، مناسباتی مستقل از آن کسی که آن را اعمال می‌کند و مختصر آن که محبوس شدگان در وضعیتی از قدرت گرفتار باشند که خود حامل‌اند. برای این منظور، مشاهده‌ی

پروری» برمی-انگیخت. مراسم مجلل در این مکان‌ها صورت می‌گرفت. دعاهاى دسته جمعی ادا می‌شد. موسیقی غلبه‌ی روح بر ذهن را میسر می‌نمود و تعادلی بین فرد و جمع برقرار می‌شد. افراد در این سلول‌های ساده در یک معماری با شکوه و مزین با اشیاء ظریف قدیمی سکنی می-گزیدند. حال عکس این وضعیت را تصور کنید: سلولی که سادگی آن بر خود باختگی و جدایی تاکید دارد و فعالیت‌های دسته جمعی با شرم در مکانی که ننگ اجتماعی و عدم اعتماد را تحمیل می‌کند، برگزار می‌شود. مکانی که در آن هیچ‌گونه تزیینی وجود ندارد جز عملکرد کیفی، اگر خلاء زندگی زندانیان با ارتباطات شخصی قبیح و محیطی زشت پر شود، نتیجه آن چه خواهد بود؟ عموماً ساختمان‌های عملکردی، چون زندان فاقد کیفیت‌هایی چون زیبایی و به‌کارگیری خلاقانه مصالح ساختمانی می‌باشد که منجر به ایجاد محیطی بیگانه می‌شود ولی خوشبختانه در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی فلسفه اصلاح شخصیتی مجرمین در ایالت متحده آمریکا ظهور کرد. زندان‌های موجود با ویژگی‌های نامطلوب خود دیگر جوابگوی خواسته‌های جدید نبودند. در طول سال‌های گذشته دانشمندان و طراحان به زندان‌های متعددی مراجعه نموده و به اندازه‌گیری ارتباطات بین محیط آن‌ها، رفتار زندانیان و تاثیر طرح زندان بر زندانیان برداشته‌اند. در بسیاری از موارد هیچ ارتباط واضحی بین طرح و رفتار پیدا نمی‌شود، چراکه عوامل بسیاری بر نتایج این آزمایشات تاثیر می‌گذارد. از جمله خصوصیات شخصی زندانیان رفتار و برخورد کارمندان و مدیریت زندان و طرح معماری چندین عامل موثر بر رفتار زندانیان شناخته شده است ولی تشخیص تاثیرات آن به طور مجزا امری بس مشکل می‌باشد. در هزاره جدید تمدن‌های شرقی و غربی به این اعتقاد رسیده‌اند که در معرض زیبایی قرار گرفتن باعث بهتر شدن رفتار و کردار بشر و زشتی، اثر عکس دارد. زیبایی، هماهنگی و تناسب،

کیفیتی نادر هستند که باید برای آنان که قانون را رعایت می‌کنند و در خدمت جامعه خود هستند، نگاه داشت. تاثیرات روانی زندانی شدن بسیارند و پیچیده چراکه جدایی از دوستان و خانواده از دست دادن آزادی، نگرانی از زندگی آینده پس از آزادی و از دست دادن اعتماد به نفس، اثر بسیار شدیدی بر روحیه انسان زندانی دارد. برای اکثریت افراد زندانی محبوس شدن در یک فضای ملالت آور (از لحاظ روانی) که فاقد هیچ‌گونه ارتباط اجتماعی مثبت است. بسیار خشونت بار و غیر انسانی می‌باشد و در آینده تاثیراتی چون یأس، عصبانیت، خشونت و تخریب‌گرایی برای آنان خواهد داشت. تاثیراتی که مطلوب هیچ جامعه‌ای نمی‌باشد (Fairweather, L. & Mc Conville, s., p. ۹).

اما امروزه دیگر کاربردی در نظام کیفری ندارد چرا که هیچ اثری در اصلاح مجرم و کاهش میزان جرم جوامع نداشته است. اکثر افرادی که دم از اصلاح زندان‌ها می‌زنند، قادر به تشخیص دو انگاره مختلف یکی اصلاح انسان دوستانه و دیگری بازپروری شخصیتی ایده‌آل با توجه به الگوهای اجتماعی نیستند. اصلاح انسان دوستانه مستلزم حداقل شرایط زندگی انسان به همراه اطمینان امنیت فیزیکی زندانیان می-باشد. نظریه ایده‌آل بازپروری شخصیتی با توجه به الگوهای اجتماعی به گونه‌ای اشاره به درمان و همچنین برنامه‌هایی که به اختلاط مجدد مجرم در جامعه منجر می‌شود دارد.

فضاها و جنبه‌های دیگر طرح زندان می‌تواند بر اصلاح انسان تاثیر داشته باشد یا بر بازپروری شخصیتی با توجه به الگوهای اجتماعی تاکید نماید ولی لزوماً بر هر دو تاثیر گذار نخواهد بود. به عنوان مثال ممکن است بهبود فیزیکی زندان تنها بخش اصلاح انسانی را پیش ببرد و نه هدف بازپروری شخصیتی با توجه به الگوهای اجتماعی. در طول تاریخ طرح‌های ضعیف، شرایط زندگی تاسف آور، جمعیت بیش از ظرفیت و کارمندان نالایق مانع

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

بر طرف نمودن احتیاجات زندانیان شده است. در حالی که محدودیت های اقتصادی مانع اصلاح انسان دوستانه شده است. وضعیت بازپروری شخصیتی آنهم با توجه به الگوهای اجتماعی بسیار پیچیده تر می باشد. برای برخی مسئولین ایده آل بازپروری شخصیتی با توجه به الگوهای اجتماعی به معنای اصلاح زندان ها به گونه ای که ارزش ها و رفتارهای زندانیان در مهارت های مختلف به منظور اشتغال آنان پس از آزادی می باشد که در نهایت مجدداً مرتکب جرم نشوند. با وجود اینکه زندان ها و مراکز اصلاح در زمینه بازپروری شخصیتی با توجه به الگوهای اجتماعی دارای درجات مختلفی از موفقیت بوده اند، عموماً محیط فیزیکی در تغییر نقش مهمی ایفا می کند. به عنوان مثال محیط فیزیکی می تواند به طرق مختلف در بازپروری شخصیتی زندان آن هم با توجه به الگوهای اجتماعی تاثیرگذار باشد. این عوامل همه به فراهم نمودن فضایی با کیفیت برای طبقه بندی زندانیان، اجرای برنامه های آموزشی پژوهشی و غیره بستگی دارد. چنین تاثیرات محیطی می تواند به سادگی ارایه به موقع غذا و یا عملکرد موفق تجهیزات ورزشی و تفریحی باشند. حتی با وجود فشارهایی چون شلوغی اگر این خدمات اصلی به موقع و به طور موفق ارائه شوند، نشانه های کمتری از بروز مشکلات در بخش زندانیان خواهیم بود. اگرچه وجود تجهیزات و امکانات می تواند موثر باشند، تنها فراهم نمودن یک محیط فیزیکی مناسب، بازپروری شخصیتی را طبق الگوهای روانشناختی جامعه را میسر می سازد. این امکانات شاید تنها به اصلاح مجرم منجر و باعث ایجاد مشکلات کمتر در بین زندانیان شود. برای ایجاد شرایط فیزیکی مناسب بازپروری شخصیتی محیط فیزیکی، فلسفه عملکردی، کیفیت فضا و کارمندان، همه و همه باید به منظور رسیدن به این هدف تنظیم گردند.

از نکات مهم استانداردهای P.D.B.S. در خصوص طراحی زندان ها می توان موارد زیر را مطرح نمود:

- ۱- ساختن زندان ها در ابعاد کوچکتر با ظرفیت کمتر موجب بهره برداری مطلوب تر شده و روابط میان زندانیان نزدیک تر و صمیمی تر خواهد بود. حداکثر ظرفیت یک بند طبق P.D.B.S. ۵۰ الی ۷۰ نفر این تعداد به صورت گروهی، با در نظر گرفتن خصوصیات افراد که در طبقه بندی مد نظر قرار می گیرد به همراه مسئولین بند دوران اقامت خود را می گذرانند.
- ۲- طبقه بندی و تفکیک مجرمین باید به دسته ای حرفه ای و غیر حرفه ای در بندهای مجزا صورت گیرد.
- ۳- هرچقدر اشل بنا کوچک تر باشد و ساختمان عظیم و بزرگ به نظر نیاید اثر مطلوب تری بر زندانیان خواهد گذاشت.
- ۴- حد مجاز فرو رفتن پایین ترین طبقه سلول ها در زمین کمتر از یک متر می باشد به گونه ای که ارتفاع بنا کمتر و فضای مرکزی بیشتر مشخص باشد.
- ۵- مشاهده فضای بیرون از سالن اجتماعات غیر قابل قبول می باشد.
- ۶- زندانیان باید از حق داشتن سلول انفرادی برخوردار باشند.
- ۷- ارتفاع سقف ها به صورتی طراحی گردد که از بیرون از هر طرف قابل کنترل و مشاهده باشد و فضای پنهانی در آن وجود نداشته باشد.
- ۸- زندانیان در شبانه روز باید حق استفاده از سرویس بهداشتی را داشته باشند.
- ۹- حد تعادل میان سیستم امنیتی و آرامش در زندان باید رعایت شود، بدین معنا که برنامه ریزی صحیح برای ایجاد تعادل میان نظام امنیتی و حقوقی فردی اعمال گردد.
- ۱۰- ایجاد امکانات رفاهی برای خانواده های زندانیان به منظور ایجاد نکات الزامی در طراحی زندان می باشد.

جدول ۱. مقایسه فضاهای بازداشتگاهی نسل قدیم و جدید؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

زندانی های قدیم	زندانی های جدید
زندانی به معنای اتاق انتظار برای اعدام یا صدور حکم مجرم	زندانی به معنای مرکز اصلاح و تربیت مجرم
ظلمت و تاریکی	نور
فضای بسته	نفوذپذیری و قابل نظارت
آلودگی	نظافت
رفتار غیر اخلاقی	به کاربردن نظم
محدودیت در حرکت (رنجور)	آزادی حرکت
خشونت و ظلم	برخورد انسانی
طبقه بندی اجتماعی درون زندان	طبقه بندی استاندارد
نظام اداری نامطلوب و فاسد	مسئولین متخصص و حرفه ای
پشیمانی پیش از اعدام	تبدیل مجرم به شهروندی وظیفه شناس از طریق برنامه های اصلاحی
اجرای قطعی و بلاشرط حکم صادر شده	انعطاف در اجرای حکم و تشویق رفتارهای خوب
تنبیه جسمی	تربیت رفتاری و تاکید بر اذهان زندانیان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۲۹

نتیجه گیری و جمع بندی

در رابطه با رویکردهای نوین به فضای کالبدی زندانها و جنبه های ندامتگاهی آن و تلاش برای ارتقا روحی و روانی مجرمین از طریق کاربست روشها و اصول روانشناختی اجتماعی در طراحی معماری زندان باید گفت که معماران نمی توانند به طور دقیق تاثیر بنای خود را بر ساکنین و استفاده کنندگانش را مشخص کنند؛ چراکه در بهترین حالت، طرح آنان از روند اصلاح و بازپروری شخصیتی مجرمین حمایت و محیطی انسانی را برای کارمندان و زندانیان فراهم می کند. برای رسیدن به این ایده آل طراحان بایستی همواره برای شخصیت زندانیان، کارمندان و ملاقات کنندگان احترام قائل شوند. نقش معمار حبس روح انسان نیست، بلکه هنر او ایجاد فضایی است که با روحیه انسان درگیر نشود و حس اطمینان به نفس مجرم را تخریب نسازد. معماری زندان باید گویا و قابل درک باشد با توجه به صحبت های فوکو،

انضبات و قدرت در ضمن بایستی قابلیت ایجاد زبانی که در زندانیان حس تعلق به زمان حال و امید به آینده زنده سازد. بناها از جهت مختلف تاثیراتی گوناگون بر روی افراد می گذارند. برخی از محیط اطراف خود بسیار متاثر می شوند و بعضی دیگر خیر. بعضی از مجرمین در دوران اولیه زندانی شدن تاثیر قوی از محیط پیرامون خود می پذیرند به گونه ای که شرایط نامناسب در طول مدت حبس می تواند تاثیرات منفی جبران ناپذیری در روحیه آنان داشته باشد. با مطالعاتی که انجام شد می توان نتیجه گرفت که با درک روان شناسانه افرادی که از یک زندان استفاده می کنند، می توان به شرایط فیزیکی، اجتماعی و محیطی آن بهبود بخشید. مسلماً تمامی جنبه های طراحی زندان را نمی توان پوشش داد چرا که مطالعات انجام شده تنها به بخشی از نکات طراحی منتهی گشته است که در ادامه به «اصول و معیارهای طراحی فضاهای

بازداشتگاهی» اشاره می‌شود:

۱. «موقعیت»: تعیین موقعیت زندان با هدف اصلاح و تربیت مجرمین بسیار حائز اهمیت است. از طرفی، یک زندان نباید در مراکز پرفعالیت و جمعیت شهری بنا شود ولی از طرف دیگر یک زندان نباید کاملاً مجزا باشد چرا که هم باعث ایجاد ناراحتی برای کارمندان زندان می‌شود و هم بر پذیرش افرادی که از آن زندان خارج می‌شوند توسط اجتماع، تاثیر گذار می‌باشد. یکی از عوامل مهم در بازگشت موفق زندانیان به جامعه، پشتیبانی و تشویق در ایجاد روابط اجتماعی و احساسی زندانیان با خانواده و دوستان می‌باشد. حتی با پذیرش زندانیان در مراسم مختلف جامعه و کمک‌های داوطلبانه افراد جامعه در فعالیت‌های زندان یک حس اطمینان روانی و اعتماد به نفس در زندانیان ایجاد می‌کند. تمامی این شرایط به موقعیت زندان نسبت به جامعه پیرامون بستگی دارد.

۲. «الگوی نظارتی»: در سیستم‌های نظارتی زندان، دو تیپ اصلی وجود دارد که شامل نظارت مستقیم و نظارت غیرمستقیم می‌باشد. الف) سیستم نظارتی غیرمستقیم: در زندان‌هایی که سیستم نظارتی غیرمستقیم دارند، زندانیان و کارمندان زندان در بخش‌های مجزا قرار دارند و ارتباطی ضعیف دارند. این گونه زندان‌ها غالباً دارای الگوی شعاعی، صلیبی و یا L شکل هستند. در این الگوها حس غربی میان زندانیان و کارمندان زندان به وجود می‌آورد و به ایجاد فرهنگ‌های داخلی زندانیان می‌شود که کارمندان از آن‌ها کاملاً بیگانه‌اند. ب) سیستم نظارتی مستقیم: در زندان‌هایی که نظارت به طور مستقیم صورت می‌گیرد فضاهای مرکزی وسیع‌تری وجود دارد که تنها یک یا دو طبقه سلول در اطراف آن بنا می‌شود. فرم فضا معمولاً مثلثی یا مستطیلی می‌باشد که در آن کارمندان زندان با زندانیان ارتباط مستقیم برقرار می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که ارتباط عمیق‌تر زندانیان و کارمندان به نظارت بهتر از زندانیان و در نتیجه امنیت بیشتر

منجر شده است. این ارتباط گرم، فضای سرد و سنگین زندان را نیز از بین می‌برد که تاثیری مثبت بر زندانیان خواهد گذاشت. اگر رابطه کارمندان زندان با زندانیان قوی‌تر باشد، در صورت بروز مشکل نیز با شناختی که از زندانیان دارند، زندانیان راحت‌تر و بهتر می‌توانند به رفع مشکل بپردازند و در نتیجه درگیری‌های کمتری بین زندانیان بوجود خواهد آمد.

۳. «ابعاد کلی و جمعیت زندان»: توافق جمعی بر این مساله وجود دارد که ابعاد زندان نباید بسیار وسیع باشد ولی در زمینه ابعاد مناسب و استاندارد آن اختلاف نظر وجود دارد. می‌توان گفت که مساحت یک زندان تا حدی وابسته به نیاز جامعه می‌باشد. تاثیر روانی فضاهای وسیع بر زندانی و زندانیان را نباید فراموش کرد چرا که بسیار گسترده در افراد حس رعب و وحشت ایجاد می‌نماید. پیشنهادات حداکثر جمعیت زندان بین ۱۰۰ الی ۸۰۰ نفر متغیر است. اگر جمعیت زندانیان بیش از این تعداد باشد، توصیه می‌شود که زندان به بخش‌های مجزا تقسیم شود و از تاسیسات زیربنایی و تجهیزات واحدی استفاده کنند، اکثر متخصصین بخش‌هایی با جمعیت ۲۰۰ الی ۴۰۰ نفر که در زیر بخش‌هایی سکونت دارند را توصیه می‌کنند در زمینه جمعیت زندانیان در زیر بخش‌ها نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی جمعیت ۱۲ الی ۲۰ نفر تاکید دارند چراکه جمعیت محدودتر، امنیت و آرامش بیشتری به همراه دارد درگیری و تخریب‌گرایی به حداقل می‌رسد و رابطه قوی‌تری بین زندانیان و زندانبان به وجود می‌آید. جمعیت معمول حدوداً ۴۰ الی ۵۰ نفر می‌باشد اگر چه متخصصینی وجود دارند که جمعیت ۵۰ الی ۷۰ نفر را نیز می‌پذیرند. در زمینه حداکثر جمعیت زیر بخش‌ها که ۸۰ نفر می‌باشد اتفاق نظر وجود دارد.

۴. «فضای زندگی زندانیان»: در گذشته، ازدحام جمعیت در زندان‌ها، شرایط بسیار نامطلوبی برای زندانیان ایجاد می‌نمود که برای کارمندان زندان

نیز مشکل بود. مهم ترین اثر ازدحام جمعیت، فقدان فضای تنهایی و خلوت زندانی و همچنین عدم شباهت فضای زندان به محیط و رفتار عادی زندگی انسان ها می باشد. فضای تنهایی فرصتی برای خودارزیابی زندانی بوجود می آورد. این شرایط به الگوی سکونتی زندانیان (فضای واحد یا اتاق های مجزا) و تراکم (تعداد زندانیان ساکن در هر واحد سطح) بستگی دارند. الگوهای سکونتی زندانیان متفاوت اند و هر کدام دارای محاسن و معایبی می باشند.

الف) سلول تک نفره: سلول های تک نفره فضای خلوت مطلوبی برای شخص زندانی فراهم می کند ولی مطالعات انجام شده نشان می دهند که تنهایی بیش از حد می تواند تاثیری منفی بر روحیه زندانی داشته باشد. از نظر اقتصادی نیز هزینه ساخت سلول های تک نفره بسیار بالا است و مقرون به صرفه نمی باشد. با توجه به تاثیرات مخرب روحی روانی، در سال گذشته حذف سلول های انفرادی صورت گرفت.

ب) سلول دو نفره: سلول های دو نفره موفق تر از سلول های تک نفره بوده اند. در عین حال که شخص زندانی فضای محرمیت و تنهایی مناسبی دارد، کلا ارتباط اجتماعی او قطع و دچار خطر نمی شود.

ج) سلول سه الی شش نفره: در این سلول ها، محرومیت و خلوت زندانی کمتر از سلول های دو نفره می باشد. حتی اگر سرانه فضای هر زندانی در طراحی چنین سلول هایی مطرح و رعایت شود، زندانی از ازدحام و حس شلوغی رضایت نخواهد داشت.

د) خوابگاه جمعی: نتیجه مطالعات اخیر نشان داده اند که تاثیرات منفی خوابگاه های جمعی ۱۰ الی ۱۲ نفره از سلول های تک نفره، دو نفره و سه الی شش نفره بیشتر است چرا که درگیری های بین گروه های مختلف فرهنگی، نژادی و عقیدتی بوجود می آید و به ایجاد فشارهای روحی در زندانیان

منجر می شود. جداسازی فضای خوابگاه های جمعی توسط جداکننده های متحرک نتیجه ای مثبتی داشته است و تقریباً در حد یک اتاق یک نفره و دو نفره برای زندانی فضای محرمیت و تنهایی فراهم می نماید. با مقایسه خوابگاه های جمعی و دیگر سلولها مشخص شده است که زندانیان ساکن در خوابگاه جمعی رفتاری نامناسب تر نسبت به زندانیان ساکن در سلول ها داشته اند و رابطه ای میان تراکم جمعیت و خشونت ثابت شده است.

۵. «سلول ها»: تجربه نشان داده است که هرچه فضای زندگی زندانی به یک اتاق معمولی شباهت پیدا کند از لحاظ ابعاد، تناسبات و تجهیزات تاثیر بهتری بر شخص زندانی خواهد داشت که منظور کاهش میزان خودکشی در سلول ها و فراهم آوردن فضایی انسانی برای زندانیان است. سازمان خدمات زندان های انگلستان یک سلول امن براساس استانداردهای سیستم توجیهی طراحی زندان (P.D.B.S) طراحی نموده است. این سلول به گونه ای طراحی شده است که آرامش بیشتری برای زندانی به ارمغان بیاورد. تمامی عناصر تشکیل دهنده این سلول تحلیل و مبلمان و تجهیزات آن از مصالح گرم و در عین حالت مستحکم انتخاب شده است. این سلول دارای تخت خواب، سرویس بهداشتی، میز تحریر و کمدی برای نگهداری وسایل شخصی زندانی می باشد. پنجره ای برای نفوذ نور طبیعی و همچنین پنجره ای کوچک در در ورودی جهت کنترل زندانیان تعبیه می شود. به منظور نقاط کور و بدون دید که در سلول وجود دارند، آئینه هایی در گوشه های دیوارها نصب می شود.

۶. «مصالح»: مطالعات علوم رفتاری به این نکته اشاره دارد که اگر در مکانی نیت بازپروری وجود دارد، بکارگیری مصالح نرم در داخل ساختمان توصیه می شود، مانند موکت، درهای چوبی، کاشی و غیره در نتیجه زندان به محل تعلیم، معاشرت و همچنین مفید بودن تبدیل می شود. قابل ذکر است که چنین محیط دوستانه ای به عملکرد بهتر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

کارمندان زندان نیز منجر می شود.

۷. «ادراک محیطی»: هیچ گونه توجیهی برای طراحی تجهیزات نامطلوب و یا انتخاب رنگ های کدر، روشنایی ناکافی و مصالح خشن و سرد برای زندانی که هدف آن اصلاح و تربیت مجرمین می باشد، وجود ندارد. تمامی این موارد نتایج نامناسبی به همراه خود دارند چرا که حس امیدواری و اشتیاق به بازگشت به اجتماع را، در زندانی از بین می برند. چنین خشونت های سیستم کیفری، جامعه را نیز مبتلا می سازد، حیاط های سرد سیمانی محصور شده با سلول ها که از پنجره سلول ها زباله به داخل حیاط انداخته شده است را می توان به گونه ای مناسب تر طراحی نمود ترانس بندی، لنداسکیپ نرم و چمن کاری شده که هم کارمندان زندان و هم زندانیان از آن لذت ببرند. اهمیت طراحی لنداسکیپ زندان کمتر از داخل آن نمی باشد و خود می تواند منشا آرامش باشد. عوامل مختلفی در ادراک محیطی تاثیر گذارند که به برخی از آنان اشاره می شود.

الف) «محرومیت حسی»: محرومیت حسی به معنای محدودیت شدید یک یا چند حس از حواس پنج گانه می باشد. اگر چه تاثیرات محرومیت حسی طولانی مدت هنوز مشخص نشده، ثابت شده است که یکنواختی و خستگی ناشی از بی کاری و عدم مشغله زندانی و فقدان تنوع در تخریب گرایي زندانیان موثراند.

ب) «آسایش حرارتی»: آسایش یا فقدان آسایش حرارت، عکس العمل های روانی پیچیده ای را به وجود می آورد که عواملی چون دما، رطوبت و تهویه هوا بر آن موثراند. در یک زندان، میزان حرکت زندانیان، کیفیت پوشاک و کنترل شرایط هوایی آسایش حرارتی دخیل اند. اثبات شده است که شرایط هوایی گرم و با تهویه نامطلوب هوا به افزایش خشونت منجر می شود.

ج) «صدا»: سروصدا یکی از شایع ترین مشکلات زندان ها می باشد که حتی در زندان های جدید نیز رخنه کرده است. در این محیط، برقراری ارتباط

مشکل می شود، گفتگوها با صدای بلند صورت می گیرد و خواب زندانیان آشفته و ناآرام می گردد که همه و همه باعث ایجاد فشار روحی و ناراحتی در زندانیان می شود. تحقیقاتی صورت گرفته و حاکی از این مطلب هستند که افراد در شرایط سروصدا بیشتر از افراد در شرایط کم صدا، خشونت از خود نشان می دهند. سکوت مطلق هدف طراحی آکوستیک یک فرض نیست بلکه هدف فراهم نمودن محیطی است که دارای صوت زمینه متعادل و نه بلند و آزار دهنده باشد و همچنین افراد بتوانند در حد نیاز بشنوند. صدای صحبت عادی عادی بین ۵۰ تا ۷۰ دسی بل و صوت زمینه مابین ۲۵ تا ۳۵ دسی بل می باشد. تراز صوتی در فضای خوابگاهی زندان ها در زمان های مختلف روز متفاوت می باشد. در زمان خواب زندانیان تراز صوتی حدودا ۴۵ دسی بل و در هنگام روز و فعالیت زندانیان این عدد به ۷۵ دسی بل می رسد که در آن زمان صوت زمینه بین ۳۵ تا ۴۵ دسی بل می باشد. کنترل سرو صدا بایستی از طریق جذب صوت و تفکیک صوت فضاهای مختلف صورت گیرد. انتقال صدا از طریق سقف، دیوار و کف را می توان از طریق به کارگیری مصالح همگن و سنگین کنترل نمود. برای کاهش تراز صوتی در فضای روزانه زندانیان، نصب سقف و پانل های آکوستیک و موکت که میزان جذب صوتی بالایی دارد، توصیه می شود.

د) نورپردازی و دید و منظر: تاثیرات قطع ارتباط بصری انسان با محیط بیرونی می تواند نتایج مخربی در روان انسان داشته باشد، تا جایی که می تواند منشا اضطراب و افسردگی شود. با وجود این که در بنایی چون زندان ارتفاع پنجره ها محدود و دارای ضوابط خاصی می باشد. با این وجود به طراحی فضای باز زندان و کیفیت آن تاکید شدیدی می شود مانند استفاده از دیواره های شیشه ای در زندان اتریش. با توجه به عملکرد خاص زندان ها، طراحی سیستم نورپردازی و کنترل نور طبیعی بسیار حساس می باشد. نور می تواند مکان های

با عملکرد مختلف را تعریف مصالح و خصوصیات جداره‌ها را تقویت، رفع خستگی و یکنواختی و سلسله مراتب بصری در فضا ایجاد کند. مبحث نورپردازی شامل تامین نور طبیعی، نورپردازی داخلی و نورپردازی خارج بنا می‌باشد.

• «نور طبیعی»: در طول چند دهه اخیر تامین نور طبیعی همواره عامل مهمی در طراحی زندان‌ها بوده است. آزمایشات بسیاری در زمینه تاثیرات روانی فضاهای فاقد نور طبیعی صورت گرفته است و به این نتیجه رسیده‌اند که پنجره تنها یک عنصر تجملاتی نیست بلکه عدم برقراری ارتباط با محیط بیرونی منشا فشار روحی و افسردگی می‌باشد.

• «نورپردازی داخلی»: زندان دارای مکان‌های متعدد با عملکردهای گوناگونی می‌باشد که هر کدام آن‌ها نیاز و ضوابط نورپردازی متفاوتی دارد. در فضای خوابگاهی زندانیان، تاسیسات نورپردازی بایستی مقاوم و غیر قابل شکستن باشد و به سقف یا دیوار نصب گردد. بهترین نوع نورپردازی برای چنین مکانی لامپ مهتابی کم مصرف می‌باشد که توسط نگهبانان بخش و یا دستگاه خودکار کنترل شوند. در هر محیطی نور قابل استفاده از دیوار، سقف، کف و سایر سطوح منعکس می‌شود. رنگ‌هایی مانند سفید و شیری میزان استفاده از نور را به حداکثر می‌رساند. به کار بردن رنگ‌های تیره در سطوح باعث جذب بیشتر نوری که به آن تابیده می‌شود می‌گردد.

• «نورپردازی خارجی»: نورپردازی محوطه بایستی به گونه‌ای باشد که دید را به حداکثر برساند و شامل نورپردازی پارکینگ، دسترسی‌های پیاده و مسیرهای سواره می‌باشد. تمامی تاسیسات نورپردازی خارجی بایستی درخشش متوسط داشته باشد و باعث خیرگی افراد و یا تجهیزاتی که آن مناطق را کنترل می‌کنند نشود.

ه) «طراحی فضاهای حساس»: فضاهای حساس زندان شامل بخش‌های پذیرشی، ملاقات، استراحت کارمندان و حمایت از زندانیان آزاد شده می‌باشد.

یکی از پرفشارترین زمان‌های حبس در زندان، زمان پذیرش می‌باشد. در این زمان، اولین برخورد مجرم با زندان میسر می‌شود. ظاهراً این مکان باید ایجاد آرامش و اطمینان نماید تا از حس اضطراب شخص زندانی کاسته شود. افراد ملاقات کننده در محیط زندان کمی حس ناراحتی خواهند داشت در نتیجه فضای ملاقات کنندگان بایستی مکانی دعوت کننده، گرم و صمیمی باشد. وجود فضای انتظار راحت، بخش خدمات مددکاری و سرویس بهداشتی در این بخش الزامی است. فضای استراحت کارمندان بایستی محیطی آرام و گرم و مجهز به وسایل و امکانات استراحت و تفریح آنان باشد چرا که استراحت کارمندان و نگهبانان زندان ارتباط مستقیمی با نحوه عملکرد و برخورد آنان با مسائل زندانیان دارد.

و) «وجهه و نمادگری زندان»: نمای خارجی یک زندان حاوی پیغام‌های مهمی می‌باشد، از یک طرف وجهه و ظاهر یک زندان بایستی به گونه‌ای محکم باشد و به جامعه اطراف حس اطمینان القا نماید و آن را از این مساله مطمئن سازد که در داخل این مکان، قانون کیفری اجرا می‌شود. از طرف دیگر، ظاهر بنای زندان باید برای بیننده قابل قبول باشد و در او حس پذیرش افرادی که از این مکان آزاد می‌شوند، ایجاد نماید. تجربه نشان داده است که یک وجهه خشن و خشک باعث ایجاد رفتارهای منفی نسبت به زندان می‌شود و بالعکس، یک نمای نرم، میزان پذیرش اجتماعی را بالا برده است.

ز) «عرصه‌های مختلف زندان»: با در نظر گرفتن عملکردهای مختلف زندان، می‌توان تمامی فضاها را به سه عرصه تقسیم نمود. این عرصه‌ها شامل عرصه زندانیان، عرصه کارمندان زندان و عرصه ملاقات کنندگان هستند.

• «عرصه زندانیان»: این بخش مهم‌ترین و حساس‌ترین قسمت زندان می‌باشد و باید مجهز به سیستم امنیتی دقیقی گردد. این بخش شامل فضاهای خوابگاهی و سلول‌ها، اصلاحی و تربیتی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

(آموزشی، ورزشی و فرهنگی) بهداری، کارگاهی و مراقبت پس از خروج می باشد.

• «**عرصه کارمندان**»: در این عرصه از زندان، رعایت مسائل امنیتی نسبت به بخش نخست در درجه دوم قرار می گیرد. این عرصه شامل قسمت های اداری، پذیرش خدمات و پشتیبانی، حفاظتی و محل استراحت و زندگی زندانیان می باشد.

• «**عرصه ملاقات کنندگان**»: این بخش قبل از بخش زندانیان واقع می باشد که بعد از مرحله کنترل، امکان دیدار توسط خانواده با زندانیان انجام شود. فضاهای تشکیل دهنده این عرصه شامل ملاقات تلفنی، حضوری و خصوصی می باشد.

منابع و مآخذ

احقر، منوچهر (۱۳۸۵) پیشینه تاریخی و آثار باستانی همدان، انتشارات آفرین.

بکائی، شیخ محمدحسین (۱۳۷۴) کتاب نامه بزرگ قرآن کریم، نشر قبله.

بنیاد امانی، محمود (۱۳۷۷) امنیت و جرم خیزی در شهر، ترجمه حسین صداقت، نشریه مطالعات جغرافیای شهری، نشر پردازش گستر.

بواندیا فرناندوگومز (۱۳۸۰) جرائم شهری: گرایشها و روشهای مقابله با آنها، ترجمه فاطمه گیوه چیان، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده، تهران.

پیرنیا، حسن (۱۳۶۲) تاریخ باستانی ایران، تهران، انتشارات دنیای کتاب.

دانش، تاج زمان (۱۳۶۹) مجرم کیست؟ جرم چیست؟، نشر نور.

ربیعی، علی (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی؛ تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

رضازاده، راضیه (۱۳۸۰) بحران ادراکی- رفتاری در فضای شهری، ماهنامه شهرداریها، ویژهنامه شماره ۵.

ستوده، هدایت الله (۱۳۷۸) آسیب شناسی اجتماعی، ۱۳۷۸.

شاملو، سعید (۱۳۷۰) روانشناسی بالینی، تهران، انتشارات رشد.

شریعتمداری، احمد (۱۳۷۲) شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ج ۱، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

صالح ولیدی، محمد (۱۳۷۲) حقوق جزای عمومی، انتشارات سمت، چاپ دوم.

صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷) ویژگی های محیطی فضاهای شهری امن، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

صمدی، جمیل (۱۳۸۴) امنیت اجتماعی در سنندج، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

عبدی، عباس (۱۳۸۳) آسیب شناسی اجتماعی، تاثیر زندان بر زندانی با همکاری و مشارکت مهران سهراب زاده، تهران، انتشارات نور.

عمید (۱۳۴۵) فرهنگ عمید، جلد اول، انتشارات جاویدان علمی.

عمید زنجانی (۱۳۶۷) فقه سیاسی، ج ۳، حقوق بین الملل اسلام، تهران، انتشارات امیر کبیر.

فوکو، میشل (۱۳۷۹) ایران روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش، تهران، نشر نی.

فوکو، میشل (۱۳۹۰) مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران، نشر نی.

قائمی، علی (۱۳۶۸) آسیب ها و عوارض اجتماعی، انتشارات امیری.

کی نیا، مهدی (۱۳۴۶) علوم جنایی، انتشارات دانشگاه تهران.

کیانی، حسین (۱۳۸۱) بازداشت موقت و تبیین مبانی فقهی و حقوقی آن، استاد راهنما عبدالعلی توجهی.

مبارکی، داوود (۱۳۷۵) پژوهش اجتماعی، پایان نامه ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی

درمانی زنجان، ۱۳۸۲، شماره ۴۵.

یثربی، نوید (۱۳۷۴) ندامتگاه و مرکز بازپروری زنان، پایان نامه ارشد، استاد راهنما محمد نصیری انصاری، دانشگاه تربیت مدرس.

---- (۱۳۷۲) آیین نامه زندان ها و اقدامات تأمینی مصوب، سازمان زندانها.

Carmona, M. (2001) Sustainable Urban Design - A Possible Agenda, In (eds.) Layard, A., Davoudi, S., and Batty, S., Planning for a Sustainable Future Carmona, M; Health T; and Ties dell S (2003) Public places Urban spaces, New York: Architectural press

Fairweather, L& Mc Conville, s., 2000, prison Architecture_policy, design and experience, Architectural press.

Ferri, E., La sociologie criminelle paris, 1908 Phillips, T.S. & Griebel, M.A., 2003, Building Type Basics for Justice Facilities, Wiley, 1966.

Stefani, G. & Levasseure, G. & Jambu-Merlin, R, 1978. Catton, C. (1993) "Crime Prevention and Sustainable Development", Open House International, 24(1), pp. 33-40.

Collin (1997) Indicators for the Strategy for Sustainable Development, New York, NY: Vintage Books.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۲۳۶ ■

تبیین نقش هوش هیجانی و مهارت سیاسی در رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین مدیران با رضایت شغلی کارکنان (مطالعه موردی شهرداری بندرعباس)

حمید تابلی - دانشیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، ایران.

آلما فرامرزی^۱ - دانشجوی دکترا مدیریت دولتی گرایش خط مشی و تصمیم گیری دانشگاه آزاد کرمان، ایران.

مهدی مصلحی - عضو هیئت علمی (مربی)، دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، ایران.

Clarifying the role of emotional intelligence and political skill in the relationship between transformational leadership style of managers with job satisfaction (Case Study Municipality of Bandar Abbas)

Abstract

Transformational leadership on organizational psychology is one of the paradigms of leadership that has been widely researched. Transformational leadership, subordinates satisfaction and trust in the leadership, in addition to enhancing their emotional commitment. This study aims to explore the role of emotional intelligence and political skill in the relationship between job satisfaction was the transformational leadership style of managers. The study population and contract managers and employees of the City in Bandar Abbas (300) due to the limited sample size is equal to the population. Analysis of multivariate data analysis methods (SEM) was conducted by LISREL software. The results show that variables such as emotional intelligence, political skills and leadership style on job satisfaction affect the organization. The political skills and emotional intelligence variables affecting the transformational leadership style will lead to increased job satisfaction.

Key words: emotional intelligence, political skills, transformational leadership style, job satisfaction.

چکیده

رهبری تحول آفرین یکی از پارادایم‌های رهبری در روانشناسی سازمانی است که مورد تحقیق گسترده‌ای قرار گرفته است. رهبری تحول آفرین، رضایت زیردستان و اعتماد آنان به رهبری و به علاوه تعهد عاطفی آنان را افزایش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر تبیین نقش هوش هیجانی و مهارت سیاسی در رابطه بین سبک رهبری تحول آفرین مدیران با رضایت شغلی کارکنان بود. جامعه آماری پژوهش مدیران و کارمندان پیمانی و رسمی شهرداری در شهر بندرعباس بودند (۳۰۰ نفر) که به دلیل محدود بودن جامعه، نمونه پژوهش با جامعه برابر است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تجزیه و تحلیل چند متغیره (معادلات ساختاری) توسط نرم افزار لیزرل انجام گرفت. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که متغیرهای هوش هیجانی، مهارت سیاسی و سبک رهبری مدیران بر رضایت شغلی کارکنان در سازمان تأثیر گذارند. از طرفی متغیرهای مهارت سیاسی و هوش هیجانی با تأثیر بر سبک رهبری تحول گرا منجر به افزایش رضایت شغلی کارکنان می‌شود.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، مهارت سیاسی، سبک رهبری تحول گرا، رضایت شغلی.

موضوع سیاستها در سازمان محل تحقیق علمی بوده اند، لکن تنها اخیراً محققان شروع به مطالعه نظامند مهارت سیاسی کرده اند (لیو و همکاران، ۲۰۰۷). به طور کلی علاقه به مهارت های اجتماعی در سالهای اخیر افزایش یافته و تحت عناوینی مانند هوش اجتماعی، هوش عاطفی، خودانعطاف پذیری، خودنظارتی و هوش کاربردی مطرح گردیده است. اگرچه هر یک از این مفاهیم اندکی متفاوت از یکدیگرند، اما همه آنها به عنوان بخشی از مفهوم کلی مهارت اجتماعی شناخته میشوند که اشاره به سهولت در تعامل با دیگران دارد. هر چند بخش اعظمی از مهارت اجتماعی که در زندگی روزانه به کار می رود قابل تعمیم به محیطهای کاری می باشد، لکن برخی از پویاییهای زمینه ای منحصر به فرد در سازمانها وجود دارند که نوعی مهارت اجتماعی خاص را طلب میکنند تا در بستر واقعتهای اجتماعی و سیاسی سازمانی توسعه داده شوند (فریز و همکاران، ۲۰۰۳، پورتر و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع مهارت سیاسی گونه ای منحصر به فرد از مهارت اجتماعی است که باگذشت زمان از طریق آموزش، تجربه و نظارت قابل تغییر است (وندرمات، ۲۰۰۸). گرچه مفاهیم مهارت اجتماعی و مهارت سیاسی بسیار مشابه یکدیگرند، اما تفاوتی نیز دارند. مهارت اجتماعی اشاره به تسهیل در ارتباطات و آسایش در تعاملات بین فردی دارد. مهارت سیاسی فراسوی سهولت و راحتی ارتباط می باشد و بر مدیریت تعامل با دیگران به شیوه مؤثر تمرکز دارد به طوری که منجر به تحقق اهداف فردی و سازمانی می گردد (فریز و همکاران، ۲۰۰۵؛ هوکوآرت و همکاران، ۲۰۰۷؛ بروئر و همکاران، ۲۰۰۶). ماهیت ابزاری مهارت سیاسی بادستیابی به هدف تداومی میشود در حالی که مهارت اجتماعی به عنوان یک زیرمجموعه از رفتار ارتباطی مؤثر است (هوکوآرت و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین مهارت سیاسی شکلی مجزا از مهارت اجتماعی است که هدف آن دستیابی به موفقیت و تحقق اهداف در سطوح فردی و سازمانی است. این مهارت می تواند

امروزه بسیاری از سازمانها دستخوش تغییرند و هرگونه تغییر نیازمند کارکنان و مدیرانی است که انطباق پذیر باشند و با تغییرات سازگار شوند. راین میان تعامل اجتماعی به شیوه ای شایسته و ثمربخش برای بیشتر مدیران و رهبران به عنوان کلیدی در مدیریت تغییرات سازمانی اهمیت فزاینده ای دارد. مطالعات نشان داده است که گوی رقابت آینده را مدیرانی خواهند برد که بتوانند به طور اثربخش و نتیجه بخش با منابع انسانی خود ارتباط برقرار کنند. در این زمینه هوش عاطفی یکی از مؤلفه هایی است که می تواند به میزان زیادی در روابط مدیران با اعضای سازمان نقش مهمی ایفا کند. دانیل گولمن در کتاب خود به نام کار با هوش عاطفی (۱۹۹۸) بر نیاز به هوش عاطفی در محیط کار (محیطی که اغلب به عقل توجه میشود تا قلب و احساسات) تمرکز می کند. او معتقد است نه تنها مدیران و رؤسای شرکتهای نیازمند هوش عاطفی هستند، بلکه هرکسی که در سازمان کار می کند، نیازمند هوش عاطفی است (مورای، ۱۹۹۸). اما هرچه در سازمان به سطوح بالاتر می رویم، اهمیت هوش عاطفی در مقایسه با هوش عقلی افزایش می یابد؛ به همین علت هوش عاطفی از اهمیت زیادی برای یک رهبر برخوردار است (گولمن، ۲۰۰۱). در میان بسیاری از جوامع علمی و دانشگاهی این باور وجود دارد که سازمانها ماهیت سیاسی دارند. بر این اساس فرض می شود که عملکرد، اثربخشی و موفقیت شغلی علاوه برداشتن هوش و پشتکار، نیازمند عوامل دیگر مانند زیرکی اجتماعی، موقعیت یابی و زرنگی است. برخی به خصوصیات که فرد را قادر به اعمال نفوذ موفقیت آمیز می سازد؛ به عنوان سبک بین فردی، ادراک و یا مهارت سیاسی اشاره کرده اند (فریز و همکاران، ۲۰۰۵). نگرش سیاسی به سازمانها اعتقاد دارد که افراد نه تنها برای موفق شدن بلکه برای ماندن و بقا در سازمان باید دارای تمایل (اراده) سیاسی و نیز مهارت سیاسی باشند. گرچه برای دهها

خارج از قلمرو سازمانی رخ دهند اما هدف آن نفوذ و موفقیت سازمانی است (فریز و همکاران، ۲۰۰۳). در همین راستا، رهبرانی که از سطح بالاتری از هوش هیجانی و مهارت سیاسی برخوردارند قادر به تدوین ارزش‌هایی خواهند بود که مورد قبول کارکنان و سازمان بوده و این امر فرایند بهبود پتانسیل نیروی کار را تسهیل می‌کند. از این رو هوش هیجانی و مهارت سیاسی می‌توانند به عنوان شاخصی برای شناسایی و گزینش رهبران سازمانی به حساب آید. در مورد ارتباط رضایت شغلی و سبکهای رهبری می‌توان گفت که بسیاری از صاحب‌نظران به اهمیت انسان‌مداری و نقش آن در ایجاد رضایت اشاره کرده‌اند و به طور کلی معتقدند که در نظام سنتی رهبری و مدیریت، افراد ممکن است علاقه خود را نسبت به کار به تدریج از دست بدهند و از کار خود احساس رضایت نداشته باشد ولی در نظام مبتنی بر توجه به ارزش‌های انسانی، انگیزه زیردستان به همکاری افزایش می‌یابد (بنی‌هاشمی و همکار، ۱۳۸۸).

در این پژوهش به بررسی دوتا از محبوبترین سازه‌های اجتماعی هوش هیجانی (سالوی و مایر، ۱۹۹۹) و مهارت سیاسی (فریس، ۲۰۰۵) می‌پردازیم که تحقیقات اندکی در مورد تاثیر مهارت عاطفی (هیجانی) رهبران در احساسات و عواطف کارکنان و نگرششان نسبت به کارشان صورت گرفته است (بونو و همکاران، ۲۰۰۷) و از آن کمتر در مورد اثر مهارت سیاسی مدیران بر نگرش کارکنان نسبت به شغلشان تحقیق صورت گرفته است (سالوی و مایر، ۱۹۹۷). هدف اصلی پژوهش حاضر کشف روابط بین هوش هیجانی و مهارت سیاسی مدیران با سبک رهبری اتخاذ شده توسط آنها و تاثیر آن بر رضایت شغلی کارکنانشان می‌باشد.

چارچوب نظری

تاریخچه و مفهوم هوش هیجانی

مفهوم هوش هیجانی نخستین بار در سال ۱۹۹۰ توسط پیتر سالووی و جان مایر مطرح شد که بیان

می‌دارد هوش هیجانی نوعی پردازش عاطفی است که شامل ارزیابی صحیح عواطف در خود و دیگران است. دکتر دانیل گلمن هوش هیجانی را شامل توانایی‌هایی می‌داند که شخص بتواند انگیزه‌اش را حفظ نموده و در مقابل مشکلات و استیصال استقامت کرده و در شرایط بحرانی و تکانش‌ها خود را کنترل و خونسردی‌اش را حفظ نماید و با دیگران همدلی کرده و امیدوار باشد (طبری و قربانی، ۱۳۸۸)

دو حوزه متفاوت «هیجان» و «هوش» به کمک هم سازه هوش هیجانی را می‌سازند. هوش هیجانی مشتمل بر توانایی آگاهی نسبت به هیجانها و استفاده از آنها برای افزایش کیفیت زندگی شخصی و اجتماعی است. در واقع میتوان گفت که هوش هیجانی شامل توانایی ادراک و بیان دقیق هیجانها استفاده از آنها برای تسهیل افکار و فهم هیجانها مدیریت کنترل آنها برای رشد هیجانی است. البته تعدادی مفاهیم دیگر شامل شایستگی هیجانی، خلاقیت هیجانی، دقت همدلی، نیز به طور نسبی توسط صاحب‌نظران و محققان تاکنون برای شرح و توصیف این سازه استفاده شده‌اند. علیرغم الگوها و نظریات مختلفی که در باب ابعاد و روشهای اندازه گیری هوش هیجانی وجود دارد، اغلب نظریه پردازان طی سالهای اخیر حداقل بر سر یک موضوع اتفاق نظر دارند و آن اینکه هوش هیجانی به موضوعی محوری برای محققان و مشاوران مدیریتی تحصیلی و روانی تبدیل شده است. این اهمیت بر اساس شواهدی که به خوبی در دنیای کار و در سازمانها نیز رخ نموده است (هریس، ۲۰۱۲).

از جمله دستاوردهای تازه ای که خواستگاه آن روانشناسی بوده و به تازگی در عرصه مدیریت مطرح شده است، مبحث هوش هیجانی است. طی چند دهه گذشته مفهوم هوش هیجانی به صورت روز افزونی در پیشینه نظری و تحقیقات روانشناسی به عنوان سازه ای که با رفتارهای متعدد انسان در محیطهای مختلف ارتباط دارد معرفی شده است و هوش هیجانی مشتمل بر توانایی آگاهی نسبت به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

هیجان ها و استفاده از آنها برای افزایش کیفیت زندگی شخصی و اجتماعی است. در واقع میتوان گفت که هوش هیجانی شامل توانایی ادراک و بیان دقیق هیجانها و استفاده از آنها برای تسهیل افکار و فهم هیجانها مدیریت کنترل آنها برای رشد هیجانی است، البته تعدادی مفاهیم دیگر شامل شایستگی هیجانی، خلاقیت هیجانی، دقت همدلی، نیز به طور نسبی توسط صاحب نظران و محققان تاکنون برای شرح و توصیف این سازه استفاده شده اند. هوش هیجانی از مولفه مختلفی تشکیل شده است که عبارتند از:

۱. خودآگاهی (self-awareness): آگاهی نسبت به هیجانها.

۲. خودنظمی (self-regulation): اداره یا مدیریت هیجانی خود.

۳. همدلی (empathy): درک هیجانها و احساسات و عواطف افراد دیگر.

۴. مهارتهای اجتماعی (social skill): هدایت یا آموزش افراد دیگر برای اینکه بتوانند هیجانهای خود را اداره کنند (شریفی، ۱۳۸۶).

سبک رهبری تحول آفرین

یکی از دغدغه های سازمان ها و پژوهشگران در چهار دهه ی پیش، رهبری بوده است و تلاش بر آن بوده که این پدیده را با تعدادی از معیارهای دانشگاهی عمل کنند. یکی از جدیدترین رویکردها که برای مطالعه رهبری پدید آمده است. رهبری تحول آفرین بوده است. رهبران تحول آفرین نیازها و فرایندهای

پیروان را بالا می برند و باعث تغییر برجسته در افراد، گروه ها و سازمان ها می شوند. بر اساس نظریه ی رهبری تحول آفرین یک رهبر، نیازمند استفاده از بازیگران داخلی جهت انجام وظایف لازم برای سازمان است تا به اهداف مطلوبش دست یابد. در این زمینه هدف رهبری تحول آفرین آن است که اطمینان یابد مسیر رسیدن به هدف، به وضوح از سوی بازیگران داخلی درک شده است. رهبری تحول آفرین کسی است که به منظور تقویت عملکرد کارکنان و سازمان رابطه مثبتی با زیر دستان برقرار و کارکنان را تشویق می کند که در نیازهای شخصی فراتر بروند و در زمینه تمایلات گروه و سازمان کار کنند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۸).

مولفه های رهبری تحول آفرین

رهبری تحول آفرین برای عملی شدن به چهار مولفه یا عامل که به عنوان عناصر تشکیل دهنده شناخته شده اند نیاز دارند:

۱- «نفوذ آرمانی»: در این حالت، خصوصیات رهبری کاریزماتیک را دارد، مورد اعتماد و تحسین زیر دستان است، زیردستان او را به عنوان یک الگو و مدل می شناسند و سعی می کنند که همانند او شوند.

۲- «انگیزش الهام بخش»: رهبر کارکنان را ترغیب می کند تا به هدف و قابل دستیابی بودن آن با تلاش، باور پیدا کنند. این افراد معمولاً نسبت به آینده و قابل دسترس بودن اهداف خوش بین هستند.

جدول ۱. مولفه های اصلی هوش هیجانی

خودآگاهی	توانایی شناسایی و درک عواطف، احساسات، ضعف ها و قوت های خود
خودکنترلی	توانایی تسلط بر عواطف و احساسات، تسکین دادن خود، دور کردن خود از اضطراب ها و انجام فکر قبل از عمل
انگیزش	داشتن انرژی و تمایل بالا برای رسیدن به هدف فراتر از کسب پول و وجهه
همدلی	توانایی قرار دادن خود به جای دیگران و درک عواطف و احساسات آنها
مهارت اجتماعی	توانایی مدیریت روابط و ساختن شبکه برای بدست آوردن نتایج مطلوب

۳- «ترغیب ذهنی»: رهبر به صورت ذهنی کارکنان را برمی‌انگیزد این رهبران و پیروانشان را تشویق می‌کند که در حل مسائل، خلاقانه برخورد کنند و تکنیک‌های حل مساله نوآورانه را پیاده می‌کنند.

۴- «ملاحظات فردی»: رهبر نیازهای احساس زبردستان را بر آورده می‌کند. این رهبران نیازهای افراد را تشخیص می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا مهارتهایی را که برای رسیدن به هدف مشخص لازم دارند پرورش دهند.

ماهیت مهارت سیاسی

سه دهه پیش یعنی در دهه ۱۹۸۰ سازه مهارت سیاسی توسط ففر (۱۹۸۱) به ادبیات علوم سازمانی معرفی شد که با کار مستقل و موازی انجام شده توسط مینتزبرگ (۱۹۸۵، ۱۹۸۳) مشترک بود (فریز و تردوی، ۲۰۱۲). مینتزبرگ مهارت سیاسی را به عنوان شایستگی مورد نیاز برای موفقیت شغلی معرفی کرد که شامل اعمال نفوذ از طریق ترغیب، دستکاری و مذاکره است (فریز و همکاران، ۲۰۰۵) و از طریق استفاده از تاکتیکها و استراتژی‌های سیاستهای سازمانی توسعه داده می‌شود. «ففر»، مهارت سیاسی را یک مشخصه فردی می‌داند که برای توصیف مؤثر رفتار سیاسی به منظور به دست آوردن یا توسعه قدرت ساختاری تعیین شده به کار گرفته می‌شود. به نظر وی قدرت، اعمال نفوذ را منعکس می‌کند، سیاستها راهبردهایی هستند که برای ایجاد یا بدست آوردن قدرت استفاده می‌شود و مهارت سیاسی مجموعه مهارتهایی را برای به کار بردن مؤثر منابع و اجرای رفتار سیاسی فراهم می‌کند (فریز و تردوی، ۲۰۱۲). این مفهوم تا حدودی مشابه سازه «کارآمدی سیاسی» در ادبیات علم است که به معنای این است که تغییر سیاسی و اجتماعی امکانپذیر و شهروندان می‌توانند در ایجاد چنین تغییراتی نقش ایفاء کنند (بروئر و همکاران، ۲۰۰۶).

به طور کلی مفهوم مهارت سیاسی، نخستین بار توسط ففر (۱۹۸۱) و مینتزبرگ (۱۹۸۳) به منظور

توصیف ویژگیهای فردی در هدایت مؤثر بعد سیاسی زندگی کاری مطرح شد، اما تحقیق پیرامون آن در اواخر دهه ۱۹۹۰ با کار فریز و همکاران (۱۹۹۹) ادامه یافت. این دو در رابطه با استفاده مناسب از رفتارهای سیاسی به عنوان مجموعه مهارتهایی که متضمن عملکرد خوب و پیامدهای موفقیت آمیز کاری می‌باشد، آغاز کردند (کول، ۲۰۰۷). گرچه مینتزبرگ تمایل داشت مهارت سیاسی را به قدرت رسمی مرتبط کند، اما چنین مهارتی با ایده‌های پیشنهاد شده توسط برخی محققان در رابطه با «اعمال نفوذ عاری از اختیار رسمی» بهتر تناسب دارد (پرو و همکاران، ۲۰۰۴). استدلال وی این بود که افراد قبل از درگیر شدن رفتار سیاسی نیاز به اراده سیاسی و مهارت سیاسی دارند. افرادی که مهارت سیاسی زیادی دارند در مورد ارتباطاتی که با دیگران شکل می‌دهند کاملاً حسابگر و زیرک هستند، به دیگران اعتماد و اطمینان را القاء می‌کنند که به آنها اجازه می‌دهد، چنین سرمایه اجتماعی را به طور مؤثر مدیریت کنند (وندرمات، ۲۰۰۸). به اعتقاد فریز و همکاران (۱۹۹۹) مهارت سیاسی باید احساس اعتماد به نفس و امنیت شخصی ایجاد کند، زیرا افراد احساس کنترل دیگران در کار و راهبردهای موردنیاز برای بدست آوردن آنچه خودشان می‌خواهند را تجربه خواهند کرد (پرو و همکاران، ۲۰۰۴). سوفر (۱۹۷۰) معتقد است مدیر اجرایی موفق می‌داند چه موقع اشتیاق، محبت، علاقه، نگرانی، تواضع، اطمینان و تسلط را شبیه‌سازی کند، چه موقع لبخند بزند، با چه کسی بخندد و چگونه با دیگران صمیمی شود. اگر این اقدامات موفقیت آمیز باشد، فرد شخصیتی در هماهنگی با محیط خود خواهد داشت. مهارت سیاسی یک قابلیت بین فردی ارائه می‌دهد که بسیار شبیه سایر استعدادها سازمانی از قبیل مذاکره، گسترش تعارض، خودکنترلی و توسعه شبکه می‌باشد که بر پیامدهای مثبت مانند پرداخت و ارتقاء اثر می‌گذارد و وقایع نامطلوب مانند تقاضاهای شغلی و تعارض بین فردی را به

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

حداقل می‌رساند (کپاتسیس و همکاران، ۲۰۱۱). مطالعات مفهومی و تجربی مهارت سیاسی را «توانایی درک مؤثر دیگران و موقعیتها در کار و استفاده از چنین دانشی برای نفوذ در دیگران برای عمل به شیوه‌ای که اهداف فردی یا سازمانی فرد را افزایش می‌دهد تعریف کرده‌اند» (فریز، تردوی و همکاران، ۲۰۰۵؛ کول، ۲۰۰۷؛ لیو، ۲۰۰۷؛ پرو و همکاران، ۲۰۰۷؛ فریز و همکاران، ۲۰۰۹؛ جون، ۲۰۰۹؛ کیسامور و همکاران، ۲۰۱۰؛ کیلین، ۲۰۱۱). بر اساس این تعریف، میتوان استدلال کرد مهارت سیاسی شامل توانایی ارتباط مؤثر با دیگران است (کیسامور و همکاران، ۲۰۱۰). اگر چه این مهارت برای شغل ضروری نیست، اما برای عملکرد و بقا در سازمانهای پیچیده و پویای امروزی ترویج داده می‌شود (کیلیفور، ۲۰۱۱).

ابعاد مهارت سیاسی

بزعم فریز و همکاران مهارت سیاسی، سازه‌ای چند بعدی و متشکل از اجزای متمایز و درعین حال به هم مرتبط میباشد که عبارتند از: هوشیاری اجتماعی، نفوذ بین فردی، توانایی شبکه سازی و صمیمیت آشکار (فریز و همکاران، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و درمات، ۲۰۰۸).

هوشیاری (زیرکی) اجتماعی

اشاره به توانایی افراد در درک دقیق موقعیتهای اجتماعی دارد که شامل رفتارهای خود و دیگران است (پرو و همکاران، ۲۰۰۷). افرادی که از نظر اجتماعی زیرک هستند از خودآگاهی و بصیرت زیادی در محیطهای اجتماعی برخوردارند. این ویژگی توسط ففر (۱۹۹۲) تحت عنوان «حساس بودن نسبت به دیگران» مطرح شده است (فریز و همکاران، ۲۰۰۸). بلس و فریز (۲۰۰۷) معتقدند افرادی که از زیرکی اجتماعی برخوردارند پیوسته مراقب دیگران و وضعیتهای اجتماعی هستند و رفتار خود را بر اساس آن تعدیل می‌کنند و قادرند به طور دقیق موقعیتهای اجتماعی و تعاملات فردی که در این موقعیتهای رخ میدهد را شناسایی کنند. آنها

توانایی زیادی برای متقاعد کردن دیگران دارند و این مهارت را برای اهداف مختلف به کار می‌برند (فریز و همکاران، ۲۰۰۸). شایستگیهای اجتماعی این افراد، امکان تحقق اهداف فردی یا سازمانی را از طریق درک و نفوذ بردیگران در تعاملات اجتماعی کاری افزایش میدهد (بلیکل، وندل، فریز، ۲۰۱۰؛ لیو، ۲۰۰۷) افراد دارای زیرکی اجتماعی قادرند رفتارهای دیگران را تفسیرکنند، موقعیتهای اجتماعی را درک کنند و در ارتباط با دیگران دارای قوه ابتکار هستند. این شکل از مهارت سیاسی بر توانایی کارکنان برای سنجش بهترین زمان ورود برای شروع تغییر اثر خواهد گذاشت (کیلیفور، ۲۰۱۱). این افراد مشاهده‌گران زیرک محیط اجتماعی خود هستند، نه تنها پیچیدگیهای پیرامون خود را بلکه انگیزه‌های خود و دیگران را نیز در کمی کنند (فریز و تردوی، ۲۰۱۲).

نفوذ بین فردی: به توانایی افراد دارای مهارت سیاسی به نفوذ بر کسانی که با آنها تعامل دارند اشاره میکند (پرو و همکاران، ۲۰۰۷). و به معنای توانایی ایجاد تغییرات مطلوب در افراد دیگر است مینتزربرگ (۱۹۸۳) توانایی مذاکره و نفوذ در دیگران را به عنوان ویژگی ذاتی مهارت سیاسی عنوان میکند (فریز و همکاران، ۲۰۰۹). کسانی که از نفوذ بین فردی بیشتری برخوردارند قادرند به طور استراتژیک رفتار خود را با افراد مختلف در محیطهای گوناگون تغییر دهند (فریز و همکاران، ۲۰۰۸). فروتن و متقاعدکننده هستند که به طور مفهومی مشابه اصطلاح ففر (۱۹۹۲) از انعطاف پذیری است که به عنوان توانایی فرد برای انطباق پذیری است (کیلیفور، ۲۰۱۱). این افراد از یک سبک متقاعدکننده زیرکانه برای اعمال نفوذ بر دیگران استفاده می‌کنند (بینگ، ۲۰۱۱).

توانایی شبکه سازی: به عنوان یکی از ابعاد مهارت سیاسی اشاره دارد به اینکه افراد سیاسی در ایجاد ارتباطات، دوستیها و اتحادها مهارت دارند. این توانایی (سرمایه اجتماعی) ایجاد می‌کند که افراد

را با منابع بیشتری به منظور تحقق اهداف مجهز میسازد (پرو و همکاران، ۲۰۰۷). افرادی که از توانایی شبکه‌سازی مناسبی برخوردارند، قادرند به طور موفقیت آمیز مشارکت مؤثر و سودمند با دیگران در محل کار برقرار کنند. توانایی شبکه‌سازی قویترین پیش‌بینی کننده تاکتیک‌های نفوذ درخواست رو به بالا، ائتلافها و قاطعیت (جسارت) است. (فریز و همکاران، ۲۰۰۷). افرادی که مهارت سیاسی زیادی دارند کسانی که منابع یا ارتباطات سودمندی دارند را شناسایی کرده و شبکه‌های اجتماعی با آنها ایجاد می‌کنند (بینگ، ۲۰۱۱) و از این طریق دارای سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی می‌شوند (پرو و همکاران، ۲۰۰۷) بعلاوه افراد سیاسی ماهر قادر به اداره مؤثر تعارض و مذاکرات هستند که احتمال ایجاد ارتباطات قوی آنها با دیگران را تقویت می‌کند (فریز و تردوی، ۲۰۱۲).

صداقت آشکار

اشاره به داشتن اعتبار، صداقت و انسجام دارد. افرادی که از صداقت آشکار برخوردارند اعتماد و حمایت همکاران خود را هنگامی که درگیر تلاشهای نفوذ می‌شوند را جلب می‌کنند (بلیکل، وندل، فریز، ۲۰۱۰) (لیو، ۲۰۰۷). از میان چهار بعد مهارت سیاسی، صداقت آشکار به بهترین شکل به پتانسیل نفوذ موفقیت آمیز توجه دارد (فریز و همکاران، ۲۰۰۸). این افراد صمیمی، قابل اعتماد، درستکار و صادق هستند (پرو و همکاران، ۲۰۰۴). به دلیل صمیمیت آشکار، اعمال آنها به عنوان فریبکاری تلقی نمی‌شود و دیگران آنها را قابل اعتماد می‌دانند (بینگ، ۲۰۱۱). با برخورداری از اعتماد به نفس و امنیت شخصی دیگران را مجذوب خود کرده و به آنها احساس آسودگی القاء می‌کنند. افرادی که از نظر سیاسی مهارت دارند نه تنها به طور دقیق میدانند در موقعیتهای اجتماعی مختلف چه کاری انجام دهند، بلکه میدانند چگونه آنرا انجام دهند تا هرگونه انگیزه خود خدمتی را پنهان کنند و کار آنها به شیوه‌ای اصیل و صادقانه تفسیر شود (لیو، ۲۰۰۷)؛

فورد، ۲۰۱۱).

رضایت شغلی

صاحب‌نظران معتقدند که رضایت شغلی نوعی نگرش است و در تعریف آن می‌گویند رضایت شغلی عبارت است از نگرش فرد نسبت به شغل و به زبان ساده چگونگی احساس فرد نسبت به شغلش و جنبه‌های گوناگون آن (سیدجوادین، ۱۳۸۵). تحقیقات نشان می‌دهند که علت نگرش مثبت و منفی افراد نسبت به شغل و کارشان به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- عواملی که مربوط به سیاستها و رویه‌های سازمان است.

- ۲- عواملی که مربوط به شرایط کار و یا نحوه قرار گرفتن در محل انجام دادن کار می‌باشد.

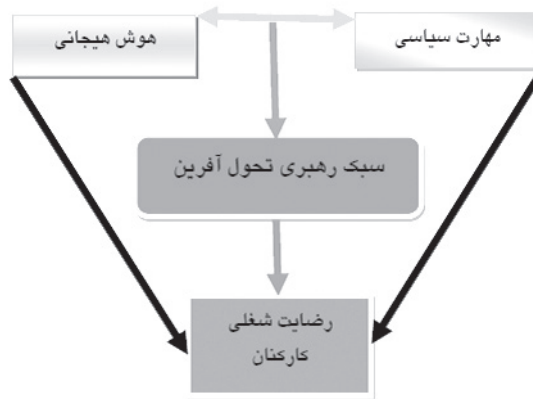
- ۳- عواملی که در ارتباط با شخصیت‌های فردی کارکنان می‌باشد.

به طور کلی رضایت شغلی یک متغییر نگرشی است. در گذشته رضایت شغلی بیشتر بر اساس سلسله مراتب مازلو انجام می‌گرفت و تمرکز بر ارضای نیازهای جسمانی و روانی افراد از قبیل پرداخت حقوق و دستمزد و منزلت و احترام به افراد بود (پورتر، ۱۹۹۹). اما امروزه محققان، بیشتر به فرایندهای شناختی توجه دارند تا نیازهای اساسی و بنیادی (لاک، ۲۰۰۰).

هوش هیجانی و رهبری تحول آفرین

این مسأله سالها فکر محققان را به خود مشغول کرده است که چه چیزی باعث میشود افرادی خاص، سبک رهبری تحول آفرین را انتخاب کنند و چه چیزی باعث میشود برخی از رهبران مؤثرتر از دیگران باشند (جاج و بانو، ۲۰۰۰). اخیراً رهبری تحول آفرین با مفهوم هوش عاطفی پیوند خورده است و مطالعات گوناگون (سی وانتن، بارلینگ و همکاران، ۲۰۰۰؛ گاردنر و استو، ۲۰۰۲؛ پالمر و همکاران، ۲۰۰۱؛ فکن، ۲۰۰۲؛ لبانوزولا، ۲۰۰۴؛ ورزت و سیاروچی، ۲۰۰۵) نشان می‌دهند که رهبری تحول آفرین به طور ذاتی باهوش عاطفی در ارتباط است. اشکانسی و تس بیان کردند که رهبران





مدیران بر عملکرد، تعهد سازمانی و استرس شغلی و در نهایت رضایت شغلی کارکنان تاثیر می گذارد. هوش هیجانی، مهارت سیاسی، رضایت شغلی میسر (۲۰۱۴)، بر اساس یافته ها نشان می دهد هوش هیجانی تاثیر مثبتی بر مهارت سیاسی کارکنان در محیط کار می گذارد و همچنین مهارت سیاسی واسطه بین هوش هیجانی و رضایت شغلی کارکنان می باشد. بنابر آنچه گفته شد فرضیات و مدل مفهومی بالا ارائه می شود:

فرضیه ۱- هوش هیجانی بر مهارت سیاسی مدیران تاثیرگذار است و بر عکس.

فرضیه ۲- هوش هیجانی و مهارت سیاسی مدیران بر سبک رهبری مدیران در شهرداری تاثیرگذار است.

فرضیه ۳- هوش هیجانی و مهارت سیاسی مدیران بر رضایت شغلی کارکنان تاثیرگذار است.

فرضیه ۴- سبک رهبری تحول گرا مدیران بر رضایت شغلی کارکنان موثر است.

فرضیه ۵- سبک رهبری تحولی مدیران، ارتباط مثبت بین هوش عاطفی و مهارت سیاسی مدیران با رضایت شغلی کارمندان را افزایش می دهد.

روش شناسی تحقیق

نمونه تحقیق

نمونه این مطالعه، مدیران و کارمندان پیمانی و رسمی شهرداری در شهر بندرعباس را با تعداد ۳۰۰ شرکت کننده دربرمی گیرد. از ۳۰۰ پرسشنامه ی

تحول آفرین نیازمند سطح بالایی از هوش عاطفی هستند و پیشنهاد کردند که این بینش درارتباط بین عملکرد - رهبری در نظر گرفته شود (اشکانسی و تس، ۲۰۰۲).

هوش هیجانی و سبک رهبری تحول آفرین

تحقیقات انجام شده در زمینه هوش هیجانی و سبک رهبری تحول آفرین نشان می دهد که یک رابطه مثبت و معنادار بین آنها وجود دارد. از مزایای استفاده از این سبک می توان رضایت شغلی، افزایش بهره وری سازمان، کاهش استرس در زیر دستان را نام برد (کیوانلو، سید احمدی، ۱۳۸۹).

هوش هیجانی و رضایت شغلی

ونگ و لائو (۲۰۰۲)، در هنگ کنگ تاثیر هوش هیجانی سرپرست و زیردستان آنها را بر عملکرد، رضایت شغلی، تعهد سازمانی، و تمایل به ترک خدمت مورد بررسی قرار داده و نشان دادند که بین هوش هیجانی و رضایت شغلی، رابطه معناداری وجود دارد و در پژوهشی نشان داد که مدیران ارشد با هوش هیجانی بالاتر، رضایت شغلی بیشتری دارند.

هوش هیجانی، رضایت شغلی، رهبری تحول آفرین

سان (۲۰۱۲)، بر اساس یافته ها نشان می دهد که یک رابطه مثبت بین هوش هیجانی مدیران و سبک رهبری تحول آفرین و رضایت شغلی کارکنان وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش هوش هیجانی

جدول ۱. شاخص های برازش مدل

df	χ^2/df	RMSEA	p- value	GFI	AGFI	NFI
۴۸۵	۲/۱۸	۰/۰۷۸	۰/۱۰۷	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۵
بیشتر از صفر	کمتر از ۳	کمتر از ۰,۰۸	بیشتر از ۰,۰۵	بیشتر از ۰,۹	بیشتر از ۰,۹	بیشتر از ۰,۹

و به منظور ارزیابی سطح هوش عاطفی در مدیران از مقیاس هوش عاطفی وانگ و همکاران (۲۰۰۴) که شامل ۴۰ سوال استفاده شد. یکی از قویترین و مناسب ترین روش های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و علوم اجتماعی تجزیه و تحلیل چند متغیره است؛ زیرا ماهیت این گونه موضوعات، چند متغیره بوده و نمی توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می شود) حل نمود. تجزیه و تحلیل چند متغیره به یک سری روش های تجزیه و تحلیل اطلاق می شود که ویژگی اصلی آنها، تجزیه و تحلیل همزمان K متغیر مستقل و N متغیر وابسته است. تجزیه و تحلیل ساختارهای کوواریانس یا مدل سازی علی یا مدل معادلات ساختاری یکی از اصلی ترین روش های تجزیه و تحلیل ساختارهای داده ای پیچیده است؛ بنابراین از آنجاییکه در تحقیق حاضر چند متغیر مستقل وجود دارد که می باید اثر آنها بر روی متغیر وابسته مورد بررسی قرار گیرد، استفاده از مدل معادلات ساختاری ضرورت می یابد.

یافته های پژوهش

همانطور که جدول (۱-۱) نشان می دهد، نتایج تخمین حاکی از مناسب بودن شاخص RMSEA دارد. مقدار RMSEA نیز برابر با ۰,۰۷۸ می باشد. حد مجاز RMSEA، ۰,۰۸ است. با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۱۰۵۸,۹۷ می باشد که نسبت به درجه آزادی ۴۸۵ کمتر از عدد ۳ می باشد و با توجه به معنادار نبودن P-Value حکایت از برازش مناسب آماره کای اسکور دارد. شاخص های AGFI، GFI و NFI بترتیب برابر با ۰,۹۱، ۰,۹۳ و ۰,۹۵ می باشند که نشان دهنده برازش کاملاً بالایی می باشند.

پخش شده ۲۸۵ نفر از کارمندان و مدیران با نرخ بازگشت ۹۵ درصد به سوالات پاسخ دادند. از پرسشنامه های برگشت داده شده ۳۵ عدد پاسخ نامه به علت پاسخ ناقص از تحلیل کنار گذاشته شد. تعداد شرکت کننده های معتبر ۲۵۰ نفر اعلام شد. ۵۲ درصد پاسخ دهندگان را مرد تشکیل داده است و مابقی را زن. در گروه مدیران، محدوده سن پاسخ دهندگان از ۳۲ تا ۵۰ سال بوده در گروه کارکنان، سن پاسخ دهندگان از ۲۶ سال تا ۵۲ سال را شامل شد. تحصیلات تمام نمونه از فوق دیپلم به بالاتر بود. درصد سابقه کار در محدوده ۲ تا ۲۳ سال می باشد.

ابزار سنجش و فنون آماری

داده های مربوط به رهبری تحول آفرین با استفاده از پرسشنامه چندعاملی رهبری که توسط بس و اوولینو طراحی شده است، به دست آمد. این پرسشنامه با درهم آمیختن سوالات مربوط به سه شیوه رهبری؛ تحول آفرین، مبادله ای و عدم مداخله گر، تکمیل کنندگان پرسشنامه را در موقعیتی قرار می دهد تا آنچه را که به واقعیت نزدیک تر است علامت گذاری کنند. این پرسشنامه شامل ۳۶ سؤال است و در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت و به دو صورت فرم مخصوص رهبران و فرم مخصوص پیروان تنظیم شده است که شیوه رهبری یک فرد را از دیدگاه خود و پیروانش مورد بررسی قرار می دهد. داده های مربوط به مهارت سیاسی از ترجمه پرسشنامه مهارت سیاسی فریس (۲۰۰۵)، که شامل ۴۰ سؤال و در قالب مقیاس پنج گزینه ای لیکرت است مورد سنجش قرار گرفت و داده های مربوط به رضایت شغلی از پرسشنامه مینه-سوتا شامل ۴۰ سؤال است استفاده شده است

جدول ۲. بررسی رد یا تأیید شدن فرضیه تحقیق

تأیید / رد	معناداری اثر مستقیم	میزان تاثیر			فرضیات
		اثر کل	اثر غیر مستقیم	اثر مستقیم	
تأیید	۵,۴۶	۰,۶۳	--	۰,۶۳	هوش هیجانی بر مهارت سیاسی مدیران تاثیر گذار است.
تأیید	۳,۲۱	۰,۳۸	--	۰,۳۸	مهارت سیاسی بر هوش هیجانی مدیران تاثیر گذار است.
تأیید	۳,۹۲	۰,۶۲	۰,۵۶*۰,۳۸	۰,۴۱	مهارت سیاسی مدیران بر سبک رهبری مدیران تاثیر گذار است.
تأیید	۶,۱۲	۰,۸۱	۰,۴۱*۰,۶۳	۰,۵۶	هوش هیجانی مدیران بر سبک رهبری مدیران تاثیر گذار است.
تأیید	۴,۳۲	-	-	۰,۴۷	سبک رهبری تحول گرا مدیران بر رضایت شغلی کارکنان موثر است.
تأیید	۴,۷۸	۰,۷۲	۰,۴۷*۰,۴۱	۰,۵۳	مهارت سیاسی مدیران بر رضایت شغلی کارکنان موثر است.
تأیید	۵,۸۰	۰,۸۷	۰,۴۷*۰,۵۶	۰,۶۱	هوش هیجانی مدیران بر رضایت شغلی کارکنان تاثیر گذار است.

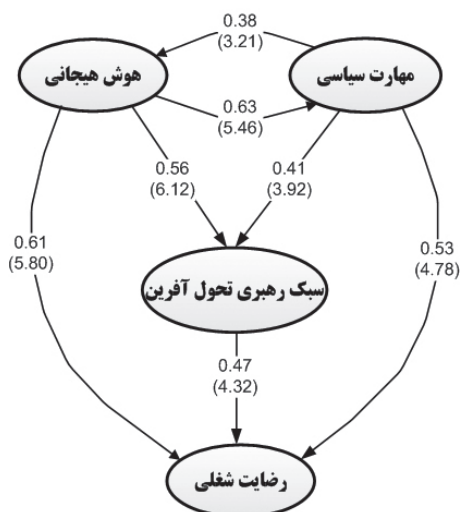
آزمون فرضیات

نتایج تأیید یا رد فرضیات را در جدول ۲ می توان مشاهده نمود.

نتایج این آزمون نشان می دهد که متغیرهای هوش هیجانی، مهارت سیاسی و سبک رهبری مدیران بر رضایت شغلی کارکنان در سازمان تاثیر گذارند. از طرفی متغیرهای مهارت سیاسی و هوش هیجانی با تاثیر بر سبک رهبری تحول گرا منجر به افزایش رضایت شغلی کارکنان می شود.

نتیجه گیری و جمع بندی

یافته های حاصل از مطالعه میدانی نشان می دهد که هوش هیجانی بر مهارت سیاسی مدیران تاثیر گذار است و بالعکس اما هوش هیجانی بر مهارت سیاسی تاثیری بیشتری می گذارد. از طرف دیگر هوش هیجانی و مهارت سیاسی مدیران بر رضایت شغلی کارکنان تاثیر گذار است. اما این تاثیر با وجود سبک رهبری تحول آفرین بیشتر می شود



یعنی اثر غیرمستقیم این دو متغیر از اثر مستقیم آنها بیشتر است یعنی این سازه ها با تاثیر بر سبک رهبری تحول آفرین مدیران منجر به رضایت شغلی بیشتر پرسنل می شوند. می توان چنین عنوان کرد که تایید وجود رابطه مثبت بین هوش عاطفی و سبک رهبری تحول بخش در این مطالعه

Ashkanasy, N. M., Hartel, C. E. J., & Daus, C. S. (2002). Diversity and emotion: the new frontiers in organizational behavior research. *Journal of Management*, 28, 307-338

Blickle, G., Schneider, P. B., Liu, Y., & Ferris, G. R. (2011). A Predictive Investigation of Reputation as Mediator of the Political Skill/Career Success Relationship¹. *Journal of Applied Social Psychology*, 41(12), 3026-3048.

Blickle, G., Wendel, S. & Ferris, G. (2010). Political skill as moderator of personality-Job Performance relationships in socioanalytic theory: Test of getting ahead motive in automobile sales. *Journal of Vocational Behavior*, 76(2010):326-335

Brouer, R. L., Ferris, G. R., Hochwarter, W. A., Laird, M. D., & Gilmore, D. C. (2006). The strain-related reactions to perceptions of organizational politics as a workplace stressor: Political skill as a neutralizer. *Handbook of organizational politics*, 187, 206.

Brouer, R. L., Harris, K. J., & Kacmar, K. M. (2011). The moderating effects of political skill on the perceived politics-outcome relationships. *Journal of Organizational Behavior*, 32(6), 869-885

Coole, D. R. (2007). Expansion and Validation of the Political Skill Inventory (PSI): An Examination of the Link Between Charisma, Political Skill, and Performance. (PHD Dissertation), University of South Florida

Ferris, G. R., Treadway, D. C., Kolodinsky, R. W., Hochwarter, G. R., Davidson, S. L., & Perrewe, P. L. (2005). Political skill at work: Impact on work effectiveness. Davies-Black Publishing

Ferris, G. L., Perrewé, P. L., Anthony, W. P., & Gilmore, D. C. (2000). Political skill at work. *Organizational Dynamics*, 28(4):25-37

Ferris, G. L., Perrewé, P. L., Anthony, W. P., & Gilmore, D. C. (2003). Political skill at work. *Organizational Influence Processes* (Porter, L. W. et al. Eds.), New York, ME Sharpe, 395-406.

Ferris, G. R., Rogers, L. M., Blass, F. R., Hochwarter, W. A. (2009). Interaction of Job-Limiting Pain and Political Skill on Job Satisfaction and Organizational Citizenship behavior. *Journal of Managerial Psychology*, 24(7):584-608

Ferris, G. R., Solga, J., Noethen, D. & Meurs, J. A. (2008). Political Skill Construct and Criterion

با یافته های بنجامین پایمر و نیز مطالعات کوتزی و اسکاپ، مرتضوی همگرا می باشد. همچنین با نتایج یافته های دانگ و هووارد (۲۰۰۶) و استوار و امیرزاده خاتونی (۱۳۸۷) که نشان دادند هوش هیجانی قدرت پیش بینی رضایت شغلی را دارد مطابقت دارد. و همچنین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش سان (۲۰۱۲) که یک رابطه مثبت بین هوش هیجانی مدیران و سبک رهبری تحول آفرین و رضایت شغلی کارکنان رانشان می دهد مطابقت دارد. از آنجایی که کارکنان با رضایت شغلی بالا دارای عملکرد بهتری هستند و عملکرد بهتر کارکنان منجر به موفقیت سازمان می شود لذا پیشنهاد می شود سازمانها مدیرانی را در سمتهای مدیریتی خود قرار دهند که از هوش هیجانی و مهارت سیاسی بالایی برخوردار باشند تا با انتخاب سبک رهبری بتوانند تاثیر به سزایی در رضایت شغلی کارکنان داشته باشند.

منابع و ماخذ

آقایار، سیروس، شریفی، منصور (۱۳۸۶) هوش هیجانی سازمانی، انتشارات سپاهان.

بنی هاشمی، کوروش، مودن، منصور، (۱۳۸۸) رابطه سبک رهبری و هوش هیجانی مدیران و اثر آن بر رضایت شغلی کارکنان، مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان، دوره ۱۹، شماره ۷۴

سید جوادین، سید رضا (۱۳۸۵) مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات ترمه.

طبری، مجتبی، قربانی، مهرناز (۱۳۸۸) نقش هوش هیجانی بر شیوه تصمیم گیری مدیران، فصلنامه مدیریت، سال ۶، شماره ۱۶.

کیوانلو، فهیمه، کوشان، محسن، سید احمدی، محمد (۱۳۸۹) رابطه هوش هیجانی با سبک رهبری، مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی سبزوار، دوره ۱۸، شماره ۱

یعقوبی، نور محمد، اورعی یزدانی، بدرالدین، مقدمی، مجید (۱۳۹۱) بررسی رابطه بین هوش عاطفی و سبک رهبری تحول آفرین، پژوهشنامه مدیریت اجرایی، سال ۹، شماره ۱

Related Validation: A Two Study Investigation. *Journal of Managerial Psychology*, 23(7):744-771

Ferris, G.R., & Treadway, D.C. (2012). *Politics in organizations*. Routledge. Taylor & Francis Group

Ferris, G. R., Treadway, D. C., Kolodinsky, R. W., Hochwarter, W. A., Kacmar, C. J., Douglas, C., & Frink, D. D. (2005). Development and validation of the political skill inventory. *Journal of Management*, 31(1), 126-152.

Ferris, G. R., Treadway, D. C., Perrewé, P. L., Brouer, R. L., Douglas, C., & Lux, S. (2007). Political skill in organizations. *Journal of Management*, 33(3), 290-320.

Ferris, G.R., Perrewe, P., Anthony, W.P., Gilmore, D. C. (2000). Political skill at work, *Organizational Dynamics*, 28(4):25-37

Golman, Daniel (2001) *An EI – Based Theory of Performance*,

Kapoutsis, I., Papalexandris, A., Nikolopoulos, A., Hochwarter, W. A., & Ferris, G. R. (2011). Politics perceptions as moderator of the political skill–job performance relationship: A two-study, cross-national, constructive replication. *Journal of Vocational Behavior*, 78(1), 123-135.

Kaylee Ford, D. (2011). *An evaluation of moderating influences of employee proactive personality: empowerment and political skill*. (PHD dissertation). portland state university.

Mayer, J. D. , & Salovey, P. (1999). What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.) *Emotional Development and Emotional Intelligence: Implications for Educators*. NY: Basic Books.

Liu, Y. et al. (2007). Dispositional antecedents and outcomes of political skill in organizations: A four-study investigation with convergence, *Journal of Vocational Behavior*. 71(2007):146-165

Lock, J. (2000). 'jobsatisfaction of quick service restaurant employees hospitality research journal'

Perrewe, P.L., & Nelson, D.I. (2004). Gender and Career Success: The Facilitative Role of Political Skill. *Organizational Dynamics*, 33(4):366-378

Porter, L.W., Angle, H.L., & Allen, R.W. (2003). *Organizational influence Processes*. M.E. Sharpe, Inc.,

Porter, L.W. (1999). *job attitudes in management, human relations*.

Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185–211.

Wong, C. Low, K. (2002) The effect of leader and follower emotional intelligence on performance and attitude: An exploratory study, *The Leadership Quarterly*, vol 13.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۲۴۸ ■

رهیافتی بر شناسایی بایسته های سیاستهای اقتصاد مقاومتی بر سیاستهای شهرسازی و صنعت ساختمان

محمد مهدی بلندیان* - کارشناس ارشد معماری گرایش مرمت و احیاء بناها و بافتهای تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

سارا ناصری - کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Approach to identify requirements of urban development policies and economic policies of resistance to building industry

Abstract

Current situation of and demands on the time and place of the major decisions in the field of urban planning and architecture had an effect. The economic impact resistance requirements of the policies in the policy formulation should be considered before planning and building industry. The analytical method to collect data library studies as well as research method and logical reasoning to object approaches the emergence necessities of the policies of the resilient economy the construction industry is an architecture. In this paper, the concept of resistance economy and provide policies, procedures and strategies in the construction industry in accordance with the policies of the superiority of mind and strength of the economy in detail on this point is.

Keywords: urban economy, the strength of the economy, the requirements of implementation, economic policies resistance.

چکیده

شرایط فعلی کشور و اقتضات زمانی و مکانی موجود بر تصمیم گیری های کلان در حوزه شهرسازی و معماری تاثیر داشته است که در این میان تاثیر بایسته های سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز باید در تدوین سیاستهای پیش روی شهرسازی و صنعت ساختمان مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و ابزار گردآوری داده مطالعات کتابخانه ای و در عین حال روش اسنادی و استدلال منطقی به موضوع شناسایی رهیافتهایی بر پدیداری بایسته های سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر معماری و صنعت ساختمان پرداخته شود. لذا در این مقاله به مفهوم اقتصاد مقاومتی و ارائه سیاستها، راهکارها و راهبردهایی در صنعت ساختمان در انطباق با سیاستهای فرادستی اقتصاد مقاومتی نظر داشته و به تفصیل به این موارد اشاره داشته است.

واژگان کلیدی: اقتصاد شهری، اقتصاد مقاومتی، بایسته های تحقق پذیری، سیاستهای اقتصاد مقاومتی.

مشکلات عدیده اقتصادی و مالی را برای بسیاری از کشورها رقم زده است.

شایان ذکر است که در اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چنین آمده است: «هدف عالی جمهوری اسلامی ایران، تحقق استقلال اقتصادی، رفع فقر و برآوردن نیازهای در حال رشد انسان هاست.» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸). بدین ترتیب، یکی از اهداف عالی قانون اساسی تحقق اقتصادی و برآوردن نیازهای در حال رشد انسان هاست که در جامعه اسلامی زندگی می کنند (هاشمی و پورعبدی، ۱۳۹۲، ص ۴۷). بر همین اساس است که تأکیدات حکیمانه رهبر انقلاب بر مسایل اقتصادی و خودکفایی، اصلاح الگوی مصرف و مشابه آن و بالاخره سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز در این موضوعیت ترجمان یافته است. در عین حال، در حوزه های مطالعاتی نظیر «امنیت پژوهی، روابط بین الملل و مطالعات راهبردی» به هنگام طرح مواردی نظیر امنیت ملی، استراتژی ملی تهدیدات ملی، منظور از سطح ملی تهدیدات، علاوه بر داخل کشور و معمولاً در محل تلقی و فصل مشترک دولت، بیشتر ملتها را شامل می شود (خادمی، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

علاوه بر این در تحقیقات جهانی و خارج از ایران نیز بر موضوع «استقلال اقتصادی» تأکید ویژه ای شده است، چنانچه «کاستلز» (۱۹۷۲) و «هاروی» (۱۹۷۳) فرایند شکل گیری تحولات شهری را مرتبط با تحولات سرمایه داری و نتیجه آن در نظام های تجملاتی و مصرف گرایی فزاینده و عدم توجه به مبانی تولید داخلی و اتکا به منابع ملی کشورها دانسته اند ((Castells, 1972, and Harvey, 1973). با همین رویکرد، تحولات جمعیت شهری از آن تاریخ به بعد از سوی دسته ای از اندیشمندان به عنوان تحولات اکولوژیکی ناشی از دینامیزم جمعیت انسانی مطالعه نشد بلکه در تحلیل این پدیده توسط ایشان به عوامل اجتماعی که ناشی از «شیوه تولید سرمایه داری» بودند، توجه ویژه ای شد. تحلیل های

دنیای امروز دنیای تعامل اقتصاد و صنعت با زندگی و آینده جوامع بشری است؛ بدانگونه که بر زندگی شهروندان و آینده ملیتها تأثیر گذاشته و در عین حال، با موجی از انفجار جمعیت شهری تجربه شده است. جدای از جنگهای نظامی، آشفتگی در ساختارهای سیاسی جهان، کشتارهای بی رحمانه قومیتی و ملیتی، نظامی گری و تهدیدات عمده اقتصادی ابرقدرتها و حکومت های دیکتاتور جهانی، افزایش جمعیت و کاهش میزان ذخایر غذایی و منابع حیاتی کشورها نیاز به اصلاح ساختارهای اقتصادی را طلب می کند؛ چنانچه افزایش جمعیت شهری در جهان سوم بارزتر و با روندی تندتر در مقایسه با ممالک توسعه یافته بوده است؛ به نحوی که جمعیت شهری جهان سوم از ۲۸۵ میلیون نفر (۱۶ درصد کل جمعیت جهان سوم) در سال ۱۹۵۰ به یکباره و در روندی شتابان به ۱/۲ میلیارد نفر (۳۰ درصد کل جمعیت جهان سوم) در سال ۱۹۸۵ رسیده است (Kasarda and Crenshaw, 1991). این روند با سیری صعودی تاکنون ادامه داشته است، به نحوی که در سال ۲۰۱۱ تعداد جمعیت شهری جهان در کشورهای در حال توسعه به ۲۶۴۲ میلیون نفر (۴۶ درصد کل جمعیت این کشورها) و در کشورهای کمتر توسعه یافته به ۲۴۸ میلیون نفر (۲۸ درصد کل جمعیت این کشورها) رسیده است (data sheet, 2011). روند شتابان افزایش جمعیت در حالت کلی این کشورها را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است و این مشکلات با رشد شتابان جمعیت شهری، بیشتر شده است؛ به نحوی که امکان هر نوع برنامه ریزی بلندمدت و میان مدت برای بهبود شرایط زندگی و تلاش در جهت دستیابی به توسعه را از این کشورها سلب نموده است. رشد سریع در جمعیت شهری جهان سوم باعث طرح نظریات متعددی در زمینه دلایل چنین خیزشی و نیز ارائه راهکارهایی به منظور مقابله با روند رو به رشد جمعیت شهری در جهان سوم شده است که

این گروه از اندیشمندان برای فهم فرایند شهرنشینی در جهان سوم مفید به نظر می رسد چرا که به نظر می رسد شهرنشینی در این جوامع نه ناشی از ساختار اقتصاد ملی بلکه تحت تاثیر متغیرهای سیاسی و اقتصادی بین المللی بوده است و به تعبیری شهرنشینی در اغلب کشورهای جهان سوم فرایندی برون زا بوده است که تبعات و پیامدهای متعددی را برای آنها در پی داشته است.^۱

بر اساس آنچه گفته شد، در شرایط اقتصادی امروز کشور که محوریت عمده سیاستگذاری های کلان، «سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی» از سوی رهبر معظم انقلاب در این رابطه است، می طلبد تا بایسته های مورد نظر این سیاستها در حوزه «اقتصاد شهری و صنعت ساختمان» مورد توجه برنامه ریزان و اقتصاددانان و سایر متخصصان حوزه معماری و شهرسازی قرار گیرد که مقاله حاضر نیز بر این اساس نگارش یافته است.^۲ در ادامه به بررسی این سیاستها و در پایان ارائه راهکارهایی برای

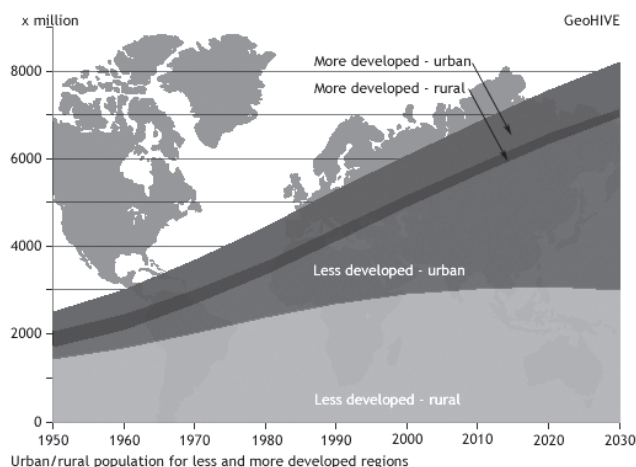
منطبق سازی برخی از سیاستهای مرتبط با حوزه شهرسازی و معماری در این رابطه اشاراتی می شود. مبانی نظری

اقتصاد شهری

«علم اقتصاد، علم تخصیص بهینه منابع کمیاب است. در تعریف علم فوق کلمات کمیاب، تخصیص، و بهینه وجود دارند که توضیح آنها می تواند به درک بهتر از علم اقتصاد کمک کند. مهمترین موضوع علم اقتصاد کمیابی است» (هاشمی و پورعبدی، ۱۳۹۲، ص ۳۱). لذا، اقتصاد شهری رشته ای مهم از علم اقتصاد، به طور اعم، و اقتصاد سیاسی، به طور اخص، است. اقتصاد شهری در جستجوی ابزارهای استدلالی و چگونگی به کار بردن آنهاست، تا فعالیت های اقتصادی را در شهرها، مناطق شهری و مجموعه های شهری در قالب قوانین علمی و عام توضیح دهد (عابدین درکوش، ۱۳۸۸). علاوه بر این، در اقتصاد سیاسی شهری، روندهای شکل گیری تقسیم کار، تمرکز سرمایه و ثروت، انواع نیروی کار و

۱. نظام شهرنشینی و روند سریع آن در کشورهای در حال توسعه سبب هجوم گسترده به شهرها و پیدایش بخش خدمات متورم، حاشیه نشینی گسترده، بیکاری پنهان، پیدایش دوگانگی شبکه های اجتماعی مهاجرین در شهرها شده است. از نظر «گیلبرت» و «گاگلر» شهرهای کشورهای رشد نیافته نهادهای دورگه ای هستند که در نتیجه دو واکنش پدید آمده اند: اول واکنش به تقسیم کار اجتماعی که پدیده ای بومی است و دوم واکنش به ادغام در اقتصاد جهانی (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵). رشد فزاینده جمعیت شهری از یک سو و توزیع نامتناسب جمعیت در مناطق شهری دو ویژگی اصلی فرایند شهرنشینی در جهان سوم قلمداد می شوند. لذا شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از «تئوری تسلط تک شهری» تبعیت می کند، به عبارت دیگر، مواهب توسعه بین مناطق مختلف به صورت نابرابر توزیع شده، به همین دلیل یکی از مشکلات اساسی توسعه در کشورهای در حال توسعه، رشد نابرابر مناطق مختلف این کشورهاست. معمولاً پایتخت و یکی دو شهر بزرگ اغلب امکانات آموزشی، فرهنگی به ویژه اقتصادی را به خود اختصاص می دهند، کارخانه های مادر مانند ذوب آهن، صنایع پتروشیمی، دانشگاه های معتبر، بازارهای بزرگ، بیمارستان های مجهز، همچنین سینماهای پیشرفته، کتابخانه های مادر، سالن های بزرگ تئاتر، همه و همه در این چند قطب محدود مستقر می شوند و مابقی نواحی کشور به عنوان اقمار و پیرامون (شبهه وضعیتی که کشورهای در حال توسعه در ارتباط با جوامع پیشرفته و صنعتی دارند) فاقد چنین امکاناتی هستند.

۲. متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به شرح زیر است: ایران اسلامی با استعداد های سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت های گسترده و مهم تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم و اراده برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف آرایی کرده، به شکست و عقب نشینی وا می دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی اطمینانی های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران های مالی، اقتصادی، سیاسی در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان ها و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درونزا و برون گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست های گذشته، خصوصاً سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می گردد. لازم است قوای کشور بی درنگ و با زمان بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم (سیدعلی خامنه ای؛ ۲۹/ بهمن ماه/ ۱۳۹۲).



شکل ۱. مقایسه تحولات جمعیت شهری و روستایی کشورهای

توسعه یافته با در حال توسعه؛ ماخذ: درگاه Urban

Economy, ۲۰۱۴.

اقتصاد شهری است. شهرها، به‌ویژه شهرهای بزرگ و کلانشهرها، به‌جز نقش اقتصادی منطقه‌ای، دارای ویژگی اجتماعی-اقتصادی نیز هستند. در حوزه‌های ساختمان، بازار زمین، حمل‌ونقل، خدمات زیربنایی و رفاهی و گردشگری شهری، نقش اقتصاد شهری، به‌دنبال تحلیل‌های اقتصاد سیاسی معنای تازه‌ای می‌یابد. از یکسو نیروها و انگیزه‌های تمرکز و از سوی دیگر، مقاومتهای اقتصادی، اجتماعی و فنی درون شهری، بر شکل، تراکم جمعیتی، تراکم ساختمانی، جهت توسعه و توزیع جمعیت در شهر تأثیر می‌گذارند. به‌این ترتیب، قلمرو «اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری» هم گسترده، و هم پیچیده است.

تحریم‌های اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

تحریم‌های اقتصادی بارزترین جلوه بکارگیری اجبار و تنبیه و اعمال قدرت مستقیم اقتصادی در روابط اقتصادی هستند. تحریم اقتصادی ارتباط مستقیمی با قدرت اقتصادی و وابستگی متقابل دارند. تحریم اقتصادی به تعبیر «رابرت ژیلپین» به عنوان «دستکاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی» (زهراپی، ۱۳۷۶، ص ۴) و یا تعبیر «رودریگر» محدودیت‌های برقرار شده توسط دولت‌ها نسبت به فعالیت‌های اقتصادی کشورها و اشخاص خارجی به

بلاخره، تولید، توزیع کالاها و خدمات شهری، و نقش دولت در ایجاد ساختارها و کارکردها در نظامهای شهری مورد بحث قرار می‌گیرد. نگرش مکانیکی به اقتصاد شهری و تبدیل اقتصاد شهری به نظریه‌ای در باب ارزش، نه تنها به بغرنج شدن مباحث منجر می‌شود، بلکه مباحثی چون نقد سیاسی و اجتماعی و نظریه‌های مربوط به روندهای عینی شهری را از نظر می‌اندازد.

تولید و مصرف در شهر و مناطق شهری، گروه‌های اجتماعی شهر و نیز توسعه زیرساختها و خدمات شهری از دیدگاه‌های اقتصادی، مانند درآمدها، هزینه‌ها، سازمان اقتصادی، توزیع و رفاه، از حوزه‌های مطالعاتی این رشته است. اقتصاد شهری و اقتصاد سیاسی شهری با اقتصاد منطقه‌ای، مکان‌گزینی حمل‌ونقل، خدمات عمومی، مدیریت مالی، تأمین منابع، جهات رشد، و ساخت‌وساز شهری ارتباط زنده دارد. برنامه‌ریزان لازم است، با عنایت به مباحث اقتصاد سیاسی و ارائه تحلیل اساسی، به اندازه‌گیریها و شاخص‌گذاریها، و کشف روابط علی، اثربخشی هزینه‌ها و چگونگی ایجاد درآمد در روندها و برنامه‌های شهری بپردازند. تجزیه و تحلیل هزینه و راههای اساسی ایجاد درآمد در حوزه‌های اقتصاد شهری و مطالعه و ارزیابی علمی آنها در حوزه دانش

جدول ۱. نحوه رشد تعداد شهرها در روند شهرنشینی کشورهای توسعه نیافته؛ ماخذ: درگاه Urban Economy, ۲۰۱۴.

سال	۱۹۶۰	درصد	۲۰۲۵	درصد
تعداد شهرهای بزرگتر از ۱ میلیون جهان	۱۱۴	-	۶۳۹	-
تعداد شهرهای بزرگتر از ۱ میلیون کشورهای توسعه نیافته	۵۲	٪۴۶	۴۸۶	٪۱/۷۶
تعداد شهرهای بزرگتر از ۴ میلیون جهان	۱۹	-	۱۳۵	-
تعداد شهرهای بزرگتر از ۴ میلیون کشورهای توسعه نیافته	۹	٪۴/۴۷	۱۱۴	٪۴/۸۴

جدول ۲. نحوه رشد جمعیت شهرنشین ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۴۰۵؛ ماخذ: عابدین درکوش، ۱۳۹۰.

سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵	۱۴۰۵
جمعیت	۹۵/۱۸	۲۵/۷۹	۳۳/۷۱	۴۹/۴۵	۶۴/۵۳	۸۴/۶۵	۱۰۴/۳۴	۱۲۲/۱۷
جمعیت شهری	۵/۹۵	۷۹/۹	۸۵/۱۵	۸۴/۲۶	۴۲/۳۷	۲۹/۵۴	۸۳/۷۲	۱۶/۹۱
نرخ شهرنشینی	۴/۳۱	۳۸	۴۷	۳/۵۴	۵۸	۱/۶۴	۸/۶۹	۶/۷۴

ویژه با انگیزه‌های سیاست خارجی تعریف می‌شود (هاشمی و پورعبدی، ۱۳۹۲، ص ۸۷). در ادبیات علمی، مفهوم «اقتصاد مقاومتی»، تاکنون به کار گرفته نشده، اما می‌توان آن را از فرمایشات مقام معظم رهبری و دیدگاه‌های کارشناسان اقتصادی که به تازه‌گی مطرح کرده‌اند، استخراج کرد. اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر در شرایط بحرانی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل

به تولید انبوه محصول مورد نظر بپردازد. تامین کالاها و مایحتاج اساسی مردم در جهت مقاومت در مقابل دشمنانی که سعی دارند بسیاری از کالاهای مورد نیاز آن کشور را تحریم نمایند. اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد پویا و فعال است و برنامه عمل و شاخص پیشرفت برای آن لازم است و هرگز اقتصاد مقاومتی به معنای انزوا و یا اقتصاد بسته نیست. نیروی انسانی آموزش دیده و تحصیل کرده یکی از اجزای مهم و عوامل اقتصاد مقاومتی است و بیشتر از خود دانشگاه‌ها بحث آموزش حین خدمت است، یعنی کسی که رشته اقتصاد خوانده و می‌خواهد در نظام بانکی استخدام شود، اگر آموزش عملی و تخصصی در حین خدمت نبیند، در کار موفق نمی‌شود

۱. اقتصاد مقاومتی می‌تواند گفتمان غالبی باشد که در جامعه امروز مطرح است و در عصری که بحران‌های اقتصادی بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا را در سراسری سقوط قرار داده است و اقتصاد مبتنی بر سرمایه‌داری لیبرال نیز نتوانسته است پاسخگوی نیازهای اساسی مردم باشد و تولید کالاها به شکل بیمارگونه‌ای به سمت مصرف‌گرایی محض رفته است که زمینه ائتلاف سرمایه‌های بشری را فراهم آورده است، این نوع اقتصاد توجه به آن از ضروریات جامعه اسلامی است که بتوان از منابع محدود کنونی کشور به نحو مطلوبی استفاده کرد. در مواجهه با اقتصاد بازار آزاد که تمامی تلاش خود را به تولید هر نوع کالایی اختصاص می‌دهد و هدف آن کسب سود از حداکثر کالاهاست، اقتصاد مقاومتی یک نوع الگوی اقتصادی است که به استقلال اقتصادی یک کشور توجه دارد.

شود. نیروی انسانی جزئی از دستگاه اقتصاد مقاومتی است و مهمتر از آن کارآیی نیروی انسانی است که دولت در صدد استفاده از بودجه شرکت های دولتی در اقتصاد است و نباید حجم بودجه شرکت های دولتی بیشتر شود، بلکه در اقتصاد مقاومتی باید کاهش هزینه جاری و پرسنلی دولت مدنظر قرار گیرد. اگر شاخصها و درصدهای اندازه گیری نباشد، نمی توانیم قضاوت کنیم که در افق برنامه اقتصاد مقاومتی چه اتفاقی افتاده است. نظر مقام معظم رهبری در اقتصاد مقاومتی این گونه بیان شد که مردم در اقتصاد مشارکت داشته باشند و افزایش پایه های مالیاتی درآمدهای دولت را از مالیات بیشتر کند و این گونه نباشد که افراد غنی تر کمتر در تور مالیاتی دولت قرار گیرند و در عوض از افراد ضعیف تر مالیات ستانده شود.^۱ در حوزه تهدیدات اقتصادی واحد تحلیل یا سطح

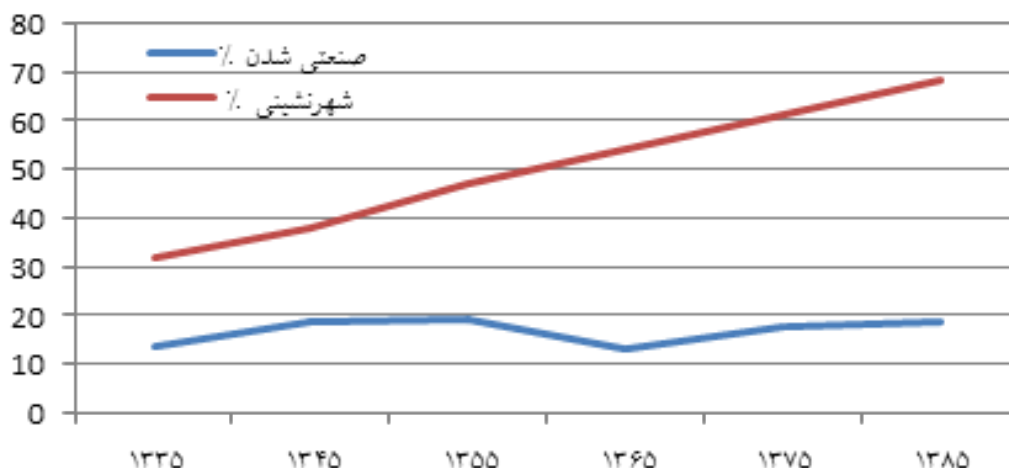
۱. «متن سند ابلاغی اقتصاد مقاومتی»: سیاست های ابلاغی شامل: ۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط؛ ۲. پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه؛ ۳. محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور؛ ۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی؛ ۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه؛ ۶. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص؛ ۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)؛ ۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید؛ ۹. اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی؛ ۱۰. حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش افزوده مثبت از طریق: تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم؛ گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز؛ تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات؛ برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه؛ استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز؛ ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف؛ ۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج؛ ۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق: توسعه پیوندهای راهبردی و همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان؛ استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف های اقتصادی؛ استفاده از ظرفیتهای سازمان های بین المللی و منطقه ای؛ ۱۳. مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق: انتخاب مشتریان راهبردی؛ ایجاد تنوع در روش های فروش؛ مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش؛ افزایش صادرات گاز؛ افزایش صادرات برق؛ افزایش صادرات پتروشیمی؛ افزایش صادرات فرآورده های نفتی؛ ۱۴. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیتهای تولید نفت و گاز، بویژه در میدان مشترک؛ ۱۵. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت حیانتی از منابع؛ ۱۶. صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیر ضرور و هزینه های زاید؛ ۱۷. اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی؛ ۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت؛ ۱۹. شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیتها و زمینه های فساد در حوزه های پولی، تجاری، ارزی؛ ۲۰. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه؛ ۲۱. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتن سازی آن بویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانهای و تبدیل آن به گفتن فراگیر و رایج ملی؛ ۲۲. دولت مکلف است برای تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد: شناسایی و بکارگیری ظرفیتهای علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب؛ رصد برنامه های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن؛ مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلالات داخلی و خارجی؛ ۲۳. شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار؛ ۲۴. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

تحلیل می‌تواند در سطوح مختلف فردی یا جوامع ملی و منطقه ای انتخاب شود. امنیت اقتصادی فردی به واقع بخشی از مفهوم کلی امنیت انسانی می‌باشد، زیرا امنیت انسانی دربردارنده تمام ابعاد امنیتی، اقتصادی و اجتماعی فرد است (ویلکن، ۱۳۸۱، ص ۳۲). از سوی دیگر، از دیدگاه مقام معظم رهبری، «اقتصاد مقاومتی»، الزاماتی دارد که ایشان به «مردمی کردن اقتصاد»، «اجرای کردن سیاست‌های اصل ۴۴»، «توانمندسازی بخش خصوصی»، «تشویق فعالیت اقتصادی، و سیستم بانکی کشور» اشاره دارد. ایشان در این نوع اقتصاد به چند محور اشاره می‌کند که شامل «کاهش وابستگی به صنعت نفت»، «توجه به صنایع دانش‌بنیان» و ظرفیتهای گوناگون دیگر در کشور به مسایل دیگر از قبیل «مدیریت مصرف؛ هم در دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی» می‌باشد. در این زمینه، مقام معظم رهبری، به واقعیت‌هایی اشاره دارند که راهگشاست که مسئولین کشور، در افق بلندمدت می‌بایست در برنامه‌ریزی اقتصادی آنها را لحاظ کنند که می‌توان به «مردمی کردن اقتصاد»، «توجه به سیاست‌های اصل ۴۴» که در گذشته مطرح نمودند و «توانمندسازی بخش خصوصی»، «تشویق فعالیت بنگاههای اقتصادی»، «تقویت سیستم بانکی کشور» و دستگاه‌های دولتی اشاره دارند که می‌بایست با کمک قوهی مقننه و قوهی قضائیه همراه باشد. همچنین از نظر ایشان، کاهش «وابستگی به صنعت نفت»، «توجه به صنایع دانش‌بنیان» و «ظرفیتهای گوناگون دیگر» در کشور بخش اساسی اقتصاد مقاومتی است که طرح فرمودند و مسایل دیگر از قبیل «مدیریت مصرف- هم در دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیر دولتی»- بر رشد اقتصاد مقاومتی موثر است. اقتصاد مقاومتی به یک معنا نام دیگر اقتصاد اسلامی است؛ چراکه اقتصاد اسلامی به گونه‌ای سامان می‌یابد که مقتضی مقاومتی بودن است؛ اما این که چرا به جای اقتصاد اسلامی عنوان اقتصاد مقاومتی گفته می‌شود، به سبب

تاکید بر جنبه قوامی و مقاومتی آن است؛ چرا که در برخی از زمانها و شرایط لازم است تا این جنبه بیشتر مورد تاکید قرار گیرد. عناصری که اقتصاد مقاومتی را می‌سازد، در این شرایط بیش تر مورد تاکید قرار می‌گیرد تا این جنبه برجسته تر شود. نظریه اقتصاد مقاومتی را در چارچوب اقتصاد اسلامی معنا پیدا می‌کند و آن را معنادار می‌شناسد و بر خلاف دیدگاه‌هایی که منکر معناداری نظریه اقتصاد مقاومتی هستند، آن را کاملا نظریه علمی و قابل دفاع می‌داند.

فرق اقتصاد مقاومتی با ریاضت اقتصادی

برخی اقتصاد مقاومتی را همان ریاضت اقتصادی می‌دانند؛ ولی این دو با هم متفاوت است. در اقتصاد مقاومتی محدودیت منابع وجود ندارد، اما استفاده بهینه از منابع موجود باید طی یک برنامه زمان‌بندی شده صورت گیرد؛ این در صورتی است که در ریاضت اقتصادی با محدودیت منابع و سرمایه روبرو هستیم و به ناچار باید سهمیه‌بندی کنیم و با کم مصرف کردن با محدودیت‌های موجود مقابله کنیم. ریاضت اقتصادی که توسط برخی از دولت‌ها انجام می‌گیرد، گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی می‌انجامد، چیزی که کشورهای غربی گریبان‌گیر آن هستند. هدف از طرح ریاضت اقتصادی بازپس گرفتن اعتماد از دست رفته، بهبود وضعیت مالی کشورها و توانمند کردن کشورها برای بازبانی طولانی مدت است. در این صورت این دو باهم تفاوت زیادی است چون اقتصاد مقاومتی تبلور اقتصاد در مقابل تحریم‌ها و فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصادی ملی است که در نتیجه آن رشد تولید داخلی اقتصاد بومی را به ارمغان می‌آورد و برعکس ریاضت اقتصادی با خودکفایی و استقلال اقتصادی همراه است. «شاید بتوان گفت که «آنچه در ایران طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵ رخ داده نه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و نه مدرنیسم، بلکه شبه‌مدرنیسمی بوده که عواید نفت، آن را تسریع



نمودار ۱. مقایسه روند صنعتی شدن و شهرنشینی در ایران (۱۳۳۵-۱۳۸۵)؛ ماخذ: کاتوزیان، ۱۳۷۲.

با توجه به شرایط و ساختارهای درونی خود به دنبال مقاوم سازی اقتصاد هستند. البته نیاز ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است زیرا از یک طرف کشور ما همچون کشورهای دیگر مرتبط با اقتصاد جهانی و مصمم به ادامه این ارتباط است و طبیعتاً از مسائل اقتصادی جهان متأثر خواهد بود و از طرف دیگر نظام اسلامی، به دلیل استقلال خواهی و عزت مداری و تأکید بر تحت تأثیر قرار نرفتن از سیاستهای قدرتهای جهانی، مورد تهاجم، سوء نیت و اخلاص گری است (جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

مولفه های اقتصاد مقاومتی در اقتصاد شهری

در ادامه برخی از مهمترین مولفه های تاثیرگذار اقتصاد مقاومتی بر اقتصاد در حوزه شهرسازی و معماری مورد اشاره قرار می گیرد.

۱. «تحرك و پویایی اقتصاد کشور»: اولین مؤلفه، ایجاد تحرك و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص های کلان اقتصادی بود. رهبر انقلاب اسلامی در این خصوص گفتند: با اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شاخص هایی همچون رشد اقتصادی، تولید ملی، عدالت اجتماعی، اشتغال، تورم و رفاه عمومی بهبود خواهد یافت و رونق اقتصادی

کرده است. به همین شکل تغییرات ساختاری اقتصاد نیز نه به علت شهرنشینی که به واسطه شهرزدگی بوده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۳۲۳).

مفهوم شناسی سیاستهای ابلاغی

در ادامه به برخی از نکات ارزنده در سیاستهای ابلاغی به شرح زیر اشاره می شود.

۱. «سیاستهای اقتصاد مقاومتی؛ تدبیر بلندمدت در سیاستگذاری کلان کشور»: حضرت آیت ... خامنه ای در این رابطه فرموده اند: سیاستهای اقتصاد مقاومتی، فقط برای شرایط کنونی نیست بلکه یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور و رسیدن به اهداف بلند اقتصادی نظام اسلامی است. این سیاستها قابل تکمیل و انطباق با شرایط گوناگون است و عملاً اقتصاد کشور را به حالت انعطاف پذیری می رساند و شکنندگی اقتصاد در شرایط مختلف را برطرف می کند (جلسه تبیین سیاستهای اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۲. «مقاوم سازی اقتصاد؛ ضرورت پیشروی اقتصاد جهانی»: حضرت آیت ... خامنه ای، سیاستهای اقتصاد مقاومتی را مجموعه ای دقیق و مستحکم خواندند و افزودند: گرایش به اقتصاد مقاومتی فقط مخصوص کشور ایران نیست و در سالهای اخیر با توجه به بحران اقتصادی جهانی، بسیاری از کشورها

بوجود خواهد آمد (www.khamenei.ir).

۲. «عدالت اجتماعی مهمترین شاخص در بین شاخص‌های اقتصاد مقاومتی»: حضرت آیت ... خامنه‌ای متذکر شدند و تأکید کردند: عدالت اجتماعی، مهمترین شاخص، در میان این شاخص‌ها است زیرا نظام اسلامی رونق اقتصادی بدون عدالت اجتماعی را قبول ندارد و در هرگونه پیشرفت اقتصادی کشور، باید وضع طبقات محروم به معنی واقعی کلمه، بهبود یابد... تکانه‌های اقتصادی دنیا، بلایای طبیعی و تکانه‌های تخصصی همچون تحریمها از جمله این عوامل تهدید زاست (جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۳. «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی»: رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند: این ظرفیت‌ها شامل ظرفیت‌های گسترده علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی و اقلیمی است که باید برای اجرای سیاستها، بر آنها تکیه شود... تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به معنای چشم بستن بر امکانات کشورهای دیگر نیست بلکه نظام اسلامی در کنار اتکاء به داشته‌های داخلی، از امکانات دیگر کشورها نیز استفاده حداکثری خواهد کرد (www.khamenei.ir).

۴. «حرکت علمی و مدیریت جهادی»: رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: اجرای این سیاستها، با حرکت عادی و احیاناً خواب آلوده و بدون حساسیت امکان پذیر نیست و نیازمند برنامه ریزی، حرکت علمی، همت و مدیریت جهادی است. خوشبختانه، رئیس جمهور محترم در جلسه اخیر سران سه قوه، با قاطعیت اعلام کرد که همه مسئولان اجرایی مرتبط با این سیاستها، به حرکت و همت جهادی مصمم هستند (جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۵. «مردم محوری»: پنجمین مؤلفه ای بود که حضرت آیت ... خامنه‌ای به آن اشاره کردند و افزودند: براساس معارف اسلامی و دینی و همچنین براساس تجربیات ۳۵ سال اخیر، در هر عرصه ای که

مردم وارد میدان شوند، عنایت و پشتیبانی الهی نیز همراه می شود و کارها به پیش خواهد رفت. ایشان خاطر نشان کردند: تاکنون در عرصه های اقتصادی، کمتر به حضور و امکانات مردم بها داده شده است، در حالیکه باید زمینه استفاده از توان نیروهای بی پایان مردمی اعم از فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان سرمایه و افراد صاحب مهارت فراهم و از آنان حمایت شود و مسئولیت عمده در این خصوص برعهده دولت است.

۶. «خودکفایی و تامین اقلام راهبردی و اساسی»: رهبر انقلاب اسلامی، هدف از ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴، در چند سال قبل را استفاده از ظرفیتها و امکانات مردمی در اقتصاد کشور دانستند و گفتند: متأسفانه حق این سیاستها، ادا نشد. حضرت آیت ... خامنه ای، تأمین امنیت اقلام راهبردی و اساسی بویژه غذا و دارو و خودکفایی در این اقلام را ششمین مؤلفه سیاستهای اقتصاد مقاومتی برشمردند.

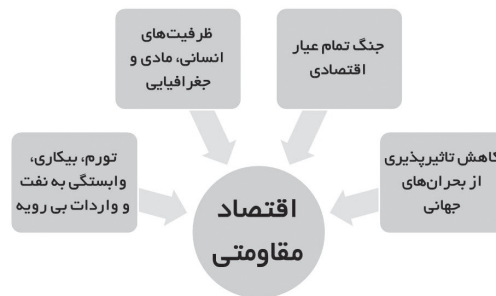
۷. «کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی»: درخصوص هفتمین مؤلفه افزودند: کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت یکی از ویژگی‌های اصلی این سیاستهاست.

۸. «اصلاح الگوی مصرف»: رهبر انقلاب اسلامی، از اصلاح الگوی مصرف به عنوان هشتمین مؤلفه نام بردند و خاطر نشان کردند: خطاب اصلی من در این موضوع متوجه مسئولان است که باید در درجه اول در حوزه مأموریتی خود، از اسراف و ریخت و پاش به طور جدی پرهیز و در درجه بعد، این موضوع را در زندگی های شخصی خود رعایت کنند. حضرت آیت ... خامنه ای با تأکید بر اینکه پابندی مسئولان به پرهیز از ریخت و پاش، موجب تسری این روحیه به جامعه خواهد شد، افزودند: منظور از اصلاح الگوی مصرف، سخت گیری و زندگی ریاضتی نیست بلکه هدف، مصرف براساس الگویی عاقلانه، مدبرانه، صحیح و اسلامی است.

۹. «فسادستیزی»: ایشان با اشاره به شبهاتی که برخی افراد درباره اقتصاد مقاومتی مطرح می کنند

اگر این موضوع مورد توجه جدی قرار گیرد، قطعاً چرخه علم تا ثروت تکمیل خواهد شد.

چگونگی شکل‌گیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی



آیا سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، حرکتی مقطعی است که تحت فشار تحریم‌ها شکل گرفته است؟ و لذا ارتباطی با سیاست‌های کلان بلندمدت پیدا نمی‌کند؛ چراکه پاسخ این سوال طرح اصلی در چرایی بررسی تأثیر این سیاست‌ها بر سیاست‌های معماری و صنعت ساختمان خواهد بود. پاسخ قاطعانه رهبر انقلاب به این سؤال پاسخی کاملاً منفی بود؛ چنانچه به زعم فرزانه انقلاب، اقتصاد مقاومتی به هیچ وجه سیاستی مقطعی نیست بلکه تدبیری راهبردی است که برای همه دورانها - چه تحریم باشد و چه نباشد - مفید و راهگشا و پیش‌برنده است. در ادامه به چرایی شکل‌گیری سیاست‌های ابلاغی به اختصار از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اشاره می‌شود:

۱. «ظرفیت‌های انسانی، مادی و جغرافیایی کشور»: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح علل و انگیزه تدوین و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به بیان چهار عامل اصلی پرداختند: ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور، حل مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی، مقابله با تحریم‌ها و کاهش کامل تأثیرپذیری اقتصاد کشور از بحران‌های اقتصاد جهانی. ایشان در این خصوص افزودند: ظرفیت‌های عالی انسانی، سرمایه‌های «معدنی، طبیعی و صنعتی» و نیز موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور انگیزه‌ای قوی برای طراحی الگوی پیش‌تاز اقتصادی یعنی اقتصاد مقاومتی بوده است.

۲. «مشکلات مزمن اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، وابستگی به نفت و واردات بی‌رویه»: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح دومین انگیزه ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به ضرورت حل مشکلات موجود تکیه کردند. ایشان افزودند: مشکلات مزمن و دیرپایی همچون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، واردات بی‌رویه، معیوب بودن برخی ساختارها،

نمودار ۲. التزام سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی از دید رهبر انقلاب؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

افزودند: اقتصاد مقاومتی برعکس این شباهت، به رفاه و بهبود زندگی عموم مردم و به ویژه طبقات ضعیف منجر خواهد شد. فسادستیزی نهمین مؤلفه‌ای بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره و تأکید کردند: لازمه فعالیت سالم و پرتحرک اقتصادی، امنیت است و لازمه امنیت اقتصادی نیز، برخورد با مفسدان اقتصادی و افرادی است که قانون را دور می‌زنند.

۱۰. «شفاف‌سازی، شرط اصلی مقابله با فساد اقتصادی»: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شفاف‌سازی را شرط اصلی مقابله با فساد اقتصادی دانستند و افزودند: باید فضای رقابتی و با ثبات اقتصادی بوجود آید زیرا در چنین فضای سالمی، فعال اقتصادی احساس امنیت خواهد کرد ضمن اینکه در چنین شرایطی، کسب ثروت با ابتکار و پشتکار، مباح و مورد تأیید نظام است.

۱۱. «دانش محوری»: ایشان با اشاره به اعلام آمادگی سه قوه برای مقابله با فساد اقتصادی، تأکید کردند: در این موضوع، گفتن صرف کافی نیست و همه مسئولان اجرایی، قضایی و قوه مقننه در این خصوص مسئول هستند. دانش محوری، آخرین مؤلفه‌ای بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره کردند و گفتند: امروز شرایط کشور از لحاظ پیشرفت‌های علمی به گونه‌ای است که می‌توانیم رسیدن به اقتصاد دانش بنیان را با بلندپروازی، جزو اهداف خود قرار دهیم... اقتصاد دانش بنیان از مهمترین زیرساخت‌های اقتصادی هر کشور است و

پایین بودن بهره‌وری و الگوی ناصحیح مصرف، جز با یک حرکت برنامه‌ریزی‌شده برای مقاوم‌سازی اقتصاد برطرف نمی‌شود (جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۳. «جنگ تمام‌عیار اقتصادی»: رهبر انقلاب، مقابله با جنگ تمام‌عیار اقتصادی دشمنان را از دیگر عوامل تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بیان کردند و افزودند: تحریم‌ها قبل از موضوع انرژی هسته‌ای نیز وجود داشته و اگر مذاکرات هم ان شاء... به نقطه حل برسد وجود خواهد داشت چراکه هسته‌ای و حقوق بشر و مسائل دیگر بهانه‌ای بیش نیست و زورگویان جهانی از استقلال‌طلبی و الگوشدن ملت ایران در هراسند. ایشان افزودند: برای علاج قطعی فشارهای اقتصادی دشمنان، باید به گونه‌ای اقتصاد خود را قوی و مستحکم کنیم که آنها از تأثیرگذاری فشارهای خود مأیوس شوند که این هدف با اجرای سیاست‌های ابلاغ شده محقق خواهد شد (جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۴. «ضرورت کاهش تأثیرپذیری از بحران‌های جهانی»: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، چهارمین عامل تدوین سیاست‌های مقاوم‌سازی اقتصاد کشور را ضرورت کاهش تأثیرپذیری از بحران‌های جهانی خواندند و گفتند: این عوامل چهارگانه باعث شد طراحی مدل اقتصاد مقاومتی در دستور کار نظام قرار گیرد.

تحقق‌پذیری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

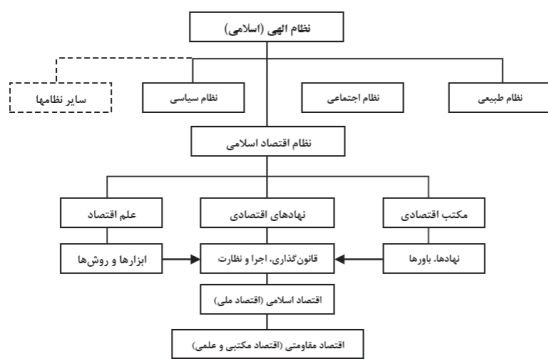
۱. «ایجاد گفتمان‌سازی و ارائه تصویر درست از اقتصاد مقاومتی»: رهبر انقلاب، گفتمان‌سازی و ارائه تصویری درست از اقتصاد مقاومتی را وظیفه رسانه‌ها، مسئولان، دلسوزان و صاحبان فکر و اندیشه خواندند و خاطرنشان کردند: دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف پیشرفت ایران، تلاش می‌کنند با ایجاد شبهه و اشکال تراشی، سیاست‌های ابلاغ شده را بی‌اهمیت جلوه دهند اما اگر تصویر درستی از

این حرکت بزرگ و پیش‌تازانه ارائه شود و گفتمان‌سازی صورت گیرد، مردم به آن معتقد می‌شوند و از مسئولان مطالبه می‌کنند که در این صورت کارها به پیش خواهد رفت.

۲. «ضرورت تشکیل مرکزی قوی برای پایش و رصد اقدامات»: رهبر انقلاب اسلامی در بیان آخرین انتظار خود از مسئولان موضوع پایش و اطلاع‌رسانی دقیق را مطرح کردند. ایشان افزودند: باید مرکزی قوی و بینا برای رصد و پایش دقیق فعالیت‌ها وجود داشته باشد. گردآوری و پردازش اطلاعات، استنتاج، تعیین شاخص برای هر بخش و اطلاع‌رسانی به مردم از جمله وظایفی بود که ایشان برای این مرکز برشمردند. رهبر انقلاب سخنانشان را با این جملات به پایان بردند: انشاء... کار بزرگی که شروع شده است با توکل به خدا و شتاب مناسب پیش می‌رود و مردم ثمرات شیرین آن را در همین دولت خواهند چشید (جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

۳. «الزام نخست، عزم راسخ مسئولان به ویژه قوه مجریه»: ایشان عزم راسخ و جدی مسئولان سه قوه و بویژه قوه مجریه را عاملی بسیار مهم برای مقاوم‌سازی اقتصاد خواندند و افزودند: صرف مطرح شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مشکلی را حل نمی‌کند بلکه عزم و تلاش مسئولان همه بخش‌های مرتبط با این سیاست‌ها، زمینه‌ساز تحقق اهداف اعلام شده خواهد بود.

۴. «ورود به میدان عمل»: رهبر انقلاب، ورود به میدان عمل را دومین انتظار خود از مسئولان برشمردند و خاطرنشان کردند: این طرح و سیاست‌های کلی باید به برنامه‌های گوناگون اجرایی تبدیل شود تا حماسه اقتصادی، واقعاً به وجود آید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به نامگذاری سال جاری به سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی افزودند: حماسه سیاسی خوشبختانه محقق شد اما حماسه اقتصادی متأسفانه به تأخیر افتاد که امیدواریم این



نمودار ۴. چارچوب اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی؛
ماخذ: اسدی، ۱۳۹۳، ص ۳۳.



نمودار ۳. محورهای اقتصاد امنیت ملی، ماخذ: سیف،
۱۳۹۱، ص ۱۴.

آورند و احساس کنند با موانع غیرمعقول روبرو نیستند (جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ سایت مقام معظم رهبری).

نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی

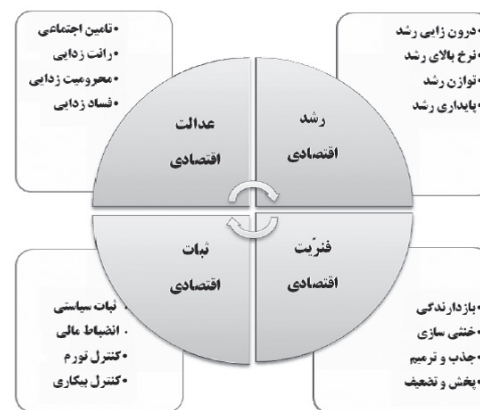
برخی هر چند به سختی اقتصاد اسلامی را می پذیرند و این عنوان را معنادار می دانند و قید اسلامی بودن را مانع معناداری آن ندانسته و آن را جز ترکیبات بی معنا نمی شمارند، ولی اقتصاد مقاومتی را عنوان فاقد معنا دانسته و نظریه اقتصاد مقاومتی را که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ارایه شده، فاقد بنیادهای علمی و عملی دانسته و آن را به شدت رد و انکار می-کنند. در پاسخ به این افراد شکاک و ناپهیم و رویکرد انکاری و تخطئه آمیز آنان باید گفت که «اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد اسلامی با تاکید بر رویکرد خاص است»؛ به این معنا که اقتصاد مقاومتی از درون اقتصاد اسلامی بیرون آمده است و تنها تفاوت میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی در شرایط زیستی و تحقق آن است. به این معنا که اقتصاد مقاومتی در زمانی خاص برای هدف خاص شکل می گیرد و برخی از عناصر و مولفه های اقتصاد اسلامی در آن بیش تر مورد توجه و تاکید است؛ بنابراین همان نظریه های اقتصاد اسلامی را می توان در نظریه اقتصاد مقاومتی رهگیری و ردگیری کرد.

موضوع در پرتو سیاست های ابلاغ شده، در سال ۹۳ با جدیت کامل پیگیری شود.

۵. «برنامه زمان بندی شده با شاخص های زمانی»: رهبر انقلاب تدوین برنامه های زمان بندی شده را سومین ضرورت دانستند و تأکید کردند: باید سهم هر قوه و همچنین سهم هر دستگاه در اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی، بطور دقیق مشخص شود. ایشان افزودند: لازم است برنامه های اجرایی شفاف و با شاخص های زمانی، تدوین گردد تا پیگیری پیشرفت کارها امکان پذیر شود.

۶. «هماهنگی دستگاه ها و نظارت در همه سطوح»: اقدام سران سه قوه در تهیه سازوکار هماهنگی دستگاه ها و نیز نظارت در همه سطوح، چهارمین و پنجمین ضرورتی بود که رهبر انقلاب بر آنها تأکید کردند. ایشان افزودند: مجمع تشخیص مصلحت نیز موظف است به مسئولیت نظارتی که به آن محول شده بطور کامل عمل کند.

۷. رفع موانع «قانونی، اجرایی، حقوقی و قضایی»: برطرف کردن موانع «قانونی، اجرایی، حقوقی و قضایی» از سر راه اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی، ششمین وظیفه ای بود که رهبر انقلاب متوجه سران قوا دانستند. ایشان تأکید کردند: باید موانع مزاحم برداشته شود تا فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران و دانشمندان، با آرامش به این میدان روی



نمودار ۵. الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی، ماخذ: سیف، ۱۳۹۱، ص ۱۷.

با فاصله گرفتن از برخی ارزشهای انقلاب اسلامی، سبک زندگی هایمان هم قدری از آن شیوه جهادی و انقلابی فاصله گرفته است. باید الگوی صحیح برای سبک زندگی مردم تعریف شود؛ الگویی از زندگی جهادی و انقلابی. در اینصورت مردم با اصلاح برخی سبک های غلط، به تحقق اقتصاد مقاومتی کمک خواهند کرد. لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی و سلامت معنوی است؛ و زندگی بر اساس آموزه های دین مبین اسلام، اساس مقاومت و جهاد است.

۳. نظام تعلیم و تربیت و آموزشی کشور، باید دانشجویان را متناسب با شرایط و نیازهای امروز تربیت کند. یعنی باید به گونه ای باشد که از کودکی، آنان را خلاق، جهادگر، و سختکوش بار بیاورد. چنین فرزندان با این تعلیم و تربیت، سازندگان اقتصاد اسلامی کشور خواهند شد.

۴. سیستم تبلیغاتی و رسانه ای کشور در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش مهمی بر عهده دارد. پس از تهیه آموزه های اقتصاد مقاومتی، نیاز به تبلیغ و رواج این آموزه ها می باشد. بنابراین باید از تمامی ظرفیت های تبلیغاتی استفاده کنیم و این آموزه ها را در همه جا نهادینه کنیم.

۵. جهانی شدن اقتصاد باعث شده تا مقاومت اقتصادی تعاریف متعددی به خود بگیرد. دستگاه دیپلماسی کشور ما باید با استفاده از تجارب اقتصادی دیگر کشورها در زمینه های مشابه، ظرفیت های بالقوه و فرصت های جهانی در اقتصاد مقاومتی را فعال کرده و فرصتی مناسب در اختیار فعالان و محققان اقتصادی قرار دهد. و همچنین دولت و ملت ایران باید بتوانیم تعریفی جهادی از اقتصاد مقاومتی را به جهان ارائه دهیم.

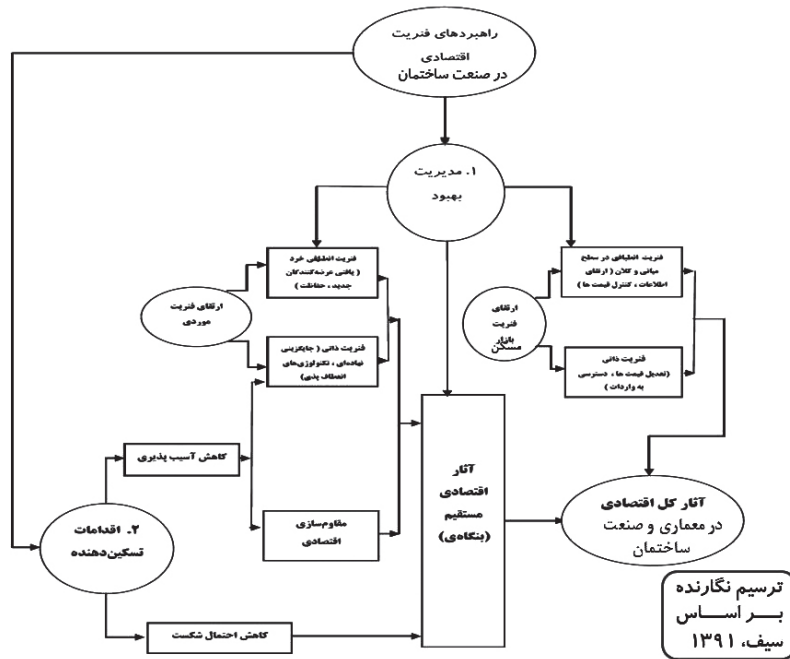
۶. حرکت سریع تر به سمت تحقق اقتصاد مقاومتی، نیازمند یک گفتمان سازی قوی است؛ یعنی گفتمان رایج در دانشگاهها، مراکز علمی و تحقیقاتی، مجامع مذهبی، کلاسهای درس باید به بحث اقتصاد مقاومتی تبدیل شود تا بهتر و سریع تر بتوانیم همه

اقتصاد مقاومتی، موانع و راهکارها

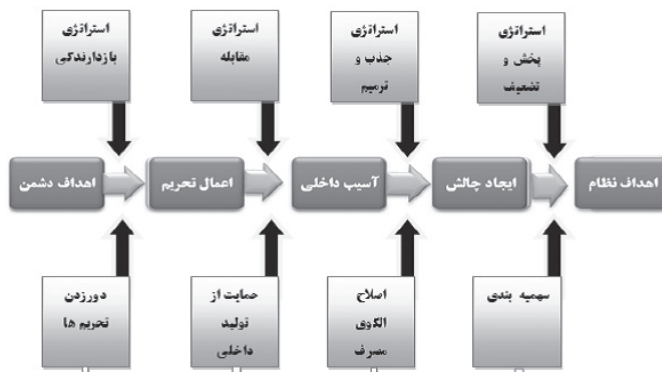
اقتصاد مقاومتی، اقتصادی فعال، پر انرژی، و پرتوانسیل و کاملاً هماهنگ و مبتنی بر ارزش های اسلامی، فرهنگ دینی، دانش و سرمایه بومی است. و یا به تعبیری اقتصاد مقاومتی، همان اقتصاد اسلامی است. حال باید برای تحقق این هدف، ابتدا به بررسی موانع و راهکارهای اقتصاد مقاومتی پرداخته می شود.

۱. شاید بتوان گفت اولین مانع برای تحقق این مهم، کافی نبودن علم اقتصاد اسلامی در دانشگاه هاست. تا زمانی که در دانشگاه های ما اصول اقتصادی از شاخص ها و نظریه های غربی بهره می گیرد، نمی توانیم به موفقیت مدنظر برسیم. باید در این زمینه بتوانیم فضای اقتصادی داخلی و بین المللی را به خوبی بررسی و با استفاده از شاخص های بومی و اسلامی، وضعیت اقتصادی خود را به خوبی شناسایی کنیم و متناسب با آن آموزش های لازم را داشته باشیم.

۲. اقتصاد مقاومتی، ماهیتی مردمی دارد یعنی باید فضایی برای ورود مردم، مخصوصاً جوانان مومن و متعهد و خلاق در عرصه اقتصادی فراهم شود. باید در جوانان روحیه اعتماد به نفس، و روحیه جهادی تقویت شود. در زندگی اسلامی، اسراف، ریخت و پاش و توقعات بالا و بی موردجایی ندارد. متأسفانه



نمودار ۶. راهبردهای فنریت اقتصادی در بخش معماری در دروره رکود و ارتباط آن با سیستمهای اقتصاد مقاومتی؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۷. راهبردهای فنریت اقتصاد مقاومتی و نسبت آن با صنعت؛ ماخذ: سیف، ۱۳۹۲، ص ۱۹.

با هم این مهم را محقق سازیم. ۷. عرضه به اندازه تقاضا، کیفیت و نظارت عمومی و قوی و جلوگیری از رانت خواری ها و قاچاق از راه های موثر دیگر محسوب می شود. **تحقق اقتصاد مقاومتی در صنعت ساختمان و عمران شهری** تحقق اقتصاد مقاومتی در صنعت ساختمان نیازمند فرایندی است که در ادامه به اختصار به این مفاهیم اشاره می شود: ۱- «مقاومت فرماندهی متمرکز در بخش صنعت ساختمان»؛ در زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی باید به آسیب شناسی اقتصاد کشور و موانع و نیازمندیهای تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخت و محوری برای فعالیت در عرصه اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. لذا

به نظر می‌رسد تشکیل کارگروه اقتصاد مقاومتی در تمام دستگاه‌های اجرایی خاصه نهادهای مرتبط با «مدیریت شهری و صنعت ساختمان» در سطوح کلان و میانی لازم و اساسی است.

۲- «اصلاح نظام آموزشی دانش‌بنیان در بخش صنعت ساختمان»؛ نظام آموزشی معماری و آموزش شهرسازی و مدیریت شهری متناسب با اقتصاد مقاومتی باید عمل کند. کارکرد نظام آموزشی آن است که دانشجویان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کرد؛ اما متأسفانه در کشور این اتفاق به خوبی نمی‌افتد. حال این سؤال مطرح است که نظام آموزشی معماری و شهرسازی امروز ایران در این زمینه چه کار کرده است؟ آیا فکری به حال منابع آموزشی درسی و رویه‌های دانش‌بنیان این مملکت کرده است؟

۳- «اصلاح نظام تبلیغاتی بخش صنعت ساختمان»؛ در شرایط فعلی که صنعت ساختمان دچار نوعی لوکس‌گرایی و مصرف‌گرایی فزاینده در حوزه بهره‌گیری از مواد و مصالح تجمعاتی خارجی وارداتی و در عین حال، ساخت و سازهای لوکس در بالاشهر مناطق کلانشهری خاصه کلانشهر تهران شده است؛ به نظام تبلیغاتی هماهنگ و منسجمی نیاز است که بتواند این آموزه‌ها را از طریق رسانه‌های رسمی و غیررسمی مختلف، به خوبی به مردم عرضه کند تا مردم ضمن تلاش در ارتقا کیفیت محصولات ساختمانی داخلی، از استفاده کالاها و مصالح ساختمانی خارجی دوری کنند. حال در این خصوص این سؤال پیش می‌آید که رسانه‌های کشور در این زمینه فقط در حد شعار عمل کردند یا کاری هم صورت گرفته است؟ این در حالی است که ما شاهد تبلیغات کالاها و مصالح خارجی وارداتی در صنعت ساختمان و معماری که مشابه ایرانی دارند به صورت انبوه هستیم؛ چرا مسئولین هنوز در حد شعار به فرامین مقام معظم رهبری نگاه می‌کنند.

۴- «هوشمندسازی معماری و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین تولید داخل»؛ «معماری هوشمند»

گامی در راستای معماری پایدار و صرفه جویی در انرژی به ویژه در مناطق گرمسیری است که با بهره‌مندی از این نوع معماری علاوه‌گردش طبیعی هوا و اکسیژن دهی به ساختمان می‌تواند اقتصاد مقاومی را با جلوگیری از اتلاف انرژی به منصف ظهور رساند. بناها در این نوع معماری قادر به تطبیق با شرایط داخل و خارج است و می‌تواند ضمن بررسی قاعده و اصول طبیعت و موجودات زنده، در برابر شرایط مختلف جوی مانند باد، گرما و سرمای بیش از حد و تغییر تابش نور خورشید واکنش نشان دهد.

۵- «تحقق اقتصاد مردمی»؛ ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقامی خاصه در ساخت و سازهای معماری را نمی‌توان نادیده گرفت. اقتصاد مقاومتی ماهیت اقتصاد مردمی است. اگر قرار باشد اقدامی در نهادسازی اقتصاد مقاومتی برداشته شود، هیچ لزوم ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد بلکه لزوم دارد مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند. نهادهای اقتصادی مردمی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند، اگر فضای اقتصادی بخش صنعت و مسکن را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، قطعاً تحولی مثبت در این عرصه شاهد خواهیم بود.

۶- «حمایت از فعالان اقتصادی»؛ توجه و دلجویی و حمایت دولت از فعالان اقتصادی در بخش مسکن و ساختمان الزامی است؛ اگر دولت در حالت عادی از فعالان اقتصادی در این بخش حمایت کند آن وقت می‌توان انتظار داشت آنها هم در روز مبادا به کمک کشور بیایند. حال این سؤال پیش می‌آید دولت در زمینه حمایت از فعالان اقتصادی بخش مسکن و ساختمان تا چه حد کار کرده است و باید چه کارهای دیگری را انجام دهد تا از فعالان در موقع ضرورت توقع داشته باشد.

۷- «گفتمان‌سازی در بخش صنعت ساختمان»؛ لزوم تبدیل بحث اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های معماری و شهرسازی

است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست و این یک واقعیت هست و آن را باید تبدیل به فرهنگ و گفتمان کرد. بهترین الگو برای ایجاد رابطه بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی، الگوبرداری از فرهنگ بسیج و دفاع هشت ساله و ارتباط آن با ساخت و سازها و اقدامات جهادی در بازسازی بعد از جنگ است.

۸- «مدیریت مصرف در بخش صنعت ساختمان»؛ مسئله مدیریت مصرف در بخش صنعت ساختمان یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر در منابع انسانی و مسالح و نکتولوژی ساخت.

نتیجه گیری و جمع بندی

در پایان باید گفت که در حوزه تحقق پذیری سیاستهای ابلاغی اقتصاد مقاومتی در حوزه صنعت ساختمان لازم است شاخص های اقتصاد مقاومتی و اهداف آن با جوهره مقاومت پیوند منطقی داشته باشند. این امر به این معناست که در این راستا باید چالش های پیش رو شناسایی و در دایره ای بزرگ تر با عنایت به چالش های اقتصاد امت اسلامی تعریف و برای آن برنامه و راه حل ارائه شود. ارکان اقتصاد مقاومتی در ایران شامل مردمی کردن اقتصاد، اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، توانمندسازی بخش خصوصی، افزایش ثروت ملی و صیانت از آن، کاهش وابستگی به درآمد نفتی، مدیریت مصرف و استفاده از ظرفیت و امکانات داخلی کشور است. اقتصاد مقاومتی یک واژه جدید است که حوزه های مختلفی را دربرمی گیرد. طی چند سال گذشته که در شرایط تحریم قرار داشتیم، قدرت های بزرگ و کشورهای غربی هم پیمان آنها از هیچ تلاشی برای تضعیف اقتصاد ایران فروگذار نکردند. باید برای بی اثر کردن این تحریم ها به طور علمی روش شناختی صحیحی ارائه شود. اقتصاد مقاومتی نیاز به زیرساخت و روش شناسی علمی دارد. بر این اساس به منظور حصول به اهداف تعیین شده باید برنامه های عمل (Action Plans) به دقت اجرایی

شوند و فعالیت پروژه های گوناگون براساس تقویم زمانی هریک به طور مداوم و مستمر کنترل و یا پایش شوند.

راهبردهای تحقق بخشی اقتصاد مقاومتی در صنعت ساختمان عبارتند از:

۱. ترویج اقتصاد مقاومتی و تنوع بخشی به الگوهای مناسب اقتصادی متناسب با نیاز کشور و شرایط خاص تحریم؛

۲. تبیین و تحکیم حوزه های راهبردی اقتصادی در سطوح سرمایه گذاری، منابع انسانی، فرصت های تولیدی؛

۳. اطلاع رسانی و آگاهی بخشی مناسب و متعادل در جهت رشد سرمایه گذاری در کشور؛

۴. بهره گیری از رویکردهای دانش بنیان در حوزه صنعت ساختمان و طراحی معماری و طراحی شهرها؛

۵. کاربست اصول و معیارهای طراحی هوشمند (smart growth) در معماری و طراحی شهرها و در نظرگیری ضوابط و مولفه های جدید معماری بیوفیلی و بیونیک.

۶. گسترش و تعمیق فرهنگ کار و تبیین نقش آثار آن بر استقلال اقتصادی کشور.

اهداف پیشنهادی برای سیاستگذاری در این بخش عبارتند از:

(*) راهبرد اول (ترویج اقتصاد مقاومتی در بخش صنعت و ساختمان)

۱. معرفی مدل و الگوی مطلوب اقتصادی در صنعت ساختمان و عمران شهری با تکیه بر اصول علمی و آموزه های اسلامی؛

۲. تبیین و تشریح نقش اقتصاد مقاومتی و کارکردهای سازنده آن در استقلال اقتصادی کشور و رهایی از وابستگی ملی در صنعت ساختمان و عمران شهری؛

۳. زمینه سازی برای توجه بیشتر سایر نهادهای کشور در چگونگی پرداختن به موضوع اقتصاد خاصه وزارتخانه ها و ارگانهای ذی ربط با صنعت ساختمان و عمران شهرها؛

(*) اهداف راهبرد دوم (تبیین و تحکیم حوزه های راهبردی اقتصادی در صنعت ساختمان و عمران شهری)

۱. سوق دادن سرمایه گذاران مالی خصوصی برای مشارکت جدی در طرح های عمرانی شهرها؛

۲. هدایت دولت و مجلس شورای اسلامی با هدف تعامل موثر با یکدیگر و ارائه تسهیلات لازم برای حضور همه جانبه بخش خصوصی در عرصه های اقتصادی مربوط به عمران شهری و صنعت ساختمان؛

۳. آسیب شناسی موانع و نیازمندی های تحقق اقتصاد مقاومتی در صنعت ساختمان؛

۴. تأکید بر نقش محوری دولت در تربیت متخصصان و حمایت از آنها در حوزه های تولیدی صنعت ساختمان؛

۵. تأکید بر نگرش مجموعه ای (سیستمیک) و کل نگر در پرداخت به حوزه های راهبردی در اقتصاد مقاومتی بالاخص در ارگانها و نهادهای مرتبط با معماری و شهرسازی.

(*) اهداف راهبرد سوم (اطلاع رسانی و آگاهی بخشی)

۱. ترغیب متخصصان و آگاهی بخشی به آنها برای سرمایه گذاری تولیدی در صنعت ساختمان و معماری؛

۲. تشویق مردم به تأمین منابع مالی در پروژه های کلان عمرانی - اقتصادی شهرها؛

۳. ارزیابی برنامه های دولت و ترغیب دولت به سرمایه گذاری های لازم بالاخص در بخش صنعت ساختمان و عمران شهری؛

۴. تبیین الزامات اقتصاد مقاومتی در جامعه و هدایت دولت در امور سرمایه گذاری عمرانی شهرها بالاخص شهرهای محروم و نیازمند توسعه بیشتر؛

۵. اطلاع رسانی در مورد آثار مثبت و مزایای کاهش وابستگی اقتصادی کشور به بیگانگان به جامعه حرفه ای معماری و سایر دلسوزان حرفه ای مرتبط با معماری و شهرسازی در سطوح حرفه ای یا

دانشگاهی؛

۶. آگاهی بخشی معماران و شهرسازان نسبت به پیامدهای منفی و زیانبار بی توجهی به نیازهای اساسی کشور بالاخص بایسته های اقتصاد مقاومتی؛

۷. تشریح اقتصاد مقاومتی در سطوح خرد، ملی و بین الملل مربوط به صنعت ساختمان.

(*) اهداف راهبرد چهارم (گسترش و تعمیق فرهنگ کار حرفه ای معماری و شهرسازی)

۱. لزوم اصلاح نگرش ها و رفتارهای عمومی معماران و شهرسازان در خصوص کار و صنعت ساختمان؛

۲. پرداختن به نقش راهبردی آموزش و یادگیری در زمینه اقتصاد مقاومتی برای معماران و شهرسازان؛

۳. تعمیق و ترغیب به استفاده مطلوب از منابع اقتصادی کشور و معادن تولیدکننده مصالح ساختمانی ملی و استفاده از آنها به جای تولیدات وارداتی خارجی؛

۴. تبیین نقش اساسی فرهنگ کار در جامعه و ضرورت تشویق به تولید بالاخص در حوزه صنعت ساختمان و فرآورده های آن؛

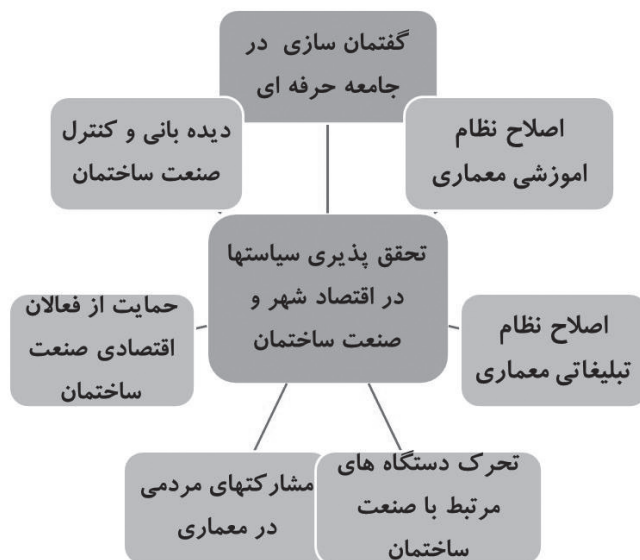
۵. تبلیغ کار تیمی به همراه نقد فرهنگ عمومی در انجام امور به شکل تکروری و تفرّدخواهی و منفعت طلبی در این حوزه.

سیاست ها و ضوابط کلی در زمینه تحقق پذیری سیاست های اقتصاد مقاومتی در بخش مسکن و ساختمان عبارتند از:

۱. در برنامه های تبیینی حوزه معماری و تصمیم گیری های کلان مدیریت شهری تا حد امکان به طور غیرمستقیم به موضوع اقتصاد مقاومتی پرداخته شود و در تولید برنامه های این خصوص، اعتدال و میانه روی رعایت گردد.

۲. بر نقش محوری محصولات راهبردی در جهت رفاه و آسایش مردم (مسکن و زمین شهری) و ایجاد ثبات در قیمت ها و جلوگیری از نوسان قیمت ها در بازار تأکید شود.

۳. در حمایت از تولید ملی و جهت دهی به بخش خصوصی معماری و ادارات حکومتی به خریدهای



نمودار ۸. نمودار تحلیلی اقتصاد مقاومتی در صنعت ساختمان و معماری شهری؛ ماخذ ترسیم: نگارنده.

۹. از شخصیت‌های موثر دانشگاهی و نخبگان برجسته علمی در تبیین و اطلاع رسانی مربوط به التزام بخش صنعت ساختمان و مدیریت شهری به تحقق پذیری سیاستهای اقتصاد مقاومتی استفاده شود تا زمینه‌ای برای پذیرش همگانی خاصه بخش خصوصی نیز فراهم شود.
۱۰. فرهنگ اقتصادی، دانش صرفه جویی و راهبردهای مدیریتی در توسعه اقتصاد مقاومتی مربوط به صنعت ساختمان و عمران شهری ترویج و اطلاع رسانی شود.
۱۱. در برنامه‌ها، ضمن آسیب‌شناسی اقتصاد کشور، بر آسیب‌های ناشی از خلاء قوانین و سوء استفاده‌های احتمالی در این زمینه و انحراف در سرمایه‌گذاری هم تأکید شود.
۱۲. فعالان اقتصادی و کارآفرینان در حوزه‌های استراتژیک اقتصادی در اقصی نقاط کشور به گونه‌ای آموزنده و تأثیرگذار در ایجاد حس و رفتار جهادی در عرصه ملی در این بخش و در عین حال مدیریت شهری معرفی شوند.
۱۳. به گونه‌ای شفاف و عینی، نسبت به تبیین محصولات و مصالح ساختمانی به سوی محصولات داخلی اقدامات جدی در رسانه ملی انجام شود.
۴. در تولید و پخش برنامه‌های مرتبط با موضوع عدم تجمل‌گرایی و لوکس‌گرایی صرف در بخش صنعت ساختمان، هویت خاص شبکه‌ها مورد توجه باشد و بر این اساس سهم و ضریب پرداختن به این موضوع برای هر یک از شبکه‌ها تعیین شود.
۵. در تأمین و پخش برنامه‌های بخش صنعت ساختمان در دستگاه‌های اجرایی و شهرداریها، سیاست‌ها و ضوابط در خصوص اقتصاد مقاومتی به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد.
۶. یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی در برنامه‌های کلی معماری و مسکن متناسب با آن ارائه شود.
۷. نظام آموزشی کشور در حوزه معماری و شهرسازی نیز متناسب با اقتصاد مقاومتی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.
۸. از ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای غیرکارشناسی در این مورد اجتناب شده و موضوع به گونه‌ای کار نشود که خلط مبحث پیش آید.

آثار مثبت اقتصاد مقاومتی بر زندگی واقعی مردم و آینده اقتصادی کشور و تقویت روحیه ایرانی پرداخته شود.

۱۴. بر استفاده از چاره‌جویی جامعه حرفه‌ای و دانشگاهی معماری و شهرسازی در جهت حل مشکلات اقتصادی کشور و توجه به اقتصاد مقاومتی برنامه‌سازی شود.

۱۵. بر تشکیل کمیته‌های راهبردی اقتصاد مقاومتی در کشور و حتی در شبکه‌های تولیدی در قالب «اتاق فکر» در دانشکده‌های معماری و شهرسازی تاکید شود.

منابع و ماخذ

اسدی، علی (۱۳۹۳) نظام اقتصاد اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، نشریه پژوهشی سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۵.

هاشمی، سید جواد و سمیه پورعبدی (۱۳۹۲) تهدیدات اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، اصفهان، نشر شاخص پژوه.

ویلکلن، پیتر (۱۳۸۱) اقتصاد سیاسی، ارتباطات جهانی و امنیت انسانی، ترجمه مرتضی بحرانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زهرایی، مصطفی (۱۳۷۶) نظریه‌های تحریم اقتصادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، تهران.

خادمی، سید موسی (۱۳۹۰) تهدیدات اقتصاد ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.

ادل، ماتیو (۱۳۸۰) اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا، تهران: نشر قطره، فصلهای ۲ و ۳، ۱۳۸۰.

اطهاری، کمال (۱۳۸۲) «ناکارآمدی نظام مدیریت مالی شهر»، مجله شهرداریها، سازمان شهرداریها، شماره ۴۹، ۱۳۸۲.

اورین ک-کپ، ترجمه اقتداری، علی (۱۳۵۶) بودجه بندی دولتی، تهران، موسسه علوم اداری.

سیف، اله مراد (۱۳۹۱) الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، نشریه آفاق امنیت،

شماره ۱۶.

بازرگان، عباس و دیگران (۱۳۷۷) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه.

پناهی، علی (۱۳۸۹) بودجه ریزی عملیاتی در نظریه و عمل، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

جری، ریچارد، دوکات، امانوی و دیگران (۱۳۶۸) بیکاری در جهان سوم. تهران: وزارت برنامه و بودجه مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۶۸.

دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور- مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری (۱۳۸۱) «شیوه‌های افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های شهرداریها»، انتشارات سازمان شهرداری ها، ۱۳۸۱.

دیوید، فرد (۱۳۷۹) «مدیریت استراتژیک»، ترجمه علی پارسیان و محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.

رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۰) بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران. ج ۱، تهران: نشر چشمه، فصل دوم، ۱۳۸۰.

رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۱) «نگاهی به مسائل توسعه شهری»، اقتصاد سیاسی توسعه. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

سبزه پرور، مجید (۱۳۸۹) «مرجع کاربردی مدیریت پروژه»، انتشارات ترمه، تهران.

سینجر، پل (۱۳۵۸) اقتصاد سیاسی شهرنشینی، ترجمه گروه تحقیق مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران: نشر ایران، ۱۳۵۸.

شارل ژید و شارل ریست (۱۳۷۰) تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر کریم سنجابی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران.

شورای شهر تهران (۱۳۸۹) سیاست‌های تدوین بودجه سال ۱۳۹۰ شهرداری تهران، مصوب شورای شهر تهران در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۱۴.

عابدین درکوش، سعید (۱۳۶۴) درآمدی به اقتصاد شهری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

فلورا، دنیر (۱۳۷۰) اقتصاد معاصر، ترجمه منوچهر

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

بررسی میزان تاثیر گذاري عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت؛ نمونه موردی: محله ساغری سازان

حمیدرضا باحقیقت منگودهی - مربی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، ایران.

رضا پرویزی - مربی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، ایران.

امیررضا کریمی آذری* - استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، ایران.

سپیده نمازی جوکندان - دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، موسسه آموزش عالی دیلمان لاهیجان، لاهیجان، ایران.

Evaluation of the impact on the vitality of citizens in neighborhoods old architectural elements native Rasht (Case Study: Neighborhood Sagharisazan)

Abstract

If we consider the city as a living organism needs to survive in vitality. The nativism one of the major issues that man has always been involved with one of the most important indicators of manufacturing space. The loss of local architecture means the loss experience of the past and more importantly the loss of comfort and quality of life is low. The vitality of the environment Nyzkamla life is affected by this issue because the vitality of positive psychology is one of the variables that are associated with improved quality of life. The vitality of the environment is also quite affected by this issue because the vitality of positive psychology is one of the variables that are associated with improved quality of life. In this study the factors affecting the vitality of citizens in local social and behavioral bases of Gilan be monitored and Given the importance of quality of life, past and present residents of the neighborhood in the old city of Rasht Sagharisazan social behavior in a sample of the stations studied. This paper attempts to clarify and identify the influence of the vernacular architecture of public space in the form of an old tissue. Therefore, this article is analytical way. Theoretical Foundations of research and analysis on the way library users Sagharisazan Rasht district has also been developing the questionnaire and factor analysis was performed. For this purpose, we used Excel and Spss Software. The results show that the index of the vernacular architecture of the old headquarters of social behavior on the vitality of Gilan always effective.

Key words: quality of life, elements of vernacular architecture, vitality.

چکیده

اگر شهر را به مانند یک موجود زنده فرض کنیم برای ادامه زندگی به سرزندگی و نشاط نیازمند است. از طرفی بومی گرایی یکی از مهمترین مسائلی است که انسان همواره با آن درگیر بوده و یکی از شاخصه های مهم در تولید و ساخت فضاها بوده است. از بین رفتن معماری بومی منطقه به معنای از بین رفتن تجربیات گذشتگان و از همه مهم تر از بین رفتن آرامش و آسایش و کم شدن کیفیت زندگی انسان می باشد. میزان سرزندگی افراد در محیط زندگی نیز کاملاً تحت تأثیر این موضوع میباشد زیرا سرزندگی یکی از متغیرهای روانشناسی مثبت نگر است که با بهبود کیفیت زندگی رابطه دارد. در این پژوهش سعی شده عوامل موثر بر میزان سرزندگی شهروندان در قرارگاه های رفتاری اجتماعی بومی استان گیلان بررسی شود و با توجه به اهمیت بافت قدیم شهر در کیفیت زندگی گذشته و حال شهروندان، محله ساغری سازان رشت در قالب نمونه ای از قرارگاه های رفتاری اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله حاضر تلاشی در جهت بررسی و شناسایی میزان تاثیرگذاری عناصر معماری بومی فضای عمومی در قالب تحلیل یک بافت قدیمی است. در راستای این هدف این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی است. مبانی نظری تحقیق با روش کتابخانه ای و تحلیل نظرات استفاده کنندگان محله ساغری سازان شهر رشت نیز به واسطه تدوین پرسشنامه و روش تحلیل عاملی صورت گرفت. بدین منظور از ابزارهای نرم افزاری Excel و Spss استفاده شد. نتایج نشان می دهد که شاخص های معماری بومی بافت قدیم قرارگاه رفتاری اجتماعی گیلان همواره بر میزان سرزندگی افراد موثر هستند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، عناصر معماری بومی، سرزندگی.

۱. مقدمه

«انسان موجودی هدفمند و جویای نشاط (شادکامی)، خوشبختی و سعادت است و تا زمانی که به آنچه می خواهد دست نیابد احساس نشاط، خوشبختی و سعادت نمی کند» (آستین فشان و هزار جریبی، ۱۳۸۸). امروزه به دلایل گوناگون تامین نشاط، شادی و سرزندگی به مثابه آرمانی مشروع درصد بسیاری از برنامه های طراحی به چشم می خورد. طراحان نیز در شرایط رقابت جهانی برای کسب سهم بیشتر از سرمایه ها، استعدادها و توجه جامعه بین المللی، سرزندگی را به عنوان ابزار مؤثر جهت ارتقاء توان رقابتی فضاها تلقی می نمایند. امروزه فضاهایی که در آن تعاملات اجتماعی شهروندان شکل می گیرد مانند فضاهای شهری و عمومی که فرهنگ جامعه در بستر آن ارتقاء می یابد، در کشور روزه روز به روز در حال افول است (گلکار، ۱۳۸۶). سرزندگی، مفهومی است که مناطق شهری موفق را از مناطقی که فاقد این مفهوم هستند متمایز می کند. سرزندگی اجتماعی در فضای عمومی شهری به یک فضای امن تر، مطلوب تر، و جذاب تر که ظرفیت برای ارائه گزینه های بیشتر برای فعالیت های اجتماعی و انتخابی افراد را فراهم می کند، و همچنین به عنوان یک محل برای مبادلات فرهنگی است، اشاره دارد. این نوع از فضا نتیجه موفق از روند تهیه مکان برای مردم است. یکی از این فضاهایی که به نسبت در شهرهای بزرگ ایران نیز به وفور یافت می شود محلات قدیمی می باشد. در نگاهی به محله ساغری سازان رشت به وضوح مشخص می شود که در قرارگاه های رفتاری اجتماعی گذشته به سرزنده بودن و ارتباط این سرزندگی با فعالیت های اجتماعی و میزان استفاده مطلوب کاربران اهمیت خاص داده شده است و همین مسئله مؤید ضرورت و اهمیت این پژوهش است تا بتوان این موضوع را به عنوان منبع برای طراحی قرارگاه های رفتاری اجتماعی نامطلوب امروزه در نظر گرفت. امروزه در فضاهای عمومی شاهد عدم مطلوبیت فضایی و

کیفیت لازمه هستیم. انسان ها صرفاً برای انجام فعالیت های ضروری خود به آن فضا مراجعه می کنند و گرنه شرایط مناسبی که منجر به جذب مردم برای ماندن در فضا و استفاده از آن شود وجود ندارد. این مقاله به بررسی مفهوم سرزندگی از بعد اجتماعی که همان Vitality است می پردازد، که در واقع بازتاب سطح شلوغی شهر در اوقات مختلف و در بخش های مختلف است (رضوانی و خستو، ۱۳۸۹). از طرفی معماری از جمله هنرهای کهن بشری است که شاید بیش از هر هنر دیگری خود را با عناصر بومی و منطقه ای هماهنگ ساخته است. از این رو در هر گوشه از این کره خاکی که پا می نهیم با بناهایی روبه رو می شویم که هر یک متناسب با اقلیم آن منطقه ساخته شده اند. اما نکته جالب توجه آن است که آنچه معماری هر منطقه را تحت تأثیر قرار می دهد، تنها شرایط اقلیمی نیست، بلکه آداب و رسوم و باورها و اعتقادات خاص هر منطقه نیز بر معماری آن تأثیر بسیار دارند و از طرفی چه به لحاظ کالبد فیزیکی و چه از نظر روابط اجتماعی حاکم در فضا، پاسخگویی لازم را برای جذب افراد به درون خود داشته و برای افراد استفاده کننده نیز احساس مطلوبی در پی دارند. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوال ذیل است: «عناصر معماری بومی محلات بافت قدیم رشت به عنوان یکی از قرارگاه های رفتاری اجتماعی گیلان بر کدام فاکتورهای سرزندگی و به چه میزان مؤثر می باشد؟»

روش تحقیق

با توجه به تلاش مقاله برای تحلیل عناصر معماری بومی قرارگاه های رفتاری اجتماعی گیلان و بررسی تأثیر آن ها بر میزان سرزندگی افراد؛ در نتیجه نظری بودن بحث، نوع تحقیق در حیطه تحقیقات بنیادین جای گرفته و عملاً روش های زیر در آن به کار گرفته شده است. روش استدلالی و تحلیل محتوای متن در بررسی ساختار قرارگاه های رفتاری اجتماعی و مبانی نظری معماری بهره خواهد جست. دوم آنکه برای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

انطباق مباحث نظری بر عرصه معماری با بررسی عناصر از روش استدلالی و نیز در بخش مشاهده (پیمایش)، از روش غیرمستقیم (پرسشنامه) برای تحلیل شاخص‌ها و معیارهایی، عناصر معماری بومی قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی گیلان و سرزندگی در معماری این فضاها بهره خواهد برد.

اهداف و ضرورت تحقیق

این مقاله با هدف بررسی عناصر معماری بومی محلات بافت قدیم گیلان به عنوان نمونه ای از قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی در راستای تدوین این عناصر در کنار بررسی فاکتورهایی که موجب سرزندگی افراد در قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی می‌شود، تدوین شده است که در نهایت مقاله حاضر به دنبال بررسی میزان تاثیر عناصر معماری بومی محلات بافت قدیمی گیلان به عنوان نمونه ای از قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی بومی گیلان بر میزان سرزندگی افراد می‌باشد.

ضرورت تحقیق نیز این است که: دگرگونی‌هایی که در حین اجرای تغییرات و نوسازی در شهرهای تاریخی ایران و گیلان به وجود آمده، سبب تغییر فرم و سازه ساختمانها و فضاهای شهری شده است. پیشنهاد طرح‌هایی موافق با خواسته‌های فرهنگی اجتماعی ساکنین و در نظر گرفتن فرآیند تأثیر هویت منطقه بر معماری فضاهای اجتماعی از اهمیت بارزی برخوردار است. از این رو در تحقیق موجود، تجربه‌های به دست آمده جهت به کارگیری معماری صحیح علمی، که حاصل تهیه و بررسی پتانسیل فضاهای اجتماعی موجود و پرسشگری از شهروندان ناحیه تاریخی مورد بررسی در دوره معاصر بوده و تئوری‌های پایه‌ای معماری به عنوان پیشنهادی برای طراحی قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی گیلان ارائه می‌شود. با این وصف، مقاله روند زیر را برای رسیدن به هدف خود طی می‌کند:

به دنبال استخراج، تعریف عناصر معماری بومی محلات بافت قدیم گیلان در قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی؛

به دنبال مفهوم دقیقی از سرزندگی و نشاط در قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی. بر اساس یافته‌ها؛ شاخص‌ها و معیارهای القای سرزندگی در معماری بومی قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی گیلان و در بطن ساختار فضاهای عمومی بومی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

آیا عناصر معماری بومی محله ساغری سازان رشت به عنوان یک قرارگاه رفتاری اجتماعی بر سرزندگی افراد تاثیر دارد؟ عناصر معماری بومی محله ساغری سازان رشت به عنوان یک قرارگاه رفتاری اجتماعی به چه میزان بر فاکتورهای سرزندگی تاثیر گذارند؟ آیا میزان سرزندگی افراد در محله ساغری سازان رشت به عنوان یک قرارگاه رفتاری اجتماعی، با توجه به شاخصه‌های معماری بومی متفاوت موجود در فضاها، متفاوت است؟ میزان تأثیرگذاری هر یک از عناصر معماری بومی محله ساغری سازان؛ (وجود فضاهای مذهبی، وجود فضاهای خدماتی، وجود راسته بازارهای متفاوت، وجود فضاهای حرکتی خاص، وجود تزئینات، استفاده از متریال بومی) بر میزان سرزندگی افراد چگونه است؟

سوال اصلی تحقیق عبارتند از:

عناصر معماری بومی محلات بافت قدیم به عنوان قرارگاه‌های رفتاری اجتماعی گیلان بر کدام فاکتورهای سرزندگی و به چه میزان موثر می‌باشد؟

ادبیات موضوع

سرزندگی محیط شهری

حیات و زندگی فرد در میان جمع بودن است و آنچه به یک فضا زندگی می‌بخشد، مردم و حضور فعال و پر شور و نشاط آنها در فضاست (پاکزاد، ۱۳۷۸، ص ۸۴). برای دست یافتن به شهری زنده و یا سرزندگی در محیط شهر، باید مکان‌ها و موقیت‌هایی برای ایجاد تجربه‌های دوست‌داشتنی فراهم آورد (لنارد، ۱۳۸۴، ص ۹۹). در این قسمت سعی شده سرزندگی را از دیدگاه افراد مختلف بر اساس تقدم زمانی بررسی کرده به خصوص سرزندگی که ما را با

مفهوم اجتماعی آن آشنا می‌سازد. جیکوبز در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا که در سال ۱۹۶۱ منتشر شده، می‌گوید: خیابان زنده همواره استفاده‌کنندگان و تماشاچیان را در کنار هم دارد، وی سرزندگی خیابان را امکان برقراری برخوردها و تعاملات مفید بین افراد و تماشاکردن دیگران می‌داند (جیکوبز، ۱۹۶۱). در سال ۱۹۸۷ «آلن جیکوبز» و «داندل اپلیارد» بیانیه‌ای با عنوان «به سوی یک مانیفست طراحی شهری» منتشر کردند، که بر اساس آن سرزندگی را امکان زندگی راحت در یک شهر تعریف نموده‌اند. همچنین «جان روس» رئیس کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان، معتقد است برای ارجاع به سرزندگی باید از واژه کیفیت استفاده کرد. وی سرزندگی را چنین تعریف می‌کند: «کیفیت زندگی ۱ آن طور که مردم در فضای شهری ادراک و تجربه می‌کنند» (گلکار، ۱۳۸۶). جان لنگ نیز به نقل از سوزان و هانری لنارد که در کتاب آفرینش نظریه معماری منتشر شد در سال ۱۹۸۷ به بیان منعطف بودن رابطه بین محیط و انواع فعالیت‌های مردم اشاره میکند و چنین می‌گوید: یک مکان رفتاری مثل میدانی از شهر را می‌توان به تعدادی مکان خرد رفتاری تقسیم کرد. زنده بودن چنین مکان‌هایی به این بستگی دارد که هر مکان خرد رفتاری چه رفتارهایی را تامین کند و تمایلات مردم نسبت به آن‌ها چه باشد (لنگ، ۱۳۸۳). «هانری لنارد» نیز در کتاب سرزنده‌سازی شهرها که در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است، سرزندگی را به صورت زیر تعریف می‌کند: امکان تماشای مردم و شنیدن صدای آن‌ها، امکان گرد هم آمدن غیر رسمی مردم در عرصه‌های عمومی، فرصت اجتماعی شدن برای کودکان و نوجوانان در عرصه‌های عمومی، تایید و ارزش قائل شدن همه شهروندان برای یکدیگر و احترام به معرفت و آگاهی‌های ساکنان (دادپور، ۱۳۸۹، ص ۲)، در سال ۲۰۰۰ «چارلز لاندی» مفهوم سرزندگی را به گونه‌ای متفاوت بررسی نموده، از نظر او سرزندگی و

زیست‌پذیری به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری با طراوت توصیف گردد (لاندی، ۲۰۰۰)، در سال ۲۰۰۵ نیز در لغت نامه شهرسازی «رابرت کوان» سرزندگی و زیست‌پذیری در کنار هم آمده و این‌گونه معنی شده است: ویژگی مراکز شهرهای کوچک و بزرگ موفق است. سرزندگی شهر بازتاب سطح شلوغی آن در اوقات مختلف روز و در بخش‌های مختلف است، که در واقع اشاره به همان سرزندگی اجتماعی دارد؛ در صورتی که زیست‌پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغیر است (رضوانی و خستو، ۱۳۸۹). «یان گل» که در مطالعات خود بیشتر به بحث مسائل اجتماعی پرداخته است فضایی را از این نظر سرزنده می‌داند که امکان عبور و مرور آهسته و فعالیت پیاده فراهم باشد. وی می‌گوید در برنامه‌ریزی فضاهای عمومی باید توجه داشت که دو گروه بازدیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از فضا، مهمترین گروه‌های مخاطب هستند. برای اطمینان یافتن از اینکه فضاهای شهری سرزنده و مردم‌گرا باشند، می‌بایست مطمئن شد که شرایط خوبی برای این دسته از مردم فراهم شده است. از دیگر معیارهای سرزندگی از نظر گل، جبهه‌های فعال جلویی ساختمان‌ها و ارتباط مناسب بین فعالیت‌های داخل و خارج ساختمان‌ها و رعایت مقیاس انسانی فضاها و همچنین توجه به کیفیت طراحی و اجتناب از نماهای شیشه‌ای و درخشان به دلیل خاصیت دعوت‌کنندگی که به فضا می‌بخشند (گل، ۱۳۸۹).

حوزه مورد مطالعه

رشت از نظر بافت تاریخی و معماری جزء یکی از شهرهای مهم تاریخی ایران به شمار می‌آید. اما به جهت شرایط آب و هوایی آن و نابودی آثار تاریخی

و معماری، بناهای زیادی در این شهر تاریخی که قدمت مرکزیت آن به پیش از سده‌ی نهم ه.ق باز می‌گردد، باقی نمانده است. با این حال تنوع و تعدد محلات تاریخی بازگو کننده‌ی قدمت این شهر می‌باشد. یکی از محلات مهم شهر رشت، ساغری‌سازان است که یادگارهای مهم معماری و تاریخی در دل خود دارد. گام‌هایی که از چند قرن اخیر جهانگردانی که از این شهر عبور می‌کردند در سفرنامه‌های خویش با توصیف بازاری که آسمان آن پیدا بود و خانه‌هایی با سقف سفال پوش قرمز زیبا و پرچین‌ها و درختان سرسبز آن برداشته‌اند. «هنگام ورود به رشت سفال‌های قرمز رنگ، پرچین‌ها و درخت‌های فراوان به چشم می‌خورد که پس از جاده‌های یکنواخت و گرم صحرا منظره‌ی دل‌انگیزی به وجود می‌آورد (ریچاردز، ۱۳۸۹، ص ۳۲۸). در قدیمی‌ترین نقشه رشت محله‌ی زاهدان شامل مناطق زیر است: «قبرستان»، قراولخانه، حمام ساغری‌سازان، مسجد ساغری‌سازان، بازار ساغری‌سازان، گذر ساغری‌سازان، بقعه‌ی آقا سید عباس، [مسجد] مدرسه حاج سمیع، [سه] مسجد، منزل قنسول فرانسه، خانه قنسول روس، مسجد سفید، [مسجد] تکیه شیخ نقی، مسجد و بقعه‌ی خواهر امام [رضا] علیه‌السلام، [دو] مسجد، حمام نایب، حمام کاظم حکیم‌باشی (نیکویه، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲).

پیشینه تحقیق

در خارج کشور دو تن از مشهورترین افرادی که به طور خاص به موضوع سرزندگی پرداخته‌اند، جین جیکوبز و کوین لینچ هستند. این دو هر کدام با رویکردی خاص به این مفهوم نگریده‌اند که بر دیدگاه آن‌ها با وجود ارزشمند بودن، نقدهایی وارد می‌باشد (جیکوبز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰). چهار شرط اصلی را برای خلق تنوع بارور در خیابان‌ها و نواحی شهری و در نتیجه سرزندگی شهری بیان می‌نماید: محدوده ترجیحاً دارای بیش از دو کارکرد اصلی باشد؛

غالب بلوک‌ها کوتاه باشند؛

منطقه ترکیبی از ساختمانهایی با سن و شرایط متفاوت باشد؛

تراکم فشرده‌ی کافی مردم صرف نظر از علت حضورشان وجود داشته باشد.

او در شرط اول بر روی تنوع کاربری، در شرط دوم و سوم بر روی تنوع کالبدی و در شرط چهارم از تنوع فعالیت‌ها سخن می‌گوید؛ در واقع به اعتقاد او تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت؛ البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند و با وجود کاربریهای مختلط، قطعاً تنوع فعالیتی نیز بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد؛ بنابراین یکی از ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری مختلط و تنوع آن‌ها است؛ ولی تنوع تنها یکی از ملزومات ایجاد سرزندگی و پویایی در یک فضا است و عناصر قدرتمند دیگری نیز وجود دارند که در ایجاد فضای شهری سرزنده تأثیرگذار هستند؛ به عنوان نمونه در مقیاس خرد، طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیتها که باعث جلب افراد به آنجا می‌شود و در مقیاس کلان، عوامل اجتماعی، فرهنگی، محیطی که از برون بر فضا تأثیر می‌گذارند، نادیده گرفته شده است. کوین لینچ در کتاب «تئوری شکل شهر» (۱۳۸۱، صص ۱۶۶-۱۵۵) عمدتاً سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است سرزندگی به همراه ۵ عامل دیگر معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محورهای عملکردی شکل خوب شهر را تشکیل می‌دهند. او سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از:

او در شرط اول بر روی تنوع کاربری، در شرط دوم و سوم بر روی تنوع کالبدی و در شرط چهارم از تنوع فعالیت‌ها سخن می‌گوید؛ در واقع به اعتقاد او تنوع، سرزندگی را به دنبال خواهد داشت؛ البته این کاربری‌ها هستند که فعالیت‌ها را پدید می‌آورند و با وجود کاربریهای مختلط، قطعاً تنوع فعالیتی نیز بالا می‌رود و در نتیجه آن تنوع افراد مراجعه کننده در ساعات متفاوت روز افزایش می‌یابد؛ بنابراین یکی از ملزومات سرزندگی خیابان، وجود کاربری مختلط و تنوع آن‌ها است؛ ولی تنوع تنها یکی از ملزومات ایجاد سرزندگی و پویایی در یک فضا است و عناصر قدرتمند دیگری نیز وجود دارند که در ایجاد فضای شهری سرزنده تأثیرگذار هستند؛ به عنوان نمونه در مقیاس خرد، طراحی شهری جذاب و متناسب با فعالیتها که باعث جلب افراد به آنجا می‌شود و در مقیاس کلان، عوامل اجتماعی، فرهنگی، محیطی که از برون بر فضا تأثیر می‌گذارند، نادیده گرفته شده است. کوین لینچ در کتاب «تئوری شکل شهر» (۱۳۸۱، صص ۱۶۶-۱۵۵) عمدتاً سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است سرزندگی به همراه ۵ عامل دیگر معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت، محورهای عملکردی شکل خوب شهر را تشکیل می‌دهند. او سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از:

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

«بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد و ایمنی، عدم وجود سموم زیست محیطی و خطرات، سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی، سلامتی و تنوع ژنتیکی موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.»

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۱. انواع سرزندگی و زیست پذیری؛ ماخذ: ۲۰۰۰، lamdry.

<p>سرزندگی اقتصادی: توسط سطوح اشتغال، درآمد خالص و استانداردهای زندگی مردم در یک منطقه تحت بررسی، شمار سالیانه گردشگران، عملکرد خرده فروشیها، ارزش زمین و دارائی مورد ارزیابی قرار می گیرد.</p>	
<p>سرزندگی اجتماعی: به وسیله سطوح فعالیتها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می شود. یک شهر سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری با طراوت توصیف گردد.</p>	<p>زیست پذیری: خوداکتفایی بلند مدت، پایداری، سازگاری، انطباق پذیر و خوداحیایی سرزندگی: سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت، تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی تظاهر فعالیتها و تعاملات در جهان بیرونی) انواع سرزندگی و زیست پذیری</p>
<p>سرزندگی و زیست پذیری محیطی: دو جنبه را در بر می گیرد: اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و فضاهای سبز قرار دارد و جنبه دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخشهای مختلف شهر، کیفیت روشنایی و این که محیط شهری تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک شدنی است را در بر می گیرد.</p>	
<p>سرزندگی و زیست پذیری فرهنگی: دربرگیرنده بقا، احترام و تجلیل از شهر و مردمانش، هویت، خاطرات، سنت، جشن ها اجتماعی، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه هایی که بیانگر ماهیت متمایز شهر می باشد است.</p>	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۷۴

جوش» عوامل موثر بر یک مکان عمومی موفق و پر جنب و جوش را این چنین معرفی می نماید:
«موقعیت مکان»: جایگاه یک فضای عمومی موفق بایستی به گونه ای باشد که پذیرای جمع کثیری از افراد باشد؛ به علاوه در نزدیکی مراکز خرده فروشی باشد به گونه ای که جاذب و تولیدکننده فعالیت پیاده گردد.
«اندازه مکان»: اندازه یک فضای عمومی موفق باید به گونه ای باشد که گنجایش تفریحات جمعی و رویدادها را داشته باشد ولی نه آنقدر بزرگ که محصوریت فضا از بین رود.

«لینچ» در طبقه بندی خود، عمدتاً معیارهای بیولوژیکی و اکولوژیکی را مدنظر قرار داده و تنها با این رویکرد به موضوع سرزندگی می پردازد؛ عواملی نظیر مسائل اجتماعی، فرهنگی را که درست به اندازه عوامل اکولوژیکی در این بحث دارای اهمیت می باشند نادیده گرفته است؛ بنابراین به منظور دستیابی به یک محیط سرزنده و پویا می توان باید جامع تری به موضوع نگر است تا امکان طبقه بندی کامل تری فراهم گردد.
افراد نیز به سرزندگی فضای شهری پرداخته اند؛ «پامیر» در کتاب «خلق یک مرکز شهری پر جنب و

جدول ۳. عوامل موثر در میزان سرزندگی (Vitalist) شهروندان در فضای شهری

عوامل تقویت کننده	عوامل تهدید کننده
تراکم افراد	ازدحام
وجود فضاهای توقف و مکث	وجود فضاهای صرفاً حرکتی و بدون توقف
حضور عناصر طبیعی و چشم انداز	بی نظمی در سازماندهی و طراحی عناصر طبیعی
وجود عناصر خاص بصری	عدم توجه به عناصر بصری
وجود فضاهایی برای رفع نیاز	عدم توجه به نیازهای شهروندان
تقویت حس تعلق در شهروندان	نا آشنایی با محیط اطراف

کاربری منعطف، راحتی، سازگاری و کیفیت بالا در عین سادگی اشاره می کند. با توجه به جدول ۳ عوامل و معیارهای عام سرزندگی را می توان به صورت زیر برشمرد:

محتوای پرسشنامه و تعیین قابلیت اتکای آن

جمعیت آماری پژوهش، شهروندان شهر رشت هستند. که طبق آمار ارائه شده در حدود ۷۰۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد. جامعه آماری مورد بررسی ۱۰۰ نفر هستند، که به صورت تصادفی از میان شهروندان محله ساغری سازان شهر رشت انتخاب شده اند. محتوای پرسشنامه علاوه بر سوالاتی مربوط به جنسیت، سن، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات، شامل ۱۸ پرسش بسته پاسخ در خصوص سنجش ترجیحات و ادراک شهروندان از عناصر معماری بومی در میزان سرزندگی در محیط زندگی خود، است. ترجیح شهروندان توسط پرسش های بسته پاسخ به صورت داوری ارزشی ۵ مرحله ای در مقیاس لیکرت شامل خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تنظیم شده است.

یافته ها، نتایج و آزمون فرضیات

با توجه به جدول همبستگی می بینیم که بیشترین همبستگی مربوط میزان تاثیرگذاری عوامل وجود فضاهای مذهبی (مسجد و غیره) در قرارگاه رفتاری اجتماعی و وجود تزئینات بر روی بناهای اصلی که موجب افزایش فعالیت شهروندان خواهد شد و با



نمودار ۱. فاکتورهای سرزندگی در قرارگاه های رفتاری اجتماعی؛ ماخذ: نگارندگان.

«برنامه ریزی مکان»: ایجاد یک فضای زنده و دوستدار مردم هنگامی امکانپذیر است که اطراف آن مکان به وسیله مغازه های خرده فروشی، رستوران ها و کافه ها احاطه شده باشد. در نظر او که یکی از راه های کسب موفقیت در فضای شهری، ایجاد فعالیت های تجاری به خصوص خدمات خوراکی است.

«طرح مکان»: طراحی یک مکان باید ظرفیت فضا را برای جذب و مطابقت فعالیتها افزایش دهد. در این رابطه به مواردی نظیر نشیمنگاه مناسب،

جدول ۴. عناصر معماری بومی قرارگاه های رفتاری اجتماعی بومی گیلان

تصاویر	عناصر تشکیل دهنده	نمونه قرارگاه رفتاری اجتماعی بومی
	وجود فضا های مذهبی	محله زاهدان و ساغری سازان
	وجود فضاهای خدماتی (حمام مردانه، مسافرخانه و غیره)	
	وجود بازار (راسته نعل کردن اسب، راسته ماهی فروشان، راسته مسگران و غیره)	
	وجود فضاهای حرکتی خاص (خیابان های پهن و کوچه های باریک)	
	وجود تزئینات بر روی بناهای اصلی	
	استفاده از متریال بومی در تمامی فضاها (چوب، سنگ و ...)	

توجه به سطح معناداری آن به این نتیجه می رسیم که وجود فضاهای مذهبی در قرارگاه رفتار اجتماعی و وجود تزئینات بر روی بناهای اصلی موجب افزایش فعالیت شهروندان خواهد شد. و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر رد می شود. همچنین در مورد دوم که کمترین همبستگی می باشد به بررسی همبستگی بین عوامل وجود فضاهای مذهبی در قرارگاه رفتاری اجتماعی و وجود بازار (راسته نعل کردن اسب، راسته ماهی فروشان، راسته مسگران و...) که موجب افزایش فعالیت شهروندان خواهد شد با توجه به سطح معناداری به این نتیجه می رسیم که وجود فضاهای مذهبی در قرارگاه رفتاری اجتماعی بر وجود بازار تاثیر نداشته و موجب افزایش فعالیت شهروندان نمی شود و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر تایید می گردد.

باتوجه به جدول همبستگی می بینیم که بیشترین همبستگی مربوط به همبستگی وجود فضاهای خدماتی و وجود فضاهای مذهبی می باشد باتوجه به سطح معناداری به این نتیجه می رسیم

جدول ۴. جدول همبستگی بین متغیرها در رابطه با فاکتور فعالیت

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان تاثیرگذاری عوامل فضاهای مذهبی در قرارگاه رفتاری اجتماعی و وجود تزئینات بر روی بناهای اصلی که موجب افزایش فعالیت شهروندان خواهد شد.	۰/۲۰۵	۰/۰۴۰
میزان تاثیرگذاری عوامل وجود فضاهای مذهبی در قرارگاه رفتاری اجتماعی و وجود بازار (راسته نعل کردن اسب، راسته ماهی فروشان، راسته مسگران و غیره) که موجب افزایش فعالیت شهروندان خواهد شد.	۰/۰۰۸	۰/۹۳۵

جدول ۵. جدول همبستگی بین متغیرها در رابطه با فاکتور رضایت

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنادار
میزان تاثیرگذاری وجود فضاهای خدماتی (حمام، مسافرخانه و غیره) و وجود فضاهای مذهبی (مسجد و غیره) در قرارگاه رفتاری اجتماعی	۰/۱۴۸	۰/۱۴۲
میزان تاثیرگذاری وجود بازار (راسته نعل کردن اسب، راسته ماهی فروشان، راسته مسگران و...) و وجود تزئینات بر روی بناهای اصلی در رضایت	۰/۰۱۷	۰/۸۶۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۷۷

معناداری آن به این نتیجه می‌رسیم که وجود فضاهای حرکتی خاص و وجود بازار موجب ایجاد تنوع برای شهروندان معنادار است و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر رد می‌شود. همچنین در مورد دوم که کمترین همبستگی را دارا می‌باشد به بررسی همبستگی بین وجود بازار و وجود فضاهای پرداخته می‌شود و با توجه به سطح معناداری به این نتیجه می‌رسیم که وجود بازار و وجود فضاهای ارتباطی باهمدیگر ندارند و موجب ایجاد تنوع برای شهروندان نمی‌شود و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر تایید می‌گردد.

که وجود فضاهای خدماتی و وجود فضاهای مذهبی موجب رضایت شهروندان نمیشود و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر تایید می‌شود. همچنین در مورد دوم که کمترین همبستگی می‌باشد، به بررسی همبستگی بین وجود بازار و وجود تزئینات می‌باشد، با توجه به سطح معناداری به این نتیجه می‌رسیم که وجود بازار و وجود تزئینات ارتباطی باهمدیگر ندارند و موجب رضایت شهروندان نمی‌شود و فرض صفر یعنی وجود نداشتن رابطه بین دو متغیر تایید می‌گردد. با توجه به جدول همبستگی می‌بینیم که بیشترین همبستگی مربوط می‌گردد به تاثیرگذاری عوامل وجود فضاهای حرکتی خاص و وجود بازار در ایجاد تنوع برای شهروندان خواهد شد و با توجه به سطح

جدول ۶: جدول همبستگی بین متغیرها در رابطه با فاکتور تنوع

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان تاثیرگذاری وجود فضاهای حرکتی خاص و وجود بازاردر ایجاد تنوع برای شهروندان	۰/۲۷۸	۰/۰۰۵
میزان تاثیرگذاری وجود بازار وجود فضاهای مذهبی در ایجاد تنوع برای شهروندان	۰/۰۰۲	۰/۹۸۱

جدول ۷: آمار توصیفی

تعداد	انحراف معیار	میانگین
۱۰۰	۱/۲۵۷	۳/۴۳
۱۰۰	۰/۹۴۸	۲/۶۴
۱۰۰	۰/۵۰۳	۱/۳۶
۱۰۰	۰/۷۴۴	۱/۸۲
۱۰۰	۱/۲۳۳	۲/۵۷
۱۰۰	۰/۸۲۱	۱/۵۲

جدول ۸: مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها مستقل و وابسته

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰/۷۳۸	۰/۵۴۵	۰/۵۱۶	۰/۱۷۶۹۲

تحلیل چند متغیره داده‌ها

در جدول ۷ میانگین و انحراف معیار و تعداد داده‌های هر متغیر مشاهده می‌شود.

جدول ۸ مقدار ضریب همبستگی بین متغیرها مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. در مدل یک فقط ۶ متغیر وارد مدل شده و مقدار ضریب همبستگی چندگانه ۰/۷۳۸ گزارش شده، پس بین ۶ متغیر همبستگی نسبتاً قوی‌ای وجود دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل یافته ۰/۵۴۵ گزارش شده است این بدان معنی است که متغیر مستقل (۶ متغیر) حدود ۵۴۵٪، از کل واریانس متغیر وابسته (فاکتور سرزندگی) را تبیین می‌کند. برای بررسی مناسب بودن مدل رگرسیونی از آزمونی تحت عنوان

ANOVA استفاده می‌گردد. این آزمون در واقع به

صورت زیر می‌باشد:

$H_0 = H_1$ = تمامی ضرایب غیر ثابت مدل رگرسیونی برابر

صفر است $H_1 = VS H_0$ = خلاف فرض صفر

از آزمون بالا به عنوان آزمون مناسب بودن مدل رگرسیونی یاد می‌گردد. واضح است که در آن علاقمند به رد فرض صفر هستیم.

جدول ۱۰ نتیجه مناسب بودن مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. با توجه به مقدار معنی داری این آزمون در مدل (sig=۰۰۰) مناسب بودن مدل رگرسیون را می‌توان در سطح ۰/۰۵ نتیجه گرفت؛ یعنی فرض صفر رد می‌شود.

جدول ۱۰ ضرایب برآورد مدل رگرسیونی (ستون

جدول ۹. ضریب ANOVA

Model	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.	
۱	Regression	۳/۴۹۰	۶	۰/۵۸۲	۱۸/۵۸۵	۰۰,۰a
	Residual	۲/۹۱۱	۹۳	۰/۰۳۱		
	Total	۶/۴۰۱	۹۹			

جدول ۱۰. Coefficients

Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
۱ (Constant)	۰/۰۱۱	۰/۱۲۰		۸,۴۰۴	۰/۰۰۰
وجود فضاهای مذهبی	۰/۰۸۱	۰/۰۱۵	۰/۴۰۱	۵,۵۶۶	۰/۰۰۰
وجود فضاهای خدماتی	۰/۰۹۷	۰/۰۱۹	۰/۳۶۲	۵,۰۲۶	۰/۰۰۰
وجود بازار	۰/۰۱۸	۰/۰۳۶	۰/۰۳۵	۰,۵۰۰	۰/۰۰۰
وجود فضاهای حرکتی خاص	۰/۱۲۲	۰/۰۲۶	۰/۳۵۶	۴,۷۶۳	۰/۰۰۰
وجود ترئینات در بناهای اصلی	۰/۰۷۷	۰/۰۱۵	۰/۳۷۳	۵,۰۴۲	۰/۰۰۰
استفاده از متریاال های بومی	۰/۰۶۹	۰/۰۲۲	۰/۲۳۲	۳,۰۷۸	۰/۰۰۰

جدول ۱۱. Statistics

تعداد	انحراف معیار	میانگین
۱۰۰	۱/۲۵۷	۳/۴۳
۱۰۰	۰/۹۴۸	۱/۶۴
۱۰۰	۰/۵۰۳	۱/۳۶
۱۰۰	۰/۷۴۴	۱/۸۲
۱۰۰	۱/۲۳۳	۲/۵۷
۱۰۰	۰/۸۲۱	۲/۲۵
۱۰۰	۰/۰۶۰	۲/۲۲
۱۰۰	۱/۰۶۱	۲/۱۶
۱۰۰	۰/۹۴۳	۳/۰۲
۱۰۰	۰/۹۱۳	۱/۶۶
۱۰۰	۰/۶۴۴	۱/۵۰
۱۰۰	۱/۰۶۳	۲/۱۱
۱۰۰	۱/۱۳۱	۲/۷۱
۱۰۰	۱/۰۱۴	۲/۲۷
۱۰۰	۰/۶۶۹	۱/۵۸
۱۰۰	۰/۶۲۵	۱/۵۶
۱۰۰	۰/۸۶۰	۱/۷۴
۱۰۰	۰/۹۶۴	۲/۰۰

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

جدول ۱۲. KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۴۶۸
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۲۱۶/۰۴۴
	df	۱۵۳
	Sig.	۰/۰۰۱

جدول ۱۳. Communalities

	Initial	Extraction
تأثیر فضاهای مذهبی بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۶۲۶
تأثیر فضاهای خدماتی بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۷۴۴
تأثیر بازار بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۶۲۱
تأثیر فضاهای حرکتی خاص بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۶۹۷
تأثیر وجود ترئینات بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۷۰۵
تأثیر متریاال های بومی بر فعالیت	۱/۰۰۰	۰/۶۸۰
تأثیر فضاهای مذهبی بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۵۷۱
تأثیر فضاهای خدماتی بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۴۷۱
تأثیر بازار بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۶۸۴
تأثیر فضاهای حرکتی خاص بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۶۳۳
تأثیر وجود ترئینات بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۶۴۷
تأثیر متریاال های بومی بر رضایت	۱/۰۰۰	۰/۷۳۰
تأثیر فضاهای مذهبی بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۶۱۷
تأثیر فضاهای خدماتی بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۷۰۹
تأثیر بازار بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۷۰۴
تأثیر فضاهای حرکتی خاص بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۵۵۷
تأثیر وجود ترئینات بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۶۷۴
تأثیر متریاال های بومی بر تنوع	۱/۰۰۰	۰/۶۶۱

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۲۸۰ ■

(B)، مقدار استاندارد شده، مقدار آزمون t، میزان

معنی داری آورده شده است و با توجه به سطح
معنی داری این متغیرها ($0.05 > sig$) فرض صفر در
سطح ۰/۰۵ رد می گردد و هر ۶ تا متغیر وارد مدل
می گردند.

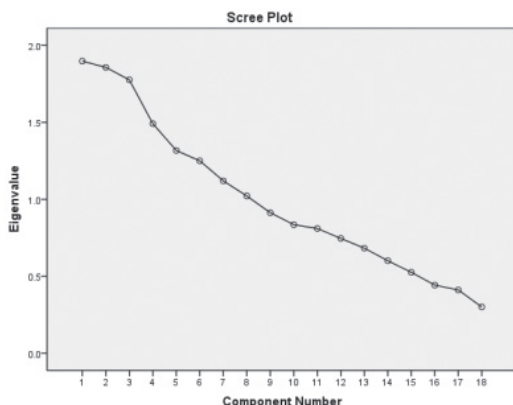
روش تحلیل عاملی
جدول ۱۱ تحلیل عاملی نامی عمومی برای برخی
روش های آماری چند متغیره است که هدف اصلی
آن خلاصه کردن داده هاست.
با توجه به جدول ۱۲ چون مقدار آماره KMO برابر

جدول ۱۴. درصد واریانس و مقادیر ویژه عامل های مختلف

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings			Rotation Sums of Squared Loadings		
	Total	of % Variance	Cumulative %	Total	of % Variance	Cumulative %	Total	of % Variance	% Cumulative
۱	۱,۸۹۷	۱۰,۵۴۱	۱۰,۵۴۱	۱,۸۹۷	۱۰,۵۴۱	۱۰,۵۴۱	۱,۷۹۷	۹,۹۸۲	۹,۹۸۲
۲	۱,۸۵۷	۱۰,۳۱۶	۲۰,۸۵۶	۱,۸۵۷	۱۰,۳۱۶	۲۰,۸۵۶	۱,۵۹۶	۸,۸۶۸	۱۸,۸۵۱
۳	۱,۷۷۶	۹,۸۶۵	۳۰,۷۲۱	۱,۷۷۶	۹,۸۶۵	۳۰,۷۲۱	۱,۵۱۳	۸,۴۰۸	۲۷,۲۵۹
۴	۱,۴۹۱	۸,۲۸۶	۳۹,۰۰۸	۱,۴۹۱	۸,۲۸۶	۳۹,۰۰۸	۱,۵۱۱	۸,۳۹۳	۳۵,۶۵۲
۵	۱,۳۱۷	۷,۳۱۷	۴۶,۳۲۵	۱,۳۱۷	۷,۳۱۷	۴۶,۳۲۵	۱,۴۶۰	۸,۱۱۴	۴۳,۷۶۶
۶	۱,۲۵۰	۶,۹۴۴	۵۳,۲۶۹	۱,۲۵۰	۶,۹۴۴	۵۳,۲۶۹	۱,۳۱۳	۷,۳۹۵	۵۱,۰۶۱
۷	۱,۱۲۰	۶,۲۲۲	۵۹,۴۹۱	۱,۱۲۰	۶,۲۲۲	۵۹,۴۹۱	۱,۲۹۲	۷,۱۷۹	۵۸,۲۳۹
۸	۱,۰۲۲	۵,۶۷۷	۶۵,۱۶۸	۱,۰۲۲	۵,۶۷۷	۶۵,۱۶۸	۱,۲۴۷	۶,۹۲۹	۶۵,۱۶۸
۹	۹۱۳.	۵,۰۷۲	۷۰,۲۴۰						
۱۰	۸۳۵.	۴,۶۴۱	۷۴,۸۸۱						
۱۱	۸۱۰.	۴,۵۰۲	۷۹,۳۸۳						
۱۲	۷۴۶.	۴,۱۴۵	۸۳,۵۲۸						
۱۳	۶۸۳.	۳,۷۹۳	۸۷,۳۲۱						
۱۴	۶۰۱.	۳,۳۴۰	۹۰,۶۶۱						
۱۵	۵۲۶.	۲,۹۲۲	۹۳,۵۸۳						
۱۶	۴۴۳.	۲,۴۵۹	۹۶,۰۴۲						
۱۷	۴۱۱.	۲,۲۸۵	۹۸,۳۲۸						
۱۸	۳۰۱.	۱,۶۷۲	۱۰۰,۰۰۰						

Case Processing Summary			
	%	N	
۱۰۰,۰	۱۰۰	Valid	Cases
۰	۰	Excludeda	
۱۰۰,۰	۱۰۰	Total	

واریانس متغیرها داشته است. در ستون Extraction Sums of Squared Loadings واریانس تبیین شده عامل‌هایی ارائه شده است که مقادیر ویژه آنها بزرگتر از عدد یک باشد. ستون Rotation Sums of Squared Loadings مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود همه عامل‌ها قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند.



شکل فوق تغییرات مقادیر ویژه را در ارتباط با عامل‌ها نشان می‌دهد. این نمودار برای تعیین تعداد بهینه مؤلفه‌ها به کار می‌رود. با توجه به این نمودار مشاهده می‌شود که از عامل سوم به بعد تغییرات مقدار ویژه کم می‌شود، پس می‌توان عامل‌هایی را که به عنوان عوامل مهم که بیشترین نقش را در تبیین واریانس داده‌ها دارند، استخراج کرد. میزان پایانی طیف‌ها به شرح زیر است:

Reliability Statistics	
N of Items	Cronbach's Alpha
۱۸	۰,۲۶۰

۰/۴۶۸ است پس داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی مناسب‌اند. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز معنی‌دار است به این مفهوم که صفر رد می‌شود یعنی بین متغیرها همبستگی وجود دارد.

جدول ۱۳ میزان اشتراک متغیرها یا واریانس کل با میزان اشتراک عاملی متغیرها را نشان می‌دهد. برای مثال ملاحظه می‌شود که ۸۵ درصد واریانس امتیازات متغیر «وجود تزیینات و متریال بومی و وجود بازار» واریانس عامل مشترک است Initial گویای تمامی اشتراک‌های قبل از استخراج است، بنابراین تمامی آنها برابر با یک هستند؛ همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود بیشتر میزان اشتراک‌ها بالاتر از ۵۰ درصد است و بیانگر توانایی عامل‌های تعیین شده در تبیین واریانس متغیرهای مورد مطالعه است. با وجود این در بین مقادیر اشتراک، تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود.

جدول ۱۴ مقدار ویژه و واریانس متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد. در ستون Initial Eigenvalues مقادیر ویژه اولیه برای هر یک از عامل‌ها در قالب مجموع واریانس تبیین شده برآورد می‌شود. واریانس تبیین شده برحسب درصدی از کل واریانس و درصد تجمعی است. مقدار ویژه هر عامل، نسبتی از واریانس کل متغیرهاست که توسط آن عامل تبیین می‌شود. مقدار ویژه از طریق مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل محاسبه است، از این رو مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل‌ها را در ارتباط با متغیرها نشان می‌دهد. پایین بودن این مقدار برای یک عامل به این معنی است که آن عامل نقش اندکی در تبیین

نتیجه گیری و جمع بندی

پژوهش حاضر بر مبنای رشته روانشناسی محیطی که نحوه اثر گذاشتن عناصر معماری بومی قرارگاههای رفتاری اجتماعی بر روی سرزندگی شهروندان، تهیه و تنظیم شده است. با توجه به نتایج تحلیل پرسشنامه که از میان ۱۰۰ نفر به طور تصادفی صورت گرفته است، نتایج زیر حاصل شده است:

• در ابتدا برای تأیید پایایی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ استفاده شده است که نشان می دهد، تمام شاخص های این پژوهش با ضریب بالا می باشد که بیانگر بالا بودن میزان انسجام درونی گویه ها در پرسشنامه است.

• با توجه به جدول همبستگی این نتیجه حاصل می شود که عناصر معماری بومی قرارگاههای رفتاری اجتماعی گیلان همواره بر افزایش فعالیت شهروندان موثر است و همچنین فرضیه بعدی این پژوهش مبنی بر همبستگی میان عناصر معماری بومی در ایجاد تنوع برای شهروندان نیز تأیید شده و تأثیرگذارتر است. ولی فرض سوم یعنی رابطه بین عناصر معماری بومی در برابر رضایت شهروندان، با توجه به سطح معناداری، رابطه ای برقرار نیست.

• با توجه به تحلیل عاملی، میزان تأثیرگذاری وجود عناصر معماری بومی در قرارگاه های رفتاری اجتماعی تأیید شده و در این بین وجود فضاهای مذهبی بر میزان سرزندگی شهروندان تأثیرگذارتر است.

• عوامل مهم که بیشترین نقش را در تبیین واریانس داده ها دارند، تأثیر ۸۵ درصد واریانس امتیازات متغیر «وجود تزیینات و متریا بومی و وجود بازار» واریانس عامل مشترک است.

منابع و ماخذ

آستین فشان، پروانه و هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی، جامعه شناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۱، ص ۱۱۹.
آلپاگونولولو، آدریانو (۱۳۸۴) معماری بومی. ت: علیمحمد سادات افسر، تهران: مؤسسه علمی و

فرهنگی فضا.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.

خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.

خمامی زاده، جعفر، (۱۳۹۰) ساغری سازان یکی از قدیمی ترین محله های رشت، گیلان نامه، جلد هفتم، نشر گیلکان، رشت.

دادپور، سارا (۱۳۹۰) سرزندگی فضاهای شهر، مطالعه موردی: بخشی از خیابان ولی عصر تهران، نشریه داخلی سازمان زیباسازی شهر تهران، معاونت برنامه ریزی و توسعه، دوره اول، شماره ۲.

رایینو. ه. ل. (۱۳۹۱) ولایات دارالمرز ایران گیلان، انتشارات طاعتی، رشت.

ریچاردز، فرد، (۱۳۸۹) سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، تهران.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۲) روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ چهارم.

عباسی، هوشنگ، (۱۳۸۶) گیلان در سفرنامه های ستیاحان ایرانی، نشر فرهنگ ایلیا، رشت.

فومنی، گیلانی، عبدالفتاح، (۱۳۹۰) تاریخ گیلان، تصحیح و تحشیه افشین پرتو، فرهنگ ایلیا، رشت.

گل، یان (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و زندگی جمعی، ت: علی غفاری، صادق سهیلی پور، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گلکار، کوروش (۱۳۷۹) مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، مجله صفا، شماره ۳۲.

گلکار، کوروش (۱۳۸۶) مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، مجله صفا، سال ۱۶، شماره ۴۴.

لینچ، کوین (۱۳۸۱) تئوری شکل شهر، مترجم: سید حسین بحرینی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

میرهن شفیع، نیکروز، (۱۳۹۰) معماری برخی از خانه‌های تاریخی گیلان، نشر فرهنگ ایلیا، رشت. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۳.

ملگونف، گریگوری، (۱۳۷۶) کرانه‌های جنوبی دریای خزر، ترجمه دکتر امیر هوشنگ امینی، کتاب سرا، تهران.

نوایی، عبدالحسین، کسری، نیلوفر (۱۳۷۷) اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصفالدوله، چاپ و نشر نظر، تهران.

نوزاد، رضا، (۱۳۸۸) گیلان در وقایع اتفاقیه، فرهنگ ایلیا، رشت.

Center, David V.(1977). The Psychology of place, London: Architectural Press.24

Landry, Charles, (2000). Urban vitality: A New source of Urban Competitiveness, Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue 'Urban Vitality/Urban Heroes.

Paumier, Cy. (2007) Creating a Vibrant City Center (ULI) Urban Land Institute. Washington. D.C
Gehl, John, (1987). "Life Between Buildings", Van Nostrand Reinhold press.

Carmona, M. and Heath, T. and Oc, T. and Tiesdell, S. (2006). Public Place – Urban Spaces, London, Architectural Press.

Jacobs, J. (1961). The death and life of great American cities, New York, Vintage Press.

Cowan, R. (2005). The Dictionary of great American cities, New York, Vintage Press.

Lynch, P. (1960). The image of the city, MIT press, Cambridge.

Paumier, C.Y. (2007). CREATING A Vibrant City Center, Washington, (ULI) Urban Land Institute.

Schiller, R. (1994). Vitality and Viability: challenge to the Town Center, International. Journal of Retail & Distribution Management.

Timmer, v. and Seymoat, N. The Livable City: The World Urban Forum 2006, Vancouver Working Group Discussion Paper, 2005.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۸۴

تبارشناسی گردشگری سلامت بر گردشگری پذیر شهری با تاکید بر اصول طراحی مراکز آب درمانی

فرزانه جلالیان* - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد هیدج، دانشگاه آزاد اسلامی، هیدج، ایران.
محمد رحمانی قصبه - دکتری معماری، استادیار، واحد مهدی شهر، هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی
واحد کرج.

مهران دشتی تهرانی - دکتری معماری، استادیار، واحد هیدج، هئیت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، هیدج، ایران.

چکیده

گردشگری شهری روندی است که از زمان‌های طولانی با شکل‌های متفاوت در جوامع انسانی وجود داشته و آنچنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها اثرگذار بوده است که اقتصاددانان از آن به عنوان «صادرات نامرئی» نام برده‌اند. از سویی دیگر، گردشگری سلامت از مفاهیم نوین در عرصه صنعت گردشگری است که با توجه به گسترش فراگیر آن در جهان نیازمند توجه برنامه ریزان و مدیران شهری در این رابطه است. وجود جاذبه‌های طبیعی و بالاخص منابع گسترده آب درمانی ضرورت پژوهش حاضر را تشکیل داده که با روش توصیفی-تحلیلی و روش اسنادی و مطالعات میدانی صورت گرفته است. در این مقاله بعد از اشاره به مفهوم گردشگری شهری و گردشگری سلامت، به انواع گردشگری آب و در واقع مراکز آب درمانی اشاره شده و ضوابط و اصول طراحی این فضاها بررسی گردیده و در پایان نیز راهکارهایی در راستای بسط و گسترش گردشگری سلامت در شهرها خاصه گردشگری آب درمانی مورد اشاره قرار داده شده است.

واژگان کلیدی: سلامت و نظریه سلامت، آب درمانی، معماری آب، اصول و ضوابط طراحی.

Genealogy tourist town in health tourism, with an emphasis on design principles hydrotherapy centers

Abstract

Urban tourism is a process of long periods with different forms of human society, and as economic development, social and cultural development of countries affected by economists as the "invisible exports" have names. On the other hand, the new concept of health tourism in the tourism industry with respect to global expansion of the world's attention in this regard is urban planners and managers. There are natural attractions and vast resources, especially water treatment needs of this study formed the analytical method and the method of documentary and field studies have been conducted. In this paper, after referring to the concept of urban tourism and health tourism, the tourism of water and in water treatment centers mentioned And norms and principles of design of these spaces is investigated, and in the end, the strategies towards the development of health tourism in the cities, especially medical tourism is mentioned.

Keywords: health and safety theory, water treatment, water architecture, principles and design criteria.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۵۹۴۹۷۸۴، رایانامه: Farzaneh.Jalalian@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «طراحی مجتمع آب درمانی برای امراض جلدی و ارتوپدی در لاریجان» استخراج شده است که از راهنمایی دکتر محمد رحمانی قصبه و مشاوره دکتر مهران دشتی تهرانی بهره برده است که بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان خویش را اعلام می‌دارد.

جغرافیایی ایران از عوامل مؤثر در جذب توریسم پزشکی به شمار می‌آید. علاوه بر این، در زمینه «آب درمانی» لازم به ذکر است که «هیدروتراپی» در سراسر تاریخ در فرهنگ‌های مختلف استفاده می‌شده است. حتی در مدارک بسیار قدیمی نیز قدرت شفادهندگی آب‌های معدنی ذکر شده‌اند. استفاده از آب به عنوان یک عنصر شفادهنده، در زمان یونانیان پایه‌گذاری شد. حمام‌های رومی و ترکی قدیمی، هنوز هم بسیار محبوب و برای توریست‌ها جذاب هستند. استفاده مدرن از «هیدروتراپی» به شخصی به نام «وینسنت پریزیتس» نسبت داده شده که در سال ۱۸۲۶ اولین موسسه آبدرمانی را در «گرافن برگ» راه‌اندازی کرد و شیوه جدیدی از آبدرمانی را برای درمان و یا بهبود هر نوع بیماری و ناراحتی در آن پایه‌گذاری نمود، برای این منظور او فعالیت خود را متوجه نشانه‌های مختلف بیماری‌ها کرد و درباره استفاده از آب در رفع ضعف و سستی و اختلالات بدن مطالعه نمود. در این مقاله گردشگری سلامت با تاکید بر مراکز آب درمانی مورد توجه بوده و به نکاتی چند در حوزه راهبردهای کلان ارتقا گردشگری سلامت و در ضمن اصول و ضوابط طراحی مراکز آب درمانی اشاره خواهد شد.

ادبیات تحقیق

گردشگری شهری

کشور ایران از ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای تبدیل شدن به یکی از پنج کشور عمده گردشگر پذیر دنیا برخوردار بوده و پتانسیل‌های گردشگری زیادی را دارا می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به تصدیق سازمان یونسکو، از نظر وجود آثار تاریخی و فرهنگی

در مقوله «گردشگری شهری» باید گفت که شهرها گذار از اقتصاد صنعتی به اقتصاد خدماتی و اطلاعاتی، از شهر به عنوان مکانی برای زندگی جمعی به مکانی برای مزیت‌های رقابتی و شهر اشتغال‌زایی، از مکانی با تنوع تقریباً یکسان فرهنگی به مکانی با تنوع وسیع فرهنگی و افزایش مهاجرت‌ها و بالاخره از یک شهر با مقیاس ملی و نهایتاً بین‌المللی به شهرهای جهانی و جهان‌شهرها تجربه کرده‌اند.^۱ از سویی دیگر، در زمینه «گردشگری سلامت»، ایران پس از کشور اردن بیشترین ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها را در حوزه گردشگری سلامت در بین کشورهای اسلامی داشته و همچنین از نظر تنوع اقلیمی و جاذبه‌های سیاحتی و زیارتی دارای پتانسیل خوبی برای جذب توریست‌های درمانی می‌باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران براساس برنامه‌ریزی‌های خود، می‌بایستی ۳۰ درصد از نیازهای درمانی و بهداشتی کشور را از طریق صدور کالای خدمات پزشکی و توریسم درمانی فراهم کند. دستیابی کشور به موقعیت مطلوب در زمینه گردشگری سلامت در عرصه بین‌المللی براساس چشم‌انداز ۲۰ ساله و قانون برنامه چهارم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران از جمله اهداف این برنامه می‌باشد. پیشرفته‌ها، دستاوردهای پزشکی و سطح بالای تجهیزات بهداشتی-درمانی در کشور، امکان و فرصت‌های جدیدی را برای حوزه گردشگری بویژه در زمینه جذب توریسم سلامت ایجاد نموده و از سویی تنوع، کیفیت بالا و پائین بودن قیمت خدمات درمانی با توجه به شرایط و موقعیت

۱. تا آنجا که اطلاعات تاریخی نشان می‌دهد، سیر و سیاحت برای استراحت و تفریح از اوایل قرن شانزدهم شروع شده و مردم برای بازدید از شهرهای بزرگ و معروف دنیا، اقدام به مسافرت نموده‌اند. افزون بر این، جاذبه و تصور کسب سودهای کلان از طریق دستیابی به کالاهای کمیاب، بازرگانان را بر آن می‌داشت تا در جستجوی کالاهای مناسب به نقاط دور دست سفر کنند. به عنوان مثال، یونانیان مستعمراتی را در سواحل دریای سیاه، دریای مدیترانه تا مارسای ایجاد کردند و با اهالی اطراف به تجارت پرداختند. تجار رومی نیز در جستجوی کهربا به سواحل بالتیک و به دنبال فولاد به «ویستولا» و برای یافتن روی به جزایر بریتانیا رخنه کردند و به هر حال، مبادلات بازرگانی در کلیه جهات صورت می‌گرفت. با در نظر گرفتن این عوامل و داشتن محل‌هایی برای گردشگری به عنوان گزینه، می‌توان به بهترین نحو، گزینه برتر برای گردش را برگزید و گردش‌های خاطره‌انگیز، ایمنی و مناسب را داشت. در این دوران ایجاد شرایط و امکانات لازم برای همزیستی مسالمت‌آمیز بین قبایل و دول مختلف ضرورت ایجاد می‌کرد که نمایندگان دول همسایه و یا دور از یکدیگر همواره در سفر باشند. افزون بر این، جاذبه و تصور کسب سودهای کلان از طریق دستیابی به کالاهای کمیاب، بازرگانان را بر آن می‌داشت تا در جستجوی کالاهای مناسب به نقاط دور دست سفر کنند.

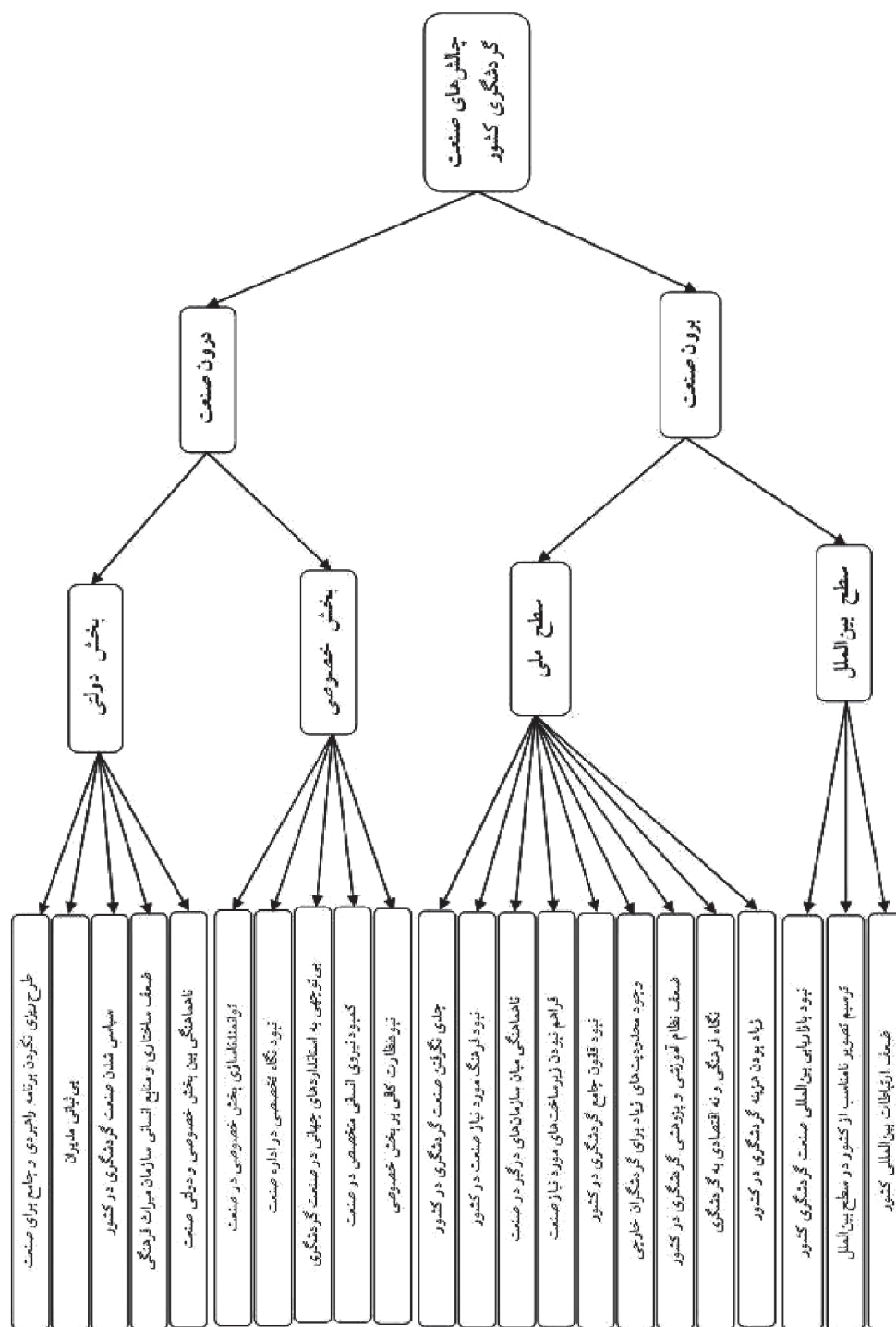
در میان هشت کشور نخست جهان جای دارد و از منظر جاذبه های اکوتوریسمی و تنوع اقلیمی جزو پنج کشور برتر دنیاست. طبیعت چهار فصل ایران، وجود دریا، کویر، چشمه های آب گرم، حیات وحش متنوع و انحصاری، جاذبه های گردشگری مذهبی و تمدن هفت هزار ساله این قابلیت را به ایران بخشیده است که در ردیف گردشگری جهان حرف نخست را بزند. گردشگری را امروزه می توان صنعت سفید نام نهاد، زیرا برخلاف اغلب صنایع تولیدی بدون آلوده سازی محیط زیست انسانی، زمینه ساز دوستی و تفاهم بین ملت هاست و صلح و صفا را برای مردمان به ارمغان می آورد. شهرها به دلیل داشتن قابلیت هایی از قبیل «استقرار مراکز مهم اقتصادی، علمی، فرهنگی، تاریخی، طبیعی» و غیره در آنها، بعنوان مقصد اصلی و نهایی اکثر گردشگران می باشند. اطلاق «اصطلاح صنعت بدون دود» به صنعت گردشگری خود گویای نقش بی ضرر آن در رشد جوامع است. برنامه ریزی امر توریسم و گردشگری در کلیه سطوح برای دستیابی به توسعه و مدیریت موفق آن امری اساسی است. تجارب جهانی این امر را به اثبات رسانیده است (Cocoosis, 2002). صنعت گردشگری در ایران بر مبنای سند چشم انداز ۲۰ ساله در بخش توریسم و در افق ۱۴۰۴ می بایست با رشد ۱,۵ درصدی در تعداد گردشگران ورودی، حداقل ۲۰ میلیون گردشگر از بازار جهانی را سالیانه به خود جذب نماید که این امر مستلزم سرمایه گذاری بالغ بر ۳۰ میلیارد تومان در این صنعت با سهم حدوداً ۱۶ درصدی بخش دولتی و مابقی از بخش خصوصی می باشد. اما روند کنونی به هیچ عنوان رضایت بخش نیست و راه دشوار ایران برای دستیابی به ۲ درصد از درآمد جهانی توریسم را نمایان می سازد. جریان گردشگری فضاهای جغرافیایی بسیاری را در می نوردد تا در منطق شبکه ای خود تاثیرات فراوانی را بر خرده فضاهای درون متنی برجای گذارد. این بدان معنا است که گردشگری به مانند یک جریان

سیال در برگزشتن از هر سرزمین یا مکان می باشد و این خود با کنش و واکنش های شکل گرفته جهت یابی شده و در مقاصد گردشگری با توجه به شناخت و اهمیت توجه به گردشگری آثاری را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست محیطی بر جای مینهد (Ainhoa Urtasun, 2006:904). گردشگری با در اختیار گرفتن فناوری های پیشرفته و با توجه به رویکرد کشورها، رتبه اول درآمدزایی ارزی را در کشورهای جهان به خود اختصاص خواهد داد. گردشگری امروزه یکی از بنیان های جهانی سازی و نماد بارز درهم فشردگی فضا- زمان در عصر پسامدرن می باشد. در مناطقی که توسعه گردشگری بدون برنامه ریزی صورت پذیرفته اغلب دچار مشکلات زیست محیطی و اجتماعی هستند (الوانی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۸۹). گردشگری اگر با برنامه ریزی باشد تمامی شاخص های توسعه پایدار از جمله اشتغال، شاخص های توسعه اقتصادی، ارتقاء سطح فرهنگی از طریق مبادلات فرهنگی، حفاظت از میراث تاریخی، فرهنگی، طبیعی و حفاظت محیط زیست جوامع را بدون نیاز به سرمایه گذاری سنگین بهبود می بخشد (Ainhoa Urtasun, Isabel Gutiérrez, 2006). مردمی کردن بیش از پیش مراکز تفریح و سرگرمی، موجب تعدد هتلهای ساده تر و بروز بحرانی وخیم در هتلداری تجملی، به ویژه در جریان سالهای بحران اقتصادی (۱۹۵۳- ۱۹۲۹ میلادی) شده است و از آن پس نیز این بحران بصورت تبدیل هتلهای شخصی به آپارتمان و فروش آپارتمانها به افراد، خود را نشان می دهد (Kostas E Sillignakis, 2010).

امروزه علاوه بر اینکه هتلهای بزرگ و متجمل هنوز به توسعه خویش ادامه می دهند، مراکز توریستی، به ویژه پیرامون اماکن مسکونی ارزان قیمت، تثبیت شده اند: از آن جمله می توان به حریم هایی که برای پذیرش چادرها و یا کاروانها در نظر گرفته شده اند و یا به اجاره دادن اتاقها در اماکن مسکونی اشاره نمود. امروزه صنعت توریسم

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



نمودار ۱. چالش‌های صنعت گردشگری در ایران؛ ماخذ: زارعی متین و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۶.

فراتر از یک صنعت، به مثابه پدیده پویای جهانی و اجتماعی دارای پیچیدگی‌های خاص خویش است (Elliott, ۱۹۹۷: ۴). «گردشگری سرمایه‌ای ارزشمند است که می‌توان با صرف هزینه معمول آغازین، بهره‌وری پرسود دائمی را از آن انتظار داشت» (نوربخش و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۹). تجارت جهانی در بخش خدمات، دارای رشد فزاینده‌ای، مخصوصاً در بین کشورهای با اقتصاد پیشرفته بوده است.

ملت ها و لذت بردن از مواهب خدادای سرزمین های دیگر، دیدار مناطق جذاب و دل فریب طبیعت، گریز از زندگی پر استرس و زدودن خستگی های جسمی و روحی باعث شده که مجامع جهانی از جمله مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز پنجم مهر ماه هر سال را (۲۹ سپتامبر)، روز جهانگردی اعلام نماید (منشی زاده، ۱۳۸۴).

گردشگری سلامت

زندگی صنعتی در بیشتر کشورهای دنیا الزاماتی را با خود به همراه آورده و نیازهایی را برای مردم جوامع مختلف ایجاد کرده است. امروزه تمایل مردم برای تناسب اندام، کاهش درد، تسلط بر استرس و افزایش سلامت روح، روان و جسم بسیار چشمگیر است. از سویی دیگر افزایش هزینه خدمات درمانی در کشورهای توسعه یافته و فرآیند جهانی سازی سبب تسریع روند رشد توریسم درمانی گردیده و آن را به یکی از پر رونق ترین بخش های صنعت توریسم مبدل کرده است. سازمان جهانی گردشگری، گردشگری سلامت را استفاده از خدماتی

کشورهای پیشرفته متوجه شده اند که صنعت گردشگری فرصتی برای آنها، جهت افزایش سهم خود در تجارت جهانی است (Unwto Conference, ۲۰۰۵: ۴). در سالهای ابتدایی قرن بیستم تعداد سفرهای طولانی مدت افزایش یافت، که علت آن را می توان افزایش رفاه و تسهیلات و امکانات سفر دانست. شکل سفرها بعد از جنگ جهانی دوم کاملاً تغییر کرد و بیشتر مسافرتها به وسیله اتومبیل انجام می گرفت و همزمان در این مواقع شرکت های هوایی شروع به فعالیت کردند. با توسعه گردشگری اقامتگاه های تفریحی و قوانین مخصوص که استانداردهای ویژه ای این اقامتگاه ها و زیرساختها بوده به وجود آمد (Holloway, ۲۰۰۲: ۳۱). تقاضا و تمایل برای گردشگری با انگیزه های متفاوت به منظور تفریح، زیارت، تجارت در تمامی جهان با سرعت باورنکردنی در حال افزایش است. در دوران ما، گردشگری به یک واقعیت مهم اجتماعی تبدیل شده و گردشگری پاسخی است به نیاز فطرت جستجوگر انسان، کشف اسرار و حقایق زندگی گذشتگان، آشنایی با فرهنگ

مدیریت شهری

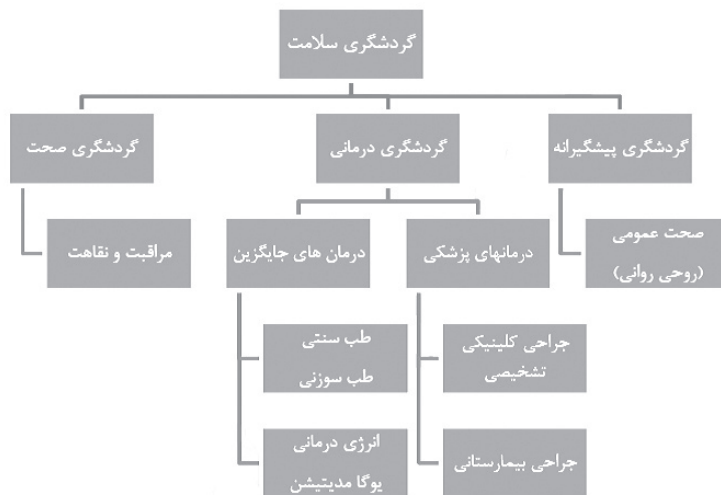
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۲۸۹



نقشه ۱. کشورهای فعال در زمینه صنعت گردشگری سلامت در شهر؛ ماخذ: درگاه سازمان جهانی گردشگری، زمان

برداشت: ۱۳۹۴/۱/۴



نمودار ۲. انواع گردشگری سلامت؛ ماخذ: حقیقی و دیگران، ۱۳۸۴.

است. این صنعت امروزه به سرعت در حال تبدیل شدن به صنعتی جهانی می باشد. در این صنعت، مشتری به دلایل مختلفی همچون قیمت، کیفیت و سهولت دسترسی، خدمات بهداشتی و درمانی را در مقصدی خارجی جستجو می کند. این گونه خدمات که معمولاً به شکل یک بسته خدماتی شامل گردشگری، درمان، بهبود، خدمات استقرار، پروازی و غیره ارائه می گردد، ارزش افزوده‌های قابل توجهی را نصیب بیماران خواهد کرد. ارائه خدمات پزشکی، مراقبتی و پیشگیرانه در سال‌های اخیر، به دلیل قیمت‌های مناسب این خدمات در کشورهای در حال توسعه با استقبال بسیاری رو به رو بوده و بسیاری را راهی این کشورها نموده است. از سوی دیگر قیمت بالای این خدمات در کشورهای پیشرفته، وجود لیست‌های انتظار طولانی برای عمل‌های غیر اورژانسی، قیمت‌های مناسب به دلیل ارزش نسبی اندک ارزهای خارجی، و گسترش پروازهای ارزان قیمت، در کنار استفاده از مزایای سفری خاطره انگیز در ایام تعطیلات، به این سفرها جذابیتی دو چندان داده است. با گسترش شبکه اینترنت و تأسیس صدها شرکت واسطه میان بیماران بین‌المللی و شبکه بیمارستان‌ها هم این بازار با رونق بیشتری همراه گردیده است. هر توریست سلامت ۳ برابر یک

که به بهبود یا افزایش سلامتی و روحیه فرد (با استفاده از آب‌های معدنی، آب و هوا، عوامل طبیعی و محیطی یا مداخلات پزشکی) منجر شود و در مکانی خارج از محل سکونت فرد بیش از ۲۴ ساعت به طول انجامد تعریف می کند. به تعبیری «توریسم سلامت» فراهم نمودن تسهیلات و خدمات پزشکی مقرون به صرفه است که در تعامل با صنعت توریسم برای افرادی که به منظور اعمال جراحی، تمدد روح و جسم و یا درمان‌های دیگر به سایر کشورها سفر می کنند، انجام می شود. البته باید اذعان داشت که مقوله گردشگری سلامت فراتر از گردشگری درمانی بوده و شامل مقولات دیگری مانند تمدد جسم و روح، استفاده از امکانات طبیعی، و آب‌های گرم معدنی نیز می شود.

گردشگری سلامت، به خصوص در سطح بین‌المللی، تفاوت ماهوی با دیگر گردشگری‌ها دارد از جمله: ۱. مدت زمان توقف گردشگر در صورت درمان بسته به تصمیم شخصی نبوده و به نظر و تصمیم پزشک معالج بستگی دارد. و ۲. این گردشگری تخصص‌های ویژه‌ای (هتل‌های ویژه، اکیپ‌های پزشکی مجهز، آسایشگاه‌ها و نگاهتگاه‌های مجهز و غیره) را می طلبد. و ۳. این گردشگری تفریحات ویژه‌ای را می طلبد که با تفریحات سایر گردشگری‌ها متفاوت

توریست عادی ارزآوری داشته و جاذبه‌های طبیعی و روش‌های درمانی این صنعت نیز به دلایل اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا که صادرات خدمات پزشکی یک اصل شناخته شده برای تقویت ساختار بهداشت و درمان کشورها است. در واقع شعار توریسم سلامت امکانات در حد کشورهای جهان اول، قیمت‌ها در حد کشورهای جهان سوم می‌باشد. «گردشگری سلامت» در تقسیم بندی سازمان جهانی گردشگری دارای زیر مجموعه‌های متنوعی بوده و دامنه وسیعی از پیشگیری و درمان را برای افراد در بر می‌گیرد از جمله (کیخا، ۱۳۸۸، ص ۳۸):

۱. «توریسم پیشگیرانه»: در این نوع گردشگری، افراد برای استفاده از امکانات طبیعی موجود در مقصد، اقدام به مسافرت می‌کنند. این امکانات که شامل آب و هوای مطلوب، چشمه‌های آب گرم، مجموعه‌های لجن‌درمانی، محیط‌های ریلکسیشن است، در اختیار افراد قرار می‌گیرد تا آنها تمدد اعصاب یابند. در واقع استفاده از این امکانات هم از لحاظ روحی - روانی و هم از نظر فیزیکی سبب بازیابی توان فرد شده و انرژی لازم را برای ادامه فعالیت عادی وی فراهم می‌نماید. افرادی که در این طیف دسته بندی می‌شوند، ناراحتی یا بیماری خاصی ندارند بلکه با استفاده از امکانات طبیعی در واقع از بروز بیماری و ناراحتی جسمی و روحی جلوگیری می‌کنند.

۲. «توریسم صحت»: در این نوع از گردشگری نیز، از امکانات طبیعت استفاده می‌شود اما تفاوت اساسی در اینجاست که متقاضیان دارای بیماری یا مشکلات خاصی هستند و برای برگشت به حالت طبیعی و خروج از وضعیت بیماری جسمی یا روحی به این مراکز مراجعه می‌کنند. این افراد باید تحت نظر متخصصان و طی برنامه‌ای درمانی و بهبودمدار از امکانات مجموعه استفاده کنند. بیماران پوستی، تنفسی، روماتولوژی و عضله‌ای معمولاً مراجعه کنندگان اصلی این گونه خدمات هستند. همچنین

بیمارانی که اعمال جراحی خود را پشت سر گذاشته و دوره نقاهت خود را می‌گذرانند نیز با استفاده از آب‌های گرم، دریاچه نمک، لجن درمانی، آفتاب و ماسه و شن و زیر نظر پزشک و در یک برنامه درمانی و مراقبت بهداشتی فرآیند بهبود خود را تسریع می‌بخشند.

۳. «توریسم درمانی»: در این گونه از توریسم احتیاج به مداخلات پزشکی احساس می‌شود. مشتری که از بیماری مزمن یا حاد رنج می‌برد برای حل مشکلات درمانی خود یا از روش‌های پزشکی معمول و متعارف بهره می‌برد و یا از درمان‌ها و روش‌هایی که از نظر دانشمندان تجربی روش‌های غیر علمی - طب مکمل - خوانده می‌شوند. در شاخه پزشکی نیز می‌توان با توجه به وسعت مداخله و نیاز به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و یا جراحی دو نوع تقسیم بندی سبک (فرآیندهای تشخیص و درمان بدون مداخله جراحی و فرآیندهای جراحی بدون بستری و بدون تاثیر حیاتی بر زندگی بیمار) و سنگین (درمان‌هایی با نیاز به بستری در بیمارستان یا نیاز به بخش مراقبت‌های ویژه و مراقبت‌های بعد از مرخصی از بیمارستان) قائل شد.

پیشینه گردشگری سلامت

در طول تاریخ بشر، مسافرت به هدف جستجوی بهتر خدمات پزشکی همواره صورت می‌گرفته است. در واقع می‌توان گفت مفهوم گردشگری پزشکی به قدمت خود علم پزشکی می‌باشد. تاریخ گردشگری پزشکی به دوران باستان باز می‌گردد. دوره‌های گردشگری سلامت عبارتند از (کیخا، سودابه، ۱۳۸۹، ص ۵۶):

۱. «دوران باستان»: از دوران باستان ارتباطی قوی میان مذهب و بهداشت وجود داشت. یونانیان باستان نخستین کسانی بودند که یک شبکه فراگیر گردشگری پزشکی را پایه‌گذاری کردند. معابد آسکلپیوس از نخستین مراکز درمانی جهان بود که مردم از همه جا جهت درمان بیماری خود به این مکانها مسافرت می‌کردند. در هندوستان



تصاویر ۱ و ۲. معابد آسکلیپیون (Asklepieion) و حمامهای رومی از نخستین مراکز آب درمانی (شهر بات انگلستان) ماخذ: کیخا، ۱۳۸۹، ص ۶۷.

سرتاسر اروپا معروف شد. واژه spa -اصطلاح لاتین به معنای درمان از طریق آب- برای اولین بار در این مکان استفاده شد. در سده شانزدهم، طبقه ثروتمند و اشراف اروپا، دوباره آبگرم های دوران رم را کشف نموده و از مناطق گردشگری همچون «سن مورتیس، ریل دو، بارن بارن، آخن و بات در انگلستان» استفاده می کردند.

۴. «دوران پس از رنسانس»: تا پایان دوران رنسانس، طبقه اشراف از نقاط مختلف اروپا جهت درمان و معالجه به شهر بات در انگلستان می آمدند. این شهر نخستین شهر انگلستان بود که دارای شبکه فاضلاب بوده و از نظر فناوری، تجاری و اجتماعی بسیار پیشرفته بود. مشهورترین گردشگر در تاریخ گردشگری پزشکی «میشل ایکوئم و مونتاین»، مبدع فرانسوی فن مقاله نویسی، می باشد که بعنوان پدر «گردشگری تجمل گرایانه» شناخته می شود. او نخستین راهنمای گردشگری آبگرم ها را در تاریخ گردشگری پزشکی تالیف کرده است. کشف دنیای جدید، مقصدهای تازه ای را برای گردشگران اروپایی ایجاد نمود. طی دهه ۱۶۰۰ میلادی، انگلیسی ها و هلندی ها آغاز به ساخت سکونتگاه هایی در نزدیکی آبگرم های شفابخش نمودند. در این دوران، تصور بر این بود که بومیان آمریکا در فن درمان بیماری ها ماهرند. دانش پزشکی گیاهی آنها استثنایی بود و هم آورد دانش اروپایی ها، آسیایی ها و آفریقایی ها به شمار می رفت. در سده های هجدهم و نوزدهم افراد

تاریخ گردشگری پزشکی با یوگا و طب آیورودایی توسعه یافته است. از حدود پنج هزار سال پیش، بطور مستمر دسته های زائران در پی شفا و مردم عادی جهت درمان توسط یکی از این روشها، به هند سفر می کردند. هنگامی که امپراتوری رم به یک قدرت جهانی تبدیل شد، چندین حمام و چشمه آبگرم معروف به ترما که موردعلاقه طبقه اشراف بودند ساخته شد و گردشگری پزشکی رونقی دوباره یافت.

۲. «سده های میانه»: با فروپاشی تمدن رم، آسیا به مقصد اصلی گردشگری پزشکی تبدیل شده و معابد جای خود را به مراکز درمانی دادند که خدمات پزشکی را برای زائران فراهم می کردند: از جمله چشمه های آبگرم معدنی منصوب به ان سن در ژاپن. در سال ۱۲۴۸ میلادی، بیمارستان منصوره در قاهره ساخته شد که در زمان خود بزرگترین و پیشرفته ترین بیمارستان جهان به شمار می آمد. این بیمارستان با ظرفیت هشت هزار نفر، مقصد بیماران از نقاط مختلف جهان، بدون در نظر داشتن مذهب یا نژاد بود.

۳. «دوران رنسانس»: سده های چهاردهم تا هفدهم میلادی، نه تنها به عنوان دوران نوزایی هنر و فرهنگ در اروپا و انگلستان به شمار می رود، بلکه در این دوران گردشگری پزشکی نیز به شکوفایی رسید. روستایی بنام «ویل دو یا شهر آب» در سال ۱۳۳۶ میلادی به جهت کشف آبگرم غنی از آهن در

اروپایی و آمریکایی بسیاری به نقاط دور دست سفر می کردند تا درمانی برای بیماری های گوناگونی همچون سل بیابند.

۵. «دهه ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۹۷»: در این دوره اروپا و آمریکا نه تنها مراکز مالی و صنعتی بلکه مراکز درمانی و پزشکی جهان نیز به شمار می رفتند. گردشگری پزشکی تنها به طبقه بسیار ثروتمند این کشور محدود می شد که به دنبال خدمات پزشکی گران قیمت بودند. در سال ۱۹۳۳ «هیات پزشکی تخصصی آمریکا» - ABMS - تاسیس شد و بعنوان سازمان فراگیر هیات های پزشکی تخصصی در ایالات متحد آمریکا شناخته شد. در سال ۱۹۵۸ اتحادیه پزشکی تخصصی اروپا - UEMS - تشکیل گردید. طی دهه ۱۹۶۰، هندوستان بعنوان مقصد گردشگران جنبش دوران جدید در آمریکا مطرح شد. در ابتدای جنبش، بیشتر طبقه ثروتمند آمریکا و بریتانیا این جنبش را تشکیل می دادند اما در نهایت این جنبش به یک صنعت پویایی گردشگری پزشکی تبدیل شد که یوگا و طب آیورودایی (طب هندی) را کشف کرده بودند.

۶. «سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱»: بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷ در آسیا و سقوط ارزش ارزهای آسیایی، دولت های این کشورها را بر آن داشت تا کوشش های صنعت گردشگری را معطوف به جذب گردشگران پزشکی نماید. تایلند بسرعت بعنوان قطب جراحی پلاستیک معروف شد.

۷. «سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶»: پس از وقایع ۱۱ سپتامبر و توسعه صنعتی در آسیا گردشگری پزشکی گسترش بی سابقه ای داشت. بطوریکه در سال ۲۰۰۶، ۱۵۰,۰۰۰ شهروند آمریکایی جهت درمان به آسیا و آمریکای لاتین سفر کردند. در این دوره، دندانپزشکی و جراحی پلاستیک بیشترین پیشرفت را در این کشورها داشت. تایلند، سنگاپور و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین توانستند خود را بعنوان مقاصد گردشگران پزشکی مطرح نمایند. ۸. «سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴»: در سال ۲۰۰۷ تعداد

گردشگران پزشکی به رقم بی سابقه ۳۰۰,۰۰۰ نفر رسید. این تعداد پیش بینی می شود در سال ۲۰۱۰ به یک میلیون نفر برسد که جهت خدمات درمانی مانند جراحی های زیبایی، جراحی بایپس قلب و یا درمان ناباروری به خارج سفر می کنند. تا اینکه در سال ۲۰۱۴ بسیاری از شرکت های بیمه های درمانی آمریکا، استفاده از خدمات درمانی خارجی را مدنظر قرار داده و به بیماران توصیه کرده اند که جهت خدمات درمانی غیراضطراری و جراحیها به کشورهای دیگر سفر کنند. همچنین بسیاری دیگر، خدمات درمانی مراکز پزشکی خارج از کشور را بعنوان بخشی از برنامه پوشش درمانی خود در نظر گرفته اند.

پیشینه آب درمانی در ایران

بررسی آبهای معدنی ایران از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی آغاز شده است. برخی از سلاطین قدیم ایران علاقه مفراطی به استفاده درمانی از آبهای معدنی داشته اند که آثاری از آنها خصوصاً در دوره صفویه و قاجار در کنار چشمه ها بر جای مانده است. از سال ۱۳۰۶ خورشیدی بررسی آبهای معدنی به طور علمی آغاز گردید و در سال ۱۳۰۷ خورشیدی اولین چشمه آب معدنی در شمال شرق تهران مورد بهره برداری قرار گرفت. در سالهای قبل از جنگ جهانی دوم در نقاط مختلف ایران مانند رامسر و لاریجان ایستگاههای آب معدنی ساخته شد و برخی از آنها مانند سخت سر خاتمه یافت که بعداً نیز توسعه پیدا کرد. در سال ۱۳۴۹ به دستور حکومت وقت یک هیئت علمی - مهندسی از کشورهای یونان و فرانسه مسئول بررسی چشمه های سرعین شد و مطالعات گسترده ای بر روی این آبها صورت داد و خواص درمانی آنها را مورد آزمایش قرار داد و باعث پایه گذاری آبدرمانی مدرن در ایران شد. بررسی آب های معدنی ایران از نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی آغاز شده است. این مطالعات غالباً توسط سیاحان و هیأت خارجی در ایران صورت گرفته است؛ بدین ترتیب که آنها با خود مقداری از آب چشمه های معدنی

را به خارج از کشور می بردند^۱ و در آن-جا مورد آزمایش قرار می دادند. برخی از سلاطین قدیم ایران علاقه مفراطی به استفاده درمانی از آب های معدنی داشته اند که آثاری از آن ها خصوصاً در دوره صفویه و قاجار در کنار چشمه های جاری مانده است. از سال ۱۳۰۶ خورشیدی بررسی آب های به طور علمی آغاز گردید و در سال ۱۳۰۷ خورشیدی اولین سرچشمه آب معدنی در شمال شرق تهران مورد بهره برداری قرار گرفت. در سال های قبل از جنگ جهانی دوم در نقاط مختلف ایران مانند رامسر و لاریجان ایستگاه های آب معدنی ساخته شد و برخی از آن ها مانند سخت سر خاتمه یافت که بعداً نیز توسعه پیدا کرد. «در سال ۱۳۴۹ به دستور حکومت وقت یک هیئت علمی، مهندسی از کشورهای یونان و فرانسه مسئول بررسی چشمه های سرعین شد و مطالعات گسترده ای بر روی این آب ها صورت داد و خواص درمانی آن ها را مورد آزمایش قرار داد و باعث پایه گذاری آب درمانی مدرن در ایران شد» (حسن امرجی، ۱۳۹۲، ۵۴-۵۵).

ابن سینا در کتاب «قانون»، پس از درمان با ورزش از روشهای درمان با انواع آب، مشمت و مال، گرمابه و خواص درمانی آنها سخن به میان می آورد که

جملات زیر از آن جمله اند: «۱. حمام سرد برای کسیکه روده سست و فرو افتاده دارد، مفید است؛ ۲. نباید در گرمابه های داغ زیاد تعلل کرد؛ ۳. رطوبت ملایم و معتدل در گرمابه ها خستگی را دفع و عضلات را زنده نگه می دارد (شرایطی مشابه سونای بخار امروزی)؛ ۴. حمام سرد برای کسانی خوب است که از هر جهت سالم باشند و هیچ ضعفی در هیچ کجای بدن نداشته باشند؛ ۵. بهترین حمام برای سالخوردگان و کودکان و افراد بیمار و ضعیف النفس، حمام معتدل و گرم است؛ ۶. اگر پس از استفاده از حمام داغ سریعاً به حمام سرد بروید پوست تقویت می شود و حرارت درون بدن باقی می ماند؛ ۷. حمام سرد نخست حرارت را به طور کامل به داخل بدن می راند، سپس تندتر از سابق به خارج هدایت می کند (ابن سینا، بیتا) القانون فی الطب).

پیشینه آب درمانی در جهان «هالس ملحلی» یونانی الاصل برای اولین بار در تاریخ بشر، در سال ۶۵۰ قبل از میلاد به تصور اینکه آب دریاها توسط طوفان های سهمگین دریایی بالا آمده و سپس از طرق خلل و فرجها و فواصل لایه های زمین به داخل لایه های زیرین خشکیها فرو می رود، اذعان داشت که این نفوذ باعث افزایش

۱. آب های گرم معدنی ایران عبارتند از: ۱. «آب گرم لاریجان»: در این منطقه دو چشمه آب معدنی وجود دارد که معروف ترین آن آب گرم دگرگونی است که بسیار گرم می باشد و دیگر آب آهن در ۲ کیلومتری شمال غربی آن در ردیف آب های معدنی سولفات کلسیک منیزین آهن دار سرد است. ایران زمین به علت طولانی تاریخی و میزاث فرهنگی غنی از یک طرف و دارا بودن چهار فصل در یک زمان از طرف دیگر تمامی جاذبه های جهانگردی می باشد (احمد نائینی، ۱۳۸۴، ص ۹). ۲. «سرعین»: سرعین سرزمین چشم های آب معدنی به عنوان یکی از نقاط جاذب و دارای پتانسیل برای جذب جهانگرد در کشورمان می باشد. این منطقه با ۱۱ چشمه آب گرم معدنی خود که به علت خواص درمانی متنوع و متفاوت در جای خود کم نظیر بوده و قرارگیری در دامنه زیبای رشته کوه سیلان و قرارگیری آن در نزدیکی مرزهای شمالی کشور، دارای موقعیت خوبی جهت جذب جهانگرد است (احمد نائینی، ۱۳۸۴، ص ۹). ۳. «چشمه های گوگردی اسک»: اسک نام دهکده ای است در مسیر جاده هراز که دارای چشمه های گوگردی متعدد است ولی در میان آن ها ۵ چشمه اصلی که در دامنه تپه ای در شمال کوه ایرا واقع شده است. ۴. «چشمه های گوگردی رامسر»: در رامسر چندین چشمه معدنی وجود دارد که یکی از آنها چشمه گوگردی است و از آب آن در حمام های خصوصی و عمومی استفاده می شود. این منطقه از پنجاه سال اخیر مورد توجه قرار گرفته و پس از ایجاد تسهیلات و احداث هتل و متل و سایر تأسیسات رفاهی به صورت زیباترین ناحیه توریستی منطقه درآمده است. ۵. «چشمه معدنی استراباکو»: آب معدنی سرد در کنار جاده هراز با آب های معدنی سولفات و بیکربنات کلسیک نیم گرم. ۶. «چشمه های معدنی عمارت»: در کنار جاده هراز با آب های معدنی بیکربنات گازدار سرد. ۷. «چشمه گوگردی معدنی عمارت»: با آب های کلر و بیکربنات کلسیک و منیزین گازدار و گوگرد خیلی گرم است. در دامنه ارتفاعات سیلان واقع در استان آذربایجان شرقی چشمه های آب معدنی فراوانی وجود دارد که دارای معروفیت زیاد می باشند از جمله چشمه های آب معدنی سرعین، پيله دره، سردایه و بوشلی در حومه شهرستان اردبیل و چشمه آب گرم مشکین شهر در دامنه سیلان را می توان نام برد. در استان آذربایجان نیز چندین چشمه آب گرم معدنی وجود دارد که اهم آن ها آب گرم سراب، آب معدنی مراغه، آب معدنی آذر شهر و صوفیان- آب گرم بستان آباد و خلخال و آب معدنی ارومیه، خوی، شاهپور، ماکو، بوکان و مهاباد می باشند (احمد نائینی، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

فشار در بین صخره‌ها و در نتیجه بالا آمدن آب زیرزمینی در دامنه کوه‌ها شده و چشمه‌ها ایجاد می‌شوند. لذا می‌توان اشاره داشت که (جلالیان، ۱۳۹۴):

۱. «بقراط» در سال ۴۶۰ قبل از میلاد یعنی ۱۹۰ سال بعد، از خواص درمانی آبهای گرم و سرد صحبت به میان آورده و حتی از آن در درمان تشنج و درد مفاصل نیز استفاده کرده است.

۲. قبل از افلاطون، «لوکرس» در هشتاد سال قبل از میلاد نمک زدایی آب دریا را در مقایسه با آب زیرزمینی به علت عبور از خاک زیر ساحل شرح داده بود.

۳. «افلاطون» در چهار سال قبل از میلاد فرضیه معروف تاتار را در تکمیل نظریه هالس مطرح کرد که بر اساس آن تاتار عبارت است از حفره بزرگی که قادر است آب نفوذی دریاها به خشکیها را دوباره به دریاها برگرداند.

۴. اولین اشخاصی که آب چشمه را با منشا جوی تایید کرده‌اند «زیوفراستوس» در ۳۵۰ سال قبل از میلاد و «ویترو» بوده‌اند که نهایتاً این مساله در قرن شانزدهم میلادی توسط «داوینچی» نیز تایید شده است و با این تایید «برنارد پالیس» چرخه آب را بر مبنای «نظریه لئوناردو داوینچی» بنا نهاده است.

۵. بالاخره دکارت در قرن هفدهم میلادی وجود راهروهای زیرزمینی را تایید کرده و عنوان نمود حرارت لایه‌های زمین باعث بخار شدن تدریجی آب در زیرزمین و بالا آمدن بخار تا سطح زمین و تبدیل به چشمه را باعث می‌شود که این فرضیه را در قرن هفدهم میلادی «کیلچر» نیز تایید نموده است.

۶. «ارسطو» نیز در ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) تصور می‌کرد بخار در غارها متراکم شده و دریاچه‌های زیرزمینی را تشکیل می‌دهد که آن نیز سبب تغذیه چشمه‌ها می‌شود.

سپس این نظریه در قرن هفدهم میلادی توسط

آقای وسیوس و در قرن ۱۹ میلادی توسط آقای «پ. پرو» مورد قبول واقع شده است. شاید بتوان گفت تا این زمان آخرین محققان در این زمینه مارتل در سال ۱۹۲۱ و آمبو در سال ۱۹۳۰ میلادی و سپس آلن هازن، موسکات و تلمان. ای. منزر هستند. معالجه جدی با استفاده صرف از خواص آبهای معدنی گرم و سرد چه به صورت شرب و چه با استحمام و یا استنشاق و امثالهم برای اولین بار و بطور جامع و گسترده توسط فردی بنام «پلین» در سال ۷۹ بعد از میلاد مسیح برای درمان امراض نقرس، سیاتیک و دردهای عصبی توصیه شده است. درمان برخی بیماریها با این موهبت الهی در طی سالیان باعث شده است خرافات و اوهام نیز وارد جریان شده و بین مردم رواج پیدا نماید تا جایی که مردم بسیاری درمان دردهای علاج ناپذیر خود را در آبهای معدنی جستجو می‌کنند. از اواخر قرن چهارم در تمام دنیا معالجه با آبهای معدنی برای درمان و یا التیام بیماری‌هایی چون ضعف اعصاب، نقرس، انواع سردرد، اسهال، تب، پادرد، کمردرد و غیره، بخصوص در اروپا شروع شد. اولین بار در قرن ۱۸ میلادی کتابها و نوشته‌های متعددی در این زمینه در قاره اروپا منتشر شد. در ایران نیز جرجانی در کتاب ذخیره خوارزمشاهی در رابطه با این خواص مطالبی نگاشته است.

بر این اساس باید گفت که بهره‌گیری از جنبه‌های فیزیکی و ذخایر و جاذبه‌های طبیعی در شهرها برای جذب گردشگران می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء اشتغال‌زایی و درآمدزایی محلی بشمار رود که پرداختن به مهمترین نعمت خدادادی یعنی آب و بهره‌گیری از آن در جذب گردشگران از مهمترین نکات در گردشگری شهری می‌باشد که در ادامه به مفهوم گردشگری شهری، فضاهای گردشگری، نقش آب در گردشگری شهری و جایگاه آب در معماری شهری و در نهایت فضاهای آب‌درمانی و موارد مرتبط با آن اشاره می‌شود.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

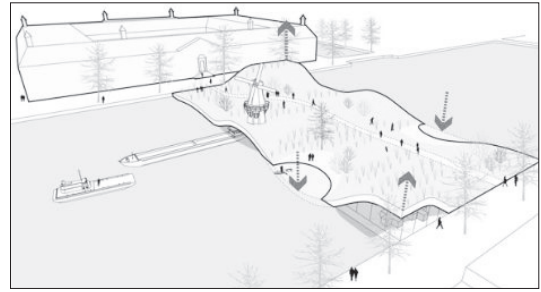
پیشینه کاربست آب در معماری ایران

در ایران باستان آب پیام‌آور روشنایی و پاک‌ی به شمار می‌رفت و از ارزش زیادی برخوردار بود. شاید به علت اینکه ایران کشوری کم‌آب بوده، این مایع حیاتی بین ایشان قدر و منزلتی والا داشته است. آب در نزد ایرانیان نه تنها برای رفع نیازها مورد استفاده قرار می‌گرفته، بلکه از لحاظ معنوی و روحی نیز تاثیر بسیاری داشته است. آب با قابلیت‌های مختلف خود مانند حیات، تازگی، درخشندگی، پاکیزگی، رونق و رواج روشنایی، سکون و آرامش و تحرک، احساس‌های متفاوت در روح و روان انسان گذارده است. به همین دلیل همواره در مکان‌هایی که ساخته دست بشر هستند، به صورت‌های مختلف برای خود جا باز کرده است (جلالیان، ۱۳۹۴). نقش آب در شکل‌گیری نخستین زیستگاه‌های انسانی پاسخی به یک نیاز زیستی است؛ اما وقتی فراتر از یک نیاز، خانه‌سازی و بنای مجموعه‌های مسکونی بار فرهنگی می‌گیرد، معماری پدید می‌آید و آب در زندگی انسان جایگاه هنری پیدا می‌کند و از خلاقیت هنرمندان و معماران مایه می‌گیرد. درک مفهوم آب در معماری همان درک «معماری آب» است. درک قوانین فیزیکی رفتار آب، احساسات در مقابل کنش و واکنش آب و مهمتر از همه نقش و تمثیل و ارتباط آن با زندگی انسانهاست. آب استعاره‌ای متناقض است و به همراه خاک، آتش و هوا، عناصر چهارگانه تشکیل دهنده جهان هستی به شمار رفته است. آب یکی از عناصر طبیعی به شمار می‌رود که ماهیتی تغییرناپذیر دارد. هرچاکه ظاهر می‌شود، کاربرد آن باید منعکس‌کننده برداشت طراحان و سازندگان از طبیعت باشد. دسترسی به منابع آب از دیرباز به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در مکان‌یابی شهری مورد توجه بوده است. پیش از ظهور اسلام، در ایران، معماری در کنار آب و دردامن طبیعت بدون آنکه آن را مخدوش سازد، حضور خود را اعلام می‌کند و نقش آب بیشتر نقش تجردی است. نیایش‌گاه‌ها و معابد و آتشکده‌ها در کنار

آب و در نهایت احترام به وجود آب شکل گرفت. گویی آب گذرگاه انسان برای ورود به دنیای دیگر بود. آب نقش معنوی خود را در معماری ایران نشان داد، به گونه‌ای که گردش آب نمایش تجردی آب در طبیعت است و تمام جوهر و خواص آب به صورت مجرد که ظاهراً جنبه نمایشی پیدا کرده و در نیایش آب منظور بوده است. در ایران باستان، معماری به سوی آب حرکت می‌کند و در کنار آن آرام می‌گیرد. ولی در دوره اسلامی آب در معماری حالت کاربردی پیدا می‌کند و معماران آگاهانه سعی می‌کنند تا به طبیعت تسلط یافته و آن را به نظم بکشانند و باشناخت قوانین فیزیکی و رفتار آب و درک نقش و تمثیل و ارتباط آن با انسان آب را به درون معماری بکشانند. آب در شکل‌های هندسی در اکثر بناها متجلی می‌شود و به نوعی مرکزیت وحدت معماری در آب شکل می‌گیرد. حرکت پرموج آن در مفاهیم مذهبی و ادبی هنری در فرهنگ جاری می‌شود. به این ترتیب آن چنان در ساخت و ترکیب بناهای ما وارد می‌شود که عملاتی توان آن را از شکل ساخته شده جدا دانست.

روانشناسی آب و معماری شهری

انسان مجموعه‌ای پیچیده از روح و ذهن و جسم است؛ لذا همان‌گونه که جسم آدمی به غذا نیازمند است. ذهن و روح او نیز طالب عناصری است که به او آرامش ببخشد. در جامعه شهری که ساختمان‌های بلند و خیابان‌ها و زندگی ماشینی همه جا را احاطه کرده است، جلوه‌های زیبایی و هنر، بهترین پناه برای روح خسته و آرامش‌طلب آدمی است؛ لذا باید با به‌کارگیری عناصری که بافت نرم دارند، گوشه عزلت و زیبایی فراهم کرد تا به روان انسان آرامش بخشید. این مکان‌ها می‌توانند پارک‌ها و باغ‌های شهری باشند. آب یکی از این عناصر به شمار می‌رود و چه در حالت سکون و چه در حالت حرکت نوازش‌دهنده روح انسان است. حرکت و موسیقی آب، در جلوه‌گری بیشتر فضای سبز نقشی در خور توجه دارد. می‌توان آب را به صورت جویبار و چشمه



تصاویر ۳ و ۴. طراحی پارک معلق آبی در آمستردام هلند؛ ماخذ: درگاه شهر جهانی آمستردام، زمان برداشت:

۱۳۹۴/۴/۳

سوره ص، آیه ۴۲). اهل لغت (مغتسل) را دو گونه معنا کرده‌اند:

۱. آبی که در آن غسل کنند؛

۲. محل شستشو. نکته اول: انصاف این آب به وصف «بازد» (خنک) می‌تواند اشاره‌ای به خواص و تاثیر بیماری زدایی آب سرد باشد، چنانکه یافته‌های پزشکی امروز نیز بر آن تاکید می‌ورزد و نکته دوم: از کلمه «شراب» (آشامیدنی) نیز می‌توان دریافت که علاوه بر شنا و پاکوبیدن در آب سرد، نوشیدن آن نیز می‌تواند دارویی شفافبخش برای پاره‌ای بیماری‌های جسمی و پوستی باشد.

فواید آب درمانی و مراکز درمانی آبی

آب درمانی دارای ویژگی‌های مناسب و منحصر به فردی است که به قرار زیر می‌باشند: «۱. روش درمان امراض انسانی با آب بسیار ساده و طبیعی است؛ ۲. آب کاملاً بی‌ضرر است و هیچگونه عارضه جانبی بر جای نمی‌گذارد؛ ۳. این درمان سمی نیست و به استفاده از داروهای سمی نیز نیازی ندارد؛ ۴. ارزان‌ترین درمان بوده و تقریباً در هر مکانی در دسترس می‌باشد؛ ۵. درمان با آب، خواب نشاط‌آور و طبیعی را القاء می‌کند و ذهن و بدن را قوت می‌بخشد؛ ۶. بدون بر جای گذاشتن درد، تمامی آلام را تسکین می‌دهد؛ ۶. هر بیماری شناخته شده‌ای را با برطرف کردن علتش سریع‌تر از داروها مداوا می‌کند» (امرچی، ۱۳۹۲، ص ۴۵). با وجود پیشرفت‌های پزشکی که جهت درمان بعضی از بیماریها حاصل گردیده، درمان با آبها و

برای نقاط آرام و بی‌سر و صدا و به صورت آبشار و فواره‌های بزرگ برای نقاط پرازدحام و شلوغ طراحی کرد (فرگوسن، ۱۳۸۴).

قرآن و آب درمانی

قرآن کریم در خلال داستان حضرت ایوب علیه السلام به این شیوه درمانی تلویحاً اشاره و آن را تجویز کرده است. ماجرا به اختصار از این قرار است که وی دارای اموال و فرزندان و امکانات بسیار بود و همواره خدا را سپاس می‌گفت: شیطان به خداوند عرضه داشت که اگر ایوب را شاکر می‌بینی به خاطر نعمت فراوانی است که به او داده‌ای، اگر این نعمت‌ها از او گرفته شود او بنده شکرگزاری نخواهد بود. خداوند به شیطان اجازه داد بر دنیای ایوب مسلط شود. او ابتدا اموال و گوسفندان و زراعت‌های ایوب را دچار افت و بلا کرد اما تاثیری در ایوب نگذاشت، سپس بر بدن ایوب سلطه یافت و او چنان بیمار گشت که از شدت درد و رنجوری اسیر بستر گردید، اما با این حال از مقام شکر او چیزی کاسته نشد. چون ایوب از این امتحان سخت الهی به خوبی برآمد، خداوند دوباره نعمت‌های خود را به او بازگرداند و سلامت جسمش را بازیافت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، صص ۲۰۳-۲۰۴).

به این ترتیب که به وی فرمان داد که: «ارکص برجلک هذا مغتسل بارد و شراب»؛ پای به زمین زن (زد و چشمه آبی پدید آمد، گفتیم این آبی است سرد برای شستشو و نوشیدن؛ در آن شستشو کن و از آن بیاشام تا از هر درد و آلم بیاسایی (قرآن کریم،

بویژه آبهای معدنی نه تنها ویژگیهای خود را حفظ کرده، بلکه این ویژگیها باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند، زیرا معالجه با داروهای معمولی هر چند اثر مطلوب در مورد بهبود بعضی از نارسائیها دارد ولی معمولاً عکس العملهای خطرناک روی اعضاء بدن بر جای میگذارد که آنها نیز به سهم خود نیاز به درمان پیدا می نمایند، اما معالجه با آب در صورتیکه به نحو صحیحی انجام پذیرد این قبیل ناراحتیها را ایجاد نکرده، بلکه در پاره ای از امراض و بیماریهای مزمن و همچنین پس از انجام برخی جراحیها آثار بسیار مؤثر و مطلوب بر جای میگذارد و بطور کلی موجبات تعادل اعضاء بدن را بدون کوچکترین عکس العمل نامطلوب فراهم می آورد (امرجی، ۱۳۹۲، ص ۴۵).

ضوابط بهداشتی آبدرمانی و معلولان

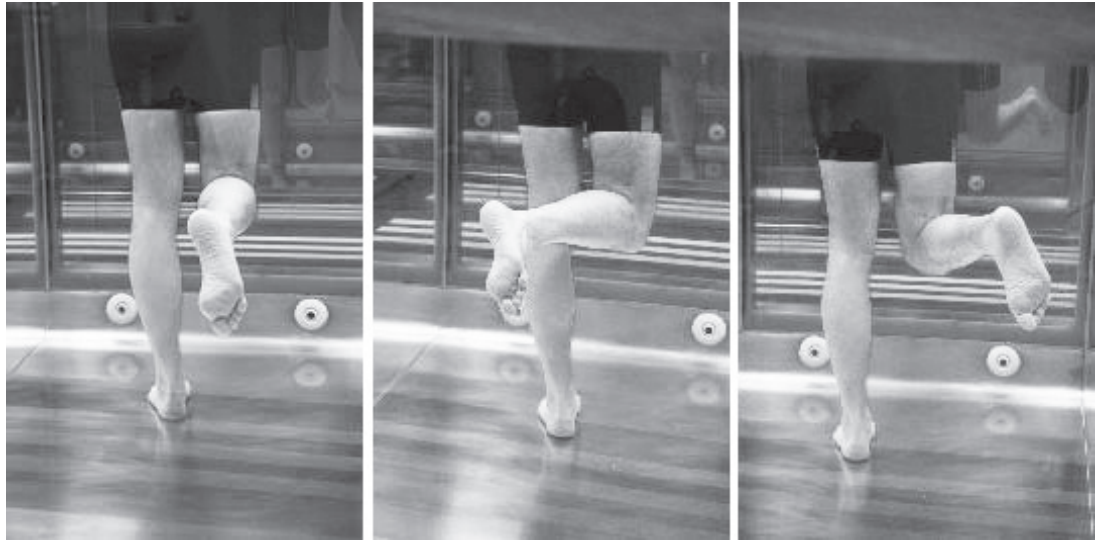
اغلب شیوه های آب درمانی، امن و سالم هستند. اما ممکن است (درصد بسیار ناچیزی) عمل تنقیه که عمل شستشوی روده هاست موجب سوراخ شدن روده شود که منجر به مرگ خواهد شد. گاهی اوقات نیز ممکن است به دلیل عدم رعایت نظافت و شستشوی نامناسب و آنها و حوضچه ها، بیماریهای باکتریایی به افراد سرایت کند. همچنین آبی که مورد استفاده قرار میگیرد، اگر زیاده از حد سرد و یا گرم باشد، ممکن است موجب آسیب دیدن بافت پوست بدن گردد و ایجاد درد کند. امید است با رعایت نکات ایمنی و نظافت، شاهد چنین مسائلی نباشیم (امرجی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

استفاده از آب گرم در توانبخشی و ایجاد بهبود در افراد معلول، تاریخچه ای بس طولانی دارد. ذکر این نکته جالب است که در آب، نیروی جاذبه زمین بر بدن انسان اثر جدی و شدید نمیگذارد. در آب به دلیل ایجاد حالت بی وزنی (کم وزنی) به مفاصل بدن فشار بسیار کمی وارد می آید و این امر به افراد معلول و بیمار این امکان را می دهد که از آزادی و تحرک بیشتری نسبت به خشکی برخوردار شوند. بطور کلی ورزش در آب، بر ورزش در خشکی ارجحیت

دارد، زیرا در آب، وضعیت قلب بسیار مناسب تر است و نیز در حین ورزش درون آب، صدمه و زیان کمتری به کمر، ستون فقرات، گردن، شانه، لگن خاصره وارد می شود. ورزش در آب برای افرادی که دچار ورم مفاصل، تصلب شرائین و پوکی استخوان هستند نیز صد در صد مفید و بی ضرر است. آب درمانی در زایمان و تولد بهتر و سالمتر نوزادان نیز بسیار مفید و با ارزش است. اولین تولد آبی در سال ۱۸۰۳ میلادی، در فرانسه، به وقوع پیوسته است. در آن سال یک خانم باردار که از کار طولانی و سخت، بسیار خسته بود، برای استراحت درون یک وان پر از آب گرم رفت. مدت بسیار کمی از ورود او به درون وان گذشته بود که فرزندش در زیر آب متولد شد. در شوروی سابق، ایگور چارکوفسکی آزمایشات خود را در رابطه با تولدهای آبی در دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد. در فرانسه نیز از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ دکتر مایکل اودنت متوجه تولدهای آبی شد. در سال ۱۹۸۹ در بیمارستان انجمن موندونک سیاستها و خط مشی های جدید در پاسخ به مادرانی که خواستار زایمان در زیر آب بودند طرح شد. پزشکها و پرستارهای این بیمارستان با مراکز زایمان اوپلند در کالیفرنیا مشورت و تبادل نظر کردند و مطلع شدند که دکتر «مایکل روزنتال» بیش از ۹۰۰ مورد زایمان در زیر آب را نظارت کرده که همگی جواب مثبت گرفته اند. در نتیجه کارمندان و پزشکان این بیمارستان نیز تشویق شدند که این شیوه را در بیمارستان خود به اجرا در آورند (احمد نائینی، ۱۳۸۴، ص ۱۹).

روش های آب درمانی

درمان با آب معدنی عبارت از به کارگیری کلیه امکانات موجود در کنار آب معدنی به منظور درمان بیمار است. چشمه های معدنی در آب و هواهای مختلف وجود دارد لذا هر ایستگاه آب معدنی دارای خواص مخصوص می باشد. بیماران به طور معمول به مدت سه هفته در ایستگاه آب معدنی توقف دارند که این مدت می تواند به چهار هفته افزایش یا به



تصویر ۵. هیدروتراپی؛ ماخذ: www.google.com

تماس دارد؛ نمونه هایی از این شیوه عبارتند از: «۱. جکوزی یا وان داغ: این شیوه موجب آرامش و رهایی انسان از فشار روحی می شود و ۲. حمام درمانی». هیدروتراپی و انواع آن در فیزیوتراپی امروزه اعتقاد بر این است که هیدروتراپی اغلب به شیوه ای از معالجه گفته می شود که در آن اجرای حرکات و نرمشهای خاص در آب مورد نظر باشد. اساس درمان هیدروتراپی در فیزیوتراپی سبک شدن بدن هنگام غوطه وری در آب است و به همین دلیل است که بیمار قادر است با صرف نیروی کمتر عضلات و اندام های خود را به حرکت در آورد و همچنین چون فشار بدن روی مفاصل کاهش می یابد در اجرای حرکات نیز درد کمتری احساس می شود. علاوه بر اینکه آب با خاصیت نشاط انگیزی و فرح بخشی که دارد، شوق لازم برای تمرین تکرار و اجرای حرکات را ایجاد می کند. انواع هیدروتراپی عبارتند از:

۱. هیدروتراپی عمومی؛ و
۲. هیدروتراپی عضوی. در هیدروتراپی عمومی به طور معمول تمام بدن (به جز سر و گردن) بیمار در آب قرار می گیرد اما در هیدروتراپی عضوی فقط همان عضوی که دچار ضایعه شده است در آب قرار می گیرد .

دو هفته تقلیل یابد. در ایستگاه ها امکاناتی چون آرامش محیط، نظم زندگی روزمره، وسایل ورزش در هوای آزاد، رژیم غذایی مناسب و سرانجام نظارت طبیب برای بیماران مهیا می باشند. آب در درمان به صورت های مختلف مورد استفاده قرار می گیرد که در زیر به توضیح آنها پرداخته می شود:

الف: شیوه ای که در آن آب به صورت مستقیم با بدن تماس حاصل نمی کند؛ نمونه هایی از این شیوه عبارتند از: «۱. کمپرس آب گرم: این شیوه موجب منبسط شدن رگها و گردش بیشتر خون می شود که به موجب آن، ماهیچه ها ماساژ می بینند و درد کاهش می یابد و بهبودی بسیار زودتر حاصل می شود؛ ۲. حمام بخار: این شیوه موجب تسکین دردهای کوچک و نیز تسریع بهبود سرماخوردگی می شود؛ ۳. سونای خشک: بخار استفاده شده در سونای خشک باعث می شود که بدن عرق کند که این عرق موجب دفع مواد زائد بدن می گردد؛ ۴. بسته های یخ: از این شیوه به منظور بهبود ورمهای پوستی می شود. سرما، رگ های بدن را منقبض می کند و گردش خون را کاهش می دهد و موجب بهبود تورم در قسمت های آسیب دیده بدن می گردد.

ب: شیوه ای که در آن آب به صورت مستقیم با بدن

فیزیوتراپی نوعی درمان است که بر روی جسم (بدن) متمرکز می باشد. در این درمان به جای دارو و یا اعمال جراحی، عمدتاً از حرکات، مایعات و برق استفاده می شود و به عنوان درمان بدن در پزشکی مطرح می باشد. به بیان دیگر، فیزیوتراپی عبارت است از به کارگیری عوامل فیزیکی، طبیعی و مصنوعی جهت بهبودی و یا جلوگیری از معلولیت و بیماری عمده ترین تقسیمات فیزیوتراپی بر اساس روشهای درمانی عبارتند از: حرکت درمانی، برق درمانی و آبدرمانی. به منظور آن حیطه درمانی و عملکرد هر یک از شیوه های آب درمانی مشخص باشد، علوم بهداشت، امروز این نوع مداوا را به ۴ شاخه اساسی تقسیم می کند.

۱. «اسپاتراپی»: اسپاتراپی که بیشتر در اروپا متداول است و طرفدار دارد؛ متکی به نوشیدن آبهای معدنی و استحمام در حوضچه های آب گرم معدنی است. به این ترتیب که متناسب با نوع بیماری باید در آبهای معدنی غوطه ور شد یا در طول زمان به مقدار زیادی از آبهای معدنی نوشید. آب معدنی آبی است که از چشمه های معدنی خارج می گردد و حاوی مقادیر زیادی املاح و گازهای محلول است. به همین دلیل اعتقاد بر این است که این املاح می توانند برخی از زخم های و بیماری های پوستی را التیام ببخشند (کوتکانی، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

۲. «بالنئوتراپی»: بالنئوتراپی شاخه ای از اسپاتراپی است که بیماران و دردمندان را با انواع حمام مداوا می کنند. اقسام حمام هایی که در بالنئوتراپی مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از: حمام گل و لای حاوی مواد معدنی، آب تنی در دریا و چشم های آب معدنی، حمام آفتاب، حمام بخار (سونا بخار)، حمام پارافین و غیره (کوتکانی، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

۳. «هیدروتراپی»: جلد ۱۴ دایره المعارف آمریکانا، چاپ ۱۹۷۳، صفحه ۶۶۷ در تعریف هیدروتراپی می نویسد: «هرگونه معالجه و مداوا به کمک آب را می توان هیدروتراپی دانست و لیکن باید گفت که امروزه هیدروتراپی، اغلب به شیوه ای از معالجه

گفته می شود که در آن اجرای حرکات و نرمش های خاص در آب موردنظر باشد (کواکارنی، ۱۳۸۴، ص ۶۴). هیدروتراپی یک شیوه پذیرفته شده و مفید درمانی است که در بسیاری از شرایط بسیار مفید و موثر جلوه گر شده است. در هیدروتراپی عمومیت به طول معمول تمام بدن (به جز سر و گردن) بیمار در آب قرار می گیرد. اما در هیدروتراپی عضوی فقط همان عضو که دچار مشکل شده است در آب فرو می گیرد. در هیدروتراپی همچنین یک قسمت یا تمام بدن را به مورد دفعات گرم و سرد می کنند و یا این کار گردش خود در عروق را تسهیل می کنند (امرجی، ۱۳۹۲، ص ۴۸).

۴. «تالاسوتراپی»: شاخه ای دیگری از هیدروتراپی که در آن از آب دریا و دیگر مواد اولیه طبیعی مجاور آن مانند جلبک ها گل ها و لجن های نمکدار استفاده میشود، تالاسوتراپی نام دارد (کوتکانی، ۱۳۸۴، ص ۶۴).

پیشینه و روند تحولات معماری مراکز درمانی

۱. «دوره اول (دوره نظام سنتی)»: این دوره تقریباً از قرون وسطی تا سال ۱۸۷۰ میلادی یعنی تا آستانه انقلاب کبیر فرانسه ادامه می یابد. در این دوره نقش اساسی در امور مراکز بیمارستانی، با گروه های مذهبی بوده است. در اغلب کشورهای اروپایی بیمارستانهای اولیه، مکانهایی برای نگهداری و حمایت از فقرا، معلولین، و زائرین بودند که معمولاً در جوار کلیسا قرار داشتند.

۲. «دوره دوم (دوره ملی شدن مراکز درمانی و جدا شدن مذهب از درمان)»: یکی از آثار مهم انقلاب کبیر فرانسه که با پیدایش و ترویج افکار اصلاح طلبانه اقتصادی و اجتماعی همراه بود، جایگزین شدن مؤسسات نیکوکاری دارالایتام و دارالشفاهای وابسته به مؤسسات مذهبی، با مؤسسات تأمین رفاه اجتماعی بود. از آن پس بیمارستانها به صورت مؤسسات عمومی دولتی درآمدند.

۳. «دوره سوم (دوره تخصص گرایی در توسعه مراکز بهداشتی درمانی و بیمارستانها)»: بعد از جنگ

گردشگری سلامت و گردشگری شهری

گردشگری سلامت و آب درمانی

مراکز اقامتی

آب درمانی

اشتغال زایی و درآمدزایی در
صنعت گردشگری

هتل‌های اقامتی برای برگزاری جشنها و همایشها؛ هتل‌های اقامتی درمانی و مراکز خدماتی درمانی

درمان با آب معدنی

هتل‌های گردشگری- اقامتی آب درمانی و دارا بودن کلیه نیازهای مراجعین حفظ حریم اختصاصی و رعایت ضوابط و استانداردهای طراحی.

درمان جلدی: در این روش از طریق لجن درمانی؛ گیاه درمانی- گل درمانی برای درمان انواع بیماری‌های پوستی

فیزیوتراپی: این شیوه با انواع حمام و سونا و هیدروتراپی در آب به درمان مفاصل استخوانها، با اب‌های معدنی از قبیل آب گوگردار

نمودار ۲. جمع‌بندی مبانی و ادبیات نظری؛ ماخذ: نگارندگان.

روی ظرفیت تخت آنها تکیه داشت تا تجهیزات و شیوه ارائه خدمات. بتدریج با ثابت نگه‌داشتن مترائ زیربنای هر بیمارستان، از ظرفیت و تعداد تخت‌های آن کاسته شد و فضاهاى کلینیکى و پاراکلینیکى که تکنولوژى‌هاى پزشکى را در خود جای می‌داد به آن افزوده شد. تحولات بارزى که در زمینه رشد سریع تکنولوژى بوجود آمد، در روند طراحی ساختمانهای بیمارستان بسیار مؤثر بود. این تحولات باعث بازنگری وسیعی در معماری مراکز درمانی شد. در سال ۲۰۰۰ تعدادی از گرایشهایی را که باعث تغییر شکل سیستم درمانی شده اند، توسط متخصصین

جهانی دوم بسیاری از کشورها در سیر تحول شیوه سازماندهی و ارائه خدمات بیمارستانی قرار گرفتند. پیچیدگی امر تشخیص و درمان موجب تأسیس مراکز مجهز شد و مراکز عام‌المنفعه مذهبی با پیدایش تخصصها از دخالت مستقیم در امور درمانی کنار رفتند و دولت بیش از پیش در تأمین هزینه‌های واحدهای درمانی موظف گردید. بعد از نهضت رنسانس در اروپا تحولات بنیادی و اساسی در ساخت بیمارستانها شروع گردید. در واقع روند تکاملی بیمارستانها که هنوز هم ادامه دارد از این دوران شروع شد. تا قرن بیستم اهمیت بیمارستانها

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۰۱

جدول ۱. تحلیل و جمع‌بندی بررسی نمونه‌های موردی؛ ماخذ: نگارندگان.

ردیف	نام اثر	مزایا	معایب	تصویر اثر
۱	مرکز آب درمانی و سلامت (Exedra Nice) در فرانسه	* آرامش در فضا؛ * تنوع در طراحی؛ * سیالیت در طراحی؛ * خدمات مستقل	* طراحی در زیر زمین؛ * پیچیدگی در سیرکلاسیون؛ * یکنواختی در نما؛ * عدم هماهنگی نما و طراحی داخلی	
۲	marques de rascal	* سوییتهای مستقل؛ * برتری نسبت به ساختمانهای موجود؛ * استفاده برای عموم؛ * تنوع در طراحی	* عدم ملایم بودن طرح	
۳	هتل لو سیرانوس، پوستانو؛ ایتالیا	* استقلال هر یک از اتاقها؛ * استفاده از مبلمان منحصر به فرد؛ * هماهنگی بنا و سایت	* عدم تنوع و سیالیت در طرح	
۴	مجتمع آبدرمانی سرعین ایرانیان	* تنوع در استخرها؛ * بزرگترین مجموعه در سطح کشور	* عدم تنوع در بنا؛ * عدم سیالیت در طراحی؛ * عدم هماهنگی با سایت؛ * عدم فضا برای اقامت	
۵	مجتمع آب درمانی سبلان؛ سرعین اردبیل	* کاربرد همزمان آقایان و خانومها در طبقات جداگانه؛ * داشتن امکانات رفاهی و خدماتی برای استفاده کنندگان	* عدم تنوع در بنا؛ * عدم سیالیت در طراحی؛ * عدم هماهنگی با سایت؛ * عدم فضا برای اقامت	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۰۲

به صورت زیر اعلام شدند:

- بزرگی در برابر کوچکی؛
 - گسترش طولی در برابر فشردگی؛
 - تعداد طبقات کم در برابر طبقات متوسط یا زیاد؛
 - تمرکززدایی در برابر تمرکز دسترسی (کیخا، ۱۳۸۹، ص ۹۸).
- در راستای بررسی نمونه‌های موردی نیز ۵ نمونه اصلی و ۵ نمونه خارجی انتخاب گردید. ابتدا روابط فیزیکی فضایی، اصول طراحی و معیارهای طراحی این مراکز بررسی گردید که در قالب جدول زیر مورد تحلیل قرار گرفت.

ضوابط و استانداردهای طراحی

شود:

هال تقسیم: این فضا جهت تقسیم افراد برای استفاده از فضاهای آب درمانی در طبقه همکف و یا فضاهای بدنسازی، ماساژ، استراحت و مکانوتراپی (پس آب درمانی) در طبقه اول می باشد. بالا برها: شامل آسانسور مسافری که با هال تقسیم در ارتباط است؛ توضیح اینکه با وجود دو طبقه چون افراد مسن و در بعضی موارد ناتوان از این فضا استفاده می کنند جهت رفاه حال آنها از بالا بر استفاده شده است.

دوشها: این فضا جهت دوش گرفتن با آب معمولی قبل از استفاده از فضاها و حوضچه استریل است. این فضاها شامل بخشهای زیر می شوند: ۱. اتاق آب افشان (بخور)؛ ۲. اتاق حمام بخار (اُروسول)؛ ۳. حمام سونا؛ ۴. کابین دوش افقی؛ ۵. کابین دوش پرتابی؛ ۶. حمام وان جوشان، ۷. حمام وان دوش زیر آبی؛ ۸. حمام دوش درون ز؛ ۹. جکوزی نشسته؛ ۱۰. جکوزی خوابیده.

حوضچه ارتباطی با استخر: به جهت وجود بخار آب شدید به علت دمای بالای آبهای گرم معدنی ۴۰ درجه و سرما بالاخص در فصول سرد جابجایی افراد از فضای داخل به فضای سرباز به صورت ناگهانی و بالعکس آن هم با لباس های شنا بسیار نادرست می باشد. از این رو به طور معمول و امروزی استخر کوچکی را در درون فضاهای داخلی تعبیه می نمایند که با استخر اصلی در محوطه باز در ارتباط است و فرد می تواند با قرارگیری در درون این استخر از طریق حرارت ثابت آب از فضای داخل به فضای خارج و بالعکس جابجا شود.

استخرهای درمانی: اولین نکته در مورد استخرهای درمانی آن است که به دلیل کاربری خاص، جز در موارد بسیار نادر تمامی استخرهای درمانی به صورت سرپوشیده ساخته میشوند. استخرهای درمانی معمولاً در ابعاد (۱۶/۴ فوت در ۳۲/۸ فوت) و با عمقی بین ۹ تا ۱/۵ متر طراحی و ساخته می شوند. کف این استخرها به صورت بدون شیب و

نکاتی درباره «فضاهای هیدروتراپی» لازم است که رعایت گردد:

۱. در بخش هیدروتراپی باید هوا به طور منظم تهویه شده تا درصد رطوبت در حد مطلوب باقی بماند.

۲. ذخیره کافی برای تامین آب مورد نیاز وجود داشته باشد.

۳. آب سرد و گرم به راحتی در دسترس باشد.

۴. امکان تخلیه مناسب و بهداشتی آب وجود داشته باشد.

۵. فضاهای داخلی وان، و یرپول و استخر مرتباً شسته، تمیز و در صورت نیاز ضدعفونی شوند.

۶. محل بخش فیزیوتراپی از سایر بخش ها مجزا باشد.

۷. بخش هیدروتراپی نسبت به سایر بخشها فشار هوای منفی داشته باشد تا هوای بودار و مرطوب به بخشهای دیگر راه نیابد.

۸. در صورت وجود استخر درجه حرارت آن قابل تنظیم بوده و مرتباً کنترل شود.

۹. استخر از عمق مناسب برای جلوگیری از خطرات غرق شدن برخوردار باشد.

۱۰. آب استخر مرتباً گندزدایی و در صورت لزوم تعویض گردد.

۱۱. بیماران قبل از استفاده از استخر استحمام نمایند.

۱۲. بهنگام استفاده از یرپول عضو مورد نظر کاملاً شسته و تمیز و در صورت نیاز ضدعفونی شود.

۱۳. بیماران (بخصوص کودکان و افراد کهنسال) بهنگام استفاده از وسایل هیدروتراپی تحت مراقبت و نظارت دائم باشند.

۱۴. در بخش هیدروتراپی باید رختکن مناسب و حمام با تعداد دوش کافی در نظر گرفته شود.

۱۵. محلی برای خشک کردن حوله ها همراه با وسیله ای جهت خشک کردن در نظر گرفته شود. فضاهایی که در این قسمت توضیح داده می شود در دو قسمت مجزا برای آقایان و خانمها در نظر گرفته

کاملاً یکنواخت ساخته می شود. استخرهای درمانی به طور خاص تنها در بیمارستان ها، مراکز توان بخشی و مانند آن به چشم می خورند و هدف اصلی از ساخت آن ها نه سرگرمی است و نه تفریح، بلکه صرفاً یک هدف خاص مدنظر است.

ملاحظاتی که برای طراحی و ساخت استخرهای درمانی مدنظر قرارگیرد را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. کف این استخرها باید با شیب کاملاً یکنواخت و ملایم ساخته شود. لذا هدف از شیبدار کردن کف این استخرها صرفاً تسهیل در امر تخلیه آب است. شیب متداولی که باید برای این استخرها در نظر گرفته شود، معمولاً هشتاد (بیست و پنج میلی متر در هر دو متر) است که برای تخلیه آب استخر کافی است.

۲. کف این استخرها و تمامی مناطق مرطوب استخرهای درمانی باید با سرامیک ها و کاشی های غیرلغزنده یا موزاییک پوشیده شده باشد.

۳. در صورتی که سطح استخر با سطح تراز کف یکسان نباشد، برای بهبود وضعیت گردش آب در خروجی اسکیمرها باید از کانال های سرامیکی براق استفاده شود.

۴. دوره تعویض آب استخر نباید بیش از سه ساعت باشد. برخی از استخرهای درمانی نیز بر مبنای تعویض آب یک و نیم ساعت طراحی میشود.

۵. دمای آب استخر و دمای هوای سالن استخر و رختکن باید بیش از دمای متداول استخرهای شنا باشد. به طوری که در بسیاری از استخرهای درمانی دمای آب بین ۲۹-۳۵ درجه سانتیگراد و دمای هوای سالن تقریباً ۲۷-۲۹ درجه سانتیگراد نگه داشته می شود.

۶. به دلیل وجود مواد شیمیایی مختلفی که برای کاربردهای درمانی به آب افزوده می شوند، تمامی لوله ها و اتصالات سیستم لوله کشی استخر باید در برابر خوردگی مقاوم باشند. به این منظور بهتر است از فولاد ضدزنگ آستنیتی یا برنزه های فسفری

استفاده شود.

۷. از آنجا که کاربران استخرهای درمانی معمولاً افراد کم توان، معلول یا سالمند هستند، باید تمهیدات لازم برای مسیر عبور و مرور این افراد از رختکن تا استخر و خروج آسان آن ها از داخل آب پیش بینی شود.

۸. در صورتی که آب استخر محتوی آب شور باشد، باید تحلیل شیمیایی دقیقی از وضعیت آب استخر شامل نوع و مقدار نمک های محلول موجود در آب انجام شود. انجام آزمایش های یاد شده به آن دلیل اهمی دارد که نحوه طراحی و جنس پوسته استخر، روکش های آن ها و جنس اتصالات لوله کشی تأثیر می گذارد.

امکانات برای افراد معلول: در مصوبه سال ۱۹۹۵ که به منظور رفع تبعیض برای افراد معلول منتشر و نسخه اصلاح شده آن به همراه پیوست ها و اصلاحات لازم در سال ۲۰۰۵ ارایه شد، کلیه معیارها و الزاماتی که باید در هنگام طراحی ساختمان ها رعایت شود مطرح شده است. در ویرایش جدید این آیین نامه که در سال ۲۰۰۵ تحت عنوان DDA ۲۰۰۵ منتشر شده است، اصلاحات قابل توجهی صورت گرفته است و بخش هایی نیز به آن اضافه شده است (تابان، ۱۳۸۸، ص ۸۵). خلاصه نکاتی که بر مبنای این آیین نامه باید برای رعایت حقوق معلولان رعایت شود به شرح زیر است:

۱. مهمترین نکته ای که از این دیدگاه باید در طراحی مدنظر قرار گیرد آن است که تمامی افرادی که در ساختمان تردد می کنند شامل افراد بزرگسال، کودکان، سالمندان و افراد معلول یا کم توان باید امکان استفاده از کلیه بخش های ساختمان را بدون نیاز به کمک دیگران داشت باشند. البته این مساله بخشهایی از ساختمان که صرفاً برای بازدید، تعمیر و نگهداری از تجهیزات ساختمان در نظر گرفته شده اند را شامل نمی شود.

۲. تمامی ساختمانها باید مجهز به سرویس بهداشتی مناسب باشند. ضمن آن که برای قسمت هایی

از ساختمان که بعدها ساخته می شوند نیز باید سرویس بهداشتی مناسب در نظر گرفته شود. البته رعایت این نکته در مواردی که سرویس های بهداشتی سایر قسمت ها به سادگی برای افراد قابل استفاده است الزامی نیست.

۳. در کنار بهره مندی از تمامی امکانات ساختمان باید ملاحظات ایمنی نیز در نظر گرفته شود و طراحی ساختمان به گونه ای باشد که هیچ عامل خطر آفرینی برای افراد دارای ناتوانی جسمی یا ضعف در بینایی وجود نداشته باشد. (تابان، ۱۳۸۸، ص ۸۶).

رختکن استخرها: در حال حاضر در بسیاری از استخرهای نوساز، رختکن های مجزایی با سالن های بزرگ همراه چند ردیف اتاقک کوچک جایگزین شده اند. در این سالن ها فضای رختکن به دو بخش مجزای خیس و خشک تقسیم می شود. در هر صورت باید نسبت معقولی برای ابعاد اتاق معلولین در نظر گرفته شود.

توالتهای استخر: توالتهای استخر باید بین رختکن و استخر در نظر گرفته شوند. در حال حاضر بر مبنای بسیاری از استانداردهای معتبر بین المللی در نظر گرفتن حوضچه ای برای شستشوی پای شناگران پیش از ورود به استخر الزامی نیست، ولی می توان از این روش یا روش شستشوی پاششی استفاده کرد. بخش خشک کردن مو نیز باید حتی الامکان نزدیک به رختکن مجموعه باشد تا شناگران پس از تعویض لباس بتوانند موی سر خود را خشک کنند (تابان، ۱۳۸۸، ص ۸۹).

استخرهای درمانی خود به گروه های مختلفی تقسی بندی می شوند که هر یک به منظوری خاص و با ساختاری منحصر به فرد طراحی و ساخته می شوند. استخرهای درمانی برای بیماران با اختلالات عصبی و جسمانی که علایمی مانند درد، ضعف، اضافه وزن بعد از عکال جراحی و تورم را دارند بسیار مناسب است. استخرهای درمانی را می توان به گروه های زیر تقسیم نمود:

- استخرهای آب گرم (خود به ۲ گروه جکوزی ها و استخرهای هوایی تقسیم می شوند).

- حوضچه های آب سرد

- استخرهای آب گرم طبیعی

- سونای خشک و بخار

به طور کلی در استخرهای درمانگاهی برای تسریع در فرایند درمان، از مواد شیمیایی مختلف استفاده میکنند. در مراکز توانبخشی و فیزیوتراپی نیز به منظور تسریع در بهبودی بیماران از تمرین آبی بسیار استفاده می شود. در مراکز توانبخشی، آب درمانی به عنوان یکی از اصلی ترین روش های درمانی برای تسریع در فرایند بهبود بیماران مطرح است. هنگامی که بدن در داخل آب قرار می-گیرد، به دلیل نیروی بویانسی رو به بالایی که از طرف آب به بدن وارد می شود، بخش عمده ای از تاثیر جاذبه بر بدن کاهش می-یابد (جلیلیان اختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

اندازه و ساختمان معمول استخر: اولین گام در طراحی استخر شنا تعیین مساحت کل آن است که بر مبنای چگونگی استفاده و تعداد شناگرانی که در یک زمان در داخل استخر خواهند بود، پیش بینی می شود. برحسب توصیه کمیته استخرهای شنای آمریکا می باید؛ حداقل طول استخر ۶۰ ft و عرض آن مضربی از ۶ یا ۷ ft باشد. عرض هر لاین شنا در استخرهای ورزشی باید حداقل ۷ ft منظور گردد. اما در استخرهای تفریحی، تنها تعداد شناگرانی که در یک زمان داخل استخر خواهند بود، عامل اصلی در تعیین مساحت استخر می باشد. معلوم شده است که برای زمانی که حداکثر تعداد شناگران داخل آب باشند، می باید به از هر شناگر درون آب ۲۵ فوت مربع سطح در نظر گرفته شود (جلیلیان اختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

حمام بخار: به عنوان مثال حمام ترکی مشتمل بر اطلاق هوای گرم ۴۵-۵۰ درجه سانتی گراد اطلاق هوای داغ ۵۵-۶۰ درجه سانتی گراد و بسیار گرم باید ۶۵-۷۰ درجه سانتی گراد حرارت داشته

جدول ۲. استانداردهای کمی حرارت، تعویض هوا و تهویه مطبوع؛ ماخذ: نگارندگان.

نوع فضا	فضای تمرین درمانی	فضای الکتروتراپی	فضای هیدروتراپی
هوای تازه (در ساعت)	۲ بار تغییر حجم	۲ بار تغییر حجم	۲ بار تغییر حجم
هوای جابجایی	۶ بار تغییر حجم	۲ بار تغییر حجم	۶ بار تغییر حجم
برگشت هوا	مجاز است	مجاز است	مجاز است
تصفیه میکروبی هوا	ضروری نیست	ضروری نیست	ضروری نیست
تصفیه هوا (ذرات معلق، دود، گرد و خاک، با استفاده از فیلتر در دستگاه هواساز)	۲ فیلتر ۲۰ و ۸۳ DS (صفر و ۵۲ D.O.P)	۱ فیلتر ۲۰ DS (صفر D.O.P)	۲ فیلتر ۲۰ و ۸۳ DS (صفر و ۵۲ D.O.P)
دما	۲۴ درجه سانتیگراد (۷۵ درجه فارنهایت)	۲۴ درجه سانتیگراد (۷۵ درجه فارنهایت)	۲۷ درجه سانتیگراد (۸۰ درجه فارنهایت)
رطوبت در فصل گرم	۵۵%	۵۵%	۵۵%
رطوبت در فصل سرد	۴۵%	۴۵%	۴۵%

و کلینیک های تخصصی مطابق با استانداردهای بین المللی، در برگیرنده جاذبه های تفریحی، گردشگری و موقعیت مناسب زیست محیطی بوده و از عوامل اصلی در بهبود بیماریها و سلامت افراد بیمار جامعه در محیطی کاملا مناسب و به همراه تفریح، فراغت، آسایش و جاذبه های توریستی می باشند. این مجموعه ها دارای امکانات متنوع و گوناگونی از کاربریهای درمانی تخصصی گرفته تا کاربری های طب مکمل، ورزشی، و تفریحی می باشند تا بتوانند نیازهای کاربران خویش را با توجه به سن، جنس و سلیقه آنها تامین نمایند. این مراکز در سطح جهان علاوه بر ارائه خدمات درمانی تخصصی، دوره های روتین چند روزه و دوره های طولانی تر در یک الی سه هفته برای افراد برگزار می کنند که در این مراکز مهارت های کافی برکنترل نسبی بر روی رژیم های غذایی، آشنایی با جنبه های مختلف زندگی در جهت کسب مهارت های شناختی و رفتاری برای ایجاد تغییر رفتاری در سطوح جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی در اختیار کاربران قرار می گیرد. متأسفانه به دلیل نبود نظام جامع و هماهنگ توریسم درمانی کشور و با توجه به اینکه بیمارستان ها در حال حاضر موظف نیستند تعداد بیماران خود را به وزارت بهداشت گزارش کنند، آمار دقیقی از بیماران خارجی که در ایران درمان

باشد، در مجاور اطاق استراحت، دوش و اطاق ماساژ مثل حمام های بخار موجود است. دیوار خارجی مضاعف با حفره هوای گرم شده، شیب سقفها به طرف خارج است تا آب تعرق را خارج کند، تمام وسائل ضدزنگ است. پنجره ها شیشه سه لا داشته و وسایل الکتریکی در مقابل آب ضد ذوب هستند (جلیلیان اختیاری، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

حرارت، تعویض هوا و تهویه مطبوع

استانداردهای کمی حرارت، تعویض هوا و تهویه مطبوع نیز در جدول بالا نشان داده شده اند.

روشنایی

استانداردهای کمی روشنایی در قالب جدول صفحه بعد مورد اشاره قرار گرفته است.

نتیجه گیری و جمع بندی

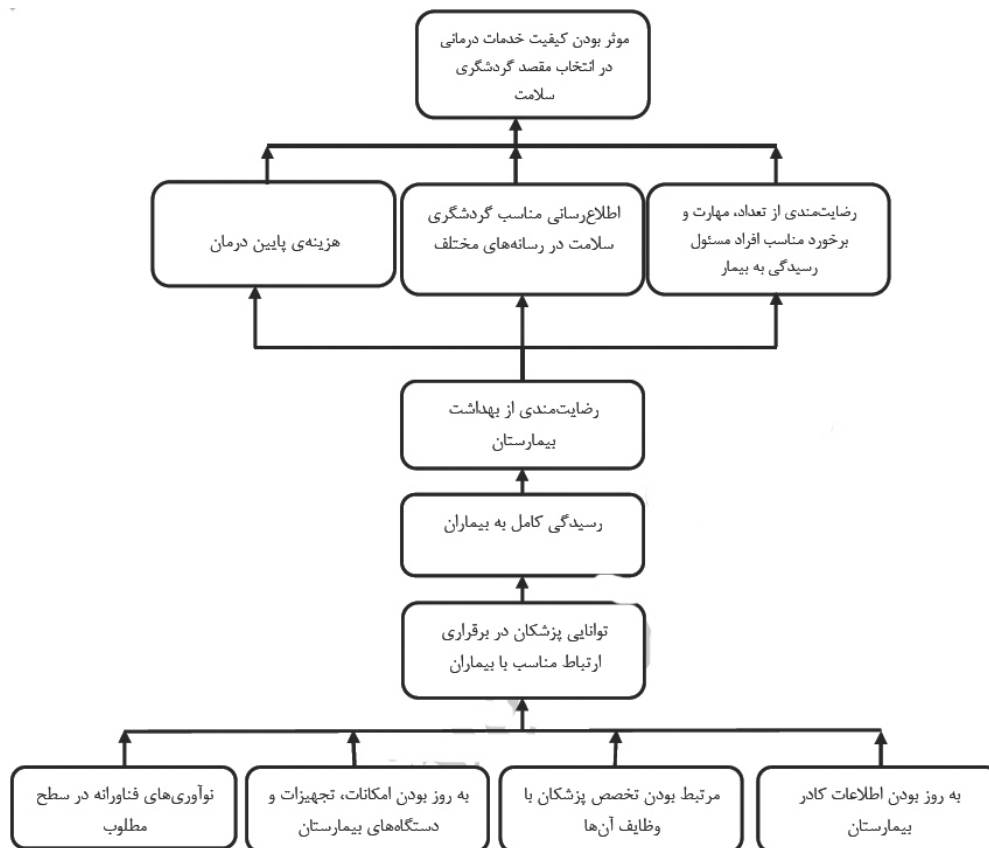
امروزه به رغم پیشرفتهای فراوان در علوم پزشکی و درمان بیماریها، به دنبال گسترش و توسعه شهرها، عوارض زندگی شهری و الگوهای نادرست زندگی باعث افزایش نابسامانیها و بیماریها در افراد جامعه گردیده است. از این رو در حال حاضر در بسیاری از مناطق دنیا مراکزی تحت عنوان دهکده های سلامت با محوریت اصلاح الگوی زندگی بوجود آمده اند که اولویت چنین مجموعه هایی درمان افراد در محیطی کاملا آرام و به دور از استرس و هیجان می باشد. مجموعه هایی که علاوه بر دارا بودن امکانات درمانی

جدول ۳. استانداردهای کمی روشنایی؛ ماخذ: نگارندگان.

روشنایی نوع فضا	حداقل (لوکس)	مطلوب (لوکس)
فضاهای عمومی	۲۰۰	۲۲۰
اتاق انتظار	۲۰۰	۲۲۰
انبار	۲۰۰	۲۲۰
سرویسهای بهداشتی	۱۵۰	۲۰۰
پذیرش	۳۵۰	۴۰۰
اتاق معاینه	۴۵۰	۵۰۰
اتاق کنفرانس	۳۰۰	۳۵۰
سالن تمرین درمانی	۲۵۰	۳۲۰
سالن الکتروتراپی	۲۵۰	۳۲۰
سالن هیدروتراپی	۲۰۰	۲۲۰
راهروها	۱۵۰	۲۰۰
رختکن	۱۵۰	۲۰۰

است، به طوری که در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ چشمه آب معدنی شناسایی شده است اما در این زمینه کشور هنوز نتوانسته جایگاهی برای خود کسب کند. قیمت ارزان خدمات پزشکی به نسبت دیگر کشورهای منطقه از جمله دیگر مزایای ایران برای فعالیت در حوزه توریسم درمانی محسوب شده است. چشمه‌هایی آب و آبهای معدنی موهبتی الهی هستند که علاوه بر شفای دردها و جنبه‌های درمانی از دیدنی‌های طبیعت، و نشان رمز و راز و شگفتی خلقت بشمار می‌روند. به همین دلیل است که سعی بر به کارگیری هرچه بیشتر این آب‌های معدنی در هر نقطه از دنیا و کشورها برای بهبود امراض مختلف و استفاده از خواص آنها می‌باشند. در واقع با ایجاد مراکز گردشگری آب درمانی می‌توان مسافرتها را به گردشگری درمانی و یا پیشگیری مبدل کرد که گامی مثبت در جهت گردشگری و سلامت می‌باشد. ایجاد چنین مجموعه‌هایی علاوه بر مرتفع ساختن نیازهای درمانی مردم، فرصت‌های اشتغال‌زایی مناسبی را برای بومیان آن بخش‌ها به

می‌شوند، وجود ندارد و سهم اندکی به هیدروتراپی و آب درمانی اختصاص یافته است، در حالی که منابع آبی و آب گرم در کشور در منطقه خاورمیانه بی‌همتا بوده و در مرتبه نخست قرار گرفته است. بنابر اعلام کارشناسان به طور کلی سالانه حدود هفت هزار بیمار با انگیزه گردشگری و به منظور درمان وارد کشورمان می‌شوند که می‌توانند نقش اساسی در توسعه بخش گردشگری داشته باشند اما ایران تاکنون در زمینه توریسم درمانی بالاخص آب درمانی نتوانسته به درستی از ظرفیت‌های خود استفاده کند. از جمله استان‌های مستعد گردشگری سلامت در سطح کشور می‌توان به استانهای تهران، خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، فارس، یزد، قم، همدان، گلستان، زنجان، ایلام، هرمزگان، سمنان، قزوین، آذربایجان غربی و اردبیل اشاره نمود که در آنها از چشمه‌های آب گرم تا بیمارستان‌های مجهز، فرصت‌های مناسبی را برای گسترش این صنعت فراهم نموده‌اند. یکی از جاذبه‌ها و امتیازات ایران برای توریسم درمانی در حوزه آب درمانی



نمودار ۳. توسعه مدل گردشگری سلامت در گردشگری شهری ایران.

و تبلیغات و مدیرکل تجهیز منابع و بودجه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به ریاست معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی؛

۲. اشتغال زایی و رشد کیفی در بخش سلامت کشور و نزدیک شدن به استانداردهای جهانی؛

۳. امکان صدور بیمه‌های درمانی برای گردشگران خارجی توسط سازمان‌های بیمه‌گر دولتی و بخش خصوصی؛

۴. انجام مطالعات درباره مراکز آب درمانی و تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری برای ساخت این مراکز درمانی؛

۵. تبدیل شدن به قطب گردشگری سلامت در منطقه؛ جذب گردشگران سلامت از کشورهای آسیای میانه و قفقاز، کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای اسلامی؛

۶. تدوین سند ملی و برنامه چهارساله گردشگری سلامت کشور (با همکاری مدیران تدوین برنامه

وجود آورده و حضور گردشگران داخلی و خارجی در این مناطق که به منظور درمان و درعین حال استفاده از جاذبه‌های گردشگری به آن مناطق سفر می‌کنند، زمینه رونق اقتصادی را در این بخش‌ها فراهم می‌نماید. از سویی وجود گیاهان دارویی خاص و ایجاد اشکالی از طب سنتی در برخی از این مجموعه‌ها به همراه جاذبه‌های توریستی، پتانسیل لازم برای تبدیل شدن به مراکز درمانی شاخص در سطح بین‌المللی را نیز ایجاد می‌کند.

در کل پیشنهاداتی در زمینه تعالی جایگاه گردشگری سلامت بالاخص آب درمانی در جهت توسعه توریسم سلامت در ایران عبارتند از:

۱. ارتقاء جایگاه سیاستگذاری و عملیاتی شورای سیاستگذاری گردشگری سلامت با عضویت نمایندگان وزارت بهداشت، وزارت رفاه، مدیرکل دفتر طرح‌های توسعه و سرمایه‌گذاری، دبیر ستاد گردشگری سلامت (توریسم درمانی)، رئیس بازاریابی

ملی گردشگری کشور)؛

۷. تدوین و ایجاد پوشش کامل بیمه ای برای گردشگران خارجی؛

۸. تهیه طرح جامع گردشگری سلامت و توریسم درمانی؛

۹. حضور چشمگیرتر شرکتها و آژانس های گردشگر و مراکز درمانی بخش خصوصی با حمایت دولت برای حضور در بازارهای گردشگری کشورهای منطقه و بازاریابی این حوزه؛

۱۰. حضور در نمایشگاه های گردشگری سلامت بالاخص اب درمانی در خارج از کشور بخصوص در کشورهای حوزه خلیج فارس؛

۱۱. ساماندهی بیماران داخلی که برای درمان به خارج از کشور سفر؛

۱۲. ساماندهی و تقویت امکانات پزشکی داخل کشور و فراهم آوردن زمینه بهره برداری از آنها برای گردشگر خارجی؛

۱۳. سرمایه گذاری، برنامه ریزی و معرفی و اطلاع رسانی توانمندی ها و ظرفیت های پزشکی و درمانی ایران و ارائه خدمات تخصصی به گردشگران خارجی؛

۱۴. شناسایی و تجهیز مراکز درمانی دولتی و خصوصی با قابلیت ارائه سرویس های مناسب استاندارد درمانی؛

۱۵. صدور ویزای درمانی و اختصاص امتیازاتی برای افراد دریافت کننده این ویزا؛

۱۶. طراحی و اجرای سیستم آمار گردشگری خارجی؛

۱۷. طرح جامع ایمنی پزشکی توریسم که بر اساس قطعنامه نهمین اجلاس سازمان جهانی توریسم؛

۱۸. کسب درآمد و ارزآوری به کشور و حمایت از رشد اقتصادی در کشور.

منابع و ماخذ

ابراهیمی، غزال (۱۳۸۹) طراحی هتل بر مبنای معماری سبز در تهران، پایان نامه کارشناسی ناپیوسته، دانشکده فنی و مهندسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

ابن سینا (۱۳۷۸) قانون در طب ابن سینا، به کوشش حسین حاتمی. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت تحقیقات و فناوری، نسخه پژوهشی.

اصغری، ریحانه (۱۳۹۰) بررسی مقایسه ای ریشه ها و مؤلفه های معماری پایدار و معماری اکولوژیک، مجموعه مقالات دومین همایش ملی معماری پایدار، همدان، مرکز آموزشی و فرهنگی سما.

افشار نادری، کامران (۱۳۸۶) هتل و مسافرخانه ها، نشریه معمار ۴۵، مهر و آبان ۸۶.

تابان، رامین (۱۳۸۸) استخر سونا جکوزی، تهران. ترابی، دومینیک (۱۳۸۷) از مشرق زمین ویران تا ویرانه های مشرق زمین، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۸.

تولایی، سیمین (۱۳۸۷) مروری بر صنعت گردشگری، انتشارات دانشگاه تربیت معلم.

تی بیتی، اس ام ویلر (۱۳۸۴) توسعه شهری پایدار، ترجمه کتایون ذاکر حقیقی، تهران، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهر سازی.

ثواقب، جهانبخش (۱۳۸۵) سیر و سیاحت در قرآن، بوستان کتاب قم.

جان لی (۱۳۷۸) گردشگری و توسعه در جهان سوم، ترجمه دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری و صالحی امین، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

جلیلیان اختیاری، بهمن (۱۳۹۰) مهندسی استخر و سونا و جکوزی، فدک ایساتیس.

حقیقی و دیگران (۱۳۸۴) اولویت بندی عوامل مربوط به توسعه گردشگری ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، شماره ۱۲ و ۱۳.

دبلیو پی یرس، د، جی دارموزد (۱۳۷۷) دنیای بیکران اقتصاد، محیط زیست و توسعه پایدار، ترجمه عوض کوچکی و سیاوش دهقانیان و علی کلاهی اهری، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول. دریایی، محمد (۱۳۸۴) سیاحت و جهانگردی در فرآیند تمدن و قرآن، تهران، نشر سبحان نور، چاپ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

- اول. دولتی، صادق (۱۳۸۶) بررسی توسعه گردشگری با اکوتوریسم، اندیشه جغرافیایی، سال اول، شماره ۱.
- لومسدن، لس (۱۳۸۰) بازاریابی گردشگری. ترجمه محمدابراهیم گوهریان، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ اول.
- لی، جان (۱۳۸۳) گردشگری و توسعه در جهان سوم، مترجمان: عبدالرضا رکن الدین افتخاری و معصومه السادات صالحی امین، شرکت چاپ و نشر بازرگانی. محسنی، رضا علی (۱۳۸۸) گردشگری پایدار در ایران: کارکردها، چالشها و راهکارها، مجله علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، سال نهم، شماره ۲۸.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴) تفسیر نمونه جلد ۱۹، ص ۲۰۳-۲۰۴.
- ملک نیا (۱۳۸۹) تبیین نقش بازار بزرگ تهران در گردشگری شهر تهران؛ فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۳۸.
- ملکمی، افسانه (۱۳۸۰)، ارائه الگوی آمیخته ارتباطات و پیشبرد برای صنعت گردشگری ایران با نگرش به فرایند تصمیم گیری گردشگران بین المللی در انتخاب مقصد و خرید سفر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ملکی جو، علی (۱۳۷۳)، تأثیر تبلیغات در جذب جهانگردان خارجی به کشور از دیدگاه جهانگردان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم اداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- منشی زاده، رحمت اله (۱۳۸۴)، اندر مقوله گردشگری، تهران: نشر منشی.
- مهدیزاده، تورج. پنجعلی اصل، مریم (۱۳۸۲) درمان با آبهای معدنی با نگاهی به خواص یکصد چشمه معدنی استان اردبیل، انتشارات باغ اندیشه، چاپ اول.
- میلانی فر، بهروز (۱۳۸۹) بهداشت روانی، ویرایش اول، چاپ یازدهم.
- الوانی، سید مهدی. پیروزبخت، معصومه (۱۳۸۵) فرایند مدیریت جهانگردی. تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول.
- دولت آبادی، فیروز. یعقوب زاده، رحیم (۱۳۸۸) گردشگری فرهنگی و ارائه راهکارها برای ارتقای آن در ایران. تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- دیرباز، عسگر و دادگر، حسن (۱۳۸۴) نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران، کانون اندیشه جوان. رحیم پور، علی (۱۳۹۲) تحلیل آماری صنعت گردشگری جهان، بازارهای آینده و جایگاه ایران. فصلنامه گردشگری دانشگاه علم و فرهنگ.
- رحیم پور، علی و سید حسینی، سید داوود (۱۳۷۹) سیمای جهانگردی اسلامی، تهران، انتشارات محیا، چاپ اول.
- رقیمی، مصطفی. یخکشی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱) بررسی منشا چشمه آب گرم زیارت گرگان از طریق مطالعات هیدروشیمی و ایزوتوپی، نشریه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۳.
- زارعی متین و دیگران (۱۳۹۱) تبیین مسائل صنعت گردشگری جمهوری اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۱.
- ستاره حسن امرجی (۱۳۹۲) طراحی دهکده سلامت با تمرکز بر آب درمانی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات آملی.
- غریب آزادی، شیدا (۱۳۹۲) طراحی مجتمع اقامتی- آب درمانی در روستای زیارت شهر گرگان با رویکرد معماری ارگانیک، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات البرز.
- فرگوسن، پاملا (۱۳۸۴) عناصر پنجگانه در روانشناسی انسان: چوب، آتش، خاک، فلز و آب. ترجمه لیلی مهدوی راد، تهران، نشر ثالث، چاپ اول.
- کاظمی، مهدی (۱۳۸۳) مدیریت گردشگری. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کیخا، سودابه (۱۳۸۹) طرح جامع گردشگری منطقه آزاد ارس، مهندس مشاور پارس بوم اندیش، و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

Ainhoa Urtasun, Isabel Gutiérrez, 2006: Tourism agglomeration and its impact on social welfare: An empirical approach to the Spanish case, *Tourism Management*, Volume 27, Issue 5, Pages 901-912.

Cocoosis H, Maxa A. Defining, 2002 : Measuring and evaluating carrying capacity in European tourism destination. Greece, University of the Aegean.

Deng, J., King, B. and Bauer, T. (2002). Evaluation Natural Attraction for Tourism. *Annals of Tourism Research* 29(2): 422-438.

Elliott, J., (1997), *tourism: politics and public sector management*, (London: routledge).

Kim, H., Cheng, C. K. and O'Leary, J. T. (2007). Understanding participation patterns and trends in tourism cultural attractions, *Environmental Management*, 28.

Kostas E. Sillignakis, 2010, "Rural Tourism Development for the Prefecture of Lassithi in Crete."

Krause, M. Nachhaltigkeit, 1996, Dimension eines Begriffs und seine Bedeutung für die räumliche Planung, Freie Universität Berlin, Fachbereich Geowissenschaften, Institute für Geographische Wissenschaft, Berlin.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۱۲

معرفت‌شناسی فازی و سازگاری روش شناختی آن با پژوهش‌های معماری و شهرسازی

منصور یگانه* - استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمد رضا بمانیان - استاد گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Fuzzy epistemological and methodological compatibility with the Architecture and Urban Studies

Abstract

This article fuzzy epistemological and methodological implications in architecture and urbanism, emphasizing the importance of scientific and methodological approaches in the study of architecture and urbanism, contrary to some opinions and comments. This article is an explanatory claims of epistemology underlying architecture is based on the value of zero and a narrative of fact, that this type of tradition of scientific fact, this science is incompatible with reality. Because the nature of science and as a result, the above is also true of multivalued, vague, grading, or to modify the fuzzy nature. Given the nature of the epistemological claim of an article, the evidence is also Shnashanh knowledge. To prove the claim explanatory introduction phase and ontological discourse and its methodology is explained. Based on the operating principle concepts of operation of fuzzy membership functions and fuzzy reasoning with an example of the continuity of buildings and public spaces in the city studied. The results show that the nature of research in architecture and urban planning phase with knowledge of the fundamentals of the epistemology binary compatible.

Key words: epistemology divalent, fuzzy epistemology, methodology, judgment and criticism, commentary and explanations

چکیده

موضوع این مقاله معرفت‌شناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن در معماری و شهرسازی با تاکید بر ضرورت اتخاذ رویکردهای علمی و روش‌شناسانه در پژوهش‌های معماری و شهرسازی، برخلاف برخی عقاید و نظرات است. مدعای تبیینی این مقاله آن است که زیربنای معرفت‌شناسی علوم معماری و شهرسازی بر پایه‌های روایت دو ارزشی صفر و یک از حقیقت استوار است، که این نوع روایت از حقیقت علمی، با واقعیت‌های این علوم ناسازگار است؛ چرا که ماهیت علم و به تبع آن، علوم یادشده نیز حقیقتی چندارزشی، مبهم، درجه‌بندی شده، و یا به اصلاح ماهیتی فازی دارند. با توجه به ماهیت معرفت‌شناختی مدعای مقاله، شواهد ارائه شده نیز معرفت‌شناسانه است. برای اثبات مدعای تبیینی، دستگاه معرفتی فازی معرفی و مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناختی آن تبیین می‌گردد. بر اساس قاعده عملیاتی‌سازی مفاهیم، عملیاتی‌سازی تابع عضویت فازی و استدلال تجربی فازی با ذکر مثالی از پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری مطالعه شده است. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که ماهیت پژوهش‌ها در معماری و شهرسازی با معرفت‌شناسی فازی و مبانی آن سازگارتر است تا معرفت‌شناسی دو ارزشی. **واژگان کلیدی:** معرفت‌شناسی دوارزشی، معرفت‌شناسی فازی، روش‌شناسی، داوری و نقد، تفسیر و تبیین

مقدمه و بیان مسأله

در دهه‌های اخیر برخلاف سنت‌های رایج دانشگاهی که آموزش معماری را فقط مبتنی بر تجربه و تمرین طراحی می‌دانستند، ضرورت پژوهش در زمینه‌های نظری، و برقراری ارتباط منطقی بین دیدگاه‌های نظری با شیوه‌های تجربی طراحی و شیوه‌های کارگروهی اثبات شده است. این ضرورت از دلایل زیر ناشی می‌شود: تحولات ایجادشده در شیوه آموزش معماری، ارتباط درونی و غیر قابل تمایز معماری با رشته‌های هنری دیگر، گسترش علوم مرتبط با معماری و ارتباطات نظری میان رشته‌ای و لزوم اتخاذ شیوه‌های مناسب ایجاد هماهنگی بین متخصصان مختلف، نیاز طراحی به مبانی برگرفته از تحقیق روش مند، تنوع گروه‌های ذی نفع و مخاطبان معماری، گوناگونی کارکردی و معنایی طرح‌های معماری، پیچیدگی تشخیص نیازها و تبدیل آنها به برنامه طراحی و همچنین پیچیده شدن رابطه طراح و کارفرما. این دلایل، طراحی بر اساس مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی و قرار دادن معماری در چارچوب‌های علمی سازمان یافته را اجتناب ناپذیر ساخته است^۱ (عینی فر، ۱۳۸۶). اما برخی محققان^۲ بر این باور هستند که پذیرفتن چارچوب‌های تحقیقی، شان معماری را به سطح حرفه‌هایی چون مهندسی و پزشکی تقلیل می‌دهد (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ص ۸). در پاسخ به این نوع رویکرد به معماری باید گفت؛ ضمن اذعان به اینکه هر حرفه‌ای در زمینه‌ای خاص و با پویایی‌ها، محدودیت‌ها و الزامات خود عمل می‌نماید، ولی با این حال ضرورت پژوهش در چارچوب روش‌های علمی در رشته معماری نیز وجود دارد. این ضرورت در حالتی که دامنه نفوذ معماری عمومیت بیشتری

دارد و یا زمانی معماری در درون یک متن شهری قرار می‌گیرد، نمود بیشتری پیدا می‌کند. با توجه به اینکه رشته‌های تحقیقی و عملی در حال چالش و تغییر مداوم هستند، به شدت به لحاظ بنیان‌های نظری مورد توجه و نقد قرار گرفته‌اند. این توجه و نقد در حوزه معماری و شهرسازی امروز نیز به میزان زیادی وجود دارد (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱). پایه معرفتی و مبانی نظری هر حرفه‌ای نیاز به یک ساختار اولیه قوی دارد. بنیان مبانی نظری معماری را دیدگاه‌های افراد معمار یا مکاتب فکری معماری آنها تشکیل می‌دهد. این مبانی بر هنرمند بودن معمار و بر باورهای فردی معماران در مورد معماری خوب، تاکید دارد. ایراد این شیوه بنیان نظری این است که توجیه باورها و جهان بینی معماران کمتر به روشنی بیان شده است و طراحان اطلاعات زیادی از جهان هستی را در ذهنشان محفوظ نگه داشته‌اند. علاوه بر آن، معرفت شخصی معمار در دسترس دیگران نیست و امکان آزمون و کاربرد آن وجود ندارد (لنگ، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱). بر مبنای چنین رویکرد نظری، معمولاً به جای توجه به ادراک انسان، به روابط کالبدی سازنده محیط پرداخته شده است. هر جا که تجربه انسان در نظر گرفته شده است، منظور ادراک واقعی آنها نیست، بلکه ادراکی است که از مردم انتظار می‌رود. اگر درکی که مردم از محیط دارند با ادراک مورد انتظار طراحان یکی نباشد، مردم به دلیل سطح پایین تحصیل یا نداشتن معرفت استفاده از محیط، توسط طراحان مورد سرزنش قرار می‌گیرند (Perin, ۱۹۷۰). با توجه به اینکه یکی از وظایف طراحان حرفه‌ای، آموزش مردم است، ناموفق بودن محیط ساخته شده در تامین

۱. رجوع کنید به: پیشگفتار آقای دکتر علیرضا عینی فر مترجم کتاب «روش‌های تحقیق در معماری» نوشته لیندا گروت و دیوید وانگ.

۲. برخی مکاتب و شخصیت‌های معماری اعتقاد دارند، معماری نباید وارد حیطه نظریه پردازی و پژوهش‌های سازمان یافته علمی همانند سایر علوم شود و عمدتاً مطلوبیت آثار معماری و شهرسازی را صرفاً بر اساس نظرات و احساسات طراح کافی می‌دانند. البته در این که باید با مسائل معماری مطابق با الزامات معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی آن برخورد کرد، شکی نیست ولی اینکه این رشته بی‌نیاز از پژوهش است و یا اینکه قراردادن آن در چارچوب‌های علمی باعث پایین آمدن شان و منزلت معماری می‌شود، جای انتقادات جدی دارد و در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نیازهای مردم را نمی‌توان به حساب کمبود دانش استفاده‌کنندگان گذاشت. اصول مورد استفاده در طراحی به جای آنکه بر دانش مشترک سازمان یافته و به پژوهش منظم متکی باشد؛ یا بر اساس تجربه علمی معماران به‌دست آمده باشد، به میزان زیادی مبتنی بر دانسته‌ها و تجربه‌های شخصی طراحان است. تا زمانی که این اطلاعات پالایش نشوند، آزمودن اعتبار و روشن ساختن نتایج آنها ناممکن است (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۹). به قول کریستین نوربرگ شولتز «نتیجه این کار این خواهد بود ما همیشه بر سر این که تو چه چیزی را دوست داری و من چه چیزی را می‌پسندم، باقی خواهیم ماند» (Norberg-Schulz, ۱۹۶۵).

بسیاری از نقدهای اخیر در حوزه معماری، طراحی شهری و طراحی منظر، به این مطلب است که بین تصور ذهنی طراحان از نیازها و ارزشهای بهره‌برداران و واقعیت تفاوت وجود دارد (Michelson, ۱۹۶۸). نظریه‌های معماری نیز نشان می‌دهد که باورهای طراحان و مردم راجع به محیط مطلوب متفاوت است. علاوه بر آن معماران با کارفرماهای متنوع تری مواجه هستند و ارزش‌ها و هنجارهای طراحان و بهره‌برداران در حال حاضر با هم انطباق چندانی ندارد. بنابراین، طراحی باید برپایه «معرفت انجام‌شده نه عقیده شخصی» (B. Jones, ۱۹۶۲). چرا که مشاهدات محسوس بیش از اندیشه‌های انتزاعی، راهنمای طراحان است (Neurta, ۱۹۵۴). ما برای بالابردن معرفت خود نسبت به چیزی یا گروهی می‌توانیم به تجارب فردی و شهودی مراجعه کنیم، ولی تا جایی که این تجربیات فردی اعتبار داشته باشند. طراحان اغلب به دلیل اینکه پایه معرفتی لازم برای دسترسی منظم به اطلاعات را ندارند، صرفاً با رجوع به دانسته‌ها و عقیده‌های شخصی خود عمل می‌کنند. یکی از اصلی‌ترین دلایل عدم اقبال معماران به پژوهش‌های سازمان یافته

علمی، این است که آنها نگران‌اند که بعضی از باورهای مورد علاقه طراحان در مورد ماهیت معماری مورد نقد و چالش جدی قرار گیرد (لنگ، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

از آنجایی که هدف این مقاله اثبات ضرورت پژوهش در معماری و شهرسازی در چارچوب‌های معرفتی و روش‌شناختی و معرفی سازگارترین مبانی معرفتی و چارچوب روش‌شناختی برای آن است؛ لازم است مبانی معرفتی‌شناختی تحقیق در معماری مطالعه شده و مناسب‌ترین و سازگارترین چارچوب معرفتی و الزامات هستی‌شناختی و روش‌شناختی آن معرفی و تبیین گردد.

مبانی معرفت‌شناختی تحقیق در معماری

ضرورت تحقیق و پژوهش در معماری در چارچوب‌های روش‌شناختی علمی مورد تأکید قرار گرفت. اما این تحقیق باید متناسب با الزامات معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناختی رشته معماری و ماهیت آن صورت گیرد. معماری با رشته‌های گوناگونی ارتباط دارد و تحقیق معماری باید نیز از ویژگی‌های مثبت این رشته‌ها بهره‌گیرد. تحقیق معماری از این نظر بین رشته‌ای است که، راهبردها و تدابیر را از رشته‌های دیگر گرفته و آنها را در تبیین دانش کاربرد محیط انسان‌ساخت برای رشد زندگی انسان به کار می‌گیرد (گروت، وانگ، ۱۳۸۶: بیست و سه).

انتخاب هر طرح تحقیق، تابع مفروضات شخصی محقق از ماهیت واقعیت‌ها و چگونگی درک آنها است. این مفروضات، پارادایم یا الگوی ذهنی نامیده می‌شوند. پارادایم مجموعه‌ای از باورهای اساسی است که صورتی از جهان هستی را تصویر می‌کند. پارادایم‌ها مبنای برداشت‌ها و اقدامات انسان هستند (Becker, ۱۹۹۶: ۵۳-۵۵). و پایه‌های معرفت‌شناختی تمام پژوهش‌ها را پارادایم‌ها می‌سازند (گروت، وانگ، ص ۱۳). چارچوب پارادایم‌ها مستلزم مفروضات هستی‌شناختی،

معرفت شناختی و روش شناختی است. یک تحقیق باید در بستر یک پارادایم مشخص صورت گیرد تا بین مبانی فلسفی، مبانی روش شناختی و ابزارهای آن سازگاری ایجاد شود (Creswell, ۲۰۰۳:۶). هر چند برای تحقیق روش های متعددی وجود دارد ولی انتخاب پارادایم با توجه به ماهیت موضوع و شیوه نگرش به حقیقت انجام می گیرد. یک تحقیق، بخش مهمی از اعتبار خود را از تناسب موضوع با زیربنای فلسفی روش به کار گرفته شده یا به اصطلاح پارادایم تحقیق اخذ می کند، چراکه تکنیک های اعتباربخشی صرفاً به ارزیابی صحت روش شناسی تحقیق می پردازند و از مقایسه یافته های تحقیق با حقیقت آنچه هست، عاجز هستند. انتخاب صحیح پارادایم تحقیق امری حیاتی و مقدم بر انتخاب روش شناسی صحیح است (علی احمدی و غفاریان، ۱۳۸۲، ص ۲۶۴). انجام تحقیق در چارچوب پارادایم ها در حوزه های مختلف علوم و هنرها قابل ردگیری است. با بررسی پارادایم هایی که در پژوهش های مختلف مورد استفاده بوده اند، می توان آنها را در حالت عمومی در طیف های دوگانه قابل دسته بندی دانست. استفاده از پارادایم های دوگانه در معماری و شهرسازی همانند سایر حوزه های پژوهش همواره متداول بوده است. دوگانه هایی چون؛ علم و اسطوره، کمی و کیفی، سخت و نرم، مشاهده ای و آزمایشگاهی، ذهنی و عینی از این دسته می باشند (Robinson, ۱۹۹۰; Creswell, ۱۹۹۴; Bauer, ۱۹۹۲; Joroff and Morse, ۱۹۸۴; Morgan and Smircich, ۱۹۸۰). در مقابل پارادایم های دوگانه ذکر شده، گروه پارادایم های سه گانه اثبات گرا- پسا اثبات گرا، طبیعت گرا و پارادایم رهایی بخش (آزاد پژوه نیز ترجمه شده است) پیشنهاد شده اند (Compte and Smircich, ۱۹۹۸). این پارادایم ها در بعضی از مفروضات هستی-شناختی و معرفت شناختی اشتراک دارند.

از منظر استدلال معرفت شناسانه شواهد موجود دلالت بر آن دارد که تمامی پارادایم های ذکر شده، منطق ارسطویی را صادق فرض کرده، روایت دو ارزشی از حقیقت علمی عرضه می کنند. در منطق دوازدهم ارسطویی، گزاره های علمی بر دو ارزش منطقی صدق و کذب استوارند که می توان آنها را با ارزش های صفر و یک نشان داد. به عبارتی، فضای دوازدهم صدق و کذب زیربنای معرفت شناسی علوم را می سازد. اشتباه دستگاه معرفتی دو ارزشی آن است که آنچه را فقط برای موردهای خاصی صادق است به همه پدیده ها تعمیم می دهد. روایتی دو ارزشی که عضویت یا عدم عضویت در یک مجموعه را بازنمایی می کند، به تنهایی با حقیقت علمی ناسازگار است و قادر به تبیین همه مسایل موجود در حوزه دانش علمی نیست. اما گزاره های معرفتی و دلالت های هستی شناختی و روش شناختی آن غیر از فضای دو ارزشی در فضایی چند ارزشی، نیز قابل طرح شدن است. این فضای چندارزشی، که دارای ماهیتی مبهم، غیرقطعی، درجه بندی شده است، معرفت شناختی فازی است. روایت دوازدهم از حقیقت علمی منطبق با واقعیت های علمی نمی باشد؛ چراکه علم در تمام ابعاد آن حقیقتی فازی (مبهم، غیرقطعی، درجه بندی شده، و چندارزشی) دارد (ساعی، ۱۳۸۹). براین اساس، پارادایم فازی با مبانی فلسفی معرفت شناختی، هستی شناختی و روش شناختی فازی که محصول انتقاد از معرفت شناسی دوازدهم است، ساخته و تبیین شده است.

به منظور بررسی سازگاری معرفت شناسی فازی و الزامات هستی شناختی، روش شناختی آن با پژوهش های معماری و شهرسازی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

مبانی فلسفی معرفت شناسی فازی

تکامل معرفت امری فرایندی و مبتنی بر انتقاد از سنت های پیشین و تئوری های موجود است.

عنصر اصلی در تابع عضویت درجه بندی عضویت در یک مجموعه است. درجه عضویت در مجموعه کلاسیک برابر یک و صفر و در مجموعه فازی برابر بازه $[0, 1]$ است (بوجادزی، ۱۳۸۱؛ آذر، ۱۳۸۱؛ Wierman, J., ۲۰۰۷, Zadeh: ۱۹۶۵). در تابع عضویت فازی، میزان درجه عضویت در مجموعه نشان داده می شود.

مجموعه فازی A با یک تابع عضویت $\mu_A^{(x)}$ به هر نقطه در x یک عدد حقیقی در بازه $[0, 1]$ نسبت می دهد و مقدار $\mu_A^{(x)}$ نشان دهنده درجه عضویت در A است (Zadeh, L.A: ۱۹۶۵). ساختار کلی مجموعه فازی بر سه نقطه برش کیفی استوار است: کاملاً عضو، نقطه گذر و کاملاً غیر عضو. نقطه گذر دارای حداکثر ابهام است. در منطق فازی، پرداختن به این ابهام محل توجه است (Ragin, ۲۰۰۰: ۱۵۸-۱۵۹). منطق فازی نوع و میزان عضویت را بازنمایی می کند و فضای دوازده‌گانه صفر و یک را به فضای چندارزشی تعمیم می دهد. بدین ترتیب، می توان صحبت از انواع و میزان عضویت کرد که به آن عضویت فازی اطلاق می شود. بر مبنای منطق فازی، می توان گفت همه چیز به شکل نسبی درجه بندی می شود (کاسکو، ۱۳۸۴) و حقیقت چیزی بین صفر و یک است. درجات فازی مفاهیم بر مبنای ارزشهای جدول زیر توسط ریگین تعیین شده است.

در چارچوب معرفتی فازی، حقیقت سیاه و سفید به حقیقت خاکستری تبدیل می گردد. به عبارتی، اصل عدم قطعیت در همه ابعاد زندگی صادق فرض می شود. بنابراین صدق و کذب گزاره ها همواره با درجاتی از عدم قطعیت همراه است و «هر چیزی به شکل نسبی درست یا غلط است» (کاسکو، ۱۳۸۴).

روش فازی در مقام داوری نیز در خصوص صدق

انتقاد از تئوری راهی برای یافتن خطاهاست (Popper, ۱۹۸۳). این قاعده همانند هر امری، در معرفت شناسی دو ارزشی و معرفت شناسی فازی نیز مصداق دارد. معرفت شناسی فازی تلاشی برای یافتن کاستی های معرفت شناسی های دوازده‌گانه و تعمیم آن است. معرفت شناسی فازی از طریق تاکید بر نظام چندارزشی، همه تقسیم بندی گزاره های معرفتی را بر مبنای صفر و یک یا عضویت یا عدم عضویت می پذیرد، و هم در عین حال میزان عضویت و عدم عضویت در مجموعه ها را درجه بندی می کند (ساعی، ۱۳۸۸). دستگاه معرفتی فازی را می توان از حیث معرفت شناسی، هستی شناسی و روش شناسی تحلیل کرد.

در معرفت شناسی مبتنی بر منطق دوازده‌گانه ارسطویی، گزاره های علمی متکی بر دو ارزش منطقی صدق و کذب می باشند. در منطق ارسطویی، یک عنصر یا عضوی از یک مجموعه است و یا عضویتی در آن مجموعه ندارد. در مقام مقایسه نوع عضویت یک عضو، معرفت شناسی فازی گزاره های معرفتی خاص خود؛ یعنی گزاره های معرفتی و عضویت های درجه بندی شده را دارد. استدلال در خصوص گزاره های معرفتی فازی بر تئوری مجموعه های فازی استوار شده است. «در منطق فازی، ما در فضای مجموعه ها می اندیشیم» (کاسکو، ۱۳۸۴). یکی از مفاهیم مهم در تئوری مجموعه های فازی، مفهوم تابع عضویت فازی است. این تابع از طریق فازی سازی مفاهیم ساخته می شود. تابع عضویت در مجموعه های کلاسیک و فازی را به ترتیب می توان به صورت زیر نشان داد:

$$A = \{X, \mu_A^{(x)} / X \in A, \mu_A^{(x)} \in [0, 1]\}$$

$$\bar{A} = \{X, \mu_{\bar{A}}^{(x)} / X \in A, \mu_{\bar{A}}^{(x)} \in [0, 1]\}$$

۱. معرفت شناسی فازی به عنوان یک چارچوب معرفت شناختی جدید، محصول مشاهده مسئله در سطح چارچوب های معرفت شناسی مسلطی است که در حال رقابت با آنهاست.

جدول ۱. جدول ارزشهای فازی (Ragin, ۲۰۰۸)

نه زیر مجموعه		هفت زیر مجموعه	
درجه عضویت	برچسب زبانی	درجه بندی	برچسب زبانی
۰/۹۹۳	عضویت کامل	۰/۹۹	عضویت کامل
۰/۹۵۳	آستانه عضویت کامل	۰/۸۳	بیشتر درون مجموعه
۰/۸۸۱	بیشتر درون مجموعه	۰/۶۷	بیشتر درون تا بیرون مجموعه
۰/۶۲۲	بیشتر درون تا بیرون مجموعه		
۰/۵۰۰	نقطه گذار	۰/۰۰	نقطه گذار
۰/۳۷۸	بیشتر بیرون تا درون مجموعه	۰/۳۳	بیشتر بیرون تا درون مجموعه
۰/۱۱۹	بیشتر بیرون از مجموعه		
۰/۰۴۷	آستانه عدم عضویت کامل	۰/۱۷	بیشتر بیرون از مجموعه
۰/۰۰۷	عدم عضویت کامل	۰/۰۱	عدم عضویت کامل

جدول ۲. مقایسه تابع عضویت (مقیاس سازی) در روش شناسی دوارزشی و فازی با احساس یکپارچگی فضای شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

معرفت شناسی دوارزشی	سنجش احساس یکپارچگی	کاملاً مخالف (۱)؛ مخالف (۲)؛ تاحدی مخالف (۳)؛ بینابین (۴)؛ تاحدی موافق (۵)؛ موافق (۶)؛ کاملاً موافق (۷)
معرفت شناسی فازی <td>درجه بندی احساس یکپارچگی</td> <td>احساس یکپارچگی کامل (۰.۹۹)؛ احساس یکپارچگی بیشتر (۰.۸۳)؛ کم و بیش احساس یکپارچگی (۰.۶۷)؛ بینابین (۰.۵)؛ کم و بیش عدم احساس یکپارچگی (۰.۳۳)؛ احساس یکپارچگی کمتر (۰.۱۷)؛ عدم احساس یکپارچگی (۰.۰۱)</td>	درجه بندی احساس یکپارچگی	احساس یکپارچگی کامل (۰.۹۹)؛ احساس یکپارچگی بیشتر (۰.۸۳)؛ کم و بیش احساس یکپارچگی (۰.۶۷)؛ بینابین (۰.۵)؛ کم و بیش عدم احساس یکپارچگی (۰.۳۳)؛ احساس یکپارچگی کمتر (۰.۱۷)؛ عدم احساس یکپارچگی (۰.۰۱)

یا کذب فرضیه متفاوت از روش غیرفازی است. در این روش، مفهوم مورد سنجش به-مثابه یک مجموعه فازی در نظر گرفته می شود؛ آنگاه نوع و میزان عضویت اعضاء در آن مجموعه تحلیل می گردد. این اصل منطق فازی که هر چیزی درجه پذیر است، در آزمون تجربی گزاره ها نیز صادق است (ساعی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹). داوری تجربی بیانگر درجه تطابق شواهد تجربی در بازه [۰،۱] با فرضیه تحقیق است. داوری فازی نیازمند برساختن تابع عضویت فازی است^۱ که این تابع

۱. تابع عضویت فازی هم برحسب مقولات کیفی و هم برحسب تفاوت های کمی در میزان عضویت در بازه [۰ و ۱] عملیاتی می شود. هرچه نقاط گسست و ارزش های عددی فازی در بازه [۰ و ۱] بیشتر باشد، دقت پژوهش نیز بیشتر می شود برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به ساعی، ۱۳۸۸.

از طریق فازی سازی مفاهیم عملیاتی^۱ می شود. درباره چگونگی عملیاتی سازی تابع عضویت فازی باید گفت درجه عضویت را می توان از طریق رجوع به صاحب نظران و به کمک دانش نظری محقق تعیین کرد. البته اگر شواهد تجربی از نوع کمی باشند، برای تعیین تابع عضویت فازی معیار کمی استفاده می شود. به عنوان مثال در روش تحلیل کمی کلاسیک، مفاهیم به متغیر تبدیل و اربانس متغیر وابسته از طریق متغیر مستقل تبیین می شود، اما در روش فازی مفهوم مورد سنجش نه به منزله متغیری که جانشین مفهوم شده است، بلکه به مثابه مجموعه ای فازی در نظر گرفته می شود و آنگاه، نوع و میزان عضویت اعضا در آن مجموعه تحلیل می شوند. نمرات عضویت فازی هم برحسب مقولات کیفی و هم برحسب درجه بندی میزان عضویت تعیین می شود. بعد از بساختن تابع عضویت فازی استدلال فازی اقامه می شود (همان، ص ۲۱۸).

در خصوص قیاس هستی شناسانه منطق دوارزشی و منطق فازی باید گفت که براساس منطق دوارزشی می توان هر امری را برخوردار از دو ویژگی منحصر به فرد تاریخی یا عمومیت (a یا not-a) تعریف کرد.^۲ در هستی شناسی فازی، واقعیت همانند یک کل ترکیب بندی شده قابل درک است. کل ترکیب بندی شده، سازه ای است که از طریق ترکیب سه بعد واقعیت یعنی؛ منحصر به فرد بودن، تنوع، و عمومیت ساخته می شود (ساعی، ۱۳۸۸). شرایط صدق یک حکم

روش شناختی تابعی از الزامات معرفتی معین است. الزامات معرفتی از طریق روایت هستی شناسانه خاص روایت روش شناسانه خاصی را تولید می کنند. چارچوب دستگاه معرفتی فازی از طریق روایت هستی-شناسانه فازی روایت روش شناسانه فازی را تولید می کند، چراکه روش شناسی فازی تابعی از مفروضات معرفتی منطق فازی است. در روش شناسی مبتنی بر روایت هستی شناسانه دوارزشی، دو نوع رویکرد روش شناختی صادق است: رویکرد تاریخ گرایی یا قانون بنیاد. متناظر با این دو نوع رویکرد روش شناختی، دو نوع رویکرد تحلیلی می توان قائل شد: تحلیل تفسیری و تحلیل تبیینی. در روش شناسی دوارزشی، رویکرد تحلیلی را به دو رهیافت "مورد محور و متغیر محور" نیز تقسیم بندی کرده اند (Ragin, ۱۹۸۷). رهیافت مورد محور بر تحلیل کیفی و رهیافت متغیر محور بر تحلیل کمی دلالت دارد. با معیار نوع گزاره های مشاهده ای نیز می توان روش های تحلیل را به دو نوع کمی و کیفی تقسیم کرد. تحلیل کیفی و کمی می توانند تطبیقی نیز باشند.

در روایت هستی شناسی فازی، عنصر کانونی، فهم موردها به مثابه یک کل ترکیب بندی شده یا یک مجموعه است و آنگاه میزان عضویت موردها در این مجموعه تحلیل فازی می شود. در این معنا، تحلیل فازی میزان عضویت فازی را در یک کل ترکیب بندی شده^۳ از طریق درجه بندی برجسته می کند. بر مبنای مفروضات روش شناسی فازی،

۱. فرایند عملیاتی سازی تابع عضویت فازی نیازمند چهار نوع فعالیت است: ۱. تعیین نام متغیرهای زبانی یا برجسب های زبانی به عنوان مثال پیوستگی؛ ۲. اگر شواهد تجربی از نوع کمی فاصله ای باشند، تعیین ارزش هایی کمی که متغیرها اختیار می کنند؛ اگر متغیرها مقوله ای باشند، حالات آنها را می توان به ترتیب با صفر و یک کدگذاری کرد؛ ۳. تعیین درجه عضویت در بازه [۱ و ۰]. در این مرحله میزان عضویت در هر مجموعه از طریق ارزش های عددی مشخص می شود. اجرای این مرحله بعد از تعیین نقاط گسست (مرحله چهارم) نیز ممکن است؛ ۴. تعیین نقاط گسست. در این مرحله مجموعه های فازی تعیین می شوند. مجموعه های فازی تعمیم مجموعه های دوارزشی اند. اگر شواهد تجربی ناظر بر مفاهیم از حیث سطح سنجش دقیق تر باشد، فاصله نقاط گسست کمتر خواهد بود.

۲. بعد عمومیت دلالت بر ویژگی های عام هستی ها و حوادث تکرار پذیر دارد.

۳. در واقع Configuration می تواند ناظر بر ترکیب شروط علی (Conditions Causal) باشد. ترکیب بندی شروط (of Conditions Configuration) در مقابل متغیرهای مستقل مورد نظر در روش شناسی دوارزشی (رویکرد تحلیل کمی) مطرح می شود که در آن ترکیبی از متغیرهای مستقل و اربانسی از متغیر وابسته را تبیین می کند. در روش فازی میزان عضویت یک مورد در یک Configuration مدنظر است.

تحلیل تطبیقی فازی به تحلیل تطبیقی کیفی نزدیک تر است. تحلیل تطبیقی کیفی شرایطی را فراهم می سازد که در آن موردها به مثابه یک کل ترکیب بندی شده با یکدیگر مقایسه شوند (Mahony, ۲۰۰۳: ۱۱). واقعیت فازی را می توان با تاکید بر سه ویژگی تحلیل کرد: ۱. تاکید بر تحلیل واقعه به مثابه یک امر فرایندی در حال شدن در طول زمان و در زمان (زمان مندی واقعه) و فهم آن به مثابه یک امر خاص مشروط به -زمینه (زمینه مندی واقعه)؛ ۳. تاکید بر ویژگی تنوع (ساعی: ۱۳۸۹).

در روایت روش شناسی فازی، به جای تبیین یا تفسیر بر تبیین و تفسیر تاکید می شود. تفسیر و تحلیل تبیینی در جاتی از رویکرد تحلیل فازی محسوب و فضای دو ارزشی تحلیل تفسیری یا تبیینی به مثابه زیرمجموعه ای از مجموعه روش تحلیل فازی تعبیر می شود. در مجموع باید گفت تحلیل تطبیقی فازی در معنای خاص مبتنی بر تحلیل ترکیب گرایانه است که این کل ترکیب بندی شده ماهیتی درجه بندی دارد. به استناد استدلال های عرضه شده می توان دآوری کرد که قدرت تبیینی معرفت شناسی فازی بیش از معرفت شناسی دوارزشی است. با توجه به ناتوانی معرفت شناسی دو ارزشی در تبیین کامل حقیقت معماری و شهرسازی و ارجحیت معرفت شناسی چندارزشی فازی بر آن، لازم است سازگاری معرفت شناسی فازی با پژوهش های معماری مطالعه شود.

سازگاری روش شناختی فازی با پژوهش های معماری و شهرسازی

همان طور که مطرح شد؛ تحقیق در رشته معماری باید متناسب با ماهیت معماری و الزامات معرفت شناختی، هستی شناختی و روش شناختی آن صورت گیرد. بدین منظور شناخت معماری و تطبیق آن با معرفت های روش شناختی به منظور

معرفی دستگاه معرفتی سازگارتر ضرورت دارد. در بازشناخت معماری و فضای شهری، سه گونه فضای متفاوت در تقابل با یکدیگر به میدان می آیند: فضای فکری و فرهنگی شخصی سازنده، فضای فرهنگی شخصی که به آن پدیده می نگرند و فضای فرهنگی شخصی که یافته های اظهار شده از سوی سازنده و بهره وری کننده را به بستر نقد می برد و بر مبنای گستره های شناخت و بینش شخصی اش نسبت به آن پدیده، هر آنچه می باید را برای اشخاص چهارمی به نمایش می گذارد (فلامکی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱). شناخت و فهم هرچیز متضمن در قالبی واحد قرار گرفتن بیننده و موضوع دیده شدن هست. تجربه اثر معماری بر مبنای فضای اندیشه ای هر بهره ور تعبیر و معنایی خاص پیدا می کند. بر این مبنای اعتبار واقعیت به شخص است، نه به موجودیت مادی و کالبدی ملموس. تاویل اثر معماری نیز به میزان توافقات ذهنی بهره وران در خواندن و تعبیر مشترک از ابعاد و ویژگیهای مختلف اثر وابسته می باشد. مانایی و میرایی یک اثر معماری به میزان انطباق آن اثر با ارزشها، نیازها، باورها، اولویتهای، محدودیتهای، بایدها و نبایدهای کاربر بستگی دارد.

معماری دارای حقیقت تاریخی ای است که در هر دوره به اقتضای الگوواره های غالب بر اذهان و افهام و قلوب به نحوی ظهور دارد. بدین ترتیب معماری می تواند به عنوان زبانی برای بیان اندیشه ها، باورها، بایدها و نبایدهای افراد آن دوره مطرح گردد. وجود موجودیت معمارانه، حاصل تجربه ها و تدبیرهایی است که ریشه در فضای فرهنگی، فضای هنری، و فضایی مدنی سازندگان اش دارد (فلامکی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵). معماری مقوله ای پیچیده و چندوجهی است. فرایند ترکیب اجزای موثر در معماری که کلیتی واحد و هدفمند را تعریف می کنند، دقیقا تبیین نشده است. به دلیل عدم وجود مطالعات نظری و روش مند در زمینه نقد، دآوری، و ارزیابی کیفیت معماری

و فضاها، اغلب افراد ادراک معماری و ارزیابی را فرایندی شخصی، احساسی یا شهودی و بی نیاز از معیارهای عقلی و روش مند دانسته اند. همه افرادی که راجع به معماری و فضاهای شهری اظهار نظر می کنند، آگاهانه یا ناآگاهانه، وارد حوزه داوری یا نقد در این حوزه می شوند. هرگونه تصمیم گیری برای آینده معماری و شهرسازی، منوط به شناخت و تحلیل وضع فعلی آن است. واضح است تصمیم صحیح، تنها با اتکای به شناخت و تحلیل درست، تحقق می یابد. ابراز سلیقه و اظهارات ناشی از عدم رضایت باطنی از یک پدیده، اگر چه ممکن است صحیح باشد، ولی نمی تواند به تنهایی راهنمای عمل قرارگیرد. ضمن اینکه بررسی صحت و سقم همان احساس نیز از طریق بررسی و ارزیابی روش مند و علمی مسئله ممکن می شود (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۷۲). نقد سلیقه ای و بیان احساسات شخصی فقط از افراد حرفه ای و متخصص قابل پذیرش است (آیت الهی، ۱۳۸۳). بنابراین، لزوم اتخاذ رویکردهای علمی و روش مند در زمینه داوری و ارزیابی مطلوبیت معماری و فضاهای شهری که با ماهیت معماری سازگاری داشته باشد، احساس می شود. بر اساس تلقی از معیارهای داوری، دو رویکرد عمده روش شناختی عقل گرایی و نسبیت-گرایی وجود دارد. عقل گرایی بر باور به طرح بنیادین ثابت رخدادها در کنار کلیت و خصلت غیرتاریخی آنها استوار است و دست یابی و نزدیک شدن به حقیقت را هر چند در یک روندی تکاملی، ممکن می داند. نسبیت گرایی به وجود معیارهای کلی جهت تمییز روش ها قایل نیست و روش های متفاوت را درون پارادایم هایی که آنها را راهبری می نمایند، مقبول می داند. از این رو تنها برداشت هایی متفاوت از حقیقت را میسر می داند، و نه دست یابی به آن (مزروعی، ۱۳۸۳، ص ۷۰). ناتوانی نسبیت گرایی از آن رو است که اگرچه نسبی گرایی دست-یابی به حقیقت ثابت و واحد را ممکن نمی داند، اما به وجود آن معترف

است. این دو افق معرفتی به مثابه مصداقی از معرفت شناسی دو ارزشی هستند. نسبیت گرایی از حیث گزاره های معرفتی، منکر وجود معیار عام و غیرتاریخی برای عقلانیت علمی است. این رهیافت مدعی است گزاره های معرفتی نسبی اند و کسانی که در افق های معرفتی یا به تعبیر کوهن (۱۹۷۰) در پارادایم های متفاوت اند، در جهان-های متفاوتی زندگی می کنند. در سطح استدلال تجربی، مدعی یک گزاره به شرطی صادق است که منطبق با امر واقع باشد. نسبیت-گرایی، داوری در خصوص صدق و کذب گزاره را با مشکل همراه می کند. دلیل آن این است که گزاره های نسبی در چارچوب نظام گزاره های منطقی گزاره های خاص محسوب می شوند. این نوع گزاره ها ممکن است در نظام معینی صادق و در مکان و زمان دیگر، شرایط اطلاق نداشته باشند. عدم صدق شرایط اطلاق یک گزاره، در یک زمینه و مکان خاص است و دلالت بر کذب ادعای آن گزاره ندارد. در پرتو افق معرفتی نسبیت گرایانه، هر واقعیت به مثابه امری تاریخی و مشروط به زمان و زمینه از طریق جهان معرفتی ما ساخته می شود. این ادعا ممکن نیست همیشه صادق باشد (ساعی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

عقل گرایی از حیث گزاره های معرفتی، معیاری فراتاریخی برای عقلانیت علمی به دست می دهد. این رهیافت مدعی است گزاره های علمی فراتاریخی اند (ساعی، ۱۳۸۶). هر گزاره معرفتی فراتاریخی که ابطال پذیر باشد، عضو گزاره های علمی محسوب و بقیه گزاره ها غیر عضو محسوب می شوند. دستگاه معرفتی عقلانیت بر بعد عمومیت واقعیت تاکید دارد و از بعد منحصر به فرد آن غفلت می کند. بر اساس این الزام هستی شناختی، واقعۀ در مقام مسئلۀ علمی امری تاریخی است. با این حال، این دستگاه روایت خاصی از واقعیت عرضه می-کند. در افق معرفتی عقلانیت انتقادی، هر امر تاریخی به مثابه نمونه ای

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

از امری کلی و فراتاریخی درک پذیر است و از فهم واقعیت به مثابه امری تاریخی و مشروط به زمان و زمینه غفلت می‌کند. در این دستگاه معرفتی، تجربه تنها داور دانش علمی محسوب و از تجربه مبتنی بر تفسیر غفلت می‌شود و مدعای هر گزاره بر دو ارزش منطقی صدق و کذب استوار است و در سطح استدلال تجربی نیز هر گزاره به شرطی صادق است که منطبق با امر واقع باشد. در مجموع می‌توان گفت اشتباه دستگاه معرفتی دو ارزشی آن است که «آنچه را فقط برای موردهای خاصی صادق است به همه پدیده‌ها تعمیم می‌دهد.» روایتی دو ارزشی که عضویت یا عدم عضویت در یک مجموعه را بازنمایی می‌کند، به تنهایی با حقیقت علمی ناسازگار است و قادر به تبیین همه مسایل موجود در حوزه دانش علمی نیست (ساعی، ۱۳۸۹).

طراحی مطلوب فضاها و پیشرفت در ابعاد مختلف معماری نیازمند ارزیابی مطلوبیت آنها است. ارزیابی، داوری و نقد در معماری همانند هر نقد دیگری، بدون پشتیبانی تاریخی، نظریه و روش ناممکن است. داوری نیازمند معیار، ضابطه، و فعالیتی روش مند و سازمان یافته است. بیان احساسات در برابر آثار معماری و شهرسازی، جانشین شایسته‌ای برای نقد و ارزیابی آنها نمی‌باشد، چرا که در برابر یک اثر واحد ممکن است احساساتی کاملاً متناقض بیان شود و ضمن اینکه ابراز احساسات فاقد جنبه آموزشی بوده و کمک چندانی به ارتقاء دانش معماری و شهرسازی نخواهد کرد (منصوری، ۱۳۷۹، ص ۷۴). علاوه بر آن در بیشتر موارد به وجهی خاص از معماری، از سوی برخی مخاطبین صفت کمالی اطلاق می‌شود در حالیکه مخاطب دیگری صفت نقص به همان وجه از معماری اطلاق می‌نماید.^۱ ارائه و تحلیل کیفیت معماری، یا بر اساس احساس ناخوشایند از وضعیت

موجود و وصف استفاده‌کنندگان است یا متکی به معیارهای متنوع و متغییر در نمونه‌های مختلف بررسی شده.

در مواجهه افراد مختلف با اثر معماری، قضاوت‌هایی گاهاً متضاد وجود دارد، هر چند که همه آنها به میزانی از حقیقت بهره‌مندند. اما امکان اتخاذ یک رویکرد مناسب در آثار معماری و طرح‌های شهری از طریق رجوع به نظرات عامه و پذیرش نسبی از سوی آنها میسر است و این موضوع نیازمند ارزیابی آنها به شیوه‌های علمی، مستند، مستدل و در چارچوب‌های پذیرفته شده علمی است. «ارزیابی و نقد نیازمند اصول است» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۳). اما پیدا کردن مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، و روش‌شناختی در ارزیابی آثار معماری و طرح‌های شهری موضوع بس به غایت مهم است، چرا که باید چارچوب ارزیابی روش‌شناختی باید با ماهیت معماری در تمام ابعاد هستی‌شناختی و روش‌شناختی از جمله مقام فرموله کردن مسئله، تدوین طرح تحقیق، سطح تئوری، سطح تجربی و در مقام‌های تحلیل و داوری باید سازگاری داشته باشد.

داوری و ارزیابی آثار معماری و طرح‌های شهری و تبیین معیارهای کیفیت‌مندی آن، ایجاد ارتباط سودمند معماری با رشته‌های دیگر، هماهنگ کردن متخصصان مختلف، ایجاد ارتباط منطقی طراحی با مبانی نظری، پاسخ‌گویی به گروه‌های ذی‌نفع و مخاطبان معماری متنوع، و درک مناسب نیازهای پیچیده و تبدیل آنها به برنامه طراحی، نیازمند یک دستگاه معرفتی است. دستگاه معرفتی که مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی و روش‌شناختی آن متناسب با ماهیت پیچیده معماری باشد. تحقیقات انجام شده در حوزه معماری عمدتاً رویکرد ابژکتیو به معماری دارند. در تحقیق ابژکتیو معماری، که

۱. به عنوان نمونه دو نوع ارزیابی کاملاً متفاوت از اندازه احجام ساختمان مهمانسرای حافظیه شیراز توسط منوچهر مزینی و حسین شیخ‌زین‌الدین ارائه شده است.

عمدتاً در رویکردهای نسبیت‌گرایی و عقل‌گرایی اتفاق می‌افتد؛ که «نتیجه مهم است نه حقیقت بنیادین اثر» (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۲۷).

با توجه به ماهیت معماری، شیوه پرسش از معماری و متن شهری مناسب‌ترین شیوه پژوهش و تحقیق جهت یافتن حقیقت معماری است. در این فرایند، وحدت پرسش و وجود ضرورت دارد. فهم معماری تنها در مواجهه با جهان ویژه اثر ممکن می‌گردد. تعلق تاویل‌گر به موضوع مورد فهم، یک ویژگی و شرط مهم فهم اثر معماری است. تلقی ایجاد شده از وجود، در اثر معماری، سرآغاز هرگونه پرسش و فهم نسبت به آن است. به این ترتیب میان پرسش، موضوع مورد پرسش و پرسشگر پیوندی ذاتی وجود دارد (مرجویی، ۱۳۸۳، ص ۷۳).

برخی متخصصین، ارزیابی و نقد آثار معماری را اظهار نظر در خصوص زیبایی اثر دانسته‌اند که نمی‌توان آنرا کاملاً در قالب اصول و قواعدی تلقی کرد.^۱ طبق این نظر، تنها آگاهی از ابعاد معماری برای ارزیابی کفایت نمی‌کند، بلکه این امر نیازمند معرفت و بصیرت است. در نقد این نظر باید گفت، جامعه هدف در معماری و خلق فضا در اکثر مقیاس‌هایش، عامه مردم است و ارزیابی بهره‌برداران بر هر ارزیابی دیگری ارجحیت دارد. در واقع معماری باید معیارها و معرفت آنها را مبنا قرار دهد. علاوه بر آن معماری و طرح‌های شهری علاوه بر بعد زیباشناختی، ابعاد زیادی دیگری هم دارد. ضمن اینکه زیبایی یک اثر معماری باید در کنار سایر بناهای دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد و زیبایی باید از کلیت فضا حاصل شود، نه از یک بنا.

به‌عنوان نمونه در موضوع مطالعه معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری، مقایسه معرفت‌شناسی دو ارزشی و

معرفت‌شناسی چند ارزشی می‌تواند بیان‌کننده سازگارترین معرفت‌شناسی در مطالعه معیارهای آن باشد. در تعیین میزان پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی شهری بر مبنای دستگاه نظری دو ارزشی صفر و یک، تنها به بیان پیوسته یا ناپیوسته بودن فضاهای عمومی منجر می‌گردد. در حالیکه ماهیت پیوستگی فضاها و در کل، ماهیت پدیده‌ها و واقعیت‌ها دوازده‌گانه و چند ارزشی است. بر این اساس صرفاً به تبیین مولفه‌ها پیوستگی و اینکه آیا ساختمان و شهر پیوسته هستند یا خیر اکتفاء نشده بلکه به ماهیت فازی پیوستگی که یک نظام و ماهیت چند ارزشی است پرداخته می‌شود. اینکه گفته شود فضایی پیوسته، منسجم و دارای کلیت است یا نه، یک عبارت کلی و کمتر نزدیک به واقعیت هست.

تبیین میزان واقعی‌تر این پیوستگی نیازمند طراحی نظام یا دستگاه معرفتی چندارزشی است که در آن گزاره‌ها، صرفاً محدود به آری یا خیر و یا صدق و کذب نمی‌باشد بلکه طیفی از محدوده ارزش‌گذاری شده بین صفر و یک است. در این دستگاه معرفتی میزان تاثیرگذاری هر یک از مولفه‌های اثرگذار در ایجاد پیوستگی و انسجام فضاهای عمومی بر مبنای پیوستگی ساختمان و شهر که شامل مولفه‌های کالبدی، فضایی، فعالیتی-اجتماعی، و نمادین می‌باشند، می‌تواند تبیین شود. علاوه بر آن معیارهای شکل‌دهنده هر یک از مولفه‌ها و میزان و نحوه تاثیر آنها در ایجاد این کلیت می‌توانند درجه‌بندی شود. به‌عنوان نمونه در مولفه‌های پیوستگی کالبدی، میزان تاثیرگذاری سبک معماری، رنگ، هماهنگی و تنوع فرمی، هماهنگی و نظم ظاهری ساختمان‌ها، خوانایی فرم، و... در میزان پیوستگی کالبدی درجه‌بندی نسبی می‌شوند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۲۳

۱. نگاه کنید به مقاله زیبایی‌شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری، نوشته سیمون آیوازیان، نشریه هنرهای زیبا شماره ۱۲.

نتیجه گیری و جمع بندی

از آنجایی که حقیقت معماری غیر قطعی و بسته به نظرات شهروندان معنا و ارزش پیدا می کند، و در طول زمان و مکان ها و موقعیت های مختلف، تفسیرها و قرائت های مختلف از آن حاصل می شود، معرفت شناسی فازی با آن سازگاری بیشتری دارد. چرا که میزان قطعیت امور در سایر معرفت شناسی ها بیشتر از رویکرد فازی است. خاصیت تبیینی و تفسیری معرفت شناسی فازی بیشتر از دیگر دستگاه معرفتی است که بر مبنای صدق و کذب گزاره ها استوارند. از طرفی زیبایی و کیفیت معماری و فضاهای شهری، امری غیر قطعی، مبهم، درجه بندی شده است که صرفاً بیان زیبا یا نازیبا بودن نمی تواند تفسیرکننده ویژگی های یک اثر معماری یا فضای شهری باشد بلکه هر اثری یا فضایی بسته به مولفه های سازنده اش درجه ای از زیبایی و کیفیت را دارد. از این حیث معرفت شناسی فازی که بر درجه بندی ارزش ها تاکید دارد، با معماری سازگارتر از بقیه معرفت شناسی هاست. با توجه به زمان مند، مکان مند و تاریخ مند بودن معرفت شناسی فازی و ماهیت معماری که در دوره های مختلف توسط مخاطبان مختلف برداشتهای متفاوتی از آن می شود، با استفاده از معرفت شناسی چندارزشی، گزاره های مربوط به ارزش های معماری و فضاهای شهری در صورت تغییر، صرفاً درجه عضویت آنها در مجموعه های کیفیت مندی یا مطلوبیت کم و زیاد می شود، که این با حقیقت معماری سازگارتر است؛ تا اینکه در معرفت شناسی دو ارزشی صدق یا کذب، در یک موقعیت، زمان، و تاریخ دیگری مطلوبیت به غیر مطلوبیت یا خوب بودن به بدبودن یا جواب گزاره ها از آری به خیر تغییر یابد. از آنجایی تاویل اثر معماری یکی از بنیادی ترین شیوه های فهم و درک معماری است، و در فهم، همراه با تفسیر و تبیین است و با توجه به اینکه تفسیر و تبیین به طور توأمان در

تاویل معماری بسیار سازگارتر از استفاده تفسیر یا تبیین است، به دلیل تاکید معرفت شناسی فازی بر تفسیر و تبیین به جای تفسیر یا تبیین که در معرفت شناسی دوارزشی صادق است، استفاده از معرفت شناسی چندارزشی فازی سازگاری بیشتری با پژوهش های معماری دارد.

در مجموع می توان گفت، در تحقیق معماری استفاده هم زمان از دو شیوه و تلفیق آنها سازگارترین شیوه است. یک شیوه، ساختن مدل مفهومی و چارچوب نظری بر اساس نظریه های مرتبط با موضوع مورد مطالعه و همچنین نظرات صاحب نظران به همراه دانش معرفت شناختی محقق و آزمون تجربی این مدل مفهومی با رعایت الزامات مکان مندی، زمان مندی، و تاریخ مندی در زیست جهان های مشترک شهروندان است، و شیوه دوم تا حدودی عکس این قضیه می باشد، که در آن تئوریهای از متن و زمینه مورد مطالعه بر مبنای نظرات ذی نفعان بوجود می آید و بر اساس این تئوری های برخاسته از زمینه، ساختن تئوری صورت گیرد.

منابع و ماخذ

احمدی، بابک (۱۳۷۵) حقیقت و زیبایی درس های فلسفه هنر، چاپ دوم، انتشارات مرکز، تهران.
آذر عادل (۱۳۸۱) علم مدیریت فازی، مرکز مطالعات مدیریت و بهره وری ایران وابسته به دانشگاه تربیت مدرس.
آیت الهی حبیب الله (۱۳۸۳) نقد هنر: اختلاف نگاه تفاوت معنا، نشریه هنر شماره های ۵ و ۶.
بوجادزی جورج (۱۳۸۱) منطق فازی و کاربردهای آن در مدیریت، ترجمه سید محمد حسینی، انتشارات ایشیق.
ساعی علی (۱۳۸۷) روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت عقلانیت انتقادی، انتشارات سمت.
ساعی علی (۱۳۸۸) فازی سازی دموکراسی، دانشنامه علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، شماره یک.

- Kaplan Abraham, 1964, *The Conduct of Inquiry*, San Francisco: Chandler.
- Mahoney, James (2003) *The Comparative Historical Analysis In The Social Sciences*, Cambridge University Press.
- Michelson William, 1968, *Most People Don't Want What Architects Want*, *Transaction* 5, no.8, PP: 37-43.
- Morgan Gareth, Smircich Linda, 1980, *The Case for Qualitative Research*, *Academy of Management Review* 5 No.4.
- Neurta Richard, 1954, *Survival through Design*, New York: Oxford University Press
- Perin Constance, 1970, *With Man in Mind*, Cambridge, Mass: MIT Press, PP: 260-261.
- Popper, Karl Raimund (1981) *Conjectures and Refutations: The Growth of Scientific Knowledge*, Routledge.
- Popper, Karl Raimund (1983) *The logic of scientific discovery*, Hutchinson.
- Popper, Karl Raimund (1983) *The logic of scientific discovery*, Hutchinson.
- Ragin, Charles (1987) *The Comparative Method*, University of California Press
- Ragin, Charles (2000) *Fuzzy-Set Social Science*, University of Chicago Press
- Ragin, Charles (2008) *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy-Sets and Beyond*, Chicago
- Robinson, Julia, 1990, "Architectural Research: Incorporating Myth and Science," *Journal of Architectural Education* 44, No.1, pp: 20-32.
- Zadeh, L.A (1965) *Fuzzy sets*. *Journal of Information and Control*, N.8, 338-353
- ساعی علی (۱۳۸۹) *معرفتشناسی فازی و دلالت‌های روش‌شناختی آن برای علم اجتماعی*
- ساعی، علی (۱۳۹۱) *عقلانیت علم گذار به روش‌شناسی فازی، در دست انتشار.*
- علی احمدی علیرضا، غفاریان وفا (۱۳۸۲) *اصول شناخت و روش تحقیق، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره های ۴۶ و ۴۷.*
- کاسکو بارت (۱۳۸۴) *تفکر فازی، ترجمه علی غفاری، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی گروت لیندا، وانگ دیوید (۱۳۸۴) روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران.*
- لنگ جان (۱۳۸۶) *آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.*
- منصوری سید امیر (۱۳۷۹) *روش نقد معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، انتشارات دانشگاه تهران.*
- Bauer H L., 1992, "Scientific Literacy and Myth of Scientific Methods", *Urbana: University of Illinois Press*, PP: 19-41.
- Becker Gary S., 1996, *Accounting for Tastes*, Harvard University Press
- Creswell, 2003:6
- Creswell, John, 1994, *Research Design: Qualitative and Quantitative Approaches*, Thousand Oaks: Sage Publication
- Fay, B(1996) *Contemporary Philosophy of social Science*, Beck Well.
- Gadamer, Hans- Georg (1994) *Trust and Method*, New York.
- J. Wierman Mark (2007) "Applying Fuzzy Mathematics to Formal Models" in *Comparative Politics*, Springer-Verlag Berlin Heidelberg
- Jones Barclary, 1962, "Design from Knowledge not Belige, "AIA
- Joroff Michael, Morse Stanley, 1984, *A Proposed Framework for the Engineering Field of Architectural Research*, "and Roger Schultz, "Design + Energy: Result of a National Student Design Competition."

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۲۶

بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد؛ در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

جاسب نیکفر - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
سارا اکبری* - دانشجوی کارشناس ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

Nurabad electoral behavior of citizens in the ninth parliamentary elections

Abstract

Participation in elections and voting is the basic components of citizens' political behavior. The question of what factors influence the electoral behavior of citizens, or in other words, what factors influence the voting behavior of citizens, an important topic in the study of political sociology. In this study, based on a survey that was built in the city of light, the effect of ethnic tribal structures and the role of elites on the participation of citizens in elections Nurabad ninth parliament has been investigated. The results of this study show that in the study population in Nurabad factors such as ethnic tribal structures and elites, including political, ethnic and religious relationship with electoral participation. In other words, respondents mentioned factors affecting orientation their views known. The approach used in this article, analytical and measuring methods and tools for data collection, a questionnaire. A sample of 380 people over 18 years among citizens of all classes and social groups in Nurabad respectively.

Keywords: election, electoral behavior, electoral participation, ethnicity, elites, Nurabad

چکیده

مشارکت در انتخابات و رأی دادن از مؤلفه‌های اساسی رفتار سیاسی شهروندان محسوب می‌شود. این سؤال که عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی شهروندان چیست، یا به عبارتی بهتر، چه عواملی رفتار رأی دهی شهروندان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، از موضوعات مهم در مطالعه جامعه‌شناسی سیاسی است. در پژوهش حاضر بر اساس پیمایشی که در سطح شهر نورآباد صورت گرفت، تأثیر ساختارهای قومی قبیله‌ای و نقش نخبگان بر مشارکت شهروندان شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی بررسی شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در جمعیت مورد مطالعه در شهر نورآباد عواملی چون ساختارهای قومی-قبیله‌ای و نخبگان اعم از سیاسی، قومی و مذهبی رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی دارند؛ به عبارت دیگر، پاسخ دهندگان عوامل مذکور را مؤثر بر جهت دهی آرای خود دانسته‌اند. رویکرد تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و روش آن پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، به صورت پرسشنامه است. حجم نمونه نیز ۳۸۰ نفر در بین شهروندان بالای ۱۸ سال از کلیه اقشار و گروه‌های اجتماعی در شهر نورآباد برآورد شد.

واژگان کلیدی: انتخابات، رفتار انتخاباتی، مشارکت انتخاباتی، قومیت‌گرایی، نخبگان، نورآباد

مقدمه و بیان مسأله

مسأله انتخابات و بررسی رفتار انتخاباتی مردم یک کشور یا یک منطقه و شهر، به عنوان یک رفتار سیاسی، در واقع یکی از پیچیده ترین مسائلی است که نظر اندیشمندان در رشته های مختلف علوم سیاسی، جامعه شناسی و روان شناسی سیاسی را به خود جلب کرده است. انتخابات در واقع، یک نظرسنجی فراگیر و ملی از کل شهروندان کشور است و کمیت و کیفیت مشارکت انتخاباتی مردم می تواند میزان مشروعیت، کارآمدی نظام، سیاست ها و کارگزاران حکومتی را نشان دهد (امام جمعه زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۹). انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت مردم به صورت انفرادی، جمعی، یا گروهی یا صنفی، همچنان مهم ترین، بارزترین و قابل اندازه گیری ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. انتخابات از یک سو، پایه های اجتماعی قدرت سیاسی و اخلاق اجتماعی شهروندی را نشان می - دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. مطالعه انتخابات و مشارکت انتخاباتی، چگونگی ارتباط متقابل جامعه و دولت را به نمایش می گذارد و به همین دلیل، از مهم ترین و جذاب ترین مباحث جامعه شناسی سیاسی به شمار می رود (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۸).

از طرف دیگر، رفتار انتخاباتی بر چگونگی انتخاب نامزدها از سوی شهروندان دلالت دارد. رفتار انتخاباتی مردم تبیین گر تقاضاها و خواسته های سیاسی و اجتماعی آن ها می باشد که می تواند دیدگاه ها و نگرش های موجود را به کاندیدای نمایندگی، تفهیم کند. این که شهروندان بر اساس چه معیار و مؤلفه هایی به انتخاب کاندیدها می پردازند، در نتایج انتخابات تأثیرگذار است. رفتار انتخاباتی مردم از مهم ترین وجوهی است که نوع جامعه سیاسی را معلوم می سازد و چگونگی ساختار آن را تبیین می کند. به ویژه در دنیای معاصر که گسترش ارتباطات و رشد بهبود کمی و کیفی رسانه های ارتباطی، مناسبات مردم، جوامع با

یکدیگر و دولتهایشان را متحول ساخته و دولت ملت را در جریان ادغام گونه ای قرار داده است (عیوضی، ۱۳۸۲، ص ۳۵).

بسیاری از اندیشمندان مشارکت سیاسی از طریق شرکت در انتخابات و یا تعدد ادواری انتخاباتی را از فاکتورهای اصلی یک جامعه توسعه یافته از لحاظ سیاسی دانسته اند، اما همیشه درصد بالایی مشارکت سیاسی بیانگر توسعه سیاسی نیست. بنابراین انگیزه های رفتار سیاسی مشارکت کنندگان از اهمیت بسزایی برخوردار است، چراکه تحلیل این رفتارها می تواند ما را به درستی به سمت موانع و مشکلات سد راه توسعه سیاسی رهنمون سازد (کشاورز، یزدخواستی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). همچنین در این رابطه مطالعات انجام شده نشان می دهد که میزان مشارکت سیاسی در امور محلی و منطقه ای غالباً در مناطق کوچک و روستایی بیش از مراکز شهرهاست. در واحد های کوچک روستایی و محله های شهری مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی دارند و پیوند اجتماعی قوی تر است، اما کشور ما بدلیل فقدان سنت های انتخاباتی و تجربه کم مردم سالاری، از لحاظ بررسی ها و تحقیقات مذکور فقیر می باشد. تنها پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نظام مردم سالاری دینی، ما شاهد انتخابات متعدد مردمی و تجربه مناسب در این زمینه بوده ایم که زمینه را برای بررسی موضوع مذکور فراهم نموده است (صفری، ۱۳۸۹، ص ۴). شهر نورآباد، از جمله شهرهای استان فارس می باشد که از مشارکت بسیار بالایی از شرکت در انتخابات، بالاخص انتخابات مجلس شورای اسلامی، برخوردار است. انگیزه رأی دهی در این شهر به حدی بالا می باشد که رأی دهندگان در این شهرستان به دادن یک رأی قانع نمی شوند. تعدد آرا توسط یک فرد، درگیری های خشونت آمیز و دست زدن به خسارت های غیر قابل جبران، از ویژگی های اصلی رفتار انتخاباتی شهروندان در این منطقه از کشور می باشد. در این پایان نامه بر آنیم تا رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد را در

نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به بررسی عوامل مؤثر در ایجاد عملکرد انتخاباتی رأی دهندگان در این منطقه پردازیم.

الگوهای نظری رفتار رأی دهی

استفاده از آراء و نظریات دیگران در مطالعات جامعه شناختی برای رسیدن به یک چارچوب نظری جامع تر، ضرورت دارد، زیرا که این چارچوب نظری به پژوهشگر کمک می نماید تا از اندیشه های دیگر متفکران در زمینه مطالعه پدیده مورد بررسی، بهره گرفته و بر اساس نظریات بدست آمده و ایده های موجود، فرضیات و متغیرهایی با پشتوانه علمی طراحی نماید. هدف چارچوب نظری، هدایت محقق در فرآیند تحقیق است تا ابعاد مسئله مورد نظر به شکلی دقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و همچنین مسئله مورد نظر را نیز تحدید نماید. در زیر ابتدا مهم ترین الگوهای نظری مرتبط با رفتار انتخاباتی را ذکر خواهیم کرد، سپس به الگوی نظری مورد استفاده خواهیم پرداخت.

الگوی جامعه شناختی

الگوی اصلی جامعه شناختی تحلیل رفتار انتخاباتی از سوی «پل لازارسفلد امریکایی»، جامعه شناس دانشگاه کلمبیا و گروه تحقیقاتی اش در دهه ۴۰ میلادی عرضه شده است. آنها در تحقیقات میدانی خود به این نتیجه رسیدند که اثر تبلیغات بر رأی دهندگان بسیار ناچیز است و در عمل تبلیغات گسترده احزاب چندان اثری بر رأی دهندگان ندارد و آنها مدتها پیش از شروع تبلیغات انتخاباتی تصمیم خود را گرفته اند (Hewood, 2007: 267)، به عبارت دیگر جامعه شناسان بر این باورند که ساختارها و وضعیت، جهت گیری های سیاسی مردم را تحت تأثیر قرار می دهند و آنها دارای گرایش های ثابتی هستند که ریشه در محیط خانوادگی، زندگی شغلی و محیط فرهنگی آنان دارد (ایوبی، ۱۳۷۷، صص ۱۶ - ۱۷).

پل لازارسفلد و گروه تحقیقاتی اش نشان دادند، که

با مطالعه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد رأی دهنده، به راحتی می توان جهت گیری سیاسی آنان را پیش بینی کرد، زیرا رابطه ای مستقیم بین شرایط اجتماعی و گرایش سیاسی افراد وجود دارد و ویژگی های اجتماعی تعیین کننده ویژگی های سیاسی افراد است. لازارسفلد معتقد است که «فرد از نظر سیاسی آن گونه می اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می برد. پس عوامل اجتماعی تعیین کننده گرایش های سیاسی است (Lazarsfeld, 1994: 27).

در این الگو توجه عمده، معطوف به نقش ساختارهای اجتماعی و تصمیمات فرد است و انگیزه های فردی کمتر در تحلیل های این روش مورد عنایت قرار گرفته است. متغیرهایی چون مذهب، سن، طبقه اجتماعی و حتی جغرافیای محلی تعیین کننده رأی افراد است. آنها با تأکید بر تئوری های یادگیری بر این اصل کلی تأکید فراوان دارند که روابط فرد در گروه های نخستین سبب شکل گیری روابط سیاسی و اساسی در او می شود (هرمز، ۱۳۷۸، صص ۱۰۳).

فرهنگ، گروه بندی های اجتماعی، رسانه های جمعی و همگانی از دیگر نهادهای جامعه پذیری سیاسی هستند. این روش، همچنان مورد توجه پژوهشگران سیاسی در تئوری های مختلف است و در ترسیم نقشه های انتخاباتی برای کشورها به کار می رود. این رهیافت در میان پژوهشگران رفتار انتخاباتی، بیش از سایر رهیافت ها و الگوها طرفدار دارد، اما نباید فراموش کرد که در این رهیافت، دیدگاه ها و استدلال های متفاوتی وجود دارد. عضویت گروهی فرد انتخاب کننده، طبقه اجتماعی، وابستگی مذهبی، پیوندهای جغرافیایی و قومی و سرانجام سن و جنس او در این رهیافت، اهمیت فراوان دارد. می توان گفت تحلیل های جامعه شناسانه به انگیزه های فردی کمتر می پردازند و استمرار و ثبات گرایش های سیاسی مناطق جغرافیایی مختلف را با استفاده از عواملی که فراتر از فرد است، توضیح می دهند. از این دیدگاه

ساختار اجتماعی و فرهنگی و بافت اجتماعی و حتی جغرافیایی دست به دست هم می دهند و گرایش خاصی را بر یک منطقه حاکم می سازند (ایوبی، ۱۳۸۲، ص ۹۲).

الگوی روا نشناختی - سیاسی

موضوع روانشناسی سیاسی بررسی تأثیر شخصیت افراد بر سیاست است. بویژه اهمیت روانشناسی در تصمیم گیری های سیاسی مورد توجه بوده است. از دیدگاه اغلب روانشناسان سیاسی آنچه رفتار افراد را تعیین می کند، نه «عین» واقعیت، بلکه تصویری است که آنها از واقعیت دارند (بشیریه، ۱۳۸۴، ص ۵۱).

بی تردید روانشناسی اجتماعی، علم سیاست را به داده های ارزشمند مجهز و سیاست شناسان را به بررسی تجربی رفتار سیاسی تشویق کرده است. پژوهشگران سیاسی اینک به کمک روانشناسی اجتماعی افکار عمومی و رفتار انتخاباتی را بررسی می کنند و می توانند امکان «نوسان آونگ» انتخابات آینده را توضیح دهند و حتی پیش بینی کنند (عالم، ۱۳۷۳، ص ۷۷). به اعتقاد روانشناسان عوامل روانی در شکل گیری رفتارهای اجتماعی و سیاسی مردم اهمیت به سزایی دارد و روابط عاطفی و احساسی که بین نامزدها و رأی دهندگان وجود دارد، نقش اصلی را بازی می کند (کلانتری، ۱۳۸۰، صص ۱۶۸-۱۶۷). در اصل افراد به گروه های اجتماعی گوناگونی دلبستگی دارند. این گونه دلبستگی ها به شکل عضویت با هواداری نسبت به حزب، سازمان و انجمن نمود می یابد و همین دلبستگی فرد، باعث می شود که رأی دهند، وفاداری های گروهی را جانشین قضاوت سیاسی کند. در این صورت فرد با فکر خود رأی نمی دهد؛ بلکه استانداردهای دوستان، همکاران و طبقه است که او را راهنمایی می کنند تا به چه کسی رأی دهد (هانتیگتون، ۱۳۷۰، ص ۲). بنابراین «وابستگی حزبی» مهمترین متغیر تبیین آراء رأی دهندگان است. از این الگو تحت عنوان الگوی هویت حزبی نیز یاد می شود. بالواقع محققان مرکز تحقیقاتی و مطالعاتی دانشگاه

میشیگان وجود ارتباط مکانیکی بین شرایط اجتماعی و تصمیمات افراد را که مدل جامعه شناختی مدعی آن است شدیداً مورد انتقاد قرار می دهند. از دیدگاه این پژوهشگران رأی دادن قبل از آن که پدیده ای اجتماعی باشد «عملی سیاسی است» و تابع تلقی افراد از موضوعات مهم سیاسی جامعه. پژوهشگران میشیگان در سال ۱۹۴۸ به مطالعه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تصمیم رأی دهندگان بیشتر تابع عوامل روانی است. از این دیدگاه روابط و علقه های عاطفی موجود میان رأی دهندگان و نامزدها یا رهبران احزاب سیاسی نقش تعیین کننده دارد اینان در تبیین ایجاد چنین رابطه ی عاطفی می گویند: «این وابستگی عاطفی، اغلب از زمان کودکی و نوجوانی در افراد ایجاد می شود و معمولاً از خانواده ها به فرزندان منتقل می گردد و محیط شغلی و اجتماعی هم در تثبیت این پیوندها مؤثرند» (ایوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۸). بنابراین این نظریه تأکید فراوان بر جامعه پذیری سیاسی اولیه دارد؛ بدین معنا که خانواده ابزار مهمی است که از طریق آن وابستگی های سیاسی درست می شود و بعدها به وسیله عضویت گروهی و تجارت اجتماعی تقویت می شود (Hewood, ۲۰۰۷، ص ۲۴۲). این پژوهشگران رأی دهنده را «چون خریدار خودرویی می دانند که از ویژگی های فنی آن هیچ نمی دانند و تنها با نشان کارخانه های مختلف آشنایی دارد و به خاطر اعتمادی که به کارخانه ی مورد علاقه اش دارد در بازار تنها به دنبال آن است» (Campbell, ۱۹۶۰: ۱۳۶). به طور کلی از مهم ترین شاخصه های این نظریه عبارتند از: «۱. فرد نقش کم رنگی دارد؛ ۲. «وابستگی حزبی» بسیار مؤثر است؛ ۳. تبلیغات انتخاباتی چندان تأثیری ندارد؛ ۴. رأی افراد «موروثی» است» (رضوانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱).

الگوی اقتصاد سیاسی

دهه ۶۰ را باید گرایش به سمت الگوهای عقلانی در تبیین پدیده انتخابات دانست. استفاده از الگوهای

اقتصادی در تحلیل پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در این دهه بسیار متداول شد و بسیاری از پژوهشگران کوشیدند با استفاده از نظریات اقتصادی به تحلیل و بررسی پدیده‌هایی چون مشارکت سیاسی، حرکت‌های جمعی و مشارکت حزبی بپردازند. طرفداران این نظریات الگوهای پیشین را سخت مورد انتقاد قرار دادند و بویژه به تلقی آنها از فرد شدیداً معترض بودند. «کی» از جمله پژوهشگران بنامی است که در سال‌های ۶۰ مدل‌های پیشین را سخت مورد حمله قرار داد. وی معتقد است الگوهای جامعه‌شناختی و روانی-سیاسی، هر دو فرد را زندانی محیط و شرایط اجتماعی یا احساسات روانی خویش و اسیر جبر محیطی می‌دانند. از این منظر تنها عوامل خارج از اراده انسان در تصمیم او دخیل است و فرد زندانی عوامل خارجی است. اثر جمعی «نای» و «وربا» و «پتروسیک» تحت عنوان «رأی دهنده آمریکایی در حال تغییر» (Nie & Verba, 1979) را که در سال ۱۹۷۹ به رشته تحریر درآمده است باید از مهم‌ترین آثاری دانست که در آن مبانی الگوهای پیشین سخت مورد حمله قرار گرفته است. در این کتاب آمده است که دوران تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روانی از رفتار رأی دهنده به سر آمده است و رأی دهنده امروز آمریکا با رأی دهندگان سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم تفاوتی بنیادین دارد، چرا که احزاب سیاسی در عصر حاضر مشروعیت خود را از دست داده‌اند و با بحران عمیقی مواجه‌اند. گواه این مدعا این است که درصد افراد مستقل که هیچ‌گونه وابستگی حزبی ندارند پیوسته در حال تزاید است و آمار و ارقام حاکی از آن است که درصد مستقل‌ها از ۲۳ درصد در سال ۱۹۶۴ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۷۴ افزایش یافته است. این پژوهشگران ضمن تحقیقات خود نشان داده‌اند که در موارد بسیار حتی کسانی که هنوز خود را وابسته به احزاب می‌نامند می‌کوشند در انتخابات مستقل تصمیم بگیرند و استقلال نظر خود را هرچه بیشتر حفظ نمایند. اساساً می‌توان

گفت که با توجه به افزایش نسبی سواد و آگاهی در جوامع مختلف، رأی دهندگان می‌کوشند خود را مستقل از احزاب نشان دهند و تنها با اتکا به فکر و اندیشه خود در انتخابات تصمیم بگیرند. البته ناگفته پیداست که افراد خواه ناخواه تحت تأثیر تبلیغات احزاب و گروه‌های سیاسی قرار می‌گیرند و هدایت افکار عمومی توسط این گروه‌ها به آرامی صورت می‌پذیرد (ایوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

با توجه به کمرنگ شدن نقش مذهب و آرمان خواهی در جوامع غربی و رنگ باختن منفعت‌های طبقاتی، در بسیاری از جوامع غربی این گونه رأی دادن رو به گسترش می‌باشد (Mayer, Perrineau & Modeles, ۱۹۹۶: ۱۹۱). در یک نظرسنجی که در سال ۱۹۹۴ به عمل آمد، ۵۷ درصد چنین اعتقادی را ابزار داشتند و این در حالی است که در سال ۱۹۸۱ تنها ۳۳ درصد اظهار می‌داشتند که دیگر دوران جناح‌بندی میان چپ و راست به سر آمده است (ایوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

«آلن لانسلاوت» و «فیلیپ هابرت»، با توجه به تحولاتی که در انتخابات مختلف فرانسه مشاهده کرده‌اند در کتاب مشترکی آورده‌اند که: «رأی دهنده امروزی در تصمیم‌گیری انتخاباتی خویش هرچه بیشتر به سمت استقلال رأی پیش می‌رود و تصمیمات او مبتنی بر استراتژی‌های اتخاذ شده از سوی او در خصوص برنامه‌هایی است که در دوران انتخاب مطرح می‌شود» (Habert & Lancelot, ۱۹۹۶: ۵۶).

اولیه ایل تفاوت دیدگاه اقتصادمحور و مکتب میشیگان را چنین خلاصه می‌کند: مدل میشیگان معتقد است رأی دهنده برای تصمیم‌گیری از خود می‌پرسد «ارتباط من، مرا به سوی چه کسی هدایت می‌کند؟» در صورتی که بر اساس دیدگاه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

اقتصادمحور فرد چنین استدلال می‌کند «کدام حزب درصددند برنامه‌هایی را به اجرا درآورند که بیشترین مطلوبیت را برای من دارد؟» (ایوبی، ۱۳۷۷، ص ۲۳). رأی دادن از این منظر عملی است مبتنی بر محاسبات عقلانی بر اساس محاسبه سود و زیان شخصی. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این دیدگاه مبتنی بر تفکر فردگرایانه است و از فردگرایی معرفت‌شناسانه در تحلیل پدیده‌های سیاسی استفاده می‌کند.

چارچوب نظری مورد استفاده

در بررسی الگوهای رفتارهای انتخاباتی به دیدگاه‌های متفاوتی اشاره شد که هرکدام متغیرهایی را برای تحلیل رفتار رأی‌دهی افراد بیان کردند. آنچه که از مجموع نظرات و دیدگاه‌ها برمی‌آید این است که عوامل مختلف و متفاوتی بصورت توأمان در رفتار رأی‌دهی افراد مؤثرند و تأکید بر یک یا چند عامل نمی‌تواند بیان‌کننده علت واقعی انتخاب افراد باشد. در یک دسته‌بندی تئوریک می‌توان به عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر رفتار افراد اشاره کرد. در مراحل اول توسعه، مشارکت سیاسی و جلوه بارز آن یعنی رأی دادن بیشتر ناشی از بسیج بیرونی است یعنی عمدتاً تحت تأثیر عوامل اجتماعی چون احزاب، گروه‌های مذهبی و قومی، انجمن‌های صنفی و غیره است. اما در فرآیند بلند مدت توسعه عواملی چون سطح بالای تحصیلات، مهارت‌ها و اطلاعات که عموماً فردی هستند نقش بیشتری بر ترجیحات رأی‌دهندگان دارند یعنی عوامل درونی (گلابچی، ۱۳۷۵، ص ۱۶). به این ترتیب مانیز در تحلیل رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد بر این عقیده هستیم که مجموعه‌ای از عوامل جامعه‌شناختی، روانشناسی و اقتصادی توأمان با هم در رفتار انتخاباتی مردم این شهر مؤثر است. از معتبرترین الگوها برای تبیین مشارکت سیاسی، و مشارکت رأی‌دهی به طور اخص، الگوی پیتانورس (۲۰۰۲) در سطح بندی نظرات مطرح شده است، که در رفتار رأی‌دهی نیز می‌تواند مبنا قرار گیرد.

ویژگی این الگو در واقع به دلیل جامع بودن آن است (عبدالمطلب، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰). در این الگو که تلفیقی از رویکردهای جامعه‌شناختی (ساختاری) و روانشناختی (فردی) است، نوریس به سه دسته نظریات کلان، متوسط و خرد در تبیین مشارکت سیاسی اشاره دارد. در سطح کلان دو مجموعه از نظریات مطرح شده است:

گروه اول از نظریات که ساختار دولت در یک جامعه را تعیین‌کننده نوع و سطح مشارکت سیاسی می‌داند و منظور از ساختار دولت به طور عام ساختارهای قانون اساسی، نظام حزبی، قوانین و نظام نظام انتخاباتی و نظایر آن است.

دسته دیگر از نظریات کلان بر این نکته پافشاری می‌کنند. فرایند مدرنیزاسیون باعث تغییر جنبه‌های مختلف حیات اجتماعی از جمله مشارکت می‌شوند. برخی از این تحولات عبارتند از: ارتقای سطح زندگی، رشد بخش خدمات، افزایش سطح سواد و فرصت‌های آموزشی، تغییر مناسبات اقتصادی از سنتی (کشاورزی و دامداری) به مدرن (صنعتی) و گسترش طبقه متوسط، تخصصی شدن حرفه‌های مختلف، افزایش دسترسی به رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب، رشد دیوان سالاری، تغییر خانواده‌های گسترده به خانواده‌های هسته‌ای و افزایش ورود زنان به بازار کار. بروز این تحولات در سطح فردی را می‌توان در تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد از جمله در حوزه سیاست مشاهده کرد.

در سطح میانی نظریات مختلفی ارائه شده است که از آن تحت عناوینی چون نظریه‌های سازمانی یا نظریه‌های عوامل یا کارگزاران بسیج یاد می‌شود. این اعتقاد وجود دارد که در تبیین مشارکت سیاسی شهروندان باید توجه بیشتری به نقش عوامل بسیج اجتماعی و سیاسی و شبکه‌های اجتماعی در فعال سازی و بسیج شهروندان مبذول داشت. مهمترین عوامل و کارگزاران بسیج عبارتند از: احزاب، اتحادیه



شکل ۱. الگوی نظری نوریس در مشارکت سیاسی

های کارگری و صنفی، کلیساها و مراکز مذهبی، انجمن های داوطلبانه، اقوام و غیره می باشند. در سطح خرد، می توان از دو گروه نظریه تحت عناوین «نظریه منابع» و «نظریه انگیزش» یاد کرد. در نظریه منابع این اعتقاد مطرح است که افراد برخوردار از منابع، بیشتر سطوح بالاتری از مشارکت را از خود نشان می دهند. از مهم ترین منابع تأثیر گذار بر مشارکت می توان به تحصیلات، درآمد، زمان آزاد و ارتباطات و مهارت های مشارکتی در سازمان ها و انجمن ها اشاره کرد.

در نظریه انگیزش اعتقاد بر این است که هر چند وجود منابع موجب تسهیل مشارکت شهروندان می شود، اما در صورتی که شهروندان از انگیزه لازم برای مشارکت برخوردار نباشند، به این کار مبادرت نمی ورزند. عوامل انگیزشی دامنه گسترده ای دارند و می توانند از انگیزه های مادی تا انگیزه های ارزشی و نگرشی را دربرگیرند. برخی از مهم ترین انگیزه هایی که تصور می شود بر مشارکت سیاسی اثر گذار باشند عبارتند از: احساس وظیفه (مدنی یا ملی)، اعتقادات مذهبی و ارزش های سیاسی افراد. اگر افراد احساس کند با رأی دادن یا مشارکت در سیاست، وظیفه مدنی یا دینی خود را انجام داده و همچنین اگر به ارزش های موافق نظام حاکم یا ارزش های ترویج کننده اصل مشارکت اعتقاد داشته باشد، احتمال مشارکت وی افزایش می یابد (Pippa

Norris, 2002).

در این پژوهش از سطح میانی «دیدگاه پیمانوریس» یعنی استفاده از نظریات کارگزاران بسیج به عنوان چارچوب نظری استفاده خواهد شد و در ادامه از نظریه اینگلهارت به عنوان مکمل و پوشش دهنده این نظریه استفاده شده است. بالواقع قابل ذکر است که فرضیه اول این تحقیق براساس الگوی نوریس و فرضیه دوم براساس «الگوی اینگلهارت» تدوین شده است. در ادامه به شرح این نظریات پرداخته می شود.

«پیمانوریس و رابرت متز» در آخرین مطالعات تطبیقی و مفصل خود از ۱۲ کشور آفریقایی شامل زیمبابوه، مالاوی، غنا، لوسوتو، بوتسوانا، تانزانیا، نامیبیا، مالی، زامبیا، نیجریه، آفریقای جنوبی، و اوگاندا معتقدند که کلید و پایه فهم رفتار انتخاباتی و حزبی در جوامع کشاورزی، سنتی و در حال گذار به دموکراسی، پدیده قومیت است. از جمله موضوعات کلاسیک در تئوری های ساختاری رفتار انتخاباتی به ویژه در دموکراسی های انتخاباتی، جایگاه شکاف های اجتماعی و نشانه های هویتی و سنتی پیوندهای قومی مبتنی بر خویشاوندی، خانواده، زبان، پیوندهای تاریخی و اسطوره ها، اعتقادات مذهبی و سنت های ایلی و طایفه ای بر گزینش رأی دهندگان و حمایت های حزبی است. در این جوامع به دلیل فقدان شکل گیری و تثبیت نهادهای مدنی جدید

و تشکیل واقعی حزبی که مبتنی بر پایگاه طبقاتی و منافع و اهداف مشترک سیاسی و اقتصادی باشد و سنتهای ماندگار دموکراسی پارلمانی را شکل بخشد؛ یارگیری احزاب و برنامه‌های انتخاباتی با تکیه بر شکاف‌های اجتماعی قومی- مذهبی صورت می‌پذیرد (مقصودی، ۱۳۸۵، ص ۸۷).

در واقع این احزاب به جای تکیه بر طبقه اجتماعی که تکیه‌گاه فعالیت‌های حزبی و انتخاباتی در جوامع صنعتی محسوب می‌شود، از الگوی هویت اجتماعی و ویژگی‌های قومی که نفوذ ویژه‌ای بر گزینش رأی‌دهندگان و حمایت‌های حزبی در جوامع ماقبل سرمایاداری و در جوامع در حال گذار به دموکراسی دارد بهره می‌جویند. اینگلههارت در مورد مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیریهای سیاسی و اقتصادی از دو نوع مشارکت یاد می‌کند: الف- مشارکت سیاسی سرآمد- گردان ب- مشارکت سیاسی سرآمد- وابسته یا وابسته به نخبگان.

۱. «مشارکت سرآمد گردان»: این شکل از مشارکت شیوه جدیدتر مشارکت می‌باشد که اولویت‌های فرد را با دقتی به مراتب بیشتر و بسیار مفصل‌تر از روش کهنه بیان می‌کند. این شیوه مسئله‌گرا و به جای اتکا بر سازمان‌ها بوروکراتیک موجود، مبتنی بر گروه‌های ویژه است (اینگلههارت، ۱۳۷۳، ص ۳۸۱).

۲. «مشارکت سرآمد وابسته»: که پیش از آنکه بازتاب تأثیر اولویت‌های مردم بر تصمیمات سرآمدان باشد، رهبری مردم توسط سرآمدان می‌باشد.

از نظر او تفاوت شرایط اجتماعی مانند سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به این دو گونه مشارکت بیانجامد. گونه اول شیوه تازه‌ای از سیاست است که نقش مهمتری به جامعه می‌دهد و ویژه جوامع پیشرفته صنعتی است. گونه دوم مشارکت سیاسی شیوه کهنه‌ای از مشارکت سیاسی است که در اروپا در سالهای پایانی قرن نوزدهم و آغاز سده بیستم جامعه را با ابزارهایی چون اتحادیه‌های کارگری، کلیسا و احزاب بسیج می‌کرد. در این سازمانها شمار اندکی از رهبران یا رؤسای سیاسی اکثریتی

از گروههای منظم مردمان را رهبری می‌کردند و بخش گسترده‌ای از شهروندان را که به تازگی دارای حق رأی شده بودند به میدان می‌آوردند. به نظر او این نوع مشارکت که مشارکتی بسیار محدود است بیش از آن که بازتاب اثر اولویت‌های شهروندان بر تصمیمات نخبگان باشد رهبری شدن مردمان را از سوی آنان نشان می‌دهد. در نظر او این نوع مشارکت متناسب با گونه معینی از مشارکت مانند رأی دادن است.

پیشینه تاریخی تأثیرپذیری گروههای اجتماعی از نخبگان سیاسی- مذهبی برای ایرانیان، در درازای تاریخ، پیروی از افراد برخوردار از اقتدار کاریزماتیک یک الگوی رفتاری بوده است. در اصل، مشروعیت این اقتدار در هرگونه نظام سیاسی عامل مهم اطاعت مردمان است. اقتدار کاریزماتیک و نقش اساسی آن در بسیج سیاسی- اجتماعی تنها به عرصه سیاست محدود نبوده است؛ سران قبایل و روستاها و نیز روحانیون و رهبران مذهبی ادیان توحیدی در ایران در شمار بزرگ‌ترین ارکان تنظیم‌کننده و هدایت‌کننده رفتار سیاسی اجتماعی بوده‌اند. به سخن دیگر «بسیج بیرونی» در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران نقشی برجسته داشته است و دارد. سطح پایین شناخت در کنار ارزشمندی پیروی از راهنمایی‌ها و دستورهای نخبگان مذهبی- سیاسی، نداشتن مهارتهای لازم برای دریافت اطلاعات و تحلیل مسائل سیاسی، نهادینه نشدن سازمان‌های جهت‌دهنده به نگرش‌های سیاسی شهروندان و در کنار آن عواملی چون کم‌رنگ بودن فرهنگ سیاسی مسالمت‌آمیز، وجود احزاب دستوری و ناپایداری آنها، وجود گروههای غیررسمی نیرومندتر از احزاب، کمبود تجربه در مشارکت سیاسی، همسنگ نبودن توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی، دسیسه‌دولتهای خارجی (تبریزینیا، ۱۳۷۱، صص ۳۲۹-۲۱۵) دلایلی در تأیید موضوع است.

در نتیجه به دلیل دلیل سنتی بودن جامعه نورآباد و عدم توسعه و همچنین حاکمیت فرهنگ قومی

قبیله‌ای چارچوب نظری فوق که برگرفته از نظر دو اندیشمند می‌باشد برای این پژوهش انتخاب شده است.

حوزه انتخابیه ممسنی

شهرستان ممسنی با مساحت ۵۶۰۱ کیلومتر مربع در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد. این شهرستان از شمال به استان کهگیلویه و بویر احمد و شهرستان رستم، از شمال شرق به شهرستان سپیدان، از جنوب به شهرستان کازرون و استان بوشهر، از مشرق به شهرستان‌های سپیدان و شیراز و از مغرب به استان کهگیلویه و بویر احمد محدود می‌شود (شاه ولی و گرجی، ۱۳۹۳، ص ۱۴). همچنین در رابطه با این شهرستان ذکر این نکته ضروری می‌باشد که این شهرستان در ابتدا دارای ۴ بخش مرکزی، ماهور میلانی، دشمن زیاری و رستم بود که با پیگیری مسئولین شهرستان ممسنی و نماینده وقت در سال ۱۳۸۷، بخش رستم به شهرستان رستم ارتقا پیدا می‌کند. هم‌اکنون این دو شهرستان دارای یک حوزه انتخابیه می‌باشند. طبق آخرین سرشماری (۱۳۹۱)، این شهرستان دارای ۵۲۳ آبادی، ۳ بخش با نام‌های دشمن زیاری، ماهور میلانی و مرکزی، و سه نقطه شهری (نورآباد، خومه زار و بابا-منیر) و ۹ دهستان می‌باشد (مرکز آمار ایران). این مقاله به بررسی رفتار انتخاباتی شهر نورآباد می‌پردازد. شهر نورآباد، مرکز شهرستان ممسنی، با پهنه‌ای حدود ۱۵ کیلومتر مربع، در شمال باختری فارس، در مسیر راه شیراز-بهبهان در ۳۰ درجه و ۷ دقیقه پهنای شمالی و ۵۱ درجه و ۳۱ درجه درازای خاوری نسبت به نیمروز گرینویچ قرار دارد (جعفری، ۱۳۶۸، ص ۱۴). این شهر، از به هم پیوستن بیست روستای قلعه کهنه، مالکی، قلعه انجیری، توتستان، سنگان، گازرگه، تل قلی، خاندگان، صالحی، تل کوشک، بنه امامزاده، تل ریزی، زیرجو، بنیان علیا، بنیان سفلی، موردابی، تل گوه، برمک علیا، برمک سفلی و جابه، محل سکونت تیره‌های کرایبی و عمده طایفه بکش و اسکان عشایر

بوجود آمده است (رضایی، ۱۳۸۸، ص ۹). به طور کلی موقعیت جغرافیایی و اقلیمی شهرستان ممسنی به گونه‌ای است که این قلمرو از دوران باستان تاکنون مکانی برای بیلاق و قشلاق عشایر کوچرو بوده است؛ بنحوی که تشکیل اولین اجتماعات انسانی در این شهرستان با تاریخ عشایر و حکومت ملوک الطوایفی ایلات رقم خورده است (حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱: ۳۶). ایل ممسنی یکی از ایلات قوم لر است که در یک نظام رده‌بندی اجتماعی بازمانده از سیستم عشیره‌ای قبل از اصلاحات ارضی؛ شامل چهار طایفه به نام‌های، بکش، جاوید، رستم و دشمن زیاری می‌باشد. که نام هر یک از این طوایف به محلی (دهستانهایی) که در آن سکونت دارند اطلاق می‌گردد (دومورینی، ۱۳۷۵، ص ۵۲). و از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به صورت سنتی و عشیره‌ای بود.

نظام اجتماعی حاکم بر ممسنی قبل از «نوسازی» به ویژه اصلاحات ارضی؛ نظامی ایلی، سلسله مراتبی مبتنی بر اقتصاد کشاورزی و دامداری، محدود به روابط محدود و چهره به چهره و ازدواج‌های فامیلی یا درونگروهی بوده است. که در آن افراد وابستگی زیاد به رأس هرم قدرت طایفه یعنی خوانین و کدخداها داشتند. طایفه‌ها داری مرزبندی اجتماعی-سیاسی خاص خود بودند و دنیای ساکنین سرزمین ممسنی محدود به قلمرو جغرافیایی تیره و طایفه خود و کمی فراتر به جغرافیای ایل ممسنی محدود می‌شد (مجیدی کرایبی، ۱۳۷۱، ص ۳۵۰) همچنین نوعی تطابق بین جهان بینی، نگرش‌های فرهنگی-اجتماعی، تقدیرگرایی و شرایط عینی زندگی وجود داشت. تنها شرایط حاکم بر جامعه ایلی در ممسنی، «خاص گرایی» را می‌طلبید، و احترام به آن را ایجاب می‌کرد (مقدس، حیدری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴).

آنچه که می‌توان از برآیند بررسی وضعیت جامعه عشایری شهرستان ممسنی استفاده نمود بیان این واقعیت است که شهرستان ممسنی اگر چه در طی سال‌های گذشته زندگی عشایری و کوچ‌روی آن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

تحت تأثیر تغییر و تحولات اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است، اما وضعیت فرهنگی این شهرستان همچنان متأثر از زندگی عشیره‌ای می‌باشد، در این جامعه عصبیت‌های طایفه‌ای خود را علی‌رغم یکجانشینی و کمتر شدن زندگی عشایری هم‌چنان حفظ نموده است. در این شهرستان با توجه به بافت سنتی که همواره طی تاریخ پذیرای آن بوده است، فرهنگ سیاسی طایفه‌ای یک اصل بنیادین به شمار می‌رود، به طوری که این فرهنگ همواره در روابط اجتماعی سیاسی این شهرستان نمود آشکاری دارد و کنش سیاسی شهروندان ممسنی را متأثر کرده است.

فرضیات:

- بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی با میزان قومیت‌گرایی رابطه وجود دارد.

- نخبگان محلی اعم از ایل، سیاسی و مذهبی در رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد تأثیر گذارند.

روش تحقیق

روش به تکنیک‌های خاص جمع‌آوری اطلاعات مربوط می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). در بررسی‌های این پژوهش از دو روش پیمایش و روش کتابخانه‌ای همگام با هم استفاده شده است. به اقتضای موضوع تحقیق و با توجه به امکانات، روش پیمایش به منزله مناسب‌ترین برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر قرار گرفت. چارچوب نظری و فرضیات تحقیق نیز بکارگیری روش پیمایش را برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها بیشتر ایجاب می‌کند

در این پژوهش نیز جامعه آماری مورد مطالعه، افراد واجد شرایط رأی (۱۸ سال به بالا) در شهر نورآباد بوده‌اند. شهر نورآباد نیز دارای جمعیتی معادل ۵۵۷۳۶ نفر می‌باشد. بر همین اساس، حجم نمونه ۳۸۰ نفر تخمین داده شد که برای اطمینان بیشتر، حجم نمونه به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. همچنین گرجی و مورگان با توجه به خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ همبسته با آماره‌ی

مجدور کای (خی دو) برای یک درجه آزادی، فرمول

$$n = \frac{Z^2 NP(1-P)}{d^2(N-1)+Z^2 P(1-P)}$$

را پیشنهاد کرده‌اند و جدول را بر اساس این فرمول و مقادیر مختلف N ارائه کرده‌اند. بنابراین به صورت تصادفی ۴۰۰ پرسشنامه میان نمونه آماری توزیع شده و پس از گردآوری پرسشنامه‌ها و تلخیص آنها تعدادی از آنها به دلیل ریزش و یا نامناسب بودن و نیز ناقص بودن و همچنین بازنگرداندن برخی پرسشنامه توسط برخی پاسخگويان از فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها خارج گردید و در نهایت تعداد پرسشنامه‌های مناسب جهت تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیات تحقیق به ۳۷۰ مورد کاهش یافت.

تعریف مفاهیم و عملیاتی نمودن متغیرهای

تحقیق

متغیر وابسته

تعریف نظری رفتار انتخاباتی: متغیر وابسته در این تحقیق رفتار انتخاباتی می‌باشد. رفتار انتخاباتی، نوع کنش سیاسی است که با کارکردهای ساختی خرده‌نظام‌های اقتصادی و جامعه‌ای و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد. این رفتار بعلاوه در سطح خرده‌نظام اجتماعی با وضعیت ارگانیک رفتار، شخصیت اجتماع و الگوهای رفتاری آن ارتباط می‌یابد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش شامل دو متغیر: تأثیر ساختار قومی و قبیله‌ای و تأثیر نخبگان محلی بودند. تعریف نظری ساختار قومی و قبیله‌ای (قوم‌گرایی): جامعه‌ای که از همبستگی مکانیکی و نظارت بالای اجتماعی برخوردار است. این همبستگی موجب میشود تا وجود فرد در ساختار قبیله‌ای مستحیل گردد و آنچه‌ای کلیدی بوجود آید که مانند یک الگوی تجزیه‌ناپذیر، راه را بر هرگونه ادغام در سطح فراقبیله‌ای مسدود گرداند، نظارت اجتماعی در درون قبیله، بسیار شدید و مخالفت با تغییر و تحول بسیار جدی است. خویشاوندی روبنایی است

جدول ۱. گویه های متغیر رفتار انتخاباتی

گویه ها	سطح سنجش
به چه میزان در ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی مشارکت دارید؟	در سطح رتبه ای و در طیف پنج گزینه ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد)
به چه میزان شرکت در انتخابات را به عنوان یک وظیفه سیاسی-اجتماعی می-دانید؟	
شرکت شما در نشست ها و سخنرانی های مربوط به انتخابات مجلس شورای اسلامی به چه میزان است؟	
به چه میزان در انتخابات مجلس شورای اسلامی برای موفقیت یک کاندید هزینه می کنید؟	
نصب پوستر و عکس نامزدهای انتخاباتی و مواردی از این قبیل در وسایل شخصی خود (درب منزل یا ماشین) در انتخابات مجلس شورای اسلامی به چه میزان است؟	
تمایل شما به تشویق دیگران به شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی به چه میزان است؟	
به چه میزان دیگران به رأی دادن به یک نامزد خاص در انتخابات مجلس شورای اسلامی ترغیب می کنید؟	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۳۷

درد که واژه ها (مفاهیم) از حالت عام، انتزاعی و کیفی به حالتی عینی، کمی و امور قابل مشاهده برگردانده شوند.

متغیر وابسته

رفتار انتخاباتی: رفتار انتخاباتی با استفاده از ۷ گویه در طیف پنج گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفته است. این گویه ها عبارتند از: شرکت در ادوار مختلف انتخابات مجلس، شرکت در انتخابات به عنوان یک وظیفه سیاسی-اجتماعی، مشارکت در نشستها، سخنرانی ها، نصب پوستر و عکس نامزدهای انتخاباتی و مواردی از این قبیل در وسایل خود، تشویق دیگران به شرکت در انتخابات، ترغیب دیگران به رأی دادن به یک نامزد خاص، هزینه کردن برای موفقیت یک کاندید.

که کارکرد سیاسی، قضایی و ایدولوژیک یک جامعه قبیله ای را مشخص می کند (نقیب زاده، ۱۳۷۹، صص ۷۷-۸۸).

تعریف نظری نخبگان محلی نخبگان اشخاص و گروهایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می آورند و تأثیری که برجای می گذارند یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می نمایند یا به وسیله احساسات و هیجاناتی که به وجود می آورند در کنش تاریخی جامعه ای موثر واقع می شوند (روشه، ۱۳۷۰، ص ۱۵۳).

تعریف عملیاتی مفاهیم

شامل فرآیندهایی است که پژوهشگر جهت تثبیت موجودیت پدیده ای از طریق مفهوم، دنبال می کند. هنگامی که پدیده ای قابل مشاهده مستقیم نباشد، محققان از تعاریف عملیاتی استفاده می کنند. در واقع، تعریف عملیاتی مفاهیم به این مطلب اشاره

جدول ۲. گویه های متغیر ساختار قومی و قبیله ای (قوم گرایی)

گویه ها	سطح سنجش
تا چه اندازه افراد طایفه شما در انتخاب کاندیدای مورد نظر هم عقیده هستند؟	در سطح رتبه ای و در طیف پنج گزینه ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد)
تا چه اندازه در رأی دادن تابع نظرات اعضای خانواده یا بزرگ طایفه خود هستید؟	
برای معرفی خود به دیگران تا چه اندازه از نسبت فامیلی استفاده می کنید؟	
به نظر شما کاندیدایی که از حمایت یک طایفه یا قوم برخوردار نباشد تا چه اندازه شانس قبولی دارد؟	
تا چه اندازه طایفه شما در صورت نامزد شدن یکی از افراد طایفه، در انتخابات از او حمایت می کنند؟	
تا چه اندازه در مسائل سیاسی و اجتماعی (رأی دادن) با هم ایلی ها و هم طایفه ای ها هماهنگ و همسو هستید؟	
به نظر شما تا چه اندازه اختلافات قومی و قبیله ای (بین ایلات و طوایف مختلف) باعث گرایش به سمت نامزدی خاص می شود؟	

مقامات سیاسی شهرستان و مقامات مذهبی. این متغیر در این پژوهش با استفاده از ۷ گویه در سطح ترتیبی و در طیف پنج گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفته است.

سن: تعداد سالهای کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است نمونه آماری در این پرسش نامه افراد بالای ۱۸ سال که در انتخابات شرکت کرده یا می توانند شرکت کنند پر نموده اند. برای سنجش متغیر سن از یک سؤال با سطح سنجش فاصله ای استفاده گردید.

جنس: جنسیت یا جنس به تمام ویژگی های جسمانی و رفتاری گفته می شود که مردان و زنان را از هم متمایز می کند. برای سنجش متغیر جنس،

ساختار قومی و قبیله ای (قوم گرایی): در این تحقیق ساختار قومی و قبیله ای با ۷ گویه در طیف پنج گزینه ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفته است. گویه های ساختار قومی و قبیله ای (قوم گرایی) عبارتند از: همبستگی ایلی در مسائل مختلف، هم سو بودن در مسائل سیاسی- اجتماعی، تابعیت از نظرات خانواده در رأی دادن، استفاده از نسبت فامیلی برای معرفی خود، تأثیر اختلافات قومی در گرایش به نامزدها، شانس قبولی کاندیدایی که از حمایت قومی برخوردار نباشد، علائق قومی-خویشاوندی به نامزد منتخب.

نخبگان محلی: در این پژوهش نخبگان عبارتند از کدخداهای و ریش سفید قوم، تحصیل کردگان قوم،

جدول ۳. گویه های متغیر تأثیر نخبگان محلی

گویه ها	سطح سنجش
در انتخابات مجلس شورای اسلامی، کاندیداها تا چه اندازه به حمایت سران طوایف و افراد برجسته منطقه نیاز دارند؟	در سطح رتبه ای و در طیف پنج گزینه ای لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد)
حضور یافتن کاندیدا در منزل سران اقوام تا چه اندازه در جهت گیری آراء مردم توسط سران مؤثر است؟	
به نظر شما حمایت کدخداها و بزرگان در انتخاب کاندیدا برای مجلس تا چه اندازه مؤثر است؟	
شخصیت ها و مقامات سیاسی شهرستان تا چه اندازه در جهت گیری آراء مردم تأثیر دارند؟	
تا چه اندازه حمایت نهادهایی چون آموزش و پرورش و فرمانداری و دیگر نهادهای اجرایی در پیروزی یک کاندیدا نقش دارد؟	
حضور یافتن شخصیت های سیاسی به عنوان عاملین اجرایی انتخابات در پای صندوق های رأی تا چه اندازه در کشش آراء مردم به سمت کاندیدای هم طایفه ای خود مؤثر است.	
تا چه اندازه حمایت نهادهایی چون کمیته امداد و بنیاد شهید از کاندیداها در پیروزی آنها تأثیر دارد؟	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۳۹

فوق دیپلم، لیسانس، و فوق لیسانس و بالاتر سنجیده شده است.

درآمد: منظور مقدار پولی است که پاسخگویان در طول یک ماه کسب می کنند و در چهار طبقه کمتر از ۱۰۰ هزار تومان، از ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، از ۳۰۰ تا ۶۰۰ هزار و از ۶۰۰ هزار به بالا مورد سنجش قرار گرفته است.

طایفه: متغیر طایفه در این پژوهش به صورت یک سؤال بسته و با پنج طبقه بکش، جاوید، رستم، دشمن زیاری و غیره سنجیده شده است.

از یک سوال بسته با سطح سنجش اسمی و در دو طبقه زن و مرد، استفاده گردید.

شغل: شغل نوع کاری است (مطابق با تعریف کار و مصادیق آن) که توسط فرد در ۷ روز گذشته انجام شده است. در این تحقیق هر کاری که در ازای آن مزد دریافت شود می باشد که با یک سؤال بسته در پنج طبقه بیکار، کارمند، کارگر، کشاورز و سایر، مورد سنجش قرار گرفت.

تحصیلات: در این تحقیق منظور از سطح تحصیلات تعداد کلاسهایی می باشد که افراد مشغول به تحصیل بوده اند. تحصیلات در این پژوهش با یک سؤال بسته با پنج طبقه بی سواد، دیپلم و زیردیپلم،

یافته های پژوهش

اطلاعات توصیفی

ویژگی های پاسخگویان به این صورت است که ۴۶/۲ درصد پاسخگویان را مرد و ۵۸,۸ درصد پاسخگویان را زنان که ۶۰/۳ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۸-۳۰ سال بودند و بیشترین پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس با ۴۴/۹ درصد بودند. همچنین وضعیت شغلی پاسخگویان به این صورت است که ۴۸/۸ درصد بیکار بودند. ۵۰/۰۳ درصد پاسخگویان از طایفه بکش، ۱۸/۶ درصد از طایفه جاوید، ۱۵/۷ درصد از طایفه رستم، ۸/۶ درصد از طایفه دشمن زبیری و ۶/۲ درصد را سایر طایفه ها بودند و ۳۵/۷ درصد درآمد خود را مشخص نکرده بودند.

وضعیت رفتار انتخاباتی پاسخگویان

رفتار انتخاباتی در این پژوهش شامل ۷ گویه می باشد نمرات هر گویه از ۱ تا ۵ متناسب با طیف لیکرت رده بندی شده اند که نمره ۱ نشان دهنده خیلی کم و نمره ۵ نشان دهنده خیلی زیاد می باشد. یعنی هر چه میانگین به عدد ۵ نزدیک باشد درصد بالاتری از افراد به مشارکت در انتخابات و فعالیتهای انتخاباتی پرداخته اند و برعکس هر چه میانگین به عدد ۱ نزدیکتر باشد گویای مشارکت پایین انتخاباتی و عدم انجام فعالیت های انتخاباتی می باشد. طبق جدول ۴ در گویه مشارکت در انتخابات، بیشترین درصد پاسخ مربوط به گزینه خیلی زیاد می باشد که ۳۴/۹ درصد پاسخگویان را شامل می شود کمترین درصد گزینه کم است که میزان ۷/۳ درصد را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مشارکت در انتخابات در شهر نورآباد در سطح بسیار بالایی قرار دارد.

در گویه شرکت در انتخابات به عنوان یک وظیفه سیاسی- اجتماعی، بیشترین درصد مربوط به گزینه خیلی زیاد می باشد که ۳۵/۹ درصد پاسخگویان را شامل می شود کمترین درصد نیز مربوط به گزینه کم است که میزان درصد ۸/۶ را به خود اختصاص داده است که بیانگر میزان بسیار بالای پایبندی

پاسخگویان به شرکت در انتخابات است. در گویه شرکت در نشست ها و سخنرانی ها آمار نشان می دهد بیشترین درصد شرکت در نشست ها و سخنرانی ها مربوط به گزینه متوسط با ۳۳/۵ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۱۲/۲ درصد اختصاص دارد.

در گویه هزینه کردن در حمایت از یک کاندیدا بیشترین درصد مربوط به گزینه خیلی کم است که ۱/۳۴ درصد پاسخگویان را شامل می شود و کمترین درصد گزینه خیلی زیاد است که میزان درصد ۱۲/۷ را به خود اختصاص داده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که هزینه کردن در حمایت از یک کاندیدا در شهر نورآباد در سطح بسیار پایینی قرار دارد. در گویه نصب عکس و پوستر در منزل و وسایل خودبیشترین درصد به گزینه متوسط با ۲۴,۱ درصد تعلق دارد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم اختصاص دارد. در گویه تشویق دیگران به مشارکت انتخاباتی آمار نشان می دهد بیشترین درصد تشویق دیگران به شرکت در انتخابات مربوط به گزینه متوسط با ۲۹,۲ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۱,۵ درصد اختصاص دارد. میانگین تشویق دیگران به شرکت در انتخابات عدد ۳,۴۱۰۸ می باشد که این مقدار بیانگر این است که میزان تشویق دیگران به مشارکت در انتخابات متوسط و رو به بالاست. در نهایت در گویه ترغیب دیگران به رأی دادن به یک کاندیدای خاص بیشترین درصد تشویق دیگران به

استفاده از نسبت فامیلی مربوط به گزینه متوسط با ۲۷,۶ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۷,۰ درصد اختصاص دارد که این مقادیر بیانگر این است که میزان استفاده از نسبت فامیلی برای معرفی خود به دیگران در شهر نورآباد متوسط رو به بالاست و این نشانگر این مطلب است که در این شهرستان ساختارهای سنتی همچنان قوی هستند و نوسازی در زمینه فرهنگی صورت نگرفته یا به عبارت بهتر ناموفق بوده است.

در گوپه مربوط به شانس قبولی کاندیدایی که حمایت یک طایفه را ندارد طبق جدول ۵، بیشترین درصد شانس قبولی کاندیدایی که حمایت یک طایفه را ندارد گزینه خیلی کم با ۳۵,۹ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه زیاد با ۷,۶ درصد اختصاص دارد که این مقایر بیانگر این است که کاندیدایی که از حمایت یک قوم برخوردار نباشد شانس کمی برای قبولی در انتخابات دارد. در نهایت در گوپه تأثیر اختلافات قومی قبیله ای در گرایش به نامزدها، بیشترین درصد تأثیر اختلافات قومی قبیله ای در گرایش به نامزدها مربوط به گزینه خیلی زیاد با ۴۵,۴ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۲,۴ درصد اختصاص دارد که این مقادیر بیانگر میزان بالای اختلافات قومی و قبیله ای در شهر نورآباد می باشد که این امر باعث جهت گیری در انتخابات و گرایش به نامزدها نیز شده است در نتیجه می توان گفت اختلافات قومی و قبیله ای فاکتور مهمی در تحولات شهر نورآباد به حساب می آید.

وضعیت تأثیر نخبگان در رفتار انتخاباتی

تأثیرگذاری نخبگان به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی در شهر نورآباد در این پژوهش شامل ۷ گوپه می باشد. نمرات هر گوپه از ۱ تا ۵ متناسب با طیف لیکرت رده بندی شده اند که نمره ۱ نشان دهنده خیلی کم و نمره ۵ نشان دهنده خیلی زیاد. یعنی هر چه میانگین به عدد ۵ نزدیکتر باشد، بیانگر تأثیرگذاری بیشتر نخبگان بر رفتار

انتخاباتی مردم و برعکس هر چه میانگین به عدد ۱ نزدیکتر باشد گویای عدم تأثیر پذیری رفتار انتخاباتی مردم از این ساختار می باشد. طبق جدول ۶، در گوپه تأثیر سران طوایف و افراد برجسته، بیشترین درصد تأثیر سران طوایف و افراد برجسته مربوط به گزینه خیلی زیاد با ۵۸,۹ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۵ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر میزان بالای تأثیر سران طوایف و افراد برجسته در شهر نورآباد می باشد.

در گوپه تأثیر حضور یافتن کاندیدا در منزل سران قوم بیشترین درصد تأثیر حضور کاندیدا در منزل سران قوم گزینه خیلی زیاد با ۴۱,۱ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۳,۵ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر این است که حضور کاندیداها در منزل سران قوم تا اندازه زیادی می تواند رأی آن قوم را نصیب خود کند. نکته قابل توجه این است که وقتی کاندیدایی به منزل سران یک قوم می رود آن قوم خود را ملزم به رأی دادن به آن نامزد می دانند.

در گوپه تأثیر کدخدا و ریش سفید در جهت گیری آرای مردم بیشترین درصد تأثیر کدخدا و ریش سفید در جهت گیری آرای مردم مربوط به گزینه زیاد با ۳۸,۴ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه کم با ۳,۵ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر تأثیر بالای کدخداها در انتخابات شهر نورآباد می باشد در نتیجه می توان گفت حمایت کدخداها و بزرگان قوم از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی وی به حساب می آید. در گوپه تأثیر شخصیتها و مقامات سیاسی در جهت گیری آرای مردم بیشترین درصد تأثیر مقامات سیاسی شهرستان در جهت گیری آرای مردم مربوط به گزینه خیلی زیاد با ۳۲,۴ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۳,۸ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر این مطلب است که مقامات سیاسی یکی از تأثیرگذارترین اقشار در آرای مردم می باشد در نتیجه می توان گفت حمایت مقامات سیاسی از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی

جدول ۵. وضعیت قوم گرایی و ساختار و نظام قومی و قبیله ای پاسخگویان

وضعیت پاسخ های پاسخگویان به گزینه های مربوطه										گویه ها
خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۱۰	۲۹,۷	۹۵	۲۵,۷	۹۴	۲۵,۴	۵۱	۱۳,۸	۲۰	۵,۴	همبستگی قومی
۱۲۲	۳۳,۲	۱۰۵	۱۸,۱	۹۶	۲۵,۹	۴۰	۱۰,۸	۶	۱,۶	وحدت هم طایفه ای ها در رأی دادن
۱۱۹	۳۲,۲	۶۷	۱۸,۹	۹۱	۲۴,۶	۵۴	۱۴,۶	۳۹	۱۰,۵	تبعیت از خانواده و یا بزرگ طایفه
۹۵	۲۵,۷	۷۸	۲۱,۱	۱۰۲	۲۷,۶	۶۹	۱۸,۶	۲۶	۷,۰	استفاده از نسبت فامیلی برای معرفی خود به دیگران
۳۰	۸,۱	۲۸	۷,۶	۸۴	۲۲,۷	۹۵	۲۵,۷	۱۳۳	۳۵,۹	پیروزی کاندیدا بدون حمایت طایفه
۱۶۸	۴۵,۴	۱۲۰	۳۲,۴	۴۹	۱۳,۲	۲۴	۶,۵	۳۹	۱,۵	تأثیر اختلاف قومی در رفتار انتخاباتی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۴۳

تأثیر روحانیون و مقامات مذهبی در جهت گیری آرای مردم مربوط به گزینه متوسط با ۳۲,۷ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه زیاد با ۱۷,۳ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر این است که در شهر نورآباد تأثیر روحانیون و مقامات مذهبی متوسط رو به پایین است و این بیان گر این است که نخبگان مذهبی نسبت به سایر نخبگان از تأثیرگذاری کمتری برخوردارند.

آمار استنباطی

یافته های استنباطی

تحلیل استنباطی مشخص می کند که آیا الگوها و فرایندهای کشف شده در نمونه، در جامعه ی آماری هم کاربرد دارد یا خیر؟ (دواس، ۱۳۸۳، صص ۱۳۸ - ۱۳۷). در واقع آمار استنباطی شامل تمامی آماره ها و آزمون هایی می گردد که به آزمون فرضیه های تحقیق و به عبارتی برآورد پارامترهای جامعه از آماره های نمونه می پردازد. فرضیه اول: بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد

وی به حساب می آید. در گویه تأثیر مقامات اداری سیاسی قوم در آرای مردم بیشترین درصد تأثیر مقامات اداری سیاسی قوم در آرای مردم مربوط به گزینه زیاد با ۳۵,۹ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۳,۸ درصد اختصاص دارد که این مقدار بیانگر این مطلب است که مقامات سیاسی- اداری اقوام یکی از تأثیرگذارترین اقشار در آرای مردم می باشد در نتیجه می توان گفت حمایت مقامات سیاسی- اداری از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی وی به حساب می آید.

در گویه تأثیر تحصیل کردگان طایفه به عنوان عاملین اجرایی انتخابات در پای صندوق های رأی در جهت گیری آرای مردم بیشترین درصد تأثیر تحصیل کردگان طایفه در جهت گیری آرای مردم مربوط به گزینه خیلی زیاد با ۳۵,۲ درصد می باشد و کمترین درصد به گزینه خیلی کم با ۲,۴ درصد اختصاص دارد. در گویه تأثیر روحانیون و مقامات مذهبی در جهت گیری آرای مردم بیشترین درصد

جدول ۶. وضعیت تأثیر نخبگان در رفتار انتخاباتی

وضعیت پاسخ های پاسخگویان به گزینه های مربوطه										گویه ها
خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵	۲	۶,۲	۲۳	۷,۸	۲۹	۲۶,۵	۹۸	۵۸,۹	۲۱۸	تأثیر سران طوایف و افراد برجسته
۳,۵	۶۱۳	۶,۸	۲۵	۱۶,۸	۶۲	۳۱,۹	۱۱۸	۴۱,۱	۱۵۲	حضور کاندیدا در منزل سران اقوام
۱,۶	۶	۳,۵	۱۳	۱۷,۶	۶۵	۳۸,۹	۱۴۴	۳۸,۴	۱۴۲	تأثیر کدخدا و ریش سفید
۳,۸	۱۴	۸,۴	۳۱	۲۳,۲	۸۶	۳۲,۲	۱۱۹	۳۲,۴	۱۲۰	تأثیر شخصیت ها و مقامات سیاسی
۳,۸	۱۴	۴,۶	۱۷	۲۲,۲	۸۲	۳۵,۹	۱۳۳	۳۳,۵	۱۲۳	تأثیر مقامات اداری- سیاسی
۱۶,۲	۶۰	۲۰,۵	۷۶	۳۲,۷	۱۲۱	۱۷,۳	۶۴	۱۳,۲	۴۹	تأثیر روحانیون و مقامات مذهبی
۲,۴	۹	۷,۸	۲۹	۲۴,۶	۹۱	۳۰	۱۱۱	۳۵,۲	۱۳۰	تأثیر تحصیلکردگان طایفه

جدول ۷. بررسی رابطه رفتار انتخاباتی با قومیت گرایی

معناداری	پیرسون	رابطه رفتار انتخاباتی و قومیت گرایی
۰/۰۰۰	۰/۴۲۰	

در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با تأثیر نخبگان محلی اعم از ایلی، سیاسی و مذهبی، رابطه معناداری وجود دارد.

جهت بررسی رابطه ی بین میزان تأثیر نخبگان محلی و رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، با توجه به این که سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله ای بوده است، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج بدست آمده از پژوهش در جدول ۸- نشان داد که با توجه به سطح معناداری (Sig= ۰/۰۰۰)، و مقدار ضریب همبستگی پیرسون که برابر با ۰/۳۸۷ بوده، بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان تأثیر نخبگان محلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان تأثیر نخبگان محلی افزایش یابد، میزان

در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان قومیت گرایی رابطه معناداری وجود دارد. جهت بررسی رابطه ی بین میزان قومیت گرایی و رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، با توجه به این که سطح سنجش دو متغیر در سطح فاصله ای بوده است، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج بدست آمده از پژوهش در جدول ۷- نشان داد که با توجه به سطح معناداری (Sig= ۰/۰۰۰)، و مقدار ضریب همبستگی پیرسون که برابر با ۰/۴۲۰ بوده، بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان قومیت گرایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان قومیت گرایی افزایش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می یابد، همچنین هر چقدر میزان قومیت گرایی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت.

فرضیه دوم: بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد

جدول ۸. بررسی رابطه رفتار انتخاباتی با تأثیر نخبگان

معناداری	پیرسون	رابطه رفتار انتخاباتی
۰/۰۰۰	۰/۳۸۷	و تأثیر نخبگان

میزان قومیت‌گرایی، ۰/۲۹۷ به مقدار رفتار انتخاباتی مردم افزوده می‌شود.

مرحله ی دوم: در این مرحله، متغیر تأثیر نخبگان محلی وارد معادله ی رگرسیونی شده است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (adj.R² ۰/۲۰۴) نشان می‌دهد که با ورود متغیر تأثیر نخبگان محلی، (۳/۷ درصد) به قدرت پیش‌بینی مدل افزوده شده است و مجموع دو متغیر قومیت‌گرایی و تأثیر نخبگان محلی پاسخگویان، توانسته‌اند ۰/۲۰۴ درصد از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی را تبیین نمایند. همچنین مقدار بتا ۰/۲۲۹ نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش در متغیر تأثیر نخبگان محلی، ۰/۲۲۹ درصد به مقدار رفتار انتخاباتی مردم افزوده می‌شود. متغیرهای دیگر نیز همچون عوامل سن، جنس، طایفه، سطح تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد به دلیل عدم قدرت پیش‌بینی در مصرف موسیقی مذهبی، از مدل حذف شدند.

در مجموع دو متغیر قومیت‌گرایی و تأثیر نخبگان محلی پاسخگویان، توانسته‌اند ۰/۲۰۴ درصد از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی را تبیین نمایند. و ۷۹/۶ درصد باقیمانده، به عوامل دیگری بستگی دارد که خارج از این متغیرها است. مقدار آزمون F (۴۶/۱۱۶)، که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد نشان می‌دهد. مدل رگرسیونی تحقیق، مرکب از دو متغیر مستقل قومیت‌گرایی و تأثیر نخبگان محلی پاسخگویان و یک متغیر وابسته ی رفتار انتخاباتی، مدل متوسطی بوده و مجموعه ی متغیرهای مستقل قادرند ۰/۲۰۴ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی

رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می‌یابد، همچنین هر چقدر میزان تأثیر نخبگان محلی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت.

تحلیل رگرسیونی رفتار انتخاباتی با توجه به مجموعه متغیرهای مستقل برای مطالعه ی تأثیرات مجموعه ی متغیرهای مستقل (قومیت-گرایی، تأثیر نخبگان محلی، عوامل روانشناختی، عوامل اقتصادی، سن، جنس، طایفه، سطح تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد) بر متغیر وابسته (رفتار انتخاباتی)، و همچنین تبیین واریانس رفتار انتخاباتی پاسخگویان توسط متغیرهای مستقل، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شده است. در این روش، متغیرهای مختلف به ترتیب میزان اهمیت، در تبیین واریانس متغیر وابسته وارد معادله می‌شوند. و متغیرهایی نیز که تأثیری در توضیح و تبیین متغیر وابسته نداشته باشند، از معادله خارج می‌شوند. و از آن جایی که متغیرهای وارد شده به تحلیل رگرسیون چندمتغیره، باید در سطح فاصله‌ای باشند، متغیرهای اسمی به صورت تصنعی به متغیرهای فاصله‌ای تبدیل شده‌اند. نتایج رگرسیون در جدول زیر آورده شده است.

مرحله نخست: نتایج بدست آمده از پژوهش در جدول شماره، نشان می‌دهد که با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (adj.R² ۰/۱۶۷)، قوی‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده در رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، متغیر قومیت‌گرایی است. این متغیر به تنهایی ۰/۱۶۷ درصد از واریانس رفتار انتخاباتی مردم را تبیین نموده است. همچنین مقدار بتا ۰/۲۹۷ نشان می‌دهد که با یک واحد افزایش در

جدول ۹. نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره رفتار انتخاباتی با روش گام به گام

معناداری	F	T	Beta	B	adj.R ²	R	رفتار انتخاباتی
۰/۰۰۰	۴۶/۱۱۶	۵/۴۲۸	۰/۲۹۷	۰/۳۰۹	۰/۱۶۷	۰/۴۱۱	قومیت گرایی
		۴/۱۷۸	۰/۲۲۹	۰/۲۴۳	۰/۲۰۴	۰/۴۵۷	تأثیر نخبگان

رفتار انتخاباتی را تبیین نمایند.

نتیجه گیری و جمع بندی

طبق تجزیه و تحلیل داده های تحقیق که از گویه های مختلف بدست آمد به طور کلی می توان به صورت زیر جمع بندی کرد که:

ویژگی های پاسخگویان به این صورت است که ۴۶/۲ درصد پاسخگویان را مرد و ۵۸/۸ درصد پاسخگویان را زنان که ۶۰/۳ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۸-۳۰ سال بودند و بیشترین پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس با ۴۴/۹ درصد بودند. همچنین وضعیت شغلی پاسخگویان به این صورت است که ۴۸/۸ درصد بیکار بودند. ۵۰/۰۳ درصد پاسخگویان از طایفه بکش، ۱۸/۶ درصد از طایفه جاوید، ۱۵/۷ درصد از طایفه رستم، ۸/۶ درصد از طایفه دشمن زبیری و ۶/۲ درصد را سایر طایفه ها بودند و ۳۵/۷ درصد درآمد خود را مشخص نکرده بودند.

در زمینه رفتار انتخاباتی، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که: ۱- پاسخگویان پای بندی بسیار زیادی به شرکت در انتخابات داشتند. ۲- پاسخگویان تقریباً به مقدار کمی در نشست ها و سخنرانی های انتخاباتی شرکت می کنند. ۳- هزینه کردن در حمایت از یک کاندیدا در شهر نورآباد در سطح بسیار پایینی قرار دارد. ۴- نصب عکس و پوستر انتخاباتی در منزل و وسایل شخصی، در میان پاسخگویان به میزان متوسطی بود. ۵- میزان تشویق دیگران به مشارکت در انتخابات در میان پاسخگویان، متوسط و رو به بالاست. ۶- میزان تشویق دیگران به رأی دادن به یک نامزد در میان پاسخگویان متوسط و رو به بالاست.

در زمینه ساختار و نظام قومی قبیله ای به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی در شهر

نورآباد، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که: ۱- در شهر نورآباد میزان همبستگی قومی بالاست و هم فکری و همبستگی در میان اقوام بسیار زیاد است. ۲- میزان هماهنگی با همطایفه ای ها در رأی دادن بسیار بالاست. ۳- اکثر افراد در شهر نورآباد به کسی رأی می دهند که خانواده آنها از آن حمایت کرده باشند. ۴- میزان استفاده از نسبت فامیلی برای معرفی خود به دیگران در شهر نورآباد به میزان متوسط رو به بالاست و این نشانگر این مطلب است که در این شهرستان ساختارهای سنتی همچنان قوی هستند و نوسازی در زمینه فرهنگی صورت نگرفته یا به عبارت بهتر ناموفق بوده است. ۵- کاندیدایی که از حمایت یک قوم برخوردار نباشد شانس کمی برای قبولی در انتخابات دارد. ۶- اختلافات قومی و قبیله ای در شهر نورآباد به میزان بالایی می باشد که این امر باعث جهت گیری در انتخابات و گرایش به نامزدها نیز شده است در نتیجه می توان گفت اختلافات قومی و قبیله ای فاکتور مهمی در تحولات شهر نورآباد به حساب می آید.

در زمینه تأثیرگذاری نخبگان به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی در شهر نورآباد، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که: ۱- تأثیر سران طوایف و افراد برجسته در شهر نورآباد بر رفتار انتخاباتی پاسخگویان به میزان بالایی می باشد. ۲- حضور کاندیداها در منزل سران قوم تا اندازه زیادی می تواند رأی آن قوم را نصیب خود کند. نکته قابل توجه این است که وقتی کاندیدایی به منزل سران یک قوم می رود آن قوم خود را ملزم به رأی دادن به آن نامزد می دانند. ۳- حمایت کدخداها و بزرگان قوم از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی وی به حساب می آید. ۴- مقامات سیاسی یکی

از تأثیرگذارترین اقشار در آرای مردم می باشد در نتیجه می توان گفت حمایت مقامات سیاسی از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی وی به حساب می آید. ۵- مقامات سیاسی- اداری اقوام یکی از تأثیرگذارترین اقشار در آرای مردم می باشد در نتیجه می توان گفت حمایت مقامات سیاسی- اداری از یک کاندیدا عامل مهمی در پیروزی وی به حساب می آید. ۶- تأثیر تحصیلکردگان طایفه به عنوان عاملین اجرایی انتخابات در پای صندوق های رأی در جهت گیری آرای مردم و رفتار انتخاباتی آنها به میزان زیادی می باشد. ۷- همچنین در شهر نورآباد تأثیر روحانیون و مقامات مذهبی متوسط رو به پایین است و این بیان گر این مطلب است که نخبگان مذهبی نسبت به سایر نخبگان از تأثیرگذاری کمتری برخوردارند.

در زمینه تأثیرگذاری عوامل روان شناسی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی در شهر نورآباد، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که: ۱- در شهر نورآباد میزان علاقه به یک حزب خاص در رأی دهی متوسط رو به پایین است. ۲- در شهر نورآباد تأثیر تبعیت از نظر اعضای خانواده متوسط رو به بالا است. ۳- تعلق خاطر پاسخگویان به خانواده، تقریباً به میزان زیادی می باشد. ۴- همچنین در شهر نورآباد تأثیر میزان علاقه و گرایش به حزبی خاص از ابتدای رأی دهی تا به حال زیاد است.

در نهایت در زمینه تأثیرگذاری عوامل اقتصادی به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی در شهر نورآباد، یافته های توصیفی پژوهش نشان داد که: ۱- در شهر نورآباد تأثیر وعده نامزدهای انتخاباتی برای تأمین خواسته های طوایف در جذب آرا برای وی بسیار زیاد است. ۲- در شهر نورآباد تأثیر میزان مشکلات و مسائل اقتصادی بر تمایل به شرکت در انتخابات بسیار بالا است. ۳- در شهر نورآباد تأثیر انتظار بهره مندی از مزایا پس از موفقیت نامزد مورد حمایت بسیار بالا است. ۴- همچنین در شهر نورآباد تأثیر ارجحیت منافع محلی و منطقه ای در

انتخاب نامزد بسیار بالا است.

همچنین یافته های استنباطی نشان داد که: ۱- بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان قومیت گرایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان قومیت گرایی افزایش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می یابد، همچنین هر چقدر میزان قومیت گرایی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت. ۲- بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان تأثیر نخبگان محلی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان تأثیر نخبگان محلی افزایش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می یابد، همچنین هر چقدر میزان تأثیر نخبگان محلی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت. ۳- بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان عوامل اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان عوامل اقتصادی افزایش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می یابد، همچنین هر چقدر میزان تأثیر عوامل اقتصادی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت. ۴- بین رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی با میزان عوامل روانشناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که هر چقدر میزان عوامل روانشناختی افزایش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز افزایش می یابد، همچنین هر چقدر میزان عوامل روانشناختی کاهش یابد، میزان رفتار انتخاباتی و شرکت در انتخابات نیز کاهش خواهد یافت. در نهایت بنا بر آزمون رگرسیون چند متغیره، نتایج بدست آمده، نشان

داد که با توجه به مقدار ضریب تعیین تعدیل شده (adj.R² ۰/۱۶۷)، قوی ترین متغیر پیش بینی کننده در رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی، متغیر قومیت گرایى است. همچنین متغیر تأثیر نخبگان محلی، به قدرت پیش بینی مدل افزود. و متغیرهای دیگر نیز همچون عوامل روانشناختی، عوامل اقتصادی، سن، جنس، طایفه، سطح تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد به دلیل عدم قدرت پیش بینی در رفتار انتخاباتی پاسخگویان، از مدل حذف شدند. در مجموع دو متغیر قومیت گرایى و تأثیر نخبگان محلی پاسخگویان، توانسته اند ۰/۲۰۴ درصد از عوامل تأثیرگذار بر رفتار انتخاباتی مردم شهر نورآباد در انتخابات نهمین دوره ی مجلس شورای اسلامی را تبیین نمایند. و ۷۹/۶ درصد باقیمانده، به عوامل دیگری بستگی دارد که خارج از این متغیرها است. مقدار آزمون F (۴۶/۱۱۶)، که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد نشان می دهد مدل رگرسیونی تحقیق، مرکب از دو متغیر مستقل قومیت گرایى و تأثیر نخبگان محلی پاسخگویان و یک متغیر وابسته ی رفتار انتخاباتی، مدل متوسطی بوده و مجموعه ی متغیرهای مستقل قادرند ۰/۲۰۴ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی رفتار انتخاباتی را تبیین نمایند.

منابع و ماخذ

امام جمعه زاده، سید جواد و همکاران (۱۳۹۲) رابطه میان دینداری و رفتار انتخاباتی، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره ۸، ص ۲۷-۴۴.
ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷) تحلیل رفتار انتخاباتی رأی دهندگان، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۸-۱۳۷.
ایمانی، محمد تقی (۱۳۸۸) مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر

کویر.
ایوبی، حجت الله (۱۳۸۲) مشارکت انتخاباتی؛ علل و انگیزه ها، روز، شماره ۹.
بشیریه، حسین (۱۳۸۴) آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، تهران: نشر نگاه، چاپ پنجم.
جعفری، عباس (۱۳۶۸) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
حبیبی فعلیانی، حسن (۱۳۷۱) ممسنی در گذرگاه تاریخ، شیراز: نشر نوید شیراز.
دومورینی، ز (۱۳۷۵) عشایر فارس، ترجمه جلال الدین رفیع پور، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
رضایی، عزیزالله (۱۳۸۸) تاریخ جغرافیا و فرهنگ مردم ممسنی، ممسنی: فریاد کویر.
رضوانی، محسن (۱۳۸۶) تحلیل رفتار انتخاباتی: موردشناسی انتخابات نهم ریاست جمهوری، ماهنامه معرفت، شماره ۱۶.
شاه ولی شیلا، گرجی فاطمه (۱۳۹۳) سالنامه آماری شهرستان ممسنی، معاونت برنامه ریزی و اشتغال استانداری فارس.
عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
عبدالمطلب، عبدالله (۱۳۸۸) سیری در نظریه های رفتار رأی دهی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸، ص ۸۷-۱۰۴.
عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۲) عبور از استبداد، نشریه زمانه، شماره ۱۵.
عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۸) تأثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی، نشریه پژوهش های ارتباطی، شماره ۵۷، ص ۱۷۴-۱۵۷.
کشاورز، زهرا سادات، یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۱) تحلیل جامعه شناختی رفتار انتخاباتی، فصلنامه مطالعات انتخابات، سال اول، شماره ۱، ص ۳۴-۹.
کلانتری، صمد (۱۳۸۰) تحلیل رفتار انتخاباتی

Norris Pippa, (2002) Political Activism: New Challenges, New Opportunities, The Oxford handbook of Comparative Politics. (New York; Oxford University Press).

Philippe Habert, Alain Lancelot "L'émergence dun nouvel électeur", in, Le nouvel électeur, Philippe Habert, Paris, Vinci, 1996, P.56.

مردم ایران در هفتمین و هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۷ - ۱۶۸، ص ۱۶۶-۱۷۱.

گلابچی، محمد (۱۳۷۵) تحلیل جامعه شناختی از رفتار انتخاباتی کاندیداهای دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.

گی روشه (۱۳۷۰) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

مجیدی کرایبی، نورمحمد (۱۳۷۱) تاریخ و جغرافیای ممسنی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

مقدس، علی اصغر، حیدری، اله رحم (۱۳۸۷) رابطه هویت طایفه ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۱۷۸-۱۵۱.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵) مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران بررسی موردی؛ انتخابات ریاست جمهوری، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۴، ص ۸۳-۱۱۱.

نقیب زاده، احمد (۱۳۷۹) دولت رضاشاه و نظام ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

هانتیگتون، ساموئل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

هرمز، مهرداد (۱۳۷۸) جامعه پذیری سیاسی، تهران: پازنگ.

Campble, A. P. Converse, W. E. Miller and D. Stokes (1960) The American Voter. New York: John Wiley.

Heywood, Andrew. (2007) Politics. (London: Palgrave Macmillan), p.241.

Lazarsfeld, Paul (1994). Bbernard BERELSON, Hazel GAUDET, The Peoples Choice, Columbia University Press.

Nie, Noman. Verba, Sidney, Petrocik John. (1976). The Changing American Voter. Harvard University Press, Cambridge.

Nonna Mayer, Pascal Perrineau , Les modèles d'analyse des Comportements électoraux. Cahiers Fransais, no. 276, p.42.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۳۵۰ ■

آینده شناسی مدیران و رابطه آن با پیشرفت عملکرد سازمان در شهرداری شهرستان دیلم در سال ۱۳۹۲

هوشنگ کنارکوهی* - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر، بوشهر، ایران.

The future performance of directors and its relation to progress in the Crowbar city council in 1392

Abstract

Modern management must understand the critical points of your program and external and internal factors affecting their constituencies know, in fact, have their own programs, planning horizon and the timing set. Actions that may have negative impact on the implementation of the program may be in crisis, they identify and Neutralizing response in the event of any of them predict, respond quickly and lasting through the implementation of their plans and keep the dynamic. In this study, the managers of the future and its relationship with organizational performance improvement has been in the city council crowbar. To determine and influence the future size of the directors on the progress of the organization of 600 employees of the city council officially crowbar or a contract and a contract this year worked were selcted 95 persons randomly. The results show that managers in their organizations to the future of participatory futurism, analytical and future-looking vision to apply theoretical. In addition there is a significant relationship between the size of the performance progresses, each of these dimensions have the ability to predict performance improvements.

Key words: Future of directors, visionary futurism, foresight analysis, participatory futurism, organizational performance improvement.

چکیده

مدیریت امروزی باید نقاط بحرانی برنامه های خود را درک کند و عوامل اثر گذار خارجی و داخلی حوزه خود را بشناسد، در حقیقت باید برای برنامه های خود، افق برنامه ریزی و زمان بندی تعیین کند و کنش های منفی اثر گذار را که احتمالاً در طول اجرای برنامه ممکن است آن را دچار بحران سازند، شناسایی و واکنش های خنثی کننده آنها را پیش بینی کند تا در هنگام بروز هریک، سریعاً واکنش نشان دهند و از این طریق اجرای برنامه های خود را پایدار و پویا نگه دارد. در تحقیق حاضر به بررسی آینده شناسی مدیران و رابطه آن با پیشرفت عملکرد سازمان در شهرداری شهرستان دیلم پرداخته شده است. برای این منظور و با هدف شناخت و تاثیر ابعاد آینده شناسی مدیران بر میزان پیشرفت عملکرد سازمانها از بین ۶۰۰ نفر از کارکنان شهرداری شهرستان دیلم که بصورت رسمی یا پیمانی و قراردادی در سال جاری مشغول به کار بودند، تعداد ۹۵ نفر بصورت تصادفی ساده انتخاب و بوسیله دو پرسشنامه محقق ساخته با روایی و اعتبار متغیر (نظر صاحب نظران و آلفای کرانباخ ۰/۹۳ پرسشنامه آینده شناسی و ۰/۹۵ پرسش نامه پیشرفت عملکرد مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج نشان می دهد که مدیران در آینده نگری سازمانهای خود به ترتیب ابعاد آینده نگری مشارکتی، آینده نگری تحلیلی و آینده نگری نظری را بکار می گیرند، همچنین علاوه بر وجود رابطه معنی دار بین این ابعاد با پیشرفت عملکرد سازمان، هریک از این ابعاد توانایی پیش بینی پیشرفت عملکرد سازمان را دارا می باشند.

واژگان کلیدی: آینده شناسی مدیران، آینده نگری نظری، آینده نگری تحلیلی، آینده نگری مشارکتی، پیشرفت عملکرد سازمان.

مقدمه

بی تردید «ساختار سازمانی» مناسب، از ضروریات اصلی هر مدیریتی برای رسیدن به اهداف سازمانی می باشد که متناسب با شرایط خاص آن موسسه و تغییرات حاصل در محیط داخل و خارج آن است (رابینز، ۱۹۹۶، ص ۱۵۳). ساختار سازمانی بین کلیه فعالیتها و اهداف هماهنگی ایجاد می کند و یک نظم را جهت دستیابی به اهداف سازمانی بوجود می آورد و از نظر پژوهشگران از سه مولفه اصلی «رسمیت»، «تمرکز» و «پیچیدگی» تشکیل شده است (کریتنر، فرهنگی صفر زاده، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). مسئله ارزیابی عملکرد سالیان زیادی است که محققان و کاربران را به چالش واداشته است. سازمان های تجاری در گذشته تنها از شاخص های مالی به عنوان ابزار ارزیابی عملکرد استفاده می کردند؛ تا اینکه «کاپلن و نورتن» در اوایل دهه ۱۹۸۰ پس از بررسی و ارزیابی سیستم های حسابداری مدیریت، بسیاری از ناکارایی های این اطلاعات را برای ارزیابی عملکرد سازمان ها نمایان ساختند که این ناکارایی ناشی از افزایش پیچیدگی سازمان ها، پویایی محیط و رقابت بازار بود (کاپلان و نورتن، ۱۹۹۲، صص ۹-۷۱). تاثیر ساختار سازمانی بر اثربخشی سازمانها بر کسی پوشیده نیست و در واقع ساختار سازمانی یکی از مهمترین عوامل اثربخشی در سازمانهاست و با ایجاد و طراحی یک ساختار مناسب انتظار می رود سطح عملکرد و اثربخشی یک سازمان نیز افزایش پیدا کند (لوکمن، ۱۹۹۹، ص ۲۰). این سیستم باید قادر به طرح ریزی عملکرد و تدوین و اجرای برنامه ها از طریق نظام های اجرایی بوده و با کمک نظام های ارزیابی به بهسازی عملکرد منجر شود (حاجی کتابی و همکاران، ۱۳۸۴). سازمانها از جمله شهرداریها در قالب سیستم «ارزیابی عملکرد» می توانند کارایی و اثربخشی برنامه های سازمان، فرآیند و منابع انسانی خود را مورد سنجش قرار دهند و از طریق داده های حاصل برای بهبود سازمان و تحقق رسالتها و استراتژیها استفاده

کنند. ارزیابی عملکرد، فرآیندی است که بر اساس آن اقداماتی به منظور بررسی و سنجش عملکرد سازمانها (عمومی و خصوصی) و افراد (مدیران و کارکنان) صورت می گیرد و هدف نهایی آن بهبود و ارتقای عملکرد در قالب مفاهیمی چون کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و رضایت عمومی است (برک پور، ۱۳۸۳، ص ۶۸). یکی از دلایل اهمیت ارزیابی و اندازه گیری این است که اندازه گیری یک پیش نیاز برای مدیریت محسوب می شود. اگر نتوان چیزی را اندازه گیری نمود، نمی توان آن را مدیریت کرد (کیم، ۲۰۰۴). مدیریت از محدوده انسان شروع می شود و می تواند تا تمامی جهان گسترش یابد و در کنار آن، مدیریت سازمانها و گروهها نیز مطرح می گردد، از طرفی مدیریت سازمانهای پیچیده و دیوان سالارانه دنیای امروز، که برخی آن را دنیای سازمانی و عهد مدیریت نامیده اند، نمی تواند بدون آینده نگری فراگیر صورت پذیرد و کارایی لازم را داشته باشد. دنیای مدیریت امروز با پیچیدگی روابط سازمانی، تنوع وظایف و پیشرفت روزافزون فناوری مواجه است و مدیریت علمی و کلاسیک، همراه با برنامه ریزی، پیش بینی و آینده نگری را طلب می کند. مدیریت امروزی باید نقاط بحرانی برنامه های خود را درک کند و عوامل اثر گذار خارجی و داخلی حوزه خود را بشناسد، در حقیقت باید برای برنامه های خود، افق برنامه ریزی و زمان بندی تعیین کند و کنش های منفی اثر گذار را که احتمالاً در طول اجرای برنامه ممکن است آن را دچار بحران سازند، شناسایی و واکنش های خنثی کننده آنها را پیش بینی کند تا در هنگام بروز هریک، سریعاً واکنش نشان دهند و از این طریق اجرای برنامه های خود را پایدار و پویا نگه دارد، اینجاست که نقش آینده نگری به خوبی نمایان می گردد. آینده نگری همچون پلی است در گذر از مدیریت سنتی به مدیریت استراتژیک و آینده نگر، عصر حاضر مرحله گذر مدیریت سنتی به سمت مدیریت علمی و استراتژیک همراه با آینده نگری است. امروزه یکی از تنگناها و مشکلات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

اساسی جوامع، عدم توجه به افق‌های زمان بندی و آینده‌نگری است. این مسئله باعث شده است که رکودهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر جوامع حکمفرما شود. نتیجه این شده است که مدیریتی که مرحله گذر از سنتی به آینده‌نگری را طی نکند امروزه نمی‌تواند کارآمدی و اثر بخشی لازم را به وجود آورد، دلیل این مدعا هم وجود منابع فراوان در بعضی از جوامع است که نتوانسته اند به رغم دارا بودن این امکانات به رشد و توسعه لازم برسند و علت این مسئله فقدان مدیریت شایسته و کارآمد بوده است (نادری، پایگاه مقالات مدیریت، ۱۳۹۳). در این مقاله به موضوع آینده‌شناسی مدیران و رابطه آن با پیشرفت عملکرد سازمان در شهرداری اشاره شده و در شهرداری دیلم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در ادامه به برخی از تعاریف و مفاهیم مورد نظر پژوهش اشاره می‌شود:

۱. «آینده»: یکی از پیش فرض‌های آینده‌پژوهی ادعان به وجود گزینه‌های متعدّد آینده است:

○ «آینده امکانپذیر»: هر چیزی اعم از خوب یا بد، محتمل یا بعید، می‌تواند در آینده رخ دهد.

○ «آینده‌های رخ دادنی یا محتمل»: آنچه به احتمال بسیار زیاد در آینده به وقوع خواهد پیوست (مبتنی بر استمرار روندهای کنونی در آینده).

○ «آینده‌های دلخواه»: آنچه بهینه‌ترین و دلخواه‌ترین رویداد آینده به شمار می‌رود. «هدف»: محتمل ساختن آینده‌های دلخواه یا ترجیح داده شده است. بدین منظور باید از آنچه که می‌خواهیم بیافرینیم تصویری روشن و شفاف در ذهن داشته باشیم (به ویژه از ارزش‌هایی که می‌خواهیم بر جوامع آینده حاکم باشند). توجه به آینده‌های ممکن است که علی‌رغم تردید در رخ دادنشان، تحقق برخی از آنها اثر بزرگی بر زندگی مردم می‌گذارد.

۲. «آینده‌شناسی»: یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش بینی کردن.

آینده‌اندیشی دالانی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می‌کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ‌های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم. در ژاپن میزا، در روسیه پراگنوزیا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی‌های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد.

۳. «آینده‌نگری»: برخی فکر می‌کنند آینده‌نگری به معنی غیب‌گویی است و با چنین برداشتی افراد آینده نگر و نتایج فعالیت‌های آنها را مورد تمسخر قرار می‌دهند؛ در حالی که آینده‌نگری یعنی پیش از آنکه رویدادی به وقوع بپیوندد یا سناریویی به واقعیت تبدیل شود، به آن واکنش نشان دهیم، یعنی «واکنش» پیش از وقوع رویداد، به عبارت دیگر آینده‌نگری یعنی واکنش به رویدادها پیش از واقعیت یافتن آنها.

۴. «آینده‌پژوهی»: مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با واکاوی منابع، الگوها، و عوامل تغییر یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی بازتاب دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر (یا ثبات) «امروز» است. آینده‌پژوهی برابر عبارت لاتین «Futures Study» است. واژه جمع Futures به این دلیل استفاده شده است که با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روشها و بجای تصوّر «تنها یک آینده»، به گمانه‌زنی‌های نظام مند و خردورزانه، در مورد نه تنها «یک آینده» بلکه «چندین آینده متصوّر» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

گونه‌های «ممکن»، «محتمل» و «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (برایسون ریچارد، ۱۳۹۱).

۵. «نقش آینده‌نگری»: هدف از آینده‌نگری، محاسبه یا پیشگویی برخی از رویدادها یا شرایط آتی است. آینده‌نگری به مدیر کمک می‌کند تا شرایط آینده را به خوبی بشناسد و برای مشکلاتی که در راهند چاره‌اندیشی کند؛ به بیان دیگر هدف اصلی آینده‌نگری، کسب آگاهی درباره رخدادهای نامعلومی است که احتمالاً در آینده روی خواهد داد. با توجه به تحولات سریع و متنوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در محیط سازمان رخ می‌دهد، لازم است در درون سازمان مکانیزمی طراحی شود که بتوان به موقع تحولات را پیش‌بینی و راهبرد مناسبی برای مدیریت بر محیط تدوین کرد. آینده‌نگری لازم است در زمینه‌هایی چون کسب آگاهی درباره حوادث نامعلوم که روی خواهد داد، تحلیل اطلاعات محیطی در زمینه‌های مختلف، پیش‌بینی‌های عالمانه درباره تحولات محیط و اثرات آن بر سازمان، تقویت افق شناسایی برنامه نویسی برای آینده، آینده‌گزینی و به دنبال آن آینده‌سازی برای سازمان باشد (همایش آینده پژوهی، فناوری و چشم انداز توسعه خرداد ۱۳۸۵). در «آینده‌پژوهی» همواره صحبت از آینده‌ها است. آینده‌پژوهان معتقدند چندین آینده متفاوت می‌تواند شکل بگیرد. هر فرد، سازمان و کشوری می‌تواند آینده خود را طراحی و معماری نماید. آینده‌های ترسیم شده از عدم قطعیت برخوردارند و هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار داشت که به طور کامل محقق گردند. اما غیب‌گویان معتقدند فقط یک «آینده محتوم» وجود دارد و امکان تغییر ارادی و یا

غیرارادی در این آینده قطعی وجود ندارد. همچنین آینده پژوهی به دنبال یک برخورد فاعلانه با آینده است^۱. در توصیفی عمومی آینده پژوهی می‌تواند روش علمی و تجربی برای درک و فهم آینده باشد. در خلال سالهای زایش و بالندگی آینده پژوهی، همواره مجادله و گفت‌وگوهایی بر سر گزینش بهترین نام و عنوان برای این حوزه از پژوهش در جریان بوده است. دشواریابی نامی کامل برای این حوزه، برخاسته از این واقعیت است که مطالعه آینده همچنان مسیر دانشگاهی متمایزی برای مطالعه و پژوهش بوده است (خرابی و محمودزاده، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

پیشینه آینده‌نگری در جهان

آینده‌نگری اولین بار به دلیل یک ضرورت نظامی در سال ۱۹۴۸ در موسسه «راند» در آمریکا مطرح شد عمده این مطالعات بر مبنای پیش‌بینی بود که سعی در شناخت وقایع احتمالی جنگ داشت و بعدها در مسائل غیر نظامی و اقتصادی نیز به کار رفت، از دهه ۸۰ به بعد، مفهوم آینده‌نگری در سیاست‌گذاری جای گرفت (روشهای آینده‌نگری و آینده پژوهی Newdesign.ir).

پیشینه آینده‌نگری در ایران

سابقه آینده‌نگری در ادبیات ایران نیز وجود دارد. در زمان سلطان محمود غزنوی، انوری شاعر ادعا کرده بود که چنان طوفانی خواهد وزید که چیزی بر سطح زمین باقی نمی‌گذارد و همه باید به زیر زمین بروند. ساعت و روز آن را هم تعیین کرده بود. اما در آن ساعت نه تنها طوفان نشد بلکه نسیمی هم نیامد که چراغ پیرزنی را که بالای مناره شهر رفته بود، خاموش کند شاعر مورد غضب قرار گرفت و بعد از مدت‌ها سرگردانی تعهد داد که دیگر آینده

۱. «آینده‌شناسی» یعنی از یک آینده تغییرناپذیر صحبت کردن و یک آینده را پیش‌بینی کردن. آینده‌اندیشی دالانی است برای رسیدن به آینده پژوهی. این همان دانشی است که موضوع بحث ماست و از آن صحبت می‌کنیم؛ گاه از آن جهت که در تفکرها و در فرهنگ‌های مختلف، روایت جدیدی از آینده پژوهی داریم. در ژاپن میزرا، در روسیه پراگنوزیا، در فرانسه پرسپکتیو، در اروپای غربی فورسایت و در سنت آمریکایی فیوچرز استادیس؛ اما همه اینها در واقع به معنا و مفهوم آینده پژوهی است (گروه مطالعات آینده‌نگر، ۱۳۹۱، ص ۷). آینده پژوهی شاخه‌ای از علوم انسانی که با ویژگی‌های انسانی جامعه سرو کار دارد، از این رو، به مبانی نظری و فلسفی رایج در جامعه بستگی مستقیم دارد. بر این قیاس، آینده پژوهی دانشی ارزش‌بنیان است و به همین سبب ارتباطی تنگاتنگ و ناگسستنی با جهان‌بینی، ایدئولوژی و فرهنگ ملت‌ها دارد.

نگری نکنند. در سال ۱۳۲۷ ایران وارد مرحله ای شد که به برنامه ریزی نیاز مبرمی داشت. به گفته دکتر بایزید مردوخی کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، اولین برنامه عمرانی ۷ ساله تدوین و شروع شد یعنی برای اولین بار ایران به جای آنکه صرفاً برای یک روز، یک ماه یا یک سال فکر کند، به این فکر افتاد که برای ۷ سال فکر کند. اما این کار آینده نگری نبود. اولین آینده پژوهی ایران توسط دکتر مجید تهرانیان به روش دلفی در طرح رادیو و تلویزیون انجام شد. او از صاحب نظران مختلف کمک گرفت و آینده جامعه ایرانی را مورد پرسش قرار داد. کار دیگر در سال ۱۳۷۵ انجام شد که به صورت پیوست شماره ۱۱ نشریه برنامه و بودجه منتشر شد و متدلوژی آینده نگری را برای اولین بار وارد ادبیات رسمی برنامه ریزی کشور کرد و پیشنهادهایی ارائه داد که از آن جمله تاسیس مرکزی برای مطالعات آینده نگری در ایران بود. کار دیگر، ایران ۱۴۰۰ بود که به طور موازی ۲ گروه در سازمان برنامه، روی آن کار کردند که یکی تحت عنوان «اقتصاد بدون نفت» و دیگری به عنوان «شجره طیبه» تدوین شد (روشهای آینده نگری و آینده پژوهی، www.newdesign.ir).

فرایند آینده نگاری

فرایند انجام هر برنامه آینده نگاری شامل چهار فاز است:

۱. «فاز یک»: تعیین چارچوب و الگوی مفهومی؛ هدف این فاز سازمان دهی و استقرار پایه های برنامه است. این مرحله که شامل تعیین هدف، روش شناسی و انتخاب کارشناسان برنامه آینده نگاری است.

۲. «فاز دو»: تعیین پارامترهای کلیدی؛ با استفاده از گروه های متنوع کارشناسان و اطلاعات جمع آوری شده، متغیرهای کلیدی برنامه مشخص می شوند. این فاز نیز خود شامل دو گام شناسایی و انتخاب گزینه می باشد: «شناسایی»: شناسایی کارشناسان، دست اندرکاران و افراد تاثیرگذار در فرایند و شناسایی مؤلفه های مربوط و زیربخش های موردنظر؛ درک و

تبیین رسالت برنامه و «انتخاب»: دسته بندی افراد مرتبط با برنامه، انتخاب کارشناسان، ایجاد چارچوب مفهومی کلی که یک مدل مرجع برای فهم سیستم و پایه ای برای تصمیم گیری است.

۳. «فاز سه»: تهیه سناریو؛ در این فاز برهم کنش بین متغیرهای کلیدی تحلیل می شود و از این طریق تعدادی سناریو طراحی می شود.

۴. «فاز چهار»: اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی؛ اشاعه نتایج و تدوین راهبردهای پیشنهادی اهمیت برابری دارند که بر حسب نوع و اهداف برنامه آینده نگاری تغییر می کنند.

سازمان و ارزیابی عملکرد

در ادبیات و مبانی نظری تعاریف گوناگونی از اصطلاح «ارزیابی عملکرد» ارائه شده است. از لحاظ کلاسیک ارزیابی یعنی «فرایند تعیین ارزش یک چیز». ارزیابی شامل کسب اطلاعات جهت قضاوت در مورد ارزش یک برنامه، محصول، رویه و یا هدف است (استوارت، ۲۰۰۷، ص ۵۱۳). «ارزیابی عملکرد در بعد سازمانی معمولاً مترادف با اثربخشی فعالیتها است. منظور از اثربخشی میزان دستیابی به اهداف و برنامهها با ویژگی کارآ بودن فعالیتها و عملیات است» (رحیمی، ۱۳۸۵، ص ۳۶). «نلی» اندازه گیری عملکرد را «فرایند کمی نمودن کارایی» و «اثربخشی فعالیتهای معرف عملکردها» تعریف کرده است (نلی و همکاران، ۱۹۹۵، ص ۸۳). از سوی دیگر وزارت امور داخلی آمریکا ارزیابی عملکرد را به صورت فرایند نظام مندی تعریف می کند که کارها و انتظارات را برنامه ریزی و تنظیم می کند؛ عملکرد را به طور مستمر مورد بررسی نظارت قرار دهد؛ ظرفیت اجرا را ایجاد کند؛ به صورت دوره ای عملکرد را رتبه بندی کند و به عملکرد مناسب پاداش دهد (هاله، ۲۰۰۴). «سایمونز» معتقد است نظامهای کنترل و سنجش عملکرد رویهها و امور رسمی اطلاعات محوری است که مدیران برای حفظ یا اصلاح الگوهای فعالیت سازمانی به کار می گیرند (سایمونز، ۲۰۰۰). «بوندرز» ارزیابی عملکرد را ابزار

«نظارت» به شمار آورده (بوندز و همکاران، ۱۹۹۵: ۸). در مدیریت هر سازمان، نظارت فرآیندی اساسی است و از طریق نظارت است که می‌توان به حداکثر کارایی و اثربخشی در راستای اهداف سازمان دست یافت و به صحت پیش‌بینی‌های صورت گرفته در مورد برنامه‌ها پی برد (محمودی، ۱۳۸۶، ص ۵۴). «به‌طور کلی ارزیابی عملکرد به فرآیند سنجش و اندازه‌گیری عملکرد دستگاه‌ها در دوره‌های مشخص به گونه‌ای که انتظارات و شاخص‌های مورد قضاوت برای دستگاه ارزیابی شونده شفاف و از قبل به آن ابلاغ شده باشد، اطلاق می‌گردد.» (طبرسا، ۱۳۷۸، ص ۴).

«استفین رابینز» بیان می‌دارد: ساختار سازمانی تصریح می‌کند که وظایف چگونه تخصیص داده می‌شوند. چه کسی به چه کسی گزارش می‌دهد و کارهای هماهنگی رسمی و نیز الگوی تکامل سازمانی چگونه مشخص می‌شوند. همچنین معین می‌کند که چه کسی باید در کجا قرار گیرد، با چه کسانی ارتباط برقرار کند و از چه رویه‌ها و روشهایی پیروی نماید تا سازمان به اهدافی که دارد برسد. در واقع هدف از ساختار، ایجاد یک الگوی منظم ارتباطات برای دستیابی به اهداف سازمانی است (گرینبرگ و بارن، ۱۹۹۷، ص ۳۱۱).

ساختار سازمانی الگوی معین ارتباطات رسمی است که بین افراد و گروه‌های مختلف سازمان وجود دارد و اغلب با یک طرح شناخته شده‌ای بنام نمودار سازمانی بیان می‌شود که شبکه ارتباطات رسمی سازمان است. ساختار به الگوهای روابط درونی سازمان، «اختیار» و «ارتباطات» دلالت دارد (هاگ و فلدما، ۱۹۸۶، ص ۳۵). نقش‌های افراد در سازمان سنگ‌زیرین ساختار سازمانی بوده و روابط بین نقش‌هاست که ساختار را شکل می‌دهد (رابی، ۱۹۹۴، ص ۱۳۶).

وجود تفاوت در انواع ساختارهای سازمانی ناشی از تفاوت در ابعاد و مؤلفه‌های آن است. تا کنون متغیرهای بسیاری را به عنوان ابعاد سازمانی مطرح

کرده‌اند، اما می‌توان گفت که ابعاد سازمانی به‌طور کلی به دو گروه تقسیم می‌شوند: ساختاری و محتوایی (گیاو، ۲۰۰۴؛ ۲۰-۱۸):

۱. «ابعاد ساختاری» بیانگر ویژگی‌های درونی یک سازمان هستند. آن‌ها مبنایی به دست می‌دهند که می‌توان بدان وسیله سازمان‌ها را اندازه‌گیری و با هم مقایسه کرد. ابعاد محتوایی معرف جایگاه و کل سازمان هستند مثل اندازه یا بزرگی سازمان، نوع فناوری، محیط و هدف‌های آن. آن‌ها معرف جایگاه سازمان بوده و بر ابعاد ساختاری اثر می‌گذرانند.

۲. «ابعاد محتوایی» می‌توانند مبهم باشند، زیرا آن‌ها نشان دهنده‌ی سازمان و محیطی هستند که ابعاد ساختاری در آن قرار می‌گیرند. برای ارزیابی و درک سازمان، هر دو بعد «ساختاری» و «محتوایی» ضروری است (پارسایان اعرابی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). ساختار را به عنوان یکی از اجزاء سازمان که از عناصر رسمیت، تمرکز و پیچیدگی (رابینز، الوانی دانایی فرد، ۱۳۸۸، ص ۷۹) تشکیل شده تعریف کرده‌اند و در ادامه هریک از این مفاهیم به صورت مختصر توضیح داده می‌شود:

۱. «رسمیت»: بررسی ادبیات موجود در ساختار سازمانی نشان می‌دهد که منظور از رسمیت، میزان یا درجه‌ای از استاندارد بودن کارهای سازمان است. رسمیت یعنی میزان یا حدی از قوانین، رویه‌ها، دستورالعمل‌ها و ارتباطات مکتوب که در سازمان وجود دارد (رابینز، الوانی دانایی فرد، ۱۳۸۸، ص ۸۸). پرایس رسمیت را درجه‌ای از هنجارهای موجود میان سازمان که آشکار است مربوط می‌داند.

۲. «تمرکز»: رضایمان تمرکز را مفهومی تعریف می‌کند که بر چگونگی اخذ تصمیم دلالت دارد. اگر کلیه تصمیم‌های مهم در سطح مدیریت عالی اتخاذ شود، گفته می‌شود که سیستم کاملاً متمرکز است ولی اگر با تفویض اختیار، فرصت تصمیم‌گیری برای سطوح عملیاتی سازمان ایجاد گردد، سیستم را غیرمتمرکز می‌نامند (رضایمان، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴).
۳. «پیچیدگی»: پیچیدگی حدود تفکیک درون

سازمان را نشان می‌دهد و همچنین میزان تخصص‌گرایی، تقسیم کار و تعداد سطوح در سلسله مراتب سازمان را اشاره می‌کند و حدودی که واحدهای سازمانی از لحاظ جغرافیایی پراکنده شده‌اند را تصریح می‌کند (رابینز، الوانی دانایی فرد، ۱۳۸۸، ص ۸۱).

۴. «عملکرد»: توسعه کمی و کیفی دستگاهها، پیچیده تر شدن روابط و پیشرفت فناوری موجب افزایش اهمیت مدیریت در جهان امروز شده است. محدودیت منابع و امکانات، سرعت و کیفیت ارائه محصولات و خدمات، تشدید رقابت و ضرورت انجام هدفمند امور از چالش‌های اصلی مدیریت بوده و زمینه توجه دقیق به عملکرد سازمان‌ها را فراهم نموده است و در چنین شرایطی است که سازمان‌ها به صورت مستمر نیازمند «بهبود مدیریت» می‌باشند و بهبود مدیریت زمانی میسر است که عملکرد مورد ارزیابی قرار گیرد و تصویر روشن و شفافی از وضع سازمان در دسترس باشد (گلین، و صباغی، ۱۳۸۵). عملکرد، تقریباً شامل تمامی اهداف رقابت پذیری و تعالی تولید است و به هزینه، انعطاف پذیری، سرعت، قابلیت اعتماد یا کیفیت مربوط می‌شود بعلاوه، عملکرد می‌تواند به صورت چتری برای همه مفاهیمی که موفقیتها و فعالیت‌های تمامی شرکت‌ها را در بر می‌گیرد توضیح داده شود با این حال، انواع عملکردی که یک شرکت خاص می‌کوشد، با موفقیت به انجام رساند، بسیار خاص همان شرکت است (توماس و بارون ۱۹۹۴، پایگاه مقالات مدیریت).

سازمان با عملکرد برتر

تحولات فراینده و فشارهای رقابتی موجود در محیط سازمانهای ضرورت تمرکز بر نوآوری، ارتقاء کیفیت، بهبود خدمات به مشتری، ناتوانی ساختارها و الگوهای سنتی حاکم بر سازمانها در برآورده ساختن انتظارات و سرعت و کاهش هزینه را تشدید کرده است خواسته‌های ذینفعان باعث رواج رویکرد جدید سازمانی شده است که می‌کوشد از طریق طراحی و

ایجاد سازمانهای با عملکرد برتر، پاسخگوی خواسته‌های به حق ذینفعان باشد. در یک نگاه جامع سازمانهای با عملکرد برتر را می‌توان این گونه تعریف نمود: «سازمان با عملکرد برتر سازمانی است که در یک دوره زمانی بلند مدت از طریق توانایی انطباق مناسب با تغییرات و واکنش سریع به این تغییرات، ایجاد ساختار مدیریت منسجم و هدفمند، بهبود مستمر قابلیت‌های کلیدی و رفتار مناسب با کارکنان به عنوان اصلی‌ترین دارایی، نتایجی بهتر از سازمانهای هم‌تراز دست می‌یابد» (وال، ۲۰۰۵). «پیترز و واترمن» برای نخستین بار در یک پژوهش گسترده با مطالعه ۴۳ شرکت بزرگ آمریکایی که در شش شاخص رشد مرکب دارایی‌ها، رشد مرکب سهام، نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری، بازده سرمایه، بازده سهام و بازده فروش از رقبا بالاتر بوده‌اند به ۸ اصل اساسی موفقیت در این شرکتها رسیدند؛ در این پژوهش هشت ویژگی شرکت‌های مبتکر و نوآور به شرح ذیل عنوان شد:

«تعصب به عمل، تماس نزدیک با مشتری، استقلال و تهور، بهره‌وری از ناحیه کارکنان، توجه به ارزشها، پایبندی به کار اصلی، ساختارهای ساده، تمرکز و عدم تمرکز» (پیترز و واترمن، ۱۹۸۲).

مطالعه مهم بعدی توسط جیمز کالینز و جری پوراس انجام شد که در یک طرح پژوهشی شش ساله با بررسی ۱۸ شرکت که موقعیت خود را برای ۵ تا ۱۵ دهه حفظ کرده بودند با ۱۸ شرکت دیگر که در مقایسه چندان موفق نبودند به شناسایی مجموعه اصولی که موجب تمایز این شرکتها شده بود پرداخته که در نهایت ویژگیها و فلسفه حاکم بر شرکت‌های آرمانی را در کتابی تحت عنوان «ساختن برای ماندن» منتشر نمودند. رویکرد ساعت سازی نه ساعت گویی، فلسفه هم‌این و هم‌آن، اهدافی مهم تر از سود، حاکمیت جهان بینی و حفظ مداومت و پیشرفت، دارا بودن هدفهای بلندپروازانه، انتخاب شایسته، مدیریت، پیشرفت و بهبود مستمر به عنوان ویژگیهای شرکت‌های آرمانی عنوان شده

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

است (کالینز و پوراس، ۱۹۹۷).

کالینز (۲۰۰۱) در یک مطالعه ۵ راز شرکت‌های با عملکرد برتر را تیم رهبری قوی، توانایی جذب و نگهداری کارکنان با کیفیت، رویکرد منسجم و منظم به کسب و کار، توانایی استفاده استراتژیک از فن آوری، استفاده مناسب از تامین کنندگان قابل اعتماد ذکر می‌کند. دالتون ۲۰۰۰ در بررسی خود در خصوص عناصر اصلی سازمان با عملکرد برتر ۵ جزء اصلی یک سازمان با عملکرد برتر را، مشارکت کارکنان، تیم‌های کاری خودگردان، فن آوری تولیدی منسجم، یادگیری سازمانی و مدیریت کیفیت فراگیر عنوان نموده است. اسمیت در مقاله خود هفت راز ایجاد سازمان‌های با عملکرد برتر را تعهد و مشارکت مدیریت ارشد، تمرکز استراتژیک، تیم‌های راهبردی، شناسایی پروژه‌های کلیدی بهبود، تیم‌گرایی و ایجاد منشور و اندازه‌گیری (سنجش) ذکر می‌کند (سایت راهکار مدیریت، ۱۳۹۴).

روش و اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه بین آینده‌شناسی مدیران با پیشرفت عملکرد سازمان در سازمان‌های دولتی شهرستان دیلم است. اهداف فرعی تحقیق عبارتند از:

- ۱- تعیین رابطه بین ابعاد آینده‌شناسی مدیران با ابعاد پیشرفت عملکرد سازمان؛
- ۲- تعیین میزان قدرت پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان توسط مولفه آینده‌شناسی تحلیلی مدیران؛
- ۳- تعیین میزان قدرت پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان توسط مولفه آینده‌نگری نظری مدیران؛
- ۴- تعیین میزان قدرت پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان توسط مولفه آینده‌نگری مشارکتی مدیران؛
- ۵- تعیین میزان پیشرفت عملکرد سازمان‌های دولتی با توجه به مولفه‌های اهداف، تفویض اختیار، طرح‌های کاری، نیازها و آموزش‌های اولیه، تسهیلات، بازخورد، پیگیری، قدرشناسی، و بهسازی.

سوالات تحقیق عبارتند از:

۱. آیا بین ابعاد آینده‌شناسی مدیران و ابعاد پیشرفت

عملکرد سازمان رابطه معنی‌دار وجود دارد؟

۲. آیا میزان آینده‌شناسی تحلیلی مدیران توانایی

پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان را دارد؟

۳. آیا میزان آینده‌نگری نظری مدیران توانایی

پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان را دارد؟

۴. آیا میزان آینده‌شناسی مشارکتی مدیران توانایی

پیش‌بینی پیشرفت عملکرد سازمان را دارد؟

متغیرهای تحقیق عبارتند از:

در تحقیق حاضر متغیر مستقل (پیش‌بین) آینده‌شناسی مدیران است که در سه بعد آینده‌شناسی تحلیلی، نظری و مشارکتی مورد تحقیق قرار می‌گیرد و متغیر وابسته، پیشرفت عملکرد سازمان است که در ابعاد نه‌گانه تفویض اختیار، طرح‌های کاری، نیازها و آموزش‌های اولیه، تسهیلات، بازخورد، پیگیری، قدرشناسی و بهسازی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق: تحقیق حاضر از نوع توصیفی، همبستگی می‌باشد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری نیز عبات است از: جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کارکنان شهرداری شهرستان دیلم که بصورت رسمی، پیمانی و قراردادی مشغول به کار می‌باشند که بالغ بر ۶۰۰ نفر می‌باشند و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۹۵ نفر از کارکنانی که در دسترس بودند به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش: برای انجام پژوهش حاضر از دو پرسش‌نامه استفاده شده است:

۱. الف) پرسش‌نامه محقق ساخته آینده‌شناسی و شخصیت آینده‌گرای مدیران با ۴۱ سوال بصورت طیف لیکرت که پس از نظرخواهی از صاحب‌نظران در مورد روایی آن و انجام آزمون مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور دیلم، پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ برابر ۹۳٪ بود.
۲. ب) پرسش‌نامه محقق ساخته ۲۰ سوالی پیشرفت عملکرد سازمان که بر اساس نظریه پیشرفت عملکرد که توسط جرارد اگان (۱۹۹۵) در کتاب راهنمای مدیران آموزش عالی منبع پروفیسور مک کفری نقل

جدول ۳. میانگین متغیرها

متغیر	پیشرفت عملکرد	آینده شناسی	آینده شناسی	آینده شناسی
میانگین	سازمان	مدیران	تحلیلی	نظری
میانگین	۷۰/۵۴	۱/۰۱	۲۶/۴۴	۳۰/۵۶

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیش بین بین متغیرهای آینده شناسی با استفاده از رگرسیون ساده

مدل	متغیر	B	Std.err.r	Beta	T	Sig
آینده شناسی تحلیلی	۱/۳۰۲	۰/۲۳۰	۰/۵۶۵	۵/۴۳۶	۰/۰۰۰	
آینده نگری نظری	۰/۹۴	۰/۱۸۷	۰/۲۸۱	۲/۱۸۸	۰/۰۳۳	
آینده نگری مشارکتی	۱/۴۲۹	۰/۲۳۳	۰/۶۰۰	۶/۱۳۲	۰/۰۰۰	

جدول ۳. میانگین نمرات داده شده به مولفه های پیشرفت عملکرد

مؤلفه	امتیاز	مؤلفه	امتیاز	مؤلفه	امتیاز
اهداف	۱۰/۴۸	تعویض اختیار	۶/۵۱	طرح های کاری	۷/۱۶
پیگیری	۶/۹۴	بهسازی	۱۱/۳۷	نیازهای و آموزشهای اولیه	۷/۴۹
تسهیلات	۶/۰۵	بازخورد	۶/۹۴	قدرشناسی	۶/۲۶

شده است که پس از نظر خواهی از متخصصین مدیریت در مورد رویی آن و اعمال تغییرات خواسته شده آنها، در مورد پایایی آن آزمون مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور دیلم به عمل آمد که پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرانباخ برابر ۹۵٪ بود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

با توجه به اطلاعات به دست آمده از جداول بررسی چگونگی توضیح پاسخ گوینان بر اساس متغیر جنسیت ۷۴/۷ درصد مرد و ۲۲/۱ درصد زن، بر اساس متغیر وضعیت تاهل: ۱۷/۹ درصد مجرد و ۷۳/۷ درصد متاهل، بر اساس متغیر تحصیلات ۱۶/۸ درصد دیپلم و زیر دیپلم، ۱۸/۹ درصد فوق دیپلم،

طبق اطلاعات بدست آمده از جدول بالا پیشرفت عملکرد در سازمان دارای بالاترین میانگین و آینده شناسی مدیران دارای کمترین میانگین می باشد. تفسیر: در خصوص متغیر آینده نگری نظری با توجه به مقدار Sig = ۰/۰۳۳۳ مشخص می شود که پیشرفت عملکرد سازمان از روی آینده نگری نظری قابل پیش بینی است. همچنین در خصوص

متغیرهای آینده شناسی مدیران، آینده شناسی تحلیلی و آینده شناسی مشارکتی با توجه به مقدار $Sig=0$ مشخص شد که پیشرفت عملکرد سازمان از روی هریک از متغیرهای ذکر شده قابل پیش بینی است.

طبق اطلاعات بدست آمده از جدول، به مولفه تسهیلات کمترین امتیاز و به مولفه بهسازی بیشترین امتیاز داده شده و مجموع امتیاز کسب شده در ارزیابی میزان پیشرفت عملکرد سازمان ۷۰ میباشد، یعنی می توان نتیجه گرفت پیشرفت عملکرد در سازمان متوسط و رو به پیشرفت می باشد.

نتیجه گیری و جمع بندی

با توجه به اطلاعات به دست آمده درخصوص معنی دار بودن رابطه بین متغیرها و پیشرفت عملکرد سازمان، مولفه آینده شناسی مشارکتی بیشترین همبستگی و مولفه آینده نگری نظری کمترین همبستگی را نشان می دهد. این نتایج بیانگر این مطلب است که مدیران سازمان در تبیین آینده و آینده نگری و آینده گزینی از نظرات کارکنان خود استفاده می نمایند و هر اندازه باورها و نظرات کارکنان خود را بیشتر دخالت دهند پیشرفت عملکرد سازمان بیشتر خواهد بود. مدیران در تبیین چشم انداز آینده سازمان خود بعد از آینده شناسی مشارکتی از آینده نگری تحلیلی یعنی تجزیه و تحلیل عناصر و امور سازمانی استفاده می نمایند یعنی از واقعیت های معلوم برای تبیین رخدادهای نامعلوم استفاده می نمایند. همچنین مدیران این سازمانها از آینده نگری نظری کمتر بهره می بردند لذا برای تبیین چشم انداز آینده سازمان طبیعتاً می بایست از اعمال نظرات شخصی دوری جویم و نظرات خصوصی و شخصی خود را کمتر اعمال نماییم و از نظرات و عقاید کارکنان هم استفاده نماییم باتوجه به کمی جمعیت و کوچک بودن جامعه و سیستم سازمانی شهرستان دیلم و آشنا بودن مدیران با افراد در محیط کاری خود و وجود فرهنگ همدلی گذشته

که هنوز در جوامع کوچک یافت می شود و با توجه به اینکه مدیران این سازمانها بیشتر از افراد خود شهرستان می باشند. یافته های این تحقیق قابل توجهی می باشد. ضمن اینکه تئوری های مدیریتی و نظرات متخصصان و صاحب نظران علم مدیریت موید یافته های تحقیق می باشد.

منابع و ماخذ

ال دفت، ریچارد (۱۳۷۴) تئوری و طراحی سازمان، پارسایان علی، اعرابی سید محمد، چاپ و نشر بازرگانی تهران.

برک پور، ناصر (۱۳۸۳) طراحی و اجرای نظام ارزیابی عملکرد در سازمان شهرداریها و دهیاریهای ایران، ویژه نامه ی مدیریت استراتژیک شهری ۲، ضمیمه ماهنامه شهرداری ها، شماره ۲۲، صص ۷۷-۶۸.

بنیاد توسعه فردا (۱۳۸۴) روش های آینده نگاری تکنولوژی، گروه آینده اندیشی بنیاد توسعه فردا، تهران.

بهار، مهرداد (۱۳۵۷) گنگ دژ و سیاوشگرد، شاهنامه شناسی، بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران.

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده پژوهی حوزه ای نو برای کندوکاو، سایت کشف آینده

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۶) آینده نگاری سنت حاکم بر آینده پژوهی، سایت کشف آینده. www.futuresdiscovery.com

خزائی، سعید (۱۳۸۶) آینده پژوهی، مفاهیم و ضرورت ها، سایت کشف آینده

پدرام، عبدالرحیم (۱۳۸۸) آینده پژوهی مفاهیم روش ها، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

حاجی کتابی، علی؛ کیائی، بتول؛ نسیری، نسترن (۱۳۸۴) بررسی و تبیین ماهیت مدیریت عملکرد با توجه به الگوی BSC، تهران: دومین کنفرانس ملی مدیریت عملکرد.

حجازی یوسف، شمس علی (۱۳۸۴) بررسی عوامل موثر بر عملکرد شغلی کارشناسان ترویج کشاورزی، دانش مدیریت، شماره ۶۸.

خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷) روش تحقیق در مدیریت، انتشارات بازتاب، تهران.

خزایی، سعید و امیر محمودزاده (۱۳۹۲) آینده پژوهی، اصفهان، انتشارات علم آفرین.

خزائی، سعید و همایون جاذبی زاده (۱۳۸۷) هنر آینده‌نگاری، کشف آینده، شماره سوم. www.futuresdiscovery.com

خزائی، سعید، و عبدالرحیم پدرام (۱۳۸۷) راهنمای گام به گام آینده پژوهی راهبردی، انتشارات کشف آینده

رابینز، اسیفن (۱۳۸۸) تئوری سازمان ساختار و طرح سازمانی، الوانی، ترجمه: سید محمود دانایی فرد، انتشارات صفار هرندی.

رحیمی، غفور (۱۳۸۵) ارزیابی عملکرد و بهبود مستمر سازمان، مجله تدبیر، شماره ۱۷۳.

رستمی رضا، مهدیون روح اله، شالچی بهزاد، نارنجی ثانی فاطمه، غلامی ناصر (۱۳۸۸) رفتار سازمانی شهروندی: تبیین بر اساس ابعاد شخصیت، تعهد سازمانی و رضایت شغلی، روانشناسی معاصر.

رشیدپور ماندانا (۱۳۷۹) بررسی رابطه تعهد سازمانی با تمایل به ماندن در شغلی و عملکرد شغلی کارکنان حرفه ای در سازمان حسابرسی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، دانشگاه تهران.

رضاییان علی (۱۳۸۵) مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات سمت، تهران.

رضایی عبدالمطلب، رضوانفر احمد (۱۳۸۶) بررسی عوامل تاثیر گذار بر عملکرد شغلی کارشناسان ترویج، مطالعه موردی استان یزد، مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۶.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۶۲) کند و کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

ساعتچی محمود، قاسمی نوشاد، نمازی سمیه (۱۳۸۷) بررسی رابطه میان انگیزه‌ی شغلی مدیران، رضایت شغلی و تعهد سازمانی کارکنان (دبیران) مقطع متوسطه شهرستان مرودشت، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال اول، شماره

دوم، زمستان ۸۷.

سایمونز، رابرت (۱۳۸۵) نظام‌های کنترل و سنجش عملکرد برای اجرای استراتژی، ترجمه‌ی مجتبی اسدی، تهران: انتشارات گروه پژوهشی صنعتی آریانا.

سجادی سید نصرالله، امید علیرضا (۱۳۸۷) بررسی عوامل موثر بر عملکرد شغلی کارشناسان ستادی سازمان تربیت بدنی، حرکت، شماره ۳۸.

طبرسا، غلامرضا (۱۳۷۸) بررسی و تبیین نقش اقتضائات استراتژیک در انتخاب الگوی ارزیابی عملکرد سازمان‌های دولتی، مجموعه مقالات دومین جشنواره شهید رجایی ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور، تهران: سازمان امور اداری و استخدامی کشور.

علی‌بابایی، غلامرضا و بهمن، آقایی (۱۳۶۵) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر ویس.

علیزاده، عزیز (۱۳۷۸) سناریوها: بهترین ابزار برای رویارویی با آینده، اندیشکده وحید.

علیزاده، عزیز، وحید وحیدی مطلق و امیر ناظمی (۱۳۸۷) سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، موسسه مطالعات انرژی، تهران.

کریتنر، رابرت (۱۳۸۴) مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه: فرهنگی، علی اکبر. صفر زاده، حسین. تهران، پیام پویا.

کشف آینده (۱۳۸۷) خبرنامه الکترونیکی، کانون آینده پژوهان ایرانی، شماره های اول، دوم، سوم گروه مطالعات آینده‌نگر (۱۳۹۱) ضرورتها و مبانی معرفت شناختی آینده پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

محمودی، علیرضا (۱۳۸۶) مبانی طراحی نظام جامع نظارت همگانی شهرداری تهران (۱۸۸۸)، مجموعه مقالات نخستین همایش علمی- تخصصی نظارت همگانی شهرداری تهران (۱۳۸۵)، ناشر: معاونت اطلاع رسانی و بهره‌دهی مرکز نظارت همگانی شهرداری تهران (۱۸۸۸).

ملکی فر، عقیل (۱۳۸۵) الفبای آینده پژوهی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

sity, 1989:170

Kelley, SW & Hoffman, KD An investigation of positive affect, prosocial behaviors and service quality, *Journal of Retailing*, Vol. 73, No. 3, pp. 407.427, 1997.

Lookman, An investigation into perceptions of accounting firm organizational structure, Georgia state university, May 4,1999

Mitchell, Elizabeth Ann, An Integrative Model for The Study Of Public Accounting Firms, Texas A&M University, 1987

Netemeyer R.G., Boles J.S.; Mckee D.O., McMurrian R.; "An investigation into the antecedents of organizational citizenships behaviors in a personal selling context"; *Journal of Marketing*, Vol.61, 1997.

Organ D.W., *Organizational citizenship behavior: The good soldier syndrome*, Lexington, MA: Lexington Books, 1988:152.273

Paula Elizabeth ,Frank, Job Satisfaction of administrators of academic nursing units in higher education as it relates to formal organizational structure The University of Utah, 1982:202

Podsakoff, M. P.; Mackenzie , B., S, Puine, B. J., and Bachrach, G. D. (2006), "Organizational Citizenship Behaviors: A Critical Review of the Theoretical and Empirical Literature and Suggestions for Future research", *Journal of Management*, 26, 513.563.

Randall Calvert., McCubbins Matthew., Weingast Barry.; "A Theory of Political Control of Agency Discretion"; *American Journal of Political Science*, Vol.33, August 1989:264

Robbins, Stephen, *Management 5th.ed* Newjersy, Prentice Hall,1996:128

Robby, Daniel, (1994) the Impact of Information Technology on Organization Structure *Information Management*:116.146

Soler, Carole Hannah, The relationship of organizational structure and job characteristics to teachers' job satisfaction, John's university:1998

اندیشکده صنعت و فناوری.

مور، تامس (۱۳۶۱) آرمانشهر، ترجمه داریوش آشوری، خوارزمی، تهران.

میرسپاسی، ناصر (۱۳۷۲) مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران، انتشارات مرکز مدیریت دولتی.

میرکمالی سیدمحمد (۱۳۷۳) رفتار و روابط در مدیریت، تهران، انتشارات رامین.

ناظمی قدیری، امیر (۱۳۸۵) «آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا»، مرکز صنایع نوین، وزارت صنایع و معادن، تهران

Barnard C. I. (1938). *The Functions of the Executive*. Cambridge, MA:Harvard University Press:34.37

Bateman T.S., Organ D.W.; "Job satisfaction and the good soldier: The relationship between affect and employee citizenship"; *Academy of Management Journal*, Vol.26, 1983:107

Befort, N. & Hatstrup, K.(2003). "Valuing tax and contextual performance: experience, job roles and rating of the importance of job behaviors, applied H. R.M. Research, 8(1), PP:17.35.

Chen, Chien.Cheng & Chiu, Su.Fen. An integrative model linking supervisor support and Organizational citizenship behavior, *Journal of Business and Psychology* , Vol.23, pp.1.10, 2008.

Cortese CG. Job satisfaction of Italian nurses: an exploratory study, *Nursing Management* 2007; 15(3): 303.312.

Counte et al. Participative manageen among staff nurses. *Hospital & health services Administration*,1987: 97.104

Cumbey Dorothy Anne, The relationship of job satisfaction with the organizational variables of structure, university of south Carolina,1995

Dewar and werbel,universalistic and contingency predictions of employee satisfaction & conflict , *Administration Science quarterly*,1979:426.448

Giao, D. M (2004) Report on results of the study tour on public Administration reform in China, Singapore and South Korea, Social Government Conference, Seoul, March 18.20 (2004)

Houlihan, Edward; Skalski, John M. Bureaucracy, organizational climate, militancy, and job satisfaction of Vermont elementary teachers in single and multi.district superintendencies; Fordham Univer-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۶۲

بررسی تأثیر قانون تعاریف محدوده و حریم بر ساختار کالبدی-فضایی آینده شهرها نمونه موردی: شهر مشهد

محمد رحیم رهنما - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
براتعلی خاکپور - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
غلامرضا عباس زاده* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

رشد جمعیتی و تداوم پراکنده‌رویی در شهرها، سبب گردیده تا تعیین محدوده یا سیاست محدودیت شهری به عنوان راهکاری جهت مهار رشد شهرها و مدیریت آن، مدنظر قرار گیرد. این سیاستها، محتوای یکسانی نداشته و می‌تواند اثرات مختلف را بر شهر و محیط پیرامونش برجای گذارد. در این مطالعه با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با هدف شناخت اثرات این سیاست‌ها و قوانین مربوط بر فرم فضایی-کالبدی کلانشهرهای ایران، کلانشهر مشهد به عنوان نمونه، مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج بیانگر آن است که قانون «تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» به عنوان مهمترین قانون در زمینه تعیین محدوده‌های شهری بوده است که با توجه به برخی ضعفهای آن، سبب شده آبادی‌های پیرامون مناطق کلانشهری به صورت نواحی منفصل شهری درآمده و توسعه شهری را به صورت جسته و گریخته رقم زند. علاوه بر این به دلیل عدم تعیین تکلیف و سیاست گذاری مناسب در فواصل بین این نواحی با کلانشهر و رونق ساخت و ساز در این مناطق، فضای بین شهر و نواحی جدید، بتدریج پر شده و باعث گسترش افقی یا اسپرال شهر خواهد شد. همچنین باتوجه به تفاوت‌های موجود در بافت‌های روستایی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی حاکم بر ساکنان، نابرابری‌های زیادی در فضای شهری وجود خواهد داشت که در ساختار فضایی شهر مشهد اثرگذار خواهد بود و باعث آشفتگی و دوگانگی در ساختار فضایی شهر خواهد شد؛ به عبارتی سیاست‌های محدودیت شهری در ایران تاکنون در جلوگیری از توسعه پراکنده شهر، کارایی لازم را نداشته و برخی نقاط ضعف آن سبب گردیده که همچنان شاهد توسعه‌های شهری و شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در مناطق کلانشهری باشیم.

واژگان کلیدی: محدودیت شهری، محدوده، حریم، توسعه جسته و گریخته.

Study on the effects of city growth boundaries Act on the physical-spatial structures of cities in the future (casestudy: Mashhad metropolis)

Abstract

The growing population, a continuation of dispersed and urban sprawl in cities caused that determination of urban growth boundaries or policies of the city containment considered as a solution in order to inhibit the growth of cities and urban growth management. These policies do not always have the same content and they can have different effects on the city and its surroundings. In this study, using the descriptive-analytic method and with the purpose of determining the effects of these policies and related acts on physical-spatial form of Iran metropolises, Mashhad metropolis had been studied as a case. The results indicate that "Defining limits of the city, villages and towns, and determining them" Act is the most important Act for determining the urban growth boundaries which considering some of its weaknesses, it caused that some settlements around urban area become detached urban areas and lead to scattered and leapfrogged urban developments. Moreover, due to lack of appropriate policies in distances between these regions and the metropolis area and the construction boom in these distances, the spaces between the city and the new areas will be filled. Therefore, the result will be horizontal extension and urban sprawl. Also, due to differences in rural context and socio-economic status of the residents there will be many inequalities in urban space which will affect spatial structure of Mashhad metropolis and will cause confusion and ambiguity in spatial structure of the city. In other words, urban containment policies in Iran do not work properly to prevent the urban sprawl and some of their weaknesses have caused continuous urban growth and formation of marginalization in urban areas.

Keywords: city containment, city limits, leapfrog development

مقدمه

پاسخگویی به رشد روزافزون جمعیتی شهرها، خواه ناشی از رشد طبیعی جمعیت و خواه بر اثر مهاجرت، رشد کالبدی شهرها را گریزناپذیر ساخته است (سعیدی و کاظمی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰). گرچه سیاست‌ها و استراتژی‌های رشد شهری، بر اساس شرایط محلی و علایق سیاسی و اقتصادی در مکان‌ها که تمایل به حفظ یا بازتولید دارند، متفاوت است (Jonas, 197, 1991)؛ اما یکی از مهمترین مسایل کلان شهری در این زمینه، تداوم پراکنده‌رویی یا خزش شهری است که به معنای گسترش فضایی نامنظم ساخت و سازهای کلان شهر است که در نتیجه جابجایی و تغییر مکان فعالیت‌ها و جمعیت از شهر مرکزی به طرف خارج شهر و پخش شدن آنها در نواحی حومه‌ای ظاهر می‌شود (صرافی و تورانیان، ۱۳۸۳، ص ۹).

پراکنده‌رویی اغلب در زمین‌های خارج از محدوده شهرداری رخ می‌دهد، یعنی محوطه‌هایی که در داخل محدوده هیچ شهرداری قرار نداشته و به دلیل فقدان مرجع کنترلی دیگر و نیز وجود شرایط نامناسب برای ساخت و ساز در قیاس با محوطه محدوده‌های شهری، پراکنده‌رویی در آن نواحی بیشتر رشد می‌یابد (طیبیان و اسدی، ۱۳۸۷، ص ۱۴). لذا تعیین محدوده‌های شهری یکی از راهکارهای مورد استفاده در سیاست‌های موسوم به مهار رشد شهرها یا مدیریت رشد شهری است که هدف اصلی از به‌کارگیری آن، جلوگیری از رشد ناخواسته شهری و بزرگتر شدن ابعاد کالبدی شهرهاست که به تخریب محیط زیست و فضاهای باز و از دست رفتن زمین‌های آسیب‌پذیر یا مستعد توسعه می‌انجامد (نوروزی فرد و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۵۲).

حریم شهرها در اجرای سیاست مدیریت و مهار توسعه شهرها و جلوگیری از گسترش ناموزون آنها ایجاد شده‌اند. با این وجود، این سیاست همیشه و همه جا محتوای یکسانی نداشته است. اغلب در

این زمینه به سه سیاست مشخص اشاره شده است (Pendall et al, 2002; Bengston et al, 2004)؛

Bengston et al, 2006) که عبارتند از:

۱- حریم به معنای مرزهای توسعه شهری (UGB)

۲- حریم به معنای مرزهای خدمات شهری (USB) و

۳- حریم به معنای کمربند سبز (GB).

«مرزهای توسعه شهری» (UGB) خطی است که به عنوان حدفاصل میان محدوده شهری و منطقه روستایی پیرامون آن، ترسیم شده است. پهنه بندی (زونینگ) نواحی داخل خط برای کاربری‌های شهری و بیرون خط برای کاربری‌های روستایی است. وجه تمایز سیاست مرزهای توسعه شهری و کمربند سبز در این است که اولی قرار نیست دائمی باشد. محدوده بر حسب نیاز، گسترش می‌یابد. گاهی محدوده گسترش آینده نیز مشخص می‌شود (توفیق، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

«مرزهای خدمات شهری» (USB) سیاست دیگری برای مهار توسعه شهری است که انعطاف پذیری آن حتی بیشتر از مرزهای توسعه شهری است و مرز خدمات شهری محدوده‌ای را نشان می‌دهد که فراتر از آن برخی خدمات شهری مانند آب، فاضلاب، برق و مشابه عرضه نمی‌شود. اراضی بیرون محدوده‌های از این دست قابل ساخت و ساز هستند، اما ساکنان نباید انتظار خدمات شهری را داشته باشند (توفیق، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

طرح کمربند سبز، انگاره‌ای از برنامه‌ریزی عمومی کاربری زمین است. اساس و بنیاد این انگاره به ایده ابنزر هاوارد در اوایل قرن بیستم برمی‌گردد، زمانی که مفهوم باغ شهرها در شهر لندن و گسترش پراکنده این شهر را مطرح کرد (خلیلی، ۱۳۹۱، ص ۶۱). کمربند سبز در تعریف غالب، فضای واقعی و باز- جنگل، زمین زراعی، مرتع و دیگر فضاهای باز- پیرامون شهر یا مجموعه شهری (منطقه متروپلی) است که قرار است حائل و مانع دائمی در برابر توسعه شهری باشد. در اراضی مشمول کمربند سبز، توسعه به معنای ساخت و ساز یا از مقررات اکیدا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

تبعیت می کنند و یا به کلی ممنوع است. کمربند سبز با تملک فضای باز یا حق ساخت و ساز به وسیله دولت یا سازمان‌های غیرانتفاعی یا با وضع مقررات برای زمین‌های خصوصی، ایجاد می شود (توفیق، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

رشد جمعیت بی سابقه همراه با فعالیت های توسعه ای بدون برنامه ریزی در ایران، منجر به شهرنشینی سریع شده است. کلانشهر مشهد نیز به عنوان دومین کلانشهر ایران، رشد بالای جمعیت شهری را تجربه کرده است؛ به طوری که روند توسعه کالبدی و مساحت مناطق حاشیه نشین شهر مشهد از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ نشان دهنده میانگین رشد ۸۶٫۴ درصد می باشد و سبب گردیده به منظور کنترل رشد شهری، محدوده های مختلفی پیرامون شهرها تعریف گردد که تاکنون اثرات مختلف این محدوده ها، در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در سطح جهانی، نیز گرچه مباحثات زیادی در خصوص اثرات مثبت و منفی سیاست محدودیت شهری (UCP) انجام گرفته، اما بسیاری از تحقیقات بر اثرات سیاست محدودیت شهری روی بازارهای مسکن یا رشد شهری و زمینه های خاص دیگر متمرکز شده اند (Carlson & Nelson et al, ۲۰۰۴; Woo & Guldmann, ۲۰۰۷; Dierwechter, ۲۰۱۴)، اما تاکنون اثرات سیاست محدودیت شهری بر فرم شهرها مورد توجه قرار نگرفته است. آنچه مسلم است، سیاست محدودیت شهری و تعیین ضوابط و مقررات حاکم بر محدوده های شهری و نوع رویکرد به آبادی های پیرامونی در شهر می تواند بر الگوی رشد و فرم شهرهای مرکزی نیز تأثیر گذارده و ساختار شهر را تحت تأثیر قرار دهد. لذا هدف این مقاله آن است تا تأثیر سیاست های محدودیت شهری و قوانین و مقررات حاکم بر آن را بر فرم کالبدی- فضایی شهر مورد تحلیل قرار دهد. نتایج با استفاده از تحلیل نمونه موردی شهر مشهد، می تواند به ارزیابی اثرات این سیاست بر فرم کالبدی- فضایی شهرها در ایران کمک کند.

بر این اساس در بخش ۲ مقاله به مرور ادبیات پرداخته می شود. بخش ۳ متدولوژی تحقیق و چارچوب تئوریک کار را نشان می دهد. در بخش ۴ به یافته ها پرداخته می شود که در ابتدا مفهوم شناسی محدوده های شهری با توجه به قوانین در ایران بررسی خواهد شد و در ادامه نیز با توجه به آمار و اطلاعات و جمعیت و سکونتگاه های پیرامون شهر مشهد و نقشه های مربوطه، نقش بالقوه محدوده های شهری در تغییر فرم کالبدی- فضایی کلانشهر مشهد در آینده مورد بحث و تحلیل قرار می گیرد و بخش ۵ نیز نتایج را نشان می دهد.

مرور ادبیات

سیاست های محدودیت شهری

پس از آنکه شهرها به خاطر بروز مسایلی از جمله رشد صنعت، شهرنشینی شتابان، گسترش حمل و نقل و غیره دچار رشد خود به خودی شدند، با طرح مفهوم سیاست مهار یا تحدید رشد شهری، سعی شد به مسأله گسترش بی برنامه پاسخ داده شود. در واقع شهر محدود از گسترش رو به بیرون زمین های شهری و فشارهای ناشی از گسترش بازار جلوگیری می کند تا بتواند بیشتر به توسعه درونی توجه داشته باشد. سیاست های شهر محدود عبارت است از: تعیین و تصویب مرزهای رشد و توسعه شهری، محدودیت در خدمات رسانی به نواحی دور از مرکز، تعیین و اجرای کمربند سبز، اعمال محدودیت توسعه مسکونی جدید در نواحی کشاورزی، سرعت بخشیدن به توسعه های جدید برای انطباق با توسعه زیرساخت های جدید، محدودیت در صدور مجوزهای جدید مسکونی، تدوین برنامه های حفاظت و نگهداری از زمین و تشویق های مالیاتی (Razin, ۱۹۹۸; Tjallingii, ۲۰۰۰).

«هربرت جرارد» (Herbert Girardet, ۱۹۹۹) اظهار می دارد که «در بسیاری از شهرها، پراکنش تنها از طریق بکارگیری محدودیت های برنامه ریزی شدید» می تواند محدود گردد. «جنکز و همکاران» (۱۹۹۶) به وضع قوانین منطقه بندی برای جلوگیری

از مکانیابی تسهیلات در بیرون شهر به منظور توزیع کالاها و مواد غذایی خانوارها اشاره می کنند که می تواند روشی برای بهبود رشد فشرده شهری و کاهش استفاده از اتومبیل باشد. آنها با در نظر گرفتن نیروی سرایت عدم تمرکز شهری، بهترین روش برای دستیابی به توسعه فشرده شهری را جلوگیری از پراکنش شهری از طریق وضع یک الگوی گسترش متمرکز می دانند.

به همین دلیل نخست در انگلستان پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم کمربند سبز و در ایالات متحده، در اوایل دهه ۱۹۷۰، موضوع مدیریت رشد به منظور مقابله با پدیده پراکنده رویی و گسترش ناموزون شهرها، مطرح شد (هال، ۱۳۸۷). کمربندهای سبز در انگلستان، معمولاً پیرامون مجموعه های شهری و شهرهای بزرگ مستقل قرار می گرفت (Hall, 1974, 403) و لندن به عنوان کلان شهر پیشگام در زمینه به کارگیری کمربند سبز در جهت پاسخگویی به رشد ناموزون شهری، برنامه ریزی و مدیریت آن، در سطح بین المللی شناخته شده است. ارزیابی اثرات کمربند سبز در دهه ۱۹۹۰ حاکی از آن بود که این سیاست در مهار پراکنده رویی شهری و جلوگیری از ادغام شهرها و شهرک ها، بسیار مفید بوده است.

در ایالات متحده نیز مدیریت رشد دنبال شد که ابتدایی ترین نمونه سیستم مدیریت رشد، انگاره اش را از اجرای سیاست ناحیه خدمات شهری گرفت که هدف آن توسعه زمین های مفید با خدمات عمومی همچون سیستم فاضلاب و حفاظت از زمین های کشاورزی خارج از محدوده خدمات شهری است (Roeseler, 1982, 110).

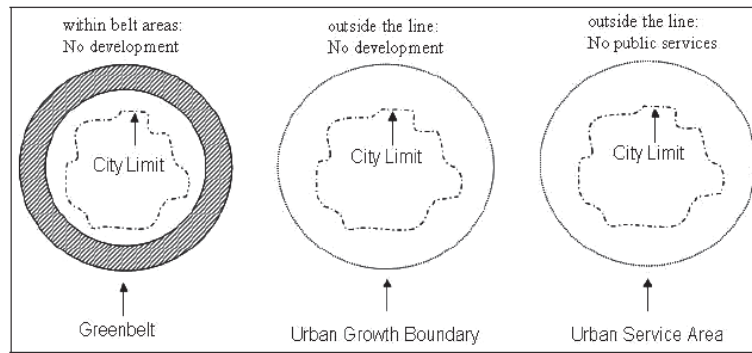
ایده مهار یا تحدید شهری به مفهوم خلق محدودیت های جغرافیایی در رشد شهری مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته و آنها را به طور فزاینده ای به محدوده های رشد شهری و ابزارهای مشابه دیگر، علاقه مند کرده است (Pendall et al, 2002). مهار شهری با دو هدف اساسی ارتقای الگوهای توسعه

فشرده و حفاظت از فضای باز، زمین های کشاورزی و نواحی حساس طبیعی (Nelson & Duncan, 1995)، شامل حداقل سه نوع مختلف از ابزارهای رشد می شود: کمربند سبز و مرزهای رشد شهری که به منظور تأثیرگذاری از عوامل فشار استفاده می کنند و محدوده خدمات شهری که از عوامل کشش استفاده می کنند (Pendall et al, 2002).

«استالی و همکاران»، مرز رشد شهری را به عنوان خطی تعریف می کنند که پیرامون یک شهر کشیده می شود و در نواحی فراتر از این مرز، توسعه های جدید مجوز داده نمی شود یا تشویق نمی گردد (Staley et al, 1999). بروکنر نیز مرز رشد شهری را به عنوان ابزار منطقه بندی تعریف می کند که کاربری های شهری در درون مرز و کاربری های روستایی مانند زمین های زراعی، جنگلی و مسکونی کم تراکم در خارج از مرز قرار دارند (Brueckner, 2000).

همانطور که در شکل دیده می شود، محدوده خدمات شهری (USA) مشابه UGB خطی است که پیرامون یک محدوده شهری کشیده می شود و در داخل آن، توسعه های جدید تشویق شده و خدمات عمومی فراهم می شود. محدوده های خدمات شهری معمولاً به توسعه های جدید فراتر از مرز امکان می دهد اما بدون اینکه زیرساخت را فراهم کند و بر حسب تغییرات مرز رشد شهری، انعطاف پذیر است. پندال و همکارانش، محدوده های خدمات شهری را به عنوان «سیاست کشش» می شناسند؛ در حالیکه مرزهای رشد شهری و کمربندهای سبز «سیاست های فشاری» هستند و اشاره می کنند که محدوده های خدمات شهری بیش از محدود سازی رشد جغرافیایی بر مباحث مالی تأکید می کنند (Pendall et al, 2002).

حکومت های محلی از طریق محدوده های خدمات شهری تلاش می کنند تا با محدود کردن مرز خدماتی، هزینه های خدمات عمومی را کاهش دهند، بنابراین محدوده های خدمات شهری بیشتر،



شکل ۱. سیاست های محدودیت شهری؛ ماخذ: (Wo, ۱۳, ۲۰۰۷)

جدول ۱. مقایسه سیاست های مختلف محدودیت شهری؛ ماخذ: (Wo, ۱۳, ۲۰۰۷)

ویژگی ها	هدف	استحکام	
کمربند سبز	توسعه های جدید در درون محدوده کمربند مجوز داده نمی شود	حفاظت دایمی از فضای باز یا منابع طبیعی	محکم ترین (تغییر در مرزها غیر معمول است)
مرز رشد شهری	توسعه های جدید فراتر از مرز با برخی استثنائات پذیرفته نمی شود	حفاظت از زمین کشاورزی و فضای باز، کنترل پراکنش شهری	استحکام متوسط (مرزها به صورت دوره ای بازنگری می شود)
محدوده خدمات شهری	توسعه های جدید فراتر از مرز بدون فراهم آوردن خدمات پذیرفته می شود	حداقل سازی هزینه های خدمات عمومی با مرز خدمات	استحکام حداقل (تغییرات منعطف تر در مرزها)

محکم ترین استراتژی محدودیت توصیف می کنند چرا که کمربندهای سبز اصولاً برای محافظت دایمی از فضای باز و منابع طبیعی به کار می روند (Pendall et al, ۲۰۰۲). تغییر در مرزها حتی تحت فشارهای توسعه بالا، غیر معمول است. کمربندهای سبز نواری از زمین های طبیعی محافظت شده را شکل می دهد. بررسی فراگیر تجربه جهانی نشان می دهد فعالیت تقریباً همه آنها در راستای مدیریت گسترش شهرها و بیش از پیش با هدف های حفاظتی و محیط زیستی یعنی به معنای کمربند سبز است (Amati, ۲۰۰۸). کره جنوبی و انگلیس، تاریخ طولانی استفاده از کمربندهای سبز را دارند

سیستم «بازار محور» هستند در حالیکه مرزهای رشد شهری به سیستم توسعه «کنترل و فرماندهی» نزدیکتر می باشند. محدوده های خدمات شهری به معنای خطی فراتر از شهر است که زیرساخت ها و خدمات در درون آن مستقر نشده یا به روزسانی نمی شود و به صورت دوره ای توسط حکومت های محلی بازنگری می شود. در حقیقت، توسعه شهری فراتر از محدوده های رشد شهری ممنوع نمی شود اما توسعه دهندگان، مسئولیت هزینه های توسعه شامل زیرساختها و خدمات را بر عهده دارند (Wo, ۱۳, ۲۰۰۷). پندال و همکاران، کمربندهای سبز را به عنوان

جدول ۲. جدول اثرات مثبت و منفی سیاست محدودیت شهری؛ مأخذ: Wo, ۲۰۰۷, ۳۶

اثرات مثبت	اثرات منفی
- حفظ فضای باز و زمین کشاورزی	- افزایش قیمت مسکن
- حداقل سازی استفاده از زمین	- توسعه جسته و گریخته
- ساخت و ساز کارای هزینه ای و کاهش هزینه های زیرساخت	- عدم دستیابی به رشد بالاتر مدنظر در درون مرز
- تفکیک کاربری های شهری و روستایی	- تهدید فضای باز و تفریحی درون مرز
- انتقال باقاعده زمین از کاربری روستایی به شهری	- عدم توانایی در فراهم آوردن فضاهای مسکونی
- ارتقاء حس یکپارچگی جامعه	- دلخواه ساکنان
	- افزایش ترافیک و ازدحام
	- محدودیت در مکان صنایع جدید

اما در شهرهای امریکایی، تنها نمونه های کمی قابل شناسایی است. جدول زیر مقایسه سیاست های مختلف محدودیت را نشان می دهد. برخلاف کمربندهای سبز، مرزهای رشد شهری اغلب به صورت دوره ای، دوباره ارزیابی شده و در صورت لزوم تغییر می یابد (Wo, ۲۰۰۷, ۱۱).

اثرات سیاست محدودیت شهری

گرچه سیاست محدودیت شهری توسط حکومت های محلی و ایالتی زیادی پذیرفته شده اما این سیاست ها، اثرات مثبت و منفی دارند که باید مورد توجه قرار گیرند. «واسمر» (۲۰۰۶) اثرات سیاست محدودیت شهری را بر اندازه نواحی شهری مورد تحلیل قرار داده و دریافته است که سیاست محدودیت شهر، اندازه شهرها را کاهش داده و تا حدی از پراکنش شهری، مانع شده است. «کاروتز» (۲۰۰۲)، اثرات دو نوع برنامه مدیریت رشد ایالتی- با و بدون مکانیزم های اجرایی قوی- را بر تراکم، مساحت شهری، ارزش املاک، هزینه های عمومی زیرساخت و جمعیت با استفاده از SEM، بررسی کرده است و نتیجه گرفته که برنامه های مدیریت رشد ایالتی قوی به طور مؤثری در ممانعت از پراکنش، سهم داشته است.

«وو و گولدمن» برای اندازه گیری اثرات انواع مختلف سیاست های محدودیت شهری برحسب قدرت

آنها روی ساختار فضایی شهری در ۱۳۵ محدوده کلانشهری امریکا از SEM استفاده کرده اند. آنها دریافتند که سیاست های قوی محدودیت شهری در سطح ایالت مانند مرزهای رشد شهری اورگان، ساختار فضایی شهری چندمرکزی را بهبود بخشیده، و به طور مؤثری در کنترل پراکنش شهری، نقش داشته است. در نمونه ایالت پیورس در واشنگتن؛ کارلسون و دایروچتر دریافتند که ساخت و سازهای جدید بین سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۲، عمدتاً در درون مرزهای رشد شهری که از ۱۹۹۵ مشخص شده است، اتفاق افتاده است. این نتایج اشاره دارد که مرزهای رشد شهری، توسعه های جدید در درون مرزها را تشویق کرده است.

توفیق با مطالعه حریم شهر تهران و مقایسه بین سالهای ۱۳۴۵ که طرح جامع اولیه شهر تهران تهیه شده و سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که پس از گذشت چهار دهه، بسیاری از آبادی های حریم یا آبادی های تازه تأسیس شده به شهر مبدل شده اند و به غیر از ۲۲ شهر حریم در سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت ۳۰ روستای حریم بیش از پنج هزار نفر بوده یعنی با موازین رایج قابل تبدیل به شهر شدن هستند. وی اظهار می دارد که آبادی های بزرگ حریم، خواه شهر نامیده شوند یا نشوند، سرشت شهری دارند. به عبارتی شهرها و جمعیت شهری

جدول ۳. ویژگی های جمعیتی و کالبدی شهر مشهد طی سالهای مختلف: ماخذ: مهندسین مشاور

فرنهاد، ۱۳۸۸، ص ۶۶ و شهرداری مشهد، ۱۳۹۲

سال	جمعیت (نفر)	مساحت (هکتار)	تراکم شهری (نفر بر هکتار)	سرانه زمین شهری (متر مربع)
۱۲۷۰	۴۵۰۰۰	۷۵۰	۶۰	۱۶۷
۱۳۱۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۴۰	۹۶	۱۰۴
۱۳۳۵	۲۴۲۰۰۰	۱۶۰۰	۱۵۱	۶۶
۱۳۴۵	۴۰۹۶۰۰	۳۲۰۰	۱۲۸	۷۸
۱۳۵۵	۶۶۷۸۰۰	۷۸۰۰	۸۶	۱۱۷
۱۳۶۵	۱۴۶۳۵۰۰	۱۸۵۰۰	۷۹	۱۲۶
۱۳۷۵	۱۸۸۷۴۰۰	۲۶۱۰۰	۷۲	۱۳۸
۱۳۸۵	۲۴۲۷۳۰۰	۲۹۵۸۰	۸۲	۱۲۲
۱۳۹۰	۲۷۶۶۲۵۸	۳۰۳۹۸	۹۱	۱۰۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۶۹

می شود. همچنین روستاهایی که در سال های ۱۳۹۵، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۵ دارای شرایط شهر شدن (شاخص جمعیتی حداقل ۱۰,۰۰۰ نفر) هستند و از طرف دیگر داخل حریم شهر مشهد قرار گرفته اند، شناسایی شده و سپس با توجه به قانون «تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن ها»، اثرات آن بر رشد فضایی- کالبدی شهر مشهد مورد تحلیل قرار می گیرد.

محدوده و قلمرو پژوهش

شهر مشهد به عنوان دومین کلان شهر مذهبی جهان و دومین کلان شهر ایران (پيله ور و پورا احمد، ۱۳۸۳، ص ۱۰۴)، مرکز استان خراسان رضوی، در شمال شرق ایران قرار دارد و با نقش و عملکرد فرهنگی و مذهبی و اهمیت ارتباطی و تجاری در سطح ملی و فراملی (مافی و سقایی، ۱۳۸۷، ص ۲۸)، تا آغاز قرن حاضر بافت قدیمی و حالت سنتی خود را حفظ کرده، اما با شروع این دوره تغییراتی در بافت سنتی شهر پدید می آید و ساختار آن تغییر یافته و رشد آن آغاز می شود (رهنما و عباس زاده، ۱۳۸۵،

حریم به طور محسوس بیشتر از آن چیزی است که رسماً شهر نامیده شده است (توفیق، ۱۳۹۱، ص ۴۴). در مجموع اثرات مثبت و منفی سیاست های محدودیت شهری را می توان به صورت جدول زیر بیان نمود:

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و روش تحقیق از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد. در ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه ای و اسنادی به شناخت ادبیات و مفاهیم محدوده های شهری و سیاست های محدودیت شهری در جهان و ایران پرداخته شده و در ادامه با استفاده از نرم افزار Arc GIS و پس از روی هم گذاری لایه های رقومی حریم شهر مشهد و روستاهای شهرستان مشهد، روستاهای واقع در حریم شهر مشهد انتخاب شده و با توجه به روند رشد جمعیت در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ و تابع رشد نمایی جمعیت با فرض ثابت بودن نرخ رشد، جمعیت روستاهای داخل حریم شهر مشهد برای سال های ۱۳۹۵، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۵ پیش بینی



نقشه ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه؛ ماخذ: منصوری دانشور و کنگان خسروی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳.

محدوده قانونی، محدوده خدمات شهری و محدوده استحفاظی اشاره نمود:

۱- محدوده قانونی؛ بر اساس ضوابط قانونی پیشین در ایران، «محدوده ای که طبق قانون شهرداری یا قوانین مربوط به شهرداری ها تعیین شده و مناطق واقع در آن، بر اساس قانون، جزء مناطق شهری محسوب می شود» (شیعه، ۱۳۸۸، ص ۱۰)، محدوده قانونی شهر نامیده می شد.

۲- محدوده خدمات شهری؛ طبق ضوابط قانونی قبلی ایران، «محدوده ای که در داخل آن شهرداری در مورد ارائه خدمات شهری و همچنین صدور پروانه ساختمانی برای یک دوره معین اقدام می کند» (شیعه، ۱۳۸۷، ص ۱۰)، محدوده خدماتی شهرداری نامیده می شد.

۳- محدوده استحفاظی (حریم شهر)؛ محدوده استحفاظی، محدوده فراسوی محدوده قانونی شهر است که به منظور توسعه آتی شهر در نظر گرفته شده و تحت نظر و کنترل شهرداری بوده و شهرداری نظارت بر کلیه فعالیتهای آن را به عهده دارد. در دستورالعمل ابلاغی وزارت کشور در خصوص نحوه

ص ۱۲۰) و در سال ۱۳۹۲ با احتساب نواحی منفصل توس و قرقی، دارای ۳۲۸ کیلومتر مربع مساحت و ۲۸۰۷۴۶۴ نفر جمعیت بوده است (شهرداری مشهد، ۱۳۹۲).

وسعت محدوده و حریم شهر قبل از تصویب طرح جامع فعلی به ترتیب ۲۹۲ و ۵۶۴ کیلومترمربع بوده است. بر این اساس تراکم جمعیتی محدوده و حریم شهر به ترتیب ۸۲ و ۴۲ نفر در هکتار می باشد (منصوری دانشور و کنگان خسروی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲). و طبق طرح جامع فعلی به ترتیب به بیش از ۳۰۰ و ۷۷۰ کیلومترمربع افزایش یافته است.

یافته ها

محدوده های شهری در ایران

در نظام مدیریت توسعه شهری ایران، بر اساس قوانین تصویب شده از دهه ۱۳۴۰ به بعد، تعیین و اعمال محدوده های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. به موجب این قوانین، محدوده تحت شمول نهادهای مختلف در فضای پیرامون شهرها تعیین و تعریف شده است. از جمله سه محدوده اصلی که در شهرها، تعریف شده است می توان به

تعیین حریم شهرها، تعریف زیر ارائه شده است: «حریم شهر عبارت است از محدوده ای که بزرگ تر و دربرگیرنده محدوده قانونی شهر بوده به طوری که سطح حاصل از آن بتواند نیازهای جمعیت آتی شهر را براساس سرانه های معمول در کلیه کاربریهای شهری تأمین نماید.»

حریم شهر در مورد کلیه شهرها باید دارای خصوصیات زیر باشد:

الف- حدود آن با توجه به تعریف حریم تا شعاعی در نظر گرفته شود که هر نوع عملیات عمرانی و فعالیت‌های ساختمانی در آن، مستقیماً روی شهر موثر باشد؛

ب- حریم شهر در مقیاس منطقه ای باید طوری تعیین و مشخص گردد که با حریم شهرهای مجاور تداخل نکرده و در حداکثر رشد خود، منطبق بر حوزه شهری بوده و تا پنج سال آتی نیازی به تجدید نظر و تغییر نداشته باشد.

تا پیش از تصویب قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مصوب سال ۱۳۸۴، اغتشاش در تعاریف مربوط به قلمروهای مدیریت شهری در قوانین مربوط به کنترل توسعه شهری به حدی بوده است که با مرور قوانین مختلف در این زمینه می توان بیش از ۱۵ عنوان مختلف برای آن یافت (برک پور و اسدی، ۱۳۸۵، ص ۸۸). این تشتت و عناوین مختلف، سبب شد تا به منظور یکسان سازی و هماهنگی بیشتر در امر کنترل توسعه شهری، قانون «تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها» در ۱۲ ماده و ۱۱ تبصره، در سال ۱۳۸۴ مصوب گردد و طبق آن دو عنوان کلی محدوده و حریم مشخص گردد (مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۴).

۴-محدوده شهر؛ طبق ماده ۱ قانون مذکور، «محدوده شهر» عبارت است از «حدکالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح جامع و تا تهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر که ضوابط و مقررات شهرسازی در آن لازم الاجراء می باشد».

۵-حریم شهر؛ بنا به ماده ۲ قانون، حریم شهر عبارت است از «قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید».

همچنین طبق تبصره ۱ ماده ۳ قانون، «روستاهایی که در حریم شهرها واقع می‌شوند مطابق طرح هادی روستایی دارای محدوده و حریم مستقل بوده و شهرداری شهر مجاور حق دخالت در ساخت و ساز و سایر امور روستا را ندارد» و طبق تبصره ۲ همان ماده «روستاهایی که به موجب طرح‌های مصوب جامع و هادی در داخل حریم شهرها واقع شوند در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، شهر مستقل شناخته نشده و به صورت منفصل به عنوان یک ناحیه یا منطقه از نواحی یا مناطق شهر اصلی تلقی و اداره خواهند بود و برای آنها در قالب طرح‌های جامع و تفصیلی ضوابط و مقررات ویژه متضمن امکان استمرار فعالیت‌های روستائی تهیه و ملاک عمل قرار خواهد گرفت».

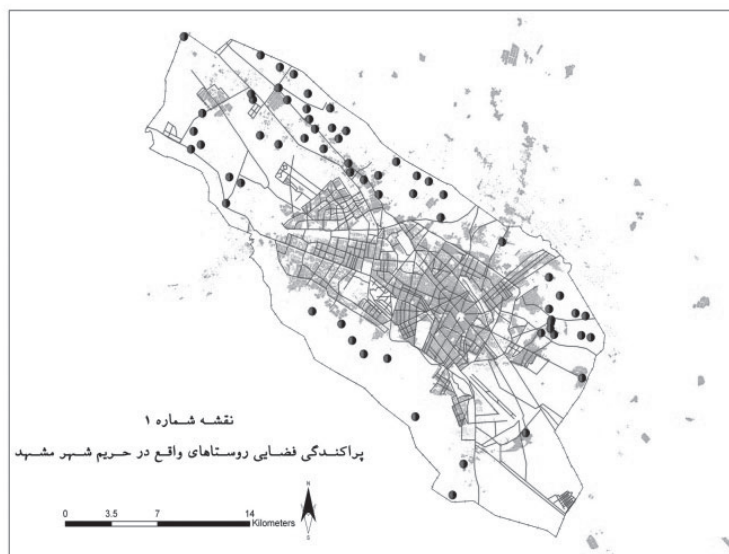
طبق ماده ۵ و ۶ قانون، محدوده و حریم شهرها، در طرح جامع شهر و تا تهیه طرح مذکور در طرح هادی شهر، تعیین و تصویب می‌گردد. تفاوت نوع رویکرد این قانون با قوانین قبلی در آن است که طبق روال گذشته «مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند» اما طبق قانون فعلی، آبادی های واقع در حریم به صورت مستقل بوده و شهرداری حق دخالت در ساخت و ساز در آنها را ندارد. به علاوه طبق قوانین قبلی، در صورتی که گسترش شهر، ادغام مرز ساخت وساز کالبدی آن را با محدوده ثبتی یا عرض چند روستا، مکان و مزرعه سبب شود، تا زمانی که این تداخل بافت در چارچوب قانون تقسیمات کشوری به تصویب هیئت وزیران نرسد، بافت های حاشیه ای ادغام شده در شهر، همچنان روستا تلقی می شوند و شهرداری

حق هیچ گونه اقدامی در محدوده یاد شده را ندارد اما طبق قانون فعلی، آبادی های مستقل در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، به صورت منفصل به عنوان یک ناحیه یا منطقه از نواحی یا مناطق شهر اصلی تلقی و اداره خواهند شد که این تفاوت ها، می تواند در نوع اثرات آن تفاوت هایی ایجاد کند. همچنین سیاست دیگری برای جلوگیری از گسترش شهرها و مهار رشد شهری در ایران، ایجاد کمربند سبز شهری است. اولین اقدامات برای ایجاد کمربند سبز در ایران، در سال ۱۳۵۶ و با مصوبات شورای نظارت بر گسترش شهر تهران صورت گرفت. این سیاست در ابتدا فقط برای تهران اعمال شد، اما در برنامه دوم پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۴، ایجاد کمربند سبز برای هفت کلان شهر کشور به منظور کاهش آلودگی هوا تصویب شد. سایر زمینه های قانونی طرح مفهوم کمربند سبز در ایران به دو قانون برمی گردد: نخست، قانون «نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷۴» که احداث فضای سبز در اطراف شهرها را برای جلوگیری از آلودگی هوای شهر لازم دانسته است. دوم، «ضوابط جلوگیری از افزایش محدوده شهرها، مصوب ۱۳۷۸» که کمربند سبز را به عنوان ابزار کنترل کننده محدوده شهرها در نظر گرفته است (حاجی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹). سیاست کمربند سبز در ایران بیشتر به عنوان یک سیاست مکمل در کنار سایر محدوده ها برای مهار و کنترل توسعه شهری و تأمین فضای باز تنفسی پیرامون شهرها، آن هم به صورت لکه ای و در برخی از نقاط اطراف شهرها، نمود پیدا کرده است (نوروزی فرد و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۵۸). بر این اساس، محدوده کمربند سبز با مساحت حدود ۲۸۳۸ هکتار پیرامون کلانشهر مشهد با رویکرد توسعه پایدار و اهداف کاهش اثرات ناشی از توسعه بی رویه کلانشهر مشهد و افزایش کیفیت زیست پذیری محیط شهری، پیشنهاد شده است (مهندسیین مشاور فزنهاد، ۱۳۹۱، ۲).

تحلیل اثرات بالقوه محدوده های شهری (قانون مصوب ۱۳۸۴) بر فرم کالبدی- فضایی کلانشهر مشهد

همجواری جغرافیایی یک شهر با شهری دیگر یا آبادی های پیرامون آن می تواند یکی از عوامل تأثیرگذار بر روند توسعه و فیزیکی شهر باشد. استدلال منطقی این ایده آن است که زمانی که آبادی ها و روستاهای پیرامونی در فواصل بسیار نزدیک به شهر قرار گرفته باشد، با رشد و توسعه شهر و گسترش محدوده و حریم آن، خودبخود مناطق روستایی پیرامونی در درون محدوده و حریم شهر قرار گرفته و به عنوان جزئی از بافت شهری در می آیند. نمونه این مسأله را می تواند در عمده کلانشهرهای ایران ملاحظه نمود. در کلانشهر مشهد، ادغام آبادیها در دهه های اخیر به خصوص از سالهای ۵۵-۱۳۴۵ با توسعه شهر به اطراف شروع گردیده است، و سپس در دوره های بعدی سرعت و شدت بیشتری به خود گرفته است. به گونه ای که نواحی دارای بافت روستایی، شهری گردیده اند و سبب جذب بیشتر مهاجرین روستایی نیز شده اند. از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ شهر به سوی شرق و شمال شرق گسترش یافته و حدود ۹ آبادی و کوره آجرپزی در بافت شهر ادغام گردیده است (مهندسان مشاور خازنی، ۱۳۷۰، صص ۴-۵).

توسعه فیزیکی مشهد بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بیشتر از ۱۸ آبادی را به درون شهر وارد کرده است (به طور مثال دو شهرک گلشهر و ساختمان (Taleshi, ۱۳۳۷, ۲۰۰۹) که جمعیت آنها را معادل ۵۲۷۹۶ نفر دانسته اند (زیاری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰). در فاصله سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ نیز متجاوز از ۱۲ آبادی و مرکز جمعیتی در منطقه شمال و شمال شرق مشهد (شهرک طالقانی، بحرآباد، مهدی آباد، کوی امیرالمومنین، کوی امام هادی، نه دره، کوی آب و برق) در بافت پیوسته شهر ادغام گردیده است (میرفندرسکی، ۱۳۸۲، ص ۹۰). به موجب تبصره ۲ ماده ۳ قانون تعاریف محدوده



نقشه ۲. پراکندگی فضایی روستاهای واقع در حریم شهر مشهد

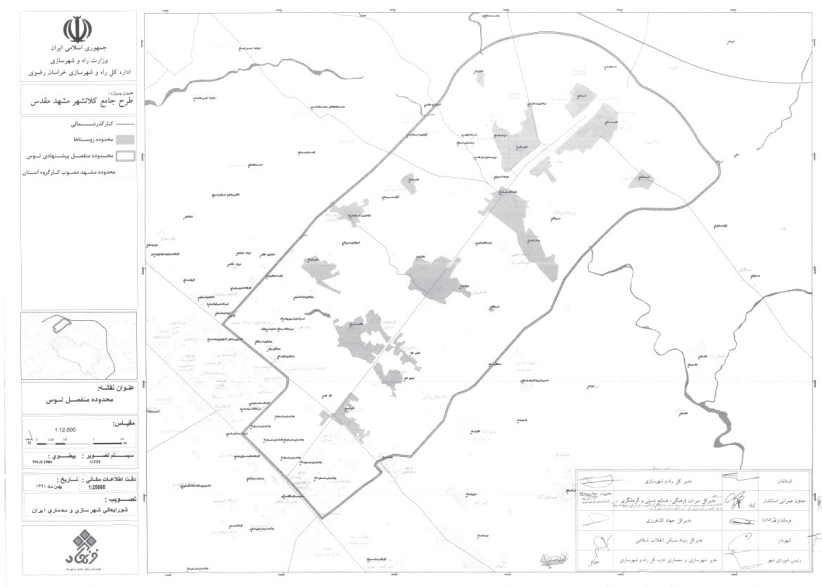
جدول ۴. جمعیت موجود و پیش بینی جمعیت ناحیه منفصل شهرک شهید باهنر مشهد

ردیف	نام آبادی	جمعیت ۱۳۹۰	رشد جمعیت ۹۰-۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۹۵	جمعیت ۱۴۰۰	جمعیت ۱۴۰۵
۱	شهرک شهید باهنر	۲۹۸۸۲	۲,۴۵۲	۳۳۷۳۰	۳۸۰۷۴	۴۲۹۷۷

مهدی، کال زرکش، اسماعیل آباد، چهل حجره، منزل آباد، ویرانی، عباس آباد، زرکش، آب اشکان، کشف، ناظریه و... که جمعاً ۶۱ روستا می باشند. قانون فوق سبب گردیده تا در سالهای اخیر برخی محدوده های منفصل به عنوان نواحی شهر مشهد شناخته شوند که شامل سه ناحیه منفصل شهرک شهید باهنر (قلعه خیابان)، توس و قرقی بوده است. - شهرک شهید باهنر به عنوان یک محدوده منفصل شهری در بخش رضویه و دهستان میامی در جنوب شرقی شهر مشهد واقع است. شهرک شهید باهنر در محور جاده سرخس بعد از شهرک شهید رجایی (ساختمان) و در ۵ کیلومتری این کلانشهر قرار دارد. این شهرک در سال ۱۳۸۹ به عنوان ناحیه ای منفصل به محدوده تحت نظارت منطقه ۶ شهرداری مشهد ملحق گردیده است. مساحت این شهرک ۱۶۰ هکتار می باشد و در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۹۸۸۲

و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، «روستاهایی که به موجب طرحهای مصوب جامع و هادی در داخل حریم شهرها واقع شوند در صورت رسیدن به شرایط شهر شدن، شهر مستقل شناخته نشده و به صورت منفصل به عنوان یک ناحیه یا منطقه از نواحی یا مناطق شهر اصلی تلقی و اداره خواهند شد و برای آنها در قالب طرحهای جامع و تفصیلی ضوابط و مقررات ویژه متضمن امکان استمرار فعالیتهای روستایی تهیه و ملاک عمل قرار خواهد گرفت». بر این اساس، روستاهای زیادی در حریم شهر مشهد واقع گردیده که در نقشه زیر نشان داده شده است:

طبق نقشه روستاهایی که درون حریم شهر مشهد واقع شده اند عبارتند از: قلعه خیابان، طوق، مشهد قلی، نوده، شهر دانش، قلعه نو عوارض، سیس آباد، دوست آباد، مهدی آباد، همت آباد، امیر آباد، کوشک



نقشه ۳. پهنه های روستایی محدوده منفصل توس

نفر جمعیت بوده است.

محدوده منفصل توس در فاصله حدود ۱۵ کیلومتری مشهد از اردیبهشت ماه سال ۹۲ به محدوده شهری مشهد الحاق پیدا کرد که ۳ هزار هکتار مساحت دارد و از تجمیع ۱۶ روستا و اراضی کشاورزی و باغات شکل گرفته است و در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰۴۰۵ نفر جمعیت در قالب ۵۶۷۹ خانوار بوده است که به منطقه ۱۲ شهرداری، ملحق شده است.

- ناحیه منفصل قرقی در حدود ۱۰ کیلومتری مشهد نیز از تجمیع ۴ آبادی سیاسک، قرقی سفلی، حسین آباد قرقی، قرقی علیا شکل گرفته که در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰۸۳۵ نفر جمعیت و ۵۵۶۳ خانوار بوده است که به شهرداری منطقه ۳ الحاق گردیده است.

مجموع جمعیت سه ناحیه فوق طبق جمعیت سال ۱۳۹۰، ۷۱۱۲۲ نفر و مساحت آنها بیش از ۳۰ کیلومتر مربع می باشد که نه تنها سبب افزایش جمعیت و وسعت کلانشهر مشهد گردیده است؛ بلکه با توجه به انفصال آنها، شکل فضایی شهر را به صورت چندپاره درآورده است. از سوی دیگر، آبادی های دیگری نیز در محدوده حریم واقع هستند که

در جدول ۶ نشان داده شده است.

با توجه به جمعیت سال ۱۳۹۰ و رشد پیش بینی شده برای سالهای بعد و با توجه به حد نصاب شهر در ایران (۱۰۰۰۰ نفر)، در سال ۱۳۹۵، سه آبادی دوست آباد، کشف و منزل آباد به صورت شهر در خواهند آمد و در مجموع ۳۷۶۱۱ نفر به صورت منفصل به شهر افزوده خواهد شد. و با احتساب جمعیت سه ناحیه منفصل موجود (شهرک شهید باهنر، طوس، قرقی) در سال ۱۳۹۵، ۱۲۵۹۷۳ نفر در نواحی منفصل سکونت خواهند داشت. همچنین در سال ۱۴۰۰ علاوه بر سه آبادی فوق، آبادی کال زرکش نیز به شهر تبدیل خواهد شد که در آن برهه زمانی ۱۳۱۴۹ نفر جمعیت خواهد داشت و با توجه به جمعیت سه آبادی دیگر در آن سال، در مجموع ۸۳۰۳۰ نفر جمعیت منفصل در این ۴ آبادی خواهد بود. لذا مجموع جمعیت این نواحی و سه ناحیه منفصل فعلی به ۱۹۶۴۰۸ نفر خواهد رسید. در سال ۱۴۰۵ نیز آبادی زرکش - کوی کافی به این نواحی افزوده خواهد شد که با توجه به جمعیت آن (۱۲۲۸۹ نفر) در مجموع، ۵ ناحیه منفصل جدید

جدول ۴. جمعیت فعلی و پیش بینی جمعیت آبادی های ناحیه منفصل توس

ردیف	نام آبادی	تعداد جمعیت ۱۳۹۰	رشد جمعیت ۹۰-۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۹۵	جمعیت ۱۴۰۰	جمعیت ۱۴۰۵
۱	اکبر آباد	۲۳۴۵	۴,۷۰۳	۲۹۵۱	۳۷۱۳	۴۶۷۲
۲	مهدی آباد	۷۶۹	-	-	-	-
۳	حاجی آباد	۷۵۹	۴,۰۹۰	۹۲۷	۱۱۳۳	۱۳۸۵
۴	کلاته برفی	۲۴۹۶	۵,۹۳۶	۳۳۳۰	۴۴۴۳	۵۹۲۸
۵	چهاربرج	۳۴۵۷	۶,۵۹۷	۴۷۵۸	۶۵۴۸	۹۰۱۳
۶	شهید هاشمی نژاد	۲۴۸۳	۸,۲۱۳	۳۶۸۴	۵۴۶۷	۸۱۱۲
۷	مردارکشان	۱۳۲۳	۱,۲۳۸	۱۴۰۷	۱۴۹۶	۱۵۹۱
۸	اسفندیان	۲۷۴	۲,۶۵۳	۳۱۲	۳۵۶	۴۰۶
۹	طوس سفلی	۳۰۲۷	۳,۹۴۲	۳۶۷۲	۴۴۵۶	۵۴۰۶
۱۰	اسلامیه	۱۷۳۷	۲,۱۲۰	۱۹۲۹	۲۱۴۲	۲۳۷۹
۱۱	طوس علیا	۶۲۶	۴,۶۴۱	۷۸۵	۹۸۵	۱۲۳۶
۱۲	خطایان	۸۸	۱۴,۲۰۵	۱۷۱	۳۳۲	۶۴۵
۱۳	کلاته سید علی	۵۷	-۳,۷۴۲	۴۷	۳۹	۳۲
۱۴	شاه نیل / اسلام آباد	۱۸۷	۲,۴۵۳	۲۱۱	۲۳۸	۲۶۹
۱۵	شمس آباد	۴۸۵	۶,۴۸۴	۶۶۴	۹۰۹	۱۲۴۵
۱۶	جوفروش	۶۲	-۰,۲۱۱	۶۱	۶۱	۶۰
	مجموع	۲۰۴۰۵	-	۲۴۹۰۹	۳۲۳۱۸	۴۲۳۷۹

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۷۵

جدول ۵. جمعیت فعلی و پیش بینی جمعیت آبادی های ناحیه منفصل قرقی

ردیف	نام آبادی	جمعیت ۱۳۹۰	رشد جمعیت ۹۰-۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۹۵	جمعیت ۱۴۰۰	جمعیت ۱۴۰۵
۱	قرقی سفلی	۸۶۰۶	۹,۸۲۵	۱۳۷۵۰	۲۱۹۶۹	۳۵۱۰۱
۲	حسین آباد قرقی	۸۰۹۳	۶,۱۲۷	۱۰۸۹۵	۱۴۶۶۷	۱۹۷۴۶
۳	سیاسک	۳۰۱۵	۵,۸۷۲	۴۰۱۱	۵۳۳۵	۷۰۹۶
۴	قرقی علیا	۱۱۲۱	-۰,۹۸۸	۱۰۶۷	۱۰۱۵	۹۶۶
	مجموع	۲۰۸۳۵	-	۲۹۷۲۳	۴۲۹۸۶	۶۲۹۰۹

شهری با جمعیت ۱۶۶۵۹۱ نفر و همراه با نواحی سه گانه موجود به صورت کلی ۸ ناحیه منفصل شهری با جمعیت ۳۱۴۸۵۶ در قالب این نواحی وجود خواهد داشت. لذا تبدیل اینگونه آبادی ها به ناحیه ای از مادرشهر اصلی طبق تبصره ۲ ماده ۳ قانون، سبب خواهد شد که فرم فضایی- کالبدی شهر مشهد به صورت تکه پاره، جسته گریخته و جهش قورباغه ای تبدیل شود. علاوه بر این باید توجه داشت که توسعه جسته و گریخته در گذر زمان باقی نخواهد ماند و به دلیل فاصله این نواحی با مشهد و عدم تعیین تکلیف یا طرح های کارشناسی برای زمین های بین این نواحی با مشهد، ساخت و ساز در آن رونق گرفته و در اثر رشد جمعیت، بتدریج نواحی خالی از سکنه

جدول ۶. جدول آبادی های واقع در حریم مصوب و پیش بینی جمعیت آنها طی سالهای آتی

ردیف	نام آبادی	جمعیت ۱۳۹۰	مساحت محدوده (هکتار)	وضعیت طرح	رشد جمعیت -۹۰ ۱۳۷۵	جمعیت ۱۳۹۵	جمعیت ۱۴۰۰	جمعیت ۱۴۰۵
۱	اروند	۲۲۰	۵	در دست تهیه	۰,۸۷۷	۲۳۰	۲۴۰	۲۵۱
۲	اسماعیل آباد	۲۲۹۸	۴۲	در دست تهیه	۲,۲۷۹	۲۵۷۴	۲۸۷۹	۳۲۲۲
۳	امیرآباد	۴۲۴۴	۲۹	هادی مصوب	۵,۱۳۷	۵۴۵۲	۷۰۰۴	۸۹۷۷
۴	امین آباد	۹۱۲	۲۶	هادی مصوب	۳,۰۸۷	۱۰۶۲	۱۲۳۶	۱۴۳۹
۵	باغون آباد	۱۶۶۶	۱۹/۵	هادی مصوب	۷,۹۴۸	۲۴۴۲	۳۵۷۹	۵۲۴۷
۶	پاوا	۴۶۵	۶/۴	در دست تهیه	۶,۰۰۱	۶۲۲	۸۳۳	۱۱۱۵
۷	تخته کاظم آباد	۲۳۰	--	فاقد طرح	۰,۵۳۱	۲۳۶	۲۴۲	۲۴۹
۸	جلالیه	۱۱۶	۱/۵	در دست تهیه	۰,۰۵۸	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۷
۹	چاه خاصه	۸۰۶	۱۱	در دست تهیه	۳,۳۵۹	۹۵۱	۱۱۲۲	۱۳۲۳
۱۰	چاهشک	۱۷۹۴	۲۳	هادی مصوب	۳,۱۶۶	۲۰۹۷	۲۴۵۰	۲۸۶۳
۱۱	چهل حجره	۳۷۲۰	۲۱	هادی مصوب	۴,۷۷۸	۴۶۹۸	۵۹۳۳	۷۴۹۲
۱۲	حلوایی	۲۴۵	۲/۳	در دست تهیه	۱۵,۲۲۸	۴۹۹	۱۰۱۶	۲۰۷۰
۱۳	خین عرب	۱۲۷۵	۱۰	هادی مصوب	۸,۳۱۰	۱۹۰۰	۲۸۳۳	۴۲۲۲
۱۴	ده غیبی	۱۳۶۰	۴۰	هادی مصوب	۵,۶۷۸	۱۷۹۲	۲۳۶۳	۳۱۱۴
۱۵	دوست آباد	۸۱۴۵	۷۱	هادی مصوب	۷,۸۱۶	۱۱۸۶۶	۱۷۲۸۸	۲۵۱۸۶
۱۶	روح آباد	۱۰۲۹	۹/۶	هادی مصوب	۹,۳۲۹	۱۶۰۷	۲۵۱۱	۳۹۲۲
۱۷	زرکش-کوی کافی	۳۹۵۳	۵۱	در دست تهیه	۷,۹۲۰	۵۷۵۲	۸۴۰۷	۱۲۲۸۹
۱۸	شهرآباد	۱۸۲۵	۲۴	هادی مصوب	۴,۰۳۷	۲۲۲۴	۲۷۱۱	۳۳۰۴
۱۹	صفی آباد	۶۷	۴/۵	تعیین محدوده	-۱,۴۹۶	۶۲	۵۸	۵۳
۲۰	صیدآباد	۱۳۴۶	--	هادی مصوب	۴,۴۵۵	۱۶۷۴	۲۰۸۱	۲۵۸۸
۲۱	فرخ آباد	۶۷۹	۶	مصوب (بالاتکلیف)	۵,۷۶۳	۸۹۹	۱۱۸۹	۱۵۷۴
۲۲	فریزی	۱۳۷۶	۲۲/۵	هادی مصوب	۴,۲۱۳	۱۶۹۱	۲۰۷۹	۲۵۵۵
۲۳	فیانی	۸۰	۲/۳	تعیین محدوده	۱,۸۲۴	۸۸	۹۶	۱۰۵
۲۴	کاظم آباد	۹۹۳	۱۵	هادی مصوب	۶,۱۴۴	۱۳۳۸	۱۸۰۳	۲۴۲۹
۲۵	کال زرکش	۵۶۸۹	۳۲	هادی مصوب	۸,۷۳۹	۸۶۴۹	۱۳۱۴۹	۱۹۹۹۱
۲۶	کریم آباد	۶۸۰	۷/۶	هادی مصوب	۲,۸۹۸	۷۸۴	۹۰۵	۱۰۴۴
۲۷	کشف	۶۱۹۹	۳۹	هادی مصوب	۱۷,۸۱۶	۱۴۰۷۱	۳۱۹۴۱	۷۲۵۰۵
۲۸	کوشک مهدی	۳۶۷۳	۳۵	در دست تهیه	۴,۴۴۱	۴۵۶۴	۵۶۷۲	۷۰۴۹
۲۹	منزل آباد	۶۵۶۸	--	هادی مصوب	۱۲,۱۳۸	۱۱۶۷۴	۲۰۶۵۲	۳۶۶۲۰
۳۰	ناظرآباد	۴۴۲	۹	هادی مصوب	۱,۳۰۳	۴۷۲	۵۰۳	۵۳۷
۳۱	ناظریه	۲۱۵۲	۲۰	هادی مصوب	۳,۹۵۳	۲۶۱۲	۳۱۷۱	۳۸۵۰
۳۲	مهدی آباد	۶۰۱		هادی مصوب	۱,۸۸۸	۶۶۰	۷۲۵	۷۹۶

تبدیل به فضاهایی ساخته شده گردیده و در واقع فضاهای خالی را پر خواهند نمود. در نتیجه فاصله بین مادر شهر مشهد و هر کدام از این نواحی منفصل به تدریج تکمیل شده و جزو محدوده شهری قرار خواهند گرفت که در آینده مشهد را به کلانشهری با وسعت بسیار زیاد و رشد پراکنده تبدیل خواهد نمود که نه تنها از نظر اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، بهینه نخواهد بود بلکه از نظر کنترل و مدیریت شهری نیز، دشوار خواهد بود و منابع بسیار گزافی را طلب خواهد نمود. در واقع توسعه فیزیکی ناموزون شهر بیشتر به سیاست های اداری روستا شهر باز می گردد، الحاق محدوده روستاهای واقع در حریم شهر در ابتدا باعث توسعه تخته شطرنجی بافت کالبدی شهر مشهد می شود و پس از مدتی به علت پر شدن فضای بین شهر و نواحی جدید باعث گسترش افقی یا اسپرال شهر می شود. توسعه تخته شطرنجی در شکل توسعه قطعات منفرد بدون تداوم و جدا از هم صورت می گیرد. آن نوع توسعه نه از لحاظ اقتصادی کارایی دارد و نه از لحاظ زیبایی منطقه جلب توجه می کند (شکویی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۳). گذشته از این با توجه به تفاوت های موجود در بافت های روستایی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی حاکم بر ساکنان، نابرابری های زیادی در فضای شهری وجود خواهد داشت به عبارتی گسترش کالبدی شهر با توجه به بافت سنتی روستاهای واقع در حریم شهر مشهد، در ساختار فضایی شهر مشهد اثرگذار خواهد بود و باعث آشفتگی و دوگانگی در ساختار فضایی شهر خواهد شد (رضوی و همکاران، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، در حالیکه در طرح ناحیه شهری عنوان «الگوی توسعه تمرکز غیر متمرکز» برای مشهد به تصویب رسیده و عنوان گردیده که مرکز شهر موجود، بسته شود و توسعه ارتفاعی رخ دهد، اثرات قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها، سبب گردیده که عملاً این طرح زیر پا گذاشته شده و در آینده نیز شاهد

گسترش حاشیه نشینی مشهد در محدوده های مختلف طوس، قرقی و سایر محدوده های منفصل و حدفاصل آنها تا مرز مشهد باشیم.

نتیجه گیری و جمع بندی

کلانشهرهای ایران در طی دهه های گذشته، شاهد توسعه های بی رویه و شکل گیری حاشیه نشینی در نواحی پیرامون خود بوده اند که در کنار سایر عوامل، نقش قوانین و مقررات نیز در آن تأثیرگذار بوده است. یکی از مهمترین تناقضات قانونی در نحوه نظارت بر ساخت و سازها، بین شهرداری و وزارت مسکن می باشد. در ماده ۹۹ الحاقی به قانون شهرداری، شهرداری ها مکلف شدند تا حریم شهر و نقشه جامع شهرسازی حریم را تهیه کنند و پس از تصویب انجمن شهر و تایید وزارت کشور به اجرا بگذارند. زمانی که شهردارها خود را برای عملی کردن این قوانین آماده می کردند قانون جدیدی با نام قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۵۱، به تصویب رسید که به موجب آن مواد ۹۷ و ۹۸ ملغی شد و مسئولیت تهیه طرح های جامع بر عهده وزارت مسکن و شهرسازی گذاشته شد؛ این اقدام باعث شد برنامه ریزی و مدیریت محلی شهرها و پیرامون شان که اندک اندک تحت مدیریت محلی قرار می گرفت مجدداً به شکل متمرکز درآمده و این خلا شکل گرفته باعث شد حریم شهرها مستعد تحولات خود به خودی و نابسامان شوند. از سوی دیگر، سیاست های محدودیت شهری در قبل از سال ۱۳۸۴، عملاً با سیاست حریم به معنای مرزهای خدمات شهری صورت گرفته که کارآیی لازم را نداشته و منجر توسعه های بی رویه و حاشیه نشینی در پیرامون شهرها بویژه کلانشهرها گردیده است. از سال ۱۳۸۴ و تعریف قانون جدید، نیز رویکرد با سیاست حریم به معنای مرزهای توسعه شهری صورت گرفته است. در این زمینه قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها به عنوان مهمترین قانون در زمینه سیاست های محدودیت

شهری ایران، نیز دارای نقاط قوتی به شرح زیر بوده است:

۱- سامان دادن به تعاریف پراکنده و گاه متناقض از محدوده‌ها و حرایم شهری در جهت بهبود وضعیت نظارت و هدایت توسعه شهری و جلوگیری از عملکرد گریزگاه‌های قانونی در این زمینه.

۲- جلوگیری از تشکیل شهرداری‌های جدید در حریم شهرها و در نتیجه جلوگیری از افزایش تعدد و تفرق نهادهای مدیریتی (تبصره ۲ ماده ۳)

۳- به رسمیت شناختن محدوده مجموعه‌های شهری به عنوان مناطق عملکردی جدید در پهنه سرزمین برای اولین بار در قوانین مصوب مجلس. اما واقعیت آن است که در کنار نقاط قوت فوق، برخی ضعف‌ها نیز در این قانون مشاهده می‌شود که از جمله مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- اعطای اختیار به دهیاری‌های واقع در حریم شهرها برای صدور مجوز و نظارت بر ساخت و ساز در محدوده و حریم روستا طبق ماده ۳ قانون فوق: هدف اصلی از الحاق این بند به لایحه پیشنهادی دولت، تامین منابع درآمدی ناشی از ساخت و ساز برای نهاد نو تاسیس دهیاری در روستاهای کشور بوده است. این هدف به صراحت در تبصره ۴ ماده ۳ بیان شده است، غافل از این که: الف- این اقدام موجب افزایش تفرق مدیریتی در حریم شهرها به ویژه کلانشهرهای کشور می‌شود و در نتیجه وضعیت نابسامان کنونی در کنترل ساخت و ساز در حریم کلانشهرها را بیش از پیش تشدید می‌کند. ب- روشن است که دهیاری‌ها فاقد توان فنی، تخصصی و انسانی لازم برای مدیریت توسعه روستایی در حریم کلانشهرهایی با جاذبه توسعه شدید هستند. ج- اعطای این اختیار به دهیاری‌ها در حالی صورت می‌گیرد که آنها اساساً فاقد ظرفیت و بینش لازم برای حفظ منافع استراتژیک و مشترک توسعه مناطق کلانشهری هستند.

۲- تناقض درونی قانون: ماده ۲ قانون مصوب می

گوید حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد. اما طبق تبصره ۱ ماده ۳ قانون و برخلاف آنچه در ماده ۲ بر آن تاکید شده است شهرداری مجاور حق دخالت در ساخت و ساز و سایر امور روستایی واقع در حریم خود را ندارد. مطابق این قانون، شهرداری حق دخالت و نظارت بر بخشی از حریم خود را ندارد.

۳- محدود کردن حریم شهرها به تقسیمات اداری و سیاسی: این تاکید در قانون جدید، ادامه مصوبه مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ با عنوان «قانون الحاق یک بند و سه تبصره به عنوان بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری» است. اشکال وارد بر این بخش از مصوبه از آنجا ناشی می‌شود که تعیین حریم شهرها در طرح‌های جامع و هادی شهری معمولاً براساس مطالعات علمی و فنی صورت می‌گیرد، حال آن که تقسیمات کشوری، برخلاف آنچه در قانون تقسیمات کشوری آمده است، طی فرآیندی اداری و در چانه زنی‌های سیاسی تعیین می‌شود. در نتیجه این دو محدوده ضرورتاً بر هم منطبق نمی‌شوند.

همچنین تبصره ۲ ماده ۳ قانون، سبب شده که عملاً برخی نواحی منفصل به محدوده شهری افزوده گردند، در حالیکه قبل از الحاق، کنترل و مدیریت آن تحت نظارت شهرداری نبوده و این امر خود منجر به دوگانگی ساختار فضایی شهر و عدم تعادل در سطح کلانشهری گردد. نتایج بررسی در کلانشهر مشهد بیانگر آن است که این قانون عملاً منجر به توسعه‌های منفصل شهری گردیده است و از آنجا که بیشتر ساکنان حریم به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی عملاً اهالی شهر مشهد هستند و محل کار آنان در مشهد است، سبب رونق ساخت و ساز در فاصله بین این نواحی با کلانشهر گردیده و در طولانی مدت منجر به توسعه پراکنده شهری خواهد گردید. به عبارت دیگر، از پیامدهای ناخواسته برقراری محدوده شهر، توقف رشد نشتی (در واقع طبیعی) شهرها

و ایجاد انواع سکونت های «پیراشهری» (زندگی شهری در بیرون شهر یا مناطق روستایی) است. اگر وسعت حریم پیرامون شهرها نیز زیاد نباشد، موجب پیدایش پدیده موسوم به پرش «قورباغه ای» یعنی پرش از حریم و توسعه شهری پشت حریم می شود که در هر صورت، عملاً زمین های قابل کشت پیرامون شهر را از بین می برد. علاوه بر این، به دلیل عدم تعیین تکلیف یا سیاست مشخص در فواصل بین این نواحی ساخته شده، ساخت و ساز در فضاهای خالی رونق گرفته و پس از مدتی به علت پر شدن فضای بین شهر و نواحی جدید باعث گسترش افقی یا اسپرال شهر می شود. همچنین با توجه به تفاوت های موجود در بافت های روستایی و وضعیت اقتصادی- اجتماعی حاکم بر ساکنان، نابرابری های زیادی در فضای شهری وجود خواهد داشت به عبارتی گسترش کالبدی شهر با توجه به بافت سنتی روستاهای واقع در حریم شهر مشهد، در ساختار فضایی شهر مشهد اثرگذار خواهد بود و باعث آشفتگی و دوگانگی در ساختار فضایی شهر خواهد شد.

در مجموع می توان گفت که سیاست های محدودیت شهری در ایران تاکنون در جلوگیری از توسعه پراکنده شهر، کارآیی لازم را نداشته و برخی نقاط ضعف آن سبب گردیده که همچنان شاهد توسعه های شهری و شکل گیری حاشیه نشینی در مناطق کلانشهری باشیم. اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، همه زمین های زراعی و باغی پیرامون شهرها از بین خواهد رفت، مگر آنکه رویکرد نسبت به حریم از «محدوده گسترش آینده شهر» به «کمر بند سبز» مبدل گردد.

منابع و ماخذ

برک پور، ناصر و اسدی، ایرج (۱۳۸۵) بررسی قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا و شهرک و نحوه تعیین آن و تأثیر آن بر گسترش اسکان غیررسمی در شهرهای ایران، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، صص ۸۸-۹۵.

پبله ور، علی اصغر و پوراحمد، احمد. (۱۳۸۳) روند رشد و توسعه کلان شهرهای کشور مطالعه موردی: (شهر مشهد). پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴، صفحات ۱۰۳-۱۲۱.

توفیق، فیروز (۱۳۹۱) در حاشیه طرح راهبردی حریم پایتخت (تهران)، دوماهنامه شهرنگار، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۳۹-۶۰.

حاجی، مهسا (۱۳۹۰) بررسی و ارزیابی سیاست ایجاد کمر بند سبز شهری در ایران، نمونه موردی: تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر.

خلیلی، احمد (۱۳۹۱)، کمر بند سبز در یک شهر فشرده: منطقه ای برای حفاظت یا برای گذار؟، دو ماهنامه شهرنگار، شماره ۵۶ و ۵۷، صص ۸۵-۶۱.

رضوی، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۰) بررسی روستاهای حاشیه کلان شهرها بر اساس قانون تعریف حریم شهرها بررسی موردی روستاهای درون حریم شهر مشهد، مشهد: اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی.

زبیری، کرامت الله (۱۳۷۸) برنامه ریزی شهرهای جدید، انتشارات سمت، چاپ اول سعیدی، نوید و کاظمی، داود (۱۳۹۰)، بازشناسی چارچوب توسعه درون زا در تناسب با نقد سیاست های جاری توسعه مسکن (مهر)؛ نمونه موردی شهر نطنز، مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی، شماره ۷۵، صص ۱۳۲-۱۱۳.

شکویی، حسین، (۱۳۸۳)، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت. شهرداری مشهد، (۱۳۹۲)، گزارش جمعیتی شهر مشهد، مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات شهرداری مشهد.

صرافی، مظفر و تورانیان، فضیلت (۱۳۸۳)، مدیریت کلان شهری مروری بر دیدگاه های نظری مدیریت کلان شهری با تأکید بر جنبه های نهادی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۷، صص ۱۷-۶. طبیبیان، منوچهر و اسدی، ایرج (۱۳۸۷)، بررسی و

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

386-408.

-Jonas, Andrew E. G. (1991) Urban Growth Coalitions and Urban Development Policy: Postwar Growth and the Politics of Annexation in Metropolitan Columbus, *Urban Geography*, 12:3, 197-225.

-Nelson, A. C., Burdy, R. J., Feser, E., Dawkins, C. J., Malizia, E., & Quercia, R. (2004). Urban containment and central-city revitalization. *Journal of the American Planning Association*, 70(4), 411-425.

-Nelson, Arthur C. and Duncan, James B. (1995), *Growth Management Principles and Practices*, Chicago: Planner Press, American Planning Association.

-Pendall, Rolf; Martin, Janathan & Fulton, William (2002), *Holding the Line: Urban Containment in the United States*, Washington, D.C: The Brookings Institution.

-Roeseler, Wolfgang G. (1982), *Successful American Urban Plans*, Lexington, MA: Lexington Books.

-Taleshi, Mostafa, (2009), Informal Settlements and Sustainable Urban Development Case Study: Metropolis of Mashhad in Northeastern of Iran, *World Applied Sciences Journal* 7 (10): 1235-1238

-Wassmer, R. W. (2006). The influence of local urban containment policies and statewide growth management on the size of United States urban areas. *Journal of Regional Science*, 46(1), 25-65.

-Woo, Myungje & Guldman, Jean-Michel (2014) Urban containment policies and urban growth, *International Journal of Urban Sciences*, 18:3, 309-326.

تحلیل عوامل پراکنده رویی در توسعه فضایی مناطق کلان شهری، فصلنامه نامه هنر، شماره ۱ (پیاپی ۴)، صص ۲۳-۵.

مافی، عزت الله و سقایی، مهدی؛ (۱۳۸۷) تحلیلی بر گردشگری روستایی در پیرامون کلان شهرها (مطالعه موردی کلان شهر مشهد). فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره دهم، صفحات ۲۱-۴۰.

معصوم، جلال (۱۳۸۳) شهرداریها و مدیریت حریم، ماهنامه شهرداریها، شماره ۶۵، صص ۱۰-۵.

منصوری دانشور، محمدرضا و کنگان خسروی، سارا (۱۳۸۹)، ارزیابی مدل های کمی در راستای ارزیابی فضایی انتشار مرکزیت شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۱، صص ۹۹-۱۱۴.

مهندسان مشاور خازنی (۱۳۴۶) طرح جامع مشهد (۷۰-۱۳۴۵)، وزارت مسکن و شهرسازی

میرفندرسکی، سید مهدی (۱۳۸۲) طرح راهبردی ساماندهی حاشیه شهر مشهد، شهرداری مشهد

نوروزی فرد، مهدی، برک پور، ناصر و عربی، مهدی (۱۳۹۲)، نقش محدوده های شهری در کنترل و هدایت توسعه شهری تهران، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۲، صص ۱۷۳-۱۵۱.

هال، پیتر (۱۳۸۷)، برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ترجمه جلال تبریزی، چاپ دوم، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

مجلس شورای اسلامی ایران (۱۳۸۴)، قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین

آن ها، ابلاغیه ۲۳۹/۲۰۶۷۷۷ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۳. -Amati, Marco, Ed (2008), urban green belts in the twenty-first century, Burlington: Ashgate Publishing Co.

-Carlson, T., & Dierwechter, Y. (2007). Effects of urban growth boundaries on residential development in Pierce County, Washington. *The Professional Geographer*, 59(2), 209-220.

-Carruthers, J. I. (2002). The impacts of state growth management programmes: A comparative analysis. *Urban Studies*, 39(11), 1959-1982.

-Hall, Peter (1974), the Containment on Urban England, *Geographical Journal*, Vol.140, No.3, pp

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۳۸۰

شناخت والویت بندی الگوهای مسکن روستایی در توسعه پایدار معماری روستا با استفاده از تکنیک های MADM شهرستان ماسال

گیتی مرادی اسطخ زبیر* - استادیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

چکیده

ساختارهای معماری محیطهای روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می آیند که در طول قرنهای مطابق با منطقهای قوی اجتماع- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده اند. این بدان معنی است که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا بتدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی- فرهنگی جمعیتهای ساکن (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف توسعه پیدا کرده اند. سکونتگاههای روستایی پدیده های فضایی- مکانی می باشند که حاصل روابط متقابل انسانها با یکدیگر و با محیط هستند که علاوه برکنش بین اجزای درونی (طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، فضایی) در حال تقابل با سایر نظام ها و نیروهای بیرونی قرار دارند؛ لذا این سکونتگاه ها نمایانگر نقش های انسانی هستند که به مرور زمان و با توجه به شرایط مذکور شکل گرفته و سازمان یافته اند. بر این اساس فضای سکونتگاه های روستایی با توجه به ویژگیهای ذکر شده دارای ساختار و استعدادهای بالقوه و بالفعل معینی می باشند که در مکانهای معینی تحت تاثیر نیروهای بیرونی و درونی به هر دلیل در تقابل با یکدیگر قرار دارند به گونه ای که اگر نظام و عملکرد این سازمان فضایی دچار اختلال گردد، سکونتگاه های روستایی ناپایدار می گردد. هدف این پژوهش شناخت الگوهای بهینه مسکن و نقش آن در توسعه پایدار معماری روستا می باشد و جامعه آماری مسکن روستایی شهرستان ماسال با ۸۳۵۱ سکونتگاه می باشد که با استفاده از نمونه گیری کوکران ۳۶۸ نمونه انتخاب شد. در ابتدا با استفاده از تکنیک دلفی الگوهای صحیح معماری و ساخت مسکن روستایی شناسایی گردید و در ۵ گروه تقسیم بندی شد و در نهایت با استفاده از روشهای آماری و تکنیکهای MADM نظیر AHP و TOPSIS این عوامل الویت بندی شدند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین عوامل پنجگانه موثر بر ساخت مسکن عامل اقتصادی بیشترین تاثیر را دارد این عامل با $C_i=0.987$ بیشترین نقش را داشته است.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، معماری روستا، MADM-AHP-TOPSIS، شهرستان ماسال.

Identify and prioritize appropriate patterns of rural housing in sustainable development of rural architecture using MADM techniques at Masal-city

Abstract

Architectural structures of the rural environment are considered as important outcomes of human activities that over the centuries, according to the strong logic of the social and cultural environment have evolved. This means that the morphology and spatial patterns of rural architecture gradually in line with the estimating of socio-cultural needs of the resident population (to meet residency requirement, to provide the privacy of the household and production system) and ininteraction with the physical environment have developed. Rural settlements are spatial-space phenomena that are the result of human interaction with each other and with the environment which in addition to interactions between internal components (natural, social, economic, physical, space) are in contrast with other systems and external forces. Thus, the settlements represent the human roles that over time and according to the conditions are formed and organized. Accordingly, the rural settlements space according to the mentioned specifications has certain structure and determined actual and potential talent that in certain are as affected by internal and external forces, for whatever reason are at odds with each other. So that, if the system and performance of this spatial organization be impaired, rural settlements are unsustainable. This study aimed to identify optimal patterns of housing and its role in sustainable development of rural architecture. The population of rural settlements in Masal city is 8351 that using the Cochran-sampling, 368 samples were selected. First, using the Delphi technique, the architecture and construction of rural housing patterns were identified correctly and were divided into 5 groups. Finally, using statistical method and techniques MADM such as AHP and TOPSIS, these factors were prioritized. The results of this study indicate that among the five factors that affect housing construction, economic factors have the greatest impact. This factor with $C_i=0.987$ has had the greatest role.

Keywords: Rural Housing, Rural Architecture, MADM-AHP-TOPSIS- Masal city

یکبار به دلایل اقتصادی یا سیاسی در سبک معماری تغییرات ناگهانی ایجاد کرد (موسوی و صالحی، ۱۳۸۴) ساختارهای معماری محیطهای روستایی برآیندهای با اهمیت فعالیت انسان بشمار می آیند که در طول قرنها مطابق با منطقهای قوی اجتماعی- فرهنگی و محیطی شکل و تحول پیدا کرده اند. این بدان معنی است که مورفولوژی و الگوهای فضایی معماری روستا بتدریج در راستای برآورد نیازهای اجتماعی- فرهنگی جمعیتهای ساکن (پاسخگویی به نیاز سکونت، تأمین امنیت، حریم خانوار و نظام تولیدی) و در تعامل با محیط فیزیکی اطراف توسعه پیدا کرده اند. چنین تفکری بویژه موقعی که آن را در چهارچوب روابط دوجانبه محیط طبیعی و در بستر تاریخ اش مدنظر قرار دهیم محیط انسان ساخت را بعنوان ظرف معنی تبیین و تعریف می کند. زیرا انسان موقعی تمایل به ساکن شدن دارد که بتواند محیط پرمعنایی را تجربه بکند (Norberg-Schulz، ۱۹۸۰)؛ زندگی روستایی و نوع نگرش به جهان و طبیعت، امکانات و دانش او برای ساخت و تولید، و شیوه های بهره وری باعث می شود تا اجزاء محیط به مطلوبترین و در عین حال رعایت سادگی و برقراری رابطه ای منطقی و مکمل بین آنها، با حداکثر کارایی شکل گیرد. (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

سکونتگاههای روستایی به عنوان چشم انداز فرهنگی حاصل از تعامل بین انسان و محیط؛ در طی فرایندهای متأثر از عوامل و نیروهای درونی و بیرونی دچار تغییر و تحولاتی در بافت کالبدی - فضایی خود شده اند، که این امر موجب پدید آمدن مشکلات و نارسائیهای فراوانی برای زیست و ادامه سکونت در این روستاها شده است. در این راستا شهرها بعنوان کانون برتر در هر فضای جغرافیایی تأثیرات گسترده ای بر روند دگرگونی فضایی روستاها با اشاعه الگوها و شیوه های معیشتی خود داشته اند. سکونتگاه های روستایی، همچون تمام انواع سکونتگاه ها، لازم است علاوه بر عملکرد سکونتی،

توسعه پایدار یکی از جامع ترین مفاهیم در همه زمانها است. اهداف توسعه پایدار در همه سطوح سازمان فضایی (محلی، منطقه ای و جهانی) مطرح است سکونتگاه های روستایی تبلور فضایی و ایفای نقشهای انسانی می باشند که برحسب شرایط محیط طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی شکل گرفته و متحول شده و سازمان یافته اند که علاوه بر کنش بین اجزا درونی (طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی - فضایی) در حال تقابل با سایر نظامها و نیروهای بیرونی قرار دارد. هدف اساسی برنامه ریزی مسکن تامین نیازهای فضایی فعالیت های انسانی به منظور وضعیت مطلوبتر سکونت با توجه به محدودیتهای منابع و امکانات است هدف نهایی سیاست مسکن، عملکرد مطلوب و بهینه آن است (فرقانی، و صحرائی، ۱۳۷۳، ص ۸۷). سکونتگاه ها و الگوهای سکونتگاهی در اثر تعامل های پیچیده بین نیروهای فیزیکی (طبیعی)، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی متحول می شوند (دیوید چپ من، ۱۳۸۶، ص ۱۹). مقوله مسکن که خود از فاکتورهای بسیار مهم در زمینه سلامت زیست افراد است نخستین واحد جامعه و مهم ترین بخش سکونت انسانهاست (Rangwala، ۱۹۹۸:۶۲). معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها از شرایط محیطی محلی و نیز آگاهی های جامعه روستایی تأثیر می پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علایق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها می تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد. با وجود این، شناخت عوامل گوناگون مؤثر در معماری و خصوصیات مسکن روستایی می تواند واقعیات قابل توجهی را برای هدایت برنامه ریزی های طرح هادی روستایی در زمینه معماری و مسکن روستایی فراهم آورد. معماری هر ملتی خاص همان ملت و متناسب با فرهنگ آن مردم است و نمی توان

از برخی عملکردهای دیگر، همانند عملکردهای اجتماعی- اقتصادی نیز برخوردار باشند. آشکار است که عملکردهای هر مکان، به وجود امکانات، فعالیت‌ها و روابط آن بستگی تام دارد. بنابراین، وفور یا کمبود و یا حتی نبود آن‌ها در یک سکونتگاه، تعیین کننده جایگاه عملکردی و دامنه نفوذ فضایی آن خواهد بود (سعیدی و حسینی، ۱۳۸۸، صص ۲۷۴-۲۷۵). ورود تکنولوژی مدرن، تغییر ساختار تولیدی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی، شاخص‌های فرهنگی تحولات گسترده‌ای را در الگوی مسکن روستایی ایجاد نموده است و روستاهای منطقه مورد مطالعه (شهرستان ماسال) نیز از این تغییرات بی بهره نبوده‌اند؛ از این رو، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی و مطالعه در خصوص شناخت الگوهای صحیح مسکن روستایی و ارتباط آن با توسعه پایدار روستایی می باشد زیرا مسکن روستایی این ناحیه از شیوه معماری و سبک ساخت و ساز منحصر به فردی برخوردارند که برگرفته از سنتها و فرهنگ و سایر مقوله‌های اجتماعی موجود در ناحیه می باشد و با تغییر این الگوی ساخت و ساز می توان به یک پایداری نسبی در معماری مسکن روستایی رسید که به دنبال خود می توانند توسعه یافتگی در زمینه معماری روستایی را به همراه داشته باشد.

مروری بر ادبیات موضوع

موضوع روستا و بافت و معماری آن، همیشه یکی از محورهای بحث‌های مطرح برنامه ریزان بوده است. سادگی روابط افراد جامعه روستایی و تلاش آنها در عرصه تولید باعث تمایز کالبدی روستاها با شهرها شده است، خانه‌های روستایی به دلیل پیوند با طبیعت مبتنی بر اصول و ارزش‌هایی است که همزیستی با محیط زیست نامیده می شود. بر اساس شواهد و مطالعات صورت گرفته در مورد مسکن و معماری روستایی، واحدهای مسکونی روستایی ضمن برخورداری از ارزش‌های معماری همانند سادگی، الگوهای زیباشناختی، استفاده از مصالح و دانش بومی و غیره دارای مشکلاتی چون

آسیب پذیری در برابر سوانح طبیعی و ضعف سازه‌ای نیز می باشد، با در نظر گرفتن ضرورت مصون ساختن برنامه ریزی روستایی از اسلوب‌های برنامه ریزی صرف شهری، و با هدف انطباق مبانی و رویکردهای ذاتی روستاها بر اساس ویژگی‌های روستاها، تاکنون بررسی‌های مختلف و متعددی برای استخراج و کشف این الگوهای نسبتاً عام در شکل گیری و تکامل بافت‌های روستایی انجام شده است و نتایج قابل توجهی نیز بدست آمده است. **پیشینه تحقیق**

معماری واحدهای مسکونی و سایر فضاهای فعالیتی در روستاها و نیز مصالح ساختمانی مورد استفاده در ساخت و سازها از شرایط محیطی محلی و نیز آگاهی‌های جامعه روستایی تأثیر می پذیرد. آشنایی جامعه روستایی با الگوهای معماری جدید در شهرها و گسترش علایق مبتنی بر فرهنگ زندگی شهری در روستاها می تواند الگوی معماری روستایی را از شکل بومی خارج سازد.

Sangiorgi و GaukstadDragonی در مجله انجمن اروپا با تأکید بر شیوه‌های معماری مسکن روستایی به عنوان میراث فرهنگی و ملی ضمن اشاره به انواع مسکن سنتی در کشورهای اروپایی به نحوه معماری و شیوه‌های ساخت آن هم پرداخته‌اند. «کریستیان برومبِرژ» در کتاب «مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان» (مطالعات مردم شناسی) به شیوه‌های اصیل زندگی در گیلان و معماری مسکن آن ناحیه پرداخته است. «ماکس درنو» نیز در جغرافیای انسانی، به مسائل مربوط به مسکن روستایی پرداخته است و در آن تجمیع و تفرق و ضریب تفرق و عوامل موثر در توضیح پراکندگی مسکن، را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. همچنین به انواع روستاها و شکل آنها در نواحی مختلف پرداخته که به اجزای مسکن روستایی مانند: بام خانه‌ها را در سرزمین‌های مدیترانه‌ای و جنب مدیترانه، مصالح و نقشه خانه‌ها را مورد بررسی قرار داده و به تشریح بروز تحول در خانه‌های

روستایی پرداخته است. «پروفیسور تولون» در کتاب «جغرافیای سکونت و سکونتگاههای روستایی» به بررسی وضعیت مسکن و تاریخچه پیدایش مسکن و سکونتگاههای روستایی پرداخته است و انواع سکونتگاهها را بخصوص در کشورهای در حال توسعه با توجه به نوع معیشت و فعالیت اقتصادی آنها به طور مفصل تشریح نموده است. «حسن افراخته» در کتاب «برنامه ریزی سکونتگاههای روستایی» ساخت و سازهای روستایی را بخشی از توسعه روستایی می داند و سازمان فضایی زیستگاههای انسانی را نتیجه مستقیم فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و نهادی تشریح می داند.

مبانی نظری تحقیق

مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در برمی گیرد که شامل تمامی خدمات و تسهیلات ضروری موردنیاز برای بهتریستن خانواده و طرحهای اشتغال، آموزش و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می شود. به عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و تمامی خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهزیستن انسان را شامل می شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن فراهم باشد (مخبر، ۱۳۶۳). از نظر «دیوید چپ من» سکونتگاهها و مساکن انسانی جز با تحرک و فعالیتهای انسانی نمی توانند وجود داشته باشند و مساکن در گذر زمان با توجه به شرایط فرهنگی اقتصادی و محیطی تغییر می کنند. همچنین «ونس» به روشنی نشان می دهد که حمل و نقل و مخصوصاً تغییرات در فناوری آن پیامدهای عمیقی بر شکل سکونتگاه و شبکه سکونتگاهها دارد. در مسکن مناسب روستایی عواملی همچون اقلیم، ویژگیهای جغرافیایی، وضعیت زمین و معیشت ساکنین خانه ها، سنت سکونت، شیوه های زیستی، قومی، عشیره ای و شیوه های ساخت بنا و ... همگی در ساختار فضایی مسکن موثر هستند. این عوامل

در ترکیب فضاهای گوناگون و نحوه استقرار، نظام دسترسی، ویژگیهای ساختاری و کالبدی، فضاهای پر و خالی یا فضاهای باز و بسته مسکن را نمایان می کنند از طرف دیگر ویژگیهای اقتصادی افراد مهم ترین عامل در زمینه ساخت مسکن می باشد که بازتاب کیفیت زندگی افراد خواهد بود.

دیدگاهها و نظریه های الگوی ساخت مساکن روستایی

سکونتگاه های روستایی به مثابه واحدهای تماس و تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آیینی تمام نمایی از مناطق روستایی هستند، جایی که تمدنها ریشه در آن داشته و گسترش یافته اند و در سراسر زندگی انسان پخش شده اند. واحدهای روستایی که نمایانگر ریخت شناسی اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مهندسی تعامل انسان روستایی با زیست جغرافیایی سرزمین در قلمروهای روستایی هستند. در مدل قطاعی هومر هویت که در سال ۱۹۳۹ ارائه شد، اجاره و ارزش زمین به عنوان شاخصی در نظر گرفته شد که با توجه به محورهای ارتباطی، مکانهای ساخت به محورهایی تقسیم شد که محله های فرو دستان در محوره های کم سود و کم ارزش واقع شده بود (بهفروز، ۱۳۷۴، ص ۳۰۴). مدل های اقتصادسنجی که در الگوی ساخت مسکن مورد استفاده قرار می گیرند عبارت است از یک دسته روابط برقرار کمی که بین متغیرهای اجتماعی و اقتصادی برقرار است. الگوی مسکن در این مدل تابعی از عوامل مختلف مانند نرخ بازگشت سرمایه گذاری در مسکن، میزان اجاره، میزان اعتبارات ساختمانی و بهره آن، تخصیص اعتبارات دولتی، شاخص قیمت مصالح و دستمزد کارگر ساختمانی، شاخص قیمت زمین و شاخص قیمت سوخت و آب برق و سایر تسهیلات سکونتی است (رفیعی، ۱۳۶۰، ص ۸). بافت کالبدی روستاها علاوه بر دخالت مستقیم افراد جامعه از عوامل محیطی نیز تأثیر می پذیرند. شدت تأثیرگذاری این عوامل گاه بواسطه توانایی های انسانی کاهش می یابد

ولی همواره تأثیرات خود را بر شکل بندی کالبد و سازمان فضایی روستا حفظ می کند؛ بنابراین خصوصیات کالبدی ساخت سکونتگاه ها تحت تأثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می گیرد. در زمینه استفاده بهینه از فضاهای موجود در معماری بومی روستاها باید از پراکنده شدن واحدهای مسکونی در فضاهای روستایی جلوگیری شود، از بافت مسکونی بیشتر استفاده شود و شیوه ها و فنون بکاررفته در معماری مسکن روستایی با اقلیم جغرافیایی هماهنگ شود. همچنین سکونتگاههای روستایی به طور همه جانبه به ویژه از لحاظ شکل استقرار و توجه به عوامل طبیعی مانند اقلیم، توپوگرافی، آب و خاک و میزان توسعه یافتگی اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد.

روش شناسی تحقیق

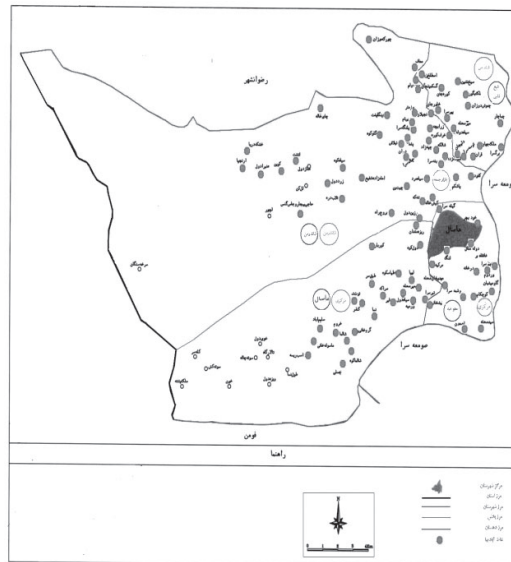
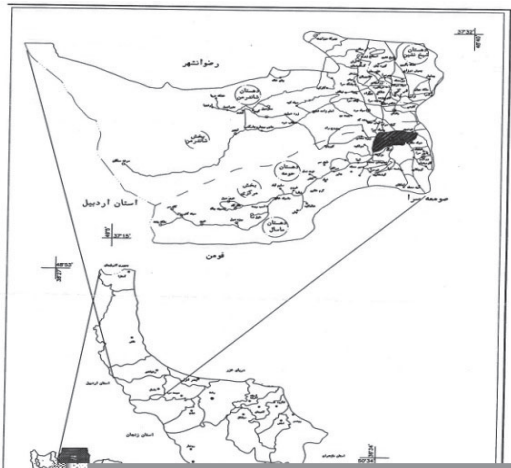
در نواحی شمالی کشور مجموعه ای از الگوهای عام تجربه شده در شکل گیری و توسعه کالبدی روستاهای کشور موثراست که ساکنان در ساخت و توسعه کالبد روستای خود بکار گرفته اند. بسیاری از این الگوها نتیجه وجود یک عامل قوی اثرگذار در روستا است. عوامل اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی جزء مهمترین عوامل موثر در شکل گیری الگوهای بافت روستایی محسوب می شوند که بیشترین تنوع الگوهای بافت روستایی موجود را بوجود آورده اند. بطور قطع و یقین نمی توان بین این عوامل از نظر میزان تاثیرگذاری آنها در شکل گیری الگوها، ارزش گذاری مشخصی انجام داد. اهمیت و قدرت تاثیرگذاری هریک از این عوامل در تک تک روستاها، بطور مناسب تری قابل اولویت بندی است. بنابر این سوال اصلی تحقیق حاضر این است که الگوهای صحیح مسکن روستایی که منجر به شکل گیری مسکن پایدار و در نهایت توسعه پایدار می شود کدامند؟ و سوالهای زیر در راستای آن مطرح می شود:

۱. چه عواملی در الویت بندی الگوهای ساخت مسکن روستایی موثرند؟

۲. ساخت مسکن روستایی با الگوی بهینه چگونه موجب توسعه پایدار روستایی می گردد؟
۳. معیارهای مرتبط با الگوی ساخت سکونتگاهها در راستای توسعه پایدار کدامند؟
۴. چه عواملی زمینه ساز تغییر در الگوی ساخت مسکن روستایی شده اند؟

حفظ هویت و تاریخ یک روستا از جمله مواردی است که نباید در کنار مقاوم سازی و اصولی سازی ساختمان ها به فراموشی سپرده شود. نیاز به ارائه الگوهای متنوع ساخت و ساز برای روستاهای نقاط مختلف کشور از جمله اقداماتی است که به آن کمتر پرداخته شده و بی توجهی به این امر منجر به رشد ساخت و سازهای ناموزون در روستاها شده است. ارائه الگوهای مناسب جهت ساخت مسکن روستایی با رعایت موارد صنعتی سازی ساختمان، از جمله وظایف سنگین جامعه مهندسی و معماری کشور می باشد. در تحقیق حاضر که از نوع کاربردی - توسعه ای و روش آن توصیفی - تحلیلی است با توجه به بررسی کلی الگوهای ساخت مسکن در منطقه مورد مطالعه اطلاعات جمع آوری شده است و سپس عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن با توجه به تکنیک دلفی شناسایی گردید و در نهایت با استفاده از تکنیک های MADM عوامل و مولفه های شناسایی شده الویت بندی شده است. با توجه به اهداف پژوهش و ماهیت تحقیق، مناسب ترین روش برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز استفاده از پرسشنامه بود که از سه نوع پرسشنامه استفاده شده است.

۱. پرسشنامه اطلاعات عمومی: شامل مشخصات فردی خانوارها مشتمل بر درآمد؛ سطح تحصیلات؛ مدت اسکان؛ تعداد افراد خانوار؛ میزان درآمد؛ نوع فعالیت اقتصادی.
۲. پرسشنامه رتبه بندی عوامل و مولفه های موثر بر الگوی ساخت مسکن روستا.
۳. پرسشنامه روستا مبتنی بر سطح پایداری و توسعه یافتگی روستا بر اساس نوع ساخت و الگویابی صحیح مسکن روستا و نوع معماری سکونتگاهها و



شکل ۱. پراکندگی نقاط روستایی شهرستان ماسال و شکل ۲. موقعیت شهرستان ماسال در تقسیمات سیاسی

جلگه‌ای، کوهپایه ای و کوهستانی تشکیل یافته است. جمعیت این شهرستان ۴۸۰۹۱ نفر است ۳۵/۶ درصد از جمعیت را شهرنشینان و ۶۴/۴ درصد از جمعیت را روستائیان تشکیل می دهند. این شهرستان دارای ۹۸ روستا می باشد که جمعاً دارای ۸۳۵۱ سکونتگاه می باشد.

یافته های تحقیق

انتخاب فرم و شکل مسکن روستایی

امروزه اغلب روستاییان در واحدهای مسکونی قدیمی ساکن هستند و به لحاظ بهره گیری از خانه های کهن و فاقد استقامت و استواری، سبک ساخت و ساز معماری قدیمی را مردود دانسته و از این خانه ها دل زده اند. میراث روستایی شامل معماری و چشم اندازه های ویژه آن است (Sabattini, Brigitte). بیشتر روستاییان بر این باورند که استفاده از مصالح جدید و گاهی همگونی و تلفیق آن با مصالح در دسترس بومی و تقلید از نقشه و تیپ و سبک ساخت و ساز شهری می تواند در افزایش پایداری و عمر مفید بناهای روستایی موثر واقع شود؛ اما واقعیت این است که نبود دانش فنی کافی و کارگران زنده و ماهر و نهایتاً غیبت سازمان های کنترل کننده در بخش های دور افتاده و روستاها، سبب شده است

تاثیر آن بر توسعه پایدار روستا.

از آنجاییکه پرسشنامه های مذکور بر پایه عوامل شناسایی شده در پیشینه تحقیق فراهم گردیده است بنابر این از نظر روایی تایید می شود و جهت تعیین پایایی آن و اثبات وجود رابطه و همبستگی بین متغیرها از دو نوع آزمون استفاده شده است: «آزمون یومن-ویتنی (u man-wietny) و آزمون رتبه دار ویلکاکسون برای نمونه های مستقل و همچنین جهت سنجش پایایی از نرم افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش مسکن روستایی در روستاهای شهرستان ماسال می باشد.»

محدوده مورد مطالعه

ناحیه مورد مطالعه شهرستان ماسال از شهرستان های شمالی دریای خزر در شمال ایران است. و در شمال غربی استان گیلان قرار گرفته است. شهرستان ماسال در مختصات ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی از واقع شده است. وسعت این شهرستان در حال حاضر ۴۸۶ کیلو متر مربع است به طور متوسط در مناطق جلگه ای دارای ارتفاعی حدود ۲۰ متر از سطح دریاهای آزاد (ژئوئید) می باشد. از نظر ناهمواریها، از سه ناحیه

که بیشتر ساختمان‌های جدید روستایی نیز همانند ساختمان‌های کهن و قدیمی، بسیار آسیب‌پذیر باشند. این موضوع یکی از مشکلات اساسی جوامع روستایی است، که لازم است چاره‌های کاربردی برای جلوگیری از گسترش این شیوه‌های حادثی اندیشیده شود، تا با اتخاذ رویه‌های نوین خطرات و پیامدهای بلایای طبیعی در مناطق گوناگون روستایی کاستی گیرد. ساخت و ساز متکی به دانش فنی و مهندسی در روستاها، با استفاده از سیستم‌های نظارتی و کنترلی بر ساخت و بهسازی واحدهای موجود مسکونی و استفاده درست از مصالح مرغوب ساختمانی سبب می‌شود به تدریج خانه‌های روستایی استوار و مقاوم پدید آیند. غالباً انتظار نمی‌رود که معماری به ظاهر نابسامان روستاها دارای هندسه خاصی باشد. باید اذعان کنیم که این وجه از معماری روستایی ایران نیاز به تامل بیشتری دارد. «با این حال بعضی نشانه‌ها در دست است که نوعی هندسه در معماری خانه روستایی یا دیگر بناهای آن رعایت می‌شود. در بررسی نمونه‌های جمع‌آوری شده از روستاهای مختلف شهرستان ماسال، به وجود یک تناسب هندسی جالب در پلان و حتی در نماهای ساختمان‌ها پی برده شد. خصوصاً جاذبه کار وقتی افزایش می‌یابد که معلوم شود، تناسب را در بسیاری از نمونه‌ها می‌توان ردیابی کرد. هزینه مسکن را می‌توان به منزله معیار دسترسی خانواده‌ها به مسکن قابل قبول و محیط مناسب به شمار آورد» (زنجانی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۹). تغییرات ایجاد شده در زندگی روزمره مردم نشان از به وجود آمدن دیدگاه جدیدی در جوامع مختلف گردیده است. مباحثی از قبیل صرفه جویی، توسعه پایدار، و بومی‌سازی نوید آینده‌ای روشن برای آیندگان را به دنبال خواهد داشت. هدف از حرکت به سمت توسعه پایدار، کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از صنعت بتن و توجه به منابع طبیعی که سرمایه‌هایی برای نسل‌های آینده‌اند، می‌باشد. فرم و شکل مسکن روستایی

و بافت کالبدی روستاها علاوه بر دخالت مستقیم افراد جامعه از عوامل محیطی نیز تأثیر می‌پذیرند. شدت تأثیرگذاری این عوامل گاه بواسطه توانایی‌های انسانی کاهش می‌یابد ولی همواره تأثیرات خود را بر شکل بندی کالبد و سازمان فضایی روستا حفظ می‌کند. بنابراین خصوصیات کالبدی روستاها تحت تأثیر دو گروه کلی عوامل مرتبط با محیط یا طبیعت و انسان شکل می‌گیرد. روستاها تکامل و توسعه خود را طی دو فرایند مبتنی بر حرکت طبیعی یا ارگانیک و برنامه‌ریزی از پیش اندیشیده شده دنبال می‌کنند. در شکل نخست، روستاها براساس تعامل بین عوامل طبیعی و انسانی شکل می‌گیرند و تکامل می‌یابند. در این شکل گرچه برنامه‌ای شبیه آنچه در دوره معاصر در ادبیات برنامه‌ریزی روستایی درک می‌شود، وجود ندارد ولی انسانها براساس تجربه و خرد جمعی، روستاها را به گونه‌ای که نیازهای آنها را تأمین سازد، شکل می‌دهند. در مقابل حرکت تکاملی روستاها براساس برنامه‌ریزی اقتدارگرایانه، دارای تفاوت‌هایی اساسی با الگوی تکامل طبیعی است. در الگوی مبتنی بر برنامه‌ریزی، توسعه روستاها مبتنی بر شناخت نیازها، رعایت کمیات مطلوب فضایی برای تأمین نیازها، جامع‌نگری شرایط و نیازها و نگرش به آینده روستاها انجام می‌شود. مهمترین تفاوت دو الگوی توسعه روستاها در استفاده از کمیات مطلوب فضایی است که عمدتاً نتیجه تلاش برنامه‌ریزان شهری برای هدایت منطقی و مطلوب توسعه شهری است. استفاده از این کمیات گرچه می‌تواند به تأمین نیازهای روستاها کمک نماید ولی گاه در نقطه مقابل خواست و تمایل اجتماعی روستاییان و شرایط مطلوب زیست‌محیطی روستاها قرار می‌گیرد.

الگوهای مسکن روستایی

در بافت روستایی ناحیه مورد مطالعه دو تیپ از مسکن وجود دارد.

۱. مسکن سنتی و بومی: این مسکن شامل مسکن موجود در نواحی کوهپایه‌ای می‌باشد و

۲. مسکن جدید که با الهام از مصالح مدرن و شهری بنا شده اند که قدمتی کمتر از ۱۵ سال دارند.

معماری روستایی و بومی دارای خطوط ارتباط مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و زندگی روزمره آن‌هاست. که با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های آب و هوایی، آداب و رسوم، ارزش‌ها و عقاید در طول تاریخ و به مرور زمان شکل می‌گیرد و در صورت لزوم به آرامی و به تدریج تغییر می‌کند؛ بنابراین معماری هر ملت، خاص همان ملت و متناسب با تمام عناصر فرهنگ آن ملت می‌باشد و نمی‌توان به یک بار و به دلایل اقتصادی و سیاسی در سبک معماری تغییرات ناگهانی ایجاد کرد. مهمترین نقش‌ها و کارکردهای مختلف مسکن در جوامع گوناگون را می‌توان به شرح زیر عنوان نمود: «استراحتگاه و محلی برای رفاه و امنیت، به عنوان کارگاه، به عنوان انبار، عنوان مکان نگهداری دام و طیور، فضایی به عنوان محل عبادت.»

مصالح به کار برده شده در مسکن روستایی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱- مصالح ساختمانی معدنی؛ ۲- مصالح ساختمانی بیولوژیک

گل، خشت خام، خاک رس (خام یا پخته)، سنگ، شیست، آهک، شن، سنگریزه به عنوان مصالح ساختمانی معدنی، تنه درختان، تخته، شاخه‌ها، علف‌ها، برگ‌ها، پوست درختان، چرم و پوست‌ها، بافتنی‌های متشکل از الیاف به عنوان مصالح ساختمانی بیولوژیک مورد استفاده قرار می‌گیرند. از موارد عمده‌ای که در کیفیت نامطلوب مسکن روستایی موثر می‌باشد می‌توان به سه موضوع ذیل اشاره نمود: «۱- عوامل موثر در ضعف تکنیکی ساخت و ساز؛ ۲- وجود مصالح کم دوام و عدم استفاده مناسب از آن در ساختمان‌های روستایی؛ ۳- بی‌توجهی به مقاوم سازی.»

به طور کلی ویژگی‌هایی که می‌توان برای مسکن سنتی در روستاها برشمرد عبارتند از:

۱. در اکثر روستاهای خراسان جز در مناطق کوهستانی، مسکن عمدتاً در یک طبقه (همکف) ساخته شده است. اما در نواحی کوهستانی به علت کمبود زمین، مسکن در دو طبقه ساخته می‌شود که معمولاً طبقه همکف اختصاص به نگهداری حیوانات دارد.

۲. با گسترش خانواده امکان گسترش مسکن وجود داشته است.

۳. در مسکن سنتی به دلیل وجود دیوارهای قطور، پنجره‌های معدود و کوچک و سقف‌های نسبتاً کوتاه حداقل انرژی برای گرم کردن و سرد کردن ساختمان لازم است.

۴. مصالح ساختمانی بیشتر بومی و کم دوام است (خشت خام، کاه گل، سنگ لاشه، چوب)، در مناطق کوهستانی بویژه در مناطقی که جنگل وجود داشته است، از چوب درختان جنگلی در ساختمان سازی استفاده شده است.

۵. مسکن سنتی از نظر امکانات رفاهی (آب لوله کشی، حمام، توالت بهداشتی، آشپزخانه) در محدودیت بوده است.

۶. مسکن معمولاً در روی زمین‌هایی که قابل کشت نبوده‌اند (در روی دامنه‌ها و تپه‌ها) ساخته شده‌اند.

۷. ساخت و تعمیر مسکن توسط خانواده و با همکاری اقوام و همسایگان و معمولاً در مدتی کوتاه انجام می‌شده است.

۸. مسکن سنتی روستایی معمولاً یک کالای اقتصادی نبوده است. در ساخت آن نیز معمولاً پولی بابت مزد پرداخت نمی‌شده است. همچنین مسکن سنتی معمولاً خرید و فروش نمی‌شود.

۹. علاوه بر مصالح ساختمانی بومی، وسایل داخل مسکن هم عمدتاً محدود به وسایل سنتی بوده که در روستا ساخته می‌شده است.

۱۰. مسکن سنتی اکثر روستاییان از نظر معماری بسیار ساده است و همگنی‌های بر شمرده را دارا می‌باشد. اما همین تجانس از نظر معماری، شکل و

فرم، نحوه آرایش داخلی مسکن و نحوه استفاده آن گویای فرهنگ هر یک از اقوام بوده است.

عوامل تأثیرگذار در معماری مسکن روستایی عبارتند از:

الف- محیطی- اکولوژیک: دگرگونی چهره های معماری روستایی در ارتباط با شرایط اقلیمی حکایت از ستیز مستمر و پی گیر معماران جوامع کوچک روستایی، طبیعت چندانگونه و ناسازگار این سرزمین می کند.

ب- اجتماعی- فرهنگی: از مهم ترین عوامل انسانی که در ساختمان مسکن و شکل گیری آن موثر است، فرهنگ، سنت، اعتقادات، امنیت و... می باشد.

ج- اقتصادی: نخستین قدم در بنای خانه و ملحقات آن تطبیق فضای مسکن با فعالیت های اقتصادی یعنی اشتغالات و تولید ساکنین است. نوع مصالح به کار رفته در نقاط مختلف نیز بر اساس وضعیت مالی روستاییان تغییر می کند. نظام معیشت موجب شکل گیری تعدد و تنوع خاصی از فضاها می شود که نتیجه آن توسعه سطح زیربنای مسکن است. شغل ساکنین یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در چگونگی چیدمان فضایی واحدهای مسکونی روستایی می باشد. شکل جدید بناهای امروزی که متناسب با نیازهای بشر امروز است تنها به دلیل طراحی متفاوت نیست بلکه شکل اجرا و نوع مصالح به کار رفته در بناها نیز در متفاوت بودن بناهای امروزی تأثیر بسیاری دارند. بشر امروز وارد دوران جدیدی از زندگی خود شده است و به همین خاطر نیز نسبت به بسیاری از مسایل حساس تر از قبل عمل می کند. نگاه جدید انسان ها به حفظ محیط زیست و صرفه جویی در مصرف انرژی، حاصل این دیدگاه جدید است. بدون مصالح، محصولی وجود نخواهد داشت. بناهای دو دهه گذشته، هم ملاحظات تکنیکی و هم زیبایی شناختی مورد توجه بوده اند؛ در این میان پیشرفت های جدید مهندسی مواد خود موجب افزایش امکانات تکنولوژیک شده است و همانند جنبه زیبایی شناسانه مصالح به عنوان یک

فرصت طراحی قلمداد می شود. مصالح نام آشنای بناهای امروز ما آجر، سنگ، گچ، آهن و فولاد و بتن و شیشه اند در حالی که در طول ۱۰ سال اخیر تأثیر عمده مصالح طبیعی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال تقاضاهای مربوط به سازهای چوبی، کورتن استیل، اکسیدایزد کوپر، روی، آجر کوره ای چند رنگ و انواع جدید بتن نشان دهنده این موضوع هستند.

پیشرفت های جدید، علاقه و اشتیاقی روز افزون را به انواع مختلف مصالح و تکنیک های جدید، چند منظوره و شگفت آور نشان می دهد که به کمک آنها ایده هایی را که زمانی غیر ممکن و نامعقول به نظر می رسید، عملی و قابل درک کرده است. نباید این نکته را از خاطر برد که ایده هایی که در امر ساخت و ساز یک بنا ارتباط تنگاتنگی با وضعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه دارند. علاوه بر این مطلب جریانات عمده و مهم آینده ما را نیز موضوعاتی همچون توجه به محیط، سلامت عمومی، ارزشمند کردن پول و روش زندگی آینده تشکیل می دهند. در توضیح بیشتر باید گفت که محیط زندگی آینده ما وابسته مسایلی چون کم کردن استفاده از مصالح، پایداری و چرخه حیات، برگشت پذیری محصولات و مصالح و صرفه جویی در انرژی است. سلامت عمومی جامعه را نیز شرایط کاری راحت و ایمن، محیط کار و زندگی پاکیزه و سالم تامین می کند. ضمن اینکه صنعتی شدن، انعطاف پذیری در ساخت و ساز، استفاده از محیط شهری به طور منعطف، توسعه کیفی و تولید و ساخت سریعتر باعث ارزشمند تر شدن پول خواهد شد و شیوه خانه داری، باز تولید و وجود خانه های انعطاف پذیر در شیوه زندگی آینده ما موثر خواهند بود. نگاه جدید به شیوه ساختمان سازی، استفاده از مصالح جدیدی را نیز طلب می کند. هر چند ممکن است تکنولوژی ساخت یا شیوه اجرا در استفاده از این مصالح هنوز غریب و نا آشنا باشد، اما شناخت این مصالح جدید و کشف خصوصیات آنها کمک

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



شکل ۳. نمایی از مسکن سنتی با مصالح بومی و شکل ۴. نمایی از مسکن جدید با مصالح امروزی.

در ابعاد خاصی، وضعیت مسکن را شکل می دهند. این عوامل را می توان تحت عنوان شاخصهای

ساخت مسکن روستایی تقسیم بندی نمود:

۱. شاخص های اقتصادی: توجه به میزان درآمد یک خانوار، نوع شغل افراد، محیط های کاری و امکاناتشان و غیره، از موارد مهم جهت ایجاد یک موقعیت مناسب اقتصادی می باشد، یکی از جهات توسعه اقتصادی ارتقای اقتصاد بر پایه محله است. در این زمینه تفکر اصلی تلاش برای دستیابی به محله کاملاً منطقی می باشد. سطوح مختلف دخالت دولت برای ارتقای پایداری در زمینه اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر است. با توجه به این نکته که شهرستان ماسال و موقعیت طبیعی پیرامونی آن، به منزله یک فضای تولیدی در حوزه ی کشاورزی و زراعت، دامپروری، تولید محصولات لبنی عمل می نماید، تلاش برای توسعه این منطقه بعنوان یک زیربنای اقتصادی به خصوص برای مناطق اطراف بسیار اساسی می باشد.

۲. شاخص های فرهنگی: فرهنگ در حکم یک مجموعه پیچیده (complex) که عناصر متنوعی را اعم از فضاها، رفتارها، اشیاء، باورها و غیره در یک جامعه شامل می شود، می تواند در راستای تسریع و تداوم فرآیند توسعه پایدار شهری، به مثابه یک کاتالیزور عمل نموده و نقش خود را به این نحو و در قالب چارچوب های معین یک منطقه ایفا نماید. سطوح متنوع فرهنگی مانند سلاقی، باورها، ارزش ها، علایق مردم یک شهر تأثیر بسزایی بر

موثری به ایجاد نیاز کردن آنها در جامعه ما خواهد کرد.

عوامل موثر بر الگوی معماری و ساخت مسکن

مهمترین یافته های طرح بافت شناسی روستایی کشور در زمینه الگوی معماری روستاها و مسکن در تعامل با نیروهای تسهیل گر یا محدود کننده طبیعی، اقتصادی و اجتماعی می باشد منظور از شاخص های مسکن، اطلاعات مناسب عملی درباره جنبه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسئله مسکن است. شاخص های مسکن به سیاست گزاران کلان بخش مسکن کمک می کنند تا تصویر روشن تری از شرایط مسکن در گذشته، حال و آینده به دست آورند و سیاستها و راهبردهای متناسبی اتخاذ نمایند. از این رو این شاخص ها از یک سو ابزار شناخت وضعیت مسکن در ابعاد مختلف هستند و از سوی دیگر، ابزار کلیدی برای ترسیم چشم انداز آینده مسکن و برنامه ریزی آن محسوب می شوند. به همین دلیل می توان شاخص های مسکن را کلیدی ترین ابزار برنامه ریزی و شالوده اصلی آن دانست. شاخص های مسکن در ایران تحت تاثیر دو نوع عوامل بیرونی و درونی قرار داشته اند. عوامل بیرونی موثر بر مسکن، نظیر عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، موجبات رونق و رکود مسکن را فراهم کرده اند و برنامه های مسکن کمتر در وضعیت کلی مسکن و بهبود شاخص های آن موثر بوده اند. عوامل درونی مسکن، که عمدتاً تحت تاثیر چگونگی و فرآیند برنامه ریزی مسکن قرار دارند نیز

جدول ۱. درجه و اهمیت و رتبه عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن با AHP

رتبه از نظر میزان درجه اهمیت	درجه اهمیت به دست آمده از AHP	عوامل موثر بر تعیین الگوی ساخت مسکن
۱	۰/۶۱۷	عوامل اقتصادی
۲	۰/۴۲۵	عوامل اجتماعی
۳	۰/۳۷۲	عوامل محیطی
۴	۰/۳۶۰	عوامل فرهنگی
۵	۰/۲۹۰	سایر عوامل

طبیعییت شامل زمین، هوا و آب است و عوامل نشأت گرفته از این محیطها به عنوان عوامل طبیعی یا محیطی تلقی می شوند.

رتبه بندی عوامل و مولفه های موثر بر الگوهای صحیح مسکن روستایی

برای رتبه بندی و الویت بندی عوامل و مولفه های موثر بر الگوهای صحیح مسکن روستایی، روشهای (MADM) و برای رتبه بندی مولفه های این عوامل نیز از روش (TOPSIS) استفاده شده است؛ ولی از آنجا که باید وزن عوامل موثر بر الگوی ساخت مسکن روستایی را داشته باشیم نخست روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در رتبه بندی و تعیین درجه اهمیت هرکدام از عوامل بکار رفت و سپس با بکارگیری وزنها به دست آمده از این روش، مولفه های این عوامل با استفاده از تکنیک TOPSIS رتبه بندی شد. یافته های بدست آمده از رتبه بندی عوامل شناسایی شده، با روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به وسیله نرم افزار اکسل در جدول و نمودار آمده است. از دیدگاه ساکنان مناطق روستایی شهرستان ماسال از بین عوامل بررسی شده عامل اقتصادی و در آمد خانوارها بیشترین تاثیر را در تعیین الگوهای ساخت مسکن را دارد (لازم به ذکر است که ضریب نرخ سازگاری (C.R) برابر با ۱٪ می باشد که نشان دهنده انطباق نتایج با بررسی عوامل موثر می باشد).

چگونگی پذیرش یک الگوی توسعه ای از سوی آنها دارد. مسلماً این که مولفه های یک پارادایم توسعه بخش تا چه حد منطبق و براساس عوامل محیطی و بومی است، می بایست مورد توجه سیاست گزاران این عرضه باشد.

۳. شاخص ها و اصول اجتماعی: مسکن روستایی و کیفیت آن یکی از موارد مهم و مورد توجه در قالب برنامه ریزی کالبدی در مناطق روستایی است اجتماع انسانی در هر سکونتگاهی چه بر اساس دیدگاه های تجربی و چه بر اساس برنامه ریزی های جدید، در بر خورد با محیط و تدمین نیازهای خود در محیط دارای تمایلات و علایقی است که آنچه می سازد، نتیجه تقابل علایق فردی و اجتماعی با محدودیت ها یا تسهیلات محیط طبیعی است. در روستاها نیز جامعه روستایی برای استفاده از زمین، ایجاد شبکه معابر، مکانی یابی کاربری های مختلف، ساخت و ساز از تسهیلات محیط استفاده و محدودیت های آن را تحمل می کنند یا برطرف می سازند. عوامل اجتماعی به برخی خصوصیات فکری، فرهنگی، آدابی و عرفی جامعه انسانی اشاره دارد که در فرایند شکل گیری و تکامل خصوصیات کالبدی روستا مؤثر هستند.

۴. شاخص های محیطی: این عوامل در ارتباط با محیط طبیعی در روستاها هستند و جامعه روستایی دارای کنترل بسیار کمی بر آنها هستند. در این بحث

جدول ۲. رتبه بندی مولفه های عوامل اقتصادی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ ماخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل اقتصادی
۱	۰/۹۰۲	۰/۵۲	۰/۲۲	میزان در آمد
۲	۰/۸۰۳	۰/۴۷	۰/۲۷	نقش شغل
۳	۰/۷۴۵	۰/۳۹	۰/۳۰	مقدار زمین
۴	۰/۶۵۷	۰/۲۸	۰/۴۲	ارزش زمین
۵	۰/۵۹۰	۰/۱۹	۰/۴۹	تسهیلات اعتباری بانکها
۶	۰/۵۶۶	۰/۱۶	۰/۵۱	تعداد افراد خانوار
۷	۰/۴۵۷	۰/۱۰	۰/۵۶	هزینه نگهداری

جدول ۳. رتبه بندی مولفه های عوامل اجتماعی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ ماخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل اجتماعی
۱	۰/۷۸۶	۰/۷۸	۰/۴۵	وضعیت سواد (نقش سواد در انتخاب الگوی ساخت)
۲	۰/۶۹۴	۰/۶۲	۰/۴۷	امکانات زیر بنایی
۳	۰/۵۴۱	۰/۵۴	۰/۵۷	تاثیر پذیری از همسایگان
۴	۰/۴۳۱	۰/۴۱	۰/۵۹	الگوی ساخت منطقه
۵	۰/۳۲۶	۰/۳۲	۰/۶۵	نزدیکی به اقوام

جدول ۴. رتبه بندی مولفه های عوامل محیطی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ ماخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل محیطی
۱	۰/۶۵۴	۰/۵۳	۰/۳۵	وضعیت زمین مسکونی
۲	۰/۵۴۱	۰/۴۶	۰/۴۳	تاثیر شکل روستا
۳	۰/۴۸۹	۰/۳۹	۰/۵۴	تاثیر ناهمواری و شیب منطقه
۴	۰/۳۹۷	۰/۳۱	۰/۵۹	تاثیر سوانح طبیعی
۵	۰/۲۹۰	۰/۲۷	۰/۶۱	اقلیم

جدول ۵. رتبه بندی مولفه های عوامل فرهنگی بر اساس تکنیک TOPSIS؛ ماخذ: مطالعات نگارنده، ۱۳۹۲

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به عوامل فرهنگی
۱	۰/۶۷۵	۰/۴۸	۰/۲۲	تاثیر مراکز آموزشی
۲	۰/۵۴۳	۰/۴۳	۰/۲۹	نقش مراکز فرهنگی (سینما، موزه و غیره)
۳	۰/۴۳۷	۰/۳۵	۰/۳۴	نوع بینش همسایگان
۴	۰/۳۸۹	۰/۲۹	۰/۴۳	تاثیر استفاده از خدمات آموزشی
۵	۰/۳۱۲	۰/۲۱	۰/۵۰	تاثیر خدمات روبنایی
۶	۰/۲۵۶	۰/۱۹	۰/۵۶	نوع استفاده از مسکن

جدول ۶. تقسیم بندی مولفه های سایر عوامل بر اساس تکنیک TOPSIS

رتبه	Ci	فاصله با ایده آل منفی	فاصله با ایده آل مثبت	مولفه های مربوط به سایر عوامل
۱	۰/۵۶۷	۰/۳۷	۰/۲۱	نوع مصالح
۲	۰/۴۵۶	۰/۳۱	۰/۲۵	نوع فعالیت خانوار
۳	۰/۳۶۷	۰/۲۸	۰/۳۶	مدیریت سازه
۴	۰/۳۱۲	۰/۲۳	۰/۴۲	ارتباطات
۵	۰/۲۹۸	۰/۱۹	۰/۴۹	حمل و نقل

الگو پذیری ساخت مسکن داشت ولی در حال حاضر عامل اقتصادی به عنوان اولین و مهم ترین عامل الگوی ساخت مسکن محسوب می شود. با تغییر شیوه زندگی و نگرش روستاییان به مقوله مسکن عواملی در ساخت مسکن مورد توجه قرار گیرد که بیانگر کیفیت مسکن است و شامل فرم مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت مسکن، ایمنی، راحتی و میزان دسترسی و نیز فاصله مناسب ساکنان به تسهیلات و خدمات کالبدی محله، دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز باز، تامین تجهیزات و تاسیسات (زیرساختها) مورد نیاز مسکن همجواری مسکن با کاربری های سازگار این عوامل هفتگانه از مهم ترین معیارها و شاخص ها در تعریف و تبیین کیفیت مناسب مسکن هستند که توجه به آنها در ساخت و ساز، انجام تمامی فعالیت های زندگی ساکنان را به سهولت و کارایی مطلوب امکان

Ci=(منفی آل ایده با فاصله مقدار)/(مثبت آل ایده با مقدار+فاصله منفی آل ایده با فاصله مقدار) محاسبه مقدار Ci طبق فرمول بالا محاسبه می شود هر چه مقدار Ci بالاتر باشد درجه اهمیت عامل بالاتر است.

نتیجه گیری و جمع بندی

سکونتگاههای روستایی پدیده فضایی- مکانی بوده و به همین علت شناخت و تبیین آنها در چارچوب روابط متقابل انسان انسان و محیط یک موضوع جغرافیایی بوده و در محور مطالعات جغرافیایی قرار دارد بر اساس نتایج بدست آمده از پژوهش الگوهای ساخت مسکن در شهرستان ماسال با توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی و سایر عوامل می باشد که هر یک با شدت و ضعفی متفاوت از این عوامل تأثیر می پذیرند. در گذشته عوامل طبیعی یا محیطی و عوامل فرهنگی بیشترین تاثیر را در

پذیر ساخته که تمامی این عوامل وابسته به شاخص های ذکر شده می باشد. همچنین در الگوی ساخت مسکن زمین، منابع مالی، نیروی انسانی و فن آوری، مصالح ساختمانی و مدیریت و نظارت زمین و چگونگی (وسعت و شکل قطعات) آن تعیین کننده فرم مسکن است، و نیروی انسانی، تعیین کننده کیفیت ساخت و ساز بوده و منابع مالی بر کیفیت و چگونگی ساخت و ساز و چگونگی استفاده از مصالح و نوع آن موثر است. به منظور حرکت صحیح عوامل در سه راس مثلث و برقراری ارتباط مابین آنها، مدیریت و کنترل صحیح و قوانین مدون مورد نیاز است، هماهنگی تمامی این عوامل موجب رسیدن به فرم مطلوب مسکن و بالابردن سطح ارتقای کیفی می شود. برای رسیدن به یک الگوی مطلوب ساخت مسکن در منطقه مورد نظر علاوه بر عوامل یاد شده توجه به نکات زیر ضروری به نظر می رسد:

۱. فرم مطلوب مسکن: مسکن یکی از نیازهای اصلی انسان است، از این رو به منظور تامین آن و رسیدن به فرم مطلوب بایستی ۵ عامل اساسی را مدنظر قرار داد که عبارتند از: استحکام مسکن، رعایت مسائل فنی و اصول و قضاوت مهندسی در طراحی و اجرای سازه ها بایستی همواره مدنظر مهندسان و معماران باشد، به همین جهت لزوم بررسی ژئوتکنیکی، بررسی مصالح ساختمانی مقاوم، شناسایی گسله های موجود، شیوه های مقاوم سازی و لزوم تجدیدنظر در آئین نامه ها و مقررات، کاملاً محسوس است. علاوه بر مسائل فوق، با آشنایی مهندسان به تکنیک های مقاوم سازی مدرن و به روز می توان الگو های مقاوم، ارزان و مناسب طراحی کرد.

۲. امنیت مسکن: امنیت، در واقع حفاظت از مسکن و وسایل آن در مقابل عوامل مستقیم و غیرمستقیم است که موجب ضرر رساندن به مسکن و در واقع عدم امنیت آن می شود. عوامل مستقیم که امنیت را به خطر می اندازند شامل دزدی، آتش سوزی هستند. عوامل غیرمستقیم نیز، آلوده کردن آب، هوا و زمین است. البته در این مقوله می توان از

عوامل طبیعی همچون سیل، زلزله، توفان، و حرکت ماسه های روان نیز نام برد که تمامی این عوامل محل امنیت مسکن و ساکنان آن است و در واقع بر کیفیت مسکن تاثیر سوء می گذارد، پس معیار مصونیت در مقابل سوانح طبیعی از دیگر عوامل مطرح است. مقوله دیگری که در امنیت بایستی مدنظر قرار گیرد، امنیت نحوه تصرف مسکن است. امنیت نحوه تصرف سبب می شود که خانوار ساکن در واحد مسکونی، از نظر دورنمای سکونت خود احساس ایمنی کند و این امر آسایش روانی بیشتری برای آنها ایجاد می کند.

۳. ایمنی، راحتی و میزان دسترسی: در نظر گرفتن تسهیلات و خدمات مناسب، موجب افزایش سطح ارتقای بهداشت مسکن و در نتیجه سلامتی ساکنان آن می شود، از جمله عوامل موثر در این مقوله را می توان درصد برخورداری واحدهای مسکونی از یک، دو و سه اتاق خواب، میزان برخورداری از خدمات اساسی همچون شبکه برق سراسری، گاز لوله کشی، تسهیلات آشپزخانه، تلفن، کولر، سیستم فاضلاب و غیره دانست.

۴. دسترسی به طبیعت و فضاهای سبز باز: می توان گفت فضای سبز از مهم ترین ابزارهای دستیابی به توسعه پایدار است؛ باید توجه داشت که افزایش جمعیت نیاز به تامین فضای سبز عمومی را افزایش می دهد. به طور کلی استفاده از درخت بخصوص برای بالا بردن کیفیت فضاهای کالبدی، مکمل سکونت یا به عبارتی موقعیت نسبی مسکن، می بایست مورد توجه قرار گیرد. الگوی مسکن از عوامل و شاخص های دیگری نیز تاثیر می پذیرد. جمعیت، محدودیت زمین و محدودیت گسترش به سمت خارج از روستا، از جمله عواملی هستند که باعث تغییر در الگوی ساخت می شوند. باتوجه به تقاضا و نیاز حاصل از افزایش جمعیت، الگوی ساخت از تک واحدی به دوطبقه و سپس به بلندمرتبه سازی تغییر می کند. نوع مصالح ساختمانی و شیوه های ساخت نیز زمانی مشخص می شود که استفاده

از مصالح بادوام و شیوه‌های ساخت مناسب باعث افزایش عمر مفید ساختمان شده و در نتیجه در درازمدت کیفیت کالبدی مسکن حفظ خواهد شد. از دیگر عوامل تغییر الگوی ساخت مسکن در منطقه مورد پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۵. فراهم کردن ابزار تحلیلی مناسب و ارائه شناخت کامل از تحولات و دگرگونی‌ها ابعاد مختلف (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی) مسکن برای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین شده؛

۶. شناخت و تبیین روابط حاکم بر ابعاد مختلف مسکن

۷. ارزیابی نتایج حاصل از سیاست‌های مختلف در ابعاد مختلف مسکن و روابط حاکم بر آن‌ها؛ و

۸. پایه‌گذاری روابط صحیح میان ابعاد مختلف مسکن که می‌تواند در جهت تدوین سیاست‌های کارآمد، مؤثر باشد.

منابع و مآخذ

افراخته، حسن (۱۳۹۰) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های روستایی، انتشارات پرهام نقش. برومبژه و کریستیان (۱۳۷۰) مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان، علاءالدین گوشه‌گیر، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران. بهروز، فاطمه (۱۳۷۴) زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران.

چپ من، دیوید (۱۳۸۴) آفرینش محلات و مکانها در محیط انسان ساخت، شهرزاد فریادی، منوچهر طبییان، دانشگاه تهران.

درئو ماکس (۱۳۷۱) جغرافیای انسانی، جلد دوم، ترجمه سیروس سهامی، تهران، انتشارات رایزن. رفیعی، مینو (۱۳۶۰) اقتصاد: مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، ایران.

زنجانی، حبیب ا... (۱۳۷۴) برآورد نیاز به مسکن در ۲۰ سال آینده، مجموعه مقالات اولین سمینار سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد اول،

وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.

سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴) شاخصهای مسکن روستایی در ایران، فصلنامه هنرهای زیبا شماره ۳۹. فرقانی، محمد باقر و محمد علی صحرایی (۱۳۷۳) برنامه‌ریزی مسکن نمونه موردی تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

مخبر، عباس (۱۳۶۲) ابعاد اجتماعی مسکن، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

موسوی، اعظم و صالحی، فرحناز (۱۳۸۴) بررسی ابعاد اجتماعی الوی سنتی و جدید مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲.

Christian Norberg-Schulz, 1980, Meaning In Western Architecture,

Rangwala, s c1998, Town planning charater publishing house, india.

Sabattini, B, 2008, The rural vernacular heritage and society in france, Futuropa A council of Europe Magazin

sangiorgi, F, 2008, The vernacular Rural Heritage: From the past to the Future, Futuropa Future, Futuropa, (A Council of Europe Magazine)

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

■ ۳۹۶ ■

شناسایی و تدوین استراتژی های مؤثر مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر

ابراهیم حلاجیان* - استادیار مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران.
علی امین شاد - دانش آموخته مدیریت اجرایی (MBA)، کرج، ایران.

Identify and develop effective strategies to manage urban development strategic city of Ramsar

Abstract

Research in the field identify and develop effective strategies to manage urban development strategic city of Ramsar in 93-1392 done. In the context of cross-sectional study based on the views of 70 experts and members of civil administration and the university have been made. Information through questionnaires and statements collected in accordance with SWOT technique. Identify effective strategies in seven stages Shnasass of four external and internal environment assessment and finally Ramsar management strategies of urban development strategies in the form of SO, WO, ST, WT identification and special tables with the priorities identified and proposed respectively.

Keywords: strategy, strategic management, strategic planning, management of urban development.

چکیده

پژوهش در زمینه شناسایی و تدوین استراتژی های مؤثر مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر در سال ۹۳-۱۳۹۲ انجام شده است. پژوهش در چارچوب توصیفی - تحلیلی مبتنی بر سنجش نظرات ۷۰ نفر از خبرگان و افراد مدیریت شهری و دانشگاهی صورت گرفته است. اطلاعات از طریق پرسشنامه خود ساخته و بارگزاره های مطابق با تکنیک SWOT جمع آوری گردیده است. شناسایی استراتژی های مؤثر در هفت مرحله با شناساس از عوامل چهار گانه عوامل محیطی خارجی و داخلی برآورد گردیده و سرانجام استراتژی های مدیریت توسعه شهری رامسر در قالب استراتژی های SO، WO، ST، WT شناسایی و در جداول خاص و با اولویت معرفی و پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: استراتژی، مدیریت استراتژی، برنامه ریزی استراتژی، مدیریت توسعه شهری.

مقدمه

گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روز افزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه‌ای دشوار تبدیل نموده است. علاوه بر موضوعاتی همچون محیط زیست، حمل و نقل، ایمنی و برنامه ریزی شهری یکی از عوامل مهمی که تأثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر عوامل سازنده شهری دارد، مدیریت شهری است. اگر شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود لازم است که در رأس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرار گیرد. این عنصر را میتوان مدیریت شهر نامید (Zenker, et al, 2009). مسائل بسیاری در شهرها وجود دارد که برای حل آنها و پاسخ به درخواستهای موجود در عرصه‌های زندگی جمعی وجود مدیریت شهری ضروری است. این موضوع به خصوص در مسائل خدماتی و عمرانی عمومی جنبه ویژه پیدا می کند؛ لذا در اموری مانند تأمین بهداشت و نظافت محیط شهر، ایجاد و حفظ فضای سبز، تأمین ایمنی شهر و شهروندان و نیازمند وجود سازمانی با تشکیلات مشخص است تا مدیریت شهر به نحوه مطلوب صورت گیرد (Akther et al, 2011). بدین سان مدیریت شهری عبارت از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است (صرافی و دیگران، ۱۳۷۹) و شامل کارکردهای برنامه ریزی، اجرا، نظارت، کنترل و هدایت است که برای اعمال قدرت باید برآمده از اراده شهروندان و قراردادهای اجتماعی باشد. هدف تفویض سیستم مدیریت امور شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است؛ به نحوی که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی فراهم شود.

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاستها، برنامه ها و طرح ها و عملیاتی اطلاق می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیرساخت های اساسی است (Jeppesen et al, 2006). بر این اساس، کارآیی و عملکرد مطلوب مدیریت و توسعه شهری وابستگی مشخصی به عوامل

زمینه ای از قبیل ثبات سیاسی، یکپارچگی اجتماعی و رونق اقتصادی و نیز عوامل دیگری از قبیل مهارت و انگیزه های سیاستمداران و اشخاص استفاده کننده از این سیاستها و همچنین عوامل داخلی دارد (Ratcliffe & Stubbs, 2013). تحت این شرایط چارچوب و ویژگی های سازمانی حکومت و مدیریت شهر به ویژه نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تأثیر بسیار تعیین کننده ای در موفقیت آن ایفا می کند. از این رو با توجه به رشد فزاینده جمعیت در شهرها و به دنبال آن افزایش مشکلات و مسائل ناشی از شهرنشینی در ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی لزوم ایجاد و استفاده از بسترهای مدیریت شهری با رویکرد استراتژیک احساس می شود. در واقع برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک با بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و عوامل خارجی اثر گذار بر مدیریت و توسعه شهری می تواند به تعیین اهداف و چشم انداز مشخص مدیریت استراتژیک شهری کمک کند و ابزار مناسبی جهت تعیین مدل بهینه مدیریت شهری و توسعه استراتژیک شهری می باشد.

بیان مسأله

با رشد فزاینده جمعیت در شهرها و به دنبال آن افزایش مشکلات و مسائل ناشی از شهرنشینی در ابعاد وسیع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی لزوم ایجاد و استفاده از بسترهای مدیریت شهری با رویکرد استراتژیک احساس می شود (Song et al, 2011). رشد سریع شهرها و پیشی گرفتن آن از تواناییها و منابع مدیران شهری، ارائه خدمات شهری مناسب را برای مدیران شهری به یک چالش عظیم تبدیل نموده است (Jeppesen et al, 2006). گسترده‌گی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روز افزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه‌های دشوار تبدیل نموده است. از طرفی در دو دهه اخیر، واژه همکاری بین سازمانی و ارتباطات بین آنان به عنوان یک پدیده نوظهور و قدرتمند و یک مزیت ویژه رقابتی، مطرح گردیده است و مدیریت شهری نیز به تبعیت این تحولات تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی و ساختارهای فرهنگی، اقتصادی،

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

اجتماعی و سیاسی و .. قرار گرفته است (Quitza et al, 2013). در این خصوص، به منظور کاهش و برطرف نمودن مشکلات یاد شده، ضروری است که وضعیت مدیریت توسعه شهری و برنامه ریزی توسعه شهری با دیدگاه استراتژیک مدنظر قرار گیرد. همچنین با توجه به گستردگی وظایف مدیریت شهری و تاثیرات عوامل داخلی نیازمند وجود برنامه های توسعه با تشکیلات مشخص است تا مدیریت شهر به نحو مطلوب صورت گیرد.

سیستم مدیریت امور شهری بنا به تعریف و به لحاظ وظایف عملی خود موظف به برنامه ریزی توسعه و عمران شهری و اجرای برنامه ها، طرح ها و پروژه های مربوطه است. انجام این وظایف تعیین کننده نوعی هویت برنامه ریزی اجرایی برای آن است (Gleeson & Low, 2000). در واقع مدیریت امور شهری در قالب نظام برنامه ریزی اقتصادی، اجتماعی و قضایی حاکم بر کشور، اقدام به تهیه برنامه های توسعه شهری برای شهر می کند و سپس آن برنامه را در چارچوب نظام اداری - اجرایی حاکم، به پروژه های عملیاتی تبدیل کرده و به مرحله اجرا می رساند (Quitza et al, 2013). از این رو با توجه به اینکه مدیریت شهری و توسعه شهری تحت تاثیر عوامل داخلی و عوامل خارجی می باشد، مدیریت استراتژیک توسعه شهری به مناطق جغرافیایی این امکان را می دهد که به شیوه ای خلاق و نوآور عمل نمایند و برای شکل دادن به آینده شهری به صورت انفعالی عمل نمایند. این شیوه مدیریت باعث می - شود که مناطق شهری و حاشیه ها دارای ابتکار عمل گردیده و فعالیت ها به گونه ای گسترش و اعمال نفوذ نمایند. سرنوشت مناطق را خود آن مناطق رقم زنند و آینده را تحت کنترل در آورند. از طرفی مجموعه ای از عوامل خارجی غالباً خارج از کنترل، بر انتخاب جهت، فعالیت و ساختار شهری، شهری و شهرداری و فرایند درونی آن تأثیر گذارند.

معمولاً به منظور بررسی نیروهای خارجی از ابزارها، اصول و مفاهیم مدیریت استراتژیک استفاده می شود و در بررسی عوامل خارجی سعی می گردد که روندها

و رویدادهایی که از کنترل مدیریت شهری و شهرداری خارج است شناسایی شوند و مورد ارزیابی قرار گیرند. معمولاً هدف از بررسی عوامل خارجی این است که از فرصت هایی که می توان از آن ها بهره برداری کرد و تهدیداتی را که می توان از آن ها احتراز نمود یک فهرست نهایی تهیه گردد. همچنین با توجه به اینکه نظام مدیریت شهری و شهرداری در قلمرو و واحدهای وظیفه ای خود دارای نقاط قوت و ضعف می باشند. رویکرد استراتژیست های مدیریت توسعه شهری به هنگام تعیین هدف های بلندمدت و استراتژی های توسعه شهری می کوشند تا از نقاط قوت داخلی سود جویند و نقاط ضعف را از بین ببرند. فرایند ارزیابی عوامل درونی درست موازی فرایند بررسی عوامل خارجی می باشد. تجزیه و تحلیل داخلی باید قوت ها و ضعف های با اهمیت استراتژیک را که مدیریت شهری و شهرداری ها سرانجام باید استراتژی خود را با توجه به آن ها تدوین کنند تعیین و معرفی نماید. بدینسان مدیریت استراتژیک توسعه شهری میتواند عامل بسیار مؤثر برای بهبود و توسعه شهری مناطق باشد که خود تمرکز و توجه و رویآوری به مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک است. از آنجایی که شهر رامسر در غربی ترین منطقه جغرافیایی استان مازندران علی رغم پیشرفتهای قابل ملاحظه ای که در سالهای اخیر داشته است، هنوز نیاز به اجراء و انجام مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک مدیریت توسعه شهری دارد مع الوصف در این تحقیق ضمن پرداختن به بررسی ابعاد وضعیت موجود مدیریت شهری آن شهر در ادامه با استفاده از «تکنیک برایشون» (۱۹۸۵) اقدام به شناخت شناسی و تبیین و تحلیل ابعاد مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری می نماید.

مدل مفهومی

مدل مفهومی پژوهش از مدل «جان . ام. برایشون»، الهام گرفته از دانشگاه «هاروارد» که از دهه ۱۹۲۰ در مدرسه بازرگانی هاروارد تدریس می شد که برای تصمیم گیری های کلیدی و انجام برنامه ریزی های استراتژیک سازمانی و شهری مورد کاربرد قرار

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015



نمودار ۲. جدول وظایف و کارکردهای مدیریت شهری و شهرداری

خدماتی - عمومی؛ ج- اجتماعی-مردمی؛ د- مالی؛ ه- اداری؛ و ی- فرهنگی می باشد که هر یک از این وظایف طیف و سویی از زیرشاخص های وظایف را در بر می گیرند که از منظر مدیریت و استراتژیک توسعه شهری می تواند با چشم انداز بلندمدت در سطح شهر، شورا های شهری، مناطق، سطح سازمان های شهری و شهرداری ها تجلی پیدا می کند (حلاجیان، ۱۳۹۱).

پیشینه تحقیق

رهنما و صادقی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «شناسایی و سنجش بسترهای بایسته برای الگوی مدیریت استراتژیک شهری برای مدیریت شهری مشهد» روش انبارش - پیرایش، بسترهای بایسته را برای برپایی الگوی مدیریت استراتژیک شهری، شناسایی کرده اند و سپس با بهره گیری از پرسشنامه، وضعیت هر یک از این بسترها را در شهر مشهد مورد سنجش قرار داده اند. در این تحقیق، بسترهای بایسته برای برپایی الگوی مدیریت استراتژیک شهری عبارتند بودند از: «شاخص اطلاعات، تفکر استراتژیک، تعهد، خودنوسازی، ثبات نسبی، شفافیت، شهروندمداری، مشارکت، یکپارچگی، خودارزیابی و بسیج منابع». یافته ها نشان داد که در کلانشهر مشهد میانگین میانگین های ۱۱ شاخص مذکور برابر ۲,۲ است که کمتر از ۲,۵ (حد متوسط در طیف لیکرت) قرار دارد. از ۱۱ شاخص بیان شده،

۱. اولاً با آن وظایف آشنا شد،
 ۲. ثانیاً مواردی را که در حیطه اختیارات مدیریت شهری قرار می گیرند ولی تا به حال کشف نشده اند مورد شناسایی قرار گیرند. و
 ۳. ثالثاً مشارکت شهروندان، توسعه پایدار، کاهش اختلافات شهری، مدیریت یکپارچه شهری، واگذاری امور، کاهش تصدی گری، تمرکز بر ایجاد درآمدهای پایدار، افزایش توان رقابت شهری و منطقه ای و گسترش سازمان های مجازی (الکترو نیکی) را تقویت و توسعه دهد.
- از این رو اهم وظایف مدیریت شهری توسعه شهری شامل حوزه های الف- عمرانی- شهرسازی؛ ب-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۴۰۱

(*) مسائل استراتژیک شهر							
بافت فرسوده	مسافرت درون شهری	آلودگی هوا	ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی	مسکن	آب آشامیدنی	تراکم جمعیت	رقاب و تامین اجتماعی
حمل و نقل و ترافیک	فنی و عمرانی	معماری و شهر سازی	فرهنگی و اجتماعی	تحقیقات برنامه ریزی و توسعه	حقوقی و پارلمانی	امور مناطق و واحدهای تابعه	مالی اداری و پشتیبانی
(**) حوزه های استراتژیک شهرداری							

نمودار ۳. رسالت ها و ارزش های مدیریت توسعه شهری

یک شاخص فراتر از حد متوسط (شاخص تعهد)، دو شاخص برابر حد متوسط (شاخص بسیج منابع و شاخص خودارزیابی) و هشت شاخص دیگر، فروتر از حد متوسط هستند.

خواجه بیان و راد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تدوین مدل هدایتگر مدیریت شهری برای توسعه کارآفرینی» به بررسی نقش مدیریت شهری در گسترش و توسعه کارآفرینی در میان شهروندان می‌پردازد. با توجه به ظرفیتهای مدیریت شهری در فراهم کردن منابع، ایجاد انگیزه در شهروندان و بسترسازی برای کارآفرینی، تلاش گردید مدلی تدوین گردد که برای سوق دادن فعالیتهای کارآفرینانه به سمت خدمات شهری و ظرفیت سازی مورد نیاز شهر، راهبرد تاثیرگذار و قابل استفاده‌ای در اختیار مدیریت شهری بگذارد. در تدوین چنین الگویی، ابتدا بر مزایای کارآفرینی و ضرورت و توجه به مدیریت شهری به نقش آفرینی در آن پرداخته شده است و تا عوامل تاثیرگذار برگسترش کارآفرینی شناخته شوند. این عوامل تاثیرگذار در دو بخش محیطی و فردی شناسایی شده و ارتباطات مدیریت شهری با سه سطح شهروندان، دولت و محیط بررسی گردیده است.

رضوی الهاشم و موسایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل SWOT مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه ریزی مدیریت شهری (مطالعه موردی شهر تهران)» در تعقیب دو ستون اساسی اول، مشارکت شهروندی در طراحی الگوهای برنامه ریزی شهری چه جایگاهی دارد؟ و دوم، نقاط قوت، ضعف، فرصتها و تهدیدهای مشارکت شهروندان در طرحهای برنامه ریزی شهری کدامند؟ برای پاسخ به پرسش نخست، مشارکت شهروندی از جنبه ذهنی بررسی چگونه است؟ این بخش، تغییر در گرایشها، باورها و دیدگاه‌های مردم را مورد توجه قرار می‌دهد و برای پاسخ به پرسش دوم به رفتار مشارکت، ساز و کار و نحوه مشارکت در حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی، مدیریتی، حقوقی و فضایی تأکید شده است. مزید بر آن نتایج پژوهش نشان داد که طراحی الگوهای جامع برنامه-ریزی شهری در شهر تهران مستلزم مشارکت فعال شهروندان است.

این مشارکت باید داوطلبانه و هدفمند صورت گیرد. برنامه ریزان شهری نخست باید بر مشارکت ذهنی و تغییر در باورها و گرایش‌های شهروندان تأکید نمایند. رفتار مشارکتی در برنامه‌های شهری نیز باید در دو بخش انجام شود. در طراحی و اجرای برنامه‌های شهری، باید مشارکت متخصصین و نخبگان در اولویت قرار گیرد. اما عمده مشکلات شهر تهران مربوط به حفاظت و نگهداری از طرحها و برنامه‌های اجرا شده است. جلب مشارکت زنان، جوانان و بانزستگان و علاقه مندان و تعیین ساز و کارهای مشارکتی آنان در حوزه‌های اجتماعی، مدیریتی، قانونی و فضایی-کالبدی می‌تواند کارایی، اثربخشی و بهره‌وری برنامه‌های مدیریت شهری را تقویت کند.

رهنمایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «توسعه استراتژیک شهرهای میانی ایران با تأکید بر رویکرد CDS راهی به سوی توسعه منطقه‌ای» تبیین می‌کند که امروزه اداره امور یک شهر بدون برخورداری از دانش برنامه‌ریزی شهری امکان پذیر می‌باشد. گسترش شهرها، برنامه ریزان، طراحان و کارشناسان امور شهری را به مطالعه بیش تر در ابعاد گوناگون توسعه مناطق شهری و تجزیه و تحلیل آن، به منظور ارایه راهکارهای نوین واداشته است تا شهرهای بزرگ از یکسو، به نسبت جمعیت و تراکم شان دارای پیچیدگی‌های خاصی در مدیریت و اداره شهر گردند، و از سوی دیگر، شهرهای کوچک و میانی نیز با معضلات و مشکلات و مسایلی مواجه اند. لذا اگر با برنامه ریزی و هدفمند در جهت حل این مسایل اقدام نشود، در آینده مشکل برنامه ریزی شهری کشورها در سطح ملی و منطقه ای و محلی بیش تر خواهد شد. نتایج تحقیق بازگو می‌کنند که برای کمک به ایجاد فرآیندهای تصمیم سازی مشارکتی در شهرهای میانی کشورها در حال توسعه و به منظور کاستن از سطح فقر شهری و تأمین توسعه پایدار، سازمان همکاری شهرها، راهبرد توسعه شهر به عنوان ابزار مؤثری ترویج شود.

سعیدنیا (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «سرشت

استراتژیک برنامه ریزی و مدیریت شهری» توضیح می دهد که از ابتدای دهه ۱۹۸۰ تاکنون مفهوم استراتژی در برنامه ریزی و مدیریت همانند مفهوم کیفیت و فرایند در مهندسی مجدداً گسترش و بهبود یافته است. وی بیان می کند که امروزه استراتژی مهارتی است که در کانون مدیریت، برنامه ریزی، آینده نگری و نظام بخشی سازمان قرار می گیرد و موجبات موفقیت سازمان رافراهم می آورد. این تئوری در برنامه ریزی و مدیریت بر پایه مفهوم سودمندی استوار است. انتخاب یک گزینه تصمیم گیری در میان گزینه های مختلف، باتوجه به شرایط محیط به وسیله اهداف عینی مورد ارزیابی قرار می گیرند. بنابراین تصمیم گیری مفهوم قانونی انتخاب استراتژیک به شمار می آید. برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری کلیه فعالیت های تصمیم گیری و سیاست گذاری را همراه یک دیگر به صورت کامل و پویا در نظر می گیرد. انتخاب استراتژیک باید بتواند بین پنج عامل تعادل برقرار کند: «۱. دامنه انتخاب؛ ۲. پیچیدگی؛ ۳. ناسازگاری؛ ۴. عدم اطمینان؛ و ۵. پیشرفت.»

Gao و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله ای با عنوان «یک سیستم شبیه سازی مبتنی بر عامل برای ارزیابی شبکه بندی استراتژی های مدیریت شهری» بیان می دارند که روشهای سنتی مدیریت شهری در یک شهر مدرن دیگر قابلیت اجرایی ندارد و به نظر می رسد شبکه بندی مدیریت شهری (GUM) یک مدل نوید بخشی برای مدیریت شهری در قرن ۲۱ باشد. اما GUM برای بهره گیری از استراتژی های مدیریت موثر به چیزی بیشتر از زیرساخت نیاز دارد. مقاله مذکور به تشریح تلاش نویسندگان جهت بررسی مشکلات شهری در داخل چارچوب GUM و بررسی گزینه های استراتژی برای آن می پردازد. برای این منظور یک سیستم عامل شبیه سازی مبتنی بر ساخت، یعنی تصمیم گیری شهری برای کشف GUM و توسعه استراتژی در پژوهش بکار گرفته می شود و پیشنهاد ساختار تصمیم گیری شهری به عنوان مدل مبتنی بر عامل اصلی با استفاده از یک پروتکل از مستندات

ارایه می شود. البته شبیه سازی فعالیت های شبکه در شانگهای با هدف ارزیابی استراتژی های مختلف انجام شد. نتایج نشان داد که اثربخشی استراتژی ها و توزیع آثار آن می تواند بسیار متفاوت از آنچه باشد که بدون بهره گیری از یک مدل شبیه سازی انجام می شود. مدل شبیه سازی شده پژوهش نشان داده است که تصمیم گیری شهری می تواند به توسعه دهندگان استراتژی شهری در درک بسیاری از تعاملات محلی در شهرها، بررسی راهبردها، و بهبود رفاه جامعه کمک کند.

Rasoolimanesh و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله ای با عنوان «دستیابی به توسعه پایدار شهری با استفاده از استراتژی های توسعه شهر» مقایسه تعاریف بین اتحادیه شهرهای و بانک جهانی در مالزی به این موضوع پرداخته اند که اصطلاح پایداری در اشکال و تعاریف مختلف استفاده می گردند. اولین استفاده از «پایداری» و یا «توسعه پایدار» به سال ۱۹۷۲ بر می گردد. نویسندگان بیان می دارند که به منظور کنار آمدن با چهار دهه از چالش های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جهانی، توسعه پایدار به عنوان یک اصل توسط سازمان های بین المللی، دولت های ملی و محلی، به ویژه سازمان های فناوری اطلاعات در سطح محلی باید به تصویب برسد. از سوی دیگر، رویکردهای جدید در مدیریت شهری باید به منظور دستیابی به توسعه پایدار به کار گرفته شود. تا این حد که استراتژی های توسعه شهر، به عنوان روش های مدیریت استراتژیک، در ۲۰۰ شهر در سراسر جهان عملیاتی و اجرایی گردید. با این حال، استراتژی توسعه شهری و توسعه پایدار آن در بسیاری از زمینه های مختلف تعریف می شود. در این مقاله مقایسه دو تعریف خاص از استراتژی های توسعه شهر مطرح شده توسط اتحادیه شهرها و بانک جهانی به منظور دستیابی به توسعه پایدار به بیان و تحلیل شده است.

Varady (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان «اصلاح شهرهای ویران شده» اجرای استراتژی های توسعه شهری به توصیف منشاء، اجرا و تاثیر استراتژی های بازسازی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

شهری و طرح های طراحی شده برای جذب ساکنان، کسب و کار، شغل، خریداران و بازدیدکننده ای برای مکان های که در چند دهه کاهش و رها شده اند، می پردازد.

Lane (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان «گروه CEO به دنبال استراتژی برای توسعه مجدد شهری» به تمرکز بر روی طرح استراتژی های شهری که توسط صاحبان کسب و کار میشیگان و گروهی از ماموران اداره اجرایی مستقر در میشیگان (CEO)، که با هدف بکارگیری استراتژی های در حال توسعه برای نوسازی شهری است، پرداخته است. وی عنوان می کند که پروژه های توسعه استراتژی که دولت می تواند برای کمک به توسعه مجدد مناطق شهری در نظر بگیرد توسط گروه صاحبان کسب و کار در سطح ایالت میشیگان قابل اجرا است.

مواد و روشها

اهداف کلی عبارتند از:

۱. تحلیل استراتژیک مدیریت توسعه شهری رامسر براساس تبیین برنامه ریزی استراتژیک و در قیاس با هشت مرحله مدل برنامه ریزی استراتژیک برایسون (۱۳۸۳)؛
۲. شناسایی عوامل داخلی اثرگذار در مدیریت برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری رامسر بر اساس محیط شناسی عوامل داخل شهری؛
۳. شناسایی عوامل خارجی اثرگذار بر مدیریت برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری رامسر بر اساس محیط شناسی عوامل خارج شهری؛
۴. تدوین ارائه استراتژی ها قابل دستیابی و برنامه ریزی استراتژیک مدیریت توسعه شهری رامسر.

اهداف کاربردی عبارتند از:

۱. شناخت وضعیت و موقعیت کنونی مدیریت توسعه شهری رامسر؛
۲. شناسایی و تحلیل استراتژیک عوامل درونی و بیرونی مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر؛ و
۳. ارائه استراتژی های مناسب و اولویت بندی آنها به منظور کارآمدی مدیریت توسعه شهری رامسر.

سؤالات عبارتند از:

۴. مدل مناسب مدیریت استراتژیک جهت مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر چگونه است؟
۵. عوامل داخلی اثرگذار در مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر کدامند؟
۶. عوامل خارجی اثرگذار در مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر کدامند؟
۷. استراتژی های قابل دستیابی مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر کدامند؟

فرضیه ها عبارتند از:

۱. بین «نظرات صاحب نظران دانشگاهی» و «نظرات کارشناسان» در مورد عوامل و مولفه های اثرگذار در مدل مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر، تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنی دار می باشد.
۲. بین «عوامل داخلی» و «عوامل خارجی» موثر در مدل مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر رابطه وجود دارد. و این رابطه معنی دار می باشد.

روش شناسی

این پژوهش چارچوب چوب پژوهش تحلیلی-توصیفی و از نوع کاربردی انجام شده است، از آنجا که موضوع اصلی پژوهش بر محور «تحلیل و تبیین مدیریت استراتژی توسعه شهری در شهری رامسر با استفاده از مدل برایسون (۱۳۸۳)» و بصورت مطالعه موردی تمرکز داشته است؛ لذا با شناسایی عوامل داخلی و خارجی اثرگذار بر مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک توسعه شهری رامسر تعیین مدیریت و برنامه ریزی مذکور اقدام به تدوین استراتژی و راهکارهای قابل دست یابی به منظور بهینه سازی شده است.

تجزیه و تحلیل SWOT

این ماتریس یکی از ابزارهای مهمی است که مدیران بدان وسیله اطلاعات را مقایسه می کند و می تواند با استفاده از آن چهار نوع استراتژی ارائه نمایند. استراتژیهای (SO)، استراتژیهای (WO)، استراتژیهای (WT) (دیوید، ۱۳۸۸، ص ۳۶۰). با تجزیه و تحلیل قوت ها و ضعف های داخلی کسب و کار و فرصتها و تهدیدات محیط، تدوین استراتژی است که بهترین ترکیب میان

جدول ۱. جدول تجزیه و تحلیل SWOT: ماخذ: علی احمدی، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸.

عوامل داخلی عوامل محیطی	فهرست قوتها (S)	فهرست ضعفها (W)
فهرست فرصتها (O)	استراتژی های تهاجمی استفاده از فرصت ها با استفاده از نقاط قوت (SO)	استراتژی های تغییر جهت مزیت هایی که در فرصت نهفته است استفاده نماییم برای جبران نقاط ضعف (WO)
فهرست تهدیدها (T)	استراتژی های تنوع استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدات (ST)	استراتژی های تدافعی به حداقل رساندن زیان های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (WT)

سازمان ها مذاکره صورت گیرد. گروه اول شامل تعدادی از بین مسئولان مرتبط با برنامه ریزی و مدیریت شهری می باشد. گروه دوم شامل متخصصین و صاحب نظران دانشگاهی بود.

۲. در مرحله دو، با مطالعه وظایف مکتوب و مصوب مدیریت شهری و شهرداری منطقه، لیستی از وظایف و سرفصل های ماموریت مدیریت شهری تهیه می گردد. ۳. مرحله سوم، رسالت و ارزش های مدیریت شهری که مشخص کننده فلسفه و ارزش فعالیت های آن مدیریت می باشد، تعیین می گردد.

۴. در مرحله چهارم، به منظور مشخص ساختن فرصت ها و تهدیدهایی که مدیریت شهری با آن مواجه می باشند و عواملی که خارج از آن بر روی عملکرد مدیریت شهری تأثیر می گذارند شناسایی می شوند، در واقع در بررسی محیط خارجی، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی مدیریت شهری شناسایی می گردند تا مدیران شهری بتوانند با تدوین استراتژی های مناسب از فرصت ها بهره برداری نمایند و اثرات عوامل تهدیدکننده را کاهش داده و یا از آن ها پرهیز نمایند. ۵. در مرحله پنجم، سنجش محیط داخلی نقاط قوت و ضعف، جنبه هایی که می توانند در راه توفیق رسالت مدیریت شهری و اجرای تکلیف های آن نقش سوق دهنده بازدارنده داشته باشند، شناسایی می شوند. ۶. مرحله ششم، این مرحله انتخاب خط مشی های بنیادی صورت می گیرد که مدیریت شهری با آنها

آنها را منعکس می سازد. این تجزیه و تحلیل بر این منطق استوار است که استراتژی اثربخش، قوتها و فرصت ها را حداکثر می کند، در عین حال که ضعف ها و تهدیدات آن را به حداقل می رساند. این فرض ساده اگر به درستی اجراء شود، تأثیرات عمده ای بر انتخاب و طراحی استراتژی اثر بخش خواهد داشت (پهلوانیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲). با این تکنیک استاندارد SEOT تنها در پی یافتن فرصت ها و شناخت تهدیدهای موجود در محیط امروز است و به فراتر از مرزهای امروزی نمی پردازد؛ در برنامه ریزی استراتژیک و اجرای آن انجام این بررسی های محیطی در هر سال، به منزله بخشی از فرایند برنامه ریزی و بهنگام سازی حائز اهمیت بسیار است (هینز، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸). تجزیه و تحلیل SWOT به تیم برنامه ریزی و افراد کلیدی سازمان اجازه می دهد تا هر نابسامانی را در ارزیابی وضع موجود جمع و جور کنند و هر موضوع ناگشوده ای را که قبلاً به راه حلی نرسیده است پاسخگو باشند. این گام یکی از مهم ترین گام ها در طول ارزیابی هاست، زیرا ارزیابی درونی و بیرونی را به هم پیوند می دهد و به یک نتیجه کلی کاربردی و قابل بهره برداری تبدیل می کند.

با این توصیف به منظور حصول برترین استراتژی مؤثر در مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر، مطابق مدل برایسون ۷ مرحله طی گردد که عبارتند از:

۱. مرحله اول، جهت توافق اولی، ضرورت ایجاد کرد که با برخی از این تصمیم گیران، گروه ها، واحدها یا

جدول ۲. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (فرصتها)

نمره نهایی	نمره	ضریب	فرصت ها
۰,۰۸	۲	۰,۰۴	۱ وجود بستر مناسب جهت کوچک سازی شهرداری و واگذاری امور به بخش خصوصی
۰,۲۴	۴	۰,۰۶	۲ وجود تجربه های عملی دیگر شهر های جهان و کشور در باب مدیریت کردن برنامه های استراتژیک شهری، تفکر استراتژیک در مدیریت و غیره
۰,۱۲	۳	۰,۰۴	۳ افزایش آگاهی مردمی و تقاضای رو به افزایش آنها جهت مشارکت
۰,۲	۴	۰,۰۵	۴ وجود کارشناسان آشنا به مفاهیم نوین مدیریت (اعم از نظارت همگانی مدیریت و تفکر استراتژیک و...) در سطح کشور و در سطح کشور
۰,۰۹	۲	۰,۰۳	۵ امکان هماهنگی و همکاری سازنده با دستگاه های دولتی و خدماتی در سطح شهر
۰,۹	۳	۰,۰۳	۶ وجود منابع نوشتاری جدید در باب ادبیات استراتژی (اعم از مفاهیم، نظریه، مدل ها، چگونگی پیاده سازی استراتژی و...) در سطح جهانی و ملی
۰,۰۸	۲	۰,۰۴	۷ فضای رقابتی گردشگری بین شهرهای شمالی کشور و بوجود آمدن فرصت هایی برای همکاران و رقابت شهرها با هم
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	۸ وجود زمینه های مناسب برای سرمایه گذاری سرمایه داران مانند نزدیکی به سواحل شمالی...
۰,۱۲	۴	۰,۰۳	۹ استفاده از خدمات الکترونیک به شهروندان
۰,۱۸	۳	۰,۰۶	۱۰ فناوری های پیشرفته در زمینه مدیریت و برنامه ریزی شهری مانند GIS, IT
۰,۲	۴	۰,۰۵	۱۱ فرگیر شدن مفاهیم مدنی مانند مشارکت مردمی، مردم سالاری شهروند مداری، حقوق بشر و ...
۰,۱۲	۳	۰,۰۴	۱۲ موقعیت شهر در شمال کشور و نزدیکی به دریای خزر
۳,۱		۱	جمع

شهری، اولویت بندی می گردد. برای تعیین وضعیت کلی استراتژی ها، ماتریس داخلی و خارجی عوامل به چهار ناحیه عمده تقسیم می گردد و برای هر یک از آن ها استراتژی های متفاوتی در نظر گرفته می شود.

سروکار خواهد داشت؛ به عبارتی در این مرحله بایستی نقاط قوت ها، ضعف ها، فرصتها و تهدیدها و زمینه های تدوین استراتژی های مؤثر مدیریت توسعه شهری پایه گذاری می شوند، شهری شناسایی شوند. ۷. در مرحله هفتم، استراتژی ها برای مدیریت استراتژیک

جدول ۳. ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (تهدیدها)

تهدیدها	ضریب	نمره	نمره نهایی
۱ ضعف قانونمندی در سطح کلان	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
۲ نبود برنامه منسجم جهت ارتقا شرایط مدیریتی در راستای مدیریت	۰,۰۶	۴	۰,۲۴
۳ اعمال نفوذ و دخالت افراد غیر مسئول در تصمیم گیری های شهری	۰,۰۵	۳	۰,۱۵
۴ اراضی قولنامه ای و نبود راه حل منطقی و قانونی برای حل این مشکل	۰,۰۶	۳	۰,۱۸
۵ بی توجهی به نیازهای خاص گردشگران با توجه به حضور گسترده آنان در شهر	۰,۰۵	۴	۰,۲
۶ ساختار متمرکز سیاسی- اداری کشور و در نتیجه عدم خود مختاری دستگاه ها و سازمانهای شهری	۰,۰۶	۳	۰,۱۸
۷ نابرابری های منطقه ای و گستردگی و گوناگونی مسائل و مشکلات شهری ناشی از آن	۰,۰۵	۴	۰,۲
۸ وجود بحرانها و مشکلات های بنیادین مدیریت شهری مانند بحران های مالی و ...	۰,۰۴	۳	۰,۱۲
۹ دوگانگی ساختار مدیریت شهری: ماهیت مردم سالارانه شورا و شهرداری و ماهیت دیوان سالارانه دیگر سازمان های شهری.	۰,۰۴	۴	۰,۱۶
۱۰ وابستگی درآمد شهرداری ها به درآمدهای ناپایدار	۰,۰۵	۴	۰,۲
جمع	۱		۳,۵۸

محیط خارجی (فرصت ها و تهدیدها)

به منظور مشخص ساختن فرصت ها و تهدید هایی که مدیریت شهری رامسر با آن مواجه است می بایستی عواملی که خارج از آن بر روی عملکرد مدیریت شهری تءثیر می گذارند را شناسایی کردند تا فرصت ها تهدید ها از طریق نظارت بر روند ها و قوای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و و تکنولوژیکی بدست آیند. لیست عوامل خارجی (فرصت ها و تهدیدها) با مشارکت مسئولین و کارشناسان و نخبگان دانشگاهی در قالب طیف لیکرت و فرمول های زیر وزن نسبی هر یک از عوامل محاسبه گردید.

$$\text{Equation 1. } R_{ij} = \sum S_i F_i \text{ variable rate}$$

$$\text{Equation 2. } Y_{ij} = R_{ij} / \sum R_{ij}$$

proportional weight of the variable

R_{ij} is the variable rate of j in group i

S_i is Likert's score in five categories

F_i is frequency of alternatives

Y_{ij} is final weight of j factor in group i

تجزیه و تحلیل یافته ها

در شناسایی عوامل و نیروهای محیط خارجی شهری (فرصت ها و تهدیدها) و همچنین عوامل و نیروهای محیط داخلی شهری (قوت و ضعفها):

۱. به هریک از عوامل به ترتیب اهمیت رتبه ۱ تا ۴ داده می شود. این رتبه بیانگر میزان اثربخشی استراتژی های کنونی در نشان دادن واکنش نسبت به عوامل مزبور است. عدد ۴ به معنی واکنش بسیار عالی ۳ واکنش از حد متوسط به بالا و عدد ۲ به معنی واکنش در حد متوسط است. عدد ۱ نیز به معنی واکنش ضعیف است

۲. ضریب هر عامل را (که از صفر تا ۱ بود) در رتبه مربوطه به آن ضرب می شوند تا نمره نهایی به دست آید.

۳. مجموع نمره های مربوط به هر یک از متغیرها به دست می آیند تا بتوان مجموع نمره های هر استراتژی را تعیین کنیم.

جدول ۴. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (قوتها)

نمره نهایی	نمره	ضریب	قوت ها
۰,۱۸	۳	۰,۰۶	۱ تمایل شهروندان به مشارکت و مسئولیت پذیری آنان
۰,۰۸	۲	۰,۰۴	۲ توجه به محیط زیست شهری در اجرای طرح ها از سوی مسئولان
۰,۱۲	۳	۰,۰۴	۳ واگذاری بخشی از وظایف شهرداری به بخش خصوصی
۰,۰۵	۱	۰,۰۵	۴ سوابق علمی و تجربی بسیاری از اعضای شورا و شهرداری
۰,۰۹	۳	۰,۰۳	۵ افزایش نسبی رضایت شهروندان
۰,۰۹	۳	۰,۰۳	۶ وجود گسترده و متنوع ارتباط جمعی در شهر مانند اینترنت، پیامک، تلفن و ...
۰,۰۶	۳	۰,۰۲	۷ وجود زمینه های مناسب برای جذب سرمایه گذاری از جمله گردشگران
۰,۰۸	۴	۰,۰۲	۸ وجود انگیزه کافی و توانایی لازم بخش خصوصی برای برعهده گرفتن وظایف
۰,۰۹	۳	۰,۰۳	۹ برگزاری دوره های آموزشی برای پرسنل شهرداری
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	۱۰ محله محوری
۰,۰۹	۳	۰,۰۳	۱۱ وجود متخصصان و کارشناسان مختلف در سطح شهر
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	۱۲ ایجاد مدیریت خاص جهت رسیدگی به امور حاشیه شهر
۰,۰۸	۴	۰,۰۲	۱۳ آگاهی شهروندان از قوانین حوزه شهرداری و رعایت آنها
۰,۰۶	۳	۰,۰۲	۱۴ کنترل و مدیریت بهینه زمین شهری
۰,۰۶	۲	۰,۰۳	۱۵ تسهیلات برای رسیدگی به شکایت های شهروندی
۰,۰۸	۴	۰,۰۲	۱۶ شفافیت نسبی در مورد تخلفات اداری
۲,۶۶		۱	جمع

مدیریتی در راستای مدیریت شهری پیچید (با وزن نهایی ۰,۲۴) که مهمترین عامل تهدید شناسایی گردید. لیست عوامل داخلی (قوت ها و ضعف ها) با مشارکت مسئولین و کارشناسان و نخبگان دانشگاهی در قالب طیف لیکرت و فرمول های زیر وزن نسبی هر یک از عوامل محاسبه گردید:

$$\text{Equation } R_{ij} = \sum S_i F_i \text{ variable rate}$$

$$\text{Equation } .2 Y_{ij} = R_{ij} / \sum R_{ij}$$

نتایج حاصل از الویت بندی عوامل خارجی (فرصت ها و تهدیدها) در قالب روش وزن دهی برای مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر نشان می دهد که در گروه فرصت ها ۲۰، وجود تجربه های عملی دیگر شهرهای جهان و کشور در باب مدیریت کردن برنامه های استراتژیک شهری، تفکر استراتژیک در مدیریت و غیره (با وزن نهایی ۰,۲۴) مهمترین فرصت می باشد. همچنین T نبود برنامه منسجم جهت ارتقا شرایط

جدول ۵. لیست استراتژی های تدوین شده

<p>آینده پژوهی و تدوین نظرات جدید مدیریت شهری متناسب با وضعیت بومی کشور تدوین حقوق شهروندی و بهره مندی شهروندان از حقوق قانونی خود بستر مناسب جهت توسعه اقتصاد فضایی با دیگر شهرها مشارکت شهروندان در اداره امور شهر در نظر گرفتن شاخص های حکمروایی شهریه عوان سیاستهای کلان جهت بهبود نهادهای مدیریت شهر</p>	SO
<p>بکارگیری مدیریت راهبردی و آشنا ساختن مدیران شهری با این نوع عملکرد تدوین منشور جامع مدنی برای شهروندان تعاملات میان نهادهای مدیریت شهری و شهروندان کاهش موازی کارهای نابجا بین نهادهای مدیریت شهری اعتماد سازی میان این نهادها جلوگیری از نگاه بخشی و سلسله مراتبی و به کارگیری سیاست های مشارکتی بین سازمانی</p>	WO
<p>بازنگری از استفاده از فن آوری های و به کارگیری نوین جهت تصمیم گیری بهینه به منظور کاهش اثرات ناشیست تقویت و انسجام بیشتر بانک اطلاعات در جهت توسعه پایدار شهری تشکیل و گسترش NGO ها به عنوان نهادهای مدنی جهت تعامل با نهادهای مدیریت شهری بکارگیری شیوه های نوین منابع مالی پایدار شهرداری و کاهش وابستگی به منافع ناپایداری از طریق بکر گیری روشهای نوین علمی توانمندسازی نهادهای مدیریت شهری با برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی جهت استفاده از ابزارها و دانش نوین کاهش نهادهای تصمیم گیری بین سازمانی و دست اندر کار با نهادهای مدیریت شهری</p>	ST
<p>تقویت همکاران بین سازمانی و دست اندر کار با نهادهای مدیریت شهری ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی تواناییهای بخش خصوصی گسترش تسهیلات به مناطق حاشیه ای و نابسامان شهری از طریق توانمند سازی تأکید و به کارگیری قوانین بهینه و اثر گذار جهت منافع عمومی شهروندان شناخت اولویتها و مشکلات شهری شهروندان و تقویت اراده مدیریتی برای حل این مشکلات</p>	WT

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۴۰۹

مشارکت و مسئولیت پذیری آنان (با وزن نهایی ۰,۱۸ مهمترین نقطه قوت می باشد، همچنین ۸ W نبود تفکر استراتژیک در مدیریت شهری و نهادینه نشدن مفاهیم نوین مدیریت توسعه شهری اعم از تفکر استراتژیک، برنامه ریزی استراتژیک و غیره در مدیریت شهری (با وزن نهایی ۰,۲۴) مهمترین نقطه ضعف شناسایی شده است.

این مرحله دو عامل باهم مقایسه شدند و هدف تعیین

proportional weight of the variable

R_{ij} is the variable rate of j in group i

S_i is Likert's score in five categories

F_i is frequency of alternatives

Y_{ij} is final weight of j factor in group i

نتایج حاصل از اولویت بندی نیرو و عوامل محیط داخلی (قوت ها و ضعف ها) در قالب روش وزن دهی برای مدیریت استراتژیک توسعه شه ی رامسر نشان میدهد که در گروه قوتها ۱ S تمایل شهروندان به

استراتژی‌های قابل اجرا می باشد

تعیین اولویت استراتژیها

در این مرحله، استراتژی‌ها برای مدیریت استراتژیک توسعه شهری، اولیت بندی می گردند؛ برای تعیین وضعیت کلی استراتژی‌ها، ماتریس داخلی و خارجی به چهار ناحیه عمده تقسیم شدند که برای هر یک از آن‌ها استراتژی‌های متفاوتی در نظر گرفته شده اند تا اعداد حاصل از میانگین امتیازهای نهایی ماتریس ارزیابی عوامل درونی و بیرونی که به ترتیب ۲/۸۸ و ۳/۳۴ شده اند، نشان داد که عوامل مورد مطالعه در ناحیه استراتژی توسعه قرار می گیرد؛ بنابراین با توجه به توضیحات و تحلیل‌های مطرح شده می توان راهبردهای SO را برای مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر به اجرا در آورد.

تبیین استراتژی‌های مؤثر

در مرحله پایانی فرایند برنامه ریزی، استراتژی‌های مؤثر برای آینده مشخص می شود که در صورت اجرای موفقیت آمیز استراتژی‌های پیش بینی شده، مدیریت استراتژیک توسعه شهری شکل خواهد گرفت. در این مرحله ابتدا از طریق قضاوت شهودی و با استفاده از ماتریس (QSPM) امتیاز نهایی کلیه استراتژی‌ها مشخص گردید و در اجرای ماتریس برنامه ریزی راهبردی کمی از تجزیه و تحلیل‌های مرحله اول و نتیجه حاصل از مقایسه عوامل درونی و بیرونی در مرحله دوم استفاده شده است تا به وسیله آن شیوه‌ها راهبردهای قابل اجرا مشخص گردند. مزید بر آن از این ماتریس جهت تعیین میزان جذابیت استراتژی‌های تدوین شده استفاده شد و با استفاده از این ماتریس به صورت عینی استراتژی‌های گوناگون که در زمره بهترین استراتژی‌ها بودند، برای مدیریت استراتژیک توسعه شهری شهرستان رامسر مشخص گردید. مع الوصف استراتژی‌های چهارگانه که در چهار ناحیه نمودار قابلیت اجرایی پیدا می کنند عبارتند از:

استراتژی SO

۱. در نظر گرفتن شاخصهای حکمروایی شهری به عنوان سیاستهای کلان جهت بهبود نهادهای مدیریت شهر

(۲۰۹۶)؛

۲. بستر مناسب جهت توسعه اقتصاد فضایی با دیگر

شهرها (۲۰۷۳)؛

۳. آینده پژوهی و تدوین نظریات جدید مدیریت شهری متناسب با وضعیت بومی کشور (۲۰۶۵)؛

۴. مشارکت شهروندان در اداره امور شهر (۲۰۵۱)؛ و

۵. تدوین حقوق شهروندی و بهره مندی شهروندان از حقوق قانونی خود (۲۰۳۳).

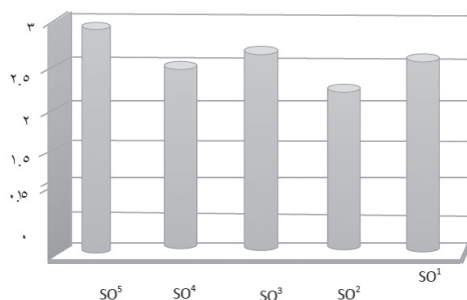
نتایج حاصل از ارزیابی استراتژی‌های SO برای مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر نشان میدهد که اهمیت استراتژی‌ها عبارت است از: در نظر گرفتن شاخصهای حکمروایی شهری به عنوان سیاستهای کلان جهت بهبود نهادهای مدیریت شهری (۲۰۹۶)، بستر مناسب جهت توسعه اقتصاد فضایی با دیگر شهرها (۲۰۷۳)، آینده پژوهی و تدوین نظریات جدید مدیریت شهری متناسب با وضعیت بومی کشور (۲۰۶۵)، مشارکت شهروندان در اداره امور شهر (۲۰۵۱)، تدوین حقوق شهروندی و بهره مندی شهروندان از حقوق قانونی خود (۲۰۳۳).

استراتژی WO

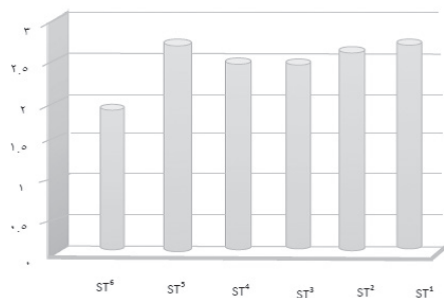
۱. تعاملات میان نهادهای مدیریت شهری و شهروندان (۲۰۶۸)؛

۲. کاهش موازی کارهای نابجا بین نهادهای مدیریت شهری اعتمادسازی میان این نهادها (۲۰۵۹)؛

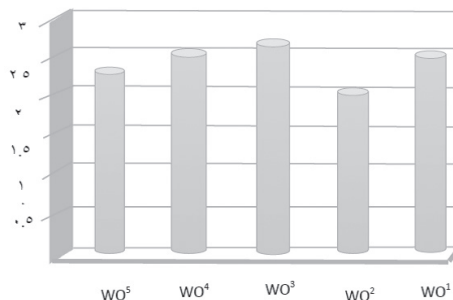
۳. جلوگیری از نگاه بخشی و سلسله مراتبی و به کارگیری سیاستهای مشارکتی بین سازمانی (۲۰۳۹)؛



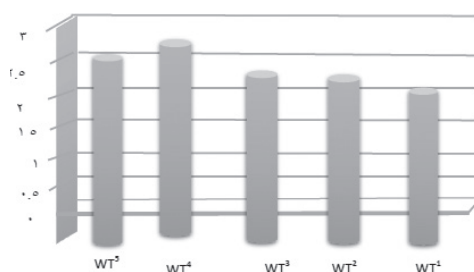
نمودار ۵. وضعیت ماتریس برنامه ریزی استراتژیک برای گروه استراتژی‌های SO؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۷. وضعیت ماتریس برنامه ریزی استراتژیک برای گروه استراتژی های ST؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۶. وضعیت ماتریس برنامه ریزی استراتژیک برای گروه استراتژی های WO؛ ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۸. وضعیت ماتریس برنامه ریزی استراتژیک برای گروه استراتژی های WT؛ ماخذ: نگارندگان.

۵. تشکیل و گسترش NGO ها به عنوان نهادهای مدنی جهت تعامل با نهادهای مدیریت شهری (۲۰۴۸)؛
- و
۶. کاهش نهادهای تصمیم گیر و حاشیه های مرتبط با نهادهای مدیریت شهری (۲۰۰۲)

استراتژی WT

۱. تاکید و به کارگیری قوانین بهینه و اثر گذار جهت منافع عمومی شهروندان (۲۰۷۹)؛
۲. شناخت اولویتها و مشکلات شهری شهروندان و تقویت اراده مدیریتی برای حل این مشکلات (۲۰۷)؛
۳. ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی تواناییهای بخش خصوصی (۲۰۵۷)؛

۴. گسترش تسهیلات به مناطق حاشیه ای و نابسامان شهری از طریق توانمند سازی (۲۰۴۳)؛ و
۵. تقویت همکاری بین سازمانی و دست اندکار با نهادهای مدیریت شهری (۲۰۲۴).

نتیجه گیری و جمع بندی

فرضیه اول، تفاوت نظرات صاحب نظران دانشگاهی و نظرات کارشناسان در مورد «عوامل و مولفه های اثرگذار بر مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر» را مورد بررسی قرار می دهد. با توجه به اینکه از صاحب نظران دانشگاهی و کارشناسان خواسته شد تا میزان اهمیت مولفه ها را به صورت عدد کمی تعیین نمایند و همچنین به دلیل مستقل بودن نظرات صاحب نظران دانشگاهی و کارشناسان در این مورد، برای بررسی فرضیه از «آزمون T مستقل» استفاده گردید. سطح

۴. بکارگیری مدیریت راهبردی و آشنا ساختن مدیران شهری با این نوع رویکرد (۲۰۳۹)؛ و
 ۵. تدوین منشور جامع مدنی برای شهروندان (۲۰۰۸).
- نتایج حاصل از ارزیابی استراتژی های ST برای مدیریت استراتژیک شهر رامسر نشان می دهد که اهمیت استراتژی های عبارت است از:

۱. توانمندسازی نهادهای مدیریت شهر با برگزاری کارگاهها و دوره های آموزشی جهت استفاده از ابزارها و دانش نوین (۲۰۸۲)؛
۲. تقویت و انسجام بیشتر بانک اطلاعات جهت توسعه پایدار شهری (۲۰۷۷)؛
۳. بازنگری در استفاده از فن آوریهای و به کارگیری فن آوریهای نوین جهت تصمیم گیری بهینه به منظور کاهش اثرات ناشیست (۲۰۷۱)؛
۴. بکارگیری شیوه های نوین منابع مالی پایدار شهرداری و کاهش وابستگی به منابع ناپایداری از طریق بکارگیری روشهای نوین علمی (۲۰۶)؛

جدول ۶. نتایج آزمون‌های فرضیه‌ها

فرضیه	فرضیه آماری	نوع آزمون مورد استفاده	سطح معنی داری	نتیجه
فرضیه اول	$\begin{cases} H_0: \mu_e = \mu_p \\ H_1: \mu_e \neq \mu_p \end{cases}$ <p>μ_p: میانگین اهمیت مؤلفه‌های کیفیت خدمات شهری از دیدگاه شهروندان μ_e: میانگین اهمیت مؤلفه‌های کیفیت خدمات شهری از دیدگاه کارشناسان</p>	آزمون T نمونه‌های مستقل	۰/۰۲۰	با ۹۵٪ اطمینان «بین دیدگاه شهروندان و دیدگاه کارشناسان، در مورد اهمیت عوامل مؤثر بر کیفیت خدمات شهری، تفاوت معنی داری وجود دارد».
فرضیه دوم	$\begin{cases} H_0: \mu_p = \mu_e \\ H_1: \mu_p \neq \mu_e \end{cases}$ <p>μ_p: عوامل محیط خارجی مؤثر بر مدیریت استراتژیک شهر رامسر μ_e: عوامل محیط داخلی مؤثر بر مدیریت استراتژیک شهر رامسر</p>	آزمون من - ویتنی	۰/۲۵۳	با ۹۵٪ اطمینان «بین عوامل محیط خارجی و داخلی مؤثر بر مدیریت استراتژیک شهر رامسر، تفاوت معنی داری وجود ندارد».

معنی داری برابر با ۰.۰۲۰ شد و با اطمینان ۹۵٪ ملاحظه شد که بین دیدگاه صاحب نظران دانشگاهی و کارشناسان در مورد اهمیت عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر، تفاوت معنی داری وجود دارد و بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. فرضیه دوم، باتوجه به اینکه از صاحب نظران دانشگاهی و کارشناسان خواسته شده بود تا عوامل خارجی و داخلی را بر روی یک طیف رتبه‌ای تعیین نمایند و باتوجه به کیفی بودن موضوع، برای استنباط آماری باید از آزمونهای ناپارامتریک استفاده می‌گردید. لذا این فرضیه تفاوت‌های اساسی بین عوامل محیط خارجی و عوامل محیط داخلی را مورد بررسی قرار می‌داد به این دلیل که دو متغیر مذکور از هم مستقل فرض شدند بنابراین، برای بررسی فرضیه فوق از «آزمون من-ویتنی» استفاده شد که این آزمون یکی از قوی‌ترین آزمون‌های غیرپارامتری و یکی از مفیدترین

جانشین‌های آزمون پارامتری t می‌باشد، به گونه‌ای که وقتی مقادیر بدست آمده مقیاس رتبه‌ای دارند، وسیله تجزیه و تحلیل مناسبی می‌باشد و از طرفی این آزمون معلوم می‌داد که آیا دو گروه عوامل مستقل از دو جامعه آماری مشترک احصاء می‌گردند یا خیر؟ که سطح معنی داری برابر با ۰/۲۵۳ گردید و با ۹۵٪ اطمینان ملاحظه گردید که بین عوامل محیط خارجی و داخلی مؤثر بر مدیریت استراتژیک توسعه شهری رامسر، تفاوت معنی داری وجود ندارد، بنابراین فرضیه دوم رد گردید.

منابع و مأخذ

اکبری، غضنفر و عبدالهی، مجید (۱۳۸۱) مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری، انتشارات قلمستان، تهران.
 امیر کبیری، علیرضا (۱۳۷۷) مدیریت استراتژیک، نشر ملک، تهران.

استونر، جیمز آر تورفنیچ و فریمن، ادوارد (۱۳۷۹) مدیریت تخصصی، ویرایش حسن اسماعیلی پور، نگاه دانش، تهران.

حبیبی، محسن (۱۳۸۶) از شار تا شهر تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر، موسسه چاپ وانتشارات دانشگاه تهران، تهران.

خاتمی، محمد (۱۳۸۱) از دنیای شهر تا شهر دنیا، نشر نی چاپ یازدهم، تهران.

داوری، دردانه، شانه ساززاده، محمد حسن (۱۳۸۰) مدیریت استراتژیک از تئوری تا عمل، نشر آتنا، تهران.

دیوید، فردآر (۱۳۸۸) مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، چاپ چهاردهم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.

رابینز، استیون پی (۱۳۸۵) تئوری سازمان (ساختار، طراحی و کاربرد)، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

رایسن، جان مور (۱۳۸۳) برنامه ریزی استراتژیک برای سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی، مترجم عباس منوریان، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، تهران.

رضائیان، علی (۱۳۸۰) سیستم اطلاعات مدیریت (مدل سازی اطلاعات) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران

رهنمایی، محمدتقی و شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۵) فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت، تهران.

ستیزی، رالف (۱۳۸۴) فکر استراتژیک و مدیریت تحول: دیدگاه‌های بین‌المللی درباره پویایی سازمانی، ترجمه مصطفی جعفری، مه‌زیار کاظمی موحد، رسا، تهران.

سجادی، سید محمد تقی (۱۳۸۳) تاریخ و جغرافیای تاریخی رامسر، انتشارات معین، تهران.

سعیدنیا، احمد (۱۳۸۱) مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری ها، جلد یازدهم، وزارت کشور، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران.

شکوهی، علیرضا، نثاری، محمد (۱۳۸۱) راهنمای کاربردی ایجاد توسعه برنامه استراتژیک در ایالت آریزونا،

نشر بیست، اصفهان.

صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۷۹) مفهوم، مبانی و چالش های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۱، صص ۸۱-۶۸.

صرافی، مظفر (۱۳۸۷) تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۱۳۴-۱۱۵.

طالب بیدختی، محمدحسین (۱۳۷۴) برنامه ریزی استراتژیک شرکت صنعتی مهرآباد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه صنعتی شریف، تهران.

علی احمدی، علیرضا، اللهیاری، احمد (۱۳۸۲) استراتژی رقابت نوآوری در کسب کار، تولید دانش، تهران.

کوبین، جیمز براین، مینتزرگ، هنری، جیمز، رابرت (۱۳۷۳) مدیریت استراتژیک: فرآیند استراتژی، ترجمه محمد صائبی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.

کیانی، غلامرضا، غفاریان وفا (۱۳۸۶) ۵ فرمان برای تفکر استراتژیک، ناشر سازمان فرهنگی فرا، تهران.

کاپلان، رابرت، نورتون، دیوید (۱۳۸۶) همسویی استراتژیک ایجاد هم‌افزایی با کارت امتیازی متوازن، ترجمه بابک زنده دل، مسعود سلطانی، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی: گروه پژوهشی صنعتی آریانا، تهران.

کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶) الگوی مناسب سیستم مدیریت شهری در ایران، فصل نامه مدیریت شهری، شماره ۲۱، صص ۴۵-۳۲.

نجات حسینی (۱۳۸۰) بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ اول، تهران.

نوریان، فرشاد و محمد شریف (۱۳۷۵) نگرشی بر روند تهیه طرح تفصیلی در شهرسازی، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، تهران.

نوید رضوانی، سعید (۱۳۸۵) بهبود مدیریت شهری، دفتر مطالعات برنامه ریزی وزارت کشور، ص ۴۰.

دیوید، فردار (۱۳۸۸) مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، چاپ چهاردهم، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

zen Satisfaction Surveys: An Burns, W. J., ۱۹۸۷. The Delphi Method: a Discussion of Why, When, and How. Southern Oregon State College. USA.

Dalkey, N., & Helmer, O. (۱۹۶۳). An experimental application of the Delphi method to the use of experts. *Management science*, ۳(۹), ۴۵۸-۴۶۷.

Delbecq, A. L.; Van de Ven, A.H. and Gustafson, D.H., ۱۹۷۵. Group Techniques for Program Planning: a Guide to Nominal Group and Delphi Processes. Scott, Foresman, Michigan.

DeSantis, Victor S. and Tari Renner (۲۰۰۲). "City Government Structures: an Attempt at Classification" *State and Local Government Review*, vol. ۳۴, no. ۲.

Duffy, B. ۲۰۰۹. One world many places, Citizens views of municipal government and local areas across the world, USA.

Duvall, Julianne (۲۰۱۰) Contemporary Choices for Citizens," in Roger L. Kemp, ed. *Forms of Local Government: A Handbook on City, County and Regional Options*.

Fry, F. L., & Stoner, C. R. (۱۹۹۵). Strategic Planning for the new and small business. Upstart publishing company.

Gleeson, B., & Low, N. (۲۰۰۰). Australian urban planning: new challenges, new agendas. Sydney: Allen & Unwin.

Greenley, G. E. (۱۹۸۶). Does strategic planning improve company performance?. *Long Range Planning*, ۱۰۹-۱۰۱, (۲)۱۹.

Hambrick, D. C. (۱۹۸۴). Taxonomic approaches to studying strategy: some conceptual and methodological issues. *Journal of Management*, ۱۰(۱), ۴۱-۲۷.

Hasson, F., Keeney, S., & McKenna, H. (۲۰۰۰). Research guidelines for the Delphi survey technique. *Journal of advanced nursing*, ۳۲(۴), ۱۰۰۸۱-۱۵.

Hodge, B. J., Anthony, W. P., & Gales, L. M. (۱۹۸۸). *Organization theory*. Boston: Allyn and Bacon.

Jefferson, NC: McFarland & Co.

Jeppesen, S., Andersen, J. E., & Madsen, P. V. (۲۰۰۶). *Urban Environmental Management in Developing Countries-Land Use, Environmental Health and Pollution Management-A Review*. University of Copenhagen.

Keeney, S.; Hasson, F. and McKenna, H., ۲۰۱۱. The Delphi Technique in Nursing and Health

رهنمایی، محمد تقی و شاه حسینی، پروانه (۱۳۸۵) فرایند برنامه ریزی شهری ایران، انتشارات سمت، تهران

سیستی، رالف (۱۳۸۴) فکر استراتژیک و مدیریت تحول: دیدگاه‌های بین‌المللی درباره پویایی سازمانی، ترجمه مصطفی جعفری، مه‌زیار کاظمی موحد، رسا، تهران

سعید نیا، احمد، (۱۳۸۱) مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری‌ها، جلد یازدهم، وزارت کشور، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری، چاپ اول

صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۷۹) مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۱ صص ۶۸-۸۱

صرافی، مظفر (۱۳۸۷) تحلیل مفهومی شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۱۱۴-۱۱۵

هاشمی، فضا الله (۱۳۸۱) حقوق شهری و قوانین شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، صص ۱۷-۱۳.

هینز، استیون (۱۳۸۷) رویکرد تفکر سیستمی بر برنامه ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه رشید اصلانی، نشرنی، تهران.

واگر، اورویل و دیگران (۱۳۸۳) استراتژی بازار یابی با رویکردی تصمیم محور، ترجمه محمد اعرابی، داود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.

ولز، دنیس‌لینزی (۱۳۸۱) مدیریت استراتژیک برای رهبران ارشد: کتاب راهنمای پیاده سازی، ترجمه بهروز ریاحی، مهدی ریاحی، مرکز آموزش عالی علمی کاربردی زاهدان مدرسان سرآمد، شرکت مشاوره و مهندسی کیفیت نسل پیشرو پارس، موسسه رشد مدیریت کیفیت و توسعه سرآمدی فردای ایرانیان، نشر مربع، تهران.

Akther, M., Islam, I., Uddin Hassan, M. ۲۰۱۱. Evaluation of municipal services in selected wards of Dhaka City Corporation: citizen's perspective, Bangladesh.

Bo Gattis, S. ۲۰۱۰. The Why's and How's of Citi-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

۴۱۴

- Research. Wiley-Blackwell, UK.
- Kuo, Y. F., & Chen, P. C. (۲۰۰۸). Constructing performance appraisal indicators for mobility of the service industries using Fuzzy Delphi Method. *Expert Systems with Applications*, ۳۵(۴), -۱۹۳۰-۱۹۳۹.
- Landeta, J. (۲۰۰۶). Current validity of the Delphi method in social sciences. *Technological forecasting and social change*, ۷۳(۵), ۴۶۷-۴۸۲.
- Linstone, H. A. and Turoff, M., ۱۹۷۵. *The Delphi Method: Techniques and Applications*. Addison-Wesley Pub. Co., Michigan.
- Malik, Z. A., & Karger, D. W. (۱۹۷۵). Does long-range planning improve company performance. *Management Review*, ۶۴(۲), (۹۶۳۱-).
- Margre, J. & Bertrana, X. (۲۰۰۴), *Local Governments and Public City Managers in Seventeen European Countries*, http://www.csital.org/pdf/documents/۲۰۰۶_۰۱_Local_Government_S.pdf.
- McGinnis, V. J. (۱۹۸۱). The mission statement: A key step in strategic planning. *Business*, ۳۱(۶), -۳۹-۴۳.
- Miller, F. P.; Vandome, A. F. and McBrewster, J., ۲۰۱۰. *Delphi Method: Delphi Method, Forecasting, Median, The Wisdom of Crowds, Wideband Delphi*, John Brunner (novelist), DARPA, Policy Analysis Market, Prediction Market. Alphascript Publishing.
- Montalvo, D. ۲۰۰۹. *Citizen Satisfaction with Municipal Services, USA*.
- Mouritzen, P.E. and Svava, J.H. (۲۰۰۲) *Leadership at the Apex. Politicians and Administrators in Western Local Governments*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
- Munk, W. P., & Shane, B. (۱۹۹۴). Using competitive analysis models to set strategy in the Northwest hardboard industry. *Forest products journal*, ۴۴(۱۸-۱۱), (۸-۷).
- Okoli, C., & Pawlowski, S. D. (۲۰۰۴). The Delphi method as a research tool: an example, design considerations and applications. *Information & Management*, ۴۱, (۱)۲۵۲۹-.
- Quitau, M. B., Jensen, J. S., Elle, M., & Hoffmann, B. (۲۰۱۳). Sustainable urban regime adjustments. *Journal of Cleaner Production*.
- Ratcliffe, J., & Stubbs, M. (۲۰۱۳). *Urban planning and real estate development*. Routledge.
- Skulmoski, G. J., Hartman, F. T., & Krahn, J. (۲۰۰۷). The Delphi method for graduate research. *Journal of information technology education*, ۶, ۱.
- Song, G., Zhou, L., & Zhang, L. (۲۰۱۱). Institutional design for strategic environmental assessment on urban economic and social development planning in China. *Environmental Impact Assessment Review*, ۳۱(۶), ۵۵۸۶-۸۲.
- Walker Michael H. ۲۰۰۶. *How Are We Doing? Using Citizen Surveys to Improve Government Management*, Berkshire Advisors, England.
- Waterman, R. H. (۱۹۸۷). *The renewal factor: How the best get and keep the competitive edge*. New York: Bantam Books.
- Wechsler, B., & Backoff, R. W. (۱۹۸۷). The dynamics of strategy in public organizations. *Journal of the American Planning Association*, ۵۳, (۱)۳۴-۴۳.
- Zenker, S., Petersen, S., & Aholt, A. (۲۰۰۹). Development and implementation of the citizen satisfaction index (CSI): four basic factors of citizens' satisfaction. *Research Papers on Marketing and Retailing*.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۰ پاییز ۹۴
No.40 Autumn 2015

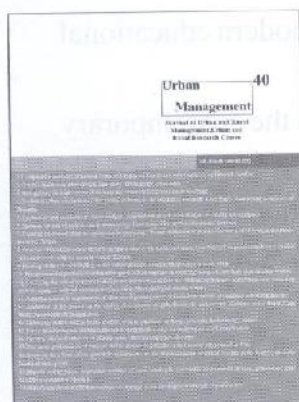
■ ۴۱۶ ■

Index

1. Comparative Analyses of Various Types of Uncovered Timchehes with Emphasis on Timcheh Sarafian ■ 7-22 ■
2. Graphic position in urban design, case study: urban design documents ■ 23-46 ■
3. Recognizing the implications of housing and residence based on Islamic teachings ■ 47-60 ■
4. Evolution urban satisfaction of the quality of living in the residential complex; Case Study: Residential complexes of Hamadan ■ 61-80 ■
5. Exploratory and confirmatory factor analysis, standardization and promotion of citizenship questionnaire ■ 81-106 ■
6. Examine the role of architecture in urban design Case study: The modern educational facilities ■ 107-140 ■
7. Examine the role of religious institutions in increasing vibrancy in the contemporary case study of Holy righteous Rehabilitation, Tehran ■ 141-158 ■
8. Analysis of factors affecting the environmental ideas in the traditional sense; Case Study: Comparative traditional market and commercial complex Safavid Khashan Khashan ■ 159-176 ■
9. Reading of the role of branding on the competitiveness of urban architecture in world cities ■ 177-206 ■
10. Principles and design criteria detention urban spaces with an emphasis on social psychology; A Case Study of Architecture in prison ■ 207-236 ■
11. Clarifying the role of emotional intelligence and political skill in the relationship between transformational leadership style of managers with job satisfaction (Case Study Municipality of Bandar Abbas) ■ 237-248 ■
12. Approach to identify requirements of urban development policies and economic policies of resistance to building industry ■ 249-268 ■
13. Evaluation of the impact on the vitality of citizens in neighborhoods old architectural elements native Rasht (Case Study: Neighborhood Sagharisazan) ■ 269-284 ■
14. Genealogy tourist town in health tourism, with an emphasis on design principles hydrotherapy centers ■ 285-312 ■
15. Fuzzy epistemological and methodological compatibility with the Architecture and Urban Studies ■ 313-326 ■
16. Nurabad electoral behavior of citizens in the ninth parliamentary elections ■ 327-350 ■
17. The future performance of directors and its relation to progress in the Crowbar city council in 1392 ■ 351-362 ■
18. Study on the effects of city growth boundaries Act on the physical-spatial structures of cities in the future (casestudy: Mashhad metropolis) ■ 363-380 ■
19. Identify and prioritize appropriate patterns of rural housing in sustainable development of rural architecture using MADM techniques at Masalcity ■ 381-396 ■
20. Identify and develop effective strategies to manage urban development strategic city of Ramsar ■ 397-416 ■

Urban Management

A Quarterly Journal of Urban
Management and Planning
Vol.14 No.40 Autumn 2015



The Urban and Rural Research Center

Address: No. 17, Shahid Naderi
St., Keshavarz Blvd, Vali-e-Asr sq.,
Tehran, Iran

Tel: 88976651-88986382-
88966239

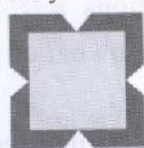
Fax: 88977918

Urban Research Center:

Address. As above, North Forth
Floor

Tel: 88977919

Ministry of Interior



Iran Organization Of Municipality
and Rural Managers The
Cultural, Informative and
Publications Institute

<http://www.imo.org.ir>

License Holder: The Iranian Municipalities Organization (I.M.O)
Managing Director: Hoshang khandandel
Editor-in-chief: Mohammadreza Bemanian

The Editorial Board:

- Aminzade, Behnaz.** Associate Prof, Environmental Studies
Department, Tehran University
Asgari, Ali. Associate Prof, Management Studies Department,
York University of Canada
Azizi, Mohammad Mahdi. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University
Behzadfar, Mostafa. Assistant Prof, Architecture and Urban
Planning Department, Elm-o-san'at University of Iran
Bemanian, Mohammadreza. Associate Prof, Art and
Architecture Department, Tarbiat Modares University
Diba, Darab. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran University
Etesam, Iraj. Prof, faculty of fine art, Tehran University
Farhangi, Ali Akbar. Prof, Management Department, Tehran
University
Ghafari, Ali. Prof, Architecture and Urban Planning Department,
Shahid Beheshti University
Golabchi, Mahmood. Prof, Faculty of Fine Arts, Tehran
University
Latifi, Gholamreza. Assistant Prof, Social Sciences Department,
Allameh Tabatabayee University
Mirsepasi, Nasser. Prof, Management and Economy
Department, Azad University of Tehran
Naghizade, Mohammad. Assistant Prof, Art and Architecture
Department, Azad University of Tehran
Pourjafar, Mohammadreza. Prof, Art and Architecture
Department, Tarbiat Modares University
Sedigh Sarvestani, Rahmatallah. Prof, Social Sciences
Department, Tehran University
Tavosi, Mahmood. Prof, Art and Architecture Department,
Tarbiat Modares University

Editorial manager: Mahmoudinedjad, Hadi, Phd, Tarbiat
Modares University

Editorial Administarator: M. Shahryari

Editorial Committee: O. Ahadion, E. Taherimehr,

English Editorial: M. Heidarollad

Layout & Design: Payeshpouyesh@gmail.com

Publisher: Asra Publishing Group

- Papers submitted for publication should describe original work not previously published.
- Papers presented at a scientific meeting should be accompanied by particulars of the Meeting.
- Manuscripts may be submitted in English, and should be written according to sound grammar and proper terminology, irrespective of the language, the paper should be accompanied by both English and Persian abstracts.
- Manuscripts should be typed on one side of the A4 paper, with double spacing and 3 cm margin at each side submitted in triplicate.
- The first page of the paper should only contain the title, name(s), degree(s) and address of the author(s), and the source(s) or financial support for the study, if applicable.
- The text should include: title, 3-5 keywords, abstract, introduction, materials and methods, results and discussion, acknowledgment if any, and reference.
- The English and Persian abstracts for each paper submitted on two separate pages and inclusive of all information requested under item 4, should not exceed 20 lines.
- Tables, in limited numbers, should be submitted on separate with the captions placed above.
- Figures and graphs (only in black and white) in limited numbers, are accepted only if they are of high quality art work and mounted on separate pages with the legends placed below.
- The same data should not be presented in both tables and figures, and their suggested place should be clearly marked on the margin of the text.
- References alphabetically arranged by the author's name, and in sequential numbers, as will be referred to in the text, should include the following information: name of the author(s), year of publication, title, name, of the journal (as abbreviated by index medicus), volume number and page number. With regards to books, the edition, name and address of the publisher should replace the name and volume number of journal.
- Short communication and case reports should, when possible, follow the same be ordered in advance.
- The sole responsibility for the views and statement expressed in the article remains only with the author(s).
- Editors of the journal reserve the journal reserve the right accept or reject any article, as necessary.

Urban

Management

40

**Journal of Urban and Rural
Management, Urban and
Rural Research Center**

Vol.14 No.40 Autumn 2015

1. Comparative Analyses of Various Types of Uncovered Timchehes with Emphasis on Timcheh Sarafian
2. Graphic position in urban design, case study: urban design documents
3. Recognizing the implications of housing and residence based on Islamic teachings
4. Evolution urban satisfaction of the quality of living in the residential complex; Case Study: Residential complexes of Hamadan
5. Exploratory and confirmatory factor analysis, standardization and promotion of citizenship questionnaire
6. Examine the role of architecture in urban design Case study: The modern educational facilities
7. Examine the role of religious institutions in increasing vibrancy in the contemporary case study of Holy righteous Rehabilitation, Tehran
8. Analysis of factors affecting the environmental ideas in the traditional sense; Case Study: Comparative traditional market and commercial complex Safavid Kashan Kashan
9. Reading of the role of branding on the competitiveness of urban architecture in world cities
10. Principles and design criteria detention urban spaces with an emphasis on social psychology; A Case Study of Architecture in prison
11. Clarifying the role of emotional intelligence and political skill in the relationship between transformational leadership style of managers with job satisfaction (Case Study Municipality of Bandar Abbas)
12. Approach to identify requirements of urban development policies and economic policies of resistance to building industry
13. Evaluation of the impact on the vitality of citizens in neighborhoods old architectural elements native Rasht (Case Study: Neighborhood Sagharisazan)
14. Genealogy tourist town in health tourism, with an emphasis on design principles hydrotherapy centers
15. Fuzzy epistemological and methodological compatibility with the Architecture and Urban Studies
16. Nurabad electoral behavior of citizens in the ninth parliamentary elections
17. The future performance of directors and its relation to progress in the Crowbar city council in 1392
18. Study on the effects of city growth boundaries Act on the physical-spatial structures of cities in the future (casestudy: Mashhad metropolis)
19. Identify and prioritize appropriate patterns of rural housing in sustainable development of rural architecture using MADM techniques at Masalcity
20. Identify and develop effective strategies to manage urban development strategic city of Ramsar